



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

انجمن ترویج و نشر علم
تهران - ایران



پایان المفلحین

در

احوال غایبین صاحب مناقب و آثار

علی بن ابی طالب علیه السلام ششمین

سید کبیری

جلد ۱-۲

تألیف

سید مصطفیٰ القاسمی محدثی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بيان المفآخر: در احوالات عالم جليل صاحب مناقب و اثر حاج سيد محمدباقر حجه الاسلام شفتي بيدآبادي

نويسنده:

مصلح الدين مهدوى

ناشر چاپي:

کتابخانه مسجد سيد اصفهان

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۴	بیان المغاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی
۲۴	مشخصات کتاب
۲۴	جلد ۱
۲۴	مشخصات کتاب
۲۵	اشاره
۲۹	پیشگفتار مولف
۳۳	آثار مولف کتاب
۳۶	سبب تالیف این کتاب
۳۶	اشاره
۴۰	علماء شیعه در دو سنگر مبارزه کرده اند
۴۱	بخش اول: نام و نسب و مولد
۴۱	اشاره
۴۴	فصل اول: (نام و نسب)
۴۴	نسب شریف سید حجه الاسلام شفتی
۴۸	تولد سید بیدآبادی
۴۹	محل تولد
۴۹	اشاره
۵۲	فصل دوم: (قوال بزرگان و مولفین درباره سید حجه الاسلام)
۵۲	اشاره
۵۲	مقدمه این فصل
۶۱	استعمال کلمه امام در نوشته ها
۷۱	مخالفین سید حجه الاسلام
۷۹	بخش دوم: زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)
۷۹	زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)
۷۹	اشاره
۸۰	مهاجرت سید حجه الاسلام به اعیان مقدسه جهت تکمیل تحصیلات
۸۰	فقر سید در اعیان مقدسه
۸۰	اشاره
۸۱	تدریس در ضمن تحصیل
۸۲	سید وحاجی کلیاسی در نجف
۸۳	سید حجه الاسلام و علامه بحر العلوم
۸۳	سید حجه الاسلام و صاحب ریاض المسائل
۸۴	استجازه از اساتید
۸۴	اساتید و مشایخ اجازه
۸۴	سید حجه الاسلام از مشایخ اجازه
۸۶	اجازه نقل حدیث

۸۹	شهرت و لقب مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی
۹۰	بعضی از معروفین به حجه الاسلام
۹۱	القابی که با (الاسلام) رواج یافته
۹۳	القاب گروهی از علما شیعه بزرگ شیعه
۹۴	قابل توجه ودقت :
۹۵	فصل چهارم: (اساتید و مشایخ حجه الاسلام در عراق و ایران)
۹۵	اشاره
۹۵	مقدمه این فصل
۹۶	دوره های تحصیل
۹۷	۱- حاج میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن گیلانی
۹۹	۲- آقا باقر (محمد باقر) بن مولی محمد اکمل اصفهانی
۱۰۰	۳- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل درفولی
۱۰۲	۴- شیخ جعفر بن خضر جناحی
۱۰۵	۵- شیخ سلیمان بن معنوق عاملی کاظمی
۱۰۶	۶- آخوند ملاعلی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی
۱۰۸	۷- میر سید علی بن محمدعلی
۱۱۰	۸- سید محسن بن حسن بن مرتضی اعرجی کاظمینی
۱۱۲	۹- آقا سید محمد بن امیرسیدعلی طباطبائی حائری اصفهانی
۱۱۶	۱۰- حاج ملا مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نرالی کاشانی
۱۱۸	۱۱- میرزا محمد مهدی بن ابوالقاسم موسوی شهرستانی
۱۲۰	۱۲- حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی
۱۲۵	بخش سوم: (مهاجرت سید حجه الاسلام بیدآبادی به اصفهان)
۱۲۵	اشاره
۱۲۶	فصل پنجم: (مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)
۱۲۶	اشاره
۱۲۶	سال ورود به اصفهان
۱۲۷	سکونت در مدرسه چهار باغ
۱۲۷	مدرس مدرسه چهار باغ
۱۲۸	علت خروج مرحوم حجه الاسلام از مدرسه چهار باغ
۱۲۹	منزل مرحوم سید حجه الاسلام
۱۲۹	کرامتی از اقا محمد بیدآبادی
۱۳۳	قبله دعا وجماله
۱۳۴	امامت جماعت
۱۳۴	برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر
۱۳۶	پیشنهاد امام جمعی
۱۳۷	اولین نهی از منکر و گرفتاری
۱۴۰	فصل ششم: (موجبات شهرت سید حجه الاسلام)
۱۴۰	اشاره

۱۴۱	علل و موجبات ظاهری ترقی
۱۴۲	دید و بازدید
۱۴۳	دیدار از فتح علیشاه
۱۴۴	دیدار فتح علیشاه از سید حجة الاسلام
۱۴۴	مسافرت‌های فتح علیشاه به اصفهان
۱۴۷	برخی از موجبات اختلاف شاه با سید حجة الاسلام
۱۴۸	سفر حج
۱۵۰	چند پیش آمد تاریخی
۱۵۱	شروع ساختمان مسجد سید
۱۵۱	رد تقاضای فتح علیشاه
۱۵۳	فصل هفتم: (ثروت و دارایی مرحوم حجه الاسلام)
۱۵۳	اشاره
۱۵۳	ثروتمندان از علما شیعه
۱۵۵	افسانه ثروت
۱۵۸	داستانی شنیدنی
۱۶۰	منبع ثروت مرحوم سید حجة الاسلام
۱۶۳	یک روز عید غدیر
۱۶۳	سخاوت سید
۱۶۶	یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی بامور طلاب
۱۶۹	اینار
۱۷۰	کتابخانه مرحوم سید
۱۷۲	مالیات املاک مرحوم سید حجة الاسلام
۱۷۳	مرگ فتح علیشاه به نفرین سید حجة الاسلام
۱۷۶	فصل نهم: (کیفیت مراعات مرحوم سید حجه الاسلام)
۱۷۶	اشاره
۱۷۶	فراست سید در قضا و حل خصومات
۱۷۹	یک نمونه دیگر از مراعات نزد سید
۱۸۴	فصل هشتم: (قضاوت و اجرای حدود شرعیه و فصل خصومات)
۱۸۴	اشاره
۱۸۵	نظریه علماء شیعه درباره قضاوت
۱۸۷	اهمیت قضاوت و مقام قاضی
۱۹۳	نظریه حجة الاسلام راجع بوظائف مجتهدین در زمان غیبت
۱۹۴	تعداد محکومین به قتل
۱۹۵	قضاوت و فصل خصومات
۱۹۷	بخش چهارم: (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)
۱۹۷	فصل دهم: (مرگ فتحعلی شاه و روی کار آمدن محمد شاه)
۱۹۷	اشاره
۱۹۷	تعیین ولیعهد
۱۹۹	مخالفت شاه و وزیر او با علماء

۱۹۹	پناهندگی امین الدوله
۲۰۱	نامه قائم مقام به سید حجة الاسلام
۲۰۲	علل و موجبات مخالفت شاه با سید حجة الاسلام
۲۰۴	مسافرت حاجی کلباسی بطهران
۲۰۵	امین الدوله کیست
۲۰۶	شورش مردم اصفهان
۲۰۹	علمای شیعه همیشه باظالم مخالف بوده اند
۲۱۰	داستانی از امیر کبیر
۲۱۱	نامه وزیر مختار انگلیس به سید حجة الاسلام
۲۱۲	جواب سید حجة الاسلام به نامه سفیر کبیر انگلستان :
۲۱۵	پناهندگی ملا محمد تقی اردکانی
۲۱۶	طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید حجة الاسلام
۲۱۷	آثار باقیه محمد شاه
۲۱۷	معاشرین و معتمدین و مشاورین محمد شاه :
۲۲۳	آوردن معتمد میرزا علی محمد باب را به اصفهان
۲۲۵	اشاره
۲۲۶	فصل یازدهم: (عبادت و بندگی و خضوع مرحوم سید)
۲۲۶	اشاره
۲۲۶	خشیت و ترس از خدا
۲۲۷	نشانه های شیعه
۲۳۰	عبادت مرحوم سید حجه الاسلام
۲۳۳	بیماری فتق
۲۳۳	مناجات خمسۀ عشر
۲۳۵	دو حالت متضاد
۲۳۶	چراغ جهت روشنائی
۲۳۷	قیافه و اندام سید حجة الاسلام
۲۳۹	فصل دوازدهم: (سید و برخی از معاصرین وی)
۲۳۹	اشاره
۲۳۹	۱- مرحوم آقا سید ابراهیم حسینی مختاری سبزواری ساوچی
۲۳۹	۲- میرزا محمد ابراهیم بن محمدباقر جوهری هروی الاصل قزوینی المسکن اصفهانی المدفن
۲۴۰	۳- حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن حاج محمد قاسم کاخکی کرباسی (مشهور به حاجی کلباسی)
۲۴۰	۴- حاج ملا اسدالله بروجردی. عالم فاضل محقق مدقق معروف به حجة الاسلام.
۲۴۱	۵- آقا محمد اسماعیل فرزند حاج محمد حسن عارف نائینی .
۲۴۳	۶- مرحوم آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی ایوان کیفی اصفهانی
۲۴۳	۷- مولی محمد تقی بن علی محمد نوری مازندرانی
۲۴۵	۸- میرزا سید جعفر فرزند میرزا محمد حسین بن میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اصفهانی حائری نواده دختری آقا محمد علی بهبهانی متصدی موقوفات شهرستانها و موقوفات میرزا فضل الله شهرستانی.
۲۴۶	۹- مرحوم میر محمد حسین بن میر عبد الباقی خاتون آبادی امام جمعه میفهان
۲۴۶	۱۰- ملا حسین بشر و بهای فرزند عبد الله
۲۴۶	۱۱- حاج محمد حسین شیخ زین الدین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی عارف از اقطاب صوفیه .

- ۱۲ - خسرو خان گرجی حاکم اصفهان ۲۴۷
- ۱۳ - عالم فاضل محقق شیخ خلف بن الحاج عسکر حائری ۲۴۸
- ۱۴ - حاج سید رضی مازندرانی ، حکیم و فیلسوف از مدرسن عالی مقام ۲۴۸
- ۱۵ - شیخ صادق رشتی ۲۴۹
- ۱۶ - سید سلیمان طباطبائی یزدی نائینی ۲۴۹
- ۱۷ - حاج میرزا عبد الرحیم بن حاج سعید شیخ الاسلام بن میرزا رحیم شیخ الاسلام نائینی ۲۵۰
- ۱۸ - حاج عبدالله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر ۲۵۱
- ۱۹ - آقا محمد علی بن محمد باقر مازندرانی. ۲۵۲
- ۲۰ - مرحوم آخوند ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی. ۲۵۲
- ۲۱ - مولی علی اکبر بن محمد باقر آزه ای. ۲۵۳
- ۲۲ - ملا قربانعلی بن رمضان رودباری قزوینی شاعر متخلص به بیدل. ۲۵۳
- ۲۳ - شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی. ۲۵۴
- ۲۴ - آقا سید صدر الدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی عالم جلیل ومحقق بی نظیر. ۲۵۵
- ۲۵ - مرحوم آقا میرزا محمد بن عبدالفتاح نیشابوری اخباری. ۲۵۶
- ۲۶ - مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلانی علامه فقیه. ۲۵۷
- ۲۷ - منوچهر خان معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان. ۲۵۷
- ۲۸ - آقا سید مهدی بن آقاسید علی طباطبائی حائری عالم زاهد فقیه ۲۵۸
- ۲۹ - شیخ نوح بن قاسم قرشی نجفی عالم وفاصل جلیل. ۲۶۰
- فصل سیزدهم: (تدریس - شاگردان) ۲۶۲
- اشاره ۲۶۲
- اسباب افغانها به جامعه روحانیت ۲۶۲
- تدریس ۲۶۶
- ۱- سید آقا بزرگ حسینی قاضی عسکر اصفهانی ۲۶۷
- ۲- آقا دکمه چین ۲۶۸
- ۳- حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ۲۶۹
- ۴- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی ۲۷۲
- ۵- ملا محمد ابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی ۲۷۳
- ۶- سید ابوالحسن بن محمد ابراهیم موسوی ۲۷۵
- ۷- سید ابوطالب بن ابی تراب بن قریش ۲۷۵
- ۸- شیخ ابوالقاسم اصفهانی ۲۷۸
- ۹- شیخ ابوالقاسم بن محمد صادق ۲۷۹
- ۱۰- سید ابوالقاسم بن محمد کاظم ۲۸۰
- ۱۱- حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج سید مهدی کاشانی ۲۸۲
- ۱۲- حاج سیداحمد بن میر سید حسین حسینی مرندی اصفهانی ۲۸۳
- ۱۳- سید احمد بن سید عبدالله حسینی میردامادی سدهی ۲۸۵
- ۱۴- ملا احمد بن علی اکبر تربتی ۲۸۶
- ۱۵- مولی احمد بن مولی علی اکبر نصرآبادی ۲۸۷
- ۱۶- سید ابوالقاسم احمد بن محمد حسینی کویانی اصفهانی ۲۸۸
- ۱۷- مولی احمد علی اصفهانی ۲۸۹

- ۱۸- حاج سید اسد الله بیدآبادی ۲۹۰
- ۱۹- ملا اسماعیل طیبسی خراسانی ۲۹۰
- ۲۰- محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم ۲۹۱
- ۲۱- سید اسماعیل بن میرابوطالب ۲۹۲
- ۲۲- شیخ اسماعیل بن شیخ محمد حسین سلطانیه ای ۲۹۲
- ۲۳- حاج میرزا اسماعیل بن میرزا محمد حسین دوم طباطبائی زواره ای ۲۹۳
- ۲۴- شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفادری ۲۹۵
- ۲۵- میرزا بابا اصطهباناتی ۲۹۵
- ۲۶- مولی محمدباقر ترشیزی ۲۹۶
- ۲۷- حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی ۲۹۷
- ۲۸- آقا میرزا محمد باقر خونساری ۲۹۸
- ۲۹- سید محمدباقر قزوینی بن سید علی حسینی قوومیدانی ۳۰۰
- ۳۰- سید محمد تقی موسوی بنگنه ای ۳۰۱
- ۳۱- ملا محمد تقی گزی ۳۰۲
- ۳۲- مولی محمد تقی بن ابیطالب اردکانی یزدی ۳۰۲
- ۳۳- مولی محمد تقی بن حسینعلی بن رضا بن اسماعیل هروی ۳۰۴
- ۳۴- ملا محمد تقی بن حاج ملا محمد علی اردستانی ۳۰۶
- ۳۵- ملا محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی ۳۰۷
- ۳۶- شیخ محمد جعفر جاسبی ۳۰۸
- ۳۷- سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی ۳۰۹
- ۳۸- آخوند ملا جعفر نظر آبادی ۳۱۰
- ۳۹- شیخ محمد جعفر بن حاج محمد ابراهیم کلیاسی ۳۱۰
- ۴۰- محمد جعفر بن محمد صالح رشتی ۳۱۲
- ۴۱- حاج محمد جعفر بن محمد صفی آاده ای ۳۱۳
- ۴۲- میرزا محمد جعفر شهشهبانی حسینی ۳۱۸
- ۴۳- حاج ملا محمد جعفر نوری بن محمد طاهر بن ابوالقاسم نوری طهرانی معروف به جالمیدانی ۳۱۹
- ۴۴- محمد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی ۳۲۰
- ۴۵- سید محمد جواد موسوی درب امامی ۳۲۱
- ۴۶- حاج سید جواد بن علیرضا بن محمد بن کمال الدین موسوی رضوی قمی ۳۲۲
- ۴۷- آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی بید آبادی معروف بمقدس ۳۲۳
- ۴۸- حسن بن احمد صفاری ۳۲۴
- ۴۹- سید محمد حسن مجتهد موسوی ۳۲۴
- ۵۰- آقا میر سیدحسن مدرس مهرمحمد صادقی ۳۲۶
- ۵۱- سید حسن بن علی بن رضی ابن عبد الغنی حسینی کاشانی معروف به امامت ۳۲۸
- ۵۲- سید حسن بن سید هاشم موسوی اصفهانی ۳۲۸
- ۵۳- ملا حسین اردستانی ۳۲۹
- ۵۴- شیخ محمد حسین طهرانی کربلاتی ۳۳۰
- ۵۵- محمد حسین کاشی اصفهانی، وی ظاهرا از شاگردان سید حجّه الاسلام شفتی بوده است ۳۳۰
- ۵۶- میر حسین طباطبائی کچوبهای اردستانی ۳۳۱

- ۵۷- شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی ۳۳۱
- ۵۸- شیخ محمد حسین بن حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ۳۳۲
- ۵۹- سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجهانی اصفهان عالم فاضل ۳۳۲
- ۶۰- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم دوم ۳۳۳
- ۶۱- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم میر دامادی سدهی ۳۳۴
- ۶۲- سید حسین بن محمد صادق حسینی امامی عریضی اصفهانی ۳۳۴
- ۶۳- حسین بن عزیز الله اصفهانی ۳۳۵
- ۶۴- میر محمد حسین بن میر سید علی حسینی میرمحمد صادقی ۳۳۵
- ۶۵- حسین بن علی لنجانی اصفهانی ۳۳۶
- ۶۶- مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی ۳۳۶
- ۶۷- محمد حسین بن محمد علی رشتی ۳۳۸
- ۶۸- ملا حمزه بیرجندی ۳۳۸
- ۶۹- مولی حمزه بن اسدالله جازری فرزند عبدالله بن علی محمد شریف علوی قاینی اصفهانی ۳۳۹
- ۷۰- آخوند ملا رجبعلی بن محمد ۳۴۰
- ۷۱- سید محمد رضا موسوی شیرازی ۳۴۰
- ۷۲- شیخ محمدرضا طبسی ۳۴۲
- ۷۳- حاج میرزا محمد رضا کلباسی (کرباسی) ۳۴۲
- ۷۴- محمد رضا بن محمد رفیع ۳۴۳
- ۷۵- شیخ محمد رضا لاهیجی فرزند مرتضی عالم فاضل قفیه ۳۴۳
- ۷۶- حاج سید رضا بن نصرالله بن میر محمد رضا حسینی ۳۴۴
- ۷۷- حاج میرزا رفیعا فرزند میر سیر محمد طباطبائی ۳۴۵
- ۷۸- مولی محمد رفیع بن علی رشتی ۳۴۵
- ۷۹- میرزا زین العابدین موسوی فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی ۳۴۶
- ۸۰- حاج میرزا زین العابدین بن سید ابو القاسم جعفر ثانی موسوی خونساری اصفهانی علیه الرحمه ۳۴۷
- ۸۱- سید شریف خلخالی فرزند سید عباس ۳۴۸
- ۸۲- حاج سید شفیع بن سید علی اکبر موسوی جاپلقی بروجردی ۳۴۹
- ۸۳- ملا محمد شفیع بن محمد خولی اصفهانی ۳۵۱
- ۸۴- میر محمد صادق بن سید محمد بن سید محمد علی حسینی ۳۵۲
- ۸۵- سید صادق بن هادی بن محمد رضا حسینی ۳۵۳
- ۸۶- مولی محمد صالح استرآبادی ۳۵۴
- ۸۷- شیخ محمد صالح بیدآبادی ۳۵۵
- ۸۸- حاج مولی محمد صالح بن آقا محمد برغانی قزوینی ۳۵۵
- ۸۹- ملا صفر علی لاهیجانی قزوینی ۳۵۷
- ۹۰- شیخ محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل درفولی ۳۵۸
- ۹۱- حاج ملاعبدالباقی بن محمد حسین کاشانی ۳۵۹
- ۹۲- میر عبدالباقی بن هادی بن میر محمد رضا حسینی ۳۶۰
- ۹۳- آقا عبدالحسین امین العلماء ۳۶۱
- ۹۴- عبدالرحیم بن محمد کریم هرندی (قهپایه ای اصفهانی) ۳۶۱
- ۹۵- میرزا عبدالجواد شاهرودی ۳۶۲

- ۹۶- ملا عبدالرزاق بن محمد قاسم تنکابنی ۳۶۳
- ۹۷- سید عبدالغنی بن میر محمد علی بن احمد حسینی ۳۶۴
- ۹۸- عبدالکریم بن محمد اسماعیل ۳۶۴
- ۹۹- سید عبد الله موسوی صفوی دزفولی ۳۶۵
- ۱۰۰- سید عبد الله نائینی ۳۶۷
- ۱۰۱- حاج سید عبد الله بن حجة الاسلام شفتی ۳۶۸
- ۱۰۲- ملا عبد الله زنوزی ۳۶۸
- ۱۰۳- میر سید عبدالله بن میرزا محمد رحیم کبیر میردامادی دهی اصفهانی (نسب او در سید احمد فرزندش ذکر شد) ۳۶۹
- ۱۰۴- مولی عبدالله بن نجم الدین ۳۷۰
- ۱۰۵- سید عبدالله بن سید هاشم حسینی بحرانی ۳۷۲
- ۱۰۶- شیخ عبدالوهاب ریزی ۳۷۲
- ۱۰۷- مولی عبدالوهاب بن محمد علی شریف قزوینی ۳۷۳
- ۱۰۸- حاج میرزا عسکری فرزند حاج میرزا هدایت الله بن میرزا سید مهدی رضوی موسوی حسینی ۳۷۴
- ۱۰۹- علی یرغانی ۳۷۶
- ۱۱۰- آقا سید علی بن حاج سید ابراهیم حسینی بیدآبادی ۳۷۷
- ۱۱۱- سید علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی ۳۷۷
- ۱۱۲- شیخ علی بن محمد نخجوانی ۳۷۸
- ۱۱۳- مولی علی اکبر بن ابراهیم خونساری اصفهانی ۳۷۹
- ۱۱۴- سید علی اکبر بن حاج میر محمد اسماعیل ۳۸۱
- ۱۱۵- سید محمد علی ابرقوئی ۳۸۱
- ۱۱۶- محمد علی بیدگلی کاشانی ۳۸۲
- ۱۱۷- مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی ۳۸۳
- ۱۱۸- میرزا محمد علی بن حاج ملا محمد حسین ۳۸۵
- ۱۱۹- سید محمد علی بن سید صدرالدین محمد موسوی عاملی معروف به آقا مجتهد عالم فاضل محقق ادیب شاعر ۳۸۵
- ۱۲۰- سید میرزا محمد علی موسوی شمس آبادی ۳۸۷
- ۱۲۱- سید فضل الله استر آبادی ۳۸۷
- ۱۲۲- سید کاظم طباطبائی زواره ای فرزند آقا علی ۳۸۸
- ۱۲۳- سید کریم حسینی لاهیجی ۳۸۹
- ۱۲۴- میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای ۳۸۹
- ۱۲۵- آقا ملا لطفعلی زانانی چهارمحالی ۳۹۰
- ۱۲۶- شیخ محسن بن اسماعیل دزفولی کاظمینی ۳۹۱
- ۱۲۷- شیخ محسن رشتی ۳۹۲
- ۱۲۸- آخوند ملا محمد ۳۹۳
- ۱۲۹- میرزا سید محمد رضوی مشهدی ۳۹۳
- ۱۳۰- آقا محمد مجتهد ۳۹۴
- ۱۳۱- ملا محمد نائینی ۳۹۵
- ۱۳۲- حاج آقا محمد قزوینی فرزند علامه تبه حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ۳۹۶
- ۱۳۳- حاج آل محمد کلباسی (کرباسی) ۳۹۶
- ۱۳۴- میرزا محمد خاتون آبادی ۳۹۷

۳۹۹	۱۳۵ - حاج میر سید محمد موسوی خونساری چهارسوقی
۴۰۰	۱۳۴ - میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی
۴۰۱	۱۳۵ - شیخ محمد بن قاسم جرقویه ای
۴۰۲	۱۳۶ - شیخ محمد مازندرانی
۴۰۳	۱۳۷ - ملا میرزا محمد بن محمد هادی نائینی
۴۰۶	۱۳۸ - شیخ مرتضی انصاری
۴۰۹	۱۳۹ - سید مرتضی بن سید هادی بن سید محمد رضا حسینی
۴۰۹	۱۴۰ - مولی مرتضی قلی
۴۱۰	۱۴۱ - آقا سید مؤمن بن حجة الاسلام شفتی
۴۱۱	۱۴۲ - آقا محمد مهدی کلباسی
۴۱۳	۱۴۳ - مولی محمد مهدی بن ابی الفتح قمیشه ای
۴۱۴	۱۴۴ - مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی
۴۱۵	۱۴۵ - سید هاشم حسینی
۴۱۵	۱۴۶ - محمد هاشم بن ابوالحسن موسوی
۴۱۶	۱۴۷ - آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی
۴۱۸	۱۴۸ - حاج میرزا یوسف مجتهدتبریزی فرزند حاج میرزا عبدالفتاح طباطبائی
۴۲۱	فهرست کتاب
۴۳۹	جلد ۲
۴۳۹	مشخصات کتاب
۴۳۹	اشاره
۴۴۳	اجازه سید به لاکانی
۴۴۴	یک صفحه از تحفة الابرار
۴۴۵	اجازه میرزای قمی جهت سید
۴۵۱	ادامه بخش چهارم : (حجه الاسلام از مرگ فتعلی شاه تا هنگام وفات)
۴۵۱	فصل چهاردهم: (تالیفات مرحوم سید حجة الاسلام)
۴۵۱	حدیث
۴۵۳	مقدمه :
۴۵۴	۱- اخباریها و ۲- اصولیها یا مجتهدین
۴۵۴	تالیفات :
۴۵۵	۱- آداب صلوة اللیل وفضائلها (رساله در نماز شب و فضیلت آن)
۴۵۶	کیفیت نماز شب
۴۵۷	۲ - الاجازات
۴۵۸	(تذکر) :
۴۶۰	اجازات
۴۶۱	اجوبه المسائل
۴۶۱	۳- احکام غسله (رساله در ...)
۴۶۲	الاستقبال
۴۶۲	۴- انواع ارضی (رساله در ...)
۴۶۳	۵ - بطلان وقف بر نفس (رساله در ...)

- ۴۶۵ پرسش و پاسخ
- ۴۶۶ ۶- تحفة الأبرار الملتقط (المستنيط) من آثار الائمة الاطهار عليهم السلام
- ۴۶۹ ۷- تحفة الأبرار
- ۴۶۹ ۸ - ترجمه حال ابان بن عثمان (رساله در ...)
- ۴۷۰ ۹- ترجمه حال ابراهيم بن هاشم قمی
- ۴۷۱ ۱۰- ترجمه حال ابی بصیر
- ۴۷۳ ۱۱ - ترجمه حال احمد بن محمد برقی
- ۴۷۴ ۱۲ - ترجمه حال احمد بن محمد بن عیسی قمی
- ۴۷۴ ۱۳ - ترجمه حال اسحاق بن عمار سابطی
- ۴۷۶ ۱۴ - ترجمه حال حسین بن خالد
- ۴۷۷ ۱۵ - ترجمه حال حماد بن عیسی الجهنی
- ۴۷۸ ۱۶ - ترجمه حال سهل بن زیاد الادمی الرازی
- ۴۷۹ ۱۷- ترجمه حال شهاب بن عبد ربه
- ۴۷۹ ۱۸ - ترجمه حال عبد الحمید بن سالم العطار
- ۴۸۰ ۱۹ - ترجمه حال عمر بن یزید
- ۴۸۱ ۲۰- ترجمه حال محمد بن احمد
- ۴۸۲ ۲۱ - ترجمه حال محمد بن اسماعیل (رساله در...)
- ۴۸۴ ۲۲ - ترجمه حال محمد بن خالد البرقی
- ۴۸۵ ۲۳ - ترجمه حال محمد بن سنان
- ۴۸۶ ۲۴ - ترجمه حال محمد بن الفضیل
- ۴۸۷ ۲۵ - ترجمه حال محمد بن عیسی البیظینی
- ۴۸۸ نامه حضرت جواد علیه السلام
- ۴۸۹ ماجیلویه لقب چهار نفر از محدثین است بدین قرار :
- ۴۹۰ حدیث
- ۴۹۱ ۲۷- ترجمه حال معویة بن میسره (و اینکه او همان معویة بن شریح است)
- ۴۹۲ ۲۸ - تطهیر العجین بتخیره وعدمه (رساله در ...)
- ۴۹۳ ۲۹- تقدیم الید علی الاستصحاب (رساله در ...)
- ۴۹۳ ۳۰ - التقلید
- ۴۹۴ ۳۱- تمییز مشترکات الرجال (رساله در ...)
- ۴۹۴ ۳۲ - جوابات المسائل
- ۴۹۴ ۳۳ - حواز هیه ولی مدت منقطعه را (رساله در...)
- ۴۹۵ ۳۴ - الحدود
- ۴۹۶ ۳۵ - حرمة فی رم الموطوء علی الواطی (رساله در ...)
- ۴۹۶ ۳۶ - حکم تزویج خواهر مطلقه (رساله در ...)
- ۴۹۶ ۳۷ - الحلیة الائمة
- ۴۹۸ ۳۸ - حواشی بر کتاب فروع کافی
- ۴۹۸ ۳۹ - خلاصه و منتخب تحفة الأبرار
- ۴۹۹ ۴۰ - رد بر مولی علی اکبر اژه ای درباره سلام نافله (رساله در ...)
- ۵۰۰ ۴۱ - الزهرة البارقة

۴۲ - زیارت عاشوراء (رساله در باره ...)	۵۰۱
۴۳ - سلام نماز نافله (رساله در باره ...)	۵۰۲
۴۴ - سؤال و جواب	۵۰۲
۴۶ - شرح بعضی از مسائل	۵۰۶
۴۷ - شرح تهذیب الاصول	۵۰۶
۴۸ - شکایات (رساله در ...)	۵۰۶
۴۹ - صلح حق الرجوع فی الطلاق (رساله در ...)	۵۰۷
۵۰ - عدم امکان تحقق عموم مطلق وعموم من وجه (رساله در بیان...)	۵۰۸
۵۱ - عدم جواز بقاء بر تقلید مجتهد میت (رساله در ...)	۵۰۸
۵۲ - عدم لزوم القبض فی الوقف المختص (رساله در ...)	۵۰۹
۵۳ - عمر مبارک امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام	۵۰۹
۵۴ - قبول قول نسوان (رساله در باره ...)	۵۱۰
۵۵ - قضاء وشهادات	۵۱۰
۵۶ - قضا وشهادات و برخی از فروع آن (رساله در ...)	۵۱۱
۵۷ - مشتق (رساله ای در ...)	۵۱۱
۵۸ - مطالع الانوار فی شرح شرایع الاسلام	۵۱۲
فهرست مطالع الانوار	۵۱۶
وجوب اقامه حدود بر مجتهدین وفقهاء در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	۵۱۸
۵۹ - مناسک حج (رساله در ...)	۵۱۸
۶۰ - مناظره شاه با سید	۵۱۹
فصل پانزدهم: (مسجد سید حجة الإسلام)	۵۲۱
اشاره	۵۲۱
ذکر چند حدیث	۵۲۱
وصف مسجد	۵۲۲
طول و عرض مسجد	۵۲۴
درهای ورودی مسجد	۵۲۴
زمین مسجد	۵۲۵
ابتدای شروع ساختن مسجد سید	۵۲۶
تکمیل ساختمان و تزئینات و تعمیرات :	۵۲۷
اثمه جماعت مسجد سید :	۵۲۸
ذکر دو نماز جماعت	۵۳۰
مؤذن مسجد سید	۵۳۲
مدرسین مسجد سید	۵۳۳
برگشت بمطلب :	۵۳۴
مکاتب مسجد سید	۵۳۵
مهمترین مکتب خانه در مسجد سید : مکتب آخوند ملا تقی دهنی بود .	۵۳۶
یکی دیگر از مکاتب این مسجد : مکتب خانه مرحوم آقا شیخ عزیز الله بید آبادی	۵۳۷
خطاطین ونویسندگان کتبه های مسجد سید	۵۳۷
اسامی شعرائیکه اثری از آنها در مسجد سید حجة الاسلام باقی است	۵۴۰

۵۴۵	یکی از مستحیات فراموش شده
۵۴۶	(علت تعطیل موضوع اعتکاف) :
۵۴۷	در اصفهان چهار صد مسجد جامع بزرگ و یک مسجد قابل ذکر هست .
۵۴۸	فصل شانزدهم : (در ذکر اسامی برخی از شعراء و مداحین)
۵۴۸	اشاره
۵۵۱	بیان مؤلف قصص العلماء :
۵۵۱	۱- سید محمد ابراهیم موسوی
۵۵۱	۲- اختر
۵۵۲	۳- علامه فقیه زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی
۵۵۲	۴- بیدل :
۵۵۲	۵- جوهری :
۵۵۳	۶- خلف :
۵۵۳	۷- سروش : محمد علی فرزند قنبر علی سدهی اصفهانی ملقب به شمس الشعراء از نسل میر یار احمد نجم ثانی خوزانی در سال ۱۲۲۸ متولد شده و در ۱۲۸۵ وفات یافته است . دیوانش بچاپ رسیده است .
۵۵۴	۸- عبد الکریم بن محمد اسماعیل (اصفهانی) شاعر - ادیب - خطاط نقاش از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام از آثارش ده بیت شعر در پشت جلد اول مطالع الانوار در تقریظ کتاب ومدح مؤلف نوشته شده است . در پشت جلد در اول کتاب نوشته است: ۵۵۴
۵۵۶	۹- عشرت فسانی
۵۵۶	۱۰- حاج میرزا فتح الله بن میرزا کوچک میر محمد صادقی حسینی
۵۵۷	۱۱- کفایش شاعر اصفهانی
۵۵۸	۱۲- گوینده ای ناشناس
۵۵۹	۱۳- گوینده ای ناشناس
۵۵۹	۱۴- گوینده ای ناشناس
۵۵۹	۱۵- حاج ملا علی نوری حکیم معروف .
۵۵۹	۱۶- وفا زواره ای:
۵۶۰	۱۷- هلال :
۵۶۰	۱۸- هما شیرازی اصفهانی
۵۶۱	۱۹- میرزا مهدی بموت زواره ای :
۵۶۲	۱- صغیر اصفهانی
۵۶۳	۲- مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر
۵۶۸	فصل هفدهم: (وظات - محل دفن)
۵۶۸	اشاره
۵۶۹	حدیث
۵۷۰	فوت
۵۷۰	نقل اقوال :
۵۷۱	رفع اشتیاء :
۵۷۱	اختلاف در روز و ماه :
۵۷۲	مراجعه به تقویم
۵۷۲	اشتیاء بزرگ :
۵۷۴	تذکر :
۵۷۴	آخرین ملاقات :
۵۷۵	مراسم تغسیل و تکفین و نماز

۵۷۵	روز وفات :
۵۷۶	استجابت دعا و طلب مرگ نمودن مرحوم سید :
۵۷۶	(نکته تاریخی) :
۵۷۶	تاریخ دفن :
۵۷۷	(نکته ای مجهول) :
۵۷۷	فائده :
۵۷۸	مدفن مرحوم سید حجة الاسلام :
۵۷۹	مرثیه ها و ماده تاریخها :
۵۷۹	۱- مرحوم عشرت فسانی
۵۸۰	۲- کفاش (شاعر گمنام اصفهانی)
۵۸۲	۳- ماده تاریخ و مرثیه دیگری از کفاش از دیوار بقعه
۵۸۲	۴ - ماده تاریخی از گوینده ای نامعلوم که برلنگه راست در ضریح مرحوم سید حجة الاسلام نوشته شده است :
۵۸۳	۵- مرحوم رضا قلیخان هما قصیده ای در ۷۴ بیت در توصیف بقعه مشرکه مرحوم سید حجة الاسلام و تاریخ وفات ایشان سروده که در دیوانش بطبع رسیده است در است در آنجا گوید:
۵۸۷	ب: مرثیه های عربی .
۵۸۸	مرثیه صاحب روضات
۵۸۹	دوم قصیده عینیه که در بیاض خود مرقوم نموده است با این مطلع :
۵۹۱	۳- در نخبه المقال می نویسد :
۵۹۱	۴ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر
۵۹۴	تذکر :
۵۹۴	ضریحی فولادی
۵۹۵	این ضریح دارای دری بسیار نفیس می باشد :
۵۹۹	ذکر یک حدیث:
۵۹۹	مدفونین در بقعه کوچک وحوالی مقبره مرحوم سید حجة الاسلام
۶۰۱	مرجعیت شیعه پس از فوت مرحوم سید حجة الاسلام
۶۰۲	فصل هیجدهم : (در ذکر اولاد و اعقاب مرحوم سید حجة الاسلام)
۶۰۲	مقدمه :
۶۰۲	ذکر یک حدیث:
۶۰۳	تعداد اولاد مرحوم سید حجة الاسلامی
۶۰۳	۱- آقا سید ابوالقاسم
۶۰۳	۲- حاج سید اسد الله
۶۰۳	۳- حاج سید جعفر
۶۰۳	۴- آقا سید زین العابدین
۶۰۳	۵- آقا سید عبد الله
۶۰۳	۶- حاج سید محمد علی
۶۰۳	۷- آقا سید مؤمن
۶۰۴	۸- آقا میر محمد مهدی
۶۰۴	۹ - آقا سید هاشم
۶۰۴	۱۰- آقا سید هاشم
۶۱۳	۱۱- گوهر بیگم (سلطان)

- ۶۱۳- میرزا علیرضا -
- ۶۱۳- بدر الدین
- ۶۱۳- ۲- حاج سید محمد تقی
- ۶۱۴- ۳- حاج سید محمد جواد
- ۶۱۴- ۱۲- زینب بیگم
- ۶۱۵- ۱۳- مرحوم کلیاسی
- ۶۱۵- زوجه مرحوم آقا محمد مهدی
- ۶۱۶- زوجات مرحوم سید حجة الاسلام
- ۶۱۷- (در منتسبین به مرحوم سید حجة الاسلام)
- ۶۱۷- آقا محمد ابراهیم قزوینی
- ۶۱۸- سید ابراهیم کابلی
- ۶۱۹- شیخ محمد ابراهیم کلیاسی (کرباسی)
- ۶۲۰- آقا سید ابو جعفر صدر موسوی عاملی (خادم الشریعه)
- ۶۲۱- میرزا ابو الفضل بید آبادی
- ۶۲۲- حاج میرزا ابوالقاسم کلیاسی
- ۶۲۳- حاج میرزا ابوالمعالی کلیاسی (محمد)
- ۶۲۴- حاج میرزا احمد ملا باشی (منجم باشی اصفهانی)
- ۶۲۵- میرزا اسماعیل موسوی
- ۶۲۵- حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی
- ۶۲۷- (کتابخانه حاج سید محمد باقر)
- ۶۲۸- نمونه اشعار
- ۶۲۹- سید محمد باقر عماد الاسلام
- ۶۳۰- (نکته)
- ۶۳۰- سید محمد باقر موسوی
- ۶۳۱- حاج آقا حسن ملاذ الاسلام
- ۶۳۲- (تذکر)
- ۶۳۲- فایده او ۲
- ۶۳۴- شیخ محمد حسین کلیاسی
- ۶۳۴- آقا سید حسین موسوی بیدآبادی
- ۶۳۵- شیخ محمد حسین جویباره ای
- ۶۳۶- حاج شیخ محمد رضا صالحی
- ۶۳۶- (تذکر)
- ۶۳۷- حاج میرزا محمد حسین جعفری
- ۶۳۹- حاج سید محمد رضا شفتی
- ۶۴۱- حاج آقا مهدی شفتی
- ۶۴۴- آقا میرزا عبد الجواد شفتی
- ۶۴۵- حاج میرزا عبدالرزاق رشتی
- ۶۴۶- مرحوم حاج آقا مرتضی رشتی
- ۶۴۶- آقا میرزا محمد مهدی

- ۶۴۶.....مرحوم حاج ملا علی خلیلی
- ۶۴۷.....میرزا محمد علی موسوی کابلی
- ۶۵۰.....حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام
- ۶۵۴.....آقا سید محمد
- ۶۵۵.....حاج میرزا محمود کلباسی
- ۶۵۵.....سید محمد مهدی موسوی
- ۶۵۶.....آقا نصیر الدین موسوی
- ۶۵۷.....میرزا یحیی مدرس بید آبادی
- ۶۵۹.....فصل بیستم: (بید آباد)
- ۶۵۹.....(بید آباد)
- ۶۶۰.....بید آباد در قرن پنجم
- ۶۶۰.....کوچه پشت بارو
- ۶۶۱.....نام بید آباد در کتاب محاسن اصفهان
- ۶۶۱.....باروی علاء الدوله
- ۶۶۱.....(رفع اشتباه) : در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۱۸۳) در ضمن بیان نام محلات اصفهان می نویسد :
- ۶۶۲.....جمعیت و ثروت مردم بید آباد
- ۶۶۲.....قبرستان بید آباد
- ۶۶۳.....موقعیت جغرافیائی محله بید آباد
- ۶۶۴.....آثار علاء الدوله کاکویه
- ۶۶۵.....بید آباد در زمان صفویه
- ۶۶۵.....بید آباد در زمان قاجاریه
- ۶۶۶.....دروازه بید آباد :
- ۶۶۷.....بید آباد در پنجاه سال قبل
- ۶۶۷.....خیابان مسجد سید
- ۶۶۸.....مدارس دینی محله بید آباد
- ۶۶۹.....مساجد محله بید آباد
- ۶۷۰.....قدمگاه :
- ۶۷۰.....اسامی کوچه های محله بید آباد
- ۶۷۱.....برخی از بازارچه های محله بید آباد
- ۶۷۲.....کاروانسراها و تیمچه های بید آباد
- ۶۷۳.....حمامهای محله بید آباد
- ۶۷۳.....چهار راه هفتم محرم
- ۶۷۴.....نامگذاری خیابانها و کوچه ها
- ۶۷۴.....(داستانی شنیدنی) :
- ۶۷۵.....بزرگان محله بیدآباد در دوره اول
- ۶۷۶.....بزرگان محله بید آباد از قرن پنجم تا قرن دوازدهم
- ۶۷۸.....بزرگان و معاریف محله بیدآباد در عهد قاجاریه و بعد از آن
- ۶۸۵.....مشایخ بیدآباد
- ۶۹۰.....بید آباد اصفهان - بید آباد شاهرود

۶۹۲	فصل بیست و یکم: (تاریخچه مختصری از شفت).....
۶۹۲	(تاریخچه مختصری از شفت).....
۶۹۲	شفت در قرن دهم.....
۶۹۳	وضعیت کنونی شفت.....
۶۹۴	مشاهیر شفت.....
۶۹۶	خانمه.....
۶۹۷	بخش پنجم : (شرح حال).....
۶۹۷	فصل اول : (مصادر شرح حال و گفته ها).....
۶۹۷	(مصادر شرح حال و گفته ها).....
۶۹۹	تولد:.....
۷۰۵	فصل دوم: (اساتید و مشایخ اجازات).....
۷۰۵	(اساتید و مشایخ اجازات).....
۷۱۰	فصل سوم: (برخی از شاگردان و مجازین).....
۷۱۰	مقدمه.....
۷۱۱	کیفیت تدریس :.....
۷۱۱	اسامی عده ای از شاگردان.....
۷۱۷	نکته :.....
۷۲۰	(تذکر) :.....
۷۲۱	فصل چهارم : (تألیفات مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی).....
۷۲۱	(تألیفات مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی).....
۷۳۴	(تذکر) :.....
۷۳۴	دو نظریه مختلف در باره دو کتاب.....
۷۳۷	فصل پنجم: (آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی).....
۷۳۷	(آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی).....
۷۳۷	آب نجف.....
۷۳۸	تاریخچه آن از قبل از اسلام تاکنون :.....
۷۴۲	نهر احدائی حاج سید اسدالله بید آبادی :.....
۷۴۳	ماده تاریخ.....
۷۴۴	غسالخانه در نجف اشرف :.....
۷۴۴	ج : تعمیرات مسجد سهله :.....
۷۴۴	(اهمیت مسجد سهله) :.....
۷۴۵	خصوصیات مسجد سهله:.....
۷۴۷	تعمیرات مدرسه یا قریه.....
۷۵۰	(وقف کردن مسجد سید) :.....
۷۵۰	(حسن سلیقه) :.....
۷۵۲	(فائده).....
۷۵۳	فصل ششم: (شورش مردم اصفهان).....
۷۵۳	(شورش مردم اصفهان).....
۷۵۴	مقدمه :.....

۷۵۶ قضایای اصفهان
۷۵۷ اولین اشتباه و توضیح:
۷۵۸ (خطای دیگر) :
۷۵۸ حکومت یافتن شهیدار
۷۵۹ اولین جرقه
۷۶۱ طرز برخورد امام جمعه با شورشیان
۷۶۱ اولین خطای شهیدار
۷۶۱ مسافرت مرحوم حاج سید اسدالله به عتبات
۷۶۲ برگشت دادن مرحوم حاج سید اسدالله
۷۶۲ بی‌سیاستی شهیدار
۷۶۳ عکس‌العمل و خطای شهیدار:
۷۶۳ عکس‌العمل میرزا عبدالحسین
۷۶۴ رسید کمک به قوای دولتی
۷۶۴ نظر خواهی از علماء اصفهان
۷۶۵ بیانات امام جمعه
۷۶۶ شفاعت کردن آقا محمد مهدی کلباسی
۷۶۶ تقاضای وساطت
۷۶۷ قرار داد متارکه
۷۶۷ تفاهت کردن شهیدار
۷۶۸ پیام شهیدار به شورشیان و مردم اصفهان
۷۶۸ نام برخی از علماء مهاجر
۷۶۹ حاجی میرزا محمد نواب لاهیجی
۷۷۰ (فائده) لسان الأرض : حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (ص ۴۰) در وجه تسمیه لسان الأرض پس از ذکر سند روایت گوید : حماد بن سلمه در تفسیر قول خداوند عزوجل که به آسمانها و زمین خطاب فرمود:
۷۷۰ حضرت یوشع
۷۷۱ جلوگیری کردن شهیدار از مرحوم حاج سید اسد الله وهمراهان
۷۷۱ برخورد دولتیان با مهاجرین
۷۷۲ بیان مؤلف روضه الصفا
۷۷۲ بیان سپهر در نسخ التواریخ
۷۷۳ بیان مرحوم انصاری
۷۷۴ برگشت به اصفهان
۷۷۵ عاقبت کار شورشیان
۷۷۶ کیکاوس میرزا کیست
۷۷۶ مهاجرت حاج سید اسد الله به عتبات
۷۷۶ مهاجرت آقا میرزا محمد حسن نوری
۷۷۷ مسافرت ناصر الدین شاه به اصفهان
۷۷۷ (فائده) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۰۱ پاورقی) در ضمن
۷۷۹ ه . تکمیل بنای مسجد سید
۷۸۱ فصل هفتم: (عبادت - زهد - کرامات)
۷۸۱ عبادت و زهد مرحوم حاج سید اسدالله

۷۸۷	اشعار در مدح و ستایش
۷۹۰	مرحوم حاج سید اسد الله و شعر
۷۹۲	مرحوم سید اسدالله و خط
۷۹۲	مقبولیت عامه
۷۹۳	حدیث و تفسیر:
۷۹۵	امامت جماعت
۷۹۵	(شرح یک نماز جماعت) :
۷۹۶	مقایسه دو عان مقایسه دو زمان
۷۹۶	(تذکر) :
۷۹۷	فصل هشتم: (خانواده و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله)
۷۹۷	(خانواده و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله)
۷۹۸	مسافرت به عتبات ووفات در بین راه
۷۹۸	(رفع اشتباه) : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۰۶ بیست و دوم) در ضمن بیان مناسک حج وقات مرحوم سید ثانی را در ماه صفر می نویسد که اشتباه می باشد.
۷۹۹	محل دفن
۸۰۱	ابواب صحن مطهر علوی
۸۰۳	(تذکر) :
۸۰۴	تذکر و تنبیه
۸۰۶	نمونه
۸۰۹	استدراک ج ۱ درباره مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بید آبادی
۸۱۲	توضیح و تذکر :
۸۱۳	آقا محمد بید آبادی :
۸۱۴	سفر حج مرحوم سید حجة الاسلام ص ۱۲۰ یکم :
۸۱۵	ثروتمند (صفحه ۱۲۹ یکم) :
۸۱۵	امین الدوله ص ۲۲۷ یکم :
۸۱۶	چهارسو (چهارسوق) ص ۲۷۳ یکم :
۸۱۷	مسجد مصلی (مصلی) صفحه ۲۷۶ یکم سطر ۲۲:
۸۱۷	تالیفات مرحوم حاج محمد جعفر آبادهای ص ۲۹۲ یکم :
۸۱۸	بیدگل
۸۱۸	شاگردان سید
۸۲۰	استدراک ج ۲ تحفة الأبرار ص ۳۹ جلد دوم :
۸۲۰	رجال سید حجة الاسلام (صفحه ۷۲ - دوم):
۸۲۲	مطالع الأتوار - مجلد دوم (ص ۷۹ جلد دوم):
۸۲۳	بقیه تالیفات : ص ۸۲ دوم:
۸۲۳	نقل داستانی از قول سید حجة الاسلام شفتی :
۸۲۳	بقیه تالیفات
۸۲۳	نقل داستان
۸۲۴	محمد باقر شیرازی خطاط ص ۱۰۲ دوم :
۸۲۵	فرزندان مرحوم حاج محمد باقر ثانی بیدآبادی
۸۲۶	اولاد مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی

۸۲۶	سید محمد جواد شفتی
۸۲۷	حجة الاسلام سید محمد جواد شفتی باب کوشک
۸۲۸	مدارس دینی در محنه بید آباد
۸۲۹	دروازه عطا
۸۳۰	خراب کردن افاغنه محله بیدآباد
۸۳۱	سید حسن شفتی
۸۳۱	کلاه فرنگی
۸۳۲	اصلاح صفحه بندی
۸۳۲	حاج سید اسد الله بید آبادی و خط
۸۳۳	انتقاد صحیح
۸۳۶	فهرست مطالب
۸۵۴	فهرست مصادر
۸۶۵	غلط نامه
۸۶۷	اسامی مولفات نویسنده
۸۶۸	درباره مرکز

بیان المفآخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی

مشخصات کتاب

سرشناسه: مهدوی، مصلح الدین، 1374 - 1294

عنوان و نام پدیدآور: بیان المفآخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر: اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، 1368.

مشخصات ظاهری: 2 ج.عکس

فروست: (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان 9)

شابک: 4000ریال(دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

موضوع: شفتی بیدآبادی، محمدباقر بن محمدتقی، 1175؟ - 1260ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: BP55/455/م 9 ب 9

رده بندی دیویی: 297/998

شماره کتابشناسی ملی: م 68-1627

ص: 1

جلد 1

مشخصات کتاب

سرشناسه: مهدوی، مصلح الدین، 1374 - 1294

عنوان و نام پدیدآور: بیان المفآخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر: اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، 1368.

مشخصات ظاهری: 2 ج.عکس

فروست: (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان 9)

شابک: 4000ریال(دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

موضوع: شفقتی بیدآبادی، محمدباقر بن محمدتقی، 1175؟ - 1260ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: BP55/455/م 9ب 9

رده بندی دیویی: 297/998

شماره کتابشناسی ملی: م 1627-68

اشاره

ص: 1



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وبه ثقتی ورجالی

الحمد لله الذى فضل مداد العلماء على دماء الشهداء وجعلهم ورثة الأنبياء عليهم السلام .

وارثان انبیایند اهل علم ***رشحه اقلام ایشان کیمیاست

نوتبای دیده اهل یقین ***خاک پای وارثان انبیاست

والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وعترته الى الله ، ولاسيما على بقية الله فى الأرضين وحجته على الخلق اجمعين الحجة بن الحسن العسكرى الامام الغائب المنتظر الذى به يملا الله الأرض قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا ، واللعن الدائم على أعدائهم ومخالفهم الى قيام يوم الدين .

از حدود يك قرن پیش تاکنون قلم هائی علیه شیعه و بزرگان آن در گوشه

و کنار ممالک اسلامی بکار افتاده و هر یک بگونه ای بر دوستان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تاخته اند، برخی به اصول اعتقادات آنها وعده ای در مسائل فروع انتقاد و اعتراض نمودند . یکی نوشت اصلاً شیعۀ باین صورت ساخته شاه اسماعیل صفوی است و قبل از او بدین نام و نشان فرقه ای در اسلام نیست از اینرو شیوه علوی و شیعه صفوی آنها را نامید . دیگری گفت فرقه شیعه قبل از صفویه عالم و دانشمندی نداشته و عموم مردمی جاهل و نادان و بیسواد بوده اند . سومین پا را از این حد فراتر نهاده و صریحاً در جزوهای نوشت و بچاپ رسانید که :

واقعاً شیعه جز چند آخوند درباری هیچ کس و هیچ چیز دیگر ندارد.

من هر وقت این عبارت نویسنده فوق را بخاطر می آورم برخورد می لرزم . اگر برخی از نویسندگان مطالب قبلی از اهل سنت بودند نوشته آنان را بغرض ورزی و کینه توزی و تعصب بیش از حد و عناد و دشمنی حمل می کردیم و نمی گفتیم که آنها از طرف کسی ودولتی ماموریت دارند، بین این دو فرقه از مسلمین نفاق و اختلاف ایجاد کنند و به آتش این اختلافات دامن بزنند تا افر وخته تر شود و در دنیایی که همه مسلمین احتیاج به اتحاد و همبستگی دارند مشکلی بر مشکلات آنان بیفزایند و مانع و جلوگیری اتفاق آنان در برابر دشمنان خارجی و ایادی داخلیشان شوند تا استعمارگران بیش از پیش بر آنان مسلط شوند. این دیگر مدعی تشیع است.

من از بیگانگان هرگز ننالم*** که هر چه کرد با من آشنا کرد

من گاهی فکر می کنم که :

آیا این نویسنده حقا از تاریخ پر افتخار شیعه و بزرگان آن آگهی ندارد و آنچه نوشته است از روی عدم اطلاع است و با این نیز مامور است و خود را در آنچه می گوید معذور می داند .

آیا آنهمه محدثین و مجتهدین و مؤلفین و حکماء و فلاسفه و مترجمین و شعراء

و مفسرین که در طول دوازده قرن (پس از غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در شیعه بوده اند و عالمی رابنور علم و دانش خودروشن کرده اند هیچ است .

من تصور نمی کنم که فرد مسلمان و شیعه ای یافت شود که نام کتاب شریف کافی و مؤلف بزرگوار آن مرحوم ثقة الاسلام کلینی را نشنیده باشد این شخص خواه فردی درس خوانده باشد و یا شخصی عامی و بیسواد .

آیا باور کردنی است که شخصی باشد و با یکی از کتب حدیث فارسی یا عربی سروکار داشته باشد و نامی از جناب صدوق المحدثین ابن بابویه نشنیده باشد .

آیا این آقای نویسنده محقق نام بزرگانی همچون کلینی - شیخ مفید - شیخ صدوق - شیخ طوسی سید رضی و سید مرتضی را نشنیده است و آنهمه تألیفانشان را با همه کثرت و اهمیت به هیچ می شمارد .

آیا ابن سینا و بیرونی و فارابی و زکریای رازی و ملا صدرای شیرازی که عالم فلسفه و پزشکی بوجود آنان افتخار می کنند هم هیچ اند .

آیا محقق حلی و علامه حلی و مقدس اردبیلی و شیخ انصاری و دهها بلکه صدها عالم و فقیه و مجتهد همچون آنان همه بنظر آقای نویسنده آخوند درباری هستند با هیچ کس نیستند و آنهمه آثار علمی که از آن بزرگواران بجای مانده هیچ است و قابل اعتناء نمی باشد .

چقدر خوب بود که این نویسنده محترم که متأسفانه عده ای از جوانان از همه چیز اسلام بی خبر اورا پذیرفته و حرفهایش را بی چون و چرا باور دارند اندکی بخود زحمت میداد و اقلاً از یکی دو سه نفر از اطرافیان خود نام کتابها و مؤلفین آنها را می پرسید .

اگر او کتاب تأسیس الشیعه الکرام الفنون الإسلام ویا کتاب الشیعه وفنون الإسلام تألیف علامه بزرگوار آقا سید حسن صدر الدین موسوی کاظمینی ویا ترجمه کتاب (الشیعه وفنون الإسلام) را بنام شیعه یا پدید آورندگان علوم وفنون اسلام را دیده و یا خوانده بود می دید که شیعه در تمام علوم و فنون بر جمیع فرق اسلامی در تألیف و تصنیف مقدمند ، باز هم می گفت : شیعه هیچ چیز ندارد .

اگر به 27 مجلد کتاب و الذریعة إلى تصانیف الشیعه « تألیف علامه جلیل محقق مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی مراجعه کرده بود که در آن هزارها کتاب از تألیفات علماء و بزرگان شیعه و موضوع آن و تاریخ تالین و برخی دیگر از خصوصیات کتابشناسی را تذکر داده اند و الحق و الانصاف منشی بزرگی بر اهل مطالعه و تحقیق و تألیف ثابت فرموده اند باز هم می گفت شیعه هیچ چیز ندارد

آیا ایشان نام کتاب و طبقات اعلام الشیعه ، تألیف علامه منتبج مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی را شنیده اند و میدانند که چندین مجلد آن حاوی نام هزاران دانشمند شیعه تا کنون بچاپ رسیده است . آیا اینها همه هیچ اند و یا آخوند درباری.

اگر ایشان 56 جلد کتاب «اعیان الشیعه» تألیف علامه محقق مرحوم حاج سید محسن امین عاملی که در آن نام دهها هزار تن از علمای شیعه جمع آوری نموده است را دیده اند آیا باز هم می گویند شیعه هیچ کس را ندارد .

از ذکر دهها کتاب دیگر همچون امل الأمل - روضات الجنات - ریاض العلماء - الفهرست و غیره خود داری می کنیم برای آنکه گفته نشود اسامی این افراد تکرار است

ایا تمام این افراد آخوند درباری هستند و یا بنظر ایشان درباری بودن فی حد ذاته جرم است . چقدر از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام باذن آنان در

دستگاه خلفای اموی و عباسی مصدر امور بودند و عملشان مورد تأیید ائمه علیهم

السلام بود .

آیا مشار الیه نام جناب عبدالله نجاشی والی اهواز از طرف منصور دوانیقی را شنیده است که از ثقات اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و آنحضرت رساله اهواز به را در طرز حکومت کردن بنام وی مرقوم فرموده

من پس از سالها مطالعه در کتابها باین نتیجه رسیده ام که :

اسلام و مسلمین هر چه دارند (که همه چیز دارند لکن خود آنرا نمی شناسند و قدر ندارند) از برکت وجود علماء بزرگوار و روحانیون عالیمقدار بوده است . آنها تمام مشقات و زحمات را تحمل کردند . رنجها دیدند . سختیها و ناکامیها چشیدند بزندانه رفتند کشته شدند و از راه مستقیم منحرف نشدند و آثاری گرانها بنام کتب علمی و فلسفی - تفسیر و حدیث رقه و اصول و شعر و ادب از خود بجای گذاشتند . امروز بطور قطع و یقین میتوان گفت : غنی ترین ملتها از حیث گنجینه های علمی مسلمین هستند و شاهد آن فهرست کتب کتابخانه های بزرگ دنیا می باشد.

آثار مولف کتاب

از اینرو کتابهای زیر را در رابطه با این موضوع تالیف نموده و تاکنون بچاپ رسیده است :

1- ارمغان اصفهان با شرح حال حضرت آیت الله مرحوم حاج میر سید علی بهبهانی رحمه الله علیه .

2- تاریخ سامرا مختصر به ضمیمه زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی . 3- تاریخچه محله خواجهی اصفهان و نام برخی از علماء منسوب بدانجا 4 - تاریخچه مختصری از زندگانی امامین همامین عسکرین علیهما السلام

ص: 9

- دانشمندان و بزرگان اصفهان .

- رجال اصفهان با حواشی و ملحقات بر تذکرة القبور مرحوم مولی عبد الکریم گزی علیه الرحمه .

7- زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی رضوان الله علیه .

8- زندگینامه علامه مولی محمد باقر مجلسی و پدر بزرگوارش علیهما الرحمه در دو مجلد .

و- شعرای معاصر اصفهان . 10- غایة الأمال و الأمانی در شرح حال علامه سید هاشم بحرانی .

11- فهرست اجمالی از مدارس دینی اصفهان از اولین دوره تا کنون بضمیمه کتاب و محیط ادب « بچاپ رسیده است.)

و برای عده ای از بزرگان علماء و غیره نیز تألیفی نوشته ام که هنوز چاپ نرسیده است از آنجمله :

1- تاریخچه امامزاده های اصفهان و توابع .

2- تاریخچه مدارس دینی اصفهان مفصل بنام : اصفهان با دار العلم شرق.

3- شرح حال آنا باقر خوراسگانی و جمعی از علمای معاصر او در اصفهان . 4- شرح حال مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری . و به شرح حال خجندیان اصفهان از علماء قرن پنجم و ششم .

- شرح حال اجمالی از سادات دست غیب شیراز

7- شرح حال علماء مسجد شاهی اصفهان بنام : « بیان سبل الهدایة فی ذکر اعقاب صاحب الهدایة .

و مردان نامی اصفهان (قریب ده هزار نفر که متأسفانه هنوز پاکنویس نشده است).

و با این خدمت ناچیز گمان می‌رود که تا اندازه ای بوظیفه خود عمل کرده باشم ، انشاء الله تبارک و تعالی مورد قبول درگاه احدیت و صاحب شریعت واقع گردد .

(تذکر):

پس از چاپ و انتشار کتابهای نامبرده جمعی از بزرگان اهل علم و دانش از نظر ذره پروری و لطف و عنایت نویسنده را مورد محبت و تفقد قرار داده و بصورت‌های مختلف مورد تشویق قرار دادند و او را در خدمات آینده دلگرم نموده و راهنمایی های سودمند فرمودند که اینک از الطاف همه آنان سپاسگزاری نموده و از خداوند منان برای آنان توفیق می طلبم .

جمعی از اهل مطالعه و تحقیق نیز پس از بررسی کتابها به نکاتی و خطاهائی برخوردند که آنها را کتباً و یا شفهاً مرا بدانها واقف ساخته و در این جا از لطف بیکران و عنایت آنان تشکر می کنم و امیدوارم که این لطف و محبت مستدام باشد اما

اما عده ای نیز تنگ نظر و کور چشم اند نه خودکاری انجام می کنند و فقط هنر آنان عیب جوئی است ، کتابها را دیده یا ندیده زبان بیاوه سرائی گشاده که چرا فلان کس را نام برده و به دلیل مطلبی را از کتابی که از معایب خاندان ما در آنست نقل کرده است.

گاهی که با آنان روبرو میشدم نه تنها از این مقولات سخنی بمیان نمی آوردند بلکه احیانا و بدروغ وریا تعریف و ستایش نیز مینمودند لکن از سیمای آنان آثار دورویی و نفاق ظاهر و آشکار بود،

درخواست نویسنده):

ای خواننده عزیز از شما که فرد مسلمان و پای بند به اصول اخلاقی اسلامی میباشی درخواست می کنم و انتظار دارم که :
اولاً قبل از مطالعه کتاب درباره آن قضاوت و داوری نفرمائید .

ثانیاً موارد نقص و خطای آنرا بدون پروا به شخص من بنویسید و تذکر دهید و یا تلفن کنید .

ثالثاً از نقل اشتباهات در مجالس و در حضور جمع حتی المقدور بپرهیزید و متذکر باشید که یکی از وظائف افراد مسلمان و (حفظ الغیب)، است.

رابعاً اشتباهاتی که ممکن است مربوط به چاپ باشد را خود اصلاح فرمائید و خطاهای دیگر را چشم پوشی فرموده و فقط نویسنده را خبر دهید که : اخوک
من صدقک من صدقک.

شرط دوستی علم و اهل علم همین نگاهداری آنان از خطای در موضوعات علمی و تاریخی است. ما

نادیده گرفتن خطای کوچکتران و عدم تذکر به آنان موجب تکرار خطا و اشتباه است.

دوست باید که همچو آئینه

عیبها جمله روبرو گوید

نه که چون شانه پشت سررفته

نکته ها جمله مو بمو گرید

سبب تالیف این کتاب

اشاره

سبب تالیف کتاب : انگیزه من در تألیف این کتاب دو چیز بوده است : 1- فردی 2- اجتماعی

ص: 12

الف: فردی خانه پدری من در مرحله بیدآباد در نزدیکی مسجد سید حجة الاسلام قرار دارد، از زمان کودکی و دوران جوانی جهت درک نماز جماعت و نبض ثواب قراءت فاتحه در سر مقبره مرحوم سید حجة الاسلام به این مسجد میرفتم و در حقیقت اهل بیدآباد که منمهم فردی از آنها می باشم، با این مسجد مانوس می باشند و عده ای از آنها موقع بیکاری خود را در مسجد می گذرانند. این مسجد محل ملاقاتها و دید و بازدیدها و عبادتها... بوده و می باشد.

از کودکی بمن و تمام بچه های محله آموخته بودند که هر موقع از برابر مقبره مرحوم سید حجة الاسلام عبور کردیم ایستاده و فاتحه بخوانیم و این کار را مثل کارهای واجب انجام میدادیم. همین موضوع اولین انگیزه ای بود که بدانیم این مقبره از کیست و بانی این مسجد باعظمت کیست

در سالهاییکه دوست دانشمندم جناب آقای دکتر لطف الله هنرفر کتاب نفیس و ارزشمند « گنجینه آثار تاریخی اصفهان»، را تالیف مینمود، مکرر در مکرر باتفاق ایشان و گاهی از اوقات عده ای از فضلاء جهت خواندن کتیبه ها و مشاهده طرز ساختمان و بنا به مسجد سید می آمدیم اما ورود من به مسجد و مشاهده در و دیوار آن بادفعات قبل بسیار تفاوت داشت، در آن روزگار فقط مشاهده بود اما اکنون اعجاب آمیخته با تحقیق.

در سالهای انقلاب و از آن پس که بیشتر اجتماعات مردم اصفهان در این مسجد بود من نیز جهت شرکت در اجتماعات و شنیدن سخنرانیها با انبوه مردم بمسجد می آمدم لکن به کیفیتی غیر از دفعات قبل.

گاه می شد که سخنرانی شروع میگردد و من به کتیبه یا شعری نظر داشتم آنقدر از خود بی خبر بودم که یکوقت متوجه میشدم سخن رانی تمام شده و مردم متفرق میشوند و من هنوز اندر خم یک کوچه ام.»

در این سالها نه تنها من بلکه بیشتر مردمی که در این مسجد گرد آمده بودند مایل بودند بانی مسجد را بیشتر بشناسند بخصوص که گاهگاه درباره مرحوم سید حجة الاسلام و اجرای حدود شرعی بدست مبارک ایشان مطالبی کم و بیش گفته می شد.

ب: اجتماعی بیشتر دوستان و آشنایان من از طرز فکر و مطالعاتم خبر داشتند و میدانستند که درباره سرگذشت علماء اسلام و شیعه و بخصوص آنها که مربوط به اصفهان است چیزهایی شنیده و دانسته ام از این رو در این موقع، یعنی در موقع اجتماعات در مسجد سید بنزد من آمده و سولاتی میکردند و بدانها پاسخ میدادم و چون برخی مطالب تازه میشنیدم آرایه داشت می کردم و خود برای آنکه بهتر بدانم و بیشتر بتوانم جوابگوی پرسشها باشم بمطالعاتی بیشتر و عمیق تر پرداختم.

برخی از دوستان بطور پیشنهاد و اعتراض اظهار می داشتند که چرا در باره حجة الاسلام کتابی مستقل تألیف نمی کنی و آنرا منتشر نمی سازی تا اهل مطالعه و تحقیق و بخصوص اصفهانیان بهتر و بیشتر از حالات ایشان آگاه شوند و بدانند که علماء اسلام چه فداکاریها کرده اند و چگونه در برابر ظلم و ظالم ایستادگی و مقاومت نموده اند و ضمنا جوابگوی برخی از نوشته های نویسنده های مخالف علماء باشد.

اخیرا از طرف نواده مرحوم سید حجة الاسلام یعنی حجة الاسلام زاده عزیز وفاضل و متنی آقای حاج آقا مهدی شفتی فرزند برومند عالم جلیل مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی رحمة الله علیه اقدام ب چاپ کتاب (مطالع الأنوار)، شده و تاکنون بحمدالله چهار مجلد آن از چاپ خارج گردیده است ایشان بر آن شدند که شرح حال نسبتا جامع و مفصلی از مرحوم سید حجة الاسلام بفارسی نوشته و چاپ کنند.

آقای شرفی انجام این مهم را از بنده کمترین خواستند من نیز با وجود گرفتاریهای مختلف و ابتلاء بامراض گوناگون بالاخص بیماری و ضعف چشم مسئول ایشان را بدون چون و چرا پذیرفتم .

اینک بخواست خداوند متعال و فضل و کرم بی نهایت او و یاری و استعانت از ارواح مقدسه بزرگان دین و توجه از حضرت ولی الله الاعظم امام العصر والزمان روحی و ارواح العالمین له الفداء کتاب حاضر را در شرح حال و خدمات یکی از نواب عام و سربازان و سنگر داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی یکی از مفاخر اسلام و شیعه عالمی بزرگوار و محقق پرهیزکار که چشم روزگار همانند او را کمتر دیده و گوش اهل زمان نام و رفتارش نشنیده یعنی حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی اصفهانی بیدابادی تألیف نموده و نام آنرا «بیان المفاخر در شرح حال حاج سید محمد باقر» نهاد م و امید است که در محضر مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه مورد قبول افتد .

من الله التوفیق وعلیه التکلان

سید مصلح الدین مهدوی

ص: 15

علماء بزرگوار اسلام بالاخص شیعه مبارزات خویش را در دو جبهه و در دو سنگر انجام دادند :

1- برابری در مقابل خلفاء و سلاطین و حکام (شیعه حق حکومت و سلطنت را مخصوص خداوند متعال و رسول اکرم و ائمه طاهرين عليهم السلام و در زمان غیبت مجتهدین واجد شرایط میدانند و غیر از آنها تمام پادشاهان و خلفاء را غاصب می‌شمارد) گاهی بصورت موافقت ظاهری (مبارزه منفی) و گاهی مخالفت علنی (مبارزه مثبت) رزمانی اعراض و گوشه نشینی که آن نیز خود جزو مبارزات منفی بشمار میرود .

2- تربیت دانشجویان و طالبان علم و دانش و تألیف و تصنیف کتب علمی و دینی

یعنی تهیه سربازان و مبارزین بعد از خود و تهیه اسلحه علمی برای آنان .

بطور خلاصه باید گفت و صریحا اذعان کرد که ملت شیعه هر چه دارد از علماء دارد و هر کس نسبت بدانها جسارت کرد یا از روی عدم بصیرت است و با از عدم ایمان واقعی .

همانگونه که قبلا گفتیم عده زیادی از مردم و بخصوص جوانان چون از سر گذشت علماء شیعه بی خبر بودند نوشته این نویسندگان علیه دانشمندان در بین آنان اثری شگرف نموده بود و آنها را نسبت به روحانیون بدبین کرده و فاصله ای بین مردم و طبقه علمی دینی ایجاد شده بود. من خود در تهران از یکی از مقدسین اداری که حق مرد دینداری بود لکن در اثر مطالعه اینگونه نوشته ها عقاید انحرافی نیز داشت ، شنیدم که می گفت : مدتی است کسی را میخواهم که جهت بیان مسائل هفته ای یکبار بمنزل من بیاید و تا کنون نیافته ام . چند نفر را باو معرفی کردم در جواب گفت : حقیقت را اگر خواسته باشی میخواهم معمم نباشد زیرا..

آنچه باید و لازم بود بار تذکر دادم و نصیحتش کردم ظاهرا پذیرفت ولی عملا قبول نکرد. بعد از مشاهده این اوضاع و طرز تفکر برخی از جوانان ورسوخ اندیشه های انحرافی بدانها من بر خود لازم بلکه واجب دانستم که در شناساندن علماء شیعه بجامعه یقدر وسع و طاقت خود کاری انجام دهم.

بخش اول: نام و نسب و مولد

اشاره

من النبی صلی الله علیه وآله وسلم ؛

کل سبب و نسب و صهر منقطع الأنسبی و مہری لاله المان یوم القیامة یشفعان لصاحبہما

(عمدة الطالب)

ص: 17

برای آنکه بهتر بتوان بشرح حال مرحوم سید حجة الاسلام آگهی یافت لازم است دوران زندگی او را بچهار دوره ممتاز تقسیم نمود :

1- از تولد تا مهاجرت به نجف اشرف. 2- دوران تحصیل در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام و قم و کاشان . 2- ورود به اصفهان تا مرگ فتح علیشاه قاجار .

- از مرگ فتحعلیشاه تا هنگام وفات . الف : دوره اول از 1175 شروع به 1192 خاتمه می یابد یعنی 17 سال . ب : دوره دوم از 1192 شروع و به 1216 ختم میشود یعنی 24 سال . ج: دوره سوم از 1216 شروع و به 1250 ختم میشود یعنی 34 سال .

د: دوره چهارم یعنی آخرین دوره زندگانی مرحوم سید حجة الاسلام از 1250 شروع و به 1260 ختم میشود مدت ده سال جمعا 85 سال.

اینک هر یک از دوار چهار گانه را در فصولی چند شرح خواهیم داد .

در خاتمه کتاب نیز فصلی مخصوص راجع به زندگانی مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی نظر به اهمیت او از هر جهت (فردی - اجتماعی) و خدمات و آثار او بیان خواهیم کرد.

نسب شریف سید حجه الاسلام شفتی

نام و نسب:

عالم و فقیه کامل محقق مدقق علامه متبحر جامع معقول و منقول و حصارى فروع و اصول مجتهد خبير و بصير ، کسيکه در علم و رياست و قدرت و مکنت و بسط بر همه علماء زمان خود بلکه بر بیشتر زمانها تفوق داشت ، زاهد عابد تقى بلکه ازهد و اعبد و اتقاي علمای عصر حجة الإسلام على الاطلاق مرحوم حاج سید محمد باقر چرزی طارمی شفتی اصفهانی بید آبادی اعلى الله مقامه الشریف .

نسب شریف :

نسب شریف آن بزرگوار بطوریکه خود در مقدمه مطالع الانوار فرموده است بدینقرار است : سید محمد باقر بن محمد تقی (به نون) ابن سید محمد زکی ابن محمد تقی بن شاه قاسم بن میر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم بن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد امیر جه بن محمد المجدور بن أحمد المجدور بن محمد الاعرابی بن ابو محمد قاسم (ابی القاسم) الاعرابی بن ابوالقاسم حمزة بن

ص: 20

الامام الهمام موسى الكاظم عليه الصلاة والسلام .

جناب ابوالقاسم حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام و مادرش ام ولد بوده و آنجناب و جناب محمد مدفون در شیراز از یک مادر می باشند و خود سیدی جلیل القدر والمنزله ، در عمدة الطالب (ص 228 چاپ نجف) ویرا کوفی وصف نموده (یعنی ساکن کوفه) و اعقاب در ایران از دو فرزندش قاسم و حمزه می باشند در محل دفن جناب حمزه اختلاف است و آنرا در چندین موضع نوشته اند :

1- در جنب مرقد مطهر حضرت عبد العظیم حسنی در شهر ری .

2- در سوسفید ترشیز . مؤلف منتخب التواریخ (ص 469 چاپ اصفهان) می نویسد: احتمال می رود قبریکه در سو سفید است قبر حمزه بن حمزه بن موسی بن

جعفر علیهما السلام باشد چون در عمدة الطالب دارد که حمزه بن حمزه رفت بخراسان .

2- در سیرجان کرمان چنانکه در بدایع الانساب نوشته .

4 - محدث قمی در منتهی الامال می نویسد : از صاحب نجدی نقل شده است که حمزه بن موسی علیه السلام قبرش در اصطخر شیراز معروف و مشهور و محل زیارت نزدیک و دور است.

5- محدث قمی رضوان الله علیه از عالم آراء عباسی در منتهی الامال نقل می کند که : مدفن آن امامزاده در قریه ای از قرای شیراز است و سلاطین صفویه برای وی قبه عالیه بنا نموده اند .

نویسنده گوید : در عالم آراء عباسی (ص 9 چاپ دوم) می نویسد :

يقول أصح در سوسفید ترشیز مدفون و مرقد شریفش مطاف مردم آن ولایت است.

. همچنین محدث قمی علیه الرحمه در منتهی الاما می نویسد : در قم مزاری

است

ص: 21

معروف به شاهزاده حمزه که از تاریخ قم مستفاد میشود که وی جناب حمزة ابن موسی الکاظم علیه السلام است.

نویسنده گوید: دانشمند و محقق معاصر آقای حاج میرزا عباس فیض در انجم فروزان (ص 190) می نویسد در جوار مدفن شاهزاده اسماعیل (اسماعیل بن احمد بن حسین بن احمد بن حسین بن احمد بن علی العریضی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام) امامزاده حمزه که از احفاد حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام است نیز بخاک سپرده شده است (انتهی).

مرحوم میرزا مهدیخان بدایع نگار لامونی در بدایع الانساب (ص 28) از عبارت مرحوم قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین که میفرماید: سید حمزه موسوی چنین فهمیده است که نباید مدفون در شهر ری در جنب مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم اولاد بلا واسطه باشد. و سپس می نویسد که ممکن است وی حمزة بن حمزة یا حمزة بن محمد بن عبید الله بن الامام موسی الکاظم علیه السلام باشد.

در بین افوال ششگانه فوق آنچه معتبر بنظر میرسد و قرائن نیز مؤید آنست قول اول می باشد همانگونه که علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه فرموده است

وَأما ابو محمد قاسم که او را به اعرابی وصف کرده اند نیز سیدی جلیل و پرهیز گار بوده و مادرش ام ولد بوده است. در مشاهد العترة (ص 12) بنقل از تحفة الأزهار تألیف ابن شد قم می نویسد: احمد بن محمد معتصم عباسی دستور قتل آن بزرگوار را داد وی به اصفهان فرار نموده و مأمورین خلیفه ویرا تعقیب کردند او را و برادر زاده اش حمزه را در قریه اشترجان از بلوک لنجان اصفهان در حال خواب دیدند هر دورا شهید کردند و قبرشان در آنجا معروفست

و سال 250 سال شهادت آندو بزرگوار است .

واما فرزند او جناب محمد که ویرا نیز به اعرابی وصف نموده اند از بزرگان سادات زمان خود بوده و همچون پدر دارای اولاد و اعقاب زیادی می باشد .

(فائده) : نسب سلاطین صفویه سادات ملامباشی شیراز (معروف به سادات حکیم سلمانی) و سادات کلانتری اصفهان به جناب احمد فرزند ابو محمد قاسم الاعرابی برادر جناب محمد الاعرابی منتهی میشود . . .

واما جناب احمد المجدور فرزند محمد الاعرابی از سادات بزرگوار بوده و دارای فرزندان چند است از آنجمله : اسماعیل - محمد المجاور - موسیو ..

در عمدة الطالب (ص 228) می نویسد : از برای اولاد جناب احمد المجدور اعقابی است که جمله آنها نقباء طوس و سادات آنجا می باشند و نام ابو جعفر بن موسی بن احمد المجدور را ذکر نموده و گوید نقیب طوس و سیدی جلیل و شاعری ممدوح بوده است . در منتقلة الطالبية (ص 221) گوید ذریه او از فرزندش ابوالقاسم حمزه می باشد، و گوید که ابوالفتح بستی و بدیع الزمان همدانی ابوجعفر محمد بن موسی بن محمد المجدور را ستایش نموده اند .

واما محمد المجدور نیز سیدی جلیل القدر بوده و ظاهرا در خراسان سکونت داشته است.

اجداد مرحوم سید حجة الاسلام عموما از علمای محل خود بوده و کلمه قاضی در دنباله نام یکی از آنها نشانه مقام و منزلت ظاهری مشارالیه است که ظاهرا در حدود قرن دهم و اوائل حکومت و سلطنت پادشاهان صفوی میزیسته است

پدر مرحوم سید حجة الإسلام : مرحوم سید محمد نقی در یکی از دهات زنجان پیشوای مردم آن سامان بوده و از جزئیات زندگانی او هیچگونه اطلاعی نداریم جز آنکه احتمالا قبل از سال 1192 در شفت وفات یافته است و فرزندی

ص: 23

از او بغیر از مرحوم سید حجة الاسلام تاکنون نمی شناسیم . اما برادر زادگان و بنی اعمامش همچنانکه در قریه چرزه ساکن و برخی از آنها نیز باصفهان مهاجرت نموده و در حال حاضر به نام خانوادگی موسوی - کابلی شهرت دارند .

مرحوم دولی عبد الکریم بن محمد اسماعیل اصفهانی در خاتمه مجلدات مطالع الانوار که در زمان حیات مرحوم سید حجة الاسلام و پس از فوت ایشان کتابت نموده در ضمن معرفی مؤلف بزرگازویرا به نتیجه الفقهاء وصف می کند و این کلمه بیانگر آنست که پدرانش از علماء فقهاء بوده اند .

تولد سید ابادی

تولد:

بنابر آنچه خود مرحوم سید حجة الاسلام در برخی از اجزاتی که جهت بعضی از شاگردان و مجازینش مرقوم فرموده و بنظر علامه طهرانی مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی رسیده است در سال 1992 در سن هفده سالگی به عتبات مقدسه ائمه عراق علیهم السلام جهت ادامه و تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده است. بنابر این تولد ایشان در سال 1170 خواهد بود و جمعی کثیر از نویسندگان شرح حال ایشان بآن اشاره کرده اند .

در برخی از کتابها تولد ایشان را در سال 1980 و در برخی دیگر در سالهای دیگری نقل گردیده که تماماغلط و همه از روی حدس و گمان بوده و تاریخ صحیح همان سال 1970 می باشد اگر چه در کتابی معتبر بصراحت و از روی دلیلی قاطع این تاریخ تایید نشده است.

علامه صاحب روضات الجنات مینویسد در حدود سال 1997 در سن شانزده با هفده سالگی بعثت مشرف گردیده است بنابراین تولد ایشان را حدود 1180 و 1181 میداند . والله أعلم .

ص: 24

مرحوم سید حجة الاسلام در قریه ای از قرای طارم علیا بنام چرزه که در حدود پنجاه کیلومتری شهر زنجان و شصت کیلومتری شفت واقع است در یک خانواده متوسط و روحانی و اصیل متولد گردید، و تا سن قریب به هفت سالگی در آنجا مقیم بوده و دوره صباوت او همچون عموم اطفال خانواده های علمی و دینی گذشته است سپس در حدود سال 1182 با اتفاق خانواده و پدر و مادر به شفت که در جنوب غربی شهر رشت واقع است مهاجرت نموده است. علت این مهاجرت بطور قطع معلوم نیست اما ظاهرا بنا بدعوت مردم شفت از مرحوم آقا سید محمد تقی برای سرپرستی امور دینی و امامت جماعت و پیشوائی بوده است.

مرحوم سید حجة الاسلام در شفت تا سال 1992 یعنی تقریباً مدت نه سال توقف داشته و بنا بگفته مؤلف روضات الجنات تا حدود سال 1997) در این فاصله از زمان مقدمات علوم عربی و ادبیات عرب و صرف و نحو و دیگر علوم مقدماتی را نزد فضلاء این سامان که نامشان غیر معین و نا معلوم است بخوبی فرا

گرفت.

مؤلف تاریخ زنجان (ص 275) در کتاب نامبرده و همچنین مؤلف کتاب فهرست مشاهیر علماء زنجان (ص 114 چاپ اول) می نویسند که:

بنی اعمام تنی مرحوم سید حجة الاسلام در قریه رزه موجودند و این مطلب را که تولد آنجناب در قریه نامبرده بوده است، مرحوم شیخ جواد طارمی (1)

ص: 25

1- شیخ محمد جواد بن محرم علی بن کلب قاسم طارمی عالم فاضل محقق متولد سال 1263 و متوفی در سال 1325 مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله:
1- اثنی عشریه 2- اصول الجعفریه بنارسی مطبوع 3- افضل المجالس در مقتل 4- تکمیل الایمان در اثبات وجود حضرت صاحب الزمان علیه السلام بفارسی مطبوع و حاشیه بر قوانین 6- ربیع المتهجدین 7- رساله در ارث 8- رساله در دیات - مشکل الرجال 10- منتخب العلوم وغیره.

در کتاب: اثنی عشریه (اصول الجعفریه) اثبات نموده است .

مرحوم سید حجة الاسلام مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره را در مولد خود و سپس در شفت و احتمالا در قزوین و رشت از اساتید وقت و علماء زمان بخوبی فرا گرفت اما از کیفیت تحصیل و نام مدرسین ایشان در این دوره هیچگونه اطلاعی در دست نیست جز آنکه از روی قرائن میتوان حدس زد که یکی از این معلمین پدر فاضل و عالم ایشان بوده است . و احتمال دیگر اینکه در سالهای قبل از مهاجرت به اعتاب مقدسه پدر ایشان در شفت و یا غیر آن وفات یافته است :

مرحوم سید حجة الاسلام پس از آنکه مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را بخوبی فرا گرفت جهت ادامه تحصیل رهسپار اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام گردید (سال 1192 یا 1197) که در آن اماکن مقدسه هم از فیوضات معنوی از ارواح مقدسه اولیاء دین و هم از علوم بزرگان مجتهدین که در آن شهرها ساکن بوده و بدرس و بحث و تربیت طلاب و دانشجویان اشتغال داشتند بهره مند شود .

در آن عهد و زمان عده ای از بزرگان فنها و مجتهدین و مراجع در شهرهای کربلا و نجف و کاظمین علیهما السلام هر یک حوزه های علمی داشته و عده ای از طالبان علم و دانش از هر طبقه و شهری در خدمتشان کامیاب می شدند و از طرف دیگر در داخل ایران هنوز آثار شوم فتنه افغان بر سر مردم این سامان بالاخص علماء و دانشمندان سایه افکنده بود و از مدرسین طراز اول تقریبا خالی مینمود و ضمنا عدم توجه

ص: 26

نادر شاه و جانشینان او و کریم خان زند نیز به علم و علماء سبب شده بود که طالبان علم و علماء از ایران متوجه نجف و کربلا یعنی مهد علم و دانش شوند.

سید حجة الاسلام نیز مانند دیگر طالبان علم جهت وصول بمراتب عالیه و کمال مطلوب بدانصوب حرکت فرمود .

ص: 27

اشاره

سخن پایه قدرش نمیرساند و هم

که همچو عرش بلند است و همچو شرع متین

اقوال بزرگان و مؤلفین

مقدمه این فصل

در باره مرحوم سید حجة الاسلام بید آبادی (مقدمه):

یکی از راههای شناسائی مردان بزرگ مطالعه نظرات و عقاید دیگرانست در باره ایشان ، باید بنوشته های موافق و مخالف با دقت و موشکافی توجه کرد و از آن میان حب و بغض هارا تشخیص داده آنچه اغراق و مبالغه است را کنار نهاد چون کمتر کتابی است که درباره شخص معینی نوشته شود و خالی از نظر خاص نباشد ، این خواننده است که باید با هوشیاری کامل در بین این گفتارها حق را از باطل جدا کند و مطلب را همانگونه که در حقیقت و نفس الامر می باشد بشناسد

هیچ فردی در جامعه یافت نمیشود که موافق و مخالف نداشته باشد از مردم

عادی کوچه و بازار گرفته تا علماء و بردگان و مصادر امور و اندیشمندان هیچ کس از این قاعده کلی مستثنی نیست.

کسی از دست جور زبانها نرست

اگر خودنمایست و گر حق پرست

بکوشش توان دجله را پیش بست

نشاید زبان بد اندیش بست

البته هر قدر مقام و شخصیت انسانی بالاتر و موقعیت اجتماعی آن والاتر مخالفان او نیز قویتر و بیشتر . دوستان عموماً خود را از اظهار نظر دوستانه بی نیاز میدانند لکن مخالفین حق را بصورت باطل جلوه داده و بر شخص میتازند.

در این فصل فقط بنام و نظریه ده نفر از کسانی که مرحوم سید حجة الاسلام را بادیده حتی بین مشاهده کرده اشاره می کنیم و بعد نیز عقیده مخالفین را می نویسیم.

1- مرحوم علامه محقق متبع حاج سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه (ص 111 جلد چهل و چهارم) درباره مرحوم سید حجة الاسلام مینویسد :

القیه الإمام الرئيس كان رئيساً ميسوط اليد في اصفهان وسائر ايران يقيم الحدود الشرعية وله آثار فخمة لايشيدها الا الملوك مثل مسجده في شق بيد آباد الذي بناه سنة 1245 وكان في جمعة الدين والدنيا مصداق قوله عليه السلام وقد يجمعهما الله لأقوام . اجتمع فيه من الخصال الحميدة : از علم وفضل و تقوی و سخاوت و اهتمام در امور مسلمانها و مقام ارجمند و کوشش در نشر احکام و شرایع و تعظیم شعائر اسلام و اقامه حدود و هیبت و عظمت در دلهاى حکام و پادشاهان چیزهاییکه در هیچ یک از علماء بدینگونه جمع نشده است ... -

2- تکملة أمل الآمل در باره آنجناب (بنا بنقل فوائد الرضوية (ص 429دوم) می نویسد: کان عالم ربانیا روحانیا ممن عرف حلال آل محمد صلی الله علیه و آله و حرامهم و شید احکامهم و خالف هواه و اتبع امر مولاه کان دائم المراقبة

ص: 29

3- علامه فقيه زاهد مرحوم آقا ميرزا محمد باقر چهار سوقي در كتاب شريف روضات الجنات (ص 124) درباره آنجناب مي فرمايد :

العجب العجاب واعجب الاعجاب وحيرة اولي الألباب وذخيرة الله العزيز الوهاب وسيد حجاج بيت الله المستطاب مولانا حاجي سيد محمد باقر.... كان رحمة الله تعالى على روحه المنور و مرقد المعطر ارفع ان يصفه الواصفون في امثال هذا الكتاب أو يخرج عن عهدة شيء من ثنائه ألسنة أرباب الخطاب حيث انه اجتمع فيه مكارم اخلاق الأنبياء العشرة الكاملة وانتزع عنه من يوم خلقه الله اثر صفات الخلق الغير العادلة.

دنباله بيانات مرحوم صاحب روضات نقل از ترجمه روضات (ص 289 دوم)

(1) [ص 289 دوم]:

حجة الاسلام را خردمندترین مردم روزگارش دیدم و او بحقیقت مردمک چشم انسان بلکه انسان عین کلیه افران و معاصرانش بشمار می آمد.

حجة الاسلام دیندار بتمام معنی بود چنانچه کلیه متدینان و حافظان و خزینه داران دین در برابر دیانت او تسلیم بودند بلکه میتوان گفت ایمان کلیه مردم جزئی از ایمان حقیقی او بود .

من معتقدم در اثبات حقایق علمی و براهین عقلی و نقلی کسی همتای او نبوده

ص: 30

1- مترجم دانشمند گرانقدر حجة الاسلام حاج شيخ محمد باقر ساعدی خراسانی در ربیع الاول 1346 در مشهد مقدس متولد گردیده و در نزد علماء آن سامان و طهران و قم بهره های علمی برده و کتابهای زیادی ترجمه و تالیف نموده که برخی از آنها بچاپ رسیده است ، از آن جمله : 1- ترجمه ارشاد مفید 2 - ترجمة التحصين ابن فهد حلی 3- ترجمه تا حقایق فیض دو مجلد 4- ترجمه رضات الجنات در هشت جلد 5- ترجمه سفینه البحار

و مانند او بدقایق علمی لسان گویائی نداشته .

مرحوم صاحب روضات پس از آن بنقل برخی از صفات حمیده آن بزرگوار از قبیل علم - حلم - صبر - صلح - رحم - جود و سخاوت و نیکوکاری و شکر پرداخته و از آثار خیریه او مسجد سید را نام میبرد .

4 - مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی در روضة البهیه (ص 19) در باره آنجناب می نویسد :

السید السند والركن المعتمد الامام الأجل الأعظم النحریر الذاکر والسحاب الماطر الفائق علی الأوائل والواخر الحاج السید محمد باقر بن محمد تقی الرشتی الشفقی .. وكان الأهداهل زمانه واعیدهم واسماهم فلذا اقبلت له الدنيا بحيث انتهت الرياسة الدينية والدنیویة الیه ويعاون الطلاب ويعطى كل واحد منهم بقدر مؤنته بل ازید ويعطى الفقراء بل الاغنياء والرؤساء كثيرا ، وكل المحتاجين يرجمون الیه ولا یحرمهم بل يعطى كلا منهم علی حسب حاجته

5- مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی (1) در ریحانة الادب (ص 412 بکم) درباره او می نویسد : فقیه اصولی ادیب نحوی رجالی ریاضی بوده و در فقه و اصول و رجال و درایت و هیئت و علوم ادبیه و فنون عربیه از مشاهیر زمان و در مراحل اخلاقیه و حید روزگار و در عبادات و مناجات و سخاوت و عطایا و اقامه حدود و اورد و نوافل او ، نوادر بسیاری منقول و فوائدی که از وی بسادات و فقراء و طلاب علوم دینیہ عاید می گردیده خارج از حد احصاء می باشد.

ص: 31

1-1) مرحوم آقا میرزا محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی عالم فاضل محقق مورخ رجالی متولد در سال 1296 و متوفی در غره شعبان 1373 صاحب مؤلفات کثیره از آنجمله؛ - فرهنگ نوبهار دو مجلد 2 - فرهنگ بهارستان 3 - دیوان المعصومین 4 - ریحانة الأدب در شش مجلد و 7 - کتاب دیگر .

6- محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص 426 دوم) در باره او می نویسد :

السید الأجل وحید ایام و مقتدی الانام سید العلماء الاعلام المدعو بحجة الإسلام، كان عطر الله مرقدہ فی جمعه الدنيا والاخرة مصداقا لكلام جده الصادق علیه السلام : (قد یجمعهما الله لأقوام)، وقد جمع الله فیہ من الخصال النفسانية من العلم والفضل والتقوى والخشية والقوة فی الدین والسخاء والاهتمام بأمور المسلمین والجاه العظیم ونشر الشرائع والاحكام و تعظیم شعائر الاسلام و اجراء الحدود الالهية فی الأنام والهيبة فی قلوب السلاطين والاحكام مالم یجمع فی احد من اقرانه ...

7- مرحوم تنكابنی در فصص العلماء (ص 135 چاپ اصفهان) در باره مرحوم سید حجة الاسلام می نویسد :

وحید ایام و مقتدای انام و در علم عربیت و هیئت وفقه و رجال و درایه از مهره اعلام و حذفه علماء کرام عالم عامل و بارع وفاضل وعلیم و باذل استاد اکامل افاضل در زهد وورع و تقوی اورا ثانی و تالی نبوده ...

نویسنده گوید : مرحوم صاحب روضات و سید جابلقی و تنكابنی هر سه از شاگردان مرحوم حجة الاسلام می باشند و هر یک سالها در محضر آنجناب را نموده ، بالاخص مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی که از تلامذه ممتاز و مورد توجه و عنایت استاد بوده و هر سه در کتابهای خود سید را به بهترین عبارت ستوده اند در این بین مرحوم تنكابنی نکاتی از زندگانی استاد نقل می کند که بعدا بدانها اشاره میشود .

8- مرحوم محدث قمی در الکنی واللقاب (ص 155 دوم) درباره سید حجة الاسلام می نویسد:

السيد العلامة ... الذي كان امره في العلم والتحقيق والتدقيق والديانة والجلالة و مكارم الاخلاق اشهر من أن يذكر واجل من أن يسطر ..

همچنین در هدیه الأحباب (م 174) می نویسد : حجة الاسلام اطلاق میشود در نزد خاصه بر؛

سید اجل وحید الأيام ومقتدی الانام سید العلماء العظام آقا سید محمد باقر ... سپس شرحی که تقریبا ترجمه عبارات فوائد الرضویة حدود ایشانست را مرقوم میدارد .

9- مرحوم مولی حبیب الله کاشانی (1) در لباب الألقاب (ص 70) در باره او می نویسد :

... الملقب بحجة الاسلام المعروف بين الخواص والعوام ولوقيل انه كان آية من آيات الله لما كان كذبا في الكلام فهو السيد السند والركن المعتمد والمؤيد من الله الصمد الذي لا يحيط بفضائله وفواضله عدد ولا ينتهي ذكره الى امد الاقاه الأوثق الإعلام المعروف بالمعروف والكرم باسط الايدى وناشر النعم محيي سنة جده اشرف اولاد آدم ، بالجملة هو المشهور بين العرب العجم وقد عجز عن تحرير مديحه لسان القلم ...

10 - مرحوم مولی عبد الکریم بن محمد اسماعیل (اصفهانی) چهارمین شاگرد سیدحجة الاسلام (1- مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی 2 - مرحوم حاج سید شفیع جابلقی 3- مرحوم آقا میرزا محمد تنکابنی) در آخر هر یک از مجلدات مطالع الانوار که بخط زیبای خود نوشته و خود آنرا جدول کشی وتذهیب نموده استاد بزرگوار را بگونه ای وصف نموده است از آن جمله در آخر مجلد

ص: 33

1- مولی حبیب الله بن ملا علی مدد کاشانی عالم فاضل فقیه زاهد صاحب تالیفات کثیره قریب پکصد و چهل مجلد کتاب و رساله متوفی در 23 ج 2 سال 1360 در کاشان .

قدم المجد الأول من كتاب الصلاة من مطالع الانوار الذى صنفه :

سيدي و سندی و استادی و مولای و مقتدای ، السيد الأول والامام الافضل ، زبدة العلماء والمحققين ، وقدوة الفضلاء والمدققين ، وافضل الفقهاء والمتبحرين واكمل المحدثين والمجتهدين ، وارث علوم الانبياء والمرساين ، برهان الاسلام والمسلمين مقتدى اصحاب المعرفة والإيمان ، مالك ممالك التحقيق والعرفان ، جامع المعقول والمنقول حاوى الفروع والأصول ، صاحب الفضائل والفواضل ، كاشف معضلات المسائل، المرتضى المجتبى الاورع الأكرم، المنصوص بمراضى الاخلاق و مفاخر الشيم ، جامع العلوم الالهية ، وحاوى الصفات الملكية ، حافظ مراسم الشريعة ، كاشف الأسرار الخفية ، قبلة طلاب الهداية ، كعبة ارباب الدراية واضح سفينة النجاة ، سابق اصحاب الدرجات، منبع العزو والسعادات ، صاحب الكرامات والمقامات ، قطب فلك الحقيقة والكمال ، حادى الخلائق عن مهالك الضلال ، صاحب النفس القدسية ، جامع الأوصاف الأنسية ، نجمة لاهتداء المريدين ، وربما للشياطين المريدين ، المتخلق بأخلاق الله ، والمؤيد من عند الله ، سلالة العترة الطاهرة النبوية ، كهف الذرية الشريفة العلوية ، فخرالمحققين والمجتهدين ، سراج الملة والدين، قدرة السادات وجامع انواع السعادات العالم العامل العادل ، التحرير الفاضل الكامل ، المتجلى بانوار الحقائق اللاهوتية المتخلى عن العلائق الناسوتية ، السيد الأعظم ، والمولى المعظم ، علامة العلماء ، نتيجة الفقهاء، افضل المتقدمين والمتأخرين، نخبة الفضلاء والمتبحرين ، طائف بيت الله الحرام ، وزائر ائمة الانام ، ملاذ السادات المصطفوية ، ومعاذ الذرية المرتضوية ، مروج الشريعة المحمدية، وناشر طريقة الاحمدية، وارث سيدالانس والجان، نائب امام العصر والزمان، عليهما صلوات الله الملك المنان ، سمي الإمام الخامس من

ذرية حبيب اله العالمين محمد عليه و آله افضل صلوات المصلين ، والمنسوب الى الامام السابع و النور الساطع ، من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين ..

تا اینجا گفتار ده نفر از بزرگان علم و قامت و دانش را در باره آن مرحوم نقل نمودیم که تلك عشرة كاملة . این ده گفتار برای صاحب فهم و در این کافی است و آنان که بیشتر از این بخواهند باید بکتابهای دیگری مراجعه کنند از آنجمله :

1- آثار ملی اصفهان : تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی 2- استاد المصطفی : تألیف علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی 3 - تاریخ اصفهان : مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری 4 - تاریخ اصفهان وری : مرحوم حاج حسن خان جابری 5- تاریخ زنجان : مرحوم حاج سید محمد ابراهیم زنجانی 6- تاریخ علماء و شعراء گیلان : مرحوم حاج شیخ حسن شمس گیلانی 7- تذکرة القبور : مرحوم آقا ملا عبدالکریم جزئی اصفهانی 8- تکملة نجوم السماء : مرحوم آقا میرزا محمد مهدی لکهوی کشمیری

9- خاتمه جلد سوم مستدرک الوسائل تألیف محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری . 10- دانشمندان و بزرگان اصفهان تألیف سید مصلح الدین مهدوی . 11 - الذریعه تألیف علامه فقیه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی 12 - رجال اصفهان تألیف سید مصلح الدین مهدوی. 13 - روضة الصفا ناصری جلد دهم تألیف رضا قلیخان هدایت . 14 - زندگانی چهارده مصوم علیهم السلام تألیف حاج شیخ حسین جلالی

ص: 35

15 - شمس التواریخ تألیف مرحوم آقا شیخ اسد الله ایزد گشسب . 16- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی - مشهد 17 - فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی - قم 18 - فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) تهران . 19 - فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی - قم 20 - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران . 21 - فهرست مشاهیر علماء زنجان تألیف حاج شیخ موسی زنجانی . 22- فهرست مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی تألیف مرحوم خانبابامشار.

23- الکرام البررة (طبقات اعلام الشیعه) تألیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی . و

24 - گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف آقای دکتر لطف الله هنرفر . 25 - گنجینه دانشمندان تألیف عالم محقق حاج شیخ محمد رازی . 26- مصفی المقال تألیف علامه محقق حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی .

27 - معارف الرجال تألیف علامه فته مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین نجفی .

28- معجم رجال الفكر والأدب تألیف دانشمند محترم آقای محمد هادی امینی .

29 - مقتبس الأثر تألیف علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسین اعلمی . 30 - مکارم الاثار تألیف محقق جلیل مرحوم آقا میرزا محمد علی معلم حبیب

آبادی

31- منتظم ناصری تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه .

ص: 36

32- وفیات علماء تالیف حاج شیخ حسین جلالی واعظ شاهرودی . 33- هدیه العارفین تالیف اسماعیل پاشا بغدادی .

وده ها کتاب و رساله و مجله دیگر که شرح حال مرحوم سید حجة الإسلام در آنها یا مستقلا نوشته شده است و یا بمناسبتی ذکری از ایشان شده و اشاره اجمالی به احوالات ایشان گردیده است .

(فائده): بطوریکه در عبارات بزرگان در شأن مرحوم سید حجة الإسلام مشاهده گردید برخی از آنان لفظ و امام را جزو نعوت و ستایش ها ذکر نموده بودند در این جا بی مناسبت نیست که در باره این کلمه مختصر توضیحی داده شود .

معنی امام : کلمه امام (یکسر همزه) در لغت بمعنی : پیشوا - پیشرو - خلیفه - جانشین - کسی یا چیزی که مردمان از وی پیروی کنند خواه انسان باشد یا کتاب حق باشد یا باطل رئیس باشد یا جز آن - راه - متولی امر - قرآن - پیغمبر - فرمانده لشکر - مدل و نمونه - ریسمانیکه بناها برای راست بودن دیوار از آن استفاده می کنند (شاقول) - کنار زمین و غیره می باشد .

استعمال کلمه امام در نوشته ها

کلمه امام جمع است بلفظ واحد و امامان تثنیه و ائمه جمع آنست.

امام در قرآن : حبیش (1) را در کتاب و جوه قرآن (ص 28) و دامغانی (2) در کتاب : اصلاح الوجوه والنظائر (ص 44) می گویند :

(ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی ادیب لغوی طبیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام 28 کتاب و رساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .

(2) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال 78 مجری مؤلف : 1 - الزوائد والنظائر 2- شوق العروس واتس النفوس 3 - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص 31 پنجم هدیه العارفین).

ص: 37

1- (ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی ادیب لغوی طبیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام 28 کتاب و رساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .

2- (2) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال 78 مجری مؤلف : 1 - الزوائد والنظائر 2- شوق العروس واتس النفوس 3 - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص 31 پنجم هدیه العارفین).

کلمه امام در قرآن مجید به پنج معنی استعمال گردیده است ؛ ۱- پیشوای خیر و پیشرو : انی جاعلک للناس اماما (سورة البقره آیه 126) 2- کتاب و نامه : بوم ندعوا کل اناس بأمامهم (سورة بنی اسرائیل آیه

71).

راغب اصفهانی در کتاب مفردات درباره این آیه شریفه می نویسد :

بدان کسی که به او اقتداء کردند و گفته شده است به کتاب آنان . وحديث حضرت صادق علیه السلام مؤید قول اول است (ص 409 جلد یکم اصول کافی حدیث 17).

3- لوح محفوظ : و کل شیء احصیناه فی امام مبین (سوره یس آیه 12) فائده تفسیری) : در معنی و مفهوم کلمه امام در آیه فوق مفسرین آراگاهی

1- لوح محفوظ و برخی به : ایران بسیاری 2- نامه عمل انسان تفسیر فرموده اند

3- و در برخی از تفاسیر بزرگان شیعه طبق روایات منقوله از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام آنرا به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تفسیر فرموده اند ، بطور مثال :

الف : در احتجاج (ص 747 سوم تفسیر شریف لاهیجی) از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند : هیچ عملی نیست مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی آنرا بمن آموخت و من آنرا بعلی علیه السلام یاد دادم، تا آخر خبر.

ب - علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه (ص 549) می نویسد :

ص: 38

ابن عباس از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

اما والله الإمام المبین این الحق من الباطل ورثته من رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

ج: در معانی الاخبار (ص 747 سوم تفسیر شریف رازی) از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت می کند که فرمود این آیه شریفه بر پیغمبر اکرم نازل گردید و آنرا بر مردم قرائت فرمود (ابوبکر و عمر از جای خود برخاسته و عرض کردند یا رسول الله (این امام مبین) تورات است؟ حضرت فرمودنه گفتند انجیل است حضرت فرمود نه (عرض کردند قرآنست حضرت فرمود نه) در این وقت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیش آمد، حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند : این است آن امام مبین او امامی است که خداوند تبارک و تعالی تمام علوم را در نزدش برشمرده و حفظ نموده است.

- تورات : ومن قبله کتاب موسی اماما (سوره هود آیه 11)

و راه روشن : وانهما لب امام مبین (سوره الحجر آیه 79) در شان حضرت هود و حضرت صالح علیهما السلام

(تقسیم بندی) : از نظر کلی امام بر دو گونه است :

- امام حق با امام هدایت 2- امام باطل یا امام ضلالت و گمراهی

امام حق خواه معصوم باشد (پیغمبران و اوصیاء آنان علیهم السلام) و خواه غیر معصومین مأمومین و مقتدایان خود را بسوی خداوند تبارک و تعالی و حق و حقیقت رهبری می کند و از فساد و تباهی بر حذر میدارند . خداوند عزوجل درباره پیغمبران میفرماید : وجعلناهم أئمة یهدون بأمرنا (سوره انبیاء آیه 27).
اما در مقابل

ص: 39

امام و پیشوای غیر حق و باطل تابعین و پیروان خود را از راه مستقیم دین و دیانت و اسلام منحرف ساخته آنانرا بفساد و تباهی و ضلالت و گمراهی و اعمال نکوهیده و اقوال ناشایسته راهبری می کند، در حقیقت اینان حزب شیطان هستند همانگونه

که گروه اول حزب الرحمن و به اصطلاح قرآن حزب الله نامیده میشوند . در باره پیشوایان باطل قرآن میفرماید : وجعلناهم أئمة يدعون إلى النار (سورة القصص آیه 41)

در کتب تراجم رجال گاهی اوقات بعضی از علمام بزرگوار را از نظر موقعیت اجتماعی و شخصیت علمی و دینی با کلمه امام وصف کرده اند . این کلمه در بین سنیان بسیار رواج داشته و دارد و لکن در بین شیعه تا قرن سوم بغیر از ائمه معصومین علیهم السلام و برخی از مدعیان امامت از خاندان عترت که اصحاب و یاران شان به امامت آنان معتقد بودند به دیگری گفته نمیشد لکن بعد از این تاریخ در بین شیعه نیز گاهگاه به این لقب برخورد می کنیم گاهی بطور اطلاق و زمانی به اضافه مانند : امام الرياضین - امام اللغة - امام النحو وغیره .

علامه طهرانی در نوابغ الرواة فی رابعة المات (ص 230) بنقل از تذکرة الحفاظ (ص 4 جلد 3) می نویسد : محمد بن ابراهیم بن حبون الامام الحافظ الحجاری من وادی الحجارة مدینة بالأندلس من كبار حفاظ عصره لکنه فیه تشیع توفی 400 . در این قرن عده ای دیگر از بزرگان را نیز بقی . د (امام) وصف نموده اند از آنجمله است : ابو عروبه السلمی الحسین بن محمد بن ابی محشر مودود الحافظ الامام مؤلف : التاريخ . ابن عساکر درباره اش گوید : کان خالیاً فی التشیع ، تاریخ وفاتش را بسال 218 می نویسند (ص 121 نوابغ الرواة)

در این قرن علامه طهرانی جمها هشت نفر را در کتاب : طبقات اعلام الشیعه (نوابغ الرواة فی رابعة المات) بوصف امام ذکر می نماید لکن در قرن پنجم

عده بیشتری از دانشمندان بدین وصف ذکر شده اند از آنجمله است: محمد بن احمد المعموری الفیلسوف الأمام مقدم الحکماء فی عصره مؤلف کتاب : المخروطات مقتول در سال 485 بجرم فلسفه و تشیع (ص 152 طبقات اعلام الشیعه . النابس فی القرن الخامس). علامه طهرانی در کتاب : طبقات اعلام الشیعه در این قرن قریب 16 نفر را بوصف امام ذکر نموده اند .

در قرن ششم این لقب و عنوان عمومیت بیشتری یافته بطوریکه علامه طهرانی در کتاب: طبقات اعلام الشیعة (ص 24 - الثقات العیون فی سادس القرون) نام چهل و هشت نفر از بزرگان شیعه را ذکر فرموده اند که بوصف امام ستوده شده اند و آنها غیر از کسانی هستند که در جاهای دیگر خود ایشان و با مؤلفین دیگر آنان را بوصف امام خوانده اند بطور مثال :

حسین بن محمد بن الفضل بن محمد الشیخ الامام ابو القاسم الأصفهانی المشهور بالراغب المتوفی سنة 502. بنابراین وی از بزرگان علماء قرن پنجم است که فقط دو سال از این قرن را درک نموده است

این قطعه شعر را در کتابها باو نسبت داده اند (ص 66 دوم ریحانة الارب) زصد هزار محمد که در جهان آمد یکی بمنزله جاه مصطفی نشود اگر چه عرصه عالم پر از علی گردد یکی بعلم و سخاوت چو مرتضی نشود جهان اگر چه زموسی و چوب خالی نیست یکی کلیم نگردد یکی عصا نشود

ذکر حدیثی شریف) : در کتاب شریف اصول کافی (ص 417) باب : ان الأئمة فی کتاب الله امامان در اینکه قرآن مجید دو طبقه از پیشوایان را معرفی نموده می نویسد :

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند چون این آیه : یوم نذعوا کل اناس بامامهم ، نازل گردید مسلمین به رسول خدا علیه السلام عرض

کردند: آیا شما امام و پیشوای همه مسلمانها نیستید؟ حضرت فرمودند:

من رسولخدا و فرستاده او بر تمام مردمان میباشم لکن پس از من پیشوایان و امامان از اهل بیت من خواهند بود. برخی از پیشوایان کفر و گمراهی و پیروان آنان آنها را تکذیب کنند و بدانها ستم روا دارند.

کسیکه آنها را دوست بدارد (ائمه از اهل بیت علیهم السلام) و گواهی آنان کند و از آنان پیروی نماید از من و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آنکس که آنان را تکذیب کند و بر آنها ستم روا دارد از من نیست (از امت من نیست و با من در قیامت) نمی باشد و من از او بیزارم.

سید حجة الاسلام مجدد قرن: مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری(1) در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص 285) در ذکر مساجد اصفهان آنجا که از مسجد سید حجة الاسلام سخن می گوید می نویسد: و آن بنای بزرگی از همت بلند مرحوم حجة الاسلام مجدد قرن دوازدهم (باید قرن سیزدهم مینوشت و مسلما سهو القلم است) حاج سید محمد باقر شفتی رشتی شد.

حدیث مجددین: شیخ بهائی علیه الرحمه در مقدمه کتاب درایة الحدیث (الوجیزه) لؤلؤة البحرين (ص 392 چاپ نجف) از جامع الأصول تألیف ابن اثیر نقل می کند که: یکی از خواص شیعه آنست که در هر صد سال کسی یافته شده که قواعد و احکام او را تجدید می کند و مجدد مذهب در قرن دوم حضرت رضا علیه السلام را می نویسد.

ص: 42

1- مرحوم حاج میرزا حسن خان فرزند حاج میرزا علی انصاری ادیب شاعر مورخ نویسنده و محقق معاصر صاحب تألیفات کثیره مطبوعه متولد 8 رجب 1287 و متوفی در 5 جمادی الثانیه 1375 مدفون در بقعه تکیه ها بابا رکن الدین در تخت فولاد اصفهان.

محدث نوری در مستدرک الوسائل حدیث فوق را از جامع الأصول بدینگونه نقل می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند :

ان الله تبارک و تعالی یبعث لهذا الأمة فی (علی) رأس کل مائة سنة من یجلد لها دینها ، این حدیث را بطوریکه علامه بحاثه جلیل مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین (ص 58 شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف دانشمند محترم آقای محمد رضا حکیمی خراسانی) می فرماید در میان مسلمین معروفست و آنرا ابوداود در صحیح خود و ابن اثیر در جامع الأصول نقل می کنند و برخی از مجددین شیعه را نیز نام میبرد .

علامه طهرانی در نقباء البشر (ص 440 یکم) در پاورقی شرح حال میرزای شیرازی پس از نقل مطالبی راجع به مجددین و ذکر اسامی برخی از آنان می فرماید:

موضوع حدیث مجددین از امور ثابتة و کلی حتی در نزد اهل سنت می باشد و آنرا ابوداود در صحیح خود و ابن اثیر در کتاب نبوت از کتاب جامع الاصول نقل می کنند و عده زیادی از محدثین ما (یعنی شیعه) که مشکل است که نام آنان را احصاء نمود آنرا نقل نموده اند . بنابر آنچه نقل گردید این حدیث مورد قبول بزرگان از علماء شیعه و سنی در طول زمان قرار گرفته است و بنا بمدلول آن برای هر صد سالی (هر قرنی) مجددی ذکر نموده اند و مجدد مذهب را منحصر به علماء و فقهاء و محدثین بزرگوار ندانسته اند بلکه از عرفا و صوفیه و حکماء و فلاسفه و پادشاهان از هر طبقه و کشور و فرقه ای را بعنوان مجدد قرن معرفی نموده اند .

در پاورقی کتاب : میرزای شیرازی (ص 20) که ترجمه کتاب « هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی ، تألیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مترجم اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی) بمناسبت اینکه

مرحوم میرزای شیرازی بعنوان مجدد شهرت یافته بخلاصه واندک تغییر اضافه می نویسد :

1- مبنای این سخن حدیثی است که در سنن ابوداود از ابوهریره روایت می کند و بازگشت تمام کتب حدیث در نقل این روایت بهمن مأخذ و مصدر منتهی میگردد و در کتب حدیث شیعه چنین روایتی از هیچ یک از معصومین علیهم السلام روایت نشده است (به نوشته مرحوم طهرانی در نقباء البشر توجه شود).

راوی این حدیث یعنی ابوهریره نه تنها از نظر محدثین شیعه بلکه از دیدگاه ستیان نیز غیر معتبر و در برخی از کتب ویرا دروغزن و جمال ووضاع الحدیث معرفی نموده اند بنابراین حدیث از نظر سند ضعیف و غیر قابل قبول است

2- بر فرض قبول این حدیث و اینکه آنرا صحیح بدانیم بزرگان از علماء و محققین و فقهاء و مجتهدین که در طول چهارده قرن اسلامی در کلیه فرق اسلام و بالاخص شیعه پدید آمده اند چه وضع و حالتی دارند . آیا حضرت سید الشهداء علیه السلام باقیام خود تجدید روح اسلام و قوانین آن که بوسیله خلفاء و بالاخص معاویه ویزید جانشین او دچار ضعف و فراموشی شده بود مجدد شمرده نمیشود. مگر نه آنست که بیشتر احادیث مربوط به احکام و عبادت و اصول اعتقادات و مبانی اخلاقی شیعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است و فرقه شیعه امامیه را بهمین لحاظ بنام مبارک آنحضرت فرقه جعفری و مذهب ما را مذهب جعفری می نامند ، آیا حضرت صادق علیه السلام مروج و مجدد مذهب شمرده نمیشود . آیا این قول قابل قبول است.

3- در حدیث فوق می گوید : در سر هر صد سال، پس تکلیف بزرگانیکه در رأس مائه قرار نگرفته اند چه خواهد بود، گذشته از اینکه بسیاری از کسانی که مجله مذهب ذکر کرده اند باین بیان نمیتوانند مجدد محسوب شوند مثلاًجناب

شیخ مفید را که مجدد قرن چهارم می نویسند در سال 355 متولد شده و بسال 432 وفات یافته است و زمان در قرن چهارم و پنجم را درک نموده و عمده شهرت و عنوان او در قرن پنجم می باشد و نام جناب شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن حسن طوسی صاحب دو کتاب از امهات کتب شیعه یعنی کتابهای: استبصار و تهذیب از کتب چهار گانه محمدین سه گانه اوائل را چون در سال 385 تولد یافته و در سال 460 رحلت نموده بعنوان مجدد قرن ذکر نکرده اند و حال آنکه شهرت اجتماعی و مقام علمی و خدمات آن بزرگوار به شیعه و اینکه وی اول کسی است که شهر نجف اشرف را مرکز علم و دانش شیعه و مجمع علماء و مجتهدین و طلاب و مشتغلین قرار داده و تاکنون بحمد الله در طول یکهزار سال این حوزه مقدسه علمیه بوجود علمای بزرگ و مراجع مزین و مفتخر است .

همچنین است مرحوم سید حجة الاسلام شفتی که دو قرن را درک نموده یعنی یک ربع از قرن دوازدهم و مدت شصت سال از قرن سیزدهم را زنده بوده بیشتر مؤلفین به غیر از مرحوم انصاری (و شاید عده ای دیگر که فعلا نامشان بر نویسند مجهول است) ویرا مجدد قرن نشناخته اند .

همچنین مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 88) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد :

از ارکان شریعت و مجدد قرن سیزدهم در مذهب شیعه.

مرحوم شیخ جعفر بن شیخ باقر آل محبوبه نجفی در کتاب : ماضی النجف وحاضرها (ص 74 یکم) در ضمن بیان مساجد نجف می نویسد :

مسجد شیخ صاحب الجواهر در سال 1264 در زمان علامه مشهور مجدد مذهب در قرن سیزدهم آقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام تأسیس گردید .

ص: 45

(خلاصه و نتیجه کلام) : با توجه به مطالب فوق چنین نتیجه می گیریم که حدیث فوق از لحاظ :

۱- سند ضعیف است. 2- از نظر محتوا و مصادیق خارجی نیز مردود و غیر قابل قبول است.

حدیثی از امام ششم علیه السلام : ثقة الاسلام کلینی در کتاب اصول کافی (ص 60 جلد یکم باب صفة العلم وفضله، وفضل العلماء حدیث 2) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

ان العلماء ورثة الأنبياء انما اورثوا احادیث من أحادیثهم ، فمن اخذ بشيء منها فقد اخذ حظا وافرا فانظروا علمکم هذا ممن تأخذونه فان فينا اهل البيت في كل خلف عدولا ينفون عنه تحريف الغالين وانتحال المبطلين وتأويل الجاهلين.

دانشمند بزرگوار محقق متبع آقای شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در مقدمه کتاب و مقتضب الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر « تألیف محدث جلیل شیخ احمد بن محمد جوهری بنقل از الصواعق ص 168 و چندین کتاب دیگر حدیث فوق را بدینگونه روایت می کند :

قوله صلى الله عليه وآله وسلم : في كل خلف من امتي عدول من اهل بيتي ينفون عن هذا الدين تحريف الضالين وانتحال المبطلين وتأويل الجاهلين، الأوان امتکم وفدکم إلى الله عز وجل فانظروا من توفدون .

دانشمندان و ارث پیغمبرانند ... بدرستی که ارث نهادند احادیثی از حدیث های خود را، پس هر کس چیزی از آنها را فراگرفت به تحقیق که بهره فراوانی گرفته است . پس نگاه کنید که علم خود را از که می گیرید پس بدرستی که در بین ماخاندان در هر دوره و زمان جانشینی عادل می باشد که تحریف هائی که بوسیله غلوکنندگان در دین پدید آمده و نسبت های دروغی که مبطلین و مخربین در دین می دهند و همچنین

تغییرات و تأویلاتی که از طرف مردم نادان در دین میشود را از بین میبرند .

خلاصه فرمایش امام علیه السلام آنکه در هر عصری مردمان عادل و عالم و آگاهی در بین شیعیان ما می باشند که از صراط المستقیم حق و حقیقت منحرف نگشته و علاوه بر آنکه خود در راهند دیگران را نیز که به طریقی از راه برگشته اند براه راست هدایت می کنند ، این گمراهان بر سه گونه اند :

1- غلو کنندگان می باشند همچون کسانی که در باره ائمه طاهریین علیهم السلام غلو نموده و آنها را خدا میدانند و یا قائل به حلول و اتحاد شدند .

2- بیهوده گوئی که حقایق دین را تحریف نموده و به گونه ای دیگر بیان می کنند مانند آنها که با جعل اخبار مخالف واقع نظر عده ای از مردم را از دیانت برگردانده و در عقاید آنها رخنه می کنند مانند آنها که در ثواب قراءت برخی از سوره های قرآن و یا ادعیه از پیش خود حدیث ساختند و آنرا به معصومین نسبت دادند.

3- گروه سوم مردمان نادانی می باشند که احادیث را به سلیقه و نظریه خود تأویل می کنند و قرآن را بدلخواه خود تفسیر می نمایند مانند کلیه فرقه های انحرافی که خود را به اسلام نسبت میدهند .

تذکر): مرحوم شیخ علی بن محمد سبط شهید ثانی در کتاب: الدر المشور من الماثور و غیر الماثور (ص 15 دوم) حدیث فوق را نقل نموده و آنجا تحریف الغافلین بجای تحریف الغالین می نویسد .

مخالفین سید حجة الاسلام

در زمان حیات مرحوم سید حجة الاسلام و همچنین بعد از وفات ایشان تا زمان حاضر عده ای با آن مرحوم مخالف بلکه معاند بودند و بروی و اعمالش اعتراض

ص: 47

و انتقاد میکردند، یکی به ثروت او خرده میگرفت و دیگری اجرای حدودش را نمی پسندید. سعدی می گوید:

اگر در جهان از جهان رسته ای است در از خلق بر خویشان بسته ایست اگر بر پری چون ملک ز آسمان بدامن در آویزدت بدگمان بکوشش توان دجله را
پیش بست نشاید زبان بد اندیش بست فراهم نشینند تر دامنان که این زهد خشک است و آن دام نان

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 135) می نویسد:

حاج شیخ محمد رفیع جیلانی (1) که فاضل و از شاگردان بحر العلوم بود و شرحی بر معالم نوشته اما شهرتی نداشت و سید را به او میلی نبود و حاج شیخ
محمد رفیع همیشه در مقام تشنیه حجة الاسلام بود. مانند اینکه شیخ گفت:

ما زمانیکه در نجف بودیم، در خدمت بحر العلوم بودیم آقا سید محمد باقر یک خوشه انگور از بازار گرفت و پس از یک هفته یا بیشتر بمنزل او رفتم همان
یک خوشه انگور در آنجا بود و هیچ از آن نخورده بود، گفتم چرا از آن انگور اکل نمی نمائی جواب داد که خواستم خلاف نفس کنم. اکنون صاحب آلف
از اموال دنیویست و یوما قیوما در تزیاید است و خلاف نفس نمی کند.

ص: 48

1-1) حاج شیخ محمد رفیع بن محمد رفیع جیلانی (محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد رفیع تولمی) از علماء ساکن اصفهان بوده تالیفات زیادی دارد
از آن جمله: 1- اصل الاصول در شرح معالم 2- جواهر الاصول حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح 3- رساله در جمعه 4- حواشی بر دره مرحوم
سید بحر العلوم استادش 5- شرح بهجة المرضیة 6- عقد الجواهر 7- کشف المدارک حاشیه بر مدارک 8- اللیالی الثمینة در شرح نهج البلاغه وغیره ()
تراجم الرجال ص 201 - دانشمندان و بزرگان اصفهان ص 241 - الکرام البرره ص 577 - الذریعه) وفات مشار الیه را در الذریعه حدود سال 1225 می
نویسد لکن در تراجم الرجال در سال 1237 نوشته است

نویسنده گوید: مرحوم حاج شیخ محمد رفیع توجه نفرموده اند که آن زهد در حال فقر و تسلط بر نفس موجب گردید که خداوند تبارک و تعالی به مشیت و اراده کامله خود و بر اصحاب الان از اموال نمود و از دست کرم و سخاوت گشود و فیض جودش به کلیه طبقات از علماء و سادات و فقرا و ایتم و طلاب و مستضعفین رسید. و این جود و کرم و ایثار نیز خود نوعی خلاف نفس محسوب میشود.

دیگر از مخالفین مرحوم سید حجة الاسلام: حضرت صادق علیه السلام میفرماید: بغض الفجار للابرار زین للابرار.

دشمنی و عداوت مردم بدکار و فاجر نسبت به نیکان موجب زینت نیکوکاران

است.

یکی از مسلمات است که مردم بدکاره هیچگاه از مردمان مؤمن و دیندار خوششان نمی آید آنها بمناسبت سنخیت مردم منافق و دورو و ستمکار و بدرفتار را می پسندند و از مؤمنین واقعی و دیندار بهرگونه که باشد بدگوئی می کنند. اینان سخن بر حسب موقعیت زمان و مکان می گویند با فاسق و منافق طبق دلخواه او می گویند و با مؤمنین نیز دم از اسلام می زنند و برای آن دلسوزی می کنند و خویشان را مؤمن واقعی و مسلمان راستین می شناسانند.

ذیلا بنام چند تن از مخالفین مرحوم سید حجة الاسلام اشاره میشود:

1- ادوارد برون انگلیسی به قول طرفدارانش ادیب ایرانشناس و عاشق دلباخته ایران در کتاب: تاریخ ادبیات ایران (ص 262 و 268 و 285 جلد چهارم) در ضمن بیان مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها ذکری از مرحوم سید حجة الاسلام نموده و گوید: شخصا چندین نفر را بجرم زندقه و معاصی مختلفه بقتل رسانیده است

در جای دیگر (ص 268) ضمن بیان کتابهای علمای شیعه نام کتاب سؤال

ص: 49

و جواب ایشان را برده و در ضمن معرفی ایشان می نویسد: که شرح سخت گیری او را نسبت بحدود شرعیه و اجرای حکم قتل درباره مقصرین و اشخاص هدرالدم سابقاً ذکر نمودیم.

و در (ص 285) در ضمن بیان شرح حال اسامی روحانیون عهد صفویه و پس از آن گوید:

22 - سید محمد باقر بن سید محمد نقی رشتی ملقب به حجة الاسلام که پیش از این ذکرش گذشت و سخت گیری او در اجرای حدود نسبت باشخاصی که نقش شریعت کرده بودند مذکور افتاد ...

نویسنده گوید: بطوریکه ملاحظه شد در هر سه جا انتقاد راجع به اجرای حدود شرعیه و سخت گیری در انجام آن می باشد. البته ادوارد برون و دیگران حق دارند به یک مجتهد ایراد کنند که چرا قوانین اسلام را در مملکت اسلامی اجرا می کند راز مقررات ممالک خارجی پیروی نمی نماید. در انگلستان که زنای محصنه و لواط و دیگر معاصی از امور عادی و جائز است نویسنده انگلیسی بخود حق میدهد که بنویسد: چرا چنین عاملینی را می کشند و چرا عالمی بقتل آنها فتوی میدهد و حتی خود آنرا اجرا می کند.

ادوارد برون انگلیسی با همه شهرت و عنوان او یکی از چهره های مرموز و ناشناخته است که اینگونه که باید معرفی شود تا کنون شناسانده نشده است در این جا فقط متذکر می شویم که وی گاهی خود را عارف و صوفی معرفی می کند و در نوشته های خود خویش را مظهر علی به نام میبرد (ص 1064 جزء سوم مجلد نهم الذریعه).

2 - مرحوم غلامرضا رشید یاسمی کرمانشاهی در پاورقی تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برون که ترجمه نموده (ص 285) می نویسد:

ص: 50

سید محمد باقر رشتی از حیث اهمیت در درجه سوم با چهارم است و ملا احمد نراقی در مرتبه دوم و اشخاص ذیل که از قلم افتاده خیلی مهمترند: 1 آقای بهبهانی 2- شیخ جعفر عرب 3- شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام 4- شیخ مرتضی الأنصاری 5 - آقا شیخ هادی طهرانی .

نویسنده گوید: با اعتراف و اذعان بمقام والای عموم مجتهدین و بالخصوص پنج نفر عالم نامبرده بالا معلوم نیست که مرحوم رشید یاسمی روی چه پایه و اساسی مرحوم سید حجة الاسلام را در درجه سوم و یا چهارم قرار داده است. البته ادوارد برون نام بسیاری از بزرگان علماء و فقهاء بزرگوار شیعه را که در این قرون میزیسته را ذکر ننموده و ظاهراً عدم ذکر اسامی شریف آنان برای اختصار نمودن مطلب بوده و ذکر نام مبارک مرحوم سید حجة الاسلام برای بیان اهتمام آنجناب در امر بمعروف و نهی از منکر که مرحوم رشید یاسمی بطور کلی از آن غافل بوده و هم بجهت بیان قدرت و نفوذ علماء شیعه در اجتماع مردم شیعه مذهب بوده است.

برای بسیاری م- حاج زین العابدین شیروانی از مشایخ واقطاب صوفیه ملقب به مست علیشاه نیز همچون دیگر عرفاء و صوفیه که عموماً با علماء اسلام مخالفند وی نیز با سید حجة الاسلام مخالفت مینموده است.

در کتاب بستان السیاحه نام هر شهر و قریه ای را که ذکر می کند آنرا بیدی باد می نماید می نویسد مخالف صوفیانند واصل در خوبی و بدی را تصرف و خدمت بصوفیان و یا مخالفت با آنان میداند.

در زمان مرحوم سید حجة الاسلام صوفیه در اصفهان نسبتاً کمر و فری داشتند: سید رضا نانی هندی (فوت 1222) و شیخ زاهد ثانی گیلانی (فوت 1222) و آقا محمد کاظم واله شاعر (فوت 1229) و از همه مهمتر حسینعلیشاه اصفهانی

(فوت 1234) و جمعی دیگر از صوفیه در این زمان در اصفهان میزیسته و مردم را به تصوف میخواندند، حکیمی بزرگوار و فیلسوفی عالیقدر از اساتید سید حجة الاسلام و موبدان آن بزرگوار یعنی حاج ملا علی نوری اصفهانی با آنان مخالف بود (شرح مخالفت او یا صوفیه بعدا بطور اجمال گفته میشود) مرحوم سید حجة الاسلام گرچه علنا با صوفیه مخالفت نمیکرد لکن با آنان موافق نبود و هیچ یک از آنان را بخود راه نمیداد از اینرو حاج زین العابدین شیروانی با سید حجة الاسلام موافق نبوده است

4- دیگر از این مخالفین عباس اقبال آشتیانی است که در آخرین شماره مجله یادگار (ص 28 تا 43 شماره دهم سال پنجم از مجله یادگار) شرحی راجع بزندگانی آن مرحوم نوشته است.

در ابتدای مقاله خود شرحی از وضع ناگوار عهد نادر و کریمخان نوشته و سپس بدوره قاجاریه پرداخته و در ضمن بخلاصه می نویسد :

علماء امامیه دوره قاجاریه چنان نفوذ یافتند که باید قدرت خود را برابر یا بالاتر از قدرت سلاطین و اولیای امور گذاشتند و بنام ترویج احکام و اجرای حدود و نیابت از امام غائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بسیاری موارد سلاطین و حکام را مطیع اوامر و احکام خود کردند ...

سپس بشرح حال و گزارش زندگانی مرحوم حجة الاسلام پرداخته و هر کجا بمناسبت مقام ویرا بگونه ای قدح نموده و بروی خرده گرفته است یک جا از ثروتش سخن می گوید و جای دیگر از اجرای حدود ..

گاهی ویرا متکبر و متفرعن میخواند و جانی مال دوست و شهرت طلب اما جائیکه از علم و عبادت او سخن می گوید ناچار بمقام والای او اعتراف نموده و زهد و عبادتش را ستوده است . برخی از مطالب آنرا بعدا بمناسبت مقام ذکر

خواهیم کرد. آیا او نمیداند زهد و عبادت با تکبر و مال دوستی مبیانت دارد؟

و یکی دیگر از مخالفین مهدی بامداد است در شرح حال رجال ایران (ص 304 سوم) شرح حال سید حجة الاسلام را عینا از مجله یادگار و قصص العلماء ، با اندکی تغییر در عبارات نقل نموده و همچون اقبال تهمت ها به مرحوم حجة الاسلام زده و همان بیانات را بگونه ای دیگر تکرار کرده است.

در حقیقت مهدی بامداد مطلبی از خود ندارد بلکه گفته ها و خطاهای اقبال آشتیانی را بازگو و باز نویس نموده است.

ایندو نفر یعنی اقبال آشتیانی و مهدی بامداد اجرای حدود احکام الهی را قساوت قلب می نامند آنها حق دارند زیرا اگر در شناسنامه آنها مذهبشان را اسلام نوشته باشند از اسلام فقط پنج حرف (اسلام) را می شناسند نه از حقایق این دین خبر دارند و نه از تاریخ آن گرچه هر دورا مورخ می نویسند آنها اسلام را از دیدگاه خارجیان می بینند نه از نظر مسلمانان.

خواننده عزیز توجه دارد که مأخذ و مصدر نوشته های این دو تن و دیگران از موافق و مخالف نوشته های شاگردان و معاصرین ایشان بالاخص میرزا محمد تنکابنی مؤلف قصص العلماء می باشد چه خوب می فرماید سعدی شیرازی :

دوکس بر حدیثی گمارند گوش از این تا بدان زاهر من تا سروش یکی پند گیرد دگر ناپسند هنر دارد از حر فگیری به پند فرومانده در کنج تاریک جای چه در یابد از جام گیتی نمای مپندار اگر شیر وگر روبهی کز اینسان بمردی وحیلت رهی

قضاوت بین دو اندیشه و گفتار موافق و مخالف با توجه به نویسندگان آنها و طرز فکرشان بعهدہ خوانندگان عزیز ویی نظر مییاشد .

آیا عقل و خرد قبول می کند که انسان نوشته های عالمی بزرگوار و فقیهی دیندار

ص: 53

و مؤلفی مطلع و آگاه که عموم نویسندگان بعظمت مقام علمی و احاطه او بدقائق و نکات زندگانی بزرگان دین و همچنین زهد و تقوای کم نظیر او معرفی یعنی مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی عالم محقق مدقق متنبع رجالی مؤلف کتاب شریف روضات الجنات را که سالها خدمت مرحوم سید حجة الاسلام تلمذ و شاگردی نموده و آنجناب را از نزدیک دیده و با او معاشرت داشته است را که در باره آن مرحوم می نویسد: از تمام صفات ناشایسته عاری می باشد. و یا در جای دیگر مینویسد تمام معارف و اخلاق رادار بوده و از کلیه مدارج مکارم و آداب برخوردار بود.. را قبول نکرده و نوشته های بی اصل و مغرضانه عباس اقبال آشتیانی را بپذیرد.

آنچه علامه محقق رجالی آقا سید محمد شفیع جاپانی شاگرد دیگر آنجناب و یا میرزا محمد تنکابنی را که اولی در روضة البهیه و دومین در قصص العلماء از اخلاق و ملکات سید حجة الاسلام بحث نموده اند و آنرا به بهترین وجه ستوده اند را رها کنیم و یاوه سراییهای مهدی بامداد را در برابر بپذیریم.

برای آشنائی بطرز فکر و میزان دینداری با ممداد کافی است خواننده عزیز در کتاب او اندکی میخانه مطالعه کند و مثلا شرح حال قره العین بابیه مشهوره را بخواند آنوقت متوجه می شود که این نویسنده تا چه حد و اندازه از معارف اسلامی بیگانه است.

بخش دوم: زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

اشاره

سید حجة الاسلام بید آبادی

مهاجرت تحصیلات - اساتید

ص: 55

مهاجرت سید حجة الاسلام به اعیاب مقدسه جهت تکمیل تحصیلات

مرحوم سید حجة الاسلام بطوریکه خود در برخی از اجازاتی که جهت شاگردانش مرقوم فرموده می نویسد در سال 1192 بسن هفده سالگی (درروضات الجنات - 1197 می نویسد) جهت ادامه تحصیل از ایران به عراق مهاجرت فرموده است ،

در روضات الجنات می نویسد مدت زمان توقف آنجناب در اعیاب مقدسه کربلا نجف - کاظمین جمعا هشت سال بوده ، بنابراین مراجعت به ایران باید سال 1200 یا 1205 باشد.)

در کربلا در خدمت وحید بهبهانی و آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل ودر نجف خدمت علامه بحر العلوم طباطبائی و کاشف الغطاء ودر کاظمین در خدمت آقا سید محسن اعرجی تلمذ نموده است.

فقر سید در اعیاب مقدسه

اشاره

فقر سید در اعیاب مقدسه : مرحوم سید حجة الاسلام مانند بسیاری دیگر از بزرگان علماء دوره تحصیل

ص: 56

بسیار فقیر و بی چیز بوده بطوریکه در قصص العلماء (ص 140) می نویسد :

در زمانیکه سید حجة الاسلام نزد سید علی صاحب ریاض المسائل درس میخواند بقدری فقیر بود که نعلین پایش پاشنه نداشته و پاشنه آنهم از کهنگی و کثرت استعمال در رفته بود و برای معاشی بومیه یکسر معطل و فاقد وعادم بود .

مرحوم سید نعمت الله جزاثری در شرح حال خود مینویسد: در دوره تحصیل قدرت خرید روغن جهت چراغ و روشنائی نداشتم و شبها از نور مهتاب و یا چراغ حوضخانه استفاده میکردم .

آری نتیجه تحمل آنهمه رنجها در تحصیل علم و دانش و صبر و شکیبائی در فقر رسیدن بمقامات عالیه علم و ریاست کلی دنیا و آخرت میباشد .

تدریس در ضمن تحصیل

در بین محصلین علوم دینی رسم است که معمولا هر طلبه ای علاوه بر دروسیکه در خدمت استاد تحصیل می کند و بعدا با سایر طلبه ها مباحثه می کند ، کتابها و درسهایرا که قبلا خوانده است به دیگران می آموزد بنابراین هر طلبه ای علاوه بر آنکه دانشجوی و طالب علم است استاد و معلم نیز می باشد. در اثر این رویه پسندیده علماء اسلام در تمام ادوار تحصیل و تدریس آنچه را خوانده اند حاضر الذهن می باشند .

ص: 57

فاضل محترم آقای حاج شیخ علی دوانی در کتاب شرح زندگانی حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج سید علی بهبهانی (1) رحمه الله علیه می نویسد:

سالیکه ایشان به نجف تشریف آوردند بجهت اقامت، من و چند نفر طلبه دیگر دوره مقدمات میخواندیم. ایشان از مراجع تقلید و در ردیف علمائیکه شبهه اعلییت در باره آنها میرفت قرار داشتند، هرگاه بمدرسه تشریف می آوردند اگر ما در ساختن صیغه فعلها و اینگونه مطالب دچار مشکلی بودیم از ایشان میپرسیدیم و ایشان با کمال عطف و مهربانی همچون پدری مشفق در کنار می نشستند و مشکلات ما را جواب میفرمودند و حال آنکه سؤال ما راجع به مقدمات بود و ایشان در حد مراجع بزرگ قرار داشتند.

مرحوم سید حجة الاسلام در سالهائیکه در نجف اشرف تحصیل مینمودند عده ای در خدمتشان سیوطی میخوانده اند که از اسم و رسم آنها بی خبریم. همینقدر میدانیم که مرحوم سید حجة الاسلام بخواش یکی از آنها حواشی بر کتاب سیوطی بنام «الحلیة اللامعة، مرقوم فرموده و در سالیکه بمناسبت ابتلا بمرض حرية البول به بغداد مسافرت فرموده بود و مدت چهار ماه در آنجا بمداوا و معالجه مشغول بود کتاب نامبرده را از مسوده به مبیضه آورده و این کار در تاریخ اواسط رجب سال 1204 بوده است.

بنابر این مرحوم حجة الاسلام تا این سال یعنی مدت 12 سال یقیناً در اعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام بوده و بعداً به ایران معاودت نموده است.

سید و حاجی کلباسی در نجف

آشنائی مرحوم حجة الاسلام با حاجی کلباسی از نجف در محضر درس مرحوم سید بحر العلوم شروع شده و بعداً این آشنائی به دوستی ووداد و به اتحاد و یگانگی تبدیل گردیده است هر دو مجتهد و بزرگوار عادل و متقی و پرهیزکار و...

در قصص العلماء (ص 140) می نویسد:

در زمانیکه در نجف اشرف در خدمت مرحوم سید بحر العلوم تلمذ مینمود میان او و حاجی کلباسی مراوده و مصادفه بسیار بود، روزی حاجی بدیدن سید بحجره ایشان میروود و مشاهده می کند که سید در حال اغما بر زمین افتاده است و معلوم میشود که از شدت گرسنگی غش کرده است. پس حاجی فوراً بیازار رفته و غذای مناسبی تهیه نموده و در حجره بسید می خوراند و سید بهوش می آید.

پدر مرحوم حاجی کلباسی یعنی حاج محمد حسن از نظر مادی در رفاه و آسایش بوده و دارای ثروت و مکتبی فراوان، از اینرو حاجی کلباسی در مدت

ص: 58

1- نویسنده رساله مستقلى بنام «ارمغان اصفهان در شرح حال علامه بهبهانی، در شرح حال و گزارش زندگانی ایشان تألیف نموده و بچاپ رسیده است.

تحصیل در رفاهیت نسبی بسر می برده و با خیال آسوده به تحصیل مشغول بوده اما برخلاف او مرحوم سید حجة الاسلام در این موقع که در نجف و کربلا تحصیل میکرده یا قبلا پدرش فوت شده بوده و اگر هم زنده بوده وضع مالی چندان خوبی نداشته که بتواند بفرزند طالب علم خود در خارج از ایران کمک نماید .

سید حجة الاسلام و علامه بحر العلوم

بطوری که مؤلف قصص العلماء (ص 140) می نویسد :

مرحوم سید حجة الاسلام اوایل تحصیل در امر طهارت و نجاست زیاد احتیاط داشته است و حوض آبی در بیرونی منزل استادش سید بحر العلوم بوده که سید حجة الاسلام اغلب جهت تطهیر و تجدید وضو بدان خانه میرفته است و تطهیر می نموده مرحوم بحر العلوم از وضع فقر و ناداری شاگرد مطلع گردیده و به او اظهار میفرماید که : باید در اوقات ظهر و شب جهت صرف نهار و شام بنزد من بیائی و در این باب اصرار می کند شاگرد منبع الطبع و بزرگوار از روی مناعت و استغناء انگار می کند و هر چند استاد در این باره اصرار می نماید وی برانکار خود می افزاید تا آخر الامر سید به مرحوم بحر العلوم عرض می کند :

اگر بیشتر از این اصرار بفرمائید از نجف بیرون میروم و اگر میخواهید که در نجف باشم و از درس شما استفاده کنم از این تکلیف دیگر فرمائید. مرحوم بحر العلوم بعلت علاقه ای که به مرحوم سید داشته و آتیه درخشانی که در او بچشم حقیقت بین مشاهده میفرموده دیگر سکوت می نماید و از آن پیشنهاد و تکلیف صرف نظر میفرماید .

سید حجة الاسلام و صاحب ریاض المسائل

در ایامی که مرحوم حجة الاسلام در کربلا در خدمت صاحب ریاض المسائل

ص: 59

یعنی آقا سید علی طباطبائی تحصیل می نموده چون استاد به وضع زندگی شاگرد آگاهی حاصل می کند کسیرا مامور می نماید که روزانه دو قرص نان یکی جهت ظهر و دیگر برای شب سید حجة الاسلام میبرده است.

خلاصه آنکه مؤلف قصص العلماء (ص 140) می نویسد: فقر و فاقه سید حجة الاسلام بنحوی بوده که گویا به تصور در نیاید.

استجازه از اساتید

در روضات الجنات (ص 291 دوم ترجمه) می نویسد:

حجة الاسلام بمن فرمود در آن روزگار که به کسب کمال می پرداختم رغبتی به استجازه از اساتید نداشتم و مانند دیگران که خواهان ریاست بودند در این اندیشه شب را بروز نمی آوردم با آنکه رویه اساتید با من طوری بود که متوقع بودند من از آنان استجازه نمایم و آنها بلافاصله و به محض اظهار من خواسته مرا اجابت کند.

به همین مناسبت از اجازه روایتی مروج بهبهانی و سایر اعلام که در طبقه او بودند محروم ماندم، ای کاش چنان استغنائی را در خود احساس نمی کردم و این رویه راسیره خود قرار نداده بودم تا امروز اینگونه محرومیت نصیب من نمیشد.

اساتید و مشایخ اجازه

در فصل آینده اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجة الاسلام را بتفصیل خواهیم نوشت در این جا نیازی بتکرار آن نیست

سید حجة الاسلام از مشایخ اجازه

عموم اجازات علماء معاصر و فقهاء و مجتهدین بزرگوار و کسانی که اجازه

ص: 60

روایتی دارند بیشتر به یکی از علماء زیر منتهی میشود :

1- علامه محقق منتبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی علیه الرحمه .

2- علامه جلیل فقیه زاهد آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی علیه الرحمه .

3- محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری علیه الرحمه .

4- علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی علیه الرحمه .

و جز اینان که به واسطه یا بی واسطه به این بزرگواران منتهی میگردد .

و اما مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب استاد المصطفی هشت نفر از مشایخ اجازه خود رانام میبرد که سه نفر آنان اجازاتشان به مرحوم سید حجة الاسلام مرسد:

1- مرحوم حاج میرزا حسین محدث نوری (1320 - 1254) و او از حاج شیخ عبدالحسین طهرانی (فوت 1286) و او از حاج سید شفیع جاپلقی (فوت 1280) و او از سید حجة الاسلام .

2- حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی اصفهان معروف به شیخ الشریعه و آقای شریعت اصفهانی (1329 - 1266) و او از آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و او از سید حجة الإسلام .

3- آقا سید مرتضی بن سید مهدی بن کرم الله بن حبيب الله بن مهدی بن سید رضا رضوی کشمیری و او از آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و او از سید حجة الاسلام .

و مرحوم سید حجة الاسلام روایت می کند از : 1- میرزا ابوالقاسم قمی (میرزای قمی). 2- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمینی . 2- سید محسن اعرجی کاظمینی .

وسلسله سند این بزرگوار تا ائمه معصومین علیهم السلام در کتب مضبوط است .

اجازه نقل حدیث

درباره اهمیت اجازه نقل احادیث از رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام و شرایطی که باید مجاز داشته باشد علماء بزرگوار اسلام در کتابهای خود بیاناتی فرموده اند که طالبین باید به آنها مراجعه فرمایند ، در این جا بذکر چند حدیث از کتاب شریف کافی قناعت می کنیم :

ثقة الاسلام کلینی در کتاب کافی : باب رواية الكذب والحديث از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند : حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : اذا حدثتم بحديث فأسندوه الى الذي حدثكم فان كان حقاً فلكم وان كان كذباً فعليه (ص 90 حدیث 7).

2- حضرت صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه ، (سورة الزمر آیه 18) میفرماید :

و آن کسی است که حدیثی را می شنود و آنرا همانگونه که شنیده است روایت می کند و در آن چیزی زیاد و کم نمی نماید .

3- احمد بن عمر حلال گوید : که بحضرت رضا علیه السلام عرض کردم: کسی از اصحاب ما کنایی بمن میدهد و میگوید که از من روایت کن ، آیا جایز است که من آنرا از او روایت کنم ؟ حضرت فرمودند : وقتی که بدانی کتاب تألیف و نوشته اوست روایت کن از او .

4- محمد بن حسن بن ابی خالد شینوله از حضرت جواد علیه السلام روایت می کند که به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم مشایخ و بزرگان ما احادیثی از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت کردند و چون زمان تقیه سخت بود کتابهای خود را پنهان داشتند و کسی از آنان (آن کتابها را روایت ننمود) چون مرگ آنان در رسید کتاب هایشان بدست ما رسید (آیا آنها را) روایت کنیم یا نه؟ حضرت در جواب فرمودند: آنها را روایت کنید که آنها درست و حق است.

نتیجه: از این اخبار و دیگر اخبار در این باب و موضوع نتیجه گرفته میشود

1- هر خبری که نقل می شود باید مصدر و مأخذ آن نیز نقل گردد •

2- در نقل اخبار هیچ گونه تصرفی از کم و زیاد کردن انجام نگیرد لکن نقل بمعنی و عبارت دیگر مانعی ندارد (اخبار آن در همین باب از کتاب اصول کانی نقل شده است).

2- کتابهاییکه مؤلفین آنها معین و معلوم می باشند روایت آنها احتیاج به اجازه ندارد .

فائده: اجازه دهنده را مجبر و اجازه گیرنده را مجاز گویند و علمای علم درایه برای هر یک از آنان شرایطی قائل شده اند از آنجمله:

1- آشنا بودن بعلم رجال و رایه جهت تشخیص انواع احادیث . 2- قابل بودن بر تشخیص انواع احادیث • 2- قابل بردن جهت درک معنی و مفهوم حدیث . 4- تقوای در نقل حدیث و غیره .

ص: 63

دانشمند بزرگوار حجة الاسلام آقای حاج سید ضیاء الدین علامه اصفهانی در کتاب: ضیاء الدرایه (ص 09) در باب هفتم در طرق تحمل حدیث و سخن درباره شایستگی تحمل آن می نویسد:

1- عقل و تمیز برای آنکه حدیث را می شنود (از راه سماع اخذ می کند) معتبر است .

2- اسلام و ایمان و عدالت و تکلیف در صحت تحمل حدیث به انواع مختلف آن (سماع- قراءت - اجازه - مناوله - کتابت - اعلام - وصیت - وجاده) معتبر نیست .

3- در آنکه از او روایت می کنند بزرگتر بودن از حیث سن و مقام و علم شرط نیست بلکه ممکن است بزرگی از کوچکی از خود روایت کند .

برای آگاهی بیشتر در موضوع اجازه و انواع آن طالبین به کتاب نامبرده و دیگر کتب در این موضوع مراجعه نمایند .

نویسنده محقق آقای محمد رضا حکیمی در کتاب: شیخ آقا بزرگ طهرانی (ص 9) در تحت عنوان: اجازه نقل حدیث، مطالبی سودمند و تذکراتی بمورد مرقوم داشته است. خوانندگان محترم را بمطالعه و دقت در آن دعوت می کنیم.

ص: 64

شهرت و لقب مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی

در بین علماء شیعه اول کسی که به لقب « حجة الاسلام » معروف شد مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بود و تا کنون کسی را بدین لقب و شهرت در بین علماء سلف سراغ نداریم.

مرحوم شفتی در زمان حیات و پس از وفات باین لقب در بین علماء معروف می باشد و ایشانرا گاهی بطور اطلاق حجة الاسلام و برخی مواقع حجة الاسلام شفتی - حجة الاسلام اصفهانی - حجة الاسلام بیدآبادی نیز گفته و نوشته اند .

در قرن سیزدهم چند نفر دیگر نیز باین لقب معروف شده اند لکن هیچکدام اهمیت و شهرت و مقام مرحوم سید حجة الاسلام را نداشته اند . در زمان حاضر این کلمه از معنی اصلی خود خارج شده و جزء تعارفات معمول زمان جهت متلبسین بلباس روحانیت گردیده و هر شرح امثله خوانی را نیز حجة الاسلام می نویسند و با این حرف او را فریب داده تصور شخصیت برای خود می کند.

همین حالت را دارد سایر القاییکه در زمانهای قدیم اختصاص به بزرگان اهل علم و دانش و مجتهدین و مراجع بزرگ داشت ، از قبیل آیت الله که قبلا در بین علماء بزرگوار شیعه لقب و شهرت جناب علامه حلی رضوان الله علیه بود و هر کجا بطور اطلاق می نوشتند : آیت الله مراد و مقصود ایشان بود بعدا در قرون اخیره

اختصاص به مراجع تقلید یافته و آنرا آیت الله گفتند و در کتابها نوشته اما در زمان ما هر طالب علمی را آیت الله می گویند.

یکی از فضلاء و دانشمندان معاصر کتابی در هشت مجلد در شرح حال علماء معاصر ایران تالیف نموده و آنرا بچاپ رسانیده و الحق در راه تالیف آن زحمت بسیار کشیده و خدمت شایسته ای انجام داده و متنی بر اهل علم و تحقیق اثر خود ثابت نموده است لکن متأسفانه در این کتاب رعایت مراتب علمی اشخاص نشده است هم مجتهد مرجع تقلید و هم طلبه صرف میرخوان را آیت الله نوشته و از این بابت خود و کتابش را مورد انتقاد شدید قرار داده است و حال آنکه کتاب نامبرده صرفنظر از القاب و تعریفات بی جا که گاهی از افراد شده رو بهمرفته کتابی است ارزنده و قابل استفاده گرچه نام بسیاری از علمای معاصر و آثارشان ذکر نشده است و از این جهت ایرادی به مؤلف بزرگوار و فاضل خدمتگزار آن وارد نیست .

بعضی از معروفین به حجه الاسلام

برخی از معروفین به حجة الاسلام از علماء بزرگوار شیعه : 1- مرحوم حاج ملا اسد الله بن عبد الله بروجردی فوت 1270 . 2- مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی معروف به حجة الاسلام ثانی فوت 1290

3- مرحوم مولی محمد تقی بن مولی محمد ممقانی تبریزی فوت 1317 •

مهدی بامداد در تاریخ رجال ایران (ص 41 ششم) می نویسد : در این خانواده چهار نفر به حجة الاسلام مشهور شدند : آخوند ملا محمد میرزا حسین - میرزا محمد تقی - میرزا اسماعیل ، این سه نفر پسران مولی محمد ممقانی می باشند .

- مولی محمد حسین کاشانی متوفی بعد از 1306 . و - مولی قربانعلی بن علی عسکر زنجانی فوت 1328 .

9- حاج ملا محمد بن مولی احمد نراقی کاشانی (فوت 1297).

و شاید عده ای دیگر لکن همگان مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری می باشند .

فائده 1: در بین علماء اهل سنت لقب حجة الاسلام به غزالی داده شده و او زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد شافعی طوسی معروف به غزالی (به تشدید راه منقوطة) مؤلف کتب عدیده از آنجمله : احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت متولد سال 449، و متوفای سال 505 می باشد. مرحوم سعید نفیسی در کتاب سرچشمه تصرف در ایران (ص 108) می نویسد : وی اول کسی است که خواست مطالب اهل طریقت را با شریعت وفق دهد.

فائده 2: از اواخر قرن چهارم هجری القاب مختوم به : الاسلام، در بین علماء رواج یافته است.

مرحوم بدیع الزمان فروزانفر در مقدمه ترجمه رساله قشیری (ص 14) بخلاصه می نویسد که :

القابی که با (الاسلام) رواج یافته

این نوع القاب از اواخر قرن چهارم هجری متداول شده و برخی از آنها بدین قرار است :

1- جمال الاسلام : لقب ابو محمد هبة الله بن محمد بسطامی فوت 440-2 حجة الاسلام : لقب غزالی 3- رکن الاسلام : لقب ابو عمر محمد بن حسین بسطامی فوت 407-408

4- زین الاسلام : لقب ابوالقاسم عبد الکریم قشیری (465-386) 5- شمس الاسلام : لقب ابوالطیف سهل بن محمد صلوکی فوت 404

6- شیخ الاسلام : لقب اسماعیل بن عبدالرحمن صابونی (449-373)

ص: 67

7- عماد الإسلام : لقب ابوالعلاء صاعد بن محمد (431-343) 8- فخر الإسلام : لقب امام الحرمين جوینی فوت 478

نویسنده گوید : همانگونه که در زندگینامه علامه مجلسی رضوان الله علیه (ص 276 یکم) متذکر شدیم قبل از ابوعثمان صابونی کسان دیگری نیز لقب شیخ الاسلام داشته اند از آنجمله :

1- ابو العباس احمد بن حسن سرخسی فوت 409 و جز او کسان دیگری .

فائده 3 : آنچه از مقدمه ترجمه رساله قشیریه نقل شد مربوط به علماء سنی مذهب بود اما آنچه مربوط به علماء بزرگوار شیعه می باشد :

1- امین الاسلام : لقب ابوعلی طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان فوت 548 یا 552

2- ثقه الاسلام : لقب ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی فوت 329 3 - جمال الاسلام : لقب حسن بن محمد از علماء قرن هفتم . 4 - رکن الاسلام : لقب نجم الدین حسن بن علی طبری از علماء قرن

• هفتم

5 - زین الاسلام : لقب جمال الدین علی بن محمد از علماء قرن هفتم . 6- شرف الإسلام : لقب سید حیدر بن محمد از علماء قرن هفتم .

7- شمس الاسلام : لقب ابو محمد حسن بن محمد قمی معروف به حسکا از محدثین قرن پنجم .

علامه طهرانی لقب اورا گاهی شیخ الاسلام (ص 133 نوابغ الراوة) و گاهی شمس الاسلام (در الذریعه در ضمن اسامی تألیفات او) ذکر می کند .

و از اینگونه القاب است : سید الاسلام - صدر الاسلام - ظهیر الاسلام -

ص: 68

عماد الاسلام - قوام الإسلام - معين الاسلام - ملاذ الأسلام - ناظم الاسلام ووحيد الاسلام وغيره .

فائده 4: علماء بزرگوار گذشته تاكسى را شايسته ولايق لقبى و منقبتى نمى دیدند ويرا بدان صفت نمى ستودند و در این راه نهایت احتیاط و دقت داشتند. یعنی هر لقبى را که به یکى از بزرگان اهل علم داده اند از روی حق و انصاف و شایستگی بوده و اگر کسى از روی دقت و توجه به اجازاتیکه علما برای شاگردان خود ویا مجازین نوشته اند نظر کند آنوقت می فهمد که تفاوت عبارات مربوط به اختلاف مقامات آنها می باشد.

القاب گروهى از علما شیعه بزرگ شیعه

ذیلا به برخی از این القاب و نعوت که عده ای از علماء بدان مشهورند اشاره میشود : 1- آیت الله : لقب و شهرت علامه حلی رضوان الله علیه . 2 - استاد البشر : لقب خواجه نصیرالدین طوسى . 3- بحر العلوم : حاج سید محمد مهدى طباطبائى بروجردى نجفى

4- رئیس المحدثین : شیخ صدوق : ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمى .

5- شیخ الرئيس : ابوعلی سینا . 6- شیخ الطائفة : شیخ طوسى ابو جعفر محمد بن حسن طوسى • 7- صدوق : محمد بن علی بن بابویه قمى

8- علامه : حسن بن یوسف حلی . 9- علم الهدى : سید مرتضى موسى . 10 - فاضل : محمد بن حسن اصفهانی (فاضل هندی) . 11- کافى الکفاة : صاحب بن عباد .

ص: 69

12 - محقق: جعفر بن حسن حلی مؤلف کتاب شرایع . 13 - مدقق: ملا میرزا شیروانی اصفهانی • 14 - مفید: محمد بن نعمان بغدادی 15 - مقدس: احمد بن محمد اردبیلی . 16 - مؤسس: آقا باقر وحید بهبهانی . 17 - مجلد: میرزا محمد حسن شیرازی و غیره راجع به کلمه (امام) قبلا تذکراتی داده شد.

قابل توجه و دقت :

پس از رحلت علامه بزرگوار مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد حسن شیرازی از طرف ناصر الدینشاه تلگرافهای تسلیتی به علمای ولایات مخابره شد از آنجمله تلگرافی به مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسونی اصفهانی مخابره گردید که در عنوان آن نوشته بود :

حجة الاسلام میر محمد هاشم - آن مرحوم پس از وصول تلگراف نامبرده نامه ای جهت شاه نوشت و پس از تشکر از مراحم شاهانه مرقوم فرموده بود:

پس از وفات مرحوم حاج سید محمدباقر شفتی معروف به حجة الاسلام شایسته نیست کسی را دیگر باین عنوان مخاطب سازند .

خواننده عزیز در این عبارت که نویسنده ای بزرگوار عالم و محقق و مدقق که حقا از بسیاری جهات بر بیشتر علمای زمان خود امتیاز داشته بلکه بسیاری ویرا اعلم علمای زمان میدانسته اند خوب دقت نما و آنوقت متوجه باش که مبادا در ستایش افراد کلمه ای گفته شود که شایسته آن نباشد و بدانجهت همه در نزد خداوند در روز واپسین مسئول و مأخوذ باشیم .

ص: 70

اشاره

اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجة الاسلام . در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام و در ایران در ذکر اسامی و شرح حال اجمالی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجة الاسلام شفتی.

مقدمه این فصل

مقدمه:

مرحوم سید حجة الاسلام در موطن خود مقدمات علوم را بخوبی فرا گرفت لکن متأسفانه از اسید او در این زمان هیچگونه اطلاعی نداریم. سپس برای تکمیل فضائل و علوم خویش رهسپار عتبات عالیات گردید (شاید قبلا به قزوین نیز رفته باشد لکن در این مورد هم اطلاع دقیقی در دست نیست) سال مهاجرت مرحوم سید به اعتاب مقدسه 1112 بنی سن هفده سالگی ایشان می باشد.

مشارالیه در کربلا و نجف و کاظمین و سپس قم کاشان در نزد اساتید بزرگوار و مجتهدین عالیقدر که اسامی شریف ، آنان زینت بخش این اوراق می شود تحمیل نمود تا بدرجات عالی علم و اجتهاد رسید سپس به اصفهان مهاجرت نمود در این

ص: 71

شهر نیز پس از مدت کوتاهی که خدمت برخی از بزرگان علم و فقهت رسید خویشتن را بی نیاز یافته بدرس و بحث و تالیف و تصنیف و ترویج دین و امر بمعروف و نهی از منکر پرداخت و بخواست خداوند متعال هر روز بر شهرت و عظمت او افزوده گشت تا جائیکه حکم او در تمام ممالک و شهرهای شیعه نشین رواج یافته و نفوذ یافت و تقریباً مرجع مطلق شیعه گردید .

ذیلاً بنام اساتید و مشایخ اجازه او اشاره میشود .

دوره های تحصیل

بطوری که قبلاً گفتیم مرحوم سید حجة الاسلام در سال 1170 متولد گردید و تا سال 1987 در مولد خویش می زیست در این سال به شفت مهاجرت کرده و ظاهراً این مهاجرت بعلت بدی اوضاع و سختی معیشت خانواده آنها بوده و در این محل آن مرحوم شروع بدرس خواندن نزد فضلاء و علماء نمود .

در سن 17 سالگی یعنی سال 1992 به عتبات مهاجرت فرمود و مدت یک سال در کربلا بدرس اساتید حاضر می شد در سال 1993 به نجف اشرف مهاجرت نموده و تا سال 120 در آن ارض مقدس در خدمت اساتید بسر برد ، در این سال بعلت ابتلاء بمرض حرقة البول برای معالجه به بغداد و سپس کاظمین مهاجرت نمود و ظاهراً بیشتر از یک سال در آن شهر نزیست و در سال 1200 یعنی سال فوت استادش مرحوم آقا باقر وحید بهبهانی به ایران مراجعت نموده و نخست مدت شش ماه در قم نزد میرزای قمی تلمذ نموده سپس به کاشان رفته و پس از مدتی که طول آن معلوم نیست بقم مراجعت نموده و تا سال 1210 یعنی سالی که مرحوم میرزای قمی جهت سید حجة الاسلام اجازه مرقوم داشته در قم بوده و سپس در 1711 به اصفهان منتقل گردیده و تا آخر عمر یعنی سال 1290 در اصفهان مقیم

ص: 72

بوده و ظاهراً در این مدت غیر از سفر مکه معظمه مسافرتی دیگر نکرده است .

در برخی از کتاب ها انتقال مرحوم سیدحجة الاسلام را به اصفهان در سال 1209 با 1207 می نویسند و ظاهراً اشتباه و همان 1219 صحیح است ، رقم عشرات در موقع نوشتن جابجا شده است .

این اسامی مشایخ و اساتید مرحوم سید حجة الاسلام بر حسب حروف تهجی :

لازم بذکر است که احتمالاً پدر ایشان یعنی سید محمد تقی نیز جزو اساتید مرحوم سید حجة الاسلام می باشد لکن چون دلیلی قاطع برای آن در دست نیست و ضمناً اطلاع از وضع علمی ایشان نیز نداریم همین اندازه اشاره اکتفامی کنیم .

1- حاج میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن کیلانی

شفتی معروف به میرزای قمی و محقق قمی . از اکابر علماء و مجتهدین عالم فاضل فقیه کامل محقق مدقق زاهد عابد در سال 1100 با 1102 در قریه دره باغ از قرای جابلق از دختر میرزا هدایت الله اصفهانی که از علماء و فضلاء اصفهان بوده و بجهت تبلیغ و ترویج دین بدان قریه مهاجرت نموده بود متولد گردید. نخست نزد پدرش که از فضلاء و علماء و از تحصیل کرده های حوزه علمیه اصفهان بود و مؤلف کتابی بنام کاس السالکین نظیر کشکول (ص 232 هفدهم الذریعة) تألیف نموده مقدمات علوم و ادبیات عرب را آموخت بعداً به خونسار مهاجرت نموده و در نزد آقا سید

حسین موسوی خونساری جد صاحب روضات الجنات اصول و فقه را آموخت و خواهر استاد را نیز بزوجیت اختیار نمود پس از آن به عتبات عالیات مشرف شده و در کربلا نزد وحید بهبهانی و آقا محمد باقر هزارجریبی و مولی مودی فتونی و پس از کسب اجازه از اساتید خود بموطن خویش بازگشت و مدتی در آن حدود ساکن

بوده سپس به اصفهان و بعداً به شیراز مهاجرت نموده سرانجام قم را جهت سکونت دائمی خویش اختیار نمود و از این وقت عنوان علمیت و شخصیت دینی او ظاهر شده طلاب از گوشه و کنار به محضرش حاضر گردیدند تا جائیکه نم یکی از مراکز عمده تحصیلات دینی گردید . سرانجام در سال 1241 در قم وفات یافته در قبرستان شیخان مدفون گردید و قبرش در آن مزار متبرک در قطعه ای کوچک محل زیارت می باشد . ماده تاریخ وفاتش و از این جهان بجنان صاحب قوانین رفت .

کتب زیر از تالیفات اوست: 1- اجوبة المسائل باسؤال وجواب درسه مجلد 2- اصول دین فارسی مطبوع 3-ساله در بیع فضولی 4 - رساله در بیع معاظاة 5- ترجمه قصیده نونیه سید محمد خادم ، قسمتی از آن که به خط مرحوم میرزای قمی است در ریحانة الادب (ص 129 چهارم) کلیشه شده است و ترجمه به شعر فارسی است 6- تسامح در ادله سنن 7 - جامع الشتات مطبوع 8- رساله در جزیه 9 - حاشیه بر تهذیب الاصول 10-حاشیه بر زبدة الاصول 11 - حاشیه بر شرح مختصر عضدی 12 - رساله در حبوه 13 - رساله در حکم مدرسه مجهول البانی 14 - دیوان اشعار عربی و فارسی قریب پنج هزار بیت 15- رساله در ربا 16 - الرد علی الصوفیه 17 - رساله در طلاق 18- رساله در عموم لاضرر 19- عین العین 20 - غنائم الایام در فقه مطبوع 21 - رساله در فرائض و مواریث 22 - القضاء والشهادات 23 - قوانین الاصول معروف ترین تالیفات مرحوم میرزای قمی 24 - مرشد العوام 25 - معین الخواص 26 - مناهج الحکام در فقه 27 - رسالهای در منطق 28 - منظومه ای در بدیع 140 بیت 29 - منظومه ای در بیان 120 بیت 30- رساله ای دروقف وغیره ، در قصص العلماء و مکارم الاثار و کتب دیگر شرح حال او بطور اجمال و تفصیل نوشته شده طالبین مراجعه کنند.

2- آقا باقر (محمد باقر) بن مولی محمد اکمل اصفهانی

معروف به بهبهانی و وحید بهبهانی ورد بهبهانی و مؤسس بهبهانی .

در کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص 47 یکم) بخلاصه و اندک تغییر می نویسد :

شهر بهبهان از شهرهای قدیمی ایران و قبل از تسلط اعراب یکی از پنج قسمت ناحیه شیراز بنام { کوره قباد }، موسوم بوده و حکومت نشین آن { اره کان یا اره جان و یا ارغوان } می نامیدند ارتفاعش از سطح دریا 2 متر و جمعیتش حدود 26 هزار نفر و هوایش گرم بطوریکه حداکثر درجه حرارت 50 و حداقل صفر آب مشروب شهر لوله کشی و از رودخانه کارون است . در قدیم جزو استان فارس بوده و اکنون جزو استان خوزستان می باشد .

نسب مرحوم وحید بهبهانی به 14 واسطه به شیخ ابوعبدالله محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید می پیوندد .

پدرش مولی محمد اکمل از علماء اواخر عهد صفویه و از مجازین از علامه مولی محمد باقر مجلسی و خود داماد آقا نور الدین محمد بن مولی محمد صالح مازندرانی داماد مجلسی اول می باشد از این رو مرحوم وحید بهبهانی در کتب خود از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به خال (دائی) تعبیر می کند . پدرش در فتنه افغانه از اصفهان مهاجرت نموده و چندی در بهبهان سکونت نموده از اینرو صاحب عنوان به بهبهانی شهرت یافته است . مرحوم آقا باقر در سال 1117 با 1118 در اصفهان متولد و مقدمات علوم را در این شهر نزد پدر و دیگران آموخت و بعدا در بهبهان و سپس در اکتاب مقدسه در کربلا بدرس شیخ بوسن بحرینی و آقا سید صدرالدین رضوی نمی شارح وافیه متوفی بعد از سال 1400 هجری در نجف

ص: 75

حاضر گردیده تا خود عالمی محقق و فقهی مدقق گردید و ترویج فقهاء اصولی نموده و از قدرت اخباری ها که در این ایام در اعتبار مقدسه قدرت و نفوذی یافته بودند کاست و در اثر ترویجات و خدمات او بدین و شریعت ویرا مجدد قرن دوازدهم و مؤسس بهبهانی لقب دادند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 231 یکم) اسامی چهل نفر از شاگردان و مجازین از او را ذکر نموده لکن نام مرحوم سید حجة الاسلام را نیاورده . همچنین در جلد پنجم در ضمن احوالات خود سید حجة الاسلام بشاگردی ایشان نزد صاحب عنوان اشاره نکرده است .

لکن در الکرام البرره (ص 192 یکم) و ریحانة الأدب (ص 212 یکم) و معارف الرجال (ص 199 دوم) به شاگردی مرحوم حجة الاسلام نزار اشاره شده و مدت آنرا یک سال نوشته اند .

مرحوم وحید بهبهانی تألیفات زیادی دارد ، در مکارم الاثار نام چهل و هفت کتاب و رساله را ذکر می کند که از آن جمله است: 1- اجوبة المسائل 2- التحفة الحسينیه نام رساله عملیه ایشانست 3- تعلیقه بر کتاب منهج المقال 4- رساله ای در اجتهاد و اخبار در رد اخباریه ه - رساله در خمس و زکوة و غیره

دانشمند معاصر آقای حاج شیخ علی دوانی از مدرسین حوزه علمیه قم کتابی در شرح حال و هید بهبهانی و خاندان او بنام «وحید بهبهانی» تألیف فرموده و آنچه راجع به این علامه جلیل گفتنی بوده است را شرح داده، مطالبین برای اطلاع بیشتر از شرح حال مرحوم آقای بهبهانی بدان کتاب و دیگر مواضع مراجعه کنند.

3- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل دزفولی

کاظمینی فرزند ملا محسن بن مجد الدین دزفولی . عالم فاضل محقق مدقق بصیر مجتهد

خبیر ، در حدود سال 1989 در دزفول متولد گردیده و در نجف و کربلا در نزد علماء بزرگی همچون آقاباقر وحید بهبهانی و شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء و سید بحر العلوم و میرزا مهدی شهرستانی اصفهانی حائری تلمذ نموده تا بدرجات عالیہ علم و اجتهاد رسیده سپس بدرس و مباحثه و تالیف و تصنیف پرداخته و از مؤسس بهبهانی رسید بحر العلوم و صاحب ریاض و شیخ احمد احسائی و آقا میرزا مهدی شهرستانی اجازه روایت داشته است .

در مکارم الاثار (ص 178 سوم) ویراعنوان نموده و از تألیفاتش نوزده کتاب و رساله نام برده، کتب زیر از اوست: 1- البحر المسجوریا لامعة الطورویا اللؤلؤ المسجور در معنی طهور 2 - تحفة الراغب در ترجمه بغیة الطالب از عربی فارسی و آن رساله عملیه استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد 3- رساله در قاعده من ملک با مبلغ النظر و یا رساله در قبول اقرار زوج 4 - کشف القناع عن وجوه حجیة الاجماع مطبوع 5 - مجموعه الأدعیة والأخبار 6- مستطرفات من الکلام 7- مقابسات الانوار در احکام نبی مختار صلی الله علیه و آله و سلم و این کتاب معروف ترین تالیفات اوست و بطبع رسیده است و آنرا مقایس نیز گفته اند 8 - منهج التحقیق در توسعه و تصنیق تاریخ فراغت شوال 1290 در موقع تألیف این کتاب صاحب عنوان بیست و پنج سال نداشته و مجتهد بوده است بطوری که در اجازه و تقریظی که استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء در سال 1211 بر این کتاب نوشته اشاره نموده

فوت صاحب عنوان را برخی 1220 و عدهای 1324 و 1234 و 1237 و حتی 1260 نوشته اند و آنچه بنظر مؤلف مکارم الاثار بحقیقت نزدیک است 1234 و مؤلف الذریعة 1237 نوشته است .

در هیچ یک از کتب تراجم رجال به استادی و یا شیخ روایت بودن او جهت سید حجة الاسلام اشاره نشده است جز آنکه در تاریخ علماء و شعراء گیلان (ص 21) ویرا از اساتید مرحوم حجة الاسلام می شمارد والطم عندالله .

در فوائد الرضویه (ص 62 دوم) در ضمن بیان شرح حال اوذکری از فرزندش شیخ باقر نموده و گوید : وهو اول من سن اللطم علی الصدور فی الصحن الشریف .

در معارف الرجال (م 94 یکم) میرزای قمی را نیز در جزو مشایخ اجازه اوانام میبرد .

در موسوعة العتبات المقدسة : قسم الكاظمین علیهما السلام (ص 80 سوم) می نویسد نسب آنان به جناب جابر بن عبدالله انصاری صحابی میرسد .

- 3

4- شیخ جعفر بن خضر جناحی

نجفی فرزند یحیی بن سیف الدین جناحیه ای علی نجفی .

جناحیه بفتح جیم اول و کسر جیم دوم دیهی است از اعمال عذارا از حله که اهل آن همه از اعقاب جناب مالک اشتر نخعی از بزرگان تابعین ویاوران حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و در سال 38 هجری به وسیله غسل مسموم بشهادت رسید و همانست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عهد نامه معروف را جهت دستور حکومت بنام او مرقوم فرمود و پس از شهادتش فرمود : کان لی کما کنت الرسول الله صلی الله علیه و آله وسلم . اعقاب جناب مالک در حوالی حله بنام آل علی شهرت دارند .

پدرش شیخ خضر از بزرگان علماء زمان خود بوده و کراماتی از او نقل شده

ص: 78

جناب شیخ جعفر در سال 1154 (ص 150 یکم معارف الرجال) و با 1156 در نجف متولد گردیده مقدمات علوم را نزد پدر خود فرا گرفت و به محضر علماء بزرگ عصر همچون شیخ محمد مهدی فتونی و شیخ محمد تقی دورنی و سیدصادق لحام و وحید بهبهانی رسید بحرالعلوم تلمذ نموده تا به اعلی درجه علم و فقاہت رسیده و حوزه درس و تدریس نهاده و عده کثیری از بزرگان در خدمت او تلمذ نموده اند .

مرحوم شیخ جعفر بمناسبت اختلافات واقعه بین عشایر نجف مجبور بمهاجرت از آن ارض مقدس شده به ایران آمده و در اصفهان مدتی سکونت داشته سپس به نجف اشرف معاودت فرموده و در آنجا در روز چهارشنبه (22 با 26) ماه رجب سال 1228 (در معارف الرجال 1227 می نویسد) وفات یافته در مقبره مخصوصی که یکی از اطاقهای مدرسه او باشد دفن گردید و بر اوقبه عالیہ بنا کردند .

در معارف الرجال (ص 154 یکم) می نویسد : در سفر بمکه معظمه مشرف شد در سالهای 1186, 1199 و در این سفر جمعی از علماء در خدمت او بودند از آنجمله : آقاسید محسن اعرجی و سید محمد جواد عاملی و شیخ محمد علی اعسم می باشند .

کتابهای زیر از تالیفات اوست : بغیة الطالب فی معرفة المفروض والواجب و آن رساله عملیہ ایشانست 2 - الحق المبین فی تصویب المجتهدین ونخطة جهال الاخباریین و آنرا در اصفهان تالیف فرموده و در آنجا گوید : هر دو دسته در اصول دین متحدند و مرجع هر دو در فروع دین اخبار روایت شده از ائمه طاهرین علیهم السلام می باشد بنابر این مجتهدین اخباری و اخبارها مجتهد می باشند و فضلاء هر دو دسته اهل نجات و ایراد کنندگان بدانها اهمل ملاکند . کتاب بیچاپ رسیده است 4 سغایة المأمول در علم اصوله - غایة المراد فی احکام الجهاد در الذریعة (ص 19

شانزدهم) می نویسد: در نسخه کتابخانه سپهسالار آنرا: الحسام البتار فی قتال الکفار نامیده استاد القواعد الجعفریه در شرح بر کتاب بیع قواعد علام 7 - قواعد السنة عشرور آنها را حفید او شیخ موسی بن محمد رضا بن موسی بن جعفر در سال 1305 جمع آوری نموده و به کتاب الحق المبین او افزوده و بچاپ رسانیده است 8 - کاشف الغطاء عن معایب عدو العلماء در رد میرزا محمد اخباری 9 - کشف الغطاء عن خفیات مبهمات الشریعة الغراء در فقه معروفترین تألیفات او و بهمین جهت خود شیخ را شیخ جعفر کاشف الغطاء و اعقاب او را آل کاشف الغطاء می گویند 10 - مجموعه فقهیه 11 - مختصر کشف الغطاء 12 - مشکاة المصابیح در شرح مشکاة الهدایه بحر العلوم 13 - مناسک حج 14 - منهج الرشاد در رد وهابیه مطبوع 15 - میزان المقادیر مطبوع و غیره .

مرحوم شیخ جعفر پس از وفات چهار پسر و پنج دختر بدین شرح از خود بجای گذاشت :

1- شیخ موسی فوت 1241 برای بسیاری 2- شیخ علی فوت 1253 3- شیخ حسن 1262 - 1201 4- شیخ محمد فوت 1247

5- نسمة خاتون زوجه شیخ محمد تقی رازی اصفهانی جد آقایان نجفی مسجد شاهی در اصفهان .

6- زوجه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهان . 7- زوجه آقا محمد علی نجفی هزارجریبی اصفهانی . 8- زوجه شیخ اسدالله کاظمینی .

9- زوجه شیخ محمد از بنی اعمام خود او .

ص: 80

عالم فاضل فقیہ کامل . در جبل عامل در خدمت آقای سید محمد بن ابراهیم موسوی جلال شرف الدین تلمذ نموده و به اجازه روایتی از ایشان مفتخر گردیده سپس در سال 1197 پس از فتنه احمد پاشا جزار باتفاق سید صالح فرزند استاد و شریک درس خود به عراق فرار نموده و در کاظمین سکونت نمود و از شیخ بوسف بحرانی در کربلا و همچنین میرزای قمی و غیره به اخذ اجازه روایتی مفتخر گردید.

سپس در کربلا بدرس و بحث اشتغال جسته و عده ای از بزرگان همچون سید عبدالله شبر و آقا سید صدرالدین موسوی و آقای سید محسن اعرجی نزد او تلمذ نموده و جمعی نیز همچون سید حجة الاسلام از وی باخذ اجازه مفتخر شده اند .

مرحوم سید حجة الاسلام در اجازه حاج آقا محمد کلباسی ویرابنعنوان : شیخنا المعظم الشیخ سلیمان بن الشیخ المعتوق العاملی می نویسد.

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 912 دوم) وفات او را در ماه رمضان سال 1227 در کاظمین می نویسد و گوید رپرا تالیفائی بوده که ظاهرا از بین رفته است رومی اوسید عبدالله شبر بوده و طسم وروحانیت تاسالها در خاندان او باقی بوده است

در موسوعة العتبات المقدمه : قسم کاظمین (ص 110 سوم) در ضمن خاندانهای کاظمین می نویسد : بیت معتوق از اولاد شیخ محمد متوفی سال 1320 فرزند شیخ جواد در سال 1354 زنده بوده فرزند شیخ علی فرزند شیخ سلیمان بن معتوق می باشند .

6- آخوند ملاعلی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی

از اعظام حکماء متشرعین وفلاسفه الهیین حکیم عارف زاهد متقی شاعرادیب متخلص به نور. مقدمات علوم را در مازندران و قزوین نزد آقا سید حسین قزوینی بخوبی فراگرفته سپس جهت تکمیل علوم خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد مرحوم آقا محمد بیدآبادی و آقا میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و جمعی دیگر به تحصیلات خویش ادامه داده و ضمناً در خدمت درویش عبدالمجید طالقانی اصفهانی از اساتید فن خط بالخصوص خط شکسته خط نویسی را آموخت بطوری که وی را از خوش نویسان خط شکسته باید دانست.

بالجمله مرحوم نوری پس از وصول بمقامات عالیہ علم و حکمت بتدریس و تصنیف پرداخته و در آن شهرت و عنوانی یافت بطوریکه تدریس فلسفه و حکمت در زمان او در تمام ایران بار منحصر گردید و عده زیادی شاگرد تربیت کرد که هر کدام حکیمی بزرگوار و فیلسوفی نامبردار شدند . مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 1267 چهارم) نام مشیت نفر از شاگردان او را ذکر نموده و نویسنده در جزوهای مخصوص بنام سی و سه نفر از آنان اشاره نموده ام .

مرحوم آخوند ملاعلی نوری با میرزای قمی کمال صداقت و ارادت داشته و در اصفهان بحاجی کلباسی و سید حجة الاسلام ارادت می ورزیده و پس از فوت میرزای قمی تقلید از سید حجة الاسلام میکرده . وی صوفیه را تکفیر مینموده و اهتمامش در این مورد بیشتر از فقهاء بوده. در طرائق الحقایق (ص 100 جلد سوم) شرحی در این موضوع نوشته و هم در قصص العلماء (ص 151) داستانی در این باره نقل می کند طالبین مراجعه کنند .

وی در رجب سال 1269 بسن شیخوخیت در اصفهان وفات یافته رسید

حجة الاسلام بر او نماز خواند . و قبل از دفن به نجف اشرف منتقل شده در عتبه مقدسه رواق مطهر مدفون گردید ، رحمة الله عليه .

در فوائد الرضويه (ص 239 يكم) در موضوع دفن او كرامتى ازوى نقل مى كند. مطالبين بدانجا مراجعه نمايند . كتب زير از تأليفات اوست :

1- اجوبة المسائل وان 34 سوال است كه ميرزاى قمى از او نموده و او بدانها پاسخ داده است نسخه ضمن مجموعه شماره (1212) كتابخانه الهيات و معارف اسلامى مشهد مقدس (ص 247 دوم فهرست كتابخانه).

2- تفسير سورة اخلاص زياده بر سه هزار بيت 3- جواب سوالات ميرزا ابوالحسن بن محمد كاظم (ص 246 دوازدهم الذريعه) 4 - جواب سوالات آقا محمد خان قاجار 5- جواب المسائل العرفانيه 6- حاشيه بر اسفار 7- حاشيه بر شرح فوائد حاج شيخ احمد احسائي 8- حاشيه بر شواهد الربوبية 9- حاشيه بر مشاعر آخوند ملا صدرا 10- حاشيه بر مفاتيح الغيب 11 - حواشى بر اسرار الايات 12- حواشى بر شرح الاصول ملا صدرا 13 - حجة الاسلام در رد كتاب ميزان الحق پادري نصرانى 14-ديوان اشعار 15 - رساله در بقاى روح پاسخ چندين پرسش است (ص 1715 دهم فهرست كتابخانه مركزى دانشگاه) احتمالاً همان كتاب اجوبة المسائل است 16 - الرقيمة النورية 17 - سؤال وجواب در معارف شايد همان اجوبة المسائل است 18 - شرح حديث زينب عماره منقول از حضرت صادق عليه السلام در روضه كافى (ص 1443 دوم از مجلد نهم فهرست كتابخانه مجلس شوراى ملى) 19 - شرح حديث هل رأيت رجلا وغيره .

نمونه اشعار او را در كتابهاى تذكرة اختر (ص 211) رياضى العارفين

ص: 83

اوست :

حقاً که علی ولی مطلق باشد حقیقت او چو حق محقق باشد هر کس که کند حق علی را انکار از حق مگذر که منکر حق باشد

در کتب متداوله اشاره ای به استادی آخوند ملا علی نوری نکرده اند جز آنکه مؤلف قصص العلماء (م 100) می نویسد : سید و حاجی کلباسی در سوابق ایام در خدمت آخوند درس خوانده بودند .

7- میر سید علی بن محمد علی

یا محمد بن علی بن ابو المعالی صغیر

فرزند ابوالمعالی کبیر اصفهانی برادر سید عبدالکریم جد علامه سید بحر العلوم طباطبائی عالم فاضل محقق مدقق از اکابر علماء و مجتهدین و اعظام فقهاء متبحرین عالم زاهد خواهرزاده و داماد وحید بهبهانی، در 12 ربیع الاول 1161 در کاظمین متولد و در محرم 1231 در کربلا وفات یافته و در روان مطهر نزدیک قبور شهدا در جنب وحید بهبهانی مدفون گردید تاریخ فوت او { بموت علی مات علم محمد } می باشد .

در اعیان الشیعه است که آنچه از سید بحر العلوم نقل شده است که فرموده است : فوت عمویم سید علی در سال 1201 بوده و آنچه صاحب روضات الجنات (ص 415) می نویسد در حدود 1201 فوت شده و در هر دو مورد علی سی از قلم افتاده است.

در قضیه وهابیه در سال 1216 مورد تهاجم و غارت آن فرقه قرار گرفته و قصد کشتن اورداشتند لکن خواست خداوند تبارک و تعالی غیر از آن بود وری از آن مهلکه نجات یافت . کتب زیر از تالیفات اوست : 1- رسالهای دور اجماع و استصحاب

2- رساله در اختصاص خطاب شفاهی بحاضر در مجلس خطاب 3 - رساله در اصالت براءت ذمه زوج از مهر 4 - رساله در اصول این 5 - رساله در تثلیث تسیبجات اربعه 6- رساله در تحقیق در حجیت مفهوم موافقت 7. تحقیق در حکم استظهار حائض 8 - ترجمه اصول دین وحید بهبهانی از فارسی عربی 9- جواز اکتفاء بریک ضربت در تیمم 10 - حاشیه بر معالم غیر مدون 11- حجیت شهرت 12 - حلیت نظر کردن به اجنبی فی الجملة 13 - حواشی بر الحدائق الناضره استادش شیخ یوسف بحرینی 14 - حواشی بر مدارک 15 - ریاض المسائل شرح بر مختصر النافع در دو مجلد معروف به شرح کبیر 16 - شرح مبادی الاصول تالیف علامه حلی 17 - شرح مختصر النافع و آن شرح صغیر است بخلاف ریاض المسائل که شرح کبیر است 18 - شرح مفاتیح 19 - رساله در مکلف بودن کفار بفروع 20- رساله در اینکه آیا منجزات مریض از ثلث است یا از باشد، ما ترک وغیره :

فائده 1: نسب مرحوم آقا سید علی صاحب ریاض از چندین راه به علامه مجلسی منتهی میشود :

- مادرش دختر مولی محمد اکمل اصفهانی بوده و اوداماد ملا نور الدین محمد بن ملا محمد صالح مازندرانی اصفهانی داماد مجلسی اول می باشد .

2- زوجه میرابوالمعالی کبیر دختر مولی صالح مازندرانی بوده است .

فائد 2: در فصوص العلماء (ص 129) گوید : مرحوم میرزای قمی فقهش بر اصول برتری داشت و آنا سید علی اصولش بر فقه اورجحان داشت و از قضایا اتفاقیه آنکه کتابهای آن در برخلاف شهرت یافت یعنی قوانین الاصول میرزای

ص: 85

قمی و ریاض المسائل انا سید علی در بین علماء معروف و مشهور و مقبول قرار گرفت.

فائده 3: آقای سید علی در علم مناظره وجدل بغایت توانا بود بر خلاف میرزای نمی که در میدان مناظره در انظار مردم از وی عاجزداشته (ص 902 سوم مکارم الآثار).

فائده 4: در عصر آقا سید علی دانشمندی معروف بنام میرزا محمد اخباری که جامع علوم عقلی و نقلیه و علوم غریبه بود با علماء اصول مخالفت و معاندت می نمود و کتابهای زیادی در رد آنها و تقویت اخبارها تالیف نموده تنها کسی که توانست در برابر او مقاومت و پایداری کند و گفتار او را با دله عقلی و نقلیه رد کند آقاسید علی بود.

فائده 5: اساتید او را قبلاً ذکر کردیم اما مشایخ اجازه او طبق نوشته اعیان الشیعه (ص 47 چهل و دوم) عبارتند از: 1- وحید بهبهانی 2- میر عبدالباقی امام جمعه اصفهان 3- شیخ یوسف بحرینی رحمة الله علیهم أجمعین و علی جمیع علمائنا الماضین.

8- سید محسن بن حسن بن مرتضی اعرجی کاظمینی

معروف به محقق اعرجی و مقدس اعرجی . عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد ادیب شاعر ، از علماء بزرگوار و محققین و متتبعین و مراجع تقلید در زمان خود بوده . در سال 1130 متولد گردیده و مطابق آنچه در اعیان الشیعه (ص 173 چهل و سوم) می نویسد تا سن چهل سالگی به تجارت مشغول بوده سپس به نجف جهت تحصیل علم رفته و در آنجا در خدمت وحید بهبهانی و شیخ جعفر نجفی

ص: 86

و سید بحر العلوم تحصیل نموده سپس به کاظمین معاودت کرده و به تالیف و تصنیف و تدریس پرداخته و عده ای از بزرگان اهل علم در خدمتش تلمذ نموده اند از آن جمله : حاجی کلاسی - شیخ عبد الحسین أعسم - سید عبدالله شبره شیخ محمد علی بلاغی - سید صدرالدین عاملی - سید محمد علی بن محسن فرزندش رسید محمد کاظم بن محمد علی فرزند زاده اش و سید حجة الاسلام شفتی و غیره. و از شیخ جعفر و شیخ سلیمان بن معتوق عاملی مجاز بوده و در سال 1199 در خدمت شیخ جعفر نجفی به مکه مشرف گردیده است .

کتب زیر از تالیفات اوست : 1- ارجوزه ای در فقه در اشباه و نظایر 2- اصالة البرائة 3 - تلخیص الاستبصار 4 - حاشیه مصباح المنیر (مصباح المنیر تألیف أحمد بن محمد بن علی فیومی مصری) 5 - حاشیه مقدمة الحدائق الناضرة تألیف شیخ یوسف بحرانی 6 - حاشیه وافی ملا محسن فیض کاشانی 7- حاشیه وافیه الاصول تألیف شیخ عبدالله بن محمد بشروئی خراسانی کرمانشاهی 8- دیوان اشعار 9- سلاله الاجتهاد (منظومه در اشباه و نظایر و نام دیگرش الفقهیه المستطرفه می باشد و این همان شماره یکم است و بطبع رسیده است) 10 - کتاب الصلاة 11- کتابی در رجال دراعیان الشیعه (ص 176 چهل و سوم) میفرماید نسخه آن در نزد من موجود است 12 - غرر الفرائد در فروع فقهیه 13 - الغرر والدرر کتابی است کشکول مانند در بیست هزار بیت و همان غرر الفرائد است 14 - متاجر 15 - المحصول در شرح وافی الاصول 16 - مختصر وسائل الشیعه 17- الوانی -18 وسائل الشیعه در فقه این کتاب بترتیب کتب فقهی که در بین فقهاء متداول است تألیف نشده است و بنا بگفته مؤلف ریحانة الادب کتاب قضای آن بهترین کتابی است که در این موضوع تألیف شده است.

مرحوم مقدس اعرجی در سال 1227 در کاظمین وفات یافته و در خانه خود

در اعیان الشیعه و معارف الرجال (ص 171 دوم) نمونه هایی از اشعارش نقل گردیده طالبین مراجعه نمایند .

در موسوعة العتبات المقدسه (ص 80 جزء سوم قسم الكاظمین) در ضمن خاندانهای شهر مقدس کاظمین می نویسد:

بیت الاعرجی از ذراری سید محسن رسید راضی اعرجی فرزندان سید حسن ابن سعید مرتضی که در سال 1165 هجری به بغداد منتقل گردید (انتهی).

9 - آقا سید محمد بن امیرسیدعلی طباطبائی حائری اصفهانی

معروف به مجاهد از اعظام علماء و مجتهدین ورؤساء فقهاء و اصولیین عابد زاهد مجاهد فی سبیل الله . در حدود سال 1180 در کربلا- از دختر آقا باقر وحید بهبهانی متولد گردید و در خدمت پدر بزرگوار خود سید بحرالعلوم و دیگر بزرگان تلمذ نموده تا بدرجات عالیہ علم و اجتهاد نائل گشته سپس به تدریس و تصنیف پرداخته و پس از واقعه هائله وهایی ها در سال 1316 به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر رحل اقامت افکنده و بدرس و بحث اشتغال جسته و جمع کثیر از بزرگان علماء و فضلاء در خدمتش کسب فیوضات علمی نموده و پس از فوت پدر بزرگوارش در سال 1231 به عتبات ممدادت نموده و ریاست فرقه امامیه بعد از هدرباو منتهی شده و در نزد کلیه طبقات خاصه علماء و بزرگان معزز و محترم بوده تا سال 1241 بر حسب وظیفه شرعی دفاع از حریم مملکت اسلامی و ضمناً دعوت فتحعلی شاه و عباس میرزا از ایشان جهت حضور در جنگ به عنوان تیمن و تبرک وهم بعنوان استظهار و پشت گرمی قشون و افراد داوطلب به جنگی روسیه رفته لکن تقدیر الهی و علل ظاهری موجب شکست ایران شده و آن عالم جلیل از این جهت

خسته و ملول گشته در مهاودت از جنگ در قزوین در 13 جمادی الآخره سال 1242 بمرض اسهال وفات یافته جنازه به کربلا منتقل و در بازار بین الحرمین در طرف راست کسی که از حرم حضرت عباس علیه السلام جهت حرم شریف حسینی علیه السلام می‌رود مدفون گردید و اکنون قبر شریف او آنجا در زیر گنبدی قرار دارد و قبور جمعی از اولاد و اعقابش نیز در اطراف او می باشد .

کتب زیر از تالیفات اوست: 1- الاستصحاب - اصلاح العمل نام اصلی کتاب الاصلاح است 2- اغلاط مشهوره 4- جامع العبایره - جامع المسائل یا سؤال و جواب فارسی 6- الجهاد 7- حاشیه بر معالم الأصول 8- حجیه الشهره - حجیه المظنه 10- مصابیح در فقه 11- مفاتیح الاصول و آنرا در اصفهان تالیف نموده و هنگام تدریس شاگردان آنرا جزء جزء می نوشته اند 12- مناهل در فقه معروفترین تالیفات ایشانست 13- نهایه المرام در شرح مفاتیح الکلام 14- الوسائل الحائریه با الوسائل إلى النجاة در اصول فقه و غیره .

در کتب تراجم و رجال اشاره ای به شاگردی مرحوم حجة الاسلام نزد سید محمد مجاهد و یا اجازه داشتن ایشان از وی نشده است فقط آقا سید شفیع چالقی در روضه البهیة در ضمن شرح حال سید حجة الاسلام و ذکر اسامی اساتید ایشان می نویسد :

وعلی السید الاستاد آقا سید محمد از این عبارت تلمذ مرحوم حجة الاسلام نزد صاحب عنوان استنباط میشود. فائده 1 : در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه می نویسد : کسانیکه حکم جهاد با روسیه را دادند بدی قرار می باشند : 1- حاج ملا احمد نراقی کاشانی .

- حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی

3- میرزا ابوالقاسم میرزای قمی 4- میر محمد حسین سلطان العلماء امام جمعه اصفهان .

5- آقا سید علی طباطبائی اصفهانی حائری .

6- مولی علی اکبر اصفهانی (احتمالاً اژه ای). و دیگر علماء در یک رساله نوشتند و امضاء کردند باین عبارت :

مجادله و مقابله با روسیه جهاد فی سبیل الله است و بر کوچک و بزرگ راجب است که برای حفظ دین و نگاهداری سرحدات ممالک مسلمین خودداری نکنند و روسیان را از مداخلت در حدود ایران دفع نمایند .

فائده 2: در موقع حرکت مرحوم آقا سید محمد از کربلا بجهت جهاد عده‌ای از علماء و مجتهدین و طلاب (قریب پانصد نفر) در خدمت او بودند و بعداً نیز جمعی دیگر از علماء ایران به آنها پیوستند ذیلاً بنام عده ای از آنها اشاره می شود :

1- سید ابراهیم قزوینی 2- مولی احمد بن مصطفی خمینی (ص 116 یکم الکرام البرره) 3- حاج ملا احمد فراقی . 4- حاج ملا محمد تقی برغانی . ه - حاج سید محمله تنی قزوینی . 6- حاج ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی . 7- آقا سید حسین بن آقا سید محمد مجاهد .

8- سید خیر الدین فرزند میر خیر الله موسوی جد آل خیرالدین در عراق (ص 9- اسلام در چهارده قرن).

- حاج ملا رضا خوئی . 10 - ملا محمد شفیع خوئی .

ص: 90

11 - حاج ملا صالح برغانی 12- حاج ملا عبدالوهاب قزوینی . 13- سید عزیزالله مجتهد طالشی . 14- ملا علی بن محمد ولی قاینی خراشادی . 15 - آقا سید نصر الله استرآبادی • فائده 3 : داستانی عبرت آمیز در بیوفائی مردم دنیا .

در تواریخ و تراجم رجال در ضمن شرح حال مرحوم آقا سید محمد مجاهد می نویسند :

چون آن بزرگوار به شهر قزوین رسید و جهت نماز از حوض مسجد وضو ساخت مردم قزوین بعنوان تیمن و تبرک آب حوض را تا قطره آخر بودند و این در سال 1241 بود چند ماه از این قضیه نگذشته بود که جنگه بضرر ایران خانمه بافت و آن سید بزرگوار در حال مرض در مراجعت بهمین شهر وارد شد . مردم آنجا نسبت به آن بزرگوار توهین ها کردند و دشنام ها دادند حتی برخی از آنان که گستاخ تر و بی حیاطر بودند مشافهه بآن سید جلیل جسارت ها کردند و اعمالی انجام دادند که روی تاریخ و خود را برای همیشه سیاه کردند .

فائده 4 : علل و موجبات شکست را در این جنگ اولاً باید از متخصصین نظامی پرسید ، ثانیاً آنچه بنظر میرسد؛

1- برابر نبودن نیروهای طرفین . 2- خیانت نمودن برخی از حکام ولایات و سران قشون .

3- نارضایتی ارامنه گرجستان از حکومت مرکزی ایران بخصوص پس از کشتار آقا محمد خان .

4- رشوه گرفتن عباس میرزا . معروف است که چون آقا سید محمداز این

ماجرا آگاه شد و برانفرین کرد که جوانمرگ شود او مرد و به سلطنت ترسیل اما روسها سلطنت ایران را در اولاد او تضمین کرده بودند.

ه - غرور عباس میرزا که چند مرتبه پیشنهاد صلح شد و نپذیرفت .

6- اختلاف بین برخی از بزرگان و روحانیون آذربایجان در ادامه دادن جنگ و یاصلح .

7- در این بین سیاست انگلیس را هم نباید فراموش کرد .

10- حاج ملا مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نرالی کاشانی

نراق بروزن اراک از اعمال کاشان . شیروانی در بستان السیاحه (ص 178) نرسل :

قریه ای است قصبه مانند و محلی است خاطرپسند از توابع کاشان آبش کم و باغاتش فراوان آن قریه در دامن کوه اتقاق افتاده و سه طرفش فی الجمله گرفته و سمن مغربش بایت گشاده است (انتهی).

مرحوم نراقی از بزرگان علماء و فقهاء واجله حکماء و متکلمین فقیه اصولی و حکیم متکلم جامع معقول و منقول و حاری فروع و اصول در علوم ریاضی و هیئت و اخلاق و علوم ادبیه از اساتید بشمار میرود و در ایاب الألقاب (ص 92) و ریحانة الادب گوید که در برخی از کتب متأخرین و براخاتم المجتهدین و لسان الفقهاء و المتکلمین خوانده اند . عمده تحصیلات او در اصفهان در خدمت ملا اسماعیل خواجهی (قوت 11 شعبان 1173) بوده در ریحانة الادب (ص 186 چهارم) و لباب الالقب مدت تلمذ او را در نزد خواجهی سی سال نوشته اند و هم در خده من ملا مهدی هرنندی و حاج شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر درس خوانده سپس به عتبات مهاجرت نموده و آنجا مدنی از محضر آقا باقر وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرینی استفاده علمی کرده

ص: 92

و پس از وصول به مقامات عالی به کاشان معاودت نموده و در آنجا سکونت اختیار نموده و بتألیف و تدریس وافاده و افاضه اشتغال جست، عده زیادی از بزرگان اهل علم و دانش در خدمت او تحصیل نموده و بمقامات عالی علم و کمال و ریاست و شهرت رسیده اند که از آن جمله است سید حجة الاسلام شفیعی .

قبل از ورود مشار الیه بشهر کاشان این شهر فی الجمله از وجود علماء بزرگ و مجتهدین نامدار و مدرسین خالی بود لکن ببرکت وجود این عالم بزرگوار کاشان یکی از مراکز علمی شیمه گردیده و طالبین علم و دانش از گوشه و کنار روی بدان شر نمودند .

کتب زیر از تالیفات اوست : 1- اصول دین بفارسی 2- انیس التاجرین با انیس التجار در فروع تجارت رساله عملیه برای مقلدین بفارسی مطبوع 3- انیس الحكماء 4- انیس المجتهدین در اصول فقه 5- انیس الموحدین بفارسی در اصول دین و همان اصول دین است در الذریعه در دو محل نام برده (ص 195 و 466 دوم) 6- التجرید با تجرید الاصول مطبوع 7- التحفة الرضویه در مسائل دینیا 8- توضیح الاشکال 9- جامع الأفكار 10- جامع السعادات در اخلاق از معروفترین تالیفات او مطبوع 11- جامعة الأصول 12- رسانه ای در بیان 13- رساله ای در حساب 14- رساله ای در عبادات 15- رساله ای در علم عقود فارسی 16- شرح شفا 17- الشهاب الثاقب در رد برخی از معاصرین او از علماء عامه 18- قره العیون در معنی وجود و ماهیت 19- الکلمات الوجیزة 20- کنز الرموز در برخی از آداب شرعی مطبوع 21- اللمعات 22- امهات الشرعیه 23- اللمعة الالهیه در حکمت متعالیه 24- لوامع الاحکام در فقه شریعت اسلام 25- محرق القلوب در مقتل مطبوع 26- المحصل در هیئت 27- المستقصی در هیئت 28- مشکلات العلوم فارسی ملعم مطبوع مانند ککشول شیخ بهائی

29. معتمد الشیعه فی احکام الشریعه 30- معراج السماء در هشت 31 - مناسک حج یا انیس الحجاج 32 - نخبة البیان در استعاره و تشبیه فارسی مطبوع وغیره .

فائده : علامه طهرانی در الذریعه (ص 75 هفدهم) در ضمن شرح کتاب قرۃ العیون گوید :

نسخه ای از آن در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است و حواشی مختصری از استادش آقا محمد بیدآبادی بر آن نوشته شده. بنا بر این مرحوم بیدآبادی نیز یکی دیگر از اساتید مشار الیه در اصفهان بوده است .

بدین ترتیب اساتید او در اصفهان عبارت شدند از :

1- مولی اسماعیل خواجویی 2- آقا محمد بیدآبادی 3 - مولی محمدبن محمد زمان کاشانی 4- مولی مهدی هرنندی هم میرزا نصیر رحمة الله علیهم اجمعین.

11- میرزا محمد مهدی بن ابوالقاسم موسوی شهرستانی

اصفهانی حائری . عالم عابد فقیه زاهد .

شهرستانی منسوب است به شهرستان و آن بنا بنوشته مکارم الاثار (ص 613 دوم) نام چندین موضع است:

1- شهرستان خراسان . 2- شهرستان نام شهری در فارسی . 3- فربه ای در بلوک خنج فارس (از بخش های شهرستان لار). 4 - فربه ای در فارس از شهرستان فسا. 5- و شهرجی در اصفهان - شهر قدیم اصفهان .

مرحوم آقا میرزا محمد مهدی صاحب عنوان از شهرستان جی اصفهان بوده است . در وقایع السنین والاعوام (ص 456) نسب سادات شهرستانی را از میرزا روح الله که در قرن یازدهم در اصفهان بوده تا حضرت موسی بن جعفر علیه

ص: 94

در حدود سال 1130 در اصفهان متولد گردیده و ظاهراً در فتنه افغان پالر و خانواده اش به عتبات مهاجرت کرده اند و او در آنجا در خدمت جمعی از بزرگان همچون مولی ابوالحسن شریف عاملی و آقا باقر بهبهانی و شیخ محمد مهدی فتونی و شیخ یوسف بحرینی تلمذ نموده و از شیخ یوسف بحرینی و مولی مهدی فتونی و آقا میر عبد الباقي امام جمعه اصفهان به اخذ اجازه مفتخر گردیده و جمعی کثیر از بزرگان علماء نیز در خدمت او تحصیل نموده و با کسب اجازه نموده اند از آنجمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی (ص 86 سوم معارف الرجال)

و از جمله کراماتی که جهت سید بحر العلوم نقل می کنند آنکه وی خبر داد که سید شهرستانی بر جنازه من نماز میخواند و حال آنکه وی در آن موقع یعنی در موقع احتضار بحر العلوم در کربلا بود و قضیه بهمین نحو انجام گردید.

وفات صاحب عنوان در سال 1216 در ماه صفر در کربلا اتفاق افتاده و دو پسر عالم فاضل از او بجای ماند: میرزا ابوالقاسم و میرزا محمد حسین متوفی در 1247، و در همین سال فرقه وهابیه به کربلا حمله کرده و آنجا را غارت نموده و بسیاری از مردم آنجا را از زوار و مجاور کشتند.

مرحوم شهرستانی را تألیفاتی است از آنجمله: 1- تفسیر برخی از سوره های قرآن 2- حاشیه بر مفاتیح الشرایع فیض کاشانی 3- فذالک در شرح مدارک 4 - مصباح در فقه.

فائده: اولاد پسری و هم اعقاب دختری او که سادات حسینی می باشند. بعلت اهمیت و شخصیت او به شهرستانی معروف و مشهور می باشند.

فرزند آقا سید مرتضی بن سید محمد بروجردی .

مرحوم آقا سید محمد بن عبد الکریم از علماء اواخر زمان صفویه در اصفهان بوده و ظاهراً در فتنه افغانه از این شهر مهاجرت کرده و در بروجرد متوطن شده است قبرش در آن شهر مزاری معروف است . پدرش مرحوم آقا سید مرتضی نیز از علماء و بزرگان بوده و در سال 1199 به نجف اشرف مهاجرت کرده و در آن ارض مقدس سکونت نموده و در سال 1204 هسم در آن شهر وفات یافته است.

مرحوم بحر العلوم : الامام الهمام الذی لم تسمع بمثله الأيام سید العلماء الاعلام ومولی فضلاء الاسلام سید الفقهاء المتبحرین امام المحدثین و المفسرین ... صاحب المقامات العالیة والکرامات الباهرة (ص 676 دوم فوائد الرضویة).

مقامات علمی و شخصیت معنوی و روحانی این سید بزرگوار برتر از آنست که نویسنده ناتوانی همچون من و امثال من بتواند درباره او و مقامانش چیزی بنویسد و بهتر آنست که عجز و ناتوانی خود را وسیله پوزش مطلبی از ساحت مقدس آن بزرگوار قرار داده و به اختصار بپردازم .

وی در شب جمعه ماه شوال 1155 در کربلا متولد گردید و پس از دوران کودکی و رسیدن به سن تحصیل در نزد عده زیادی از معاریف علماء و مجتهدین تلمذ نموده و از جمعی از آنان به کسب اجازه مفتخر گردید سپس به تالیف و تصنیف و تدریس پرداخته عده کثیری از بزرگان در خدمت او بمقامات عالییه رسیدند .

در شرح حال او لازم است تذکر داده شود که تشرف او خدمت حضرت

بقية الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف از متواترات و مسلمان در بين علماء و بزرگانست واحدى در اين باره شك و ترديد ندارد .

و مقام قداست و بزرگواری او بحدی بوده که مرحوم شیخ جعفر نجفی گرد نعلین او را با تحت الحنک پاک مینموده اس . اساتید و مشایخ اجازه اویطوریکه در مکارم الاثار استقصاء نموده عبارتند از: 1- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی اصفهانی 2- مولی محمدباقر بن مولی محمد اکمل وحید بهبهانی 3- آقا محمد باقر بن محمد باقر هزار جریبی 4 - شیخ محمد تقی دورتی 5 - آقا شیخ محمد جواد عاملی 6- سید حسین بن امیر ابراهیم قزوینی 7 - آغاسید حسین بن سید جعفر خونساری 8- امیر عبدالباقی امام جمعه اصفهان شیخ روایت تاریخ 1192 . 9- شیخ عبد النبی قزوینی 10- سیل قطب الدین محمد تبریزی بر حسب آنچه در طرائق الحقایق نوشته 11 - آقا سید مرتضی طباطبائی پدر بزرگوارش 12 - آقا شیخ محمد مهدی فتونی 13 - شیخ یوسف بحرینی رحمة الله عليهم أجمعين .

و عده کثیری در نزد او درس خوانده اند از آن جمله مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بید آبادی است . ویرا تألیفات چندی است از آنجمله : 1- اثنی عشریات و آن دوازده قصیده در مرثیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد 2 - اجازات 3- اجتماع الأمر والنهی 4 - ارجوزه در جمل وعقود 5 - ارجوزه درباره انار (القصيدة الرمانیه) چهل وشش بیت 6. ارجوزه در مرانی 7- ارجوز در مناقب و مثالب 8- أصالة البراءة 9- تحفه الکرام تاریخ مکه و مسجد الحرام 10 - دره و آن منظومه ای در فقه می باشد 11- دیوان اشعار 12 - رساله در سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم 13 - شرح وافیه 14 - فوائد اولیه و در آن 45 فائده نقل فرموده است 15 - فوائد رجالیه 16 - قواعد الشکوک در شکیات نماز 17- مبلغ النظر در حکم مسافر و آنرا بنامهای دیگری نیز در الذریعه ذکر فرموده

است 18 - مجموعة الأجازات 19 - مشکوة درقه و آنرا مشکوة الهدایه و مصابیح نیز گویند . 20 - مصابیح در فقه یا مصابیح الاحکام و آن غیر از مصابیح (مشکوة) می باشد در سه جلد 21 - معركة الخمیس و آن عبارت است از مکاتبات و مراسلات شعری بین پنج نفر از شعراء که یکی از آنان سید بحر العلوم است و آنرا بحر العلوم باین نام ممد می گردانیده است 22 - منظومه ای در رد اخباریه و غیره .

توضیح و تکمیل :

انتساب کتاب سیر وسلوک به مرحوم سید بحر العلوم مورد شک و تردید علماء بزرگوار بوده و عموماً آنرا نفی کرده اند گرچه اخیراً بنام ایشان بچاپ رسیده است . چند دلیل از ادله نفی :

1- اول کسی که این کتاب را به مرحوم سید بحر العلوم نسبت داده مؤلف طرائق الحقایق است. ل

2- اول نسخه ای که از این کتاب تا کنون دیده شده مورخ بسال 1251 می باشد قریب چهل سال پس از فوت او .

3- خاندان مرحوم سید بحر العلوم انتساب این کتاب را به جد امجد خود انگار دارند. 4- هیچ یک از ارباب تراجم نام آنرا در ضمن تألیفات آن مرحوم ننوشته اند

5- تمام مؤلفات مرحوم بحر العلوم عربی است چه شده که این رساله بفارسی در آمده .

6- کتاب به دیگران نیز نسبت داده شده و هیچ یک ثابت نیست. : رده ها دلیل دیگر انتساب کتاب را به مرحوم بحر العلوم نفی می کند .

فائده : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 216 دوم) می نویسد :

ص: 98

در ذکری المحسنين(1) می فرماید که مرحوم میرزا محمد مهدی شهید ویرا بدین کلمه (بحر العلوم) ملقب کرد و آن از نظر کثرت احاطه بعلم اسلامیه و شدت تضلع بفتون فلسفه الهیه و طبیعیه و تبحر در مسائل عقلیه و نقلیه بود که ملقب به بحرالعلوم گردید .

و در روضات الجنات (ص) می فرماید: دونبالت و بزرگواری او همین بس که بدون شرکت غیر ملقب به بحرالعلوم گشته (انتهی) یعنی پیش از وی کسی دیگر بدین کلمه ملقب نشده است (انتهی).

نویسنده گوید: از یک قرن قبل و بخصوص در زمان معاصر این لقب مانده سایر القاب علماء: آیت الله - ثقه الاسلام - حجة الاسلام - شریعت مدار و غیره در بین علماء متداول گشته بطوری که در این زمان بهر طالب علمی یکی از القاب و عناوین را می گویند و می نویسند و او خود باور کرده و هیچ اظهار ناراحتی نمی کند .

(تنبیه و ارشاد): مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 416 دوم) پس از شرحی که درباره عظمت و بزرگی و بزرگواری مرحوم سید بحرالعلوم مرقوم فرموده گوید:

بلکه خود آقای بهبهانی نیز در اواخر چون پیر شده بود و احتمال زوال ملکه اجتهاد در خود میداد، در مسائل فرعیه بنای تقلید از او نهاد .

توجه خواننده محترم را بمطلب فوق جلب می کنیم . می نویسد مرحوم آقا باقر وحید بهبهانی با آنهمه عظمت و مقام علمی که او را مؤسس بهبهانی و مجدد قرن خواندند در آخر عمر به اجتهاد خود عمل ننموده بلکه از مرحوم سید بحرالعلوم

1) کتاب ذکری المحسنين در ترجمه حالات آقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال 1227 تالیف علامه مرحوم سیدابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (1272-1354) می باشد و چاپ رسیده است .

ص: 99

1- کتاب ذکری المحسنين در ترجمه حالات آقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال 1227 تالیف علامه مرحوم سیدابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (1272-1354) می باشد و بچاپ رسیده است .

تقلید می کرد .

در قصه العلماء (ص 125) در ضمن شرح حال آقا سید محمد مجاهد می نویسد :

آقا سید محمد وارد قم شد فاضل نمی صاحب قوانین بسیار معمر شده بود شبی آقا سید محمد و علماء دیگر را ضیافت کرد و با ایشان صحبت علمی داشت از آن پس گفت : غرض از احضار شما در این شب و مکالمه آنست که سن شیخوخیت نوای مراتب تحلیل برده ندانستم که ملکه اجتهاد و جواز افتاء در من باقیمانده یا نه خواستم با شما قدری صحبت داشته باشم که شما ملاحظه کنید که آیا ملکه استنباط در من باقی است یا نه . مرحوم آقا سید محمد عرض کرد که اگر ملکه مستنبطه اینست که بالفعل شما دارید پس من و امثال من را ملکه مستنبطه نیست .

ص: 100

بخش سوم: (مهاجرت سيد حجة الاسلام بيد آبادی به اصفهان)

اشاره

مهاجرت سيد حجة الاسلام بيد آبادی به اصفهان

ص: 101

اشاره

مهاجرت مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا - نجف - کاظمین - قم و کاشان ونیل به مقامات عالیہ علم واجتهاد واخذ اجازات بقصد توطن به اصفهان ، یعنی مهد علم ودانش و مجمع علماء و حکماء وفقهاء و مجتهدین، یعنی دار العلم شرق مهاجرت نمود و تا پایان عمر ظاهراً به غیر از سفر مکه معظمه ومدینه طیبه واعتاب مقدم ائمه عراق علیهم السلام دیگر از این شهر خارج نگردید .

سال ورود به اصفهان

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 1615 پنجم) می نویسد : در سال 1206 بدون هیچ شهرت و ثروتی باصفهان آمد.

نویسنده گوید : درست است که مرحوم حجة الاسلام در سال ورود به اصفهان و شاید تا چندین سال بعد میچگونه ثروت مادی نداشت اما گنجی بود مملو از جواهرات علوم متنوعه و خزانه ای از دانشهای گوناگون مقرون به نفی وزهد وملکات نفسانی و سجایای اخلاقی.

در الکرام البرره (ص 193 یکم) نیز ورود مرحوم سید حجة الاسلام را به اصفهان در سال 1206 می نویسد، لکن علامه صاحب روضات الجنات (ص125) مهاجرت ویرا باصفهان در حدود سال 1217, 1216 می نویسد و قول او در این موارد حجت است چون وی معاصر با ایشان و از تلامذه و مجازین از او می باشد .

سکونت در مدرسه چهار باغ

مرحوم حجة الاسلام در بدو ورود به اصفهان در مدرسه چهار باغ سکونت نمود و شروع به بحث و تدریس نمود .

بیان شیوا و اطلاعات و معلومات کامل ووافر وحسن معاشرت موجب گردید که طلاب و دانشجویان در اطرافش گرد آمدند و بطوریکه می نویسند متولی و مدرس مدرسه نامبرده از این پیش آمد ناراحت و ناراضی گردید و چون مرحوم سید حجة الاسلام متوجه عدم رضایت متولی گردید بلا فاصله تغییر محل داد ، و ظاهراً بطوری که برخی از مطلعین اظهار می داشتند ابتداء در مدرسه شفیعیه واقع در محله در دشت و بعداً به مدرسه میرزا حسین واقع در بازار بید آباد منتقل گردید حجره مرحوم سیدحجة الاسلام در مدرسه میرزا حسین معلوم و معین و معروفست.

مدرس مدرسه چهار باغ

در زمان ورود مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان و سکونت ایشان در مدرسه چهار باغ متولی مدرسه نامبرده مرحوم آقا میرزا محمد رضا فرزند علامه محقق آقا میرزا ابوالقاسم مدرس میباشد .

مرحوم آقا میرزا محمد رضا مدرس خاتون آبادی از جمله علماء اصفهان وامام جماعت مسجد شاه و مدرس مدرسه چهارباغ بوده و در ماه رجب سال 1238

ص: 103

شش ساعت پس از تحویل آفتاب ببرج حمل وفات یافته ابتداء در اصفهان مدفون و سپس استخوان های ویرا به نجف اشرف حمل کردند و در آن ارض مقدس بخاک سپردند (ص 1054 چهارم مکارم الآثار).

علت خروج مرحوم حجة الاسلام از مدرسه چهار باغ

بطوری که گفتیم مرحوم حجة الاسلام در بدو ورود خود در مدرسه سلطانی معروف به مدرسه چهار باغ حجره گرفته و بتدریس شروع نمود و طلاب پروانه وار گرد شمع وجودش جمع شدند . اکنون متولی مدرسه نامبرده با حریفی جوان و عالمترا از خود رویرو شده و دیگر طالبین علم بدرس او کمتر حاضر میشوند و قلباً از این موضوع نگران و ناراضی شد.

چون مرحوم حجة الاسلام نگرانی و نارضایتی او را احساس فرمود، بدون اظهار هیچ هیچ گونه عکس لعملی خود به اختیار واز روی میل نه اجبار از مدرسه خارج گردید.

مرحوم سید حجة الاسلام بخاطر خداوند تحصیل کرده بود و آن همه رنج و مشقت را بر خویشتن هموار ساخته و در شهرهای مختلف بنزد اساتید شتافته بود اکنون نیز بخاطر خداوند به اصفهان یعنی مهد علم و دانش روی آورده که بهتر بتواند به علم و علماء خدمت کند حال نیز تدریس او بجهت رضا و خشنودی اوست و چون می داند شرعاً متولی هر مدرسه ای در ساکن بودن و نبودن طلاب مدرسه صاحب نظر است و احساس می کند که متولی مدرسه نامبرده از سکونت او در آنجا قلباً ناراضی است و شاید این عدم رضایت خود را بزبان نیز رانده باشد ، توقف خود را در آن مدرسه غیر مشروع و معصیت میداند و بدون درنگ از آنجا نقل مکان مینماید .

بنابر این گفتار مؤلف قصص العلماء که می نویسد (ص 143): متولی مدرسه امر بخروج او کرد مبالغه و از روی مسامحه است.

منزل مرحوم سید حجة الاسلام

پس از آنکه وضع زندگانی مرحوم حجة الاسلام در اصفهان سر و سامانی گرفت و عنوان وشهرتی یافت و وجوهات بر به از خمس و سهم مبارک امام علیه السلام و زکوة دیگر وجوه واجبه و مستحبه بنزدش می آوردند در صدد تهیه منزل جهت سکونت خود و خانواده خویش بر آمده و در محله قبله دما خانه ای خرید که تا آخر عمر در آنجا ساکن بود و بعد نیز اولاد و اقباش آنرا مالک بوده و سکونت می نمودند و در سالهای اخیر فروخته شد.

منزلی که مرحوم سید حجة الاسلام در محله قبله دعا خرید قبلاً متعلق به عالم زاهد مرحوم آقا محمد بیدآبادی بوده و مقابل آن فضائی و محوطه ای کوچک بود که شاید قبلاً قبرستان بزرگی بوده و بعداً متروک مانده و تا این اواخر بصورت قبرستانی نیمه خراب باقی بود که در سالهای اخیر به سرنوشت دیگر گورستانهای اصفهان دچار گردیده و بصورت خانه مسکونی در آمد .

کرامتی از آقا محمد بیدآبادی

عالم جلیل مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین در کتاب معارف الرجال (ص 368 دوم) از قول هده ای از مردم اصفهان و آنان از قول بزرگان و مشایخ نقل می کند که :

درب خانه آقا محمد بیدآبادی کوچک و کوتاه بود روزی درباره بزرگ کردن آن با ایشان مذاکره کردند آن مرحوم در جواب فرمود :

ص: 105

بزرگ کردن در خانه مربوط به کسی است که بعد از من مالک این خانه خواهد شد و او آنرا انجام خواهد داد (مفهوم ظاهری این حرف آنست که فرزندانم این کار را خواهند کرد) بعدا فرموده آن کس سید محمد باقر می باشد .

حاضرین به احترام شخصیت مرحوم آقا محمد وهم بعلت اطمینان بگفته های او که از روی علم و آگاهی پیشگوئی می کند ساکت شدند . صدق این گفتار پس از سالها بعد از مرگ آقا محمد آشکار گردید .

آقامحمدبید آبادی: حکیم فیلسوف متأله عالم عارف فقیه زاهد متشرع مرحوم آقا محمد فرزند ملا محمد رفیع گیلانی از اجله حکماء وفلاسفه مشاء وزنده کننده فلسفه و عقاید فلسفی مرحوم آخوند ملا صدرا شیرازی که آنرا به شاگرد ممتاز خود مرحوم آخوند ملا علی نوری اصفهانی آموخت و او آنرا به حاج ملا هادی سبزواری انتقال داده و مرحوم حاجی سبزواری آن را به بهترین وضع واسلوب شرح و بیان فرمود. مرحوم بود آبادی در اصفهان متولد گردید. در رستم التواریخ (ص 406) مولد آن جناب را مازندران می نویسد.

در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون ملا اسماعیل خواجویی و آقا میرزا محمد تقی مجلسی معروف به الماسی تلمذ نموده و عده ای از معاریف فضلاء در خدمت او تحصیل معارف و کمالات نموده اند و بمقامات عالیه علم و عرفان رسیده اند.

مرحوم آقا محمد بیدآبادی در حکمت و عرفان سر آمد علمای زمان و معروفست که علم کیمیا میدانسته و در این مورد حکایتی نقل می کنند . بر بسیاری از کتب حکمت حواشی داشته و از وی در کیمیا و عرفان و تفسیر جزواتی موجود است . برخی از آثار او بدی قرار است :

1- بندی در عمل کیمیا بفارسی (ضمن مجموعه شماره 1252، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد)

2- تفسیر (ضمن مجموعه شمارد و 3360، مجلس شورای ملی)

3- تفسیر منتخب از تفسیر نیشابوری که در موقع تدریس و مباحثه در مدرسه حکیم در تاریخ 3 شنبه 14 رجب سال 1173 نوشته است (شماره 1854) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

4- رساله ای در توحید بفارسی (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی) 5- جنگی در کیمیا و علوم غریبه (شماره 354 کتابخانه مسجد گوهر شاد مشهد)

6- رساله ای در سلوک (ضمن مجموعه شماره 37840، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ل

7- رساله ای در سیر و سلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

8- شعرهائی در کیمیا (ضمن مجموعه شماره 3778، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

9- نامه ای در سیر و سلوک جواب میرزای قمی (ص 484 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

10- نامه‌های فارسی جواب آقا سید حسین قزوینی در مسیر و سلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

11 - نامه هائی به اشخاصی که نام آنها در فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ذکر نشده است.

در رستم التواریخ در باره آقا محمد بیدآبادی (ص 407) پس از شرحی

ص: 107

که راجع به دیدن علی مراد خان زند از ایشان و بازدید نمودن از وی می نویسد گوید :

مرحوم آقا محمد بیدآبادی بنفس نفیس خود بدر وکان خباز و بقال و نصاب و علاف و عصار و سبزی فروش می آمد و آذوقه و مایحتاج خود و عیال خود را بر دوش خود گرفته و بدامان خود نهاده و بخانه میبرد و در این باب اعانت از کسی قبول نمیکرد و جامه های بی کرباس و پشمینه کم بهاه بود و به کسب تکمه چینی اشتغال داشت و خط شکسته را خوب می نوشته و چند دستگاه شعربانی هم داشت و قدری هم زراعت مینمود .

مرحوم آقا محمد بیدآبادی در قبل از ظهر روز نهم محرم الحرام (تاسوعا) سال 1198 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در قسمت شرقی تکه آقاحسین خونساری نزدیک قبر پدر بزرگوار خود مدفون گردید و آنچه مؤلفین در تاریخ فوت او نوشته اند که سال 1197 بوده مسامحه می باشد که نه روز اول سال رابحساب نیاورده اند ، ماده تاریخ فوت او را هم که مرحوم آقا محمد کاظم واله شاعرعارف سروده همین حال را دارد .

فائده : در این جا به مناسبت نیست اسامی برخی از شاگردان انا محمد بیدآبادی را یاد آور شویم :

1- حاج محمد ابراهیم کلباسی (ص 68 یکم مکارم الآثار). 2- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (ص 131 یکم مکارم الآثار) . 3- سید اسماعیل جزائری (ص 127 یکم الکرام البرره).

4- سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجویی (ص 215 دانشمندان و بزرگان اصفهان).

5- شیخ جعفر شیخ الاسلام لاهیجی (ص 239 طبقات اعلام الشیعة - الکرام البرره).

6- سید محمد حسین قزوینی (نامه به مرحوم بید آبادی نوشته و آن مرحوم بدان پاسخ داده است)

7- ملا عبدالکریم اشراق بیرجندی (ص 277 بهارستان آینی). 8- سید عبدالله دزفولی (م 770 دوم الکرام البرره).

9- میر سید علی بن محمد باقر حسینی (م 276 سوم مکارم الاثار). 10- حاج ملا علی نوری (ص 68 یکم مکارم الاثار). از 11- مولی علی اکبر اژه ای (ص 945 سوم مکارم الاثار). 12- میرزا محمد علی بن میرزا مظفر (ص 61 رجال اصفهانی). 13- مولی محراب گیلانی (ص 9- البدر التمام). 14- سید صدرالدین دزفولی (ص 68 یکم مکارم الاثار). 15- مولی مهدی بن ابی ذر نراقی (ص 75 هفدهم الذریعه). 16- میرزا محمد مهدی شهید موسوی (ص 68 یکم مکارم الاثار).

قبله دعا و جماله

در یکی از کتابهای مرحوم آقا سید محمود کلیشادی معروف به مفتی که مجموعه ای از یادداشت ها و مطالب متنوعه از مباحث علمی و غیره بود و در تصرف مرحوم آقا شیخ محمد رضا الهی فرزند حاج مولی محمد طاهر شهر کی اصفهانی بود و بعداً به کتابخانه مرحوم حاج آقا محمد مقدم و سپس به کتابخانه مسجد اعظم قم منتقل گردید بخلاصه نوشته بود:

در یکی از مسافرتهای فتح علیشاه باصفهان و دیدار شاه از مرحوم سید حجة

ص: 109

الاسلام روزی آن مرحوم باتفاق جمعی از علماء به بازدید شاه تشریف بردند .

ضمن صحبت های گوناگون شاه از حاج محمد جعفر آبادهای یکی از همراهان مرحوم سید حجة الاسلام پر سید منزل شما در کدام محلت از محلات اصفهانست حاجی فرمودند در محله جماله کله . شاهرا این نام خوش نیامد و روی در هم کشید پس از مدتی همین سؤال را از مرحوم حجة الاسلام کرد ایشان در جواب فرمودند در محله و قبله دعا .

شاه این نام را بفال نیک گرفته و آنرا به مبارکی و میمنت تلقی کرده و اظهار بشاشت و خوشحالی کرده

امامت جماعت

مرحوم سید حجة الاسلام پس از سکونت در اصفهان و از موقعی که عنوان و شهرنی بالنسبه یافت ابتداء در مسجد حاج طالب واقع در محله دروازه نو نزدیک سنبلستان که در آن زمان تا این اواخر به چملان (به ضم اول و سکون دوم) معروف بود، اقامه جماعت و سپس بذاتقاضای اهالی بید آباد در مسجد میرزباقر امامت می نمود و ظاهراً این در موقعی است که مرحوم سید حجة الاسلام در مدرسه میرزا حسین حجره گرفته و بتدریس مشغول گردیده است.

مرحوم سید پس از آنکه بنیان مسجد خود را در محله بیدآباد برپا داشت در آنجا اقامه جماعت نموده و یکی از بهترین شاگردان خود یعنی مولی علی اکبر خونساری را به امامت آنجا معین فرمود .

برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر

علما زیر پس از مرحوم سید حجه الاسلام بترتیب در ان مسجد اقامه جماعت

- 1- مولی علی اکبر خوانساری . 2- مولی محمد شفیع خوئی . 3- مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری • 4- آقا کمال الدین بن مولی محمد حسین و 5- حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین خوانساری متولی سال

01348

6- آقا سید محمد باقر نحوی داماد مرحوم آقا کمال الدین مدت زمان اندکی صبحها (فوت 1350).

7- حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین و با فوت مشار الیه در اوایل ذی الحجه سال 1391 علم و روحانیت از خاندان مولی علی اکبر خوانساری به انتها رسید .

مسجد میرزا باقر : مزایای کار ایران ساری شاردن در سفر نامه خود می نویسد :

یکی از رسوم بزرگان ایرانی آنست که چون تمکن مالی یافتند در جنب منزل خود مسجد و حمام و بازارچه و گاهی کاروانسرای بنا می کنند و برای بقاء و تعمیرات مسجد و احیانا مدرسه احدائی خود موقوفاتی معین می کنند.

سه نفر بنام محمد باقر هر یک حمام و مسجد و بازارچه بنا کردند که در امتداد بک کوچه قرار دارد :

1- میرزا باقر منجم . 2- مولی محمد باقر شیخ الاسلام . 3- میرزا محمد باقر یزدی دانشمند ریاضی .

نویسنده گوید: مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر منجم در محله نیم آورد واقع و تاریخ بنای حمام (صحت و عافیت 1065) می باشد و هنوز بنام حمام باقر معروفست و مسجد آنهم بنام مسجد سرنیم آورد شهرت دارد.

مسجد و حمام و بازارچه مولی محمد باقر شیخ الاسلام بهمین اسم در جنب منازل شیخ الاسلام در محله سینه پائینی واقع و بهمین نام مشهور است.

مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر در محله بیدآباد واقع و مسجد آن از حیث وسعت بزرگتر از آن دو مسجد می باشد و اخیراً نام حمام را عوض کرده و بنام گلستان نامیده اند.

امام مسجد میرزا باقر در زمان حیات آنا محمد بیدآبادی با مشارالیه بوده و پس از فوت ایشان ظاهراً (احتمالاً) یکی از دو فرزند پسر ایشان: حاج محمد صادق و آقا شیخ حسن در آنجا امامت مینموده اند.

فائده: در محله جویباره اصفهان نیز مسجدی بنام مسجد میرزا باقر وجود دارد و همچنین در محله چهار سوق شیراز بها مسجد علامه فقیه آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی مؤلف کتاب روضات الجنات موجود است.

پیشنهاد امام جمعی

در قصص العلماء (ص 143) می نویسد:

موقعی که فتح علیشاه در طهران مسجدشاه را بنا کرد نامهای به مرحوم میرزای نمی نوشت و از ایشان در خواست کرد که عالمی را که شایسته باشد معرفی کنند که امامت مسجد مزبور رانموده و خود شاه نیز گامی بجماعتش حاضر شود. مرحوم میرزا در جواب نوشتند که:

آقا سید محمد باقر شفتی رشتی اکنون در اصفهان ساکن است و او قابل

ص: 112

است و من بهتر از او نشان ندادم، شاه بحاکم اصفهان نامه ای نوشت که وسائل حرکت سید را بطهران فراهم نموده و ایشان را روانه آنجا کند. حاکم از علماء شهر از حال آقا سید محمد باقر شفتی پرسید (چون در آن موقع هنوز مرحوم حجة الاسلام شهرت و عنوانی نداشتند) پس از معرفت بر احوال ایشان کسی بنزدش فرستاده و پیغام فرستاد که شاه در طهران شما را خواسته است و من در صدد تهیه وسائل حرکت شما می باشم آماده و مهیا باشید. مرحوم سید جواب رد داده و امتناع نمود و اصرار حاکم در این باره بجائی نرسید، حاکم شخصا خدمت ایشان رسیده و اظهار داشت که اطاعت امر پادشاه بر عموم افراد مملکت لازم است و کسی مخالفت ندارد ایشان فرمودند: من به اختیار خود نمیروم حاکم از زهد ایشان تعجب کرده و مایوسانه از خدمتشان بیرون رفت و مراتب را بعرض شاه رسانید و بعدا آقا میر محمد مهدی خاتون آبادی جهت این کار معین گردید. ابتدای تاریخ بنای مسجد سال 1224 می باشد.

اولین نهی از منکر و گرفتاری

در قصص العلماء (ص 144) در تحت عنوان: امر بمعروف و نهی از منکر داستان زیر را می نویسد:

در زمانیکه سید حجة الاسلام تازه باصفهان تشریف آورده بود و هنوز شهرت و عنوانی نداشت روزی از کوچه ای عبور میکرد، عده ای از اوپاش و اشرار و لهو ولعب و ساز و دف زدن مشغول بودند، سید از آنجا که وظیفه شرعی در نهی از منکر بأو حکم میکرد و آنان را ابتداء نصیحت نموده کار به تغیر کشید و قصد زدن آنان را کرد تا شاید متفرق شوند. اشرار سید را گرفته و حبس کردند خبر بطلاب مدرسه ای که وی در آنجا ساکن بود رسیده و آنان جریان را به امام جمعه گزارش

ص: 113

نمودند . مرحوم امام جمعه کسی فرستاد و آن سید بزرگوار را از زندان آنان نجات داد .

نویسنده گوید : امام جمعه اصفهان در این موقع مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء خاتون آبادی متولد در سال 1158 و متونی شب دو شنبه

6 ماه صفر 1242 در اصفهان می باشد وی از رؤساء علماء و فقهاء این شهر و صاحب تالیفات چندی است (ص 959 سوم مکارم الآثار).

اولین قتل : معروف آنست که در اوایل ورود مرحوم سید حجة الاسلام که بسیاری از مردم این شهر حتی خواص و اهل علم ایشان را نمی شناختند ریی بمقامات علمی وی نبرده بودند، روزی جهت خریدن نان بدکان خبازی میروند ، یکی از کارگران دکان مزبور با رفیق خود صحبت میداشته و در ضمن گفتگو اقرار به انجام معصینی می کنند که طبق موازین شرعی حکم آن قتل بوده است . مرحوم سید حجة الاسلام که در این موقع بنظر طلبه ای ساده میرسیده است و برا موعظه می کند و می فرماید : از تو که یک فرد مسلمان می باشی چنین عمل قبیحی هرگز صادر نشده است و شاید خواب دیده ای و اکنون خواب خود را نقل می کنی و آنهم جایز نیستند ، کار گر نامبرده با کمال بی اعتنائی می گوید : خبر آقا سید من در بیداری چنین و چنان کردم و در باره اقرار می نماید دیگر بار مرحوم حجة الاسلام می فرماید : تو که مسلمان و دیندار مسنی مسلماً چنین معصیتی مرتکب نشده ای و حالا با رفیقت شوخی می کنی و جایز نیست اولاً چنین شوخیها ثانیاً در حضور مشتریان، و از این نوع فرمایشات وی با کمال گستاخی ریشرمی ضمن کلمه های اهانت آمیزیه مرحوم سید و شاید ... برای دفعه سوم در حضور جمعی از مشتریان اقرار به معصیت می کند. مرحوم سید حجة الاسلام بدون اظهار هیچ نوع عکس العملی از دهان خارج گردیده و فوراً به حجره مدرسه تشریف برده و شمشیر خود را

ص: 114

برداشته وزیر عبا پنهان داشته به دکان دارد و ناگهان بر فرق کارگر معصیت کار می گوید که او بر زمین افتاده و هماندم می میرد.

ماجرا شروع میشود و کار به حاکم و مجتهد و امام جمعه میرسد و عنوان سید از همین وقت شروع می گردد .

گرفتاری مرحوم سید :

مسلم است که در این وقت مأمورین دولت و صاحبان دم مرحوم سید را مأخوذ داشته بنزد حاکم میبرند .

از ایشان علت قتل را می پرسند در جواب میفرماید : مجتهد بودم و در حضورم سه بار اقرار کرد قتل در باره او واجب گردید و خود آنرا اجرا نمودم . مسئله صورت دیگری بخود گرفت اولاً باید اجتهاد ایشان ثابت میشد تا بعداً به حکم قتل رسیدگی شود .

سؤال از آقا سید محمد . این پیش آمد مربوط به سالهائی است که علامه فقیه آقا سید محمد کربلانی که بعداً به مجاهد معروف گردید در اصفهان و مرجع امورات شرقی این شهر بوده است می باشد، در فصص العلماء (ص 143) می نویسد :

از آقا سید محمد پرسیدند که آقا سید محمد باقر مجتهد است یا نه؟ آن جناب در جواب فرمود :

مقام آقا سید محمد باقر بالاتر از اینهاست، از اجتهاد او از من سؤال نکنید بلکه از ایشان پرسید که سید محمد مجتهد است یا نه .

همین جواب که مرحوم آقا سید محمد فرموده بود موجب رفع گرفتاری از سید حجة الاسلام شده و سبب شهرت و عنوان وی گردید . .

ص: 115

اشاره

(موجبات شهرت) در موقعی که مرحوم سید حجة الاسلام وارد اصفهان شد عالمی فقیر و گمنام بود، سرمایه او فقط علم و دانش و تقوا بود، و کسانی که او را می شناختند غیر از اساتیدش جمعی از علماء و بزرگان بودند که با ایشان در حوزه های علمی آشنائی داشتند و تعداد آنها زیاد نبود. از وسائل مادی هیچ چیز در اختیار نداشت و بطوریکه نوشته اند فقط یک سفره نان و یک جلد کتاب مدارک همراه داشت. اما در عوض دریائی از علم و دانش بود که آرام و ساکن بنظر میرسید و کمتر موجی کافی بود که او را متلاطم سازد.

در این وقت اصفهان مرکز علمای بزرگ و دانشمندانی بنام بود که هر یک از آنها در آسمان علم و دانش ستاره ای درخشان و خورشیدی فروزان و ماهی تابان بودند و کمتر کسی می توانست باور کنند که طلبه ای گمنام دارد دارالعلم شرق شود و تمام اقمار علم و دانش را تحت الشعاع خود قرار دهد.

اما مشیت و اراده خداوندی بر این قرار گرفته بود که پرچم پر افتخار زعامت و ریاست مسلمین بدست قاندى توانا و بیشوانی دانا قرار گیرد که بتواند قدرت از دست رفته علمای اسلام و بخصوص شیعه را تجدید کند. این ظهور مشیت خداوندی احتیاج به اسباب ظاهری داشت همچنان که حضرت صادق علیه السلام میفرماید:

أبي الله أن يجرى الأشياء إلا بالأسباب (تا آخر حدیث نقل از مستدرک سفینه البحار ص 54 جلد دوم).

بنابراین

علل و موجبات ظاهری ترقی

و بیش رفت مرحوم سید حجة الاسلام را میتوان پس از اراده حضرت احدیت جل و علا در این چند موضوع خلاصه کرد :

1- شخصیت بارز و علم و افروزد کامل و قلب مطمئن و متصلب به امر دین و امر بمعروف و نهی از منکر که در این راه از هیچ چیز نمی هراسید و به کمال قدرت و شهامت در برابر منہبات از هر کس و بهر نوع سر میزد ایستادگی و دفع میفرمود .

2- حالات و صفات نفسانی از جود و سخاوت و حلم و صبر و دیگر ملکات و خصائلی که در ایشان وجود داشت سبب گردید که مردم از هر طبقه و دسته بایشان متمایل گردیده و او را از جان و دل دوست میداشتند .

3- ترویج و تقویت علماء و مجتهدین معروف زمان از ایشان از آن جمله :

1- میرزای قمی بطوری که قبلاً اشاره شد .

2- آقا سید محمد مجاهد بطوریکه قبلاً اشاره شد .

3- حاج ملا علی نوری از اجلای حکماء متألهین و استاد جمعی کثیر از بزرگان اهل علم و دانش در عموم شهرهای ایران بخصوص در اصفهان .

4- تقویت کردن حاجی کلباسی از ایشان و ارجاع مراجعین و مقلدین خود را آن بزرگوار . مرحوم حاجی کلباسی بسیار محتاط بود و در این باره حکایات زیادی از اعتباط ایشان نقل می کنند بدین جهت و جهات دیگر بسیاری از مراجعین خود را در مسائل مورد اختلاف در بین نقاه به ایشان احاله مینمود .

مؤلف قصص العلماء (ص) می نویسد : من خود از حاجی کلباسی شنیدم که در بالای منبر میفرمود :

ص: 117

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر حسب ظاهر زنده بودند و میخواستند کسی را جهت حکومت و قضاوت شرعی به اصفهان بفرستند آن کس سید حجة الاسلام بود، و مسلم است که این سخن از گوینده ای همچون حاجی کلباسی که از هد و اعباد و اتقای علمای زمان و در علم و فضیلت و تقوی پیشوای همگان بود چه اثری در اجتماع خواهد داشت.

احترامی که داچی کلباسی و آخوند ملا علی نوری در اجتماعات نسبت به سید حجة الاسلام رعایت مینمودند و بخصوص حاجی که هیچ موقع در راه رفتن از او جلو نمی افتاد و حال آنکه از نظر سن بر او مقدم بود گرچه سید حجة الاسلام نیز متقابلاً نسبت بحاجی کلباسی و بخصوص آخوند ملا علی نوری احترام زیاد قائل بود، حاجی دوش بدوش و پشت سر آخوند از نظر مقام استادی او راه میرفت، این طرز رفتار اندر بزرگوار علاوه بر آنکه حقوق یکدیگر را اداء کرده بودند موجب عظمت و شهرت و علو درجه و مرتبت آنان در نظر عموم مردم بود. رحمة الله علیهما و علی جمیع علمائنا الماضین .

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص 305 سوم) می نویسد:

یکی از موجبات پیشرفت کار سید حجة الاسلام شکستن آلت موسیقی که در دست شخصی بوده است می باشد که مرحوم حجة الاسلام آنرا گرفته و در ملاعام خورد می کند و علناً مشغول نهی از منکر میشود .

دید و بازدید

مؤلف قصعی العلماء (ص) می نویسد :

مرحوم سید حجة الإسلام بدیدن هیچ یک از حکام و بزرگان نمیرفت و آنها از وی دیدن میکردند اما هر وقت پادشاه به اصفهان می آمد بدیدار او میرفت .

ص: 118

نویسنده گوید: علت دیدن کردن مرحوم سید حجة الاسلام از حکام و مأمورین دولتی آشکار است اما علت آنکه بدیدن بزرگان شهر نمیرفت ظاهراً بدان سبب بود که این ملاقاتها موجب تکلف و زحمت برای میزبانان بود و آن مرحوم راضی نمیشد که از ناحیه او بأحدی زیانی برسد علاوه بر آنکه اوقات مرحوم سید صرف مطالعه - تألیف - تدریس - قضاوت و رسیدگی بأمور مردم میشد و اگر میخواست کار دیگری مثلاً دید و بازدید ضمیمه آن کند نه وقتی برای آن داشت و نه میخواست از برنامه کار خود تخلف نموده باشد.

دیدار از فتح علیشاه

در فصوص العلماء (144) شرح یکی از دیدارهای سید از فتح علیشاه بخلاصه می نویسد:

در سالی فتح علیشاه باصفهان آمد و سید را بدیدن او بردند (سید در ابتداء خود حاضر نبود بدیدن او برود) پس از معارفه شاه به سید اظهار کرد که از من چیزی بخواهید، مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند که: احتیاجی ندارم شاه امرار کرد فرمودند: اکنون که در این باره اصرار دارید مرا استدعاء آنست که دستور دهید نقاره خانه را موقوف کنند. شاه سکوت کرد پس از برخاستن مرحوم سید و خارج شدن از مجلس، شاه به امین الدوله گفت عجب سیدی است از من میخواهد

که نقاره خانه که علامت سلطنت و پادشاهی است راموقوف کنم امین الدوله معذرت خواست.

دیدار او در سال بعد: سال بعد مجدداً فتح علیشاه به اصفهان آمده و پس از دید و بازدید از مرحوم سید حجة الاسلام به امین الدوله گفت:

ابن سید آن سید سال قبل نیست اکنون بسیار زبرک شده است.

دیدار فتح علیشاه از سید حجة الاسلام

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 249) در ضمن وقایع سال 1240 و مسافرت فتح علیشاه به اصفهان به خلاصه و اندک تصرف می نویسد :

روزی شاه بملاقات سید حجة الاسلام رفت ، در ضمن این دیدار اظهار کرد که : شما خود حکم می دهید و هم خودتان اجرا می کنید پس من در مملکت چه کاره ام (رسم این بوده است که مجتهدین به امور مردم رسیدگی نموده و در دعاوی و حدود و دیات و قصاص و غیره حکم میداده و انجام احکام مربوطه به قصاص بعهد حکام و فرمانروایان بوده است، و علماء و مجتهدین خود اقدام نمیکرده اند) .

مرحوم سید حجة الاسلام در جواب فرمود :

اجرای احکام خداوند تبارک و تعالی را نمیتوان به این عناوین تأخیر انداخت که : حکم مجتهد به شما برسد و یا نرسد ، شما دستور اجرای آنرا بدهید و یا ندهید ، پس از آن مأمورین حکومتی این حکم را اجرا کنند و با نکنند. در هر حال تأخیر در اجرای احکام به هیچ عنوان و دلیلی جایز نبوده و باید بلافاصله اجراء گردد. شاه با شنیدن این جواب ساکت شد و دیگر حرفی نزد.

نویسنده گوید : مسافرت شاه در این سال به اصفهان ظاهراً جهت سرکوبی الوار بوده و باطناً برای مخالفت با مرحوم سید حجة الاسلام که در قسمت اول موفقیت حاصل کرد اما به مقام شامخ ووالای مرحوم سید حجة الاسلام زبانی وارد نشده بلکه بر هیبت و عظمت او افزود .

مسافرت های فتح علیشاه به اصفهان

فتح علیشاه. در زمان مرحوم سید حجة الاسلام چندین دفعه باصفهان مسافرت

ص: 120

1- در سال 1216 یعنی سال ورود مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان جهت رفیع غائله حسین قلی خان .

2- در سال 1225 در این سفر معادل یکصد هزار تومان بقایای مالیات اصفهان را بخشید .

3- در سال 1245 جهت سرکوبی الوار لبنان . 4- در سال 1245 جهت رفتن به شیراز ونظم آن مامان .

5- در سال 1297 جهت رفتن به شهر کرد و بختیاری باتفاق عباس میرزا نایب السلطنه .

6- در سال 1250 و مرگ او در دوشنبه 16 جمادی الثانیة بمرض سکتہ در عمارت هفت دست

(لطیفه) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 249) در ضمن وقایع 1240 می نویسد:

هاشم خان لرلنبنانی (لنبنان از محلات اصفهانست) والوار تابع او به پشتیبانی امین الدوله شوهر خواهر خود در اصفهان شرارت مینمودند و مردم را اذیت و آزار میرسانیدند و سیدی بی گناه را کشتند فتح علیشاه خود شخصاً جهت سرکوبی آنان باصفهان رفت و هاشم خان را دستگیر نموده و محمد خان پسر امین الدوله را عزل نموده و الوار را گرفته سیاست مینمود .

الوار از ترمی سیاست لباس خود را به لباس روستائیان تبدیل نموده و خود را دهانی معرفی میکردند هر یک از آنها را که می گرفتند در ضمن محاکمه به آنها می گفتند که بگویند :

خر - خور - خرما (خاء منقوطة) آنها می گفتند حر - حور - حرما . از این

تلفظ معلوم میشد که تراست وروستانی نیست زیرا که الوار عموماً خاء منقوطة را داء مهمله تلفظ می کنند و مثلاً خالو بمعنی دائی را هالو می گویند . فائده :
لرهای ساکن اصفهان عموماً در سه محله سکونت دارند :

1- در محله بیدآباد معروفند به شیرانی . 2- در محله لبنان اینان نیز به شیرانی شهرت دارند . 3- در محله مسجد حکیم و در کوشک و اینان عموماً به استکی شهرت دارند.

نکته قاریخی) : یکی از وقایع سال 1240 قمری در مسافرت فتح علیشاه به اصفهان عزل مرحوم عبدالله خان امین الدوله از حکومت اصفهان است پس از برکناری او حکومت اصفهان را به سلطان محمد میرزا ملقب به سیف الدوله سی و هشتمین پسر خود از تاج الدوله (طاوس خانم اصفهانی) که بچه ای سیزده ساله بوده و اگزار نموده و یوسف خان گرجی سپهدار را بوزارت او تعیین نمود .

حکومت تمام شهرهای ایران با پسران شاه بود و افرادی همچون یوسف گرجی وزارت آنان را داشتند .

(بیان حاجی شیروانی) : حاج زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه (ص 334 چاپ اصفهان) در ضمن برشمردن معاصی کبیره که یکی از آنها ظلم است گوید :

فقیر معروض میدارد که در اکثر معموره عالم گردیده و بخدمت بسیاری ، لوک ترک و تاجیک و سلاطین دور و نزدیک رسیده در هیچ دیاری عشری از اعشار ظالم ایران ندیده بلکه بنیاد حکومت ایران بر ظلم است (انتهی) .

نویسنده گوید: چرا چنین نباشد حکام ولایات پسرانشاه و وزرای ایشان مردمی ظالم و خودخواه هرچه می توانستند از ظلم و بیداد نسبت به افراد رعیت انجام

میدادند و راه نجاتی هم برای آنان نبود .

سیف الدوله از 1240 تا 1250 حاکم اصفهان بود و در زمان سلطنت محمد شاه از کار برکنار شد. در سال 1246 دایه او موسوم به مریم در اصفهان مرد او و برادر تخت فولاد دفن نمود. و مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی علامه فقیه زاهد بر حسب وصیت او برایش بقعه ای بنام نمود و تکیه های ساخت که بنام تکیه مادر شاهزاده معروف و بعدا خود مرحوم آقا شیخ محمد تقی و مولی محمد صالح جویبارهای و آقا میرزا زین العابدین خونساری را در آن بقعه مدفون ساختند.

در سالهای اخیر عده ای از علمای اصفهان از خاندان مرحوم آقا شیخ محمد تقی را نیز در داخل و خارج بقعه نامبرده دفن نمودند . تکیه را گاهی بنام تکیه آقا شیخ محمد تقی نیز می خوانند. تاریخ فوت مادر شاهزاده را محمد اسماعیل ضیاء شاعر اصفهانی ضمن قطعه ای گویند:

ضیاء از بهر تاریخش رقم زد به حوران همنشینی کرده مریم

تخت طاووس در قصر گلستان تهران بنام طاووسی خانم اصفهانی عبال فتح علی شاه باین اسم شهرت یافته است.

برخی از موجبات اختلاف شاه با سید حجة الاسلام

1- بطوری که قبلاً گفته شد شاه از اینکه مرحوم حجة الاسلام بدون اعتناء بدستگاه حکومتی و حکام اصفهان خود به شخصه احکام شرعی را درباره مقصرین و مجرمین اجراء می کرد ناراضی بود و آنرا برای دستگاه سلطنت و هنی تصور میکرد و میکرد در مکرر این عدم رضایت خود را به وزراء و علماء و حتی به خود سید حجة الاسلام اظهار داشته بود و مایل بود که ایشان احکام را بدست مامورین دولتی اجرا کنند.

2- عمال دولتی و حکام شهرهای ایران که عموماً اولاد و اعقاب و وابستگان

نزدیک شاه بودند نسبت بمردم ظلم و آزار بی اندازه میکردند و تنها پناهگاه آنها علماء و مجتهدین بودند شاه و وابستگانش این تکیه آنکه مردم را نمی پسندیدند و مایل بودند که در اعمال خود آزاد بوده و کسی از آنها جلوگیری نکند و علماء بزرگوار و بالاخص مرحوم سید حجة الاسلام بر حسب وظیفه شرعی در برابر ستمگری های اینان ایستادگی میکردند و شاه از این بابت راضی نبود .

3- قدرت و نفوذ کلمه و محبوبیت مرحوم سید حجة الاسلام و مقبولیت عامه و ثروت او مورد دلخواه فتح علیشاه نبود. او عالمی فقیر را می پسندید که بعلت فقر مادی از شاه و درباریان و حکام طرفداری کند و یا حداقل در برابر آنهمه ستمگر بها ساکت بماند و مرحوم سید حجة الاسلام نه تنها خود ساکت نمی نشست بلکه علماء دیگر شهرها را نیز تقویت مینمود.

4 - هاشم خان لبنانی سر کرده اشرا (بقول مورخین دوره قاجاریه) برادر زن عبدالله خان امین الدوله بودر امین الدوله از وابستگان و مردان مرحوم سید حجة الاسلام بود و مامورین دولتی و درباریان در طهران اینطور وانمود کرده بودند که هاشم خان به پشتگر می مرحوم سید حجة الاسلام مرتکب این اعمال خلاف میشود .

سفر حج

مرحوم سید حجة الاسلام در سال 1231 یا 32 بنا بنقل علامه صاحب روضات الجنات از راه دریا سفر حج رفت.

در باره این سفر و آثار مترتبه بر آن مطالب بسیاری نقل شده است از آنجمله : - در کتاب تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 31) می نویسد :

ص: 124

و زیارت حج ایشان معروفست که در مزار شیعه در رکابش بحج مشرف شدند .

2- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 291 متن) ضمن تاریخچه بنای مسجد حاج محمد جعفر آبا ده ای می نویسد :

از اصحاب خاص مرحوم سید بزرگ بود (سید بزرگ در مقابل سید کو چک از اولین مرحوم سید حجة الاسلام و از دوم حاج سید اسد الله مراد می باشد) و در سفر حج که علمای عامه خواسته بودند با سید مباحثه و احتجاج نمایند و مسائلی را انتخاب نموده که مشکل باشد حاجی آبادهای خود را بشکل آشپزی در آورده وقتی علماء بیان سؤال نموده بودند سید فرموده بود :

جعفر آشپز بیا این مسائل را جواب بگو (اشاره به اینکه مسائل شما آنقدر ساده و سطحی است که حتی آشپز من فادر بجوابگویی از آنها میباشد) حاجی با زنجیر آویزان و کارد مطبخی که به کمر زده بود آمد و نشست و همه آن سؤالات را جواب گفت مطابق فتاوی ائمه خودشان . 3- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (97) درضمن شرح حال مرحوم سید حجة الاسلام می نویسد : در حج بیت الله علمای مذاهب اربعه تمکین مقام بزرگش را نمودند و میخهائی که برای تعیین حدود طواف بزمین نصب فرمودرا پذیرفتند و شیعه را در رکن شافعی متعرض نشدند.

4- و هم در این سفر فدک را که حق حضرت زهراء سلام الله علیها بود و در طول تاریخ غصب شده بود گرفته و به سادات مدینه واگذار فرمود .

تذکر: در زمان برخی از خلفاء فدورا ظاهرآیه بنی فاطمه علیه اسلام برگردانیدند لکن ائمه اطهار علیهم السلام آنرا قبول فرمودند از آن جمله در زمان :

1- عمر بن عبدالعزیز بن مروان .

2- ابو العباس سفاع اولین خلیفه بنی عباس . 3- مامون الرشید .

5- در این سفر پس از زیارت حرمین شریفین به اعیان مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف شد. تنکابنی در قصص العلماء (ص 144) می نویسد :

در ایران حضرت سید الشهداء علیه السلام نماز جماعت میکرد یکی از طلاب که در دوره تحصیل با مرحوم سید معاصر و معاشر وهمداری بود بعد از نماز عشاء به خدمت ایشان آمده و خواهش کرد که شب به حجره او جهت تعشی بروند مرحوم سید با کمال گشاده روئی قبول فرمودند و بحجره او رفته و پس از صرف شام فرمودند اگر قبل از نماز دعوت میکردی چون موجب تکلف و زحمت جهت شما بود نمی پذیرفتم اما اکنون با کمال میل آمدم چون کاشف از بی قیدی و درویشی است.

چند پیش آمد تاریخی

را در بسیاری از وقایع مهمه قابل ذکر در زمان مرحوم سید حجة الاسلام در این دوره :

1- در سال 1237 بروز مرض وبا در صفهان و یزد و شیراز و دادن تلفات بسیار .

2- در سال 1239 وقوع زلزله سخت در اصفهان و شکست برداشتن ابوان جنوبی مسجد شاه . .

3- در سال 1241 صدور حکم جهاد از طرف مرحوم آقا سید محمد مجاهد .

4- در سال 1244 مجددا بروز و شیوع مرض وبا در شهرهای ایران بالاخص اصفهان .

ص: 126

5- در سال 1247 بروز نحطی و گرانی در اصفهان و بیشتر از شهرهای ایران که در سال بعد شدت یافت.

6- در سال 1250 قحط و غلای سخت در اصفهان .

شروع ساختمان مسجد سید

مرحوم سید حجة الاسلام از سال 1245 شروع ساختمان مسجد بزرگ و جامعی در محله بیدآباد نزدیک منازل خود نمود تا هنگام وفات بآن اشتغال داشته و مسجد ناتمام از دنیا رحلت نمود لکن اساس مسجد ساخته شده بود و تزیینات آن ناتمام مانده بود.

شرح و کیفیت بنای این مسجد عظیم که بیانگر علو همت و معه نظر و قدرن مادی و معنوی مرحوم سید حجة الاسلام می باشد بعدا نوشته میشود .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 288) شروع ساختمان مسجد را بسال 1940 مینویسد و قول اول از علامه صاحب روضات الجناتست .

رد تقاضای فتح علیشاه

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 149) می نویسد :

روزی فتح علیشاه با سید حجة الاسلام بتماشای مسجد رفتند . شاه از سید استدعا کرد که او را در ساختمان مسجد شریک گرداند . مرحوم سید حجة الاسلام تقاضای او را رد نموده و قبول نفرمودند .

فتح علیشاه به سید اظهار داشت که شما ندرن براندام و انجام آنرا ندارید. مرحوم سید در جواب فرمودند : دست من در خزینه خلاق عالم است (اشاره به اینکه هر مبلغ مخارج ساختمان باشد خداوند عالم بلطف و کرم خود حواله

ص: 127

فرموده و مردمان خیر و نیکوکار بدون هیچگونه توقع کمک خواهند کرد).

پناهندگی مشیر الملک شیرازی به سید حجة الاسلام :

مرحوم انصاری در ضمن وقایع سال 1248 در تاریخ اصفهان وری (ص 253) می نویسد :

میرزا محمد علی مشیر الملک شیرازی نظر بدشمنی حاج میرزا علی اکبر قوام الملک و ایلخانی فارسی از وزارت عزل و به عتبات رفته و پاصفهان برگشته به حجة الاسلام سید پناهنده شد.

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص 456 سوم) به خلاصه می نویسد : میرزا محمد علی بن میرزا ابراهیم حسینی شیرازی در سال 1177 متولد و در 1243 بوزارت فارس در حکومت حسینعلی میرزا فرمانفرما انتخاب شده و در 1248 معزول گردید.

سرانجام در سال 1262 با 1264 وفات یافت .

برای آگهی بیشتر از جریان زندگانی مشیر الملک شیرازی طالبین بکتاب : شرح حال رجال ایران و فارسنامه ناصری و دیگر کتب مربوطه مراجعه فرمایند .

ص: 128

اشاره

(ثروت و دارایی مرحوم سید حجة الاسلام) یکی از موضوعاتی که از زمان حیات مرحوم سید حجة الاسلام تاکنون مورد بحث موافقین و مخالفین قرار گرفته است مربوط به ثروت و مکنت ایشانست

هر یک از دو دسته در این مورد مطالبی اظهار داشته و آنرا بگونه ای تعبیر کرده اند . مطالب مورد بحث قرار زیر است :

1- منبع این ثروت از چه راهی بوده است ؟ 2- مقدار آن چقدر بوده ؟ 3- در چه راهی بکار میرفته است ؟ یک بطور اختصار پشرح موارد بالا میپردازیم .

ثروتمندان از علما شیعه

(مقدمه) : در بین علماء بزرگوار شیعه چند تن به ثروتمندی و قدرت مالی مشهورند از آنجمله است :

سید مرتضی علم الهدی: ابوالقاسم علی بن ابو احمد حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام

درباره ثروت او مطالب زیادی نقل شده از آنجمله :

- کتابخانه او دارای 140 هزار جلد کتاب بوده .

2- قیمت کتابخانه او را سی هزار دینار نوشته اند . (غیر از کتب نفیسه وناداره)

3- کتابهای او را مفتصد شتر باید حمل میکردند . 4- هشتاد هزار کتاب تالیفات ومحفوظاتش بوده است .

5- و به عوائد املاکش سالیانه 26 هزار دینار بوده . (دینار طلای هزار سال قبل)

6- در سفر حج از بغداد تا مکه همه جا در ملک خود منزل کرده است . 7- املاک او هشتاد تریه بوده .

در باره ثروت و دارائی اور مطالب بیشتری در کتب تراجم رجال نقل شده طالبین به آنجا مراجعه کنند. وی در رجب 355 متولد و در یک شنبه 25 ربیع الاول 436 وفات یافته ، در خانه خود در بغداد و یا در کاظمین دفن شده سپس جنازه بکر بلا منتقل و در جوار قبر شریف حضرت سیدالشهداء علیه السلام مدفون گردید.

(تذکر) : خوانندگان محترم باید متوجه باشند که علماء اسلام و فقهاء بزرگوار شیعه هرگز کاری بر خلاف موازین شریعت مطهر انجام نداده و آنچه عمل کرده اند مطابق احکام دین وسنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وائمه طاهرین علیهم السلام بوده است. البته نمی گوئیم معصوم بوده اند لکن کار خلاف شریعت نیز انجام نداده اند.

اما اینکه این ثروتها از کجا بدست آمده است مطلبی است که پس از گذشت قرنها از زمان آن بزرگواران راه تحقیق آن بر ما بسته است . همه نویسندگان صاحبان آنها را بصف عدالت ستوده اند بنابر این کاوش و تحقیق در باره منبع ثروت آنان لزوم ندارد .

یکی دیگر از علماء بزرگوار شیعه که بداشتن ثروت زیاد معروف گردیده است مرحوم سید حجة الاسلام شفتی می باشد .

نویسندگان کتب در باره ثروت و دارائی مرحوم سید حجة الاسلام داستاها و گزافه گوئیها کرده و هر یک بر حسب نوع فکر و اندیشه خود آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر نموده است .

افسانه ثروت

مرحوم تنکابنی اول کسی است که در باره ثروت و مکنت مالی مرحوم سید حجة الاسلام در قصص العلماء (ص 141) سخن گفته است . مشار الیه در باره این موضوع بخلاصه می نویسد :

دولت آن بزرگوار از احصاء گویا گذشته است. او درباره این موضوع می نویسد :

1- خانه اش مشتمل بود بر دور و بیوت بسیار . (منزل آنا محمد بیدآبادی)

2- هفت پسر داشت هر یک اندرونی و بیرونی علیحده و مخارج ایشان جدا بود .

3- فرزند اکبرش آقا میرزا زین العابدین در اصطبل خود هفده اسب بسته داشت.

4- شتر خانه و قاطر خانه داشت.

5- عیال حجة الاسلام قطع نظر از پسران و عیال ایشان میبند نفر بودند از غلامان و کنیزان و زنان .

6- قراء و ضیاع و عقار بی اندازه داشته 7- در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشته.

ص: 131

8- زیاده از دو هزار باب دکاکین داشت.

9- یکی از قرای آن در اصفهان کروند بود که نهصد خروار برنج مقرری آنجا بود غیر از گندم و جو و سایر حبوبات .

10 - یک باب آسیا در نجف آباد داشت که اجاره آن روزانه یک تومان بود . 11 - املاکی در بروجرد داشت که در آمد سالیانه اش شش هزار تومان

12 - املاکی در یزد داشت که در آمد سالیانه آنها دو هزار تومان بود . 13 - دهانی در شیراز داشت که در آمد آنها سالیانه چند هزار تومان بوده 14 - سالی هفده هزار تومان مالیات میداد .

15 - پس از وفات کتابخانه او را مرحوم حاج سید اسد الله در سهم خود برداشت و بقیه املاکرا دیگران (م 14 فصص العلماء)

16- کتابخانه او را پنجاه هزار تومان قیمت کردند (ص 142 قصص)

نویسنده گوید : مرحوم تنکابنی در اول بیان خود اظهار نظر کرده که ثروت ایشان از حد گذشته است و سپس خود آنرا احمداه نمود و مقدار آنرا معین کرد . حتی میزان مالیات آنرا نیز ذکر نمود .

آیا صورت ریز دارائی واملاک مرحوم سید حجة الاسلام و میزان در آمد آنها را چه کسی به مرحوم تنکابنی داده است. این عالم بزرگوار که مطابق آنچه همه مؤلفین کتب تراجم رجال درباره او نوشته اند فقیهی ساده لوح و زودباور بوده و هر چه را از هرکس می شنیده باور کرده و احتمال دروغ در باره آن نداده و آنرا عیناً در نوشته های خود متذکر میشده است. کتاب قصص العلماء از این نوع مطالب زیاد دارد

سید محمد علی جمال زاده کتاب قصه قصه ها را از کتاب قصص العلماء اقتباس

ص: 132

نموده است.

واما آنچه راجع به خانه سید حجة الاسلام گفته ، تمام خانه های بزرگان راعیان و علماء و بازرگانان اصفهان و اغلب شهرهای ایران تا قبل از سالهای اخیر مشتمل بر بیرونی و اندرونی بود . بیرونی جهت دید و بازدیدها و مراجعین و اندرونی برای زن و فرزند صاحب خانه که در آنجا به آسودگی دور از چشم و نظر بیگانگان و نامحرمان بکارهای خود مشغول باشند.

مرحوم سید حجة الاسلام در موقع وفات دارای هفت فرزند پسر بوده که بعضی از آنها کوچک بوده وزن و فرزند نداشتند که احتیاج به خانه جدا گانه داشته باشند مانند مرحوم حاج سید جعفر متوفی در عاشورای سال 1320 قمری.

می نویسد در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشت .

مرحوم حاج میر سید علی جناب اصفهانی (1287 - 1349) در کتاب : الأصفهان (ص 56 و هفت مقدمه) در سال 1343 یعنی تقریباً هشتاد سال پس از وفات مرحوم سید حجة الاسلام جمعه در اصفهان 172 کاروانسرا و تیمچه ذکر می کند معلوم نیست که 227 کاروانسرای دیگر که مرحوم سید داشته کجا بوده و چه نام داشته و در این مدت هشتاد سال چه بر سر آنها آمده است. آیا غیر از این چهار صد کاروانسرا که او می نویسد باز هم در اصفهان کاروانسرائی وجود داشته است یا خیر .

همین حالت را دارد در هزار باب دکان که می نویسد مالک آنها مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

بر اساس تر از همه آنکه می نویسد : یکی از قرای ملکی ایشان کروند است .

مرحوم جناب در الأصفهان (ص 161) و مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 180) در باره کرون بخلاصه می نویسنده : کرون از دو قسمت تشکیل یافته :

ص: 133

- کرون 2- دهق.

بلوک کرون در مغرب اصفهان واقع است، ابتدای آن مفت فرسخ و انتهای آن 24 یا 22 فرسخ تا شهر فاصله دارد دارای حدود چهل و اندی قریه و مزرعه می باشد.

قراء معروف و معتبر آن عبارتند از: تبران (طهران) - اسفید واجان - بر پشت (ورپشت) - چاجا- عسکران - کهریزجان - افجان - نسیم آباد- گنهران - احمد رضا.

قسمت دیگر کرون که به عربستان معروفست قراه مهم آن: دهن - علوی (علویجه) - حسنی (به ضم اول) اشن (به فتح اول و دوم) - چاله سیاه وغیره .

اما در عرف محل قریه شیران را کرون می نامند و محصول عمده آنجا غلات است انگور و بادام آنجا معروفست و آب مزروعی بیشتر دهات از قنوات کم عمق و بی اعتبار است . سه چشمه در آنجا جاریست که آبش بمصرف زراعت میرسد.

برنج در بلوک کرون کشت نمیشود تا آنکه سهم مالکانه آن نهصد خروار باشد و این بیان از مؤلف قصص العلماء گزافه ای بیش نیست.

ظاهراً مرحوم سید حجة الاسلام از تمام بلوک کرون مالک مزرعه تندران (یا قسمتی از آن بوده) که گاهی از ایام در تابستان جهت هواخوری و استراحت بدانجا مسافرت مینموده و مرحوم تنکابنی تصور کرده است که بلوک کرون یعنی قریه بامزرعه تندران .

داستانی شنیدنی

یکی از علماء سماکن دمت اصفهان در زمان ریاست وزعامت و قدرت مرحوم

ص: 134

حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی مسجد شاهی (1262 - 1232) از طرف ایشان جهت رسیدگی به امور دینی مردم و فصل خصومات و دعاوی تعیین شده بود .

مردم قراء و دهات اطراف محل سکونت وی در کلیه کارها با مراجعه نموده و او با دقت تمام به کار آنها رسیدگی کرده و حکم شرعی صادر مینمود احکام را جهت تنفیذ و اجراء بنزد مرحوم آقا نجفی آورده ایشان بدون تأمل امضاء می کردند .

وقتی مابین دو نفر از مالکین اختلاف شد و مبلغ ما به النزاع قریب یکصد هزار تومان بود عالم مزبور به اختلاف رسیدگی نموده و پس از بررسی های لازم در اسناد و شهود طرفین به نفع یکی از آنها حکمی نوشت. حکم را جهت امضاء بنزد آقا نجفی بردند مرحوم آقا نجفی پس از مطالعه با کمال آرامی و متانت حکم را زیر تشک قرارداد و فرمود (تابه بینم) و امضاء نکرد . خبر به عالم نامبرده رسید این عمل مرحوم آقای نجفی را توهین بخود و دلیل عدم توثیق دانسته فوراً بشهر آمده و در مسجد شاه موقع درس شرفیاب شد و بدون رعایت آداب فریاد زد :

آقا مگر من مجتهد نیستم ؟ چرا شما مجتهد می باشید . مگر من عادل نیستم ؟ چرا، عدالت شما جای شبهه نیست. مگر مورد وثقون شما نیستم ؟ چرا.

با این وصف مگر من قابل حکومت کردن بین مردم نیستم؟ البته شما شایستگی دارید و بدون آنکه از داد و فریاد او ناراحت شده باشد با کمال آرامی و خوشروئی فرمود:

بی شما تا حدود بیست هزار تومان را میدانید چقدر است و در حکمی در باره آن بدهید صحیح و قابل اجرا می باشد اما شما هرگز صد هزار تومان را نمیدانید چرن تاکنون چنین پولی ندیده اید و فقط عدد آنرا شنیده اید و بنابر این هر حکمی

که بدهید قابل تأمل و دقت است چون ممکن است در صدور حکم تعجیل و یا غفلت شده باشد .

مرحوم تنکابنی با ساگی میزان ثروت مرحوم سید حجة الاسلام را نوشته است.

اما آنچه مسلم و یقینی است آنکه مرحوم سید حجة الاسلام دارای ثروتی سرشار بوده و پولهای زیادی بعناوین مختلفه نزد او جمع میشده و ایشان آنها را طبق موازین شرعی به مستحقین آن می پرداخته است.

منبع ثروت مرحوم سید حجة الاسلام

درباره منبع ثروت و دارائی مرحوم سید حجة الاسلام روایات و افسانه های زیادی گفته شده است از آنجمله :

1- بنا بفرموده خود سید دست او در خزانه غیب خداوندی بوده است بعضی از افراد مفهوم این جمله کوتاه و پر معنی را درک نکرده اند که مقصود از بیان آن چیزی غیر از خواست خداوند و اراده حق تعالی عز شانه نبوده که در شش آیه از آیات قرآن کریم می فرماید « یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر» و در سه آیه دیگر میفرماید و « یسط الرزق لمن یشاء من عباده ویقدر» و جمعاً در ته آیه گشاده روزی بودن و تنگ بودن روزی را خداوند بخود نسبت میدهد.

2- ایشان علم قرطاس داشته یعنی کاغذ را می پیچیده و با انجام دادن اعمالی کاغذ تبدیل به ورقه طلا میشده که این خرافه ای بیش نیست .

3- دارای علم کیمیا بوده که بوسیله آن مس را به طلا تبدیل می نموده و این نیز افسانه ای بیش نیست.

4- در یکی از خانه های خود که قبلاً متعلق به علامه جلیل حکیم بزرگوار

آقا محمد بیدآبادی بوده گنجی یافته است. ظاهراً این نیز توهمی و خیالی بیشتر نباشد.

و یکی از خوانین شفت مالی گزاف بنزد مرحوم سیدحجة الاسلام فرستاده و گفت قسمتی از آن متعلق به خود آن مرحوم باشد و بقیه را بمعامله داده نمود آن نیز متعلق به خود سید حجة الاسلام بوده و پس از فوت خان مزبور آن مبلغ در مصارف خبر به بکار برده شود. (آنچه یقینی است مقدمه ثروت مرحوم سید حجة الاسلام از همین جا شروع میشود).

6- مرحوم سید حجة الاسلام از پولیکه از شفت رسیده بود و سهمیه خود آن جناب بود مزرعه ای خرید و زراعت کرد و در آمد زراعت را بهره ای صرف زندگی خود نموده و با ما زاد آن املاک دیگری خرید

7- با پولی که قرار بود تجارت نماید آنرا بکار کسب و تجارت زده (مضاربه) و از این راه سودی سرشار بدست آورد و آنچه مربوط بخود ایشان بود بمصرف شخصی می‌رسانیدند.

8- چون مرجعیت نامه یافت از اطراف و جوانب و شهرهای ایران و خارج از کشور مانند هند و افغانستان و جواهرات شرعیه از خمس و زکوة و صدقات و سهم مبارک امام علیه السلام بنزد ایشان می‌آوردند و مرحوم سید آنرا طبق موازین شرعیه مصرف مینمود.

9- چندین سال متوالی در ایران مرض وبا شیوع داشت و تلفات زیادی داد بطوری که در شهر رشت تنها در سال 1247 فریبا هفتاد هزار نفر مردند و عده زیادی از آنها وارثی نداشتند و ما ترک آنها طبق احکام اسلام به امام علیه السلام و در زمان غیبت آن حضرت به نواب عام آن حضرت میر سید. این اموال نزد سید حجة الاسلام جمع شده و ایشان آنها را بمصارف شرعیه می‌رسانید.

10- از طرف تجار و مالکین واعیان تحف و هدایائی خدمتشان تقدیم میشد. اینک به چهار داستان زیر توجه کنید : 1- تنکابنی در فصم العلماء (ص 142) می نویسد :

وقتی فتح علیشاه در اصفهان و در عمارت هشت دست منزل داشت دورین انداخته از دور می بیند که فیلی را بار کرده اند می آورند ، به اطرافیان می گوید که فیلی با بار برای ما می آورند . پس از مدتی مشاهده می کنند که آنرا از روی پسل زاینده رود گذرانده بسمت شهر میبرند ، شاه میپرسد که این فیل از کیست و بارش چیست؟ در جواب می گویند فیل از تجار هندوستان است و بار آن وجوهات شرعیه است که نزد سید حجة الاسلام میبرند .

فتح علیشاه قلباً ناراضی میشود لکن بصورت ظاهر چیزی اظهار نمی کند . چون فیل و بار آنرا نزد مرحوم سید حجة الاسلام میبرند و داستان را نقل می کنند آن بزرگوار وجوهات را تصرف کرده و فیل را برای شاه می فرستد .

2- حاجی شیروانی در بستان السیاحه (ص 208) می نویسد :

فریب دوازده سال میشود (در سال 1247 نوشته است که در تمامت ایران من جمله ارض گیلان لشکر وبا و طاعون آمده گروه انبوه و قوم باشکوه در عرصه عدم گوشه گرفتند چنانکه در همین سال (یعنی سال 1247) از ریفه رشت که یکی از شهرهای گیلانست شصت هزار و بروایتی هفتاد هزار کس بعلت طاعون بعالم آخرت رفتند دیگر بلاد آنجا را از این قرار حساب کنید .

3- در فصوص العلماء (ص 149) می نویسد :

در سال طاعون در شهر رشت اموال بلا وارث و مالک بسیار جمع کرده بودند. فتح علیشاه بدیدن سید رفت و گفت :

پادشاه صاحب عیال و بسیار فقیر شده است شما از آن اموال که در رشت جمع

ص: 138

شده بمبارت کرده باشید. مرحوم سید حجة الاسلام بیست هزار تومان بشاه برات کرد که در رشت از آن اموال باو بدهند .

4- باز مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 149) می نویسد :

در روز عید غدیر تجار اصفهان هر کسی بفراخور حال خود از صد تومان و دوپست تومان و کمتر و بیشتر خدمت آنجناب میدادند که بفقراء بذل کند .

یک روز عید غدیر

مرحوم تنکابنی در دنباله گفتار بالا می نویسد :

مرحوم سید حجة الاسلام در یک روز عید غدیر به مسجد رفته و بر منبر بر آمد و در اطراف او کیسه های وجوهات را گذارده بودند از طلا و نقره و مس .
مرحوم سید حجة الاسلام حکم کرد که فقرا مقابل یکی از درهای مسجد جمع شده سپس یک یک آمده سهمیه خود را گرفته از در دیگر بیرون روند .

فقراء جمعیت کرده و هر کدام می آمدند مرحوم سید یک مشت از طلا و نقره بآنها میداد تاچه مبلغ باشد (یعنی نمیشمرد و میداد) در مدت یک ساعت تمام وجوهات را بفقراء داده بود حساب کردند مبلغ آن هیجده هزار تومان بود .

سخاوت سید

اکنون که خوانندگان محترم از میزان تقریبی ثروت مرحوم سید حجة الاسلام و منبع آن اجمالا آگاهی یافتند لازم است بدانند که سید حجة الاسلام این اموال خداداد را در چه راهی و چگونه مصرف می کرده است.

علامه صاحب روضات الجنات (ص 290 دوم ترجمه روضات) در باره

ص: 139

این موضوع می نویسد :

حجة الاسلام در جود و بخشش بوابه ای بود که میتوان گفت همه موجودات در گرو احسان او بوده و او از علم و مال و مقام نسبت به هیچیک از نیازمندان دریغ نمیداشت

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 147) می نویسد :

سخاوت مرحوم سید حجة الاسلام بیشتر از توصیف واصفین است چه خود آن وجود مبارک بر اسم برمکیان و حاتم عربان خط محو کشید .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 96) می نویسد : فتوتش نام اسخیای جهان را بر طاق نسیان نهاد . ایک چند نمونه از سخاوت و فتوت آن بزرگوار :

1- مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص 97) می نویسد :

غالباً در تألیف قلوب سنیان عطایای گزاف دادی ، وقتی به شیخی کردستانی دو هزار تومان بخشید.

2- در عموم کتب تراجم رجال در باره اعانت و رسیدگی او بحال علماء و طلاب مطالب زیادی نقل شده که بعداً بمناسبت ذکری از برخی از آنها میشود.

3- هر ساله برای فقرای مدینه و جوهری میفرستاد .

4 - غیر از فقراء که بحال آنان رسیدگی مینمود و علماء را که زندگانشانرا اداره میکرد به تجار و کسبه و حتی اعیان و بزرگان شهر نیز اعانت و کمک مینمود چه بعنوان فرض و چه باسم بخشیدن .

5- در قصص العلماء (ص 147) از قول عالم جلیل مولی علی اکبر خونساری نقل می کند که: روزی در کتابخانه مرحوم حجة الاسلام وارد شدم دیدم انقدر پول طلا و نقره از بابت سهم مبارک امام علیه السلام ریخته اند که ایشان که

ص: 140

در آن طرف نشسته بود به سختی دیده میشد و آن جره در بین من و ایشان حایل بود.

مرحوم سید حجة الاسلام برای من دستور قلیان داد گماشتگان سید قلیان را آورده و من مشغول کشیدن شدم. قرار سادات را خبر کردند و آنها بحالت جمعیت آمدند. مرحوم سید حجة الاسلام بهر یک از آنها باندازه یک مشت پول طلا و نقره میداد. هنوز قلیان کشیدن من تمام نشده بود که آن پول تمام شده بود.

مولی علی اکبر خونساری می گوید: من در حال تعجب و خوشحالی اظهار داشتم که:

شمارا در اموال امام علیه السلام زیاد تجری و بیباکی است. سید در جواب فرمودند: بلی پسر در مال پدر بیشتر از این تصرفات می کند.

6- مؤلف قصص العلماء در کتاب نامبرده (ص 147) می نویسد:

فقیر مؤلف کتاب روزی از منزل خود بمدرسه میرزا حسین (که در جنب مسجد سید و در بازارچه بید آباد قرار دارد) میرفتم در اثناء راه بکوچه جنب خانه سید حجة الاسلام گذارم افتاد جمعیت زیادی از فقرا و سادات را دیدم که بسمت خانه سید میرفتند. بطوری که از کثرت مده آنان عبور از کوچه سخت شده بود. علت را پرسیدم جواب دارند که معادل هشتصد تومان سهم مبارک امام علیه السلام از بروجرد آورده اند نزد سید حجة الاسلام و ایشان دستور فرموده اند فقراء سادات را خبر کنند تا آن وجه را بین ایشان تقسیم کند. پس از حضور سادات بهر یک از آنان معادن یک دگله با بیشتر قلمکار و مقداری پول داد. و تمام آن وجوه را در نیم ساعت تقسیم نمود.

7- در بازار چه بید آباد دو باب دکان یکی نانوائی و دیگری قصابی داشت

ص: 141

برای قراء که گندم نانوانی از خود ایشان بود و همچنین گوشت دکان قصابی (یعنی نان و گوشت از خود مرحوم سید حجة الاسلام بود) و بفقراء حواله مینمود که هر کدام روزانه مقدار معینی معادل مایحتاج آنها از آن دکانها نانو گوشت مجاناً دریافت دارند و ظاهراً عده موظفین حدود هزار نفر بودند یا بیشتر (قصص العلماء ص 149)

8- مؤلف قصص العلماء (ص 149) گوید :

شخصی نقل کرد که موقعی گرفتار فقر شده بودم و چند روز بود که غذائی بدست نیاورده بودم ، یکی از شبها در حین عبور از کوچه به سید حجة الاسلام بر خورد کردم . چون بمن رسیدند بدون آنکه من بایشان اظهاری کرده باشم مقداری سکه طلا بمن عنایت نموده و گذشت، و این خود یکی از کرامات آنجنابست که از حال آن شخص مطلع گردید بدون آنکه کسی بایشان خبر داده باشد .

یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی بامور طلاب

9-داستان زیر را نویسنده از یکی از علماء اصفهان راجع به مرحوم سید حجة الاسلام شنیدم:

در یکی از شبهای سرد زمستان که برف به شدت میارید طلبه فقیری از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی از مدرسه بمنزل میروید بارسیدن بمنزل مشاهده می کند :

1- سقف اطاق مسکونی او خراب شده و نیمی از آن فرو ریخته است . 2- عیال او در حال وضع حمل است.

3- هیچ نوع وسیله ای برای گرم کردن اطاق و برای خود و عیالش غذا و خوراک و برای بچه لباس ندارد .

ص: 142

4 - دکاندارهای محله در اثر سرما و بارندگی عموماً بسته اند و ضمناً در اثر نسیه گرفتن و دبر پرداخت کردن وجه آن باو نسیه نمیدهند .

مطالبه نامبرده در حال اضطراب و تشویش به استاد خود مراجعه نموده و شرح حال و گزارش کار خود را کلاً جهت ایشان نقل می کند .

مرحوم حاجی کلباسی که در مصرف وجوهات شرعیه نهایت احتیاط را میفرموده طبق معمول جهت کمک بآن بیچاره استخاره می کند و اتفاقاً بد می آید، باکمال ناراحتی میفرماید : وضع ترا میدانم و از گرفتاری آگاه شدم و بدین جهت خیلی ناراحت می باشم لکن استخاره جهت کمک مادی به تو در این وقت بد آند شاید حکمتی در آن باشد. طلبه مزبور با کمال یأس و ناامیدی به مرحوم سید حجة الاسلام مراجعه می کند وقتی به آن جناب میرسد که ایشان از مسجد عازم منزل بوده اند در بین راه وضع نابسامانی خود را برای ایشان نقل می کند، مرحوم سید حجة الاسلام حرفهای او را گوش داده و چیزی نمیفرماید فقط بپرسد خانه تو کجاست اونشائی منزل خود را داده در این وقت پدرسرای مرحوم سید رسیده بودند باتفاق وارد شده و با هم به اطاق داخل می شوند، سید به او میفرماید شما این جا زیر کرسی نشسته باشید تا من بیایم . بیچاره زیر کرسی می نشیند در اثر خستگی از یک طرف و گرمی کرسی خوابش میبرد ، پس از اندک زمانی سراسیمه و وحشت زده از خواب بیدار میشود مشاهده می کند که سید در گوشه اطاق ایستاده و بحال خود مشغول است و با دیدن او میفرماید :

آسوده باشید راحت باشید عیالتان سلامت می فارغ شد و اکنون در اطاق مجاور خوابیده است اگر میخواهید بروید و او را ببینید مطالبه نام برده نمیداند که : آنچه می بیند و از سید حجة الاسلام می شود به بیداری است یا بخواب . با استجازه از

ص: 143

سید به اطاق مجاور رفته و مشاهده می کند : اطاقی آراسته و گرم کرسی و بخاری و منقل پر از آتش و عیال او با کودک خود در زیر لحاف کرسی استراحت نموده اند به اطاق اولیه برمیگردد لکن دیگر سید حجة الاسلام تشریف ندارند . سرما و شدت برف همه چیز را از یاد او میبرد. اکنون اطاق مرتب و شام مهیا و خدمتگزاران آماده فرمانبرداری دیگر از خانه خراب و زندگی بی سروسامان خود بادی نمی کنند مدتی قریب یکماه کمتر یا بیشتر می گذرد و هیچ ب فکر خانه خود نیست روزها به جلسه درس مرحوم سید حجة الاسلام رفته و بعداً بخانه می آید.

پس از گذشتن تقریباً یک ماه روزی سید حجة الاسلام در اطاق بیدارش تشریف می آورند و در ضمن احوال پرسی میفرماید :

آقا . خانه و اطاقان ساخته شده است. اگر خواسته باشید تا موقعی که من حیات دارم در این جامی مانید و اگر بخواهید بمنزل خود میروید بسته بنظر خودتان است . اگر خواستید بروید آنچه از مایحتاج زندگی در این اطاقست متعلق به شما می باشد . هر ماه حقوق خود را از نمایندگان ما دریافت دارید ، اگر وقتی کاری داشتید و نیازی پیدا کردید مستقیماً به خود من مراجعه کنید ، طلبه نامبرده با کمال مسرت و خوشحالی ضمن دعا کردن به آن بزرگوار اثاث البیت را جمع آوری نموده و خود و عیالات بمنزل قدیم خود که مخروبه بود و اکنون تعمیرات کافی در آن شده است نقل مکان می کنند.

پس از مدتی یک روز به مرحوم حاجی کلباسی برخورد می کند ، حاجی میفرماید : من در آن شب برای تو خیلی ناراحت شدم اما استخاره بد آمد، تودر آن شب چه کردی ؟

طلبه نامبرده جریان کار خود را من البدو الی الختم برای حاجی تعریف کرد

و گفت سید مرا از گرفتاری و فقر نجات داده مرحوم حاجی فرمودند: اکنون متوجه سر بد آمدن استخاره در آن شبه شدم زیرا اگر من بتو کمک می کردم مبلغ خیلی

جزئی بود که شاید مخارج همان شب را نیز کفایت نمی کرد اما سید حجة الإسلام بعون الله تبارک و تعالی و نظر اجداد کبارش را از گرفتاری و مصیبت و هم غم فقر نجات داد . 10 - ملا قربانعلی قزوینی شاعر متخلص به بیدل مداح و مرثیه سرای معروف وقتی خدمت سید حجة الإسلام رسید و از گرفتاری و فقر خود شکایت نمود ، آن مرحوم نقدا مبلغ یکصد تومان به او پرداخت و یکصد تومان دیگر نیز به تاجری در بروجرد حواله کرد و به تاجری دیگری نیز یکصد تومان دیگر برات فرمود که جمعة مبلغ سیصد تومان به وی پرداخت نمود . (قصص العلماء ص 147).

اینار

از قول مرحوم سید حجة الإسلام نقل شده است که فرموده بودند :

در اواخر دوران فقر و ناداری روزی قلیل وجهی رسید بیازار رفته و خواستم غذائی جهت خود و خانواده ام تهیه کنم ، از قصاب جگر بندی بعلت ارزانی آن خریدم و بسمت منزل روانه شدم در بین راه خرابیهای بنظرم آمد در آنجا نگاه کرده سگی ماده و چندین توله سگ دیدم که دور مادر جمع شده بودند ، ماده سگ ضعیف و در پستان هایش شبر نبود و بچه های او چون در پستان مادرشان شیر نبود مرتب زوزه می کشیدند، من بر حالت آن سگ و بچه هایش رقت آوردم و آنها را بر خود و عیالم مقدم دانستم .

جگر بند را نزد آنها انداخته آن حیوانات بی چاره و گرسنه یک باره بر آن حمله آورده و بیک آنرا خوردند . من ایستاده و تماشا میکردم. پس از

آنکه از خوردن فارغ شدند ماده سگ سر بر آسمان بلند کرده گویا دعا میکرد .

مرحوم سید حجة الاسلام فرموده بودند که پس از آن روز در های روزی بر من گشاده شد و دولت و مکتب و ثروت روی بمن آورد و هر روز در تراید بود (ص 140 قصص العلماء)

کتابخانه مرحوم سید

مرحوم سید حجة الاسلام عشق و علاقه زیادی به کتاب و جمع آوری نسخ آن داشت ولی همچون عموم دانشمندان علاوه بر آنکه خود کتاب را وسیله مطالعه و تالیف و تصنیف میدانست برای حفظ و نگهداری آثار علمی گذشتگان از دستبرد زمان نهایت سعی و کوشش را مبذول میداشت.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 142) در این موضوع بشرح زیر داستانی نقل می کند:

مرحوم سید حجة الاسلام تا آخر عمر کتاب می خرید ، در همان سالی که فوت شد در ایام ماه مبارک رمضان به مسجد او رفتم و کسبه از هر صند ، درمسجد او بساط انداخته بودند (این رسم تا حدود پنجاه سال قبل نیز در آن مسجد بر قرار بود) کتابفروشی هم در آنجا آمده بساط گسترده بود، روزی برای دیدن و خریدن کتاب نزد او رفته در میان کتابهای او چند کتاب برداشتم که یکی حاشیه شیخ محمد پسر صاحب معالم بود بر تهذیب شیخ طوسی و بعضی از کتب ریاضیه چون به قیمت پرداختم گران قیمت میکرد ...

روز آخر ماه مبارک شد پس از اداء نماز به سراغ کتابفروش رفتم و همان کتابها را برداشتم در میان گفتگو سید حجة الاسلام به آنجا آمد و نشست و فهرست

کتابها را دید و همان کتابها را که منظور نظر من بود برداشت قیمت کرد کتابفروش آنها را پنج تومان قیمت کرد، سید مبلغ پنج تومان داده کتابها را به ملازمان خود سپرد که به کتابخانه اش ببرند.

(بیان مرحوم سید حجة الاسلام درباره کتابهای خود). مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 163) می نویسد که :

گویند سید فرموده بود که همه کتب در نزد من هست. بعداً مرحوم تنکابنی گوید : بنظر من این سخن یا خطاست یا مراد از کتب در فن خاصی و یا نوعی بخصوصی باشد و الاحیازت کتب مؤلفه اسلامیة در این جزء از زمان گویا از محالات عادیة می باشد .

نویسنده گوید : اگر نقل این بیان از مرحوم سید حجة الاسلام درست باشد ظاهراً گفته ایشان را بدینگونه باید تعبیر کرد که از هر فنی از کلیه فنون کتابی در نزد من می باشد .

(قیمت کتابخانه مرحوم سید) : همچنین مرحوم تنکابنی می نویسد : در سالی که سید حجة الاسلام بمکه مشرف می شد قیمت کتابخانه او را پنجاه هزار تومان معین کردند، سپس بطور مثال می نویسد : مثلاً شرح لمعه متعدد داشته از کاغذ ترمه و جلد طلا و وزیری و نیم ، ورقی و بغلی و غیره .

(بیانی خارج از حقیقت) : مرحوم تنکابنی در دنباله مطالب خود راجع به کتابخانه مرحوم سید می نویسد :

پس از وفات مرحوم سید حجة الاسلام بعد از وضع قروض آنجناب ترکه ایشان را چون خواستند تقسیم کنند مرحوم حاج سید اسدالله کتابخانه را در سهم خود قبول کرد و املاک دیگر را سایر ورثه برداشتند .

نویسنده گوید : این سخن کلامی است بیرون از تحقیق و حقیقت زیرا که :

اولاً سایر ورثه مرحوم سید نیز همگان از اهل علم و دانش و اجتهاد بودند و علاقه دانشمند به کتاب پیوندی ناگسسته است و نمیتواند از آن چشم پوشی کند.

ثانیاً از بقایای کتب مرحوم سید حجة الاسلام تا کنون در بین اعقاب واحفاد مرحوم سید حجة الاسلام موجود است با وجودی که در طول زمان بسیاری از آنها با دیگران فروخته شده و یا بنحوی از انحاء دیگر از تصرف آنان خارج گردیده است.

مالیات املاک مرحوم سید حجة الاسلام

مرحوم تکابنی از شاگردان مرحوم حجة الاسلام بوده سالها در اصفهان میزیسته و آنچه مربوط به مرحوم سید حجة الاسلام است با خود برای العین دیده و یا شنیده است. البته در مسموعات او چون عالمی ساده لوح و زود باور بوده باید با گفته های دیگران تلفیق شده و نتیجه مطلوب را از آن حاصل نمود.

وی در قصص العلماء (ص 141) می نویسد:

فتح علیشاه به مرحوم سید حجة الاسلام گفت: ما از مالیات دهات شما صرف نظر می کنیم. سید فرمودند: این مبلغ را از مالیات اصفهان کسر می کنید یا خیر گفت مالیات اصفهان ثابت است و این مبلغ سرشکن دهات دیگر می شود. سید فرمودند این ظلم است من راضی نمیشوم که مالیات املاک مرا دیگران پردازند و من خود پرداخت می کنم.

وهم مرحوم تکابنی می نویسد: مالیات املاک اصفهان او سالی هفده هزار تومان بود.

مهدی بامداد که او را باید از مخالفین کلی علماء و بالأخص مجتهدین صاحب قدرت و نفوذ دانست. در ضمن شرح حال سید حجة الاسلام (می) می نویسد:

ص: 148

مالیاتی که در حدود یک صد و پنجاه سال قبل از بابت املاک خود در سال پس از ملاحظات مأمورین دولت از او سالی هفتاد هزار تومان به دولت مالیات بدار ویدر آبادیها و خانه ها و میزان تقدینه او را بچ کس جز او نمیداست .

نویسنده گوید : این نوشته ها به افسانه بیشتر شباهت دارد تا بحقیقت و آقای بامداد که این مطالب را می نویسد نمی گوید از کجا و چه کسی نقل می کند . اگر مأخذ اوقصص العلماء می باشد که از مالیات را هفده هزار تومان نوشته عدد هفتاد هزار تومان از کجا آمده

از این گذشته این آبادی ها و خانه ها و نقدینه ها که هیچ کس میزان آنرا نمیداند پس از مرگ او چه ند و کجا رفت و چرا به فرزندان و نواده ونبیرگانش نرسید که برخی از آنها را سراغ داشتیم که در فقر و ناداری وقناعت زندگانی میکردند .

اما آنچه مسلم است مرحوم سید حجة الاسلام عالمی ثروتمند (نسبت بیرخی دیگر از علماء نه نسبت به اعیان و حکام وفرمانروایان) بوده است و آنچه از طریق شرعی بدست می آورده خود نگاهداری و اندوخته نمیکرده و آنها را بفقراء و نیازمندان و مستحقین شرعی آن بخصوص علماء وطلاب وارحام فقیر خود بذل مینموده و آنچه برای او باقیمانده نام نیک و افسانه ثروت است .

مرگ فتح علیشاه به نفرین سید حجة الاسلام

در سال 1250 یعنی سالیکه فتح علیشاه به اصفهان آمده و در آن وفات یافت در دیداری که از مرحوم سید حجة الاسلام نمود اظهار داشت که :

شما بحمدالله ثروتمند هستید و شاه دارای عیال و فرزند زیاد است ودر آمد ار جهت مخارجش کفایت نمی کند لازم است که به او کمک مالی کنید و به این

بهبانه میخواست مقداری از اموال و دارائی سیدرا از تصرف او خارج گرداند .

مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند :

رعایت حال افراد مملکت بر پادشاه واجب است و من نیز یکی از افراد این مملکت می باشم ضمناً فقراء و نیازمندان و برخی از خاندانهای شریف و اصیل که راهی جهت اعاشه ندارند باید سرپرستی کنم و همچنین امور طلاب علوم و علماء و مجتهدین در اصفهان و دیگر ولایات را باید حقوق پردازم و محلی برای کمک به شاه ندارم . فتح علیشاه در خواهش خود اصرار کرد و برای آن مبلغی معین و جهت پرداخت مهلتی مقرر داشت که مرحوم سید حجة الاسلام پردازد.

در روز مقرر مامورینی جهت وصول بدر خانه سید گسیل داشت و آن وقتی بود که جناب سید مشغول وضو گرفتن برای رفتن به مسجد بودند، مأمور وصول پول را تقاضا کرد سید در همان حال دست بدعا برداشته و فرمود : خدایا فتحعلی را با من چکار است دفع شر او بفرمادان استانی

مامورین توقف کردند تا مرحوم سید از مسجد مراجعت نمود اینان تقاضای خودرا تکرار کردند . سید فرمود : فرستادم برو به اردو و ببین چه خبر است. مأمور مراجعت کرده چون نزدیک اردو رسید شنید که میگویند : شاه مرد. یقین حاصل کرد که برترین سید در همان حال بههدف اصابت کرده است.

(علت مرگ فتح علیشاه). در سبب مرگ فتح علیشاه اختلاف است و در آن دو قول ذکر شده است؛

1- شاه بمرض سگته مرده است. . 2- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (م 254) می نویسد : اورا مسموم کرده اند .

فتح علیشاه در شب 18 شوال 1185 تولد یافته و در عصر روز پنج شنبه 19 جمادی الثانیه ، 1250 در عمارت مفت دست اصفهان مرد و جنازه او بقم منتقل گردید و دفن شد. آثار قبرش را چند سال اخیر از بین بردند .

برای اطلاع بیشتر از جریان زندگی این پادشاه طالبین به کتب تاریخ مراجعه کنند.

ص: 151

اشاره

فصل نهم (کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام) مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 138) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد :

فراست سید در قضا و حل خصومات

احکام ایشان در نهایت انقان بود و در حکم دادن بسیار دقت میفرمود و مرافعات را طول میداد و گاهی اتفاق می افتاد که بک مرا به مدت یک سال با کمتر و بیشتر بطول می انجامید و تا یقین به حقیقت موضوعی حاصل نمیکرد حکم صادر نمی فرمود .

آن جناب در امر قضا و مرافعات فراست عجیب داشت چنانکه فقهاء رضوان الله علیهم در کتاب قضاوت نوشته اند که : قاضی باید فراست در امر مرافعات داشته باشد. چند نمونه از مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام : 1- در قصص العلماء (ص 138) بخلاصه می نویسد :

(الف) زنی خدمت آن مرحوم عرض کرد که کدخدای فلان محل ملک صغار مرا غصب کرده است، چون ویرا حاضر کردند وی منکر شده و احکام چندی از علماء وقضاة اصفهان را نشان داد که همگی حکم به حقانیت کدخدا نموده و دعوی آن زرا مردود شناخته بودند . مرحوم حجه الاسلام پس از ملاحظه احکام فوق

ص: 152

رو بزن نامبرده نموده و فرمود: کدخدا مرد درستی است و حرف بیجا نمی زند و طبق این اسناد ملک متعلق به اوست. زن شروع به گریه و زاری و آه و ناله نمود و اظهار داشت که وی حقیقت را بر علماء مشتبه نموده و آنان حکم بظاهر فرموده اند.

مرحوم سید به کارهای دیگران پرداخت و ظاهراً از کار آن زن و کدخدا منصرف شده در بین مرافعات رو به کدخدا فرمود و پرسید:

آیا این ملک را خریده ای؟ جواب داد: خیر مگر شرط مالکیت خریدن است.

سید فرمودند: نه ممکن است از راههای دیگری نیز انسان مالک شود.

پس از این سؤال و جواب به کار دیگری شروع فرموده و پس از مدتی رو به کدخدا نموده و فرمود:

آیا این ملک از راه ارث بتورسیده است؟ جواب داد: خیر مگر شرط مالکیت میراث است، آن جناب فرمودند: خیر من نیز املاکی دارم که به ارث به من منتقل نشده است.

پس از مدت زمانی برای سومین بار از کدخدا سؤال فرمودند: آیا این ملک را کسی بتوصلح کرده و یا بخشیده است و جواب داد: خبر هیچ یک از این حرفها نیست مگر در مالکیت اینگونه حرفها شرط است. خلاصه در ضمن چند پرسش کلیه علل و موجباتی که ممکن است ملکی در تصرف کسی شرعاً در آید را سؤال فرمودند و او همه آنها را منکر شد. مرحوم سید حجة الاسلام در دفعه آخر فرمودند: پی به چه دلیل و سبب تو مالک ابن ملک شدی؟ وی در جواب گفت سبب نمیخواهد (آسمان سوراخ شد و این ماک بگردن من افتاد) سید فرمودند پس چرا برای من و دیگران سوراخ نمی شود، و فرمودند که

توغاصبی و فوراً ملک صغار این زن را به آنها رد کن و به کدخدای ریه مجاور مرقوم فرمودند که آن ملک را از تصرف او خارج نموده و در اختیار آن زن قرار دهد.

(ب) مرافعه دیگر : همچنین مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 139) می نویسد :

شخصی در باب یکی از فرای اصفهان سندی درست کرد و هر چند تن از علماء قدیم را بلطائف الحبل از وراث آنها گرفته آن سند را بدانها مهر نمود همچون علامه مجلسی و محقق خونساری و مرحوم آقا جمال خونساری و غیره (ویا مهر و امضای آنان را نیز جعلی کرده بود و با این سند مجعول با صاحبان اصلی قریه که پدر مالک و صاحب ید بودند و نسلاً بعد نسل بمیراث به آنها منتقل شده بود بمرافعه برخواست.

این مرافعه چندین ماه در خدمت سید حجة الاسلام بطول انجامید ، مرحوم سید حجة الاسلام به ساختگی بودن سند متوجه شدند که خط و کاغذ نو و تازه است و آنرا کویپه کرده اند. روزی مرحوم سید حجة الاسلام چند تن از کشیشان ارامنه جلفای اصفهان را احضار نموده و کاغذ اسناد را بدانها نشان داده و فرمودند تاریخ آنرا که در گوشه کاغذ است و چاپ شده است بخوانید.

چون خواندند معلوم شد تاریخ ساختن کاغذ سالها پس از وفات علماء نامبرده می باشد و بدین ترتیب مجعول و ساختگی بودن سند مهین شد و آن مرحوم آنرا پاره کرده و حکم به نفع صاحبان واقعی آن قریه صادر فرمودند .

(ج) نمونه دیگر خواندنی و شنیدنی :

مردی را در حضور آن جناب در محکمه مرافعات حاضر کرده و مدعیان اظهار داشتند که نام این شخص (حسن) می باشد و ما مبلغ چهار صد تومان از روی

طلب داریم . چون از وی سؤال شد که درباره ادعای اینان چه جواب می گویی کالا :

اینها از آنها حسن طلبکارند (طبق ادعای خودشان) و مرا بنام آقا حسن گرفته و مطالبه پول خود را می کنند و حال آنکه من آقا حسن نیستم .

مرحوم سید دیگر چیزی به او نفرمود و به کارهای دیگر مشغول شد و جمعیت گرم گفتگو وقیل وقال شده سر و صدا همه مجلس را فرا گرفته ، در این بین بناگاه مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند : آقا حسن . همان شخصی که می گفت من آقا حسن نیستم نا آگاهانه گفت : بله آقا . مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند فوراً برخیز و برو و چهار صد تومان بدهی خود را پردازد وی ناچار اطاعت نموده و از محکمه مرافعات با مدعیان خود خارج گردید.

(د)

یک نمونه دیگر از مرافعات نزد سید

فرج بعد از شدت انجات پس از نومیدی .

مقدمه : در قرن سیزدهم هجری در قریه فرادبته از قرای چهار محال بختیاری از بلوک گندمان در طائفه زندگی میکردند یکی بنام : زمانیا و دیگری رفیعی ها که طایفه دوم از حیث تعداد نفرات بر دسته اول برتری داشته و همیشه بین این دو طایفه اختلاف و نزاع وجود داشته است.

کدخدای فرادبته بنام کاظم آقا از رفیعی ها مردی متنفذ و مقتدر و ثروتمند بود . و بطوری که نقل می کنند در سالی که فتح علیشاه با عده زیادی از پسران و اطرافیان خود به اصفهان مسافرت می کند و جهت گردش و تفریح بصفحات قهوه رخ (قهفرخ) و چهار محال میرود اطرافیان خود را بدهات و قصبات اطراف تقسیم می کند که همه از این ظلم شاهانه بهره ای داشته باشند (سهمیه قریه فرادبته شصت نفر میشود . به منزل کدخدا وارد می شوند و او از آنان بخوبی پذیرائی می کند و هنگام شب جهت خوابیدن آنان کدخدا شصت دست رختخواب ترمه

ص: 155

می گسترده . سایر لوازم زندگی و تجملات او را بر همین گونه می توان قیاس نمود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

عمارت منزل کدخدا دوطبقه بوده و روی سردرب عمارت اطاق مخصوص کدخدا قرار داشته که خود در آنجا می نشست و مراجعین پای دیوار در کوچه ایستاده و عریض خود را می گفته اند و او جواب میداده است.

در همین زمانها مرد شجاع و دلیر و بی باکی بنام ابوالقاسم فرزند کریم (ابوالقاسم کریم) زندگی مینموده که راه معیشت او علاوه بر زراعت شکار نیز بود و در تیر اندازی مهارت کافی داشته است و کمتر میشده که بر او خطا رود ، در زراعت نیز استعداد و پشت کار لازم را داشته بطوری که شجاعت و زراعت او زبان زد خاص و عام بوده و در تمام بلوک گندمان بلکه چهار محال شهرت و عنوانی داشته است بطوری که ایل قشقائی که در موقع بیلاق و قشلاق که از مجاورت دهات عبور میکردند بدون آنکه دستبردی به اغنام واحشام واموال مردم بزننده نمی رفتند در موقع عبور از کنار فرادبینه به احترام او و تاترس از او از دزدی و قتل و غارت در آن حدود صرفنظر میکردند .

(اکنون اصل داستان): نقل نمود فاضل محترم آقای آقا سید مصطفی حسینی فرادبینه ای از فول پدر خود عالم فاضل مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی ادیب شاعر متخلص به نوائی امام جماعت و واعظ قریه مزبور که وقتی ما بین دو نفر از مردم قریه یکی از طایفه زمانی و دیگری رفیعی اختلاف و نزاعی روی داد وعده ای از هر طایفه بحمایت و جانب داری هم قبیله خود جمع شدند و بدرخانه کدخدا رفتند، ابوالقاسم کریم نیز که از طایفه زمانیها بود بطرفداری هم قبیلهای خود جز وعده شروع بداد و فریاد و قیل وقال نموده و تظلم می کند . کدخدا باحال

غضب ویرا مخاطب ساخته و با کلمات تند و زننده و با پرخاش ویرا امر بسکوت می کند . نزاع بین کدخدا و ابوالقاسم شروع میشود و جمعیت بنای داد و فریاد می گذارند، در این بین کدخدرا تهدید به قتل می کنند او با کمال بی اعتنائی می گوید: اگر مرد هستی بزن وی نیز تیری رها کرده و کدخدا را هدف قرار داده که بلافاصله جسد او از بالاخانه بزی می افتد . تیراندازی از طرفین شروع شده و پس از مدتی متفرق میشوند.

خانواده کدخدا در اصفهان به محضر سید حجة الاسلام حاضر شده و شکایت می کنند و ابوالقاسم را قاتل معرفی می نمایند . مأمورین مرحوم سید حجة الاسلام به فرادینه رفته ابوالقاسم را گرفته بشهر می آورند در محاکمات اقرار به قتل نمی کند و می گوید : دعوای ده داری بود و او کشته شد و معلوم نشد که به تیرچه کسی کشته شده است و من قاتل نیستم .

چون اقرار به قتل نمی کند و ضمناً قتل غیر عمد تشخیص میشود اررا بازداشت کرده و روزها در بیرون جلسه درس و محکمه قضاوت و محاکمات نگه میداشتند، خود ابوالقاسم جهت مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی نقل کرده بود که روزی مرحوم سید حجة الاسلام در بین محاکمه عده ای دیگر ناگهان صدا زدند : ابوالقاسم قاتل . من که حواسم همه جا بود بغیر از محاکمه خودم بی اختیار از جا بلند شده و فریاد کردم : بله آقا .

جرم ثابت شد و این جواب مرا اقرار بقتل محسوب داشتند (شاید قبل و بعد از این قضیه نیز صریحاً یا بطور غیر صریح اقرار کرده باشد و خود متوجه نبوده است اما قتل غیر عمد بوده است) امین الدوله مالک قریه فرادینه دیه مفتول را بعهدہ میگیرد و بورثه مقتول میپردازد و ابوالقاسم رها میشود و آزادانه به موطن خود

بر میگردد .

وی گفته بود: نمیدانم این حالت را چگونه تعریف کنم ، قتل واقع شده و من قاتل هستم و به قتل نیز اقرار نموده ام و یقین دارم که سید حجة الاسلام مرا در برابر آن خواهد کشت اکنون خود را آزاد می بینم .

ص: 158

(قضاوت و اجرای حدود شرعیه و فصل خصومات) (مقدمه) : آنچه از نظر عقل و منطق بدیهی و قبول آن از نظر اسلام ضروری است آنکه :

احکام خداوند تبارک و تعالی تعطیل بردار نیست و باید تماماً اجرا گردد. لکن ممکن است در برخی از زمانها بنا بعلل و مقتضیاتی و با بعلل سیاسی و بمناسبت وجود موانع یکی با چند تا از این احکام بطور موقت اجرا نشود بطور مثال :

1- وجوب حج از ضروریات دین اسلام است اما اگر راه ناامن بود و یا مابین در دولت اسلامی اختلافی بود که در اثر آن ممکن باشد به حجاج و زائرین حرمین شریفین زیان مالی و باجانی برسد در این حالت برای مدت زمانی که این اختلاف برطرف نشده و احتمال موجود است مجتهد میتواند دستور بدهد که حاجیان جهت حفظ جان و مال خود بمکه مشرف نشوند .

مثالی دیگر : استعمال تنباکو و دخانیات بطور کلی مباح و از نظر شرعی بلا اشکال است امارتی مجتهد مرجع تقلید مشاهده می کند که تنباکوسیله استعمار شده و دست خارجیانی یعنی دولت استعمارگرو صاحب قدرتی در میانست و میخواهد از این راه نفوذ خود را در اجتماع مسلمین زیاد نموده و نتیجه این نفوذ اسارت مردم مسلمان و گرفتاری آنان به چنگ ظالمین و غاصبین خارجی و عاقبت الامر

استعمار و استعمار مملکت است حکم به حرمت آن میدهد .

اجرای حدود اسلام نیز همین حالت را دارد وقتی دولت غاصب و جابر و ظالم و مقتدری بر مردم حکومت می کند که تمام اختیارات را از علماء اسلام و مجتهدین گرفته و مردمانی نااهل و نادان به احکام و غیر مؤمن را بر آنان مسلط گردانیده خواه و ناخواه احکام حدود و قصاص و دیات و کفارات اجرا نخواهد شد.

اما وقتی مجتهدی بزرگوار و قیبهی مقتدر و میسوط الید در مملکت اسلامی صاحب قدرت و نفوذ گردید که می تواند احکام خداوند عزوجل را اجرا کند بر او واجب است که وظیفه شرعی خود عمل نماید.

این یکی از خصوصیات مذهب شیعه است که مجتهدین می توانند دولتی را روی کار بیاورند یا آنرا از کار بر کنار کنند زیرا وظیفه تمام شیعیان پیروی از اوامر مجتهد عادل است اما دولتها قدرت ندارند که مجتهدی را از مقام والای اجتهاد برکنار سازند. کم کاری در ساری

نظریه علماء شیعه درباره قضاوت

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند : مرافعه نزد علمای دین ببرید که من آنها را بر شما حاکم گردانیدم .

عن الصادق علیه السلام : من کان منکم ممن قدروی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً . (مقبوله عمر بن حنظله).

در کافی و وسائل و دیگر کتب است که امام ششم علیه السلام در جواب سؤال عمر بن حنظله در ضمن حدیثی دستور رجوع به محدثین بزرگوار شیعه فرمودند .

در مذهب شیعه حکومت مخصوص خدا و رسول خدا و ائمه طاهرین علیهم السلام

است زیرا خداوند اطاعت غیر معصوم یعنی کسی که ممکن است دانسته یا ندانسته خطا و اشتباه کند را بر مردم واجب نفرموده است و آیه شریفه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم)، اشاره بهمین موضوع است.

در دوره غیبت امام زمان علیه السلام تا آنجا که در توقیع مبارک اجازه فرمودند (حوادث الواقعه) کارها بعهدہ محدثین بزرگوار و مجتهدین عالی مقدار می باشد .

برخی از مجتهدین معتقد می باشند که در کلیه کارهاییکه ممکن است تأخیر انداخت، باید آنها را تأخیر انداخت همچون جهاد (البته دفاع در هر زمانی که لازم باشد واجب است و احکام آن غیر از جهاد است) و غیره لکن کارهاییکه تأخیر در آنها جائز نیست مانند: نصب قیم جهت حفظ اموال صغار و محجورین - رسیدگی به دعاوی و اختلافات مردم به کیفر دادن به دزد و قاتل و جانی و غیره باید کسی متصدی این امور شده و بکارهای اجتماعی مردم رسیدگی کند.

در دعاوی و مرافعات بین مردم چون هرچه قاضی حکم کند بر حسب ادله ظاهر می باشد و به هیچ حکمی نمیتواند علم واقعی و حقیقی پیدا کند، از اینرو عده ای از فقهاء با داشتن صلاحیت از علم و اجتهاد و عدالت و غیره که لازم قضاوت و جزو صفات قاضی شمرده میشود و بعدا به آنها بطور اجمال اشاره خواهیم کرد از روی احتیاط گرد قضاوت نگشته و خود را از امور اجتماعی بدور نگاهداشته اند اگر قضاوت را برای مجتهدین واجب کفائی بدانیم و عده ای که رفع نیاز اجتماع بوجود آنها میشود متصدی امر شدند آن وقت دیگران میتوانند با خیال آسوده به کارهای دیگری از تحصیل و تدریس و تألیف و عبارت که هر یک در مقام خود لازم و ضروری است پردازند والا...

بنابر این عده ای از علماء خود را از اجتماع مردم و نیاز مندیهای آنها بر کنار داشته و جمعی دیگر در بین اجتماع بوده و در رفع نیاز مندیهای دینی و اجتماعی

آنان از قضاوت و حکومت شرعیه و دخالت در امور حسبیه و دیگر مواردیکه از وظائف مجتهدین است کوشیده اند .

این علماء بزرگوار پس از رسیدگی کامل به پیش آمدها از اختلافات ناشیه از جهت تقسیم میراث رسیدگی به شرابخوری و دیگر معاصی که در شرع مطهر جهت آن حد مقرر گردیده است مانند دزدی و غیره حکم صادر میکردند . برخی از علماء خود نیز احکام صادره را اجرا میکردند (غیر از قتل و بریدن دسته سارق) و برخی دیگر اجرای احکام را منوط به امضای مجتهدین مبسوط الید و متنفذ شهر ما را میگذاشتند .

اهمیت قضاوت و مقام قاضی

قاضی و داور در حقیقت کسی است که از طرف خداوند متعال اختیار جان و مال و آبرو و حیثیت و ناموس مردم بدست او سپرده شده است . او می تواند با صدور یک حکم ناروا خاندانی را نابود سازد اموالی را هدر نماید خونهای ناحقی بریزد و خویشان را مورد لعن و نفرین ابدی و عذاب الهی قرار دهد، و همچنین با صدور حکمی از روی عدالت و دادگری میتواند حقی برگرداند و از مظلوم و ستمدیده‌های رفع ستم کند ...

(قاضیان بر سه گونه اند): از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که بخلاصه فرمودند: قاضیها بر سه گونه اند . (ص 427 دوم نهج الفصاحه) قاضیان فی النار و قان فی الجنة : 1- قاضی عرف الحق فقضی به فهو الجنة ، 2- قاض عرف الحق فجار متعمدا، 3- اور اسی بغیر علم فهما فی النار .

ص: 163

1- آن کس که حق را بشناسد و بدان حکم کند در بهشت باشد . 2- آنکس که حق را بشناسد و دانسته بر خلاف حکم کند 3- یا بدون داشتن علم و تمیز حق از باطل حکم نماید ایندو در دوزخ باشند .

قضاة بر چهار گونه اند) : از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

القضاة أربعة ثلاثة في النار وواحد في الجنة :

1- رجل قضى بجزور وهو يعلم فهو في النار، 2- ورجل ففى بجزور وهو لا يعلم فهو في النار ، 3- ورجل قضى بالحق وهو لا يعلم فهو في النار 4- ورجل قضى بالحق وهو يعلم فهو في الجنة .

یعنی: داوران بر چهار دسته اند سه گروه آنان در آتشند و یک فرقه در بهشت:

کسانی که حق را می شناسند و دانسته بر خلاف آن حکم می کنند یا ندانسته بر خلاف حکم می کنند و یا ندانسته یکم حقیقی و واقعی می دهند موسسه دسته در آتشند و آنان که حق را میدانند و می شناسند و بدان از روی معرفت حکم می کنند در بهشت جای دارند.

قضاوت کار پیغمبران و اوصیای آنانست :

با توجه به اخبار مرویه از ناحیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام قضاوت داوری در بین مردم کار بسیار مشکلی است که هر کس نمیتواند و نباید متصدی آن شود .

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به شریح قاضی فرمودند :

یا شریح قد جلست مجلساً لا یجلسه الا نبی اووصی نبی اوشقی. و همچنین روایت شده است که فرمودند : ان القاضی علی شفیر جهنم (قاضی در کنار جهنم قرار گرفته با کوچکترین غفلت و کمترین خطا اهل دوزخ خواهد بود .

و همچنین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است که فرمودند: من جعل قاضياً فقد ذبح بغير سكين: هر کس در مقام قضاوت و دادگری قرار گرفت کشته شده است بدون کارد.

در روایتی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که: روزی به ابو موسی اشعری فرمودند:

ایا ناسخ و منسوخ را (در قرآن) از یکدیگر تمیز میدهی (یعنی آیا آیات ناسخ منسوخ را میدانی و بتو رسیده است که کدامیک از آیات منسوخ است و آیه ناسخ آن کدام است).

در جواب عرض کرد: نه (نمیدانم).

حضرت فرمودند: هم خودت در هلاکت هستی و هم دیگران را در ملاکت انداخته ای، پس از آن حضرت گوش ابو موسی را گرفته و فشار دادند و فرمودند:

تو داوری و قضاوت مکن (ص 55 مقدمه جلد یکم ترجمه قرآن تألیف زین العابدین رهنما).

قضاوت باید مطابق حکم خداوند متعال و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم باشد.

طبق نص صریح قرآن که میفرماید: فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول (سورة النساء آیه 59) مصدر و منشا صدور احکام در قضاوت باید احکام قرآن مجید و روایات صادره از ناحیه مقدسه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرين عليهم السلام باشد و هر حکمی که بر خلاف ایندو صادر شود حاکم آن را خداوند متعال طاغوت خوانده و محاکمه نزد او را نهی فرموده است. است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند:

من حکم فی درهمین بحکم جورثم جبر علیه کان من اهل هذه الایة [ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکافرون]

کسی که در دردهم مطابق حکم پادشاه ظالم و قانون خلاف دین حکم کند سپس محکوم را مجبور به اجرای آن حکم نماید از اهل این آیه است ...

راوی سؤال کرد که چگونه ویرا مجبور می کند؟ حضرت فرمودند: قاضی تازیانه و زندان در اختیار دارد و اگر محکوم راضی نشد او را شلاق میزند (شکنجه میدهد و محبوس و زندانی میگرداند (قاراضی شود).

وهم از امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند: من حکم فی درهمین بغير ما انزل الله عز وجل فقد كفر (وسائل الشیعه). و در روایتی دیگر فرمودند:

من حکم فی در همین بغیر ما انزل الله عزوجل ممن له سوط او عصا نهو کافر بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم (وسائل الشیعه).

زبان قاضی : این کار در ساری

در حدیث وارد شده است که : لسان القاضی بین جمرتین من نار حتی بقفی بین الناس فاما فی الجنة واما فی النار .

انواع قاضی : قاضی بر دو گونه است ؟

1- قاضی منصوب از طرف پیغمبر با امام علیهم السلام و با مجتهد جامع شرایط مبسوط الید .

2- قاضی منتخب که آنرا حکم (به فتح اول و دوم) گویند و برخی از شرایطی که برای قاضی گفته میشود چون اجتهاد و ایمان و برخی دیگر در این نوع از داوران معتبر نیست.

ص: 166

در بیان شرایط و صفات قاضی :

علماء بزرگوار شیعه برای کسانی که منصب قضاوت را در بین مسلمین بدست میگیرند صفات و شرائی مقرر فرموده اند که از آنجمله است :

1- مکلف بودن (بلوغ). 2- مؤمن بودن . 3- عاقل ورشید بودن . 4- عادل بودن . 5- حلال زاده بودن . 6- مرد بودن . 7- عالم بودن .

8- صاحب نظر بودن (مجتهد باشد) و کافی نیست که قاضی بفتوای دیگران عمل کند. برخی از مجتهدین میفرمایند در صورتی که مجتهد واجد شرائط نباشد غیر مجتهد بدستور مجتهد واجد شرائط میتواند قضاوت کند.

9- ضابط بودن یعنی دارای حافظه قوی باشد و قدرت حافظه خود را از دست نداده باشد و بتواند منداعیین و شهودرا در هر وقت بشناسد و آنان را با دیگری اشتباه نکند (نسیان بر او چیره نشده باشد).

10 - امین و مورد اعتماد بودن و این شرط را میتوان جزو عدالت محسوب گردانید.

11- در زمان پیغمبر و امام علیهم السلام منصوب از طرف آنان بودن و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه مرفقیهی که جامع جمیع صفات قاضی باشد میتواند در بین مردم قضاوت نماید و به امور عامه رسیدگی کند . در مقبوله

ص: 167

عمر بن حنظله است که : فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله وعلینا الراد علینا الراد علی الله وهو علی حدالشرك بالله (وسائل الشیعه - ابواب صفات القاضی).

برخی از علماء صفات و شرائط دیگری همچون :

1- کورنبودن 2- آزاد بودن (بنده نبودن) 3- قدرت بر خواندن و نوشتن داشتن (و این خود شرط اساسی عالم و مجتهد بودن است) 4- افضل واعلم از سایرین بودن را نیز ذکر کرده اند. البته مقصود افضل واعلم از کسانی است که رجوع بدانها در قضایای اتفاقیه و دعاوی ممکن باشد در شهری که حکم و قضاوت در آنجا انجام می گیرد.

(توضیح و تنبیه) : همان گونه که ذکر شد هر مجتهد عادللی که باقی شرائط ذکر شده در او باشد میتواند در بین مردم قضاوت کند و تا قبل از دوره مشروطیت و ایجاد دادگستری بصورت فعلی نیز کارها بهمین رو به انجام میگردد، اما پس از استقرار حکومت مشروطه و پیدایش وزارت دادگستری (علیه) برای آنکه کارها بصورت منظم و اداری انجام گیرد کسانی را (که شاید بیشتر آنان شایستگی آنها نداشتند) جهت قضاوت استخدام میکردند و بدین شغل خطیر می گماردند و عملاً مجتهدین بزرگوار را از حق مشروع و وظیفه شرعی آنان محروم و ممنوع ساختند. امید است که بفضل و کرم حضرت حق جل و علا در این دوره کلیه این نواقص برطرف گردیده و داوری بین مسلمین به علماء شایسته و فقهاء بزرگوار محول گردد و لیس ذلک علی الله یعزیز .

در وسائل الشیعه (ابواب صفات القاضی) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند :

ایاکم أن يحاكم بعضكم بعضاً الى اهل الجور ولكن انظروا الى رجل منكم يعلم شيئاً من قضایانا فاجعلوه بینکم فانی قد جعلته قاضياً فتحاكموا الیه .

برای آگهی بیشتر در موضوع قضاوت و کلیه موضوعات مربوط به آن مطالبین بکتاب: وسائل الشیعه و کلیه کتب فقهی که مجتهدین بزرگوار مرقوم فرموده اندرجوع نمایند و در بین کتب فقهی فارسی به کتاب: جامع عباسی مراجعه نمایند . خداوند توفیق تحصیل علم و عمل بدان را بهمه ماها عنایت فرماید .
بمنه وکرمه .

نظریه حجة الاسلام راجع بوظائف مجتهدین در زمان غیبت

مرحوم سید حجة الاسلام عقیده داشت که اقامه حدود در زمان غیبت امام علیه السلام بر مجتهدین واجب است و میفرمود که حکم مجتهد در این قبیل موارد بعینه حکم امام علیه السلام می باشد و آنان باید طبق موازین شرعی اجرای حدود نموده و هیچ حکمی از احکام خداوند عزوجل را مهمل و بلا اجرانگذارند و بهمین دلیل خود در اجرای حدود اصرار داشت و هیچ مجرمی را بدون کیفر شرعی رها نمیکرد .

آنها که باید تعزیر شوند را تعزیر میفرمود. کسانی که باید حل بخورند را حد میزد . دست سارق را پس از ثبوت دزدی میبرید .

قاتل را حکم به قصاص میفرمود و دستور کشتن میداد . مجرمین دیگری که طبق موازین شرعی باید کشته میشدند را نیز حکم به قتل میفرمود ، و گاه میشد که خود شخصاً حکم را اجرا میفرمود (بک یا دو مرتبه ثابت است و بیشتر از آن شهرت دارد . ثبوت این بک یا دو مرتبه نیز علی المشهور است).

در بین نویسندگان در تعداد کسانی که به حکم مرحوم سید حجة الاسلام کشته شده اند اختلاف است و شماره آنرا از هشتاد نفر تا یکصد و بیست نفر نوشته اند لکن هیچکدام از این دو عدد ثابت نیست و همگان از روی مظنه و تقریب نوشته اند.

(نماز گزاردن مرحوم سید بر مقتولین):

مرحوم سید حجة الاسلام به پیروی از جد بزرگوار خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که پس از جنگ نهروان بر کشته های دشمن نماز خواندند ایشان نیز بر مقتولین اهل معصیت و کبائر پس از کشته شدن نماز میخواند و در حال نماز حال خوشی داشت از راز و نیاز و توجه حضرت حق و طلب استغفار برای آنان و گاهی در بین نماز از شدت گریه غش میکرد.

عباس اقبال در مجله یادگار (ص 42 شماره دهم سال پنجم) اجرای حدود الهی و قصاص را که مرحوم سید حجة الاسلام مطابق حکم خداوند متعال انجام میداده قساوت حیوانی و میرغضبیه نام نهاده است ، او حق دارد زیرا با اسلام و احکام آن آشنا نیست . مهدی بامداد نیز به اجرای حدود از طرف آن مرحوم انتقاد می کند . خلاصه آنکه از زمان حیات آن بزرگوار تاکنون کلیه کسانی

که مرحوم سید حجة الاسلام را مورد ایراد و اعتراض قرار داده اند تکیه کلامشان و هدفشان فقط اجرای حدود بوسیله ایشان بوده است (وداشتن ثروت).

(محل دفن مقتولین) : در بین عوام و بلکه برخی از خواص ساکنین محله قبله دعا یعنی محل نماز خانه و سکونت مرحوم سید حجة الاسلام چنین شهرت داشت که قبرستان کوچکی که مقابل منزل آن مرحوم قرار داشت محل دفن اینگونه مقتولین می باشد . این قبرستان در سالهای اخیر مانند بسیاری دیگر از

قبرستانهای داخل و خارج شهر اصفهان که تعداد آنها نسبتاً زیاد بود در مرحله اول بوسیله شهرداری وقت و مردم تسطیح گردیده و سپس بصورت خانه و مغازه و غیره در آمد.

قضاوت و فصل خصومات

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 119) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد :

من خود از حاجی شنیدم که در بالای منبر میفرمود:

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه می برد و اهل اصفهان از آن حضرت قاضی می خواستند آنحضرت آقا سید محمد باقر را بقضاوت نصب میکرد.

خواننده محترم در این جمله بیشتر دقت کن ، گوینده ای همچون حاجی کلباسی که مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 118) درباره او می نویسد:

هرگز مرافعه نکرد و من خود بر بالای منبر از او شنیدم که میفرمود : این مدت مرافعه نکردم و میخواستم رساله هم ننویسم لکن میرزای قمی رحمة الله علیه حکم کرد که رساله برای فتوی نوشته باش .

آن وقت حاجی کلباسی با آن همه احتیاط و زهد و تقوی میفرماید: اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای اصفهان قاضی و حاکم شرع می فرستاد آن کس آقا سید محمد باقر بود .

اجرای حدود:

ادوارد برون انگلیسی در تاریخ ادبیات خود (ص 262 جلد چهارم) در

ص: 171

تحت عنوان: مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها می نویسد: در نظر سلاطین صفویه یک نفر مجتهد نایب امام منتظر بود (ادوارد برون گویا نمیداند که این عقیده کلیه شیعیان در تمام ادوار بوده و منحصر بزمان صفویه نیست) امامی که هر وقت نام او برده میشود عبارت عجل الله فرجه را بر زبان میرانند، مجتهد بر جان و تن مردم صاحب اختیار بود.

سپس ذکری از حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی و اجرای حدود بوسیله ایشان می کند که قبلاً نوشته شده است.

همین نویسنده در همان کتاب (ص 263) در تحت عنوان: فتوی می نویسد:

توقف علماء و مجتهدین در کربلا و نجف و خارج از قلمرو ایران بیشتر بر مصونیت آنها افزوده بود و آنها می توانستند احکام خداوند تبارک و تعالی را که عموماً برخلاف میل حکام و سلاطین بود به آزادی بنویسند و به مردم مسلمان ابلاغ کنند (درهم شکستن یا ضعیف ساختن آنها منظور و آمال بسیاری از سلاطین ایران قبل و بعد از صفویه بوده است اما اقدامات آنها کمتر به نتیجه مطلوبه رسید.

وهم او می نویسد که: مجتهدین در جمیع کارها و تکالیف انسان از کوچکترین اعمال طهارت شخصی تا بزرگترین امور سیاسی دخالت می کنند.

نویسنده گوید: ادوارد برون یقیناً نام مقبوله عمرین حنظله را شنیده است راز توابع مبارک ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمودند:

فأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة احاديثنا فانهم حجتى عليكم وانا حجة الله را شنیده و خوانده است و می داند که علمای بزرگوار شیعه در کلیه زمانها نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه بوده و از همین رو بدانها نایب الامام خطاب میکردند.

شیعیان در زمان غیبت اطاعت اوامر و دستورات مجتهدین را واجب میدانسته و میدانند و معتقد بوده اند که: الراد عليهم كالراد عليهم السلام.

اشاره

(مرگ فتح علیشاه و روی کار آمدن محمد شاه)

طبق ماده هشتم عهدنامه ترکمن چای که ولایت عهدی ایران به عباس میرزا و اعقاب او اختصاص داده شده بود (آیا این ماده چه ارتباطی با جنگ در مملکت داشته و آیا نمیتواند دلیلی بر خیانت امضاء کنندگان قرار داد باشد و بطور یقین این ماده قرار داد با موافقت لندن و بطرزبورک نوشته شده است) و چون عباس میرزا در شب دهم جمادی الثانیه سال 1249 در سن چهل و هفت سالگی در مشهد مرده بود سلطنت به فرزندش محمد میرزا رسید.

تعیین ولیعهد

فتح علیشاه پس از مرگ عباس میرزا در سال 1250 ولایت عهدی را به محمد میرزا واگذار نمود، عده ای از بزرگان مملکت هر یک بعلتی به این امر راضی نبودند من جمله مرحوم میرزا عبدالله خان امین الدوله نظر بوصلتی که با فرمانفرما کرده بود راضی به این موضوع نبود و این خود منشأ بروز بسیاری از اختلافات بعد میباشد.

محمد شاه در هنگام مرگ فتح علیشاه در تبریز بود چون خیر مرگ شاه را

شنید به حمایت میرزا ابوالقاسم قائم مقام وزیر با تدبیر و با کفایت خود به تخت سلطنت جلوس کرده و کلیه رقبای خود را با کشت و یازندانی و یا تبعید کرده و قائم مقام که برای به سلطنت رساندن محمد شاه وسیله آن همه جنایت شده بود عاقبت الامر اجرت شاهانه دریافت نمود، یعنی بدستور شاه او را خفه کردند و به جای او صوفی بی کفایتی که روزی معلم شاه بوده یعنی حاج میرزا آقاسی همه کاره مملکت شد.

از کارهای محمد میرزا که اکنون محمد شاه و محمد شاه غازی شده است کور کردن جهانگیر میرزا و خسرو میرزا و برادر زندانی خود در اردبیل و همچنین کور کردن حسنعلی میرزا شجاع السلطنه برادر دیگر خود و خفه کردن میرزا ابوالقاسم قائم مقام دوم یعنی کسی که در سلطنت رسانیدن او رنجها برده و سعیها پیوسته بود (در شب آخر ماه صفر 1251) را میتوان نام برد

واما محمدشاه پادشاهی سست عنصر و تحت تربیت وزیر بی تدبیر خود یعنی حاج میرزا آقاسی صوفی مسلک و معاشرت او با صوفیه بود، وی در اثر تلقینات صوفیان از یک طرف و دستور اربابان خارجی خود که قدرت علماء شیعه را دیده بودند با علماء اسلام شدیداً مخالف بود و در این زمان که مرحوم سید حجة الاسلام در رأس علماء شیعه و پشت و پناه مردم و جلوگیری ظلم و ستم و بیداد بی حد و اندازه حکمرانان بود علناً مخالفت نموده و عناد میورزید.

در روضة الصفای ناصری (ص 163 دهم) در ضمن فضائل و محامد مرحوم قائم مقام نامی از معاشرین و مصاحبین محمد شاه میبرد و آنان را بدین گونه ذکر می کند: حاجی میرزا آقاسی ابروانی و حاجی زین العابدین شیروانی و میرزا نصر الله اردبیلی و میرزا مسلم خوئی و میرزا نظر علی حکیم باشی. - این کسانی را که ذکر نموده همه از اصحاب خانقاه و مخالفین علماء یمنی

صاحبان مسجد و محرابند، ضمناً محمد شاه نسبت به حاج میرزا آقاسی بی حل علاقمند بود. در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه (ص 40 جلد دوم) می نویسد: پادشاه او را قطب فلک شریعت و طریقت میدانست... و مصدر کشف و کرامت میشمرد، اما چون حاجی میرزا آقاسی روزگار خویش را به تعلیم و تعلم گذرانیده بود از اسرار سلطنت و رموز ملک داری بی خبر بود.

مخالفت شاه و وزیر او با علماء

یکی از آثار شوم انتخاب حاجی میرزا آقاسی بصدارت مخالفت نمودن شاه است با قاطبه علماء اسلام خصوصاً آنانکه قدرت و ریاستی داشتند و شاید در این قسمت رضایت و اشاره روسیه نیز در کار بوده است.

در اصفهان نیز بدستور شاه و صدر اعظم دستگاه حکومتی بنای مخالفت با سید حجة الاسلام را گذارده و هر روز پیش آمدی تازه ایجاد میکردند و آنرا به علماء و بالاخص به مرحوم سید حجة الاسلام مربوط می نمودند.

پناهندگی امین الدوله

عبد الله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر با ولیعهدی و سلطنت محمد شاه مخالف بود و علت آنرا سرور داشتن با فرمانفر میداند.

در ناسخ التواریخ (ص 26 جلد دوم قاجاریه) در این باره می نویسد:

امین الدوله با سلطنت محمد شاه چه در زمان ولیعهدی و چه پس از مرگ فتح علیشاه و برای روی کار آوردن و به سلطنت نشاندن حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارسی فعالیت زیاد می کرد. وقتی که کار سلطنت محمد شاه تمام شد و او رسماً در طهران

تاجگذاری کرد و ظل السلطان که بزرگترین خان او بود تسلیم شد، عبدالله خان نزد محمد میرزا سیف الدوله (حاکم اصفهان) فرستاد و پیغام کرد که:

اکنون که پادشاه ایران معین شده است مرا دیگر در امور این مملکت (این شهر) مداخلت نخواهد بود. این پیغام را نزد حاکم فرستاد و خود از ترس جان و مال بخانه حاج سید محمد باقر حجة الاسلام پناهنده شد و در آنجا جای گرفت

محمد شاه محمد رحیم پیش خدمت خاصه خود را در شوال 1251 به اصفهان فرستاده و امین الدوله را پیغام کرد که: توقف تو در اصفهان موجب اختلال حکمرانان است با خیالی آسوده و مطمئن رابطهران بیا و یا در قم ساکن باش و هر وقت از ما آسوده خاطر شدی بطهران بیا، امین الدوله رحیم خان را مدت شش ماه (تاریخ الأول 1252) در اصفهان نگه داشت و سپس بوسیله سفارت انگلیس خواستار مسافرت بعبتات شد و رخصت یافته بدانجا مهاجرت نمود و در آنجا بود تا وفات یافت.

و هم در ناسخ التواریخ گوید (ص 41 دوم قاجاریه) مخفیانه به عتبات عالیات سفر نمود.

نویسنده گوید: اگر امین الدوله را شاه رخصت سفر به عتبات داده بود پس دیگر چرا مخفیانه سفر کرد و اگر سفارت انگلیس در کنار آنها بوده پس این حرفها دیگر معنی ندارد.

عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار (صفحه 37 شماره دهم سال پنجم) پس از شرح بست نشستن امین الدوله در خانه سید حجة الاسلام می نویسد:

او شهرت داد که دیگر در امور مملکت مداخله نخواهد کرد، اما این ادعا حقیقت نداشت و او به پشت گرمی مرحوم حجة الاسلام و شفاعت او مشغول توطئه و زمینه سازی بود، خبر این دسیسه های او در طهرات بقائم مقام میرسید. عاقبت

قائم مقام از قول شاه نامه دلیل را در جواب وساطت حجة الاسلام به او نوشت.

نامه قائم مقام به سید حجة الاسلام

متن نامه قائم مقام به نقل از مجله باد گار :

مسطورات آن جناب بنظر اصابت رسید و چون وصول مکاتبات بقاعده مشهوره بدلی از حصول ملاقات میتواند شد خاطر مهر مظاهر را که در هوای شوق دیدار بود زاید الوعن مسرور و سبتهج ساخت.

سابقاً در باب مقرب الخاقان امین الدوله اظهاری کرده بودند و بروفق خواهش آن جناب مقرر شد که اگر مصلحت خود را در تقلد اشغال دنیوی میداند باستانه قدس شتابد و اگر باقتضای سن و التزام تشریح راغب اعمال اخروی است به عتبات مالیات عرش درجات عازم شود و در هر حال بعد از فضل خدا بواسطه آن جناب در کنف رأفت و توجه ما باشد لیکن بعد از آن طور توسط آن جناب و اینگونه تقدیم چندی گذشت که بهیچ یک از این دو کار اقدام نکرد و در میان دنیا و آخرت معطل بود و بتواتر و شیاع رسید که در این ظرف مدت بیکار نبوده و بی سبب تعطیل جایز نداشته بر آن جناب مستطاب بهتر معلوم است که تا حال چه مبلغ مال مردم در اصفهان تلف شده و چقدر دماه و نفوس در خارج و داخل آن ولایت بر باد فنا رفته اگر سخن مردم در حق او صدقات واجب است که از آن ولایت اعراض کند و اگر مبنی بر اغراض است چه لازم است که در میان دارالخلافة و فارس بنشیند و غرض سهام تهمت گردد بالجمله باز آنچه در باب مصلحت مملکت و آسودگی او بخاطر میرسد همین است که بخدمت ما در طهران با بطاعت خدا در عتبات بپردازد و تا زود است به یکی از این دو کار اقدام کنند و در هر صورت آن جناب مادون است که بوکالت نواب همایون مشار الیه را اطمینان دهد اما هر گاه از این مصلحت

دید ما که محض خیر خواهی خلق و ررافت درباره اوست تخلف کند از آن جناب خواهش داریم که او را در جوار خودراه ندهد و من بعد هر گونه خواهشی که باشد اظهار کند که معتقدانه در مقام انجام بر آنیم . (انتهی) .

پس از کشته شدن قائم مقام در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی (میرزا عباس بن مسلم بن عباس ایروانی) بطوری که گفته شد محمد رحیم خان به اصفهان آمد و بدون موفقیت مراجعت نمود و سر انجام امین الدوله به کمک و یاری وزیر مختار انگلیسی در ایران (مستر مکنیل) از محمد شاه تأمین جانی گرفته و عتبات رفت .

امین الدوله بهتر از هر کسی میدانست که تأمین جانی شاه و هر دو صدر اعظم و همچنین دعوت او بکار خدمه ای برای گرفتاری او بوده و منظورشان خارج ساختن او از بست و گرفتاری وی و کشتن او می باشد بنا بر این راضی به هیچکدام نمی شد.

علل و موجبات مخالفت شاه با سید حجة الاسلام

همانگونه که قبلاً متذکر شدیم : شاه مردی ضعیف النفس و سست اراده و صوفی مسلک بود و صدر اعظم یعنی حاج میرزا آقاسی مردی بی کفایت و بی تدبیر و ضمناً مرشد و مربی و معلم شاه به وزیر از نظر صوفیگری با قاطبه علماء مخالف بود و شاه را مطابق میل خود رهبری مینمود .

امین الدوله مخالف شاه بود و در ظل حمایت مرحوم سید حجة الاسلام، این مورد نیز یکی از موجبات عناد و دشمنی دام و وزیر او با سید حجة الاسلام بود .

دیگر از موجبات عناد داستان زیر می باشد؛

یکی از وابستگان حکومت در کاشان که از منسوبین شاه بود مرتکب معصیتی شد که حکم شرعی آن قتل بود . علماء کاشان مجرم را گرفته نزد سید حجة الاسلام

فرستادند تا پس از ثبوت شرعی حکم خداوند را درباره او اجرا نماید .

از طرف شاه و وزیر سفارشنامه ای بعنوان سید حجة الاسلام آمد که به پاس احترام مقام سلطنت حد شرعی در باره این شخص اجرا نشود . اما احکام خداوند تبارک و تعالی باید اجراء شود و در آن شاه و گدا تفاوت ندارند. مرحوم سید حجة الاسلام چند تن از علماء اصفهان را خواسته و در حضور آنان از مجرم قرار گرفت و او صریحاً به جرم خود اعتراف نمود و شرعاً حدبر او ثابت گردید. بلافاصله حکم صادر و بموقع اجرا در آمد.

چون خبر بطهران رسید شاه بی نهایت خشمگین شده و وزیر بیشتر او را تحریک کرد بقصد انتقام جوئی باعدهای سرباز بطرف اصفهان حرکت کرد. برخی از علماء این شهر از این جریان خبر یافته و در صدد اصطلاح ذات البین بر آمدند لکن شاه حاضر نبود مطیع امر خداوند و دستورات شرع مطهر بوده و از تصمیم خود چشم پوشی کند . با خود مرحوم سید حجة الاسلام در این باره مشورت کردند ایشان با کمال اطمینان قلب فرمودند : شاه نمیتواند هیچ کاری بکند چون حکم خداوند بوده که اجرا شده و من نیز بخاطر رضا و خشنودی او عمل کرده ام . محمد شاه به اصفهان آمد و چند روزی در این شهر مانده و نتوانست کمترین اذیت و آزاری به مرحوم سید حجة الاسلام برساند.

البته در این میان حاجی کلباسی شاه را از عواقب سوء تصمیم او آگاه ساخته و با پند و اندرز و موعظه و نصیحت ویرا از مقابله و خصومت با حجة الاسلام بر حذر داشت . محمد شاه پس از چند روز خائباً خاسراً بطهران مراجعت نمود . اما این موضوع عندهای شده در خاطر شاه و وزیر او در هر موقع قصد انتقام جوئی داشتند و با سید مخالفت مینمودند.

مرحوم حاج میرزا ابوالهدی (کمال الدین) کلباسی در رساله: البدر التمام (ص 13) در ضمن شرح حال حاجی کلباسی می نویسد:

غیور در امور دینی و ساعی در دفع بدنها و آنچه که موجب اهانت بدین و شریعت باشد میبرد. سپس می نویسد:

در ابتدای سلطنت محمد شاه صوفیه قدرتی یافتند و مردم نادان بدانها توجهی پیدا کردند و بیشتر مردم را گمان آن بود که پادشاه نیز بآنها میلی و نظری دارد، مرحوم حاجی ترسید که مبادا همین حرفها موجب توجه بیشتر مردم به صوفیه شود. یک سال از ابتدای سلطنت محمد شاه گذشته بود و در این مدت مکرر از ایشان خواسته بود که بپهران مسافرت کند بجهت تهنیت جلوس.

در این موقعیت مرحوم حاجی کلباسی لازم دانستند که سفری بپهران نموده و شام را از عواقب این امور برحذر دارند. مرحوم حاجی با عده ای از علماء بسمت پهران حرکت نموده و در بین راه بدرس و بحث و مباحثه اشتغال داشتند زیرا آن مرحوم تحصیل را واجب عینی می دانست،

سپس شرح مبسوطی از استقبال مردم پهران خصوصاً علماء و بزرگان از آنجناب نوشته و میفرماید:

در منزل شیخ المشایخ العظام قدوة العلماء الفخام سمی ثا من الائمة (1) علیه

ص: 180

1- ا ظاهراً مراد از این عالم جلیل مرحوم آنا شیخ محمد رضا بن مولی محمد بن عاشور کرمانشاهی طهرانی است، مشار الیه از علماء معروف و مراجع پهران بوده و خانه اش مهمانسرای علماء و دانشمندان و خود ملجا و ملاد خاص و عام بوده و در پنجم رمضان المبارک 1277 در پهران وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در مقبره هود و صالح دفن گردید.

آلاف التحية والسلام وارد شد . پس از چند روز که از دید و باز دید علماء و تجار و اعیان و مردم اندکی کاسته شد محمد شاه بزیارت و دیدار حاجی رفته پس از اداء تعارفات رسمیه حاجی خطاب به شاه فرمودند :

مبادا حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام از شما ملول و دلتنگ باشد . محمد شاه معنی این بیان را درک نمود و حشت زده گفت : من الاسم نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام در حد کمالست. حاجی کلباسی در جواب فرمودند :

به اعتقاد من تاکنون عالمی همچون سید الطائفه (مقصودشان سید حجة الاسلام بوده است نیامده است و او امروز مانند جد بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می باشد بجز اینکه آن حضرت معصوم بودند و ایشان معصوم نیستند . بعدا در ادامه سخن خود فرمود:

کسی که سید حجة الاسلام را اذیت کند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را اذیت کرده و آن کس که باید دشمنی کند با آن حضرت دشمنی کرده است .

امین الدوله کیست

نوشتیم که امین الدوله طرف توجه و عنایت مرحوم سید حجة الاسلام بوده و این موضوع یکی از علل مخالفت شاه با آن بزرگوار می باشد . این اجمال شرح حال امین الدوله :

عبدالله خان امین الدوله پسر بزرگ و ارشد مرحوم حاج محمد حسین خان

ص: 181

صدر اصفهانی در کتاب صدر الثواریخ (ص 108) درباره او می نویسد:

مروج شریعت سید المرسلین که مرحوم شیخ جعفر نجفی و شیخ موسی و حاج سید باقر رشتی اصلی الله مقامهم او را علی بن یقظین خطاب می کردند در زهد و ورع بی عدیل و در جلالت قدر بی بدیل .

و در صفحه (105) همان کتاب است که :

مرحوم عبدالله خان امین الدوله در جلالت قدر بی نظیر و همیشه مصدر خدمات دولتی بود و در سنه 1268 درگذشت ، تاریخ وفات آن مرحوم این است :
ثم با قصر العز تاریخه جنه عدن از لفت بالامین نویسنده گوید : مرحوم امین الدوله از مردان خیر و خدمتگزار و متدین و حقاً ویرا باید خبرالظلمه دانست ، آثار زیر از او در نجف اشرف بجای مانده است :

1- ترمیم قناتی در نجف 2 - اتمام سورنجف که پدرش شروع به ساختمان آن کرده بود 3- ساختن دو باب حمام بزرگی در نجف 4 - ایجاد چندباب دکان ووقف کردن آن در نجف و 5- ایجاد کاروانسرائی در نجف ووقف آن بر مدرسه صدر و غیره . در سال 1193 متولد و در پنجشنبه 25 شعبان 1263 وفات یافته و در مقبره خانوادگی در مدرسه صدر نجف مدفون گردید (ص 202 دانشمندان و بزرگان اصفهان).

شرح حالش در کتاب شرح حال رجال ایران (ص 278 جلد دوم) مذکور است.

شورش مردم اصفهان

یکی از وقایع تاریخی در سال 1255 در شهر اصفهان شورش و قیام مردم این شهر است علیه حاکم جابر و ظالم خود خسروخان گرجی . هریک از نویسندگان کتب تاریخ و رجال آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر کرده اند .

ص: 182

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 256) ضمن وقایع سال 1253 می نویسد :

شورش مردم اصفهان بر خسروخان گرجی که در عمارت هفت رست محصور شد و نصب فضلعلی خان به حکومت اصفهان . سپس در ضمن وقایع سال 1255 می نویسد : نهضت شاه (محمد شاه با قشون بسیار باصفهان ظاهراً به تأدیب اشرار و باطناً بترهیب مرحوم حاج سید محمد باقر که هیبت الهی مرحوم سید قضیه را برگردانیده و سیاست شاه صد و پنجاه تن معاریف اشرار را بعضی بچوبه دار و برخی به آوارگی دار بدیگر دیار سر دسته شان حاج غلامحسین (نوکر) امام جمعه بود. در آگهی شهان از کار جهان (ص 31 جلد سوم) نیز مرحوم انصاری همین مطالب را مختصراً نقل می کند

در روضه الصفای ناصری (ص 203 جلد دهم) بخلاصه می نویسد :

محمد شاه در 22 ذی الحجه 1255 بشهر اصفهان با قشون بسیار وارد ودر عمارت هفته دست منزل کرد و در محرم سال 1256 هفتاد نفر را گرفته برخی را کشته و جمعی را زندان کرده و برخی را بطهران بردند و حکومت اصفهان را به معتمد الدوله گرجی داده و در رجب 1256 بطهران مراجعت نمودند .

مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ (ص 100 جلد دوم چاپ امیر کبیر) می نویسد:

شهریار غازی (مراد محمد شاه است) روز 25 شهر ذی حجه (سال 1255) وارد اصفهان گشت و نصرالله خان کشیکچی باشی را مأمور ساخت تا اشرار در هرجا باشند ماخود دارد. یک صد و پنجاه تن از مردم شریر بیدین در مدت اقامت شهریار در آن دیار دستگیر شد و بیشتر عرضة دمار گشته و برخی را مأمور بتوقف اردبیل فرمودند و چنان آن عرصه امن گشت که بسیار شب بحکم معتمدالدوله (منوچهر خان گرجی) امل حرفت دکاکین را در نمی بستند و بخانه های خویش

ص: 183

می شدند و آسوده می خفتند و هیچ وقت فلوسی از مال کسی نابودنگشت . (واکر گشت جرأت دم زدن نداشت) .

در مقدمه این بیان (ص 91) شرحی از فجایع اشرار در اصفهان نوشته مطالبین بدان کتاب مراجعه کنند . ضمناً می نویسد : در کاشان قریب پنجاه نفر را که بشرارت شهرت یافته بودند گرفته و به استرآباد تبعید کرد .

اکنون توجه خوانندگان محترم را بنوشته مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص 109 جلد سوم) جلب می کنیم .

وی در ضمن بیان شرح حال فضلعلی خان قراباغی می نویسد :

شورش مردم اصفهان در سال 1253 به تحریک حاج سید محمد باقر شفتی و علمای دیگر علیه خسروخان گرجی حاکم این شهر .

نویسنده گوید : چه خوب بود که نویسنده ای همچون مهدی بامداد در علل و موجبات شورش مردم اصفهان در این سال علیه حاکم جائز و ظالمی همچون خسرو گرجی ارمنی مدعی اسلام بیشتر دقت و تحقیق مینمود و بعداً کتاب خود را با اینگونه مطالب غرض آلود کم ارزش نمینمود .

آیا علت شورش ظلم بی حد و بی عدالتی دستگاه حکومتی نبوده ، آیا استبداد رای وزیر یعنی حاج میرزا آقاسی مردم را عاصی و نافرمان نساخته ، آیا بی توجهی شخص شاه و اطمینان بیش از حدار به وزیر موجب ناراحتی مردم نشده که سرانجام بشورش و غوغا منتهی گردیده و گویا نویسنده گرامی نمیداند که علمام بزرگوار اسلام وظیفه حمایت و جانبداری از مظلوم و برابری باظالم و دفع و رفع شر او را دارند و اگر در این دوره (و در تمام ادوار) علماء بداد ستمدیدگان نرسند چه کسی و چه مقامی در اندیشه آنان است .

آیا اگر سید حجة الاسلام میخواست خسرو گرجی حاکم دست نشانده حاج میرزا آقاسی را از شهر اخراج کند نمی توانست ؟ آری مرحوم حجة

الاسلام قدرت و توانائی آنرا داشت که او را با ذلت و خواری هر چه بیشتر از اصفهان بیرون کند.

اگر امین الدوله نمیخواهد و یا نمی تواند جلو الوار لنبانی و دیگر اشرار را بگیرد که وابستگان عیالش بودند چه ارتباطی به علمای بزرگوار دارد که مهدی بامداد و دیگران دامان اینان را لکه دار کنند.

آقای مهدی بامداد در کتاب خود (ص 110 سوم) عین عبارات مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری را در آگهی شهان بدون ذکر مأخذ نقل می کند .

علمای شیعه همیشه باظالم مخالف بوده اند

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 101) در ضمن شرح حال ملاحسین یزدی مؤلف کتاب مهیج الاحزان شرحی راجع به اخراج حاکم بزد نوشته و گوید : محاکم از طرف فتح علیشاه حکومت میکرد و چون ظلم زیاد بر مردم روا داشت مرحوم آخوند ملاحسین حکم به اخراج او فرمود و مردم ویرا با انواع فضاحت و رسوائی از شهر بیرون کردند .

پس از شرحی که در این باره می دهد می گوید :

در بلاد ایران ستم بی اندازه و فراوانست بنحوی که در هیچ بادی از بلاد ربع مسکون چنین نیست و اگر رعایا و برایا عارض شوند امر را اعیان و وسایط بر سلطان مشتبه می سازند .

همچنین مرحوم تنکابنی در کتاب نامبرده در ضمن بیان شرح حال حاج ملا احمد نراقی (ص 131) می نویسد :

در زمانی حاجی حاکم ظالمیرا از کاشان بیرون کرده و مکرر این قضیه اتفاق

ص: 185

افتاد .. دنباله مطلب را طالبین از کتاب نامبرده بخوانند.

با این اوصاف آیا عالمی مقتدر و مرجعی همچون سید حجة الاسلام و علمای دیگر اصفهان برای اخراج خسرو گرجی حاکم احتیاجی بشورش و تحریک مردم داشتند و با آنکه خود قدرت آنرا داشتند .

توجه : باید خوانندگان عزیز متذکر و متوجه باشند که :

اگر برخی از علمای بزرگوار با حکام و سلاطین مماشات کرده اند آنهم از روی مصالحی بوده و حفظ منافع مسلمین در نظر بوده است و هیچگاه مقصودی جز اسلام و امور مسلمانها نداشته اند .

اکنون به حدیث زیر توجه فرمائید :

علامه مجلسی رضوان الله علیه در بحار الانوار نقل از کنز الفوائد کراچکی از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که :

والمملوک حکام علی الناس والعلماء حکام علی المملوک . پادشاهان فرمانروا بر مردمانند و علماء و دانایان فرمانروایان بر پادشاهان .

داستانی از امیر کبیر

مرحوم جابری انصاری در آگهی شهان (ص 56 سوم) داستانی از امیر کبیر میرزا تقی خان نقل می کند که خلاصه آن چنین است:

در وقتی مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران نامه توصیه ای جهت شخصی مرقوم داشته و نزد اتابک فرستاد . اتابک بفرستاده امام جمعه گفت : به آقا بگو : اگر دیگر چیزی نوشته ای اخراج بلدت می کنم . چون خبر به امام جمعه رسید نامه دیگری به اتابک نوشته و در آن نوشته : اگر من بعرض مظلومین نرسم بس مظلوم کجا رود و به چه کسی داد خواهی کند ؟ امیر را این جواب

ص: 186

پسند آمد و حضوراً از امام جمعه تقاضا کرد که هر کجا مظلومی دیدید بمن آگهی دهید رسیدگی می کنم (شرح داستان مفصل است طالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند)

نتیجه این بیانات آنکه علماء بزرگوار هستند که طبق وظیفه شرعی باید به امور مردم رسیدگی کنند و میکردند و اگر احیاناً در جانی سکوت کرده اند آنهم مطابق موازین شرعی و وظیفه آنها بوده است.

برای آگهی از طرز رفتار خسرو گرجی و فضلعلی خان قراباغی و منوچهر خان گرجی باید بکتاب تاریخ مراجعه نمود. ضمناً کتاب آقای مهدی بامداد نیز اطلاعات فراوانی از این افراد و عملیاتشان در حکومتهای خود در بر دارد. من جمله می نویسد: در سال 1234 خسرو خان گرجی حاکم گیلان بود و گیلانیان از او شکایت کردند او را عزل کردند (ص 401 سوم) و در سال 1252 فضلعلی خان حاکم ساری بود و بواسطه تعدیاتش مردم شورش کردند و ارک دولتی محل سکونت او را محاصره کردند دولت او را عزل کرد (ص 81 سوم) لکن در هیچ یک از این موارد به شکایت مردم رسیدگی نشده و حکام ظالم مقامی والاتر یافتند.

مهدی بامداد پس از نقل شورش مردم مازندران در سال 1252 در پاورقی (ص 81 سوم) می نویسد:

شورش مردم مازندران در سال 1252 مانند شورش مردم اصفهان در سال 1253 علیه خسروخان بود با این تفاوت که شورش اصفهان به واسطه رفتن محمد شاه به هرات دست بیگانگان نیز در این کار دخالت داشته (این است طرز قضاوت نویسنده کتاب شرح حال رجال ایران)

نامه وزیر مختار انگلیس به سید حجة الاسلام

مهدی بامداد در کتاب: شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر (ص 259)

ص: 187

سوم) در ضمن شرح حال محمد شاه و لشگرکشی او بهرات و اشکالات و موانعی که دولت انگلیس در این راه ایجاد نموده بود و سفر وزیر مختار آن مملکت (سر ژون ماکنیل) به زنجان پس از شرح مفصلی می نویسد :

وی از زنجان نامه ای به حاج سید محمد باقر شفتی معروف به حجة الاسلام بزرگترین مجتهد و پیشوای تشیع در آن زمان نوشت و از وی در این باره کمک خواست.

جواب سید حجة الاسلام به نامه سفیر کبیر انگلستان :

مرحوم سید حجة الاسلام در جواب نامه فوق ضمن تأیید اقدامات دولت ایران (یعنی جنگ برای برگرداندن افغانستان به ایران) تذکر داده بودند که در این قبیل مسائل بهتر است با خود امنای دوات تماس گرفته شود (و پای علماء اسلام را در آن داخل نکنند که پس از گذشت یکصد و پنجاه سال نویسنده ای در کتاب خود بنویسد شورش مردم علیه حاکم ظالم و جابر به تحریک علماء و دسیسه خارجیان بوده است).

(بازدید سید حجة الاسلام از محمد شاه) : هر موقع فتحعلی شاه و محمد شاه به اصفهان می آمدند و چند روزی در این شهر می ماندند بدیدار علماء این شهر میرفتند و آنان نیز از شاه بازدید میکردند . البته برخی از علماء نیز قبلاً بدیدن شاه میرفتند لکن معمولاً شاه بدیدن حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و شاید برخی دیگر از علماء میرفت و آنان از وی بازدید میکردند که فرمودند : مثل الامام والعالم کمثل الکعبة یؤتی الیها ولانأتی الیهم (ص 78 منتخب الدعاء تألیف حاج شیخ محمد باقر شریعتی دهاقانی (اصفهانی)

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص 144) می نویسد (به خلاصه و اندک تصرف):

در سالی که محمد شاه بقصد ارباب و تهدید مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان آمد و به خواست و مشیت حتی جلا و علا اوضاع دگرگون شد، روزی مرحوم سید بقصد بازدید از شاه سوار بر استر (قاطر) شده و با عده ای از علماء واصحاب خود از محله بیدآباد بقصد عمارات هفت دست در سمت جنوب زاینده رود حرکت فرمود.

سید علی نقی عرب بر حسب عادتش که همیشه در این گونه موارد در جلو سید سوار بر اسب قرآن میخواند با صدای بلند و آهنگ دلنواز تر آن میخواند، در آن زمانها در دو طرف رودخانه تا زمین های زراعتی و بائر بود و مانعی از ساختمان و غیره برای تماشای اطراف وجود نداشت. شاه از دور تماشا میکرد و دستور داد که اطرافیان از وزراء و رؤساء قشون حتی سربازان از مرحوم سید حجة الاسلام استقبال نکنند و نسبت به او احترام نمایند.

چون نزدیک عمارت مفت دست که محل سکونت شاه بود رسید سید علی نقی این آیت را قرائت کرد «قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء» الخ.

محمد شاه گفت: یقین است که عزت منحصرأ بدست خداوند قادر متعال است که به این مرد این اندازه قدرت داره ویرا عزیز و گرامی داشته است.

و چون نزدیک چادرهای سربازان که گرداگرد عمارت هفته دست بودند رسید این آیت را تلاوت نمود و با ایها النمل ادخلوا مساکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده، الخ. با شنیدن این ایه تمام سربازان و فرماندهان از چادرها بیرون ریخته و دست

و پای استر حامل مرحوم سید را می بوسیدند و در این کار بر یکدیگر سبقت فی جستند.

با دیدار این منظره بر حیرت شاه و وزیرش افزوده گشت. چون مرحوم سید حجة الاسلام به در سرای شاه رسید این آیت را قرائت نمود « انا ارسلنا الی فرعون رسولا نعصی فرعون الرسول »، الخ.

نویسنده گوید: تا کسی مؤید بتأییدات خداوندی نباشد و در آنچه انجام میدهد رضا و خشنودی خداوند را در نظر نداشته باشد، این قلب نوی وایمان راسخ جهت او پیدا نمیشود. چنین کسی جز از خداوند تبارک و تمالی از هیچ کس و هیچ چیز نمی هراسد.

شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب صفات الشیعه (ص 77 حدیث 55) از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

«ان المؤمن من یخافه کل شیء وذلک انه عزیز فی دین الله ولا یخاف من شیء و هو علامة کل مؤمن».

ابی العلاء گوید که امام ششم علیه السلام فرمودند:

مؤمن کسی است که همه از او باک دارند و حساب میبرند و این بدان جهت است که او در نزد خدا عزیز و گرامی و صاحب قدرت در دین خدا می باشد و از هیچ چیز (جز خداوند) نمیهراسد و این نترسیدن از چیزها نشانه همه مؤمنین است.

سید علی نقی مذکور از اهل کاظمین بوده و قرآن مجید را به آهنگ حجاز بسیار شیوا و زیبا میخوانده و صدائی رساو لهجه ای گیرا داشته است و نقل شده است که صبح ها که در مسجد سید اذان می گفته صدای او را تا فاصله زیادی دور از شهر می شنیده اند.

مولی محمد تقی بن ابیطالب یزدی اردکانی متوفی بسال 1268 یکی از علماء اخبار و صلحاء روزگار و عالم و فاضل و متقی و از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام شفقی بوده و به مناسبتی مورد اتهام دستگاه حکومت و مأمورین محمد شاه واقع شده و آنان در صدد اذیت و آزار وی برآمدند، وی ناگزیر به اصفهان آمده و در خانه سید حجة الاسلام متحصن گردید و به امید نجات در آنجا معتکف شد.

(گرفتاری مرحوم اردکانی بدست مأمورین شاه): در قصص العلماء (ص 167) بخلاصه می نویسد: سالی که محمد شاه به اصفهان آمد نسبت بعموم علماء بالاخص مرحوم سید حجة الاسلام و وابستگان ایشان بسیار رفتار بدی داشت و نهایت سوء رفتار را مسلوک داشته و دستور داد که آخوند ملا محمد تقی (اردکانی) را از خانه سید بیرون آورده و محبوساً بطهران برند.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب المآثر والاثار (ص 145) در ستون اول درضمن شرح حال مرحوم آخوند ملا محمد تقی اردکانی مدرس مدرسه فخریه طهران می نویسد:

در سال 1257 وقتی که غالب علماء ممالک محروسه را حاج میرزا آقاسی صدر اعظم محترماً بطهران حرکت میداد او را نیز آوردند (در نظر اعتماد السلطنه کسیرا که محبوساً بطهران بیرند یعنی محترماً بطهران برده اند).

مرحوم اردکانی در برخی از تألیفات خود اشاره به زندانی بودن خود بدون آنکه جرمی مرتکب شده باشد، می نماید. علامه طهرانی در الذریعه (ص 270 پنجم پاورقی) می نویسد:

اما زمان حبس و علت زندانی بودن او را نمیدانیم بغیر از آنکه احتمال داده

میشود که علت آن علاقه او به حاجی میرزا آقاسی بوده و زمانش پس از مرگ محمد شاه یعنی بعد از شوال 1264 باشد.

نویسنده گوید: بطوری که ملاحظه میشود مرحوم ننگاینی که خود معاصر با علامه اردکانی بوده و احتمالاً در موقع گرفتاری او نیز در اصفهان بوده است پناهندگی و گرفتاری او را در سال 1257 می نویسد و علامه طهرانی بطور احتمال در سال 1264 می نویسد و ظاهراً قول مرحوم تنکابنی بیشتر مورد اعتماد است.

طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید حجة الاسلام

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 167) در ضمن بیان مسافرت شاه به اصفهان (در سال 1257) می نویسد:

محمد شاه به اصفهان آمد و زیاده از سی هزار تومان به آن جناب (یعنی مرحوم سید حجة الاسلام) ضرر وارد آورد.

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی در روضة البهیه (ص 21) می نویسد:

سید حجة الاسلام در نزد جمیع طبقات از شاه و مردم محترم و معزز و مقبول القول بود وقتی که فتح علیشاه مرد و محمد شاه بجای او نشست... در این موقع از طرف شاه به تحریک وزیر او نسبت به سید بی احترامی شده و هتک حرمت او شد، برخی از نوکران او را گرفته و آزار رسانیده و کسانی را که بوی پناهنده شده بودند ما خود داشته و حرمت بست او را شکسته از آن جمله ملامحمد تقی اردکانی است.

اموال زیادی از سید ماخوذ داشته (به بهانه های گوناگون) که مقدار آنرا حدود سی هزار تومان می نویسند.

پس از این اعمال شاه مدت اندکی زنده بود و وزیرش نیز به نکبت و بدبختی

ص: 192

در خارج مملکت مرد راقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين .

مرحوم رضا قلی خان هدایت در روضة الصفای ناصری (ص 253 جلد دهم) طبق عادت مألوف خود همه بدرفتاری های شاه و وزیر را بعنوان تققدی خام وصحبتی مخصوص باد نموده و گوید : عموماً (یعنی عموم علماء من جمله سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی رضوان الله علیهما) به حسن خلق وغور درک وعلو همت و سمورتبت شاهنشاه اسلام پناه متفق الکلمه گشتند ...

آثار باقیه محمد شاه

در ناسخ التواریخ (ص 212 دوم قاجاریه) آمار زیر را از محمد شاه ذکر می کند که همگان مربوط به صوفیه است :

- 1- ساختن بقعه جهت شیخ محمود شبستری در تبریز .
- 2- ساختن قبه و بارگاه جهت شیخ فرید الدین عطار در نیشابور . 3- ساختن قبه برای شیخ ابوالحسن خرقانی در خرقان بسطام . 4- ساختن بقعه برای حاج محمد حسن نائینی در شهر نائین 5- ساختن گنبد و بارگاه برای حاج ملارضا همدانی در شهر کرمان .
- 6- تعمیر و ساختن بقعه ملا عباسعلی بنابی صوفی در مراغه (صفحه 602 دوم مکارم الآثار).

معاشرین و معتمدین و مشاورین محمد شاه :

در روضة الصفای ناصری (ص 163 جلد دهم) در ذکر علل و موجبات قتل میرزا ابوالقاسم قائم مقام می نویسد:

ص: 193

عالی جنابان حاجی میرزا آقاسی ابروانی و حاجی زین العابدین شیروانی و مبرزانصرالله اردبیلی و میرزا مسلم خوئی و میرزا نظرعلی حکیم باشی از ارباب حال واصحاب کمال در رکاب اقدس از هر سوی اجتماع یافته بودند و در خلوت خاص بصحبت ونصیحت اختصاصی کامل داشتند و حضرت اقدس را همی از باز جوانی اعتمادی بدین طائفه و اعتقادی بدین طبقه بود وغالباً بحق تعلیم تقدیم یافته بودند ...

نتیجه این بیانات آنکه محمد شاه باصوفیه یعنی مخالفین علماء محشورو مأنوس بوده و در کارهای مملکت با آنان مشورت مینموده است .

علاوه بر اینهاوی طبق عهدنامه ننگین ترکمن چای و به حمایت روسها به سلطنت ایران رسید و روسیان در جنگ های ده ساله خود با ایرانیان قدرت علمای بزرگوار شیعه را از نزدیک لمس کرده بودند گرچه بدلیل خیانت برخی از رؤسای لشکر و حکام ولایات و برخی دیگر از متنفذین شهر تبریز جنگ به نفع آنان و ضرر ایران تمام شد اما آنها معتقد بودند که این مرکز قدرت باید از بین برود . شاه که دست نشانده آنها و مشهور است وزیر صوفی مسلک مخالف با علماء بود با علماء اسلام به مخالفت برخاسته جمعی را زندانی وعده ای را بعنوانین مختلف بطهران کشانید .

وزیر بی تدبیر و کم سواد اما پرادعا و بانفوذی که در شاه داشت هر کجا لیاقت واستعدادی می دید و با قدرت و نفوذ کلمه و محبوبیتی مشاهده میکرد درصدد از بین بردن آن بود ، قتل قائم مقام بجرم لیاقت و شایستگی او بود و آنچه در این دوره با علماء اسلام مخالفت شده است همه به اشاره همین وزیر بوده است. و در پاورقی کتاب صدر التواریخ (ص 156) نقل از سفر نامه رضا قلی میرزا نوه فتح علیشاه (صفحه 30) می نویسد :

میرزا آقاسی ابروانی مردی دیوانه و شریر مطلقاً عقل در سرش جای نگرفته

و با وجود عدم عقل افلاطون حکیم را طفل دبستان خود ندانسته و فاسد العقیده‌های که به هیچ وجه از مبدأ و معاد تصویری می نمود از عرفانیت فقط باسم تصوف قناعت و دعوی این مرحله را به قانون سوفسطائی کفایت میدانست در بدو حال از اوامر و اوپاش ایروان محسوب می شد ...

این شخص علاوه بر نادانی بسیار متعصب بود خط مشی و روش او نسبت به بیگانگان عبارت از یک سوء ظن شدید و عمیق بوده است (ص 160 صدرالتواریخ نقل از تاریخ ایران تألیف سر پرسی سایکس).

اما چون حاجی میرزا آقاسی روزگار خود را به تعلیم و تعلم بسر برده بود از اسرار سلطنت و رموز مملکت داری بی خبر بود (ص 40 جلد دوم قاجاریه ناسخ التواریخ - ص 160 صدر التواریخ).

حاجی مرحوم در صدارت خود مبعوض جمیع مردم بود جز چند نفری دیگر هیچ کس به وزارت او راضی نبود در پیش حاجی سعاة و خبر رسانان مطلوب بودند با او سر بگوشی سخن می گفتند که دیشب فلان و فلان انجمن داشتند و در عزل شما هم داستان شدند به این واسطه تقرب پیدا میکردند ... به مردم فحش بسیار میداد، هر کسی از زخم زبان او مجروح و هر دلی از تیر دشنامش مشروح بود ... حاجی به جز فحش کار دیگر نداشت.

در کتاب: حقایق اخبار ناصری (ص 250 بنقل پاورقی صدر التواریخ ص 159) می نویسد: صدارت عظمی به حاجی میرزا آقاسی که سابقاً در آذربایجان به تعلیم امیرزادگان می پرداخت مفوض شد.

از این صدارت کار مملکت به خسارت رسید انورملکی مختل گشت و حقوق دیوانی لم یصل آمد.

در عهد حاجی در هر سال در کرور (به پول آن زمان) مخارج ایران بر مداخل

ص: 195

آن زیادتى پیدا مىکورد .

در کتاب صدر التواریخ و روضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ و دیگر کتب مطالب مفصلی از فساد دستگاه حکومت و نابسامانیها و جنایتهای اطرافیان و وابستگان حاجی میرزا آقاسی نوشته اند که باید طالبین بدانها مراجعه نمایند. ضمناً از کارهای اساسی و مفید او تأسیس قورخانه و ریختن توپ و تهیه وسائل جنگی حفر قنوات را می نویسنده

در فصص العلماء (ص) می گوید که ملا قربانعلی قزوینی شاعر معروف به بیدل در هجوم میرزا آقاسی می گوید : نگذاشت برای شاه حاجی در می شد صرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه مزرع دولت را از آن چاه نمی نه خایه خصم را از آن توپ غمی

همچنین می نویسند که حاج میرزا آقاسی در سال 1253 مجموع دهات و املاک و مستغلات خود را که یکهزار و چهارصد و سی و هشت قریه و مزرعه می باشد (از ترس مخالفین و طمع شاه) به محمد شاه بخشید .

توضیح آنکه حاجی میرزا آقاسی پس از قائم مقام که در شب شنبه آخر ماه صفر سال 1252 بدستور محمد شاه در باغ نگارستان خفه گردید بمقام صدارت رسید و تا هنگام مرگ محمد شاه یعنی 6 شوال 1264 با کمال قدرت در منصب صدارت برقرار بود بنابراین واگذار کردن املاکش به شاه در سال دوم صدارتش بوده و این همه املاک و مستغلات را در زمان معلمی ولیعهد و دیگران بدست آورده است و عملاً حقیقت درویش مسلکی و صوفی منشی خود را ثابت نموده است .

در خاتمه این مقال گوئیم که علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 691 دوم)

ص: 196

بنا بنقل از سید مصطفی بن اسماعیل موسوی در کتاب: اللوامع المحمدیه در وصف حاجی مرقوم می نویسد:

آیه الله الاستاد الأفخم والفيلسوف الأعظم والبحر الخضم لسان العرب قدوة العلماء الراسخين معلم الحكماء الأساطين العالم العامل الورع الكامل الشيخ عباس بن مسلم الايرواني .

علامه طهرانی دنباله عبارات فوق می نویسند: ان المسموع من الثقات العارفين خلاف ذلك كله (انتهی).

(تألیفات حاجی): کتب و رسائل زیر را به میرزا آقاسی نسبت میدهند و در مجمع الفصحاء (ص 388 دوم) می نویسند بیشتر تألیفات او از بین رفته است .
1- تفسیر آیه نور (مأخذ آنرا فراموش کرده ام که یادداشت نمایم . 2- تفسیر بعضی از آیات مشکله (ص 158 صدر التواریخ).

3- چهل فصل سلطانی - شیم فرخی در عرفان تاریخ ختم رساله سوم جمادی الأولى 1246 پس از بازگشت از سفر حج در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات مشهد مقدس (ص 258 دوم) شیم فرخی می نویسد لکن در طرائق الحقایق (ص 135 سوم) و به پیروی از آن در مکارم الاثار (ص 76 یکم) شیم فرخی مینویسد در هر حال رساله در طرائق الحقایق بچاپ رسیده است .

4 - ده فصل در حکمت، در طرائق الحقایق (ص 135 سوم) بچاپ رسیده است. 5- دیوان اشعار در مجمع الفصحاء گوید جمع آوری نشده است ، تخلص نفری بمناسبت لقب استاد و مرشد او ملا فخر الدین عبد الصمد همدانی مفتول در روز عید غدیر سال 1216 در کربلا بدست فرقه وهابی . 6- رد پادری ، در طرائق الحقایق (ص 158 سوم) گوید: رد پادری

تألیف میرزا بزرگ قائم مقام به اعانت و همراهی حاجی میرزا آقاسی بوده است.

7- رساله در اصول دین بطوری که دانشمند بزرگوار آقای حاج سید محمد علی روضاتی نقل فرمودند نسخه ای از آن در کتابخانه مرحوم آقا میرزا ابوالحسن کتابی در اصفهان بوده است.

8- سهام عباسیه بفارسی در اوائل جنگ ایران و روس تألیف شده است نسخه ای از آن در کتابخانه آستانه رضویه موجود است (ص 260 دوازدهم الذریعه).

* - شیم فخری همان چهل نسل است که مذکور گردید در طرائق الحقایق (ص 1350 سوم) گوید: مطالب مهمه شریعت و حقیقت را در نهایت وضوح و اختصار بیان نموده است

9- مصباح محمدی (ص 158 صدر التواریخ) و در الکرام البرره (ص 692 دوم) بنام مصابیح محمدیه در اصول و فروع خوانده شده و گوید نسخه ای از آن در یکی از کتابخانه های بروجرد موجود است . .

نویسنده گوید: ممکن است رسانه در اصول دین و مصباح محمدی به کتاب باشد. .

10- نگارنامه در جغرافیا (ص 142 سوم) طرائق الحقایق .

(اولاد حاجی) مرحوم حاج میرزا آقاسی دارای دو فرزند پسر بنامهای 1- شیخ محمد جعفر (ص 162 کتاب المآثر والاثار) 2- میرزا عبدالوهاب مؤلف رساله در لغات گلستان (ص 329 هیجدهم الذریعه) بوده است .

مرحوم حاجی در سال 1198 (ص 78 یکم مکارم الاثار) متولد و در شب جمعه 12 رمضان المبارک سال 1265 در اعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

ص: 198

یکی از قضایای قابل توجه در اواخر زندگانی مرحوم سید حجة الاسلام آوردن میرزا علی محمد باب است به اصفهان که منوچهر خان گرجی حاکم این شهر انجام داد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 258) در ضمن وقایع ساله 1259 می نویسد :

شدت مرض نقرس محمد شاه ... و سیاست معتمد که در چنین فرصت با مرغ شاه و سخافت وزیر و بی صاحبی ایران بوسیله دعوی او شاید بتواند ایران مدار شود فرستاد او را (میرزا علی محمد باب) از حبس شیراز آوردند و در برج چهل ستون پنهانش کردند خفای او از انظار موجب توهمات مو همه مردم ساده شد.

در ناسخ التواریخ (ص 150 دوم قاجاریه) شرحی راجع به او نوشته و گرفتاریش را در شیراز و مباحثه ویرا با علمای آن شهر و زندانی شدنش را بیان داشته ، در آنجا که گوید :

منوچهرخان ایچ آقاسی معتمد الدوله به گمان اینکه شاید ویرا در دین جاه و مقامی باشد و از ادعای او که می گفت من صاحب الامر هستم و کتابی بهتر از قرآن آورده ام (نعوذ بالله) بی خبر بوده کس فرستاد که او را از زندان شیراز رها نیده به اصفهان بیاورد، اتفاقاً در این وقت بیماری ویا در شیراز شیوع یافته و کسی را پروای دیگری نبود. میرزا علی محمد را به اصفهان آورد و علمای این شهر را انجمن کرد و چون وی را علمی نبود که قدرت مباحثه داشته باشد خود را به نوشتن مشغول داشت تا مجلس مباحثه ختم گردید سپس معتمد ویرا پوشیده از مردم نگاه داشت و چنین وانمود که او را از اصفهان بیرون نموده است.

معتمد تازنده بود و پیرا در اصفهان نگاه داشت و شبها عده ای را دعوت میکرد که ویرا دیده و سخن او را بشنوند و ظاهراً از این کار ترویج او و پیشرفت مقاصد خود را در نظر داشت و نظر خارجیان نیز در آن بی اثر نبود.

شرح مباحثه میرزا علی محمد با علمای اصفهان در ناسخ التواریخ و دیگر کتب مسطور است طالبین بدانها مراجعه کنند. و اما انتقال میرزا علی محمد شیرازی از زندان شیراز به اصفهان و نگهداری او در تحت حمایت منوچهر خان گرجی ارمنی مدعی اسلام به هر اسم و عنوانی بوده بضرر اسلام و مسلمین و مملکت ایران بود و فتنه ها و زیانهای غیرقابل جبرانی در دنبال داشت که مجال ذکر آنها نیست.

شرح حال معتمد الدوله منوچهر خان خواجه ارمنی گرجی در بسیاری از کتب و تواریخ زمان قاجار به اختصار و تفصیل نقل گردیده و مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص 159 تا 163) مفصلاً بیان داشته است مطالبین مراجعه

کنند.

مشار الیه در طول حکومتهای خود در ولایات مختلف مال و ثروت فراوانی تحصیل نمود که پس از مرگش در سال 1263 دولت بعنوان خواجه بودن و وارث نداشتن همه را تصرف کرده.

در باره شقاوت و سنگدلی او درد گرز در کتاب: ایران و مسأله ایران (ص 219 جلد دوم) بنقل مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (صفحه 162 چهارم) می نویسد:

معتمد الدوله منوچهر خان از حکم خونخوار ایران بوده، در سال 1256 سیصد نفر را در نزدیکی شیراز زنده زنده گج گرفت.

ص: 200

رضا

اشاره

سید حجة الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات

(1250 - 1260)

ص: 201

اشاره

عبادت و بندگی کردن و خضوع مرحوم حجة الاسلام)

مقدمة :

قال الله تبارك و تعالى : و انما يخشى الله من عباده العلماء ، (سوره فاطر آیه

28)

خشیت و ترس از خدا

بمعنی ترس شدید و گاهی آمیخته با تعظیم است ، در این آیه خداوند متعال میفرماید : سرکاری سیاسی داروسازی

منحصراً دانشمندان از خداوند میترسند (ترسی که در اثر علم به عظمت مقام حضرت پروردگار و خردی خود حاصل گردیده، خویشتن را در مقام عبودیت کوچک می بینند و خداوند را بزرگ)

در کتاب کافی در ذیل تفسیر این آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

علماء کسانی هستند که کردارشان مؤید و مصدق گفتارشان باشد و اگر کسی خیر آنچه می گوید عمل کند عالم نیست (اصول کافی باب صفة العلماء حدیث 2).

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند : بالعلم يطاع الله ويعبد وبالعلم يعرف الله ويوحد وبالعلم توصل الأرحام وبه

ص: 202

بعرف الحلال والحرام والعلم امام العقل والعقل تابعه ويلهمه الله السعداء ويحرمه الأشقياء.

بوسيله علم خدا شناخته و پرستش می شود و بوسيله دانش خدا شناخته شده و جویندگان حق ازرا بوسيله علم می یابند ، بوسيله علم صله ارحام انجام میشود و حلال و حرام شناخته می گردد.

علم پیشوا و رهبر خرد است و خرد پیرو علم است ، خداوند سبحان علم را به بندگان سعادت مندالهام نموده و اشتباه و بدبختان را از آن محروم میگرداند. (التالی الاخبار ص).

از ابن عباس روایت شده که می گفت :

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر در مکرر از خوف خداوند متعال غش میکرد و بی هوش میشد اما در جهاد در راه خدا چون کوه ثابت و برقرار بود . راز واجبات فوق العاده مراقبت میفرمود و در تمام کارها رضای پروردگار را در نظر داشت ، و کسی بیشتر از آن حضرت با مشرکین قتال و کارزار نموده است .
تفسیر جامع م 441 پنجم).

نشانه های شیعه

شیخ صدوق رحمة الله علیه در کتاب : صفات الشیعه (ص 44) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

شیعتنا اهل الورع والاجتهاد و اهل الوفاء والأمانة و اهل الزهد والعبادة اصحاب احدى و خمسين ركبة فى اليوم واللييلة القائمون بالليل الصائمون بالنهار بزكون اموالهم ويحجون البيت ويجتنبون كل محرم

حضرت صادق علیه السلام در این حدیث طبق روایت ابوبصیر از آنحضرت

ص: 203

دوازده صفت از صفات شیعیان را بدین شرح بیان می فرماید :

شیعیان آن حضرت کسانی هستند که : 1 - مردمانی پرهیز کارند (از معاصی اجتناب می کنند). 2- در امر عبادت و آنچه مربوط به دین است کوشا می باشند . 3- بمهد و میثاق خود وفادارند. 4- امانت پیشه اند و خیانت نمی کنند ه - نسبت به امور دنیائی بی اعتناء می باشند . 6- عبادت پیشه می باشند .

7- در شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز واجب و ناقله آنها را بجا می آورند.

8- در شبها بعبادت خداوند ایستاده اند 9- روزها را روزه میدارند . 10 - زکوة اموالشان رامیپردازند . 11- حج خانه خدای بجای می آورند . 12 - از هر کار حرام و ناشایسته ای دوری می جویند .

نویسنده گوید : باید من و عموم کسانی که خود را پیرو آن حضرت میدانیم این حدیث و دیگر احادیثی را که در باره صفات شیعه از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است را مطالعه کرده و با خود تطبیق دهیم و متوجه باشیم که تا چه حد در ادعای خود صادق می باشیم.

با مطالعه در شرح حال بیشتر علماء و بزرگان و بالاخص مرحوم سید حجة الاسلام می بینیم که آنها و آن مرحوم یکی از مصادیق واقعی شیعه بودند .

(حدیثی دیگر در نشانه های شیعه):

ص: 204

شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب صفات الشیعه (ص 53 حدیث 22) جابر جعفی از قول حضرت باقر علیه السلام هنده صفت بدین شرح جهت شیعیان روایت می کند؟

1- از خداوند میترسند (واز معاصی میپرهیزند). 2- اطاعت اوامر حق تعالی می کنند . 3- بتواضع و فروتنی شناخته میشوند (وتکبر نمی کنند). 4- در برابر خداوند تبارک و تعالی خاشعند 5- امانت پیشه اند . 6- همیشه بیاد خدا هستند (و ذکر خدا زیاد می گویند) .

7- زیاد نماز میخوانند 8- روزه دار هستند .

9- نسبت به پدر و مادر نیکی می کنند . 10- نسبت به همسایگان متعهدند (واز حال آنان بی خبر نیستند) . 11- به حال قراء و در ماندگان رسیدگی می کنند. 12- به قرض داران میرسند (وقرض آنان را ادا می کنند). 13- از یتیمان سر پرستی می کنند

14- راستگو می باشند . 15- تلاوت قرآن می کنند . 16- زبان از عیب جوئی مردم می بندند و از آنها جز خوبی نمی گویند . 17- در بین خاندان و ملت خود امین هستند .

(نکته قابل توجه) : آنچه بیشتر از همه چیز در زندگانی مرحوم سید حجة الاسلام جالب توجه است. موضوع عبادت و خضوع خشوع او در برابر حضرت

ص: 205

حق جل و علا می باشد .

مهمترین تألیفات اور کتاب : مطالع الانوار و تحفة الابرار است که فقط مربوط به نماز است و در سایر مباحث فقهی کتاب مستقلاً تألیف فرموده بخیر از رساله در دیات و آنچه از مباحث دیگر نقل کرده در این کتابها بمناسبت می باشد و یا در رساله (کتاب) سؤال و جواب در پاسخ پرسش مقلدین می باشد . بنابراین یکی از خصوصیات آن مرحوم موضوع عبادت و نماز و تهجد و زیارت و دعا می باشد.

عبادت مرحوم سید حجة الاسلام

علامه صاحب روضات در ضمن بیان صفات و ملکات مرحوم سید حجة الاسلام میفرماید :

حجة الاسلام عالمی شاکر بود و این حقیقت را در برابر سپاسگذاری از عنایات خاصه حضرت پروردگار که نسبت به او ارزانی داشته بود بزبان و قلب و عمل ابراز می نمود (ص 290 دوم ترجمه روضات).

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 136) در این باره می نویسد :

اما عبادت حاجی سید محمد باقر پس فوق طاقت تحریر خامه قاصر است و وصف نماز او بشرح زیر است که در ضمن شرح حال علامه شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام (ص 505) مرقوم داشته است.

نماز سید:

او (یعنی مرحوم سید حجة الاسلام) زمانی که تکبیرة الإحرام قراءت میفرمودند مد میداد من از بعضی از تلامذه ارسوال کردم که لفظ جلاله (الله) جای ما نیست

ص: 206

و چرا مد می دهند و در جواب گفت :

ما با ایشان این سخن را در میان نهاده ایم در جواب فرمودند که :

زمانیکه به کلمه مبارکه (الله) تکلم می کنم از حالت اختیار بیرون میروم و این مد دادن اختیاری نیست.

مرحوم سید حجة الاسلام همه نماز را با خضوع تمام و باحزن بلکه با گریه قربت میکرد و بر هر شنوندهای واضح میشد که نماز او با نهایت حضور قلب است، در نوافل هم ذکر رکوع و سجود را سه دفعه میخواند وزیر کفهای دسک هم مهر می گذاشت . مجملاً نماز آن بزرگوار در حضور قلب و خضوع عدیل و بدیل نداشت بلکه مستمع را هم گریه غالب میشد.

در روایت وارد شده است که حضرت موسی علی نبینا وعلیه السلام مناجات کرد و در مناجات عرض نمود بارالها پاداش کسیکه از خوف تو یگرید و اشکش جاری شود چیست؟ حضرت حق جل و علا فرمود : اقی وجهه من النار واومنه یوم الفزع الاکبر (مستدرک سفینة البحار ص 326 دوم) وایضاً روایت شده است که : چشمی که از خوف خداوند بگرید در روز رستاخیز نمیگرید (سفینة البحار ص 94 یکم) روایات درباره گریه از خوف خداوند و ثواب آن زیاد است طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه فرمایند .

محدث قمی علیه الرحمه در فوائد الرضویه (ص 429 دوم) به نقل از کتاب تکمله امل الامل در شرح حال مرحوم حجة الاسلام می نویسد :

.آن بزرگوار عالمی ربانی و روحانی (بود) و از جمله کسانی بود که حلال و حرام آل محمد علیهم السلام را میدانست و احکام آن بزرگواران راه حکم نمود مخالف هوای نفس خود و مطیع اوامر و دستورات مولای خود بود و همیشه در حال

ص: 207

مراقبت و توجه بحضرت حق سبحانه و تعالی بود هیچ چیز مانع حضور قلب و مراقبه او نمیشد .

مؤلف تکمله از قول پدر خود نقل می کند که :

گوشه های چشم مرحوم سید حجة الاسلام در اثر کثرت گریه در نماز شب مجروح بود . حضرت سجاد علیه السلام در ضمن دعا و تضرع میفرماید :
(ص 117 بند 30 دمای 16 چاپ فض الاسلام) با الهی لوبکیت الیک حتی تسقط اشفار عنی الی آخر الدعاء ، مرحوم سید حجة الاسلام به پیروی از اجداد بزرگوار خود آنقدر از خون خداوند گریست تا پلکهای چشمهای او مقروح گشت.

همچنین مؤلف تکمله از قول برخی از نزدیکان سید حجة الاسلام نقل می کند که :

با مرحوم سید به برخی از قراء و دهات رفتیم در بین راه جائی منزل کردیم هنگام شب مرا فرمود آیا نمی خوابی ؟ به رختخواب خود رفتم . پس از اندک زمانی سید حجة الاسلام تصور کرد که مرا خواب ربوده است ، از جای خود برخاست و بنماز ایستاد بخدا قسم دیدم که اعضاء و جوارحش می لرزید به کیفیتی که یک کلمه را چندین بار تکرار می نمود در اثر شدت حرکت نکین و آنقدر تکرار میکرد تا آن کلمه را صحیح اداء میکرد .

و همچنین یکی از نزدیکان و اشخاص مورد وثوق و اطمینان مرا گفت : مرحوم سید حجة الاسلام از شدت حضور قلب در برابر خداوند متعال تمام اعضاء و جوارحش می لرزید و چون مجلس او خالی می شد و مردمان از اطرافش متفرق می گشتند اشکش جاری می شد و او گفت من خود جاری شدن اشک هایش را دیدم همان موقعی که مردم از مجلس او خارج می گشتند بلافاصله .

ص: 208

نویسنده گوید : از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

من هیچگاه بر پدرم وارد نشدم جز آنکه ویراگریان دیدم (ص 590 نمونه معارف اسلام دوم).

بیماری فتق

مرحوم تنکابنی در قمس العلماء (ص 137) می نویسد :

سید حجت الاسلام) در اواخر عمر آنقدر گریسته بود و به هایهای ناله و بیقراری و گریه و زاری کرده بود که او را باد فتق عارض شده بود و بافتق بند آنرا بسته بود ، اطباء هرچه معالجه کردند مفید نیفتاد آخر الامر او را از گریه منع کردند و گفتند که گریه بر شما حرام است چه گریه موجب زیادتى آن بیماری می شود .

پس هر وقت مرحوم سیدبه مسجد میرفت تا موقعی که ایشان نشسته بود اکران به منبر نمیرفتند مگر وقتی که او از مسجد بیرون میرفت و اگرذاکری بمنبر میرفت و او نشسته بود بر نمیخواست و شروع بگریستن می نمود .

مرحوم تنکابنی در دنباله این مطلب میفرماید : به این نحو گریستن کسی را نشان نمی دهند مگر فرزندش مرحوم حاج سید اسدالله و حاجی ملا محمد اشرفی و شهید ثالث (ملا محمد تقی برغانی).

اما عبادت این دو سه نفر را نسبت به عبادت سید حجة الاسلام نمیتوان داد .

مناجات خمسة عشر

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء گوید (ص 137):

ص: 209

مرحوم سید حجة الاسلام در قنوت تمام نمازها و در همه اوقات این دعا را میخواند :

290 مرحوم سید حجة الاسلام مناجات خمسه عشر را در حفظ داشت و با گریه بر آن مداومت داشت ، وشهید ثالث نیز آنرا در حفظ داشت و در سجود نماز میخواند و در سجده مشغول خواندن مناجات ششم با حال گریه و زاری بود که او را شهید کردند (شنبه 17 ذی القعدة 1214).

در دنباله این موضوع مرحوم تنکابنی می نویسد : مرحوم حاج سید اسدالله فرزند مرحوم سید بدلیل اینکه این مناجاتها سند معتبر ندارد و علاوه بر آن صلوات بر محمد و آل محمد در آن مناجاتها نیست با آنکه عموماً دعاهای منقوله از خاندان عترت و طهارت علیهم السلام صلوات در ضمن آنها می باشد مانع از فراموشی او بود . سپس خودگوید که :

سابق بر این سندی برای این مناجات یافته بودم و از آن گذشته برخی دیگر از ادعیه منقوله هم صلوات ندارد و اگر کسی بقصد ورود نخواند قطعاً اشکالی ندارد و اگر بقصد ورود هم بخواند مانعی ندارد و از ادعیه مرسله محسوب می گردد.

اما برای پرستاری محدث قمی در مفاتیح الجنان میفرماید :

علامه مجلسی رحمه الله علیه در بحار الانوار فرموده است که من یافتم این مناجات را مروی از حضرت سجاد علیه السلام در کتب بعضی از اصحاب رضوان الله علیهم .

قنوت :

مرحوم تنکابنی (ص 127 أمم العلماء) می نویسد :

ص: 210

اللهم اهدنا فيمن هديت، وعافنا فيمن عافيت وتولنا فيمن توليت وقنا شر ما فضيله وبارك لنا فمن اعطيت ، .

سپس گوید که مدت یکسال در خدمت حجة الاسلام بودم (واطب بنماز اور خصوصاً نماز صبح باوجود بعد مسافت منزلم تا مسجد سید حاضر میشدم)
بغیر از این دعا در قنوت او نشنیدم چنانکه شیخ بهائی در قنوت نمازها غالباً این دعا را میخوانده است

اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا في الدنيا والاخرة انك على كل شى قدير .

مرحوم آقا میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی عالم جلیل زاهد در کتاب : آداب الجمععات و ادعیه ای که ائمه معصومین علیهم السلام در قنوت نماز جمعه
و غیره میخواندند را نقل فرموده مطالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند .

تهجد و شب بیداری

مرحوم سید حجة الاسلام شبها از حالت عادی خارج گردیده و از نیمه شب به بعد به نماز ودها اشتغال داشت و تا صبح به گریه و زاری و بیقراری مشغول
بوده و در صحن کتابخانه میگردید و بسرو سینه خود میزد و در حال گر بستن دعا میخواند و نریاد ناله اورا همسایگان می شنیدند .

دو حالت متضاد

مرحوم ننگابنی در قمع العلماء (ص 138) در ضمن داستانی از تهجد و عبادت شبانه مرحوم حجة الاسلام می نویسد:

چون شب میشد آنجنامی دیوانه میشد و روز عاقل و کیفیت آن چنان بوده که:

ص: 211

چون پاسی از شب می گذشته در صحن و سرای کتابخانه مانند دیوانگان بر سر خود میزده و های های گریه میکرده و بهتر است ادعیه و مناجات و نماز مشغول می شد و چون صبح طالع می گردیده عمامه بر سر نهاده و عابر دوش گرفته مانند عقلاه و فرزندگان می نشست، این طرز رفتار تمام شبهای او بوده است.

سهو در نماز: در قصص العلماء (ص 138) می نویسد:

گویند در مدتی که مرحوم سید حجة الاسلام در مسجد نماز جماعت میخواند (مسجد حاج طالب - مسجد میرزا باقر - مسجد سید) هرگز در نماز سهونکرد مگر یک روز که فرزندش سید هاشم وفات کرده بود که در آن روز در نماز ظهر سهو کرد.

چراغ جهت روشنائی

همچنین در قصص العلماء می نویسد:

شبها مرحوم سید حجة الاسلام در کتابخانه تنها بود (نیمی از شبه مطالعه و تصنیف و نیمی عبادت می گذرانید و اندکی استراحت نموده و بخواب میرفت) چراغ او در فتیله داشت یکی کلفت و دیگری باریک هر وقت بیدار بود فتیله کلفت را روشن میکرد و هنگام خواب فتیله باریک را. چون قرص خورشید پنهان میشد چراغ را روشن میکرد و چون آفتاب طلوع میکرد آنرا خاموش میفرمود. تنکابنی گوید که: گویند این اسم (روشن و خاموش کردن چراغ) مایه گشایش امور و اتبال و روی آوردن دولت است.

ص: 212

حمام رفتن :

مرحوم سید حجة الاسلام جهت تطهیر روزهای چهارشنبه بحمام میرفت و حدیث نیز بهمین مضمون وارد است و معروض است که روز چهارشنبه سر تراشیدن باعث ازدیاد دولت میشود (فصص العلماء ص 138).

قیافه و اندام سید حجة الاسلام

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص 144) می نویسد :

(مرحوم سید حجة الاسلام) نهایت قلیل الجثه و باریک اندام و کوتاه و ضعیف و نحیف بود.

در قریه چالستر (چال شتر - چالش تر) واقع در نه کیلومتری غرب شهر کرد (دهکرد سابق) عمارت سرپوشیده ای است که شرح آنرا دانشمند فرزانه آقای سید کریم نیک زاد امیر حسینی در کتابهای خود (ص 143 جلد اول جغرافیا و تاریخ چهارمحال و بختیاری و صفحه 461 جلد دوم تاریخ و جغرافیای چهارمحال) بطور تفصیل مرقوم فرموده و خلاصه آن بدین قرار است : عمارت سرپوشیده تالار بزرگی

در وسط دارد به طول 9/5 متر و عرض 5 متر و ارتفاع حدود پنج متر سپس شرح مفصلی راجع به چگونگی بنا و کیفیت درهای آن و ارسی ها و همچنین گچ بریها و بقاشی ها مرقوم داشته تا آنجا که می نویسد :

در طاقچه ها و طاقچه بلندهای آن صور بعضی از سلاطین مانند : نادر شاه

ص: 213

و کریم خان زند و آقا محمد خان و فتح علیشاه و محمد شاه و ناصر الدین شاه نقش شده به صورت ناصرالدین شاه کمی جوانتر و گویا اوایل جلوس او که مصادف با (تاریخ) ساختمان این بنا بوده نقاشی کرده .

(همچنین) در طاقچه بلندهای آن صورت بعضی از عرفاء مانند : با یزید بسطامی از متقدمین و نور علیشاه از متأخرین و بسیاری دیگر را نقش کرده اند .

و از علماء صورت شیخ بهائی و حاج سید محمد باقر رشتی و پسرش حاج سید اسداله و امام جمعه اصفهان (میر سید محمد حسین) نیز منقوش بوده است .

و عکس میرداماد و میرفندرسکی بینهایت جالب توجه بوده است .

سپس مؤلف محترم می نویسد: متأسفانه این ساختمان (با همه اهمیتش) مانند بسیاری دیگر از ساختمانهای قدیمی و قابل توجه در اثر بی دقتی و عدم توجه مالکین رو بخرابی نهاده و عکس ها نیز در شرف از بین رفتن است .

ص: 214

اشاره

سید حجة الاسلام و برخی از معاریف علماء و ادباء و حکام معاصر)

در این فصل فقط بذکر اسامی عده ای از علماء و بزرگان و کیفیت برخورد مرحوم سید حجة الإسلام با ایشان بطور اجمال بحث می کنیم .

1- مرحوم آقا سید ابراهیم حسینی مختاری سبزواری ساوجی.

از علماء و فضلاء زمان و در ساوه سکونت داشته باصفهان مهاجرت نموده و مورد توجه و عنایت مرحوم سید حجة الاسلام واقع گردیده و مرحوم سید در جنب منازل خود جهت مشار الیه منزلی تهیه نموده که اعقاب و اخلاق او تاکنون در آن محله و خانه سکونت دارند و به مناسبت مقام قدس و شوای او به مقام معروف بوده که خاندان او به همین شهرت تاکنون معروفند و آنرا نیز نام خانوادگی خود قرار داده اند .

2- میرزا محمد ابراهیم بن محمد باقر جوهری هروی الاصل قزوینی المسکن اصفهانی المدفن

شاعر ادیب و اعظم محدث مؤلف کتاب معروف : طوفان البكاء در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام . در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام مرحوم سید حجة الاسلام قرار گرفته و مشارالیه آن مرحوم را مدح

ص: 215

و ستایش گفته سرانجام در سال 1203 در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید . در دوران اخیر که قبرستان را سطح نموده و تبدیل به خانه و مغازه و مدرسه و خیابان و میدان شد قبروی در گوشه مدرسه تبریزی قرار گرفت و به همت تاجر دیندار نیکوکار مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی جهت او اطمینی ساخته و به

کوچه مجاور مدرسه در گذاردند و از آن همه آثار قبور بزرگان و علماء فقط همین یک نبر باقی ماند . اعقاب و اخلان او در اصفهان با نام خانوادگی جوهری از تجار و کسبه و محترمین بشمار میروند .

3- حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن حاج محمد قاسم کاخکی کرباسی (مشهور به حاجی کلباسی) .

از اعظام علماء و مجتهدین و اکابر قهساء و رؤساء ملت و دین . آشنائی آن مرحوم با سید از زمان تحصیل در نجف اشرف بوده و این آشنائی و رفاقت به دوستی بلکه ارادت و یک جهنی و صمیمیت مبدل گردید بطوری که عموم نویسندگان کتب تراجم رجال در شرح حال آندو بزرگوار نوشته اند : کمتر دو عالم (و حتی غیر عالم) دیده و یا شنیده شده است که تا این حد متحد و یکدل بوده باشند هرکجا می خواستند بروند با یکدیگر وعده کرده و باتفاق تشریف میبردند در راه رفتن هر به دیگری را مقدم میداشته و هر دو حاج ملاعلی نوری را مقدم بر خود می داشته اند معرو است که حاجی کلباسی در اصفهان احدی را غیر از سید حجة الاسلام مجهد نمی دانسته و خود با آن همه مقام و شخصیت به زواره رفته و جهت مرحوم سید عبال انتخاب نموده و بشهر می آورد .

4- حاج ملا اسدالله بروجردی . عالم فاضل محقق مدقق معروف به حجة الاسلام .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 145) می نویسد :

ص: 216

مرحوم سید حجة الاسلام سه نفر از علماء عصر را تفسیق کرد. یکی حاج ملا اسد الله بروجردی بود . چند نفر از علماء بروجرد مانند آخوند ملا علی وغیره سیدرا هستند برفست او نموده پس سید ویرا تفسیق نمود .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص 42 یکم) می نویسد :

اسد الله بن عبدالله بروجردی عالم فاضل کامل در فقه و اصول شاگرد صاحب قوانین و داماد او بود (وی همچنین شاگرد مرحوم آقاسید محمد مجاهد کربلائی نیز بوده است) بطوری که در کتاب : المآثر والأثار (صفحه 140) می نویسد : مشارالیه در اواخر عمر ادعاء اعلیمیت نموده و باب علم رامفتوح میدانسته است . در تاریخ بروجرد (صفحه 344 دوم) می فرماید : در دهه سوم سال 1271 در بروجرد وفات یافت . ویرا از زنان متعدد هفت فرزند پسر بهم رسیده است (ص 1953 ششم مکارم الاثار).

نویسنده گوید : مقام علمی شخصیت والای مرحوم حاج ملا اسد الله خیلی بالاتر از اینگونه اتهامات است که ویرا نعوذ بالله به فسق آلوده سازند ، بلکه اینگونه اتهامات بیشتر از ناحیه کسانی است که بر مقام و شخصیت او حسد میبردند و با فریب متظاهرين بدیانت را میخورند.

5- آقا محمد اسماعیل فرزند حاج محمد حسن عارف نائینی .

در طرائف الحقایق (صفحه 351 سوم) و از آنجادر مکارم الاثار (صفحه 2025 ششم) شرحی راجع به او نوشته خلاصه آنکه :

وی عارف و صوفی بود و عده ای در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام شهادت بر کفر او دادند تا اینکه آنجناب حکم کفر و ارتداد و بالتیجه حکم قتل اورا صادر فرمود، وی از اصفهان فرار کرد و سالها مخفیانه در مشهد مقدس میزیست و در زمان محمد شاه صوفی که صوفیه کروفری یافتند و از مخفیگاه خود خارج

ص: 217

شده به نائین رفت و در آنجا متأهل شده و اولادانی یافته و بالاخره بسال 1272 در شهر نائین فوت شده و در جنب پدر بخاک رفت. همچنین در طرائق و مکارم می نویسند که پس از ثبوت ارتداد او زنش را به میرزا عبدالحسین شوهر دادند و مضحک تر آنکه می گویند شورش مردم اصفهان در سال 1265 و کشته شدن میرزا عبدالحسین در اثر شامت این ازدواج بوده است .

علامه روضاتی حفظه الله که چاپ مجلدات شش گانه مکارم الاثار بهمت رسمی ایشان و زیر نظر مستقیم و تصحیحشان انجام یافته در پاورقی مطالب فوق (صفحه 2026 ششم) می نویسند؛

داستان تکفیر بنحوی که راوی آن ساخته و پرداخته است از حقیقت دور و گواه سوء نیت راوی (و نویسنده کتاب ط) و قصد اهانت بروحانیت و تحقیر مقام شامخ سید حجة الاسلام اعلی الله مقامه بوده است کما لا یخفی (انتهی) .

نویسنده گوید : اگر حقاً جمعی از مردم عادل و آگاه بر کفر و ارتداد او شهادت داده باشند حکم مجتهد در این مورد نافذ است مگر آنکه جرح شهود نموده و حکم نقض شود و باید محمدشاه مدعی مسلمانی وقتی بدو دست یافت او را فوراً بقتل برساند نه آنکه ویرا آزاد بگذارد که به نائین رفته و در آنجا عده ای را گمراه گرداند .

ثانیاً عیال مرقد مطابق قوانین اسلام احتیاج به طلاق ندارد که نویسنده طرائق و مکارم بنویسند که زوجه او بی طلاق شوهر کرده

ثالثاً آقا محمد اسماعیل صوفی مرتد و کافر چه شخصیتی است که فتنه اصفهان در اثر شوهر کردن بدون طلاق زن او باشد بلکه اگر گفته بودند که فتنه اصفهان (البته شورش مردم اصفهان) در اثر انجام ندادن حکم خداوند درباره مرتد بوده است بهتر و شایسته تر بود .

باللعجب چه مهملاتی که باید از صوفیان بشنویم و چه مردم خوش باوری

که نوشته صوفیان را در کتاب خود نقل می کنند، خداوند از تقصیرات همه ماها در گذرد انه غفور شکور.

6- مرحوم آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی ایوان کیفی اصفهانی

عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی صاحب حاشیه بر کتاب: معالم الأصول بنام «هدایة المسترشدين».

وی از شاگردان مرحوم شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء وهم داماد ایشان بوده و نزد جمعی دیگر از فحول علماء و مجتهدین نیز تلمذ فرموده و از حدود سال 1222 در اصفهان ساکن و در مسجد شاه امامت و تدریس مینموده است.

مرحوم تنکابنی در فصوص العلماء (ص 117) در ضمن شرح حال او می نویسد:

حجة الاسلام به اور مالی نداشت و احکام او را امضاء نمیکرده

شیخ محمد تقی در ظهر جمعه 15 شوال المکرم سال 1248 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مادر شاهزاده مدفون شد.

نویسنده گوید: مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه 16) در ضمن شرح حال آقا سید ابراهیم قزوینی بمناسبتی می نویسد:

حاجی کلباسی را اعتقاد آن بود که اجتهاد در نهایت صعب است و آنانکه مدعی اجتهادند اکثر مجتهد نیستند و اگر کسی ادعای اجتهاد و مرافعه مینمود حاجی او را تفسیق میکرد (انتهی).

بظن نویسنده بیشتر تفسیق ها که در آن زمان انجام گرفته روی همین اصل بوده است. و معروف آنست که حاجی مرحوم شیخ محمد تقی را نیز

7- مولی محمد تقی بن علی محمد نوری مازندرانی

ص: 219

عالم فاضل زاهد عابد از شاگردان حاجی کلباسی و حاج ملاعلی نوری و آنا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده است .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه 145) پس از شرحی که درباره ایشان می نویسد گوید :

میرزای مزبور را فتاوی غریبه ای که خارج از قانون فقاہت است بسیار است لیکن در امر بمعروف و نهی از منکر او حد زمان و نادره دوران بود .

جماعتی از اهل نور در خدمت حجة الاسلام شہادت به فسق او دادند پس سید او را تفسیق نمود.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (صفحه 118 یکم) می نویسد :

شاید مراد صاحب قصص از تفسیق سید صاحب عنوان را کلامی باشد که در و البدر التمام ، (صفحه 21) از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید نقل کرده بدین عبارت : بدین عبارت : سر و کار دارای

و اما آنچه در این اوقات استماع شده که در بلاد طبرستان کسی ادعا نموده که غلیان کشیدن در ماه مبارک رمضان جایز و بی عیب بلکه خود می کشد و ترغیب مردم در کشیدن آن می نماید، اگر اصل داشته باشد چنین کسی قابل تصرف در احکام خلاق جهان جلت عظمتہ نیست، بلکه چنین اشخاصی مخرب شریعت پیغمبر آخر الزمان و مطرود درگاه و هاب علی الاطلاق می باشند برکافه اهل ایمان اجتناب از ایشان بلکه امانت آنها لازم است و انتی .

نویسنده گوید : مسئله مفطر بودن و نبودن غلیان در روز ماه مبارک رمضان از مسائل خلافی بین فقہاء بزرگوار است که باید در حوزه های درس و مباحثه درباره آن سخن گفته شود و هر یک از طرفین در نفی و اثبات نظریه خود اقامه دلیل و برهان نمایند ، اما اینکه مسائل خلافی را در بین مردم عوام ترویج کردن مسلماً خارج

ص: 220

از قاعده فقهاء بزرگوار بوده و زیانهای غیر قابل جبرانی دارد

مرحوم آقا میرزا محمد تقی در شنبه 11 شوال 1201 متولد و در ربیع المولود 1263 وفات یافته در نجف اشرف مدفون گردیده است و مقام او بالاتر از آنست که باین گونه تهمت ها آلوده گردد و این سخن ها از ناحیه کسانی است که میخواستند روحانیون بزرگوار همچون سید حجة الاسلام یا حاجی بروجردی و با صاحب عنوان را در نزد مردم کوچک و بی اعتبار کنند . والله متم نوره ولو كره المشركون .

در مکارم الاثار (ص 118 یکم) بنقل از دار السلام مرحوم محدث نوری فرزند مشار الیه بیست کتاب و رساله از تألیفات نامبرده را ذکر نموده است.

8- میرزا سید جعفر فرزند میرزا محمد حسین بن میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اصفهانی حائری نواده دختری آقا محمد علی بهبهانی متصدی موقوفات شهرستانها و موقوفات میرزا فضل الله شهرستانی.

چون از طرف مرحوم حجة الاسلام شبهاتی در باره موقوفات شهرستانی ها شد به اصفهان مهاجرت کرده و خدمت مرحوم حجة الاسلام شرفیاب گردیده و مباحثاتی انجام داد . ویرا تألیفاتی است از آن جمله : 1- رساله در انساب وحید بهبهانی 2- رساله در دفع شبهات وارده بر موقوفات میرزا فضل الله بعربی 3- رساله دیگری در همین موضوع بفارسی 4- رساله در جواز تقلید میت 5- رساله در غیبت 6- رساله در غذا 7- رساله در حکم عصیر 8- رساله در حکم آب

گوشتی که در حال جوشیدن قطره خون در آن بیفتد (ظاهراً این دو رساله از افادات مرحوم سید حجة الاسلام و موضوع بحث آن بزرگوار بوده).

مرحوم میرزا سید جعفر در سال 1260 وفات یافته است (ص 467 یکم الکرام البرره)،

ص: 221

9- مرحوم میر محمد حسین بن میر عبد الباقی خاتون آبادی امام جمعه میفهان

در ضمن حالات مرحوم سید حجة الاسلام نوشتیم که در موقعی که هنوز عنوان وشهرتی نداشتند در حین عبور از کوچه ای به منکری از منکرات برخورد نموده بموجب تکلیف شرعی در مقام نهی بر آمده لکن جمعی از اشرار وولگردان و عاملین منکرویرا گرفته و پس از اذیت و آزار حبس می کنند خبر به مرحوم امام جمعه رسیده نوکران خودرا فرستاده و ایشان را نجات میدهد . در کتبی که این جریان را نقل کرده اند نام امام جمعه ذکر نشده است لکن از روی قرآن همین بزرگوار می باشد .

مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء در حدود سال 1158 متولد و در شب دوشنبه ششم ماه صفر 1233 وفات یافته و تالیفاتی نیز دارد (ص 959 سوم مکارم الاثار).

10- ملا حسین بشر و بهای فرزند عبد الله

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (ص 279 یکم) شرح دوران زندگی پر ماجرای او را مفصلاً نوشته و گوید: از طرف میرزا علی محمد شیرازی مأمور شد که در اصفهان بنزد مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام برود لکن در باره این سفر و برخورد او با مرحوم سید حجة الاسلام چیزی ننوشته است و ناگفته پیداست که با جرأت ملاقات نیافته و یا خائناً خاسراً مراجعت نموده . تولدش 12279 و کشته شدن او 1265 می باشد.

11 - حاج محمد حسین شیخ زین الدین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی عارف از اقطاب صوفیه .

در قصص العلماء (ص 151) بخلاصه می نویسد : وقتی از اوقات صوفی معروفی را تکفیر کردند پس خدمت آخوند استفتاء

ص: 222

نمودند آخوند د ملا علی نوری شرح مفصلی در تکفیرش نوشت و گفت توای قتل با مجتهدین است، خدمت مرحوم سید حجة الاسلام رسیده که حکم به قتل کند مرحوم سید در این قبیل موارد بر حسب تکلیف شرعی مسامحه داشت (حکم قتل ننوشت و نوشته دیگران را نیز امضاء نفرمود) نوشته آخوند ملا علی را نزد او برده و ماجرا را نقل کردند مرحوم آخوند بسیار ناراحت شده و فرمود : من اهل خبره ایشانم و ایشان کافرند و حکم بقتل کردن تکلیف حاکم شرع است چرا باید مسامحه نمایند .

در طرائق الحقایق (ص 100 جلد سوم) شرح این جریان را مفصلاً نوشته لکن امضاء نفرمودن حکم را از طرف مرحوم سید حجة الاسلام ذکر نموده است فقط می نویسد : چون حسینعلی شاه را بطهران بردند نمیدانم از جانی به پادشاه خبری رسید یا دل او را اثری عارض گردید .

نویسنده گوید : ظاهراً علت تغییر وضع و اظهار محبت فتح علیشاه نسبت به حسینعلی شاه آن بوده که مرحوم سید حجة الاسلام با قتل او موافق نمی باشد و حکم قتلی که دیگران داده و نمیدانیم چه کسانی هستند را امضاء نفرموده است.

حسینعلی شاه در اصفهان ساکن و در مسجد علی آقا اقامه جماعت مینموده (ص 101 سوم) و هم در آنجا موعظه و تدریس مینموده و در 11 محرم 1234 در کربلا وفات یافته ، ویرا کتابی است در رد بادی نصرانی

شرح حال حسینعلی شاه در کتاب مکارم الاثار (ص 972 سوم) ذکر شده است .

12 - خسرو خان گرجی حاکم اصفهان .

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (م 479 سیم) شرح حالی از او نوشته و گوید :

ص: 223

از میان حکام کسی بود که به شفاعت علماء اعتنائی نمی کرد (انتهی).

شورش اصفهان در سال 1253 در زمان حکومت او و علیه او بعلت ظلم و ستم و بی عدالتی های او نسبت بمردم رویداد است نه بتحریک علماء اسلام بلکه اگر پای علمام بزرگوار در این میان بوده عنوان هدایت و رهبری نداشته اند و وظیفه شرعی آنان در دفع ظلم و ستم بوده است و آنرا نباید تحریک نام نهاد که بامداد می گوید .

اوتا سال 1263 زنده بوده و بعد از این تاریخ نمیدانیم چه وقت و کی مرده است.

13 - عالم فاضل محقق شیخ خلف بن الحاج عسکر حائری

از مشاهیر شاگردان صاحب ریاض المسائل بوده و علامه صاحب روضات الجنات درباره او میفرماید (ص 267 چاپ اول):

از کثرت تتبع سید همنام ما صاحب و (مطالع الانوار) در شگفتی و تحسین و ستایش بوده است،

(قل به معنی) در معارف الرجال (ص 298 یکم) فوت او را در رای سال 1247 می نویسد ولکن صاحب روضات میفرماید در دهه پنجم بعد از هزار و دویست وفات یافته است.

14 - حاج سید رضی مازندرانی ، حکیم و فیلسوف از مدرسین عالیمقام

تنکابنی در قصص العلماء (ص 119) در ضمن شرح حال حاجی کالباسی

می نویسد:

از قول آقا سید رضی مازندرانی نقل کردند که گفته است : علماء دین ندارند این خبر به مرحوم حاجی رسید او را خواسته فرمودند که از قول شما چنین می گویند و یکی از ملاها من هستم پس معلوم میشود دین تو غیر از دین من می باشد و من

ص: 224

مأمورم که هر که دینی غیر از دین من داشته باشد او را بقتل برسانم ، سید بهانه ای آورد و طبی تصدیق بیماری او نمود حاجی از قتل او در گذشت و او را نفی بلد نمود ، مدت یک سال وی در نجف آباد ساکن بوده بعداً مرحوم سید حجة الاسلام از او شفاعت کرده بشهر بازش گردانید .

نویسنده گوید : آنچه معروفست مرحوم حاجی کلباسی در این قبیل موارد ساکن بوده و حکم قتل نمیداد . والله اعلم .

مرحوم حاج سید رضی لاریجانی اصفهانی طهرانی از اجله علماء و معاریف شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده در اواخر عمر در طهران ساکن و در مدرسه خان مروی تدریس مینموده و در سال 1270 وات یافته است . (ص 174 المآثر والاثر - ص 1957 ششم مکارم الاثر)

15- شیخ صادق رشتی

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص 146) می نویسد : سومین عالمی که مرحوم سید حجة الاسلام ویرا تفسیق نمود حاج ملا صادق رشتی بود، در شرح حال او می نویسد : وی جامعیت داشته و نطاق بوده و در وعظ تسلطی داشته و از شاگردان آقا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده و یکصد و هیجده سال عمر کرده و نا آخر عمر حواس او برجا بوده است ، پس از شرح مختصری می نویسد : بعضی از اهالی رشت جمع شدند و در خدمت حجة الاسلام شهادت بر فسق او دادند لهذا جناب سید اور تفسیق نمود و مطلب را به اهالی رشت مرقوم فرمود . سپس مرحوم تنکابنی می نویسد : یحتمل که امر پر جناب سید مشتبه شده باشد .

نویسنده گوید : احتمال آنکه دست استعمار و بیگانه در این شهادتها و در نتیجه آلوده ساختن آن علماء بزرگوار بسیار است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

16- سید سلیمان طباطبائی یزدی نائینی

سید ورع فاضل از تلامذه شیخ

ص: 225

جعفر کاشف الغطاء و دیگران بوده و حال او در عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در ایام عاشوراء بدین گونه بود که : لباس سیاه می پوشید و جمیع لذائذ را بر خود حرام میکرد و شب و روز در این مصیبت جانسوز می گریست و اقامه مزا در منزل خود نموده و اطعام میکرد و خود بنفس نفیس خدمت مؤمنین میکرد و عمامه از سر بر می داشت و استنبها بالا میزد و در منبر پس از موعظه در ذکر مصیبت خود بیشتر از همه گریه میکرد و حاضرین از دیدن حالت او منقلب می شدند .

وی پس از سال 1250 وفات یافته است. خواب سید حجة الاسلام : در فوائد الرضویه (ص 204 یکم) می نویسد :

گویند مرحوم آقا سید محمد باقر حجة الاسلام پیش از وفات او خواب دید که عصا از دستش افتاد پس از آن خبر فوت این سید جلیل بار رسید .

خوابی دیگر از مرحوم سید حجة الاسلام :

همچنین نقل شده است که مرحوم حجة الاسلام قبل از فوت مرحوم میرزای قمی همین خواب را دیده است.

17 - حاج میرزا عبد الرحیم بن حاج سعید شیخ الاسلام بن میرزا رحیم شیخ الاسلام نائینی

شیخ الاسلام نائین ، صوفی و عارف ملقب به نظر علی شاه متوفی سال 1240 قمری .

مرحوم حاج سید عبدالحجته بلاغی در تاریخ نائین (ص 117) بخلاصه می نویسد :

نزد مرحوم سید حجة الاسلام در اصفهان سعادت کردند که شیخ الاسلام صوفی شده است مرحوم سید شیخ الاسلام را به اصفهان می طلبد چون به اصفهان

ص: 226

وارد میشود به محضر سید میروود آن مرحوم بر منبر نشسته و بدرس مشغول بوده اند شیخ الاسلام شروع بمباحثه می کند و پس از فراغت از درس مرحوم سید از ساعیان و شاکیان سؤال میفرماید آن شخص که احضار شده آمده است؟ می گویند بلیو اشاره به شیخ الاسلام می کند و می گویند همین است.

سید میفرماید تو به چنین عالمی توهین می کنی و تهمته صوفیگری باو میزنی و آن کس را از نزد خود بیرون کرده و رعایت احترام شیخ الاسلام را میفرماید

مرحوم شیخ الاسلام جد اعلای علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد حسین غروی نائینی مجتهد معروف می باشد (فرزند میرزا عبد الرحیم بن محمد سعید بن حاج عبد الرحیم (محمد رحیم) شیخ الاسلام صاحب عنوان فرزند حاج سعید بن حاج میرزا رحیم منوچهری نائینی).

18 - حاج عبدالله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر .

سابقاً شرح وابستگی او را به سید حجة الاسلام و سپس پناهندگی ویرا بده خانه ایشان ووساطت و شفاعت کردن آن مرحوم از وی و بالاخره مهاجرتش بعراق نوشتیم در این جا گویم که :

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 149) می نویسد : در سالیکه سید حجة الاسلام وفات یافت من در اصفهان بودم که امین الدوله دعوی بیست هزار تومان بر آنجناب نمود و مرحوم سید در جواب فرمود که در آن تنخواه را داده بودی که من بابت مظالم بفقراء داده باشم و من داده ام . امین الدوله گفت که من بودیعه نزد شما گذاشته بودم . سید فرمود مرا اشتغال دمه به تنخواه تو نیست لکن الحال که قبول نداری من خود قبول دارم و اینکه بفقراء داده ام مال خود من باشد و وصیت کرد که از مال او بیست هزار تومان به امین الدوله بپردازند (و پس از وفات مرحوم سید وراث او پرداختند).

ص: 227

نویسنده گوید: با توجه به نوشته مرحوم تنکابنی که از شهود عینی بوده گفته مرحوم انصاری که مرحوم سید مسجد را از پول امین الدوله بنا نمود بی اعتبار و کلامی بدون دلیل می باشد.

19 - آقا محمد علی بن محمد باقر مازندرانی.

عالم فاضل محقق مدقق مواد در 1188 متوفی در 1245 مدفون در بقعه جناب امامزاده سید علی اکبر در قمشه .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 134) می نویسد :

زمانی که شیخ جعفر نجفی وارد اصفهان شد روزی آقا محمد علی و حاجی محمد ابراهیم (کلباسی) در خدمتش بودند که بدیدن مرحوم حاج سید محمدباقر رفت و شیخ به سید عتاب فرمود که : آقا محمدعلی فاضل رقیه است چراتووحاجی محمد ابراهیم رعایت نمی کنید و سبب اشتها او نمی شوید و تقصیر از شما دو فراست، سید و حاجی در مقام معذرت بر آمدند لیکن حاج سید محمد باقر قلی با او مربوط نبود بلکه او را مجتهد نمی دانست. سری

زوجه او دختر شیخ جعفر بود و پس از فوت مشار الیها دختر میرزا محمد باقر نواب لاهیجی را بزوجیت گرفت.

نویسنده گوید: وقتی عالمی جلیل همچون آقا محمد علی مازندرانی و یا محلی مدتی همچون شیخ محمد تقی رازی را که استاد فقهاء و مجتهدین زمانست وعموم معاصرین مقامات علمی آنان معترفند را مجتهد ندانند تکلیف مدعیان اجتهاد در زمان حاضر و در کلیه زمانها روشن و معلوم است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

20 - مرحوم آخوند ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی.

حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلص به (نور) ، شرح حالش را بطور اجمال در ضمن اساتید مرحوم سید حجة الاسلام نوشتیم در این جاگوئیم مرحوم آخوند

ص: 228

از جمله ارادتمندان به سید بوده و با وجود ضعف مزاج و کهنلت سن و شیخوخیت بنماز ایشان حاضر میشده ، اینک دو داستان از او نقل می کنیم :

1- وقتی جهت اقتداء بنماز به مسجد میرزا باقر می آید و در صف جماعت می نشیند اتفاقاً مرحوم سید اندکی دیرتر از وقت بمسجد می آیند چون مرحوم آخوند را در صفوف جماعت مشاهده می کنند میفرمایند : چرا جلو نایستادید تا مردم بشما اقتدا کنند و نماز از اول وقت عقب نیفتد؟ آخوند می گوید: من خود را عادل نمیدانم . سید میفرماید : در این سن هنوز عادل نیستید، خود جلو رفته و شروع نماز می کند .

2- دفعه ای دیگر آخوند به مسجد سید آمده بودند اتفاقاً پیش آمدی جهت سید روی میدهد که بمسجد تشریف نمی آورند (و خبر می دهند که نمی آیم) روز دیگر که آخوند سید را می بیند با حال تغییر اظهار میدارد : من بخاطر شما مسجد می آیم آنوقت خود شما به مسجد نمی آئید مرحوم سید عذر میخواهد .

21- مولی علی اکبر بن محمد باقر اژه ای.

عالم فقیه زاهد حکیم متکلم امام مسجد علی و مدرس در آنجا مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله : 1- رساله در معراج 2- رساله در نماز شب خیلی مفصل 3- زبدة المعارف در اصول دین و اعتقادات بسیار مفصل و معروفترین تألیفات ایشانست هر سه کتاب بفارسی و مطبوع است و چندین کتاب و رساله دیگر ، در 11 شوال 1232 وفات یافته و در تخت فولاد مدفون گردید .

22- ملا قربانعلی بن رمضان رودباری قزوینی شاعر متخلص به بیدل.

قبلا شرح مسافرت او را به اصفهان و عطا و بخشش مرحوم سید حجة الاسلام نسبت به او را نوشتیم در این جا گوئیم : کتب زیر از اوست : 1- دیوان اشعار 2- ماتمکده تاریخ فراغت از نظم 1266 مطبوع 2- مصیبت نامه دو جلد مطبوع

4- متقل که احتمالاً یکی از دو کتاب چاپ شده سابق الذکر است .

رباعی معروف زیر را در هجو حاج میرزا آقاسی گفته است: نگذاشت برای شاه حاجی در می شد صرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه خانه دوست را از آن چاه نمی به خانه خصم را از توب غمی

23 - شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی.

عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد صاحب کرامات و مقامات شرح حالش در فوائد الرضویه (ص 274 دوم) واحسن الودیعه (ص 11 یکم) و معارف الرجال (ص 175 دوم) و تکمله نجوم السماء (ص 108 بکم) و مکارم الآثار (ص 1985 ششم) و معجم رجال الفکر والادب (ص 169) و دیگر کتب مسطور است

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 144) می نویسد:

شیخ محسن خنفر که یکی از مشاهیر مشایخ و فقهاء نجف بود و فاضل و در فقه زیاد ماهر و از شاگردان شیخ علی بن شیخ جعفر نجفی بود باصفهان رفته بود و می گفت :

سید محمد باقر فضیلات اوزیادتر از شهرت اوست و اشتهاش از فضیلت او کمتر است.

در معارف الرجال (ص 175 دوم) گوید :

شیخ محسن بن محمد بن خنفر در حدود سال 1176 متولد و در شب شنبه آخر ربیع الاول سال 1270 (در فوائد الرضویه 22 ذی القعدة 1271 می نویسد و در تکمله نجوم السماء وفات او را از قول سید محمد هندی یکی از شاگردانش 29 ربیع الثانی 1270 شب شنبه بعد از عشاء در اواخر پائیز و اوایل حلول و بء بمرض تب مطبقة نوشته است) در نجف وفات یافت و در کتاب نام برده از شخصیت

ص: 230

و مقام علمی و زهد و تقوای اوستایش شده و گوید از مدرسین معروف بوده و حافظه بسیار قوی داشته بطوری که کتاب قانون ابوعلی سینا و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی را در حفظ داشته و در تدریس طب یونانی متخصص بوده است .

24 - آقا سید صدر الدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی عالم جلیل و محقق بی نظیر.

مرحوم آقا سید صدر الدین از علماء بزرگوار و مجتهدین عالی مقداری است که بکثرت علم و حلیت تقوی معروف بوده در کلیه علوم دینی بالاخص فن رجال مهارتی فوق العاده داشته در سال 1294 متولد و در شب جمعه 14 محرم الحرام سال 1263 در نجف اشرف وفات یافت ویرا تألیفاتی است.

مرحوم آقا سید صدر الدین بعللی به اصفهان مهاجرت نمود و با وجودی که بنا بگفته مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت در کتاب نسب نامه الفت (بنا بنقل مرحوم حاج سید عبدالحجت بلاغی در کتاب : اعلاط (به عین مهمله) در انساب (ص 27) با سید حجة الاسلام رفتار خوشی نداشته لکن مرحوم سید حجة الاسلام با آن خلق و خوی بزرگوارانه و سخاوت و بخشش که در نهاد او سرشته بود نسبت به آن عالم جلیل نهایت لطف و مرحمت را داشته و در محله آب بخشان در کوچه شیخ ابو مسعود رازی چندین بلب خانه به ایشان بخشیده که وی و عیالاتش در آنها باسودگی زندگی کنند و ضمناً متکفل مخارج ایشان و دختر شیخ جعفر یعنی عال ایشان نیز گردیده .

مرحوم آقا سید صدر الدین ازدوزن عقدی و چندین عیال منقطعاً جمعاً بازده فرزند (پنج نفر پسر و شش دختر) داشته که اعلم واشهر ایشان مرحومین آنا مجتهد و آقا سید اسماعیل صدر می باشند . رحمة الله علیهم اجمعین .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 178) می نویسد :

در وقتی از اوقات میرزا محمد اخباری وارد اصفهان شد در مجلسی از مجالس میرزا محمد اخباری و حاجی کلباسی رسید حجة الاسلام جمع شدند .
میرزا محمد در مقام گله به حاجی اظهار داشت که :

من و شما در ایام تحصیل باهم رفیق بودیم و مرا با شما حق رفاقت است چرا بدیدن من نیامدی ؟

حاجی در جواب سکوت نموده حجة الاسلام در جواب فرمود:

حاجی از شاگردان کسی است که بشاگردانش گفته است : هر که از شما با اخباری مجالست و معاشرت داشته باشد عاق من است و از این جهت جناب حاجی بدیدن شما نیامده است.

میرزا محمد گفت : اکنون مسئله ای پیش آمد و آن اینست که : اگر حقوق با عقوق تعارض کنند کدامیک مقدم است ، سید فرمود که عقوق مقدم است و بر طبق مدعای خود حدیثی ذکر فرمود . میرزا محمد در سند آن حدیث قبح کرد و بر طبق مدهای خود که حقوق را مقدم بر حقوق میدانست چند حدیث باذکر مند از کتاب کافی قرائت کرده

مؤلف قصص العلماء پس از نقل این داستان می نویسد :

میرزا محمد اخباری در جدل ید طولائی داشت و کسی غیر از آقا سید علی بر او غلبه نکرده . مجادل بودن میرزا از این بابت بود که او را جامعیت بود و در مسئله ای که صحبت میداشت اگر خود را عاجز میدید حضم را بتدابیر و حیل از آن مسئله بیرون برده و در علم دیگر وارد می کرد و اگر در آنجا نیز عاقبت کار را جز خویش مشاهده میکرد بالطائف الحیل بعلم دیگر می رفت و همین گونه عمل میکرد تا خصم را مجاب و عاجز مینمود و در یک مسئله استقامت و پایداری نداشت (انتهی).

میرزا محمد اخباری در 21 ذی قعدة 1178 متولد و در روز شنبه 27 ربیع الأول سال 1232 در کاظمین کشته شده است. شرح زندگانی و دوران حیات او را عموم نویسندگان بطور اجمال و تفصیل در کتب خویش نوشته اند ظاهراً مفصل تر از همه کتاب مکارم الاثار (ص 925 سوم) می باشد .

نویسنده گوید : در نزد نویسندگان مجموعه ای است شامل 12 رساله مختصر که مالک آن میرزا محمد اخباری بوده و در پشت صفحه اول آن بخط خود نوشته است :

ملکها بالشراء وانا العبد الائم محمد بن عبد النبي النيسابوري عفی عنهما سجع مهر : صل علی محمد.

و در چند جای دیگر تملک خود را نوشته و مهر نموده است . بسجع مهر : اللهم صل علی محمد و آل محمد.

26- مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلائی علامه فقیه.

قبلا در موجبات شهرت مرحوم حجة الاسلام بیان مرحوم آقا سید محمد را نقل کردیم . در این جا احتیاج به تکرار آن نیست .

27- منوچهر خان معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان.

در صفحات قبل نوشتیم که در سال 1252 محمد شاه حکومت اصفهان را به خسرو خان گرجی داده و پس از شورش سال 1252 مدت زمانی فرخ خان غفاری و از آن پس فضلعلی خان قراباغی حاکم اصفهان شد سپس در سال 1254 حکومت اصفهان را به منوچهر خان گرجی ملقب به معتمدالدوله دادند و او نا هنگام وفات مرحوم سید حجة الاسلام حاکم اصفهان بوده و در سال 1262 مرده است .

در باره شخصیت و خدمات منوچهر خان نویسندگان کتب بطور اجمال و تفصیل مطالبی نقل کرده اند . برخی ویرا بسیار ستوده و اعمال و خدماتش را به

اصفهان و ایران بشرح نوشته اند طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه کنند .

آنچه مسلم است آنکه منوچهر خان با مرحوم سید حجة الاسلام رفتاری عاقلانه و مؤدبانه داشته و مرحوم حجة الاسلام نیز بر حسب شبوه مرضیه خود با او طریق مسالمت پیموده است . در سال 1263 مرد واموالش را دولت خورده.

کتاب سؤال و جواب مرحوم سید حجة الاسلام در سال 1242 بچاپ رسیده و چاپ آن معروف به چاپ معتمدی است که مقصودهمین منوچهرخان است.

28- آقا سید مهدی بن آقا سید علی طباطبائی حائری عالم زاهد فقیه .

تنکابنی در قصص العلماء (ص 124) می نویسد :

مرحوم آقا سید مهدی چون دید یهود بشرايط ذمه عمل نمی کنند از عتبات به اصفهان آمد مرحوم سید حجة الاسلام نهایت اعزاز و احترام نسبت به آن بزرگوار مرعی داشت . وی از مرحوم حجة الاسلام خواهش کرد که به همراه او بطهران رفته و در این باره اقدام مقتضی انجام دهند . مرحوم حاج سید محمد باقر نه تنها تقاضای او را قبول نفرمود بلکه او را نیز از این اقدام منع نمود . مرحوم آقا سید مهدی که مصمم بر این کار بود از گفتار مرحوم سید رنجیده و بی اطلاع مردم و ایشان از اصفهان بطهران حرکت نمود . بعد از ورود بطهران حکم نمود که آب را بر یهودیان بستند . محمد شاه حکم بر خلاف کرد ، یعنی دستور باز کردن آب را داد.

محمد شاه بدیدن آقا سید مهدی رفت لکن آن مرحوم بعنوان بیماری از خانه اندرون بیرون نیامد و عذر خواست بعداً بعنوان قهر به عبدالعظیم رفت در آنجا بیمار کشته شاه بعبادت او رفت باز بیرون نیامد و در همانجا وفات یافت و آخوند ملاجعفر شیرازی که از تلامذه شریف العلماء و از زهاد عصر بود بتغسیل و تجهیزیات او پرداخت.

ص: 234

نویسنده گوید : علت عدم موافقت مرحوم سید حجة الاسلام چند چیز بوده است .

مرحوم سید که شاه و وزیر را بهتر از هر کسی می شناخت میدانست که این اقدام مثر ثمری نخواهد بود و شاید موجب وهن مقام روحانیت وایشان بشود. در ضمن این شدت عمل را (بستن آب بروی زن و بچه یهودیانی که در حمایت اسلام می باشند) نمی پسندید و شرعاً جایز نمیدانست ووضع مزاجی ایشانهم اجازه مسافرت نمی داد .

مرحوم آقا سید مهدی برادر کوچکتر مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلایی بوده، و برا تالیفانی است از آن جمله : 1- رساله در اصالت براهت 2- رساله در حجیت ظواهر کتاب وغیره .

فوتش در سال 1260 رویداده است و قبرش در کربلا در مقبره برادرش می باشد .

ص: 235

در چندین مجلد می باشد .

29 شیخ نوح بن قاسم قرشی نجفی عالم وفاضل جلیل.

در معارف الرجال (ص 211 سوم) می نویسد :

وی درست و مصاحب مرحوم سید حجة الاسلام بوده و مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی در خدمت او تلمذ نموده است . در سال 1260 به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام قرار گرفت .

مشار الیه در حدود سال 1213 متولد و در سال 1300 در حین مراجعت از سفر حج در بین راه وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در منزل خود دفن گردید . وی در رواق قبلی حرم مطهر در نجف اشرف اقامه جماعت می نمود وعده کثیری از مقدسین و متدینین از عموم طبقات به نماز او حاضر می شده اند . از تألیفاتش : 1- کتابی در امامت تاریخ تألیف 1293 ه ق 2- شرح شرایع در چندین مجلد می باشد.

آثار وجودی مرحوم سید حجة الاسلام رحمة الله علیه:

والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً .

در قرآن مجید در دو جا این عبارت یکی باضافه (و خیر املاً) و در سوره کهف (آیه 46) و دیگری در سوره مریم (آیه 76) با اضافه رو (خیر مردا) ذکر شده است .

مفسرین در معنی باقیات الصالحات از قول حضرات معصومین علیهم السلام چندین قول روایت نموده اند ، از آن جمله :

1- ذکر : سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر . 2- نمازهای پنج گانه واجب بالاخص نماز ظهر . 3- نماز شب است که حضرت باقر علیه السلام می فرماید : قیام اللیل لصلاة اللیل .

4 - محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و حضرت صادق علیه السلام آنرا (اول النعم) فرموده است .

5- گفتن لا اله الا الله واستغفر الله است .

6- نماز و روزه و حج و جهاد و عتق و صلح رحم . 7- صلوات بر رسول اکرم و خاندان آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین . 8- کلیه اعمال نیک است .

میزان سنجش شخصیت افراد آثار وجودی آنها می باشد ، و بهترین یادگار و اثر هر انسانی چیزهای مفیدی است که از او در جامعه باقی میماند .

مرحوم سید حجة الاسلام در طول تقریباً نیم قرن (چهل و چهار سال) که

در اصفهان ساکن بود منشأ خدمات گرانقدری گردید که ذیلاً بذکر پاره ای از آنها مبادرت می نمائیم :

1- تربیت و تعلیم شاگردان که هر یک عالمی بزرگوار و مری و معلم اجتماعی شدند که در آن زندگانی می نمودند از شهرهای مختلف و قراء و قصبات و غیره .

2- تألیف و تصنیف کتب مختلف در موضوعات فقهی ورجالی .

3- تعیین حدود حرم و مسجد الحرام و مطاف در مکه معظمه در سالی که به حج خانه خدا مشرف گردید .

4- بنیاد تأسیس مسجد در محله بیدآباد که بنام خود آن مرحوم به مسجد سید مشهور است.

5- ایجاد محله و بازار بیدآباد .

6- تشکیل خاندان جلیل آل حجة الاسلام که اینک در اصفهان و طهران و برخی دیگر از شهرهای ایران با نامهای خانوادگی : جعفری - شفتی - عمادی - فقیه - موسوی - موسوی بیدآبادی و غیره شهرت دارند .

اینک بخواست خداوند متعال و باری از ارواح مقدسه اولیای دین بشرح موارد ششگانه فوق میپردازد .

ص: 237

اشاره

(تدریس - شاگردان)

مقدمه اول:

اسبب افغانها به جامعه روحانیت

انقراض سلسله صفویه در سال 1135 (سال کشته شدن شاه سلطان حسین) و روی کار آمدن افغانه بزرگترین لطمه و آسیبی بود که به جامعه روحانیت شیعه و مرکز علمی آنان یعنی شهر اصفهان پای تخت پادشاهان صفوی وارد گردید .

پادشاهان صفوی که خود نسبت به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام میرسانیدند و از دیرزمانی به تشیع و ترویج آن از راه تصرف خدمتها کرده بودند از بزرگترین حامیان علماء شیعه و مروجین این مذهب و طریقه بودند، در دوره ابن سلاطین ایران پایگاه مقتدر تشیع و مرکز حکومت شیعه آنها هم حکومتی بسیار توانا و نیرومند که میتوانست با تمام مشکلاتی که در راه استقلال و حاکمیت و حتی موجودیت او از حکومتهای سنی همچون عثمانیها و ازبکها و غیره برابری کند .

از سال 1006 که اصفهان رسماً بعنوان پای تخت ایران معین شد تا سال 1135 یعنی حدود 129 سال اصفهان مرکز علم و دانش و مجمع علماء و فضلاء و حکماء و شعرای بزرگ گردید . علمای بزرگوار شیعه از گوشه و کنار ممالک اسلامی بدین شهر روی آوردند و با ترویجی که از طرف سلاطین از آنها می شد با کمال

ص: 238

فراغت و آسودگی بنشر علم و دانش و ترویج دین از کلیه راههای ممکن کوشیدند

وجود دانشمندانی همچون شیخ بهائی - میرداماد - مولی لطف الله عاملی - مولی عبدالله شوشتری و فرزندش مولی حسنعلی و مولی محمد باقر سبزواری و محقق خونساری آقا حسین و فرزندش آقا جمال الدین محمد و علامتین مجلسی مولی محمد تقی و مولی محمد باقر و دامادهای مجلسی اول و دهها بلکه صدها عالم رقیه و مجتهد دیگر محصول این دوره پرافتخار می باشند .

وجود این دانشمندان در اصفهان سبب شد که طالبین علم و دانش از هر طبقه و در هر موضوع از تمام شهرهای مملکت و خارج بدانجا روی آورند و بطور یقین در اواخر عهد صفویه طالبین علم در اصفهان چندین هزار نفر متجاوز بوده است .

فتنه افغان سبب شد که شیرازه این مجمع علمی و دار العلم مشرق از هم گسیخته شود. در طول مدت محاصره اصفهان و قبل و بعد آن جمعی از علماء و اعیان بابه مرگ طبیعی مردند و یا به تیغ جفای سربازان افغان شربت شهادت نوشیدند. جمعی کثیر نیز ترک خانه و کاشانه نموده و جلای وطن کردند، برخی در دهات اطراف سکونت نمودند و عده ای بشهرهای دور دست رفته و بعضی نیز به اعتاب مقدمه مهاجرت نمودند .

خاندان میر سید احمد عاملی سبط میر داماد - خاندان مولی محمد اکمل اصفهانی پدر علامه وحید بهبهانی - خاندان طباطبائی میر ابوالمعالی جل صاحب ریاض المسائل - سلسله جلیل طباطبائی بروجرد اعقاب میر سید محمد جد علامه بحرالعلوم و شیخ محمد علی حزین از این دسته علماء می باشند .

از آن همه عالم و فقیه و دانشمند که در اصفهان سکونت داشتند عده کمی باقی ماندند، آنان نیز در گوشه انزوا و غربت بسر میبردند طلاب علوم و دانشجویان بطور کلی متفرق شدند زیرا دیگر نه مدرسی بود و نه شرقی و نه امنیتی .

در دوره نادر شاه (1160 - 1135) نیز هیچگونه توجهی بعلماء و دانشمندان و طلاب نمیشد و نادر سرگرم کارهای دیگر بود. زمان کریم خان نیز (1193 - 1163) نسبت به اینگونه امور توجهی نداشت لکن آرامش نسبی و امنیتی در اصفهان پیدا شده بود که باقیمانده دانشمندان می توانستند یکارهای علمی و تدریس و تالیف پردازند.

علمای معروف این دوره یعنی از بعد از صفویه تا ابتدای قاجاریه در اصفهان همان خاندانهای علمی ما سابق بودند - سادات امام جمعه و خاتون آبادی - خاندان علامه مولی محمد تقی مجلسی - سادات خلیفه سلطانی وغیره.

معروفترین عالم این زمان مرحوم ملا اسماعیل خواجهی متوفی در 11 شعبان 1173 مؤلف حدود یکصد و پنجاه کتاب و رساله می باشد پس از او دو عالم بزرگوار در اصفهان ظهور کردند هر دو از شاگردان مرحوم خواجهی که فی الجمله توانستند چراغ علم و دانش را از نو برافروزند و حوزه علمیه این شهر را دوباره رونقی دهند اینان عبارت بودند از: 1- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (فوت او اخردی الحجه الحرام 1202) 2- علامه فقیه حکیم فیلسوف آقا محمد بیدآبادی (فوت جمعه 9 محرم 1197).

این دو بزرگوار و دیگر علمای این زمان در اصفهان عده زیادی از طالبین علم و دانش و مستعدین را تربیت نموده و اصفهان را آماده یک جنبش علمی و دینی نمودند .

در اوایل قرن سیزدهم هجری چندین نفر از بزرگان فقهاء و مجتهدین به اصفهان مهاجرت نمودند و وجود اینان در اصفهان موجب شد که از هر شهر و دیار طالبین علم و حکمت باین مرکز علمی روی بیاورند. اینان عبارت بودند از :

1- حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) پدرش نیز در این شهر ساکن بوده است .

2- حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی.

3- آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی صاحب حاشیه معالم (فوت نیمه شوال 1248).

4- حاج ملا علی بن جمشید نوری حکیم (فوت 22 رجب 1246). 5- آقا سید صدرالدین محمد عاملی (1193-1263). - آقا سید محمد مجاهد طباطبائی کربلانی (فوت 1292). مشار الیه پس از فوت پدرش آقا میر سید علی صاحب ریاض المسائل به کربلا مراجعت نمود . و جمعی دیگر از علماء و مجتهدین .

وجود این مجتهدین بزرگ و دیگر علمای این شهر سبب شد که طالبین علم از گوشه و کنار دو مرتبه جمع شوند و از هر نقطه دور و نزدیک و از داخل و خارج ایران محصلین دانشجویان برای درک فیوضات علمی و معنوی بدین شهر روی آورند و حوزه علمیه اصفهان رونق و رواج اولیه خود را بدست آورد.

ملکات نفسانی و فضائل روحانی و تقصد و دلجوئی در حرم سید حجة الاسلام از علماء و طلاب و رسیدگی بامور مادی و معنوی ایشان یکی از موجبات پیشرفت این نهضت علمی می باشد .

در کتب تراجم رجال و شرح حال علماء قرن سیزدهم هجری بنام بسیاری از علماء برخورد می کنیم که درباره آنها می نویسند : نزد علماء اصفهان تحصیل نموده است بدون آنکه نام استاد را ذکر کنند و یا از علماء اصفهان اجازه داشته بظن قریب به یقین میتوان گفت بیشتر کسانی که در نیمه اول قرن سیزدهم (یعنی از سال 1216 سالی که سید حجت الاسلام باصفهان وارد شدند تا سال 1260 سال وفات ایشان

یعنی 44 سال) در اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم دینی اشتغال داشته اند و در محضر مرحوم حجة الاسلام رانموده و از علوم و فضائل ایشان بهره مند شده و از خوان نعم او متنعم و برخوردار بوده اند ، اگر چه مدت زمان آن اندکی باشد.

مقدمه دوم :

تدریس

در روضات الجنات (ص 294 دوم ترجمه) در این باره می نویسد :

در موانع تدریس با مناسبت مختصری بشرح احوال رواة اشاره میکرد و درسش منحصر به فقه و حدیث بود و نعمتی در اصول و امثال آن نمی نمود .

در قصه العلماء (ص 136) در این موضوع می نویسد :

اما تدریس حجة الاسلام پس در نهایت دقت و متانت بود و نهایت تفصیل اقوال فقهاء میداد و در فهم عبارات ایشان وجوه و احتمالات بسیار ذکر میکرد و جمعیت زیاد در درس او می شد لیکن کم درس میفرمود هفته ای دو روز با سه روزها کمتر بعضی از ایام هیچ درس نمی گفت و در بعضی از اوقات در میان درس ارباب مرافعه میان مجلس می ریختند و درس بهم میخورد.

در جای دیگر می گوید : هر زمانی که در رجال تکلم مینمودگوئیا از زمان ولادت ایشان تا وقت وفات هر یک حاضر بوده است.

آنچه از فرمایشات بزرگان درباره تدریس مرحوم سید حجة الاسلام استفاده میشود آنست که : آن مرحوم درس را محققانه و از روی تدقیق بیان میفرمود، و در نقل هر مسئله از مسائل فقهی کلبه اقوال بزرگان از مجتهدین و صاحب نظران را نقل میفرمود و در بیان مطالب تمام وجوه و احتمالات را بتفصیل شرح میداد ،

ص: 242

بطوری که هیچ نکته مجهولی برای شاگردانش باقی نمی ماند سپس به نقض و ابرام و نقد و انتقاد فرمایشات علماء میپرداخت و در تایید یا رد گفتار آنها می کوشید و آنرا با ادله عقلی و نقلی بیان میفرمود و نسبت به ماه گذشته کمال احترام را رعایت میکرد و نام آنها را با عظمت و بزرگی یاد میکرد بدین جهات و بعلت های دیگر عده زیادی از بزرگان و مجتهدین و دانشجویان در محضر او حاضر می شدند و از برکات مادی و معنوی او بهره مند میشدند

اینک اسامی برخی از شاگردان و مجازین از ایشان بر حسب حروف تهجی

1- سید آقا بزرگ حسینی قاضی عسکر اصفهانی

سادات قاضی عسکر اصفهان از سلسله سادات حسینی راز اعقاب می رسید محمد معروف به قاضی عسکر که در عهد نادر شاه افشار منصب قضاوت لشکر داشته از اعتاب میر سید محمد مشهور به میر آفتاب از معاریف عهد صفوی که نسب او با بیست و پنج واسطه به جناب زید بن الامام علی بن الحسین علیهما السلام منتهی میشود، می باشند .

صاحب عنوان از شاگردان سید حجة الاسلام و از خواص اصحاب حاج سید اسد الله و منشی و نویسنده جواب استفتاءات و سؤالات و مکتوبات ایشان بوده است در حدود سال 1300 در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

از آثارش کتابی است بنام : درر المنثور در پنج باب و خاتمه تاریخ تألیف 1270 نسخه ناقصی از آن نزد نویسنده موجود است .

نسب میر سید محمد جد سادات قاضی عسکر اصفهان ساکنین محله بیدآباد

بقرار زیر است :

السید الجلیل السید محمد الشہیر بقاضی عسکر ابن محمد بن طاہر بن محمد ابن بدر الدین بن محمد الملقب بمیر آفتاب ابن علی بن حیدر بن نورالدین بن عطاء اللہ بن احمد بن محمد بن محمد بن طاہر بن محمود بن حمید بن علی بن طاہر بن محمد بن احمد بن محمود بن ابراہیم بن حسن بن اسحق بن حمزہ بن محمد بن حمزہ بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن الامام علی بن الحسین زین العابدین علیہما السلام .

(فائده) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مقدمه جلد یکم مکارم الاثار (ص 50) به نقل از تذکرۃ الملوک (ص 3) می نویسد: قاضی عسکر به کشیک خانه دیوان بیکیان بحکم شرعی عساکر منصوره میرسیده ... شغل قاضی عسکر در اواخر زمان سلاطین صفویہ منحصر بآن شد کہ عساکر نصرت مآثر سواد ارقام تنخواہ موجب خود را کہ بممالک محروسہ میفرستادند قاضی عسکر میرسانیدند ...

2- آقا دگمه چین

مرحوم آقا میرزا محمد بن میرزا محمد باقر بن میر محمد صالح بن سید جعفر بن میر محمد صالح خاتون آبادی سبط علامہ مجلسی رحمۃ اللہ علیہ .

میر محمد صالح در محله چهارسو علی قلی آقا از متفرعات محله بیدآباد ساکن و در مسجد علی آقا امامت مینموده و به آقای دگمه چین (تکمه چین) مشهور بوده و این شهرت تا این زمان در بین اعقاب او مشهور و به سادات تکمه چین و در سالهای اخیر کلمه : سادات را نام خانوادگی خود قرار دارند .

در هر حال مرحوم آقا میرزا محمد عالم فاضل جلیل از شاگردان مرحوم

ص: 244

حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی بوده و در محله چهارسو علی قلی آقا مورد توجه و عنایت مؤمنین و مقدسین بوده و نظارت موقوفات علی قلی آقا را داشته است

فائده: برخی دیگر از علماء این زمان از راه دگمه چینی اعاشه مینموده اند از آن جمله: آقا محمد بید آبادی است بطوری که در کتاب رستم التواریخ نقل می کند.

3- حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

(1) از علماء وشها، ومجتهدین بزرگوار و از شاگردان و مخصوصین مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در سفینة البحار (ص 477 دوم) می نویسد که: انه باب من أبواب الجنة

دقیقه در جه طول جغرافیای آن - عرض 1، 0 انمان قبله ون

26 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا (1290) 1320 متر (تاریخ طهران تألیف

سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتاشناسی

ص: 245

1- قزوین بروزن پروین حاجی شیروانی (1254 - 1194) در بستان السیاحه (ص 431 چاپ اصفهان) خلاصه می گوید: قزوین شهری است دلنشین در زمین هموار افتاده و اطرافش گشاده اصل آن گزویں بوده عربان معرب نمودند . . . آبش از قنوت و بسیار کم هوایش انقلاب دارد، حمد الله مستوفی احادیث چندی در اوصاف قزوین در کتاب نزهة القلوب روایت می کند . انتهى . محدث قمی رضوان الله علیه در سفینة البحار (ص 427 دوم) می نویسد که : انه باب من أبواب الجنة. ثانیة/دقیقه/درجه طول جغرافیای آن- /- 50 عرض 50/15/36 . انحراف قبله 55/-/34 درجه جنوب غربی . ارتفاع از سطح دریا (1290) 1320 متر (تاریخ طهران تألیف سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتاشناسی

سید حجة الاسلام بوده و سید حجة الاسلام در تاریخ 1246 جهت مشار الیه اجازه مفصلی مرقوم فرموده و در آن از وی ستایش بسیار نموده و تصریح کرده است که مدت‌ها خدمت او رفت و آمد مینموده و بدرس او حاضر میشده تا بدرجه اجتهاد نائل گردیده است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 89) می نویسد : از خواص شاگردان سید بوده تا جائیکه حاج محمد جعفر آبادهای با آن جلالت قدر آرزوی مقام او را مینمود و بحال او غبطه میخورده است.

صاحب عنوان در قزوین متولد گردیده و در آنجا و اصفهان تحصیل نموده و در این شهر سکونت اختیار نموده و در مسجد آقا نور واقع در محله در دشت امامت مینموده و از آثار باقیه اش شبستان و نابی وهشتی و سر درب و حوضخانه مسجد مزبور است (ص 128 سپاسگزاری از مردم نشریه اوقاف اصفهان) دیگر از آثار او کتابخانه مشار الیه می باشد که از کتابخانه های کم نظیر در اصفهان در قرن سیزدهم بوده و پس از وفات ایشان بتدریج از بین رفته و قسمتی از آنرا در سالهای اخیر به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف که بوسیله مرحوم علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی تأسیس شده بود اهداء نمودند و اینک از این کتابخانه اثری باقی نیست.

چون سید محمد علی بن سید مؤمن حسینی اردستانی در رمضان سال 1259 قرآنی جهت منوچهرخان معتمد الدوله گرجی حکمران اصفهان بخط نسخ زیبا روی پارچه کتان نوشته بود تمام شد مرحوم قزوینی آنرا تصحیح نمود . و اینک قرآن نامبرده بشماره (114) در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (ص 569 سوم آتشکده اردستان).

تنها آثار علمی صاحب عنوان حواشی مشار الیه است بر حدیث غمامه که

فرزند دانشمندش مرحوم حاج شیخ محمد حسین آنها را بدون نموده و بصورت کتابی مستقل در آورده است (ص 191 سیزدهم الذریعه).

مرحوم قزوینی بعد از سال 1393 وفات یافته و دو فرزند دانشمند از او بجای ماندند : 1- حاج شیخ محمد متونی در شب 18 ذی الحجه سال 1304 در اصفهان 2- حاج شیخ محمد حسین .

مرحوم حاج آقا محمد قزوینی پس از وفات پدر وارث محراب گردید و پس از فوت ایشان فرزندش مرحوم آقا محمد جواد و بعد از ایشان مرحوم حاج آنا باقر قزوینی معروف به دردشتی متوفی بسال 1362 و بعد از ایشان برادر دانشمندش مرحوم حاج آقا کمال الدین قزوینی در مسجد آقا نور امامت مینمود و در شب 16 محرم سال 1394 در اصفهان وفات یافته روحانیت در این سلسله به انتها رسید ایشان آخرین فرد روحانی این خاندان جلیل بشمار میرفت و رحمة الله علیهم

اجازه مرحوم سید حجة الاسلام ضمن مجموعه اجازات حجة الإسلام بنظر علامه طهرانی رسیده است،

آغاز : الحمد لله الذى انزل على عبده القرآن ...

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 1629 پنجم) وفات صاحب عنوان رادو ساعت بر آمده از روز چهارشنبه بیست و نهم محرم الحرام سال 1261 می نویسد ، سپس خود ایشان می نویسد چهارشنبه 21 درست نیست زیرا غره محرم این سال جمعه بوده (بنا بر این جمعه می شود و چهارشنبه 27 بوده و یکی از این در روز هفته و ماه اشتباه است).

دانشمند محقق متبع جناب آقای روضاتی در پاورقی این صفحه رصفحه بعد راجع به شیخ محمد حسین مطالبی نقل نموده اند که قابل دقت و توجه است

ص: 247

و از آنها چنین بر می آید که شیخ محمد حسین قزوینی نبوده و فرزند صاحب عنوان نمی باشد .

4- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی

4- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی (1)

از بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام و مورد وثوق ایشان و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجة الاسلام تلمذ نموده تا خود عالمی کامل گردید . مشار الیه نویسنده دیباچه برکناب سؤال و جواب سید حجة الاسلام می باشد و در آن فهرست مطالب کتاب را آورده است، نسخه این سؤال و جواب بشماره (740) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص 1801 پنجم فهرست کتابخانه دانشگاه).

مشار الیه سرکاری و نظارت ساختمان قسمتی از بنای مسجد سیدرا بعهدہ داشته و نامش در کتیبه مسجد مذکور است، از آنجمله در بالای اسپرهای طرفین ایوان جنوبی اشعاری است که در آن می گوید : اور سزد گر کعبه اش دانی که شده سر کار اتمامش

سمی زاده آزر سلیسل خواجه کیهان

مشار الیه پس از وفات در مقبره کوچک مسجد مدفون گردید . سال وفاتش بدست نیامد فرزندش مرحوم سید عبدالحفیظ مدفون در بقعه العلماء تکیه آقاحسین خونساری در تخت فولاد و فرزند زاده اش مرحوم آقا میرزا محمد علی و فرزند

ص: 248

1- کابل از شهر های افغانستان است. ثانیه/دقیقه/درجه طول : 69/9/00 عرض : 34/31/00 انحراف قبله: 70/05/37 جنوب غربی

ایشان مرحوم حاج آقا نصیر الدین موسوی متوفی در مکه معظمه همگی اهل فضل و دانش و علاوه بر آن دارای خطی نیکو بودند .

مرحوم عماد الاسلام نواده مرحوم حجة الاسلام در آخر نسخه ای از کتاب هدایة السالکین در شرح احادیث اربعین می نویسد : جهت منسوب شدن ایشان بآلی این است که : مرحوم سید حجة الاسلام در صدد بودند کتاب مدینة العلم تألیف شیخ بزرگوار صدوق را بدست بیاورند خدمت ایشان گفته شد نسخه آن در کابلی موجود است علی هذا مرحوم حجة الاسلام عموزاده خود صاحب عنوان را جهت تحصیل کتاب بدان سمت روانه کردند و ایشان پس از مدتی توقف و جستجو مایوسانه مراجعت نمود.

ص 44 بزرگان و دانشمندان اصفهان

5- ملا محمد ابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی

(1):

سالها در اصفهان بدر حجة الاسلام شفتی (و خیر ایشان) حاضر شده تا بدرجه رفیعه اجتهاد نائل گردید در مسجد محله نو اصفهان امامت مینموده تا موقعی که برخی از خوانین چالشتر از خدمت حاج سید محمد باقر تقاضا می کنند که عالمی

ص: 249

1- دهکرد که در سالهای اخیر انجا را شهر کرد نامیدند در قدیم جزو اصفهان بوده و در تقسیمات اخیر کشور استان مستقلی شده (استان چهار محال).
ثانیه/دقیقه/درجه طول: 50/25/00 عرض: 32/22/00 انحراف قبله: 44/25/21 جنوب غربی جمعیت سی و پنجهزار نفر (ص 286 تاریخ و جغرافیای
چهار محال جلد یکم) . ارتفاع از سطح دریا 2060 متر .

با تقوی جهت رسیدگی بأمور شرعی و کارهای دینی مردم شهر کرد اعزام دارد و از ایشان استدعا می کنند که آخوند ملا محمد ابراهیم را که از هر جهت شایستگی دارد اعزام فرماید .

مرحوم سید حجة الاسلام با تقاضای آنان موافقت نموده و صاحب عنوان را بدانست فرستاده و طی نامه‌های مورخ 21 ذی الحجه 1246 سفارش مشار الیه را بمردم آن سامان میفرماید .

سال وفات مولی محمد ابراهیم معلوم نیست و سن مشار الیه هنگام نموت بین شصت و هفتاد سال بوده است. وی جد خاندان جلیل آل ابراهیم دهکردی می باشد .

ص 593 - تاریخ و جغرافیای چهار محال جلد یکم

در کتاب نام برده می نویسد: مرحوم سید حجة الاسلام قریه هارونی که مجهول المالک و در اختیار ایشان بوده است را به جهت مخارج زندگی به مرحوم آخوند واگذار می نماید و ایشان را بهمراه فرزند خود مرحوم حاج سید اسدالله به دهکرد اعزام میفرماید و در نامه یکی به عباسقلی خان و دیگری به حاج محمد رضا خان چالستری مرقوم فرموده در معرفی و سفارش مرحوم آخوند در هر دو نامه آخوند را به عنوانین : محامد صفات محاسن اخلاق فضائل ماب فواضل اکتساب علام مهام وصف نموده و می نویسد که از معتمدین علماء می باشد و همچنین در نامه دوم می فرماید که :

این خادم شریعت مطهره علی صادمها آلاف التحیه مأذون نمودم ... در اقدام به شعائر اسلام مثل نماز جمعه و انیان فرائض بجماعت و اخذ زکرة و ایصال به ارباب حاجات از ارباب استحقاق و تصرف در سهم امام علیه السلام و اموال غایب و صغار بنحوی که اصلح بحال آنها دانسته و قطع و ختم نزاع ما بین متنازعین

ص: 250

بمصالحه و تحطین و عقود و نکاح و معاملات و طلاق و نحوها ... الخ.

حرره خادم الشریعه فی سنه 1264

6- سید ابوالحسن بن محمد ابراهیم موسوی

از بنی اعمام سید حجة الاسلام شفتی بوده و در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده و عمده تحصیلات مشار الیه در نزد مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بوده است.

سال تولد روقات مشار الیه بدست نیامد . پس از فوت در مقبره کوچک و انوع در دالان مسجد سید مدفون گردید ، اولاد و اعقایش به موسوی و کابلی شهرت دارند .

دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) استاد دانشگاه تهران و رئیس اسبق دانش سرایعالی از نواده های دختری مشار الیه می باشد .

دکتر عیسی صدیق مؤلف کتب و رسائل عدیده ای است و بسال 1398 فوت

گردید .

7- سید ابوطالب بن ابی تراب بن قریش

بن ابیطالب بن یونس حسینی قاینی (1)

شهرکی است نزدیک طبس بین نیشابور و اصفهان، و در معجم البلدان گوید قاین قصبه لهستان و دهانه خراسان و خزانه کرمانست و بین قاین و نیشابور نه مرحله راهست و تا طبس سینان دوروزه راه.

مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در بهارستان (ص 13) می نویسد :

قاین شهری است کوچک در حدود هشت هزار جمعیت دارد محصول عمده ائی زعفران است... در زمان سابق دار الملک قهستان بوده ...

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی آن: 51/11/30

عرض: 33/43/00

انحراف قبله: 59/13/09 جنوب غربی میباشد

ارتفاع از سطح دریا 1440 متر

ص: 251

1- قاین بر وزن مایل . شیروانی در بستان السیاحه (ص 415 چاب اصفهان) بخلاصه می نویسد : ولایتی است مشهور و دیار پست مذکود ... هوای بعضی بلادش گرم و بعضی ملایم آبش از کاریز و محالش حاصل خیز ... از مضافات خراسان است، عموم مردم ایشان ما بر وقائع و شجاع و دلیر و در

بعضی اوصاف حمیده دلپذیرند : اور اعیان الشیعه (ص 322 هفتم) بنقل از سمعانی گوید :

از اعظام فقهاء و مجتهدین ورؤساء ملت و دین . مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در کتاب بهارستان (م 300) و همچنین علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 40 یکم) و مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب (ص 278 سوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان اورا بعلم و فقاہت ستوده اند، در بهارستان گوید : گاهی در بیرجند و گاهی در این اقامت داشته و بدان ریاست مطلقه و عظمت و بزرگی در این نواحی عالمی بهم نرسیده جمعی امر تقلید او را بر گردن نهاده و اجرای حدود مینمود و بفتوای او چند نفر را امیر علم خان حاکم وقت گردن زد.

سالها در اصفهان در خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تلمذ نموده و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و خندهت علماء ان ارض مقدس از آنجمله شیخ محسن خنفر تحصیل نموده تا بمقامات عالیہ علم و اجتهاد رسیده از حاجی کلباسی و شیخ محسن خنفر مجاز بوده است پس از مراجعت مدتی در مشهد مقدس ساکن و سپس به بیرجند و قائن رفته و بتدریس و ترویج و تألیف پرداخته سرانجام

ص: 252

در روز پنج شنبه 6 شوال سال 1293 در مراجست از سفر حج در کراچی وفات یافته و هم در آنجا دفن گردید .

کتب زیر از تألیفات اوست: 1- الدرّة الباهرة در توحید و امامت 2- الدروس الفقهية 3- رساله در صلوة مسافر 4- رساله در عقاید 5- رساله در قضا و شهادات

6- رساله دروقف 7- السبعة السيارة بالكواكب السبعة در هفت مسئله از مسائل اصولیه 8- سؤال و جواب نظیر جامع الشتات 9- الفوائد الغرورية در درایه و رجال 10- اللؤلؤة الغالية در اسرار شهادت 11- ماهی الضلالة والغواية در رد کتاب شمس الهدایه تألیف ملا شمس هراتی سنی (ملا خان مفتی مرات 12- مرآة الوحده و این کتاب آخرین تألیف اوست 13- مکاسب 14 و 15- مناسک حج دو رساله 16- ینابیع الولاية در علم فقه و غیره .

در تاریخ علماء خراسان (ص 114) ویرا عنوان نموده و فوتش را قبل از انجام اعمال مناسک حج در سال ذکر شده نوشته و کتب زیر را بر تألیفاتش افزوده است: 1- احیاء موات 2- تعلیقات متفرقه .

8- شیخ ابوالقاسم اصفهانی

(1)

مشهور به قاری از فضلاء و دانشمندان اصفهان بوده محضر میرزای قمی را درک نموده و در اصفهان خدمت مرحوم سید حجة الاسلام و مولی ابوالحسن قاری

ص: 253

1- اصفهان - شهرت و عظمت اصفهان مارا از شرح و بیان درباره ان بی نیاز می گرداند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 30/41/51 عرض: 00/40/33 انحراف قبله: 28/03/46 جنوب غربی

اصفهانى تلمذ نموده است و جمعى از بزرگان همچون آقا محمد مهدى فرزند حاجى كلباسى در خدمت او تلمذ نموده اند و از كلمات و مواعظ او بهره مند گردیده اند.

ص 43 يكم الكرام البرره

نويسنده گوید: مراد از مولى ابوالحسن قارى ممانا مولى ابوالحسن خواجوئى اصفهانى از اساتيد فن قراءت و تجويد مى باشد، وى مؤلف رساله‌هاى است در تجويد بفارسى كه آنرا در سال 1225 تأليف نموده است.

ص 69 دانشمندان و بزرگان اصفهان - ص 136 يازدهم الذريعه

بنابر اين صاحب عنوان از اساتيد فن فرامت بوده و آقا محمد مهدى كلباسى نيز ظاهراً در فراغت خدمت او تحصيل نموده است، والعلم عند الله تبارك وتعالى.

9- شيخ ابوالقاسم بن محمد صادق

بن محمد تقى بن زين العابدين بن محمد تقى بن محمد باقر بن حيدر على بن كلب على بن مولى نورا بن محمد بن محمد بن الشيخ على بن عيسى عاملى استاد شهيد دوم وعموزاده شيخ شمس الدين جزينى و از طرف مادر از نوادههاى مولى اشرف بن حيدر على فروشانى سدهى مؤلف تفسير آية الكرسي.

عالم فاضل محتن در حدود سال 1230 در قريه ونوسفاداران (بن اصفهان)

ص: 254

متولد گردیده و در نزد علماء سده و اصفهان تحمیل و تلمذ نموده در نجف اشرف نیز بدرس اساتید آنجا حاضر گردیده است و تقریرات اساتید خود را در ته و اصول برشته تحریر در آورده است: 1- کشف الاصول در 6 مجلد بزرگ 2- کشف الفقه در 1 مجلد بزرگ و خبره، مشار الیه ظاهراً (بر حسب آنچه نواده ایشان مرحوم حاج شیخ أبو القاسم نورائی میفرمود) از شاگردان سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی و بالاخص آقا سید حسن مدرس میر محمد صادقی در اصفهان بوده و در سال 1305 در سده وفات یافته و همانجا مدفون گردید (ص 20 و 51 هیجدهم الذریعه و اطلاعات متفرقه)

10- سید ابوالقاسم بن محمد کاظم

محمد بن محمد کاظم زنجانی (1) فرزند امیر محمد حسین بن سید محسن (جدسادات موسوی زنجانی اصفهان)

ص: 255

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 305) به خلاصه می نویسد: زنجان شهریست بهجت توامان ... از مضافات آذربایجان آبش خوب و هوایش مرغوب ... آن شهر سمت مغرب سلطانیه واقع و از اقلیم رابع و اطرافش واسع است دورش بارونی کشیده اند ... دانشمند محترم حجة الإسلام حاج سید ابراهیم موسوی زنجانی در مقدمه کتاب تاریخ زنجان اقوال مختلف بزرگان را در باره این شهر نقل نموده است خلاصه آنکه: زنجان بازنگان در قدیم بنام خسه مشهور بوده در سر راه طهران به آذربایجان قرار دارد و جزء استان یکم کشور می باشد، زنجان باضافه آبادیهای آن حدود 445 هزار نفر جمعیت دارد، شهر زنجان حدود 30 مسجد بزرگ و کوچک و چندین مدرسه علوم دینی دارد، صنعت چاقوسازی این شهر مشهور است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 48/28/00 در تاریخ زنجان 48/29 عرض: 36/39/00 - 26/35/ انحراف قبله: 28/38/12 جنوب غربی و ارتفاع از سطح دریا 1900 متر می باشد. جمعیت شهر در سال 1330 خورشیدی 65021 نفر. ارتفاع از سطح دریا 1650 متر.

فرزند امیر سلیم بن برهان الدین بن سید شامی ابن حسن بن عبد الله بن علی بن سلیمان بن عبد الصمد (احمد) بن محمد بن داوود بن ابراهیم بن علی بن خلیل بن ابراهیم السمین بن تاج الدین بن عزالدین بن عبدالرحیم بن قاسم بن ابراهیم بن حسین بن موسی الثانی بن ابراهیم الاصغر ابن الإمام موسی الکاظم علیه السلام . .

در سال 1212 (ص 175 تاریخ زنجان) ویا 1224 (ص 61 یکم الکرام البرره) در زنجان تولد یافته در موطن خود مقدمات علوم را فرار گرفته سپس در قزوین نزد مولی عبدالوهاب قزوینی و مولی محمد تقی شهید مدنی تلمذ نموده سپس به اصفهان مهاجرت نموده در این شهر خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی به تحصیلات خود ادامه داده تا بمقام اجتهاد رسیده و در سن سی و پنج سالگی با داشتن اجازات روایتی واجتهاد از حاجی کلباسی و دیگران به زنجان مراجعت نمود و به ترویج دین و امر بمعروف و نهی از منکر واقامه حدود و تدریس و تألیف و تصنیف پرداخته و در فتنه باب دچار رحمانی شده و در دفع و رفع ایشان جدلیغ نموده و در ابطال عقاید آنان کتابها نوشته است. در تاریخ زنجان چهل و سه کتاب و رساله از تالیفات او را نام میبرد که از آن جمله است: 1 ایضاح الدلائل فی عقد الانامل 2 - تسلیة الملهوفین 3- حجة الابرار در اثبات حرمت شراب در تمام ادیان و اعصار 4 - الحسينیه در جواز شبیه در عزاداری 5 - خلاصة الفروع 6 - سد الباب و کتابهای تخریب الباب و قلع الباب و امع الباب و رساله دیگر هر پنج کتاب در رد با بیه 7- شرح خلاصة الحساب 8- شرح قواطع

ص: 256

الاهام 9- القسبات در مصائب آل محمد عليهم السلام 10- قرة الابصار در زبر و بينه 11- كشف دساتر در شرح كلمات بابا طاهر 12 - لب اللباب در حيوه 13- مقاليد الابواب در پنج مجلد 14- ملاحم القرآن 15- نور العينين در مصائب حضرت اباعبد الله الحسين عليه السلام 16- وسيلة الغفران در علم كلام

17- هلاليه .

صاحب عنوان در روز سه شنبه سوم جمادی الاول 1292 در زنجان وفات یافته و سه فرزند دانشمند از او بجای ماند: 1- میرزا ابوالمکارم 2- میرزا ابوطالب 3- میرزا ابوعبدالله رحمة الله عليهم اجمعين .

11- حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج سید مهدی کاشانی

(1) در لباب الألقاب (ص 78) درباره او گوید: از رؤساء علماء کاشان عالم فاضل و فقیه کامل و ورع صالح عابد زاهد محتاط.

ص: 257

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 460) می نویسد: کاشان بلده ای است مسرت نشان به این شهر ما بین قم و اصفهان اتفاق افتاده و جوانب اربعه اش گشاده است آبش معتدل و هوایش بگرمی مایل گویند در بیده خاتون زوجه هارون این شهر را احداث نموده و در زمان صفویه بغایت معمور ... مردمش از قدیم مذهب امامیه دارنده اور احسن الودیعه (ص 182 دوم) نقل از یائون گوید: شهری است نزدیک اصفهان و همیشه باشم گفته و ذکر می شود و مردم آنجا همگی شیعه می باشند (انتهی) در تمام کتب جغرافیا که در قدیم نوشته شده است مردم کاشان را به تشیع و تصلب در آن ستوده اند همچنین مردم قم که از اشعریین و از دوستان خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و عده ای زیاد از اصحاب ائمه اطهار عليهم السلام در بین آنان بوده است . سنیان که از دشمنان اهل بیت بودند دوستان این خاندان را نیز به بدی یاد میکردند و مثل معروفی که در بین برخی از عوام و جهال از روی عدم بصیرت گفته میشود که: نه قم خوبست نه کاشان - الخ، از همین جا سرچشمه گرفته است و من می گویم: هم قم خوبست و هم اشان - لعنت به بدگوهاشان . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 51/29/00 عرض جغرافیائی: 23/59/00 ارتفاع از سطح دریا: 42/15/51 جنوب غربی

قوی القلب از هر شائبه و پاک از آلودگیهای حرص طمع مرجعیت خواص و عوام داشته و به حکام بدون اعتنا و توجه بوده است.

از شاگردان حاج سید محمد باقر اصفهانی (شفتی) بوده در سال 1281 وفات یافته و قبرش در کاشان معروف است.

12- حاج سید احمد بن میر سید حسین حسینی مرندی اصفهانی

(ا) شیروانی در بستان السیاحه (ص 585) می نویسد:

مرند ناحیه ای است ارجمند از نواحی تبریز و محلی است فرح انگیز گویند نام قصبه آنها نیز مرند است باغات خوب دارد .

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی: 45/45/30

عرض جغرافیائی: 38/26/00

ارتفاع از سطح دریا: --/1334/--

در حدود سال 1225 در شهر مرند متولد گردیده و مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و جمعی دیگر از علماء سالها تلمذ نموده کا عالمی جامع و فقیهی بارع گردید . سرانجام در شوال سال 1298 در اصفهان

ص: 258

وفات یافته در تکیه حاجی آبادهای مدفون گردید .

این سه سطر شعر بر روی سنگ قبر او مقور است : حاج سید احمد از شهر مرند آمد و در اصفهان مارا گرفت دانش این آیت الله بزرگ در میان عالمان والا گرفت در هزار و دوصد و نود و هشت در جوار رحمت حق جاگرفت

سلسله سادات مرندی که عموماً اهل فضل وادب می باشند از اعقاب مشار الیه می باشند .

در البدر التمام (ص 7) بشاگردی او نزد حاجی کلباسی اشاره شده و از قول او گوید :

زمانی عازم مسافرت بطهران شدم خدمت حاجی جهت خداحافظی مشرف شدم از من پرسیدند طول مسافرت شما چقدر خواهد بود؟ در جواب عرض کردم سه ماه الی چهار ماه، فرمودند بیست و یک ماه. از این بیان متحیر شده بمنزل آدمم و در پشت تر آن روز حرکت را باد داشت نمودم بطهران رفتم و در آنجا کاری در مرند پیش آمد مجبوراً بمرند رفتم و پس از انجام کار مراجعت بطهران و سپس به اصفهان نمودم چون به روز حرکت خود در پشت قرآن نظر کردم طول مدت مسافرتم دقیقاً بیست و یک ماه بود و این از کرامات حاجی کلباسی می باشد .

مرحوم حاج سید احمد فرزندانانی داشته که از آن جمله است مرحوم حاج سید عبد العلی مرندی عالم فاضل از شاگردان آقا سید محمد باقر در چه ای و شیخ مرتضی ریزی متوفای سال 1354 مدفون در بقعه تکیه مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد اصفهان رحمة الله علیه .

ص: 259

(1)

فرزند میرزا محمد رحیم اول بن میر مرتضی بن میر محمد اشرف بن سید عبدالحسیب محمد بن میر سید احمد عاملی داماد میر محمد باقر داماد و بهمین مناسبت اعقاب او به میر دامادی شهرت یافته اند فرزند سید زین العابدین بن میر عبدالله بن میر محمد بن میر صالح بن میر محمد جعفر بن احمد بن حمزة بن ابوالقاسم بن حسین بن ابی احمد عبد الله المشهدی بن میر محمد بن میر علی بن حسین بن محمد طبان بن حسین بن ابی احمد علی بن محمد عزیزی بن ابی جعفر بن ابی محمد الاطروش بن ابوالحسن علی بن حسین الطواف بن ابوالحسن علی الخارص بن ابی الحسین محمد الدیباج بن الإمام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام (منقول از مقدمه الطائف غیبیه).

در مقدمه لطائف غیبیه (ص 32) درباره او می نویسد :.

از اکابر علماء و دانشمندان دوره فتح علیشاه قاجار و از شاگردان مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام و مرحوم حاجی کلباسی بوده کتاب زیده الاسرار

ص: 260

1- مرکز بلوک ماربین از توابع اصفهان و مرکب از سه ده می باشد 1- حوران 2- فروشان 3- در ورنوسفاداران در قدیم دهات سه گانه از یکدیگر مجزا بوده لکن امروز بهمیدگر پیوسته و خود شهری نسبتاً بزرگ گشته و در فتنه افغان در طول هفت سال اقامت نتوانستند آنجا را تسخیر کنند و این افتخار برای همیشه برای مردم شجاع و غیور و متعصب این شهر باقی ماند که مردم این شهر نباید آنرا فراموش کنند. در سالهای اخیر نام این شهر که حقا باید برای همیشه سده گفته شود تا این افتخار فراموش نگردد مانند برخی از شهرهای دیگر تغییر نموده در اول همایون شهر و اخیراً خمینی شهر شده و فاصله آن ها اصفهان 18 کیلومتر است .

(در اوراد و اذکار) از تألیفات اوست .

در رجال اصفهان (ص 237) گوید : امامت جمعه و جماعت سده از طرف پدر بدو محول بوده است در 22 محرم الحرام سال 1243 در سده وفات یافته در مقبره معروف به مقبره میر سید عبدالله در خوزان مدفون گردید . در همین روز پدرش نیز وفات یافت (بشرح حال او مراجع می شود) .

14- ملا احمد بن علی اکبر تربتی

(1):

در تاریخ سه شنبه 23 شوال المکرم 1273 جهت مرحوم حاج سید اسدالله فرزند حجة الاسلام شفقتی اجازه ای مرقوم داشته بنام و اجازه الحدیث ، در پانزده برگ و در آن اجازه مرحوم سید حجة الاسلام جهت خود و همچنین شمه ای از حالات ویرا نقل می کند .

ص: 261

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 189) به خلاصه می نویسد : تربت بضم تاء وفتح بام و سکون راه و تاء ولایتی است روحانی ... آبش از کاری رهوایش بهجت انگیز و خاکش حاصلخیز مردمش شیعی مذهب و دلیر و در بعضی اوصاف دلپذیر ... اصل قصبه تربت در زمین هموار واقع شده ... و شهر تربت از بلاد خراسان و در سه منزلی مشهد مقدم اتفاق افتاده . چون قطب الدین حیدر مقدم حیدر پان آنجا مدفونت لهذا آنان را تربت حیدریه گویند . ثانیه / دقیقه / درجه طول جغرافیائی: 30/13/59 عرض: 00/16/35 انحراف قبله: 59/05/56 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1350/910 تربت جام و حیدریه

این اجازه بشمار (83) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است.

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم يارحمن يارحيم اعذنا من شر الشيطان الرجيم الحمد لله على كل نعمة من نعمائه حمداً دائماً بدوام كبريائه ..

انجام : ختم الله لنا بالخير والعافية وحشرنا مع خاتم النبيين وعترته الطاهرين صلى الله عليهم صلاة كثيرة دائمة (ص 88 يكم فهرست كتابخانه آيت الله گلپایگانی).

در الكرام البرره (ص 98 يكم) بنقل از بغية الطالب از دانشمندی بنام مولى احمد بن على اكبر قاننى نام ميبرد كه شرحى بر اشارات حاجى كلباسى نوشته و در 1256 وفات یافته و فقط دختری از او بجای مانده است . در بهارستان مرحوم حاج شيخ محمد حسين آيتى (ص 278) پدرش را نام برده و در جای دیگر (ص 317) ويرا عنوان نموده است و هيچ کدام به تربيتى بودن او اشاره ای ننموده اند احتمال اتحاد ايندو نفر بعيد است ، والله العالم .

15- مولى احمد بن مولى على اكبر نصرآبادى

(1): خراشدارى فاينى عالم فاضل فقيه .

در كتابهاى بغية الطالب و بهارستان (ص 317) والكرام البرره (ص 98 يكم) ومكارم الأثار (ص 1523 پنجم) ويرا عنوان نموده اند و گویند :

در امر بمعروف و نهى از منكر ساعى و كوشا بوده و بمدرس شهرت داشته و شرحى بر اشارات حاجى كرباسى نوشته و سيصد و چهل مجلد كتاب خود را وقف

ص: 262

بر مدرسه قدیمه بیرجند نموده و در سال 1256 وفات یافته و در قبرستان شرقی بیرجند در پهلوی حکیم نزاری قهستانی مدفون گردیده است. صاحب عنوان فقط دارای یک دختر بوده است.

نویسنده گوید: بطوریکه شنیده شد تحصیلات مشار الیه در اصفهان و نزد علمای این سامان همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفقی بوده است. بنا بر این مشار الیه شاگرد سید حجة الاسلام می باشد. و ظاهراً مشار الیه غیر از مولی احمد بن علی اکبر تربتی سابق الذکر است که در سال 1273 جهت حاج سید اسدالله اجازه مرقوم داشته است. والعلم عند الله تبارک و تعالی.

16- سید ابوالقاسم احمد بن محمد حسنی حسینی کوپائی اصفهانی

(1)

از معاریف فضلاء و دانشمندان اصفهان و خدمت حاجی کلباسی رسید حجة

ص: 263

1- شروانی در بستان السیاحه (ص 465) می نویسد: قهپا به بمعنی کهپا به نام ناحیه ای است از نواحی اصفهان مزارع فراوان و مواضع بهجت تشان دارد. مرحوم جابری انصاری در تاریخ اصفهان (ص 188) می نویسد: کوهپایه از مشرق مایل بشمال و ابتدایش هفت فرسنگ و انتهای فریب بیست و پنج فرسنگ و کوهستان آنها بحدود نائین شده آبش از توانی است عمیق که غالباً به سنگ بر خورده و بمشقت قطره آبی بیرون آورد. عبای قهپایه و صفاری هرند مشهور، دهانش مرل - جبل - جشوقان - تهی - نشارک - سجزی - زفره می باشد. ثانیه دقیقه درجه طول جغرافیائی زفره میباشد. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی زفره: 52/17/00 عرض: 32/56/1 انحراف قبله: 46/54/00 جنوب غربی

الاسلام تلمذ نموده و به امرودستور مرحوم حجة الاسلام فهرستی از ابواب کتب اربعه ترتیب داده و تا سال 1259 که سال تالیف کتاب 1- الارشاد فی احوال الصاحب الکافی اسماعیل بن عباد استحبات داشته نسخه ای از این کتاب در کتابخانه فاضل جلیل مرحوم آقا میرزا محمد رضا بن حاج ملا طاهر الهی که ظاهراً از اسباط مؤلف بود بنظر رسید کتاب نامبرده بسعی و اهتمام دانشمند بزرگوار و فاضل عالی مقدار آقا سید جلال الدین طهرانی فرزند حاج سید علی حسینی بضمیمه کتاب محاسن اصفهان تالیف مافروخی در سال 1312 خورشیدی بچاپ رسیده است . دیگر از تألیفات صاحب عنوان کتاب : 2- تحف العقول فی توضیح قوانین الاصول حاشیه بر کتاب قوانین نزدیک هزاربیت و نسخه آن در کتابخانه علامه مفضل حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان می باشد 3- فهرس ابواب الکتب الاربعه در پنج هزار بیت نسخه ضمن مجموعه شماره (2059) کتابخانه آیت الله مرعشی در قم (ص 280 هشتم فهرست مرعشی) ص 92 بزرگان و دانشمندان اصفهان - ص 109 یکم الکرام البرره

17- مولی احمد علی اصفهانی

از معاریف علماء و فضلاء اصفهان بوده خدمت سید حجة الاسلام مدتی تلمذ نموده است .

مرحوم سید حجة الاسلام ویرا در سال 1252 جهت ارشاد و هدایت مردم رشت بدانسمت گسیل داشته و سفارشنامه ای بعنوان او جهت مردم رشت و آن نواحی مرقوم فرموده و مردم را برای رجوع در امور شرعی خود بدانجناب توصیه نموده است و در آن ویرا به : العلامة الفهامة والمجتهد العادل

ستوده است.

ص: 264

این سفارشناسه ضمن مجموعه ای از اجازات صاحب عنوان در کتابخانه علامه آقا سید محمد باقر حجت طباطبائی در کربلا بنظر علامه ماهرانی رسیده است (ص 120 یکم الکرآم البرره) .

18- حاج سید اسد الله بیدآبادی

(1):

فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی و خود به حجة الاسلام ثانی مشهور بوده، شرح حالش در عنوانی مخصوص نوشته میشود مطالبین مراجعه نمایند .

19- ملا اسماعل طبسی خراسانی

(2):

فاضل جلیل در طبس متولد گردیده و پس از تحصیلات مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد جمعی از بزرگان علم و دانش به فراگرفتن علوم اشتغال جسته که از آن جمله است مرحوم سید حجة الاسلام شفتی ، ضمناً علاوه بر منبر و موعظه به کتابت روزگار می گذرانیده و در این شهر

ص: 265

1- در خاتمه این رساله شرح مختصری راجع به سابقه تاریخی و عظمت محله بیدآباد و برخی از منسوبین باین محله در قدیم و این اواخر خواهیم نوشت طالبین مراجعه فرمایند .

2- شیروانی در بستان السیاحه (ص 354) بخلاصه می نویسد: طبس بفتح اول و دوم و سکون سمن بلده ای است دلنشین از مضافات خراسان ... هوایش گرم و آبش از کاریزه آن شهر در زمین هموار واقع و اطرافش واسع. در تاریخ علمای خراسان (66) گوید: طبس نام یکی از فرای سبزوار است و هم نام شهری است در بلاد خراسان . و در بهارستان (ص 22) گوید : طبسین (به صیغه تشبیه) و آن دو قصبه است یکی طبس التون و دیگری طبس العنایت (در اولی درخت خرما و در دومین درخت عناب فراوانست) یکی را طبس گللیک و دیگری را طبس سینا خوانند

وفات یافته در صحن امامزاده هرون ولایت (هارون بن موسی بن جعفر علیهما السلام) مدفون گردید.

فرزندش ملا محمد حسین عارفچه در اصفهان متولد و در نزد بزرگان علماء این شهر همچون حاج سید اسد الله بیدآبادی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهبهانی و جمعی دیگر تحصیل نموده و در عداد خطباء و واعظین و ذاکرین مصائب معدود بود و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله : 1- انیس الواعظین 2- زاد العارفین در پنجاه مجلس منبری در سال 1371 به همه همت فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه بچاپ رسیده است 3- زاد المواقف در مواعظ در پنجاه مجلس بسال 1370 در طهران بچاپ رسیده است 4- زاد الواعظین وغیره . مشار الیه در سال 1322 وفات یافته در تخت فولاد در تکیه آقا سید رضی در جنب قبر آقا سید عبدالباقی قزوینی مدفون گردید .

و فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه شاعر ادیب واعظ فاضل کامل مؤلف کتب کثیر منفی سال 1380 مدفون در تخت فولاد اصفهان می باشد (ص 284 بزرگان و دانشمندان اصفهان) .

20- محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم

در تاریخ پنج شنبه 10 ذی الحجه 1240 کتاب نسخه ای از کتاب : تحفه الابرار تألیف مرحوم سید حجة الاسلام را بپایان رسانید است.

نسخه بشماره (4829) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و نویسنده محترم فهرست می نویسد :

بشار الیه ظاهراً از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد (ص 2753 چهاردهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

ص: 266

طباطبائی:

در تاریخ چهار شنبه اول محرم سال 1246 کتابت نسخه ای از رجال مرحوم سید حجة الاسلام را بخط نسخ پبایان رسانیده (در پایان رساله در ترجمه اسحاق بن عمار) نسخه کتاب بشماره (1249) در کتابخانه آیت الله مرعشی درقم موجود است (ص 52 جلد چهارم فهرست کتابخانه).

مشار الیه احتمالا از شاگردان وحاضرین مجلس درس مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

22- شیخ اسماعیل بن شیخ محمد حسین سلطانیه ای

(1).

در سال 1219 متولد شده و در نزد سید حجة الاسلام حاجی کلباسی و دیگران تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم و دانش رسیده است. از آثار علمی او شرح قواعد الاحلام حلی است در چهار مجلد. وفات مشار الیه حدود سال 1300 رویداده است.

ص 143 تاریخ زنجان - ص 48 فهرست علمای زنجانی

ص: 267

1- سلطانیه زنجان شیروانی گوید (ص 312) در دو منزلی قزوین اتفاق افتاده و آنجارا سلطان غازان بنا نموده و سلطان محمد خدابنده تمام کرده شهری خوش ومدنه ای دلکش بود. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 58/17/00 عرض: 35/12/00 انحراف قبله: 54/45/05 ارتفاع از سطح دریا 1780 متر

علامه طهرانی در الذریعه (ص 18 چهاردهم) وهمچنین در الکرام البرره (ص 135 یکم) می نویسد:

سید اسماعیل بن امیر اسد الله حسینی (در الکرام نام پدر ذکر نشده است) مؤلف شرح قواعد الاحکام در چهار مجلد و متوفی حدود سال 1300 (در الذریعه میفرماید پس از 1300 باندک زمانی) و فرزندش علامه میرزا ابوالمعالی در 27 ربیع الثانی 1442 وفات یافته است.

در این دو کتاب اولاً او را سید و ثانیاً پدرش را سید اسدالله و ثالثاً اشاره ای بشاگردی او نزد حجة الاسلام شفتی نشده است احتمال تعدد (شیخ اسماعیل و سید اسماعیل) بعید بنظر میرسد .

23- حاج میرزا اسماعیل بن میرزا محمد حسین دوم طباطبائی زواره ای

(1) فرزند میرزا محمد صادق بن محمد حسین اول بن رفیع الدین محمد

ص: 268

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 305) گوید: زواره نام دو ولایت است یکی در عراق شهر آن اردستان است... و دیگری زواره خراسان شهر آن تربت است. دانشمند معاصر آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ساکن طهران صاحب تالیفات عدیده سه جلد کتاب بنام: آتشکده اردستان در شرح تاریخ و جغرافیای زواره و اردستان مرقوم فرموده و بچاپ رسانیده است و الحنی کتابی مفید و قابل استفاده است. مشار الیه در کتاب خود (ص 145 یکم) مطالبی در فقه اللغه زواره و عقاید جغرافی نویسان قدیم را مفصلاً بیان داشته و از اوضاع طبیعی و جغرافیائی آن کاملاً بحث نموده است طالبین مراجعه نمایند. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/28/00 عرض: 33/30/40 انحراف قبله: 45/56/00 جنوب غربی .

بن محمد مهدی بن ابوالحسن بهاء الدین محمد بن رفیع الدین محمد نائینی اصفهانی (میرزارفیعاً) فرزند حیدر بن زین الدین بن علی بن حیدر بن کمال الدین حسن بن شهاب الدین علی بن عباد بن احمد بن حمزة بن اسحق بن طاهر بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد رئیس بن ابراهیم الطباطبا بن اسماعیل الدیباج بن ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی بن الامام ابی محمد حسن المجتبی السبط الاکبر علیه السلام .

در کتاب آتشکده اردستان (ص 290 دوم) می نویسد : از علماء و محدثین عصر حجة الاسلام رشتی بشمار می رفته و از سود استجازه کرده و مرحوم حجة الاسلام باو اجازه نداده است . سپس به نجف مشرف شده و آنجا از صاحب جواهر اجازه گرفته و سواد آنرا برای مرحوم سید فرستاده است .

نویسنده گوید : بظن قوی صاحب عنوان شاگرد مسید حجة الاسلام بوده و در موقع اجازه خواستن شایستگی آنرا نداشته سپس به نجف مشرف گردیده و خدمت صاحب جواهر تلمذ نموده و پس از نیل بمقامات علمی مرحوم آناشیخ محمد حسن اصفهانی باو اجازه داده اند . والعلم عند الله تبارک و تعالی .

در تکمله نجوم السماء (ص 128 یکم) می نویسد : فاضلی تحریر و عالمی با توقیر در علوم حکمیه و فنون فلسفیه کوی سبقت از اقران عصر خود ر بوده خواهرش در حباله عند حجة الاسلام آقا سید محمد باقر رشتی بود و حاج سید عبدالله فرزند سید حجة الاسلام خواهر زاده ایشانست سپس شرحی از تحصیلات او و مسافرتش . به هند و تدریس او در آنجا نوشته، در آنجا گوید و بعید نیست که وی از سید حجة الاسلام هم استفاده کرده باشد .

در سال 1261 بهند (لکهنو) رفته و یک سال در آنجا توقف نموده و بتدریس اشتغال جست و جمعی از دانشمندان آنجا همچون : سید مهدی شاه متوفی بسال

ص: 269

1314 وسید عبدالله وملا جواد کشمیری وغیره شاگردار بوده و خود از شاگردان شیخ محمد تقی رازی وصاحب جواهر و دیگر انست. کتب زیر از اوست :
1- حاشیه پر شرح هدایه ملاصدرا شیرازی 2 - شرح دره منظومه سید بحر العلوم وغیره .

24 - شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفاد رانی

ورنوسفاد ران (بن اصفهان) یکی از دهات سه گانه سده ماریین اصفهانست(1).

مشارالیه در تاریخ سه شنبه 15 ماه رمضان المبارک سال 1243 کتابت نسخهای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار تألیف سید حجة الاسلام را بخط نسخ
پایان رسانیده است. کتاب نامبرده به شماره (1145) در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (ص 255 بکم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه تألیف
دانشمند محقق جناب حاج شیخ رضا استادی تهرانی) احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد.

25 - میرزا بابا اصطهباناتی

(2)

عالم فاضل جلیل از فضلالی مورد وثوق مرحوم سید حجة الاسلام شفقتی بوده

ص: 270

1- یکی از دهات سه گانه شهرستان سده (همایونشهر- خمینی شهر) می باشد و اکنون باید گفت یکی از محلات بزرگ این شهرستان میباشد .
2- اصطهبانات یکی از بخش های چهارگانه فسا و دارای 25 قریه و مزرعه و قصبه و حدود بیست و سه هزار نفر جمعیت می باشد ، زبان آنها فارسی
ومذهب آنان شیعه اثنی عشری است . مرکز آن قصبه اصطهبانات (بکسر اول و سکون دوم وفتح سوم) در هفتاد و دو کیلو متری شمال خاوری فسا می
باشد. (ص 43 یکم دانشمندان و سخن سرایان فارسی یا اندک تصرف) ثانیه/دقیقه/درجه طول: 54/04/00 عرض: 57/09/00 انحراف قبله: 57/06/46
ارتفاع از سطح دریا 1730 متر

و آن مرحوم مشار الیه را متولی و تصدی ثلث یکی از ثروتمندان (ظاهراً اصطهبانات) نموده و صاحب عنوان از محل آن ثلث خانه و آسیائی در نجف خرید و آنها را وقف بر طلاب علوم دینیه نمود و همچنین در اصطهبانات از همین محل مدرسه ای و گرمابه ای در سال 1264 بنا نمود و آنها را نیز وقف کرد.

احتمالاً مشار الیه از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده و تاریخ وفاتش پس از سال 1264 می باشد و احتمالاً وی همان عالم عامل حاجی بابا مذکور در البدر التمام (ص 7) می باشد. اگر این احتمال صحیح باشد وی شاگرد حاجی کلباسی نیز بوده است. العلم عند الله.

26 - مولی محمدباقر ترشیزی

(1):

از علماء طهران بوده و در اصفهان تحصیلات خویش را نزد علماء این سامان

ص: 271

1- ترشیز اکنون انجارا کاشمر گویند از ناحیه خراسان و نزدیک تر کسنانست ثانیه/دقیقه/درجه طول: 58/27/00 عرض: 35/12/00 انحراف قبله: 54/44/05 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1050 متر

خصوصاً نزد سید حجة الاسلام رشتی اصفهانی بپایان رسانیده و از ایشان مجاز بوده است ، در طهران مرجع امور دینی و مقبول القول در نزد عموم طبقات بود . در حدود سال 1275 وفات یافته است.

ویرا دو پسر عالم و دانشمند است : 1- شیخ حسین متوفی بسال 1343 پدرعالم معاصر روحانی حاج شیخ زین العابدین سرخه ای امام جماعت مسجد امام زاده یحیی 2- شیخ محمد متوفی حدود سال 1320 هجری قمری.

علامه طهرانی می نویسد : چون این دو برادر هنگام فوت پدر کودک بودند آنان را ناپدریشان مولی عباسعلی سرخه ای از شاگردان شیخ انصاری تربیت نموده و بدین مناسبت به سرخه‌های شهرت یافتند .

ص 161 یکم الکرام البرهه - ص 335 شخصیت و زندگانی شیخ انصاری

27 - حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی

فرزند مرحوم شیخ محمد تقی بن محمد رحیم بیگ بن محمد قاسم بیگ رازی ایوان کیفی اصفهانی عالم محقق جلیل .

مرحوم علامه فقیه رجالی حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (صفحه 35 پنجاهم) در ضمن احوالات مرحوم حاج شیخ نورالله نجفی مسجد شاهی فرزند مشار الیه می نویسد :

علامه جلیل آیت الله آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی از ایشان روایت می کند و او از پدرش مرحوم شیخ محمد باقر و او از سید حجة الاسلام

بنابر این صاحب عنوان نیز از علماء مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام بوده لکن شاگردی وی در نزد ایشان محقق نیست گرچه محتمل الوقوع می باشد.

ص: 272

مرحوم آقا شیخ محمد باقر در سال 1235 متولد و در ماه صفر سال 1301 در نجف وفات یافته . ویرا تألیفاتی است از آنجمله : 1- حجیة المظنة 2- لب الاصول 2- لب الفقه وغیره .

28 - آقا میرزا محمد باقر خونساری

بن حاج میرزا زین العابدین موسوی خونساری چهارسوئی (1) اصفهانی .

علامه نیه زاهد محقق متتبع اصولی رجالی، از بزرگان و مفاخر علمی در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در اصفهان مؤلف کتاب نفیس روضات الجنات که احتیاج به تعریف و ستایش نداشته و هیچ نویسنده و دانشمندی از داشتن آن بی نیاز نمی باشد .

ص: 273

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 274) گوید : قصبه ای است طد آثار در چهار فرسخی گلپایگان واقع در میان کوه اتفاق افتاده آبش سیار و مقابت خوشگوار هوایش سازگار و باغاتش فراوان قریب سه فرسخ طول باغات آنها است و الحق بدایت دلکش است اکثر فراکش ممتاز و گز انگبین آنجا با نیاز است ... ناشق خوب تراشند و کاتب خط نسخ در آنجا بسیار باشند . علامه صاحب روضات الجنات (ص 196) در کتاب خود در باره خونسار بحث نموده طالبین مراجعه نمایند . در رمن خوسار کت شلم است : سه فرسخ درسه فرسخ لاله زار است بهشت روی دنیا و تسار است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 50/19/00 عرض: 33/13/00 انحراف قبله: 40/50/11 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 2250 متر

در دوشنبه 22 صفر سال 1226 در خونسار متولد گردیده و در نزد جمعی از امام بزرگوار تلمذ نموده و از عده ای از آنها به اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده است که از آن جمله افراد زیر می باشند : 1- سید ابراهیم صاحب ضوابط

2- شیخ محمد تقی رازی اصفهانی 3- آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی 4- حاج میرزا زین العابدین پدر بزرگوارش 5- شیخ قاسم بن محمد نجفی 6- میر سید محمد بن عبد الصمد شهشهانی اصفهانی 7- شیخ محمد بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء و بخصوص سید حجة الاسلام و هم از ایشان مجاز بوده است و جمعی کثیر از علماء در خدمت ایشان للمذ نموده و از ایشان مجاز می باشند که علامه مولی محمد حسین بن مولی اسدالله کرمانی اصفهانی (جد امی نویسنده) از آنجمله است متوفی در شب جمعه 21 جمادی الاولی 1330 در اصفهان . کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست:

1- احسن العطیه در شرح الفید2- ارجوزه در اصول فقه

3- اسباب بلایا نازله برسعید و شقی 4- امر بمعروف و نهی از منکر (رساله در) 5- تسلیة الاحزان بفارسی 6- تعلیقه بر شرح لمعه 7- تعلیقه بر قوانین 8- دستورالعمل برای عمل مکلفین 9- رساله عملیه 10- روضات الجنات در شرح حال علماء و سادات از شیعه و سنی در چهار مجلد و این معروفترین تألیفات صاحب عنوانست و بهمین علت اولاد و اعقاب آن بزرگوار به آل صاحب روضات و یا روضاتی مشهورند 11- شرح حدیث حماد 12- رساله در ضروریات دین 13- رساله در فضیلت جماعت 14- قرة العین منظومه فارسی در اصول دین 15- قصاید عربی و فارسی در مصائب و مرانی 16- مجالس در مصیبت و مواعظ 17- منشآت و نوشتجات که ادیبانه و منشیانه و مسجع و مقفی نوشته اند 18- منظومه عربی در اصول و غیره .

مرحوم صاحب روضات در دوشنبه 8 جمادی الاولی سال 1314 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در جنوب مسجد مصلی مدفون گردید و برای او تکیه‌ای

بزرگ وقبه ای شایسته بنا نمودند و جمعی از اولاد و اعقابش در بقعه و اطراف مدفون می باشند که جمعا اهل فضل و دانش و از علماء معروف و مورد توجه مردم اصفهان می باشند . اللهم اغفر لهم ولجميع المؤمنين والمؤمنات .

29 - سید محمد باقر قزوینی بن سید علی حسینی قوومیدانی

در المآثر و الآثار (ص 145) در باره او گوید :

از بزرگان مجتهدین بود و ریاستی عظمی داشت میر محمد صالح و میر محمد رفیع که هر دو از مجتهدین مسلم زمان صفویه اند از اسلاف او می باشند . تلمذ و تکمیل مراتبش در محضر شیخ الفقهاء شیخ محمد حسین نجفی صاحب الجواهر بود و زمانی نیز در معیت حاجی سید محمد باقر اصفهانی حجة الاسلام گذرانید و در فقه و اصول و فنون معقول تصنیفات پرداخت و در خط نسخ و شکسته میان علماء کافة نظیر نداشت در سال 1286 هجری قزوین در گذشته و شصت و پنج سال داشت .

با توجه بسن صاحب عنوان در سال وفات تولد او حدود سال 1230 خواهد

مرحوم تنکابنی مؤلف قصص العلماء مدتی در خدمت او تلمذ نموده و گوید ویرا تألیفاتی است از آن جمله : 1- رساله در اثبات ملک نقاله 2- رساله در مقدمه واجب و غیره در فن جدل و مناظره قدرت و مهارت تامی داشته بطوریکه مولی عبدالکریم ابروانی که در فضل و کمال استاد او بحساب می آمده است را در مباحثه عاجز می نموده است ضمناً خطوط نسخ و شکسته را استادانه می نوشته و پس از وفاتش فرزند دانشمندش آقا سید موسی جانشین پدر گردید و برا فرزند دیگری است بنام میرزا ابوالقاسم ناظم العلماء . رحمة الله علیهم اجمعین

ص: 275

(1)

از شاگردان و مجازین از حاج سید محمد باقر حجة الاسلام بود . در این اجازه مرحوم حجة الاسلام شفنی ویرا بدین گونه وصف نموده است:

السید الجلیل التقی المنقی جامع فنون الفضائل والکمالات حائز قصبات السبق فی مضمار السعادات السید العلی العالی محمد تقی ...

تاریخ اجازه سحر شب نهم محرم 1254 . علامه طهرانی اجازه نامبرده را ضمن مجموعه اجازات سید حجة الاسلام دیده است.

ص 203 یکم الکرام البرره در تاریخ زنجان (ص 316 / 408) گوید : فرزند او سید محمد جواد از شاگردان شیخ انصاری بوده است. و در فهرست مشاهیر علمای زنجان (ص 116) گوید : اجازه سید حجة الاسلام شفنی را جهت صاحب عنوان در نزد علامه شیخ فضل الله زنجانی زیارت کردم ونواده صاحب عنوان سید اسماعیل محقق جلیل القدر وعظیم المنزلة بوده در اصفهان در خدمت مولی حسینعلی بن نوروز علی نویسرکانی تلمذ نموده و از استاد نامبرده بأخذ اجازه مفتخر گردیده تاریخ اجازه 1279 می باشد .

ص: 276

1- بنگته نام قریه است در جتوب غربی شهر زنجان در پنج فرسنگی (ص 116 فهرست مشاهیر علمای زنجان)

(1):

عالم فاضل از مقدسین و پیشوایان بوده و خیلی آثار خیر از او در جز باقی مانده و نزد مرحوم سید وحاجی مقبول القول و معتمد و بتقوی و قدس در بلد. نیز معروف بوده است .

در قریه جز وفات یافته در قبرستان آنجا مدفون گردید. در اول قبرستان جز (گزی) تکیه دارد معروف بمقبره در وسط گنبد آن دفن است .

مشار الیه جد امی علامه جلیل مولی عبد الکریم جزی مؤلف تذکره القبور می باشد (ص 167 رجال اصفهان).

وی شاگرد حاجی و سید بوده و فرزندش ملا محمد باقر ابوالفقراء ادیب و شاعر و عالم و فاضل متوفی بسال 1286 می باشد .

ص 210 و ص 159 دانشمندان و بزرگان اصفهان

32 - مولی محمد تقی بن ابیطالب اردکانی یزدی

از بزرگان علماء و فقهاء واجله مشایخ و مجتهدین در المآثر والاثار (ص 145)

ص: 277

1- گزی و معرب آن جز بروزن از وپد و سر از بلوک برخوار اصفهان است. در کتاب: گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص 187) مینویس د: قریه گر در 18 کیلومتری شمال شهر اصفهان واقع شده از نواحی قدیمی و تاریخی حومه اصفهان محسوب میشود دارای یک مسجلی قلبه از دور سلاها و پتا یای یا شماره داره سلولی در کاروانسرائی از دوره صفویه است. شرح و توصیف مسجد و مناره و کاروانسرای آنجا مفصلا در کتاب نامبرده ذکر گردیده طالین مراجعه کنند مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 171) در وصف بلوک برخوار می نویسد: مرکز قریه جز است که شش هزار جمعیت و کرباس بافیش ممتاز. 1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 68) می نویسد: اردکان نام دو قصبه است؛ یکی از توابع یزد جائی خوب و محلی مرغوبست و منقل آهنی در آنجا ممتاز سازند. دیگر از محان شیر از قصبه ای بهجت امتیاز است .. آبش در کمال عذوبت و هوایش در فایت برودت در میان دو کوه واقع و طرف جنوبش فی الجملة واسع است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی اردکان یزد: 54/49/00 عرض: 32/20/30 انحراف قبله: 52/09/24 ارتفاع از سطح دریا 1035 متر

در ضمن شرح حال او می نویسد :

در سال 1257 حاج میرزا آقاسی صدراعظم وقت غالب علماء ایران را محترماً بطهران حرکت داد مشارالیه نیز در بین آنها بود . صاحب عنوان در مقدمه برخی از تألیفات خود بزندانی بودن در طهران اشاره می کند . آقای دکتر علی تقی منزوی فرزند علامه طهرانی در پاورقی الذریعه (ص 270 پنجم) شرحی راجع به این موضوع می نویسد طالبین مراجعه کنند ولکن در قمع العلماء گوید وی مورد تهمت قرار گرفته و در اصفهان بخانه سید حجة الاسلام پناهنده شده و در سالی که محمد شاه باصفهان آمد ویرا به عنف از خانه حجة الاسلام بیرون کرده و بطهران برده (وزندانی کردند و ظاهراً علت زندانی بودن مشارالیه همین موضوع است نه آنچه در پاورقی الذریعه نوشته شده است) مرحوم اردکانی پس از نجات از گرفتاری سالها مدرس مدرسه فخریه (مروی) طهران بوده تا سرانجام در سال 1267 مطابق گفته المآثر والاثار والذریعه (169 پنجم) و یا سال 1268 مطابق نوشته الکرام البرره (ص 206 بکم) وفات پانته کتب زیر از تألیفات اوست : 1. الافاضات در فقه دو مجلد 2- الجواهر الزواهری احکام المبانی وایضاح السرائر در اصول فقه 3- رساله در تقلید 4- رساله در حجیت مطلق ظن 5- رساله در

ص: 278

صلح بفارسی 6- رساله در مفهوم و معارف تاریخ فراغت از تألیف نزدیک ظهر روز جمعه 22 شعبان 1228 هجری 7-النالی الغالیه در فنون مختلف مانند کشکول بیشتر آنرا در ایام حبس تألیف نموده است.

مشار الیه خواهرزاده مولی اسماعیل عقدانی وعموی مولی محمد حسین بن محمد اسماعیل اردکانی متونی سال 1302 می باشد و از سبب حجة الاسلام اجازه روایت داشته است.

33 - مولی محمد تقی بن حسینعلی بن رضا بن اسماعیل هروی

اسماعیل هروی(1)

اصفهانی حائری . از معاریف علماء ومجتهدین و فقهاء و مصنفین صاحب

ص: 279

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 608) می نویسد: هرات شهر پست جنت آیات ... جوانب اربعه اش واسع آبش خوشگوار و هوایش سازگار و در خو بی هوای آنجا گفته اند: الوجة تراب اصفهان و شمال هرات رماه خوارزم فی بقعة لم یمت فیها أحد أبدا یکی از شعرا گوید: . گر کسی پرسد را از شهرها خوشتر کدام در جواب از راست خواهی گفت او را گوهری این جهان را همچو دریا دان خراسان را صدف در میان آن صدف شهر هری چون گوهری (انتهی) از شهرهای بسیار که در خراسان قدیم بوده و در هنگام حمله و غلبه مغول خراب گردیده است: ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:--/62/10 عرض جغرافیائی:--/34/20 انحراف قبله:62/30/20 جنوب غربی

تألیفات کثیره ادیب فقیه اصولی رجالی عابد وزاهد . در رمضان المبارک 1217 در هرات متولد گردید . پس از فراگرفتن مقدمات علوم در موطن و مولد خود در سال 1235 باصفهان مهاجرت نموده و به محضر آقا شیخ محمد تقی رازی وحاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفیعی حاضر شده سپس به مشهد رضوی و از آنجا به اعتاب مقدسه ائمه عراق مهاجرت نموده و بدرس صاحب جواهر و آقا سیدکاظم رشتی و میرزا علی نقی طباطبائی و احتمالاً آقا شیخ مرتضی انصاری حاضر شده تا بدرجات عالیہ علم واجتهد رسیده و به اصفهان مهاجرت نموده وشهرت و ریاستی یافته و در سال 1272 بمناسباتی مجبور به مهاجرت به عتبات شده و تا آخر عمر یعنی 17 ربیع الاول سال 1299 در کربلا- وفات یافته و در مقبره صاحب ضوابط دفن گردید . ویرا تألیفات و تصنیفات زیاد است که تعداد آن متجاوز از پنجاه کتاب ورساله میشود، ذیلا بنام برخی از آنها اشاره می کنیم: 1- اجوبة المسائل 2 - الأربعین 3- اصالة الإمكان 4- تحقیق معنی الف ولام 5- توضیح الحساب 6- التفحه استادش سید حجة الاسلام 7 - النعارضی بن المطلق والمقید 8 - تعادل و تراجیح 9- النعارض بین المفرره والناقله 10 - تعلیقه بر حواشی ملا میرزا شیروانی بر مما ام 11 - تعلیقه برنجات العباد 12 - تفسیر آیه : فکان قاب قوسین اوادنی 13 - تنبیه الغافلین در رد بابیه 14 - حاشیه پر خلاصة الحساب - ریاض المسائل - قوانین - منهاج تالیف حاجی کلباسی - حاشیه ملا میرزا جان 15 - خلاصة البیان در تفسیر مشکلات قرآن 16- الدرر المنوره 17 - دیوان خطاب و مراثی 18 - رسائلی در ارث - مبحث زوال شرح لمعه - وتنجیز تعلیق در شرط واقع در عقود - در طلاق بعوض - در عدالت - در عرق جنب از حرام - کسبیکه پنج نمازش را به پنج وضو بجای آورد سپس بطلان یکی از وضوها ثابت شود 19 - السبع المثافی در احوال چهارده معصوم علیهم السلام 20 - شرح الاسباب

21 - شرح خطبه همام 22 - شرح دعای ابوحمزه 23 - طریق النجاة در احکام طهارت و نماز بفارسی 24 - عیون الاحکام بعربی 25 - الفرائض 26 - قواطع سفر 27 - کاشف الاستار 28 - الطائف الفوائد 29 - لوامع الفصول 30 - اللغز (کرون) 31 - لغز یوم الخمیس 32 - مجالس المواعظ 33 - مسائل مبسوطه 34 - مشارع الوصول 35 - المطلق والمقید 36 - معیار فکر والخیال 37 - المقاصد العله 38 - مختصر تفسیر آیه الکرسی استادش سیدکاظم رشتی 39 - المیراث 40 - مناسک حج 41 - المناقب الحسینیه 42 - نتایج الافکار در اصول 43 - نفی حجیت مطلق ظن 44 - نهایت الامال در کیفیت رجوع بعلم رجال وغیره .

و دیگر از مصنفات او کتاب 45 - حدیقه النجفیه یا تحفه النجفیه در شرح . روضه البهیة در چندین مجلد تاریخ ختم جلد اول 1249 و تاریخ فراغت از جلد دوم 1252 و تاریخ جلد سوم 1296 می باشد چنانکه علامه طهرانی در الذریعه (ص 390 ششم) می نویسد ، در ریحانة الادب (ص 318 چهارم) می نویسد در حواشی بعضی از چاههای شرح لمعه بطبع رسیده است .

فائده : منسوب به هرات را هروی و هراتی گویند .

شرح احوال صاحب عنوان در کتابهای : دانشمندان اصفهان (ص 211) - الکرام البرره (ص 21 یکم) تکملة نجوم السماء (ص 397 یکم) المآثر والاثار (ص 183) مکارم الآثار (ص 625 سوم) و مواضع مختلفه مجلدات الذریعه .

34 - ملا محمد تقی بن حاج ملا محمد علی اردستانی

(1):

فرزند ملاعبد العظیم بن محمد تقی بیدگلی از علماء ساکن اردستان در اصفهان

ص: 281

1- آقای ابوالقاسم رفیعی مهر ابادی از فضلاء و دانشمندان معاصر در کتاب : اتشکده اردستان وجه تسمیه و تاریخ اردستان را مفصلاً بیان نموده طالبین مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/22/00 عرض جغرافیائی: 33/23/00 انحراف قبله: 45/59/37 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1205 متر. جیلان معرب گیلان از مناطق معروف ایران . شیروانی در بستان السیاحه گوید: ولانی است معروف و بکثرت آب و خضرت زمین و رطوبت هواموصوف مشتمل است بر بلاد معمود و قصبات مشهوره و جبال پر درخت و مسالک بسیار سخت باعث معمور واکثر مشتیهات درانجا موتور و اقسام ماهی و مرغابیش ما محصور است اکثر بلادش در کنار دریاست ابریشم آنجا فراوان برنجش ارزانست ... و در جنگل واقع شده آب گیلان از رود و بسیار و هوایش ناسازگار است و مختلف آثار (ص 207 بستان السیاحه) دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در کتاب : تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 21) می نویسد : ایالتی است سبز و خرم و دارای مناظر طبیعی جنگل و کوه و دریا ... سرزمین پهناور و بوفور نعم معروف و اهالی آن بسیار مردمان خوش ذوق و عارف مشربند از دیر زمان معروف بمهمان دوستی و ساده لوحی .. محصولات مهم گیلان برنج و دیگر چای و سیگار و زیتون است و ماهی آن فوق العاده مهم است پای تخت گیلان شهر رشت است.

خدمت علماء این سامان تحصیل علوم نموده تا بدرجات عالیہ افضل و کمال رسیدہ سپس بموطن خود معاودت کردہ بہ نشر احکام و اقامہ جماعت و امر بمعروف ونہی از منکر پرداختہ تا قبل از 1300 وفات یافتہ است. از اساتید او در اصفہان مرحوم سید حجۃ الاسلام وانا میر سید حسن مدرس را میتوان نام برد (اطلاعات متفرقہ از شمائل از خاندان عظیمی).

فرزندش میرزا حسین داماد ملا علی اکبر فشارکی بودہ است (ص 164 یکم آتشکدہ اردستان).

35 - ملا محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی

(1: در حدود سال 1220 در رامسر متولد گردیدہ پس از طی مقدمات علوم باتفاق

ص: 282

برادرش ملا عبد الواسع به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر از محضر سیل حجة الاسلام و آخوند ملا علی نوری ردیگران استفاده نموده است.
از آثار او منظومه مختصری است در علم نحو که بنظر مؤلف کتاب: بزرگان رامسر رسیده است تاریخ اختتام نظم 68 رمضان المبارک 1257 می باشد.
وی برادر مولی عبدالرزاق نحوی آئی الذکر می باشد

ص 162 بزرگان رامسر

36 - شیخ محمد جعفر جاسبی

(1):

عالم فاضل در رجب سال 1254 کتابت نسخه ای از مناسک حج سید حجة الاسلام را بپایان رسانیده و در آخر آن عده ای مسائل با جواب آنها را مطابق فتاوی مرحوم سید حجة الاسلام بفارسی مرقوم فرموده و رساله مناسک را تصحیح و مقابله نموده است .

مرحوم سید حجة الاسلام در آخر نسخه مرقوم فرموده است که :

ص: 283

1- جاسب از بلوک قم است و از منسوبین بدانجاست ؛ 1- شیخ نجم الدین ابوالقاسم علی بن الحسین الجاسبی فقیه واعظ صالح. 2 - شیخ رشیدالدین علی بن محمد الجاسبی فیه ص 218 و 219 تاریخ قم ناصر الشریعه 3- شیخ محمد بن عبدالرحیم جاسبی (ص 406 دوم مکارم الآثار).

بعد از نهم مطالب مشاوره در این رساله هر کس عمل بمقتضای آن نماید عمل او مبرء ذمه او است . حرره خادم الشریعه فی 22 رجب 1254 سجع مهر:
محمد باقر بن محمد تقی .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 236 یکم) پس از نقل مطالب یاد شده می نویسد : ظاهر آنست که فوت صاحب عنوان بعد از این تاریخ بوده و بظن قوی مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد .

37 - سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی

از علماء اخبار فاضل متقی از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی بوده و عمده تلمذ او در نزد مرحوم آنا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی بوده است قبل از سال 1300 در اصفهان وفات یافته در قبرستان سنی فاطمه مقابر خانوادگی خود مدفون گردید و آثار قبر همچون دیگر قبور و مقابر در سالهای اخیر از بین رفت.

مشار الیه پدرزن علامه جلیل فقیه مرحوم حاج سید مهدی نحوی عم بزرگوار نویسنده بوده عموزادگان محترم از این مخدره محترمه می باشند.

فانده : سادات خلیفه سلطانی اصفهان از اعقاب عالم جلیل فقیه سید علاء الدین حسین بن میرزا رفیع الدین محمد بن امیر شجاع الدین محمود مرعشی آملی اصفهانی معروف به سلطان العلماء و خلیفه السلطان حسینی از شاگردان شیخ بهائی و پدر خود و جمعی دیگر از فحول علماء و بزرگان بوده و کتب و رسائل عدیده‌ای تألیف فرموده در سال 1064 پس از سفر فتح قندهار در هنگام وزارت خود در شهر اشرف مازندران بسن شصت و چهار سالگی وفات یافت. رحمة الله علیه.

(1)

ساکن قزوین از شاگردان سید حجة الاسلام در اصفهان و مجاز از شهید ثالث و حاج ملا صالح بوده است. وی دانشمندی فاضل و جامع بوده و در قزوین سطوح فقه را تدریس مینمود .

مؤلف قصص العلماء میفرماید : من در نزدی قسمتی از شرح لمعه را تلمذ کردم ویرا تألیفاتی است از آن جمله : شرحی بر کتاب مختصر نافع .

مؤلف قصص العلماء در ضمن شرح حال سید حجة الاسلام از قول صاحب عنوان می نویسد :

من طهارت و صلوة شرح کبیر را در مجلس در محجة الاسلام نوشته ام یعنی در زمانی که در بین درس گفتن سید حجة الاسلام جمعیت مترافعین مانع از تدریس می شدند و ما معطل می ماندیم من مشغول کتابت شرح کبیر میشدم .

(ص 146 قصص العلماء)

39 - شیخ محمد جعفر بن حاج محمد ابراهیم کلباسی

(فرزند حاجی کلباسی معروف) عالم فاضل جلیل ادیب محقق، در اصفهان متولد گردیده و در نزد جمعی از علماء و مجتهدین این شهر همچون پدر بزرگوار خود وسید حجة الاسلام و حاج محمد جعفر حکیم لنگرودی (بطوریکه از برخی

ص: 285

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 586) می گوید : نظر آباد گویند قریه ای است خسته بنیاد در کشور عراق راقم ندیده (انتهی) نویسنده گوید نظر آباد از قرای قزوین است .

از اعقابشان شنیدم) تلمذ نموده تا بمقامات عالی‌علم و فقاہت رسیده و بعضی اوقات امام مسجد حکیم را داشته و بطوریکه علامه گزی در تذکره القبور می نویسد (ص 162) وضع تقوی و دیانت داشته و خیلی متواضع بوده است سر انجام در روز جمعه 26 محرم الحرام سال 1292 در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر واقع در مقابل در شرقی مسجد حکیم پشت قبر برادر خود آقا محمد مهدی پای دیوار مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات اوست: 1- تحفة الجعفریه در دیات کتاب مفصل و بزرگی است انجام تألیف شب 18 رمضان المبارک 1284 هجری 2- رساله ای در احوال مرحوم سید حجة الاسلام و پدر بزرگوار خود که مرحوم علامه فقیه زاهد حاج شیخ کمال الدین ابو الہدی کلباسی برادرزاده اش در کتاب: البدر التمام از آن مطالبی نقل می نماید 3- رساله ای در حدود و تعزیرات 4- منهاج الہدایہ از تألیفات مرحوم حاجی کلباسی است در آخر آن که بسال 1263 بچاپ رسیده مقاله ای از صاحب عنوان در باره پدر بزرگوارش می باشد (ص 180 بیست و سوم الذریعہ) و آن، خنصر همان رساله قبلی می باشد 5- منهج الرشاد الی احکام الدین والایمان در شرح ارشاد الازمان تاریخ قرائت مجلد اول 23 شوال 1273 و غیره.

مخفی نماند که کتاب شریف ارشاد الازمان علامه حلی در قرن سیزدهم مورد توجه و عنایت خاص علماء و مجتہدین قرار گرفته و عده ای بر آن شروحنی نوشته اند که شرح فوق و شرح آقا محمد مهدی برادر او بنام منهج السداد از آنجمله است.

از کتاب منهج الرشاد نسخه ای در کتابخانه علامه مفضل جناب حاج سید محمد علی روضاتی موجود است که شرح آنرا ایشان در مجلد یکم فهرست کتب

خطی کتابخانه های اصفهان بشماره (52) از صفحه 227 تا 231 مرقوم داشته اند طالبین مراجعه نمایند .

40- محمد جعفر بن محمد صالح رشتی

(1)

مشار الیه نسخه ای از جلد چهارم کتاب : مطالع الانوار تألیف مرحوم سید حجة الاسلام را که در اواخر دهه سوم ماه صفر سال 1233 کتابت آن به پایان رسیده است را مقابله نموده است ، سجع مهر او : الواثق بالله محمد جعفر بن محمد صالح . و مهر دیگر : محمد جعفر بن محمد صالح.

نویسنده کتاب : تراجم الرجال احتمال داده است که مشار الیه از علماء ساکن اصفهان بوده و من می گویم شاید وی از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده باشد. پرده باشد.

(ص تراجم الرجال)

ص: 287

1- رشت از شهر های گیلان ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: عرض: انحراف قبله: ارتفاع از سطح دریا 10- (منهای ده متر) توضیح: طول و عرض و ارتفاع از شناسنامه جغرافیائی طبیعی ایران نقل شده است.

صفی آباده ای (1)

عالم فاضل فقیه مجتهد محقق مدقق از علمای بزرگوار اصفهان بعلم و فطانت و ذوق و کیاست و حسن اخلاق و معاشرت معروف و مورد احترام عموم طبقات بالاخص علماء و دانشمندان بوده و در نزد سید حجة الاسلام مورد عزت و احترام و محل وثوق و اعتماد بوده است.

انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 291) در باره او می نویسد: در علم و فطانت نمره اول بود و کلمات خردمندانه و شوخی هایش ضرب المثل است.

و تنکابنی در قصص العلماء (ص 135) در ضمن بیان شرح حال آقا محمد

ص: 288

1- در کتاب سخن سرایان و دانشمندان فارس (ص 86 دوم) گوید: آباده یکی از شهرستانهای ششگانه استان هفتم است بنای آن بدست طوایف گرجه ای وهرندی اصفهان بوده و به امر کریم خان زند معمور و بنام آباده مشهور شده، فاصله آن تا شیراز 280 کیلومتر و تا اصفهان 280 و تا اصفهان 204 کیلومتر است جمعیتش 8264 نفر زبان اهالی فارسی و مذهبشان شیعه اثنی عشری است. شیروانی در بستان السیاحه (ص 60) می نویسد: آباده نام دوسه موضع است در کشور فارس یکی در شش منزلی شیراز و سمت اصفهان اتفاق و جوانب اربعه اش بغایت گشاده از اقلیم سیم و هوایش خرم و آبش از قنات و گوارا و زمینش دلگشا و محتویست برباغات روح افزا، آباده دیگر در راه کرمان و هم نام قریه ای است از قراء بوانات. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/38/00 عرض: 31/9/30 انحراف قبله: 52/40/47 ارتفاع از سطح دریا 2005 متر

علی مازندرانی ذکری نموده و گوید: عالم و جامع و متورع و بسیار شوخ بود و از هر علم کتابی در حفظ داشت مانند الفیه در نحو زبده در اصول و قانون چه در طب مختصر تلخیص در فصاحت و تهذیب در منطق و تجرید در کلام و مختصر نافع در فقه.

در المآثر والاثار (ص 146) می نویسد: از فحول مجتهدین طریقه جعفریه و مشاهیر مروجین شریعت محمدیه است عظماء علماء در حضرت او خویشتن را خرد می شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش بحرمت تمام می بردند در علو درجه فقاہت و سمو مقام زهد و عبادت همه معاصرین بروی غبطه می آوردند و در ادبیات و شن اللغه و علم رجال و درایه نیز کم نظیر بود.

مرحوم گزی در تذکره القبور (ص 31 رجال اصفهان) درباره او می نویسد عالمی محقق و بسیار زیرک و دانا و با تدبیر بخصوص در مرافعات و تمام کردن آنها و معروفست که قرار او ثبت امور اتی که در نزد او میشده بوده که من بعد اشتباه کاری نشود. اشتباه کاری نشود.

در فارسنامه ناصری (ص 169 یکم) درباره او می نویسد: کاشف حقایق امور مصلح مصالح جمهور ظهیر اسلام ملجأ نام رئیس مجتهدین اکمل متورعین بنده خدای اکبر حاج محمد جعفر آباده ای از صغاد بر خاسته است و در دارالسلطنه اصفهان منوطن کشته صیت فضیلت و اجتهادش عالم گیر گردیده در سال 1280 واندی در اصفهان برحمت ایزدی پیوست و سنین عمرش از نود سال گذشته بود.

در کتاب: دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص 86 دوم) بتقل از کتاب آثار جعفری تألیف سید محمد جعفر حسینی خورموجی ملقب به حقایی نگار فرزند میرزا محمد خان (متوفی بسال 1301 مؤلف: نزهة الاخبار و تحفه معتمدی و حقایق الاخبار و غیره) می نویسد:

قدرة المحققين و برهان المدققين حاج محمد جعفر آبادهای سلمه الله تعالى مرجع فضلاء آذان و جهد علی الاطلاق است صبت فضلش بقلک رسیده
آوازه جلالش ملک شنیده فاضلی است دیدار و عالمی پرهیزگار . سخن بذکروی آراستن مراد این است

که پیش اهل هنر منصبی بود ما را

وگر نه منقبت آفتاب معلوم است

چه حاجت است بمشاطه روی زیبا را

سالهاست که در دار السلطنه اصفهان توطن فرموده اهالی آن دیار وطلاب سایر بلاد وامصار از افادات کثیر البرکاتش مستفید و بهره ور میگرددند (نویسنده
کتاب یعنی آقا محمد حسین رکی زاده آدمیت در آخر می نویسد سال فوتش معلوم نشد) علامه صاحب روضات الجنات (ص 154 در ذیل ترجمه حال
حاج ملا جعفر استر آبادی میفرماید :

الفقیه النبی المعاصر الحاج محمد جعفر بن محمد صفی الابدیه ای الفارسی المفتی باصفهان ...

در احسن الودیعه (ص 38 یکم) و تکملة نجوم السماء (ص 214 یکم) وریحانة الادب (ص 14 یکم) ودانشمندان و بزرگان اصفهان(ص 1) وفوائد
الرضویه (ص 59 بکم) والکرام البرره (ص 259 یکم) نام او ذکر شده و بطور اجمال و تفصیل درباره او مطالبی گفته شده بخلاصه آنکه مشار الیه از
شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی و آقا سید محمد مجاهد و احتمالا حاج ملاعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان بوده و
عده زیادی از علماه در خدمتش تلمذ نموده اند که از آن جمله است:

1- حاج ملا احمد واعظ یزدی که در علمای خراسان (ص 129) نوشته .

ص: 290

2- آقا محمد رضا خراسانی تاریخ اجازة 6 رجب 1251 (ص 215 یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

3- حاج سید شفیع بن علی اکبر موسوی جاپلقی در روضة البهیه (ص 18) می نویسد .

4- حاج شیخ عبدالنبی بن احمد تویسرکانی در آخرالثالی الاخبار تألیف مجاز رسیده تاریخ 12 ذی الحجة 1279.

5- مولی محمد علی بن احمد همدانی شاگرد حجة الاسلام تاریخ 1258 (ص 165 یکم الذریعه)،

6- سید محمد بن سید محمد صادق بن محمد مهدی موسوی خونساری (ص 210 مقدمه مناهج المعارف).

در این جا به مناسبت نمیدانیم که دو حدیثی را که حاجی آباة ای در آخر اجازة حاج شیخ عبدالنبی نقل فرموده ذکر کنیم :

1- از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

من افقی الناس بغير علم ولا هدی لعنته ملائكة الرحمة وملائكة العذاب ولحقه وزر من عمل بفتیاه.

2- از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند : من حکم فی در همین بغير ما انزل الله فهو کافر بالله العظیم . . کتب زیر از

تألیفات حاجی آباة ای است : 1- اجازة الحدیث و آن اجازة مختصری است به فارسی جهت آقا محمدرضا

خراسانی.

2- تعلیقه بر تلخیص الاقوال 3- رساله حمامیه در محل نزاع حمام متسوب به شیخ بهائی در محله مسجد جامع 4- رساله عملیه جهت مقلدین 5- سؤال

وجواب

ص: 291

6- شرح بر اصول کافی 7- شرح بر تجرید الکلام خواجه نصیر الدین طوسی 8- شرح بر دروس فقه جعفری 9- صیغ العقود 10 - الفقه الجعفریه فقه استدلالی 11 - فهرست کافی تاریخ اتمام کتاب روضه 26 محرم سال 1273 قمری 12 - مرایا در اصول 13 - نقود المسائل الجعفریه فقه که آنرا ملحق تألیف فرموده و برخی از مجلدات آن (جلد سوم) بچاپ رسیده است 14 - الوجیزه و آن مختصر کتاب تحفة الابرار استادش سید حجة الاسلام می باشد و بچاپ رسیده است 15 - هدایة الأخبار منتخب تحفة الابرار تألیف سید حجة الاسلام (ص 169 بیست و پنجم الذریعه) و غیره . از این کتابها شماره 6 در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و شماره 10 در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران و نهم در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف الهی مشهد و دهم و یازدهم در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است .

مرحوم آباده ای در محله جماله که اکنون بنام ایشان بازارچه حاج محمد جعفر آبادهای معروفست منزل داشته و در مسجدی که در این محل بنام ایشان بنا شده و از مساجد خوش وضع و آباد اصفهانست امامت مینموده است . و پس از فوت دو فرزند عالم و زاهد از خود بجای گذاشت : آقا عبدالجواد و آقا عطا الله هر دو در اعتاب مقدسه وفات یافتند و بعد از ایشان امام مسجد به آقا میرزا عبد الغفار تویسرکانی واگذار گردید .

مرحوم آباده ای در شب شنبه 19 رمضان المبارک سال 1280 در اصفهان وفات یافته و در اول تخت فولاد مدفون گردید و سپس مرحوم رکن الملک جهت او تکیه ای بنا نمود که بنام او مشهور است . ماده تاریخ فوتش را میرزا علیرضا پرتو گوید :

حیف از حاجی محمد جعفر آنک گمراهانرا سوی حق بردی به ره

سال تار بخش زیرتوشد سؤال گفت : اللهم نور مضجعه

(فائده) : مرحوم میرزا علیرضا بمعروف به آقا جان شاعر ادیب خطاط . خط نسخ را در کمال استادی می نوشته در حدود سال 1214 در قریه باغ بادران از قرای لنجان متولد و در ماه جمادی الثانی سال 1304 ظاهراً در طهران وفات یافته است پدرش محمد علی نام داشت.

شرح حال بسیار مختصر او در مجمع الفصحاء (ص 78 دوم) والمآثر والاثار (صفحات 205-216)

وتذکره خوشنویسان معاصر (ص 58)

و نامه سخنوران سپاهان (ص 7 شماره 14) ودانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 159) مندرج مطالبین مراجعه نمایند . دیوانش بچاپ رسیده است.

42 - میرزا محمد جعفر شهشانی حسینی

(1)

فرزند مرحوم میرزا محمد علی مشهور به میرزا جانی بن قوام الدین محمد معروف به میرزا کوچک بن حسین بن ابراهیم بن حسین بن حسین بن ابوالحسن ابو الحسین بن محمد امین بن غیاث الدین محمد معروف بمیر میران بن معزالدین

ص: 293

1- شهشهان از محلات اصفهان در قدیم آنجارا محله حسینیان می گفتند بعلت سکونت جمعی از سادات حسینی و پس از کشته شدن شاه علاء الدین محمد (850) ومدفون شدن در جنب مدرسه و خانقاه خود این محله را بنام او محله شاه شاهان و به تخفیف شهشهان گفتند . سادات شهشهانى اثر در سلسه و هر دو حسینی می باشند : 1- اعقاب شاه علاء الدین محمد مذکور بنام خانوادگی : شاه علایی - شهشهانى 2- منسوبین و اعقاب برادران آنا میر سید محمد بن عبدالصمد حسینی شهشهانى با نام خانوادگی بدری شهشهانى - میرشمس - میرشمسى و غیره .

محمد بن شاه نقی الدین محمد بن قوام الشرف حسین بن قطب الدین محمد بن محمد بن یحیی بن شاه علاء الدین محمد صاحب بقعه در محله شهشهان مصلوب و منتول بسال 850 در ساوه بامر شاهرخ و پتخر یک گوهرشاد بیگم زوجه او فرزند محمد بن محمد بن یحیی بن محمد بن محمد بن حیدر بن حسین بن محمد بن قوام الشرف بن محمد بن قوام الشرف بن هادی بن اسماعیل بن حسین بن علی بن حسن بن علی بن حسین بن عمر بن حسن بن علی بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهما السلام.

وی از فضلاء و بزرگان و ساکن محله شهشهان و ظاهراً از شاگردان حاجی کلباسی و حاج ملاعلی نوری و آقا سید محمد مجاهد بوده و مدتی نیز در خدمت سید حجة الاسلام تلمذ نموده و با ایشان باجناق (و به اصطلاح مردم اصفهان هم‌ریش) بوده یعنی زوجه او دختر آقا سید کاظم طباطبائی زواره ای بوده است.

اطلاعات خصوصی و ص 647 سوم آتشکده اردستان

43 - حاج ملا محمد جعفر نوری بن محمد طاهر بن ابوالقاسم نوری طهرانی معروف به چالمیدانی

(1)

ص: 294

1- چال میدان از محلات قدیمی طهرانست. تور از شهر های مهران مازندران . طهران پایتخت ایران : طالبین برای اطلاع از تاریخ و جغرافیای این شهر بکتابهای تاریخ طهران تألیف میرحسین یکرنگیان و تاریخ طهران تألیف مرحوم سید عبدالحجت بلاغی و تاریخ طهران تألیف عبدالعزیز جواهر کلام و مرآت البلدان ناصری و دیگر مواضع مراجعه نمایند فائده لغوی : چال در لغت درمانی زیادی بکار رفته از آنجمله : چاه کوچک - گودال وام دهی در قزوین از ترکیبات این کلمه است : چاله- چاله سیاه - چالشر - چال حصار- چال میدان .

از بزرگان علماء و فقهاء طهران بوده ، از شاگردان سید حجة الاسلام شفتی و مورد وثوق ایشان بوده و بر حسب خواهش جمعی از شیعیان هندوستان سید حجة الاسلام مشارالیه را جهت انجام وظائف شرعیه از امامت جماعت و قضاوت و توی بدانمت گسیل فرموده وی پس از مدت‌ها توقف در آن سامان و انجام وظائف محوله مقضی المرام به ایران باز گشت . وی همچنین خدمت مولی محمد جعفر شریعتمدار (1263 - 1198) تلمذ نموده است . سرانجام پس از سالها خدمت بدین و نشر و تبلیغ و ترویج احکام در شب دوشنبه 25 ماه صفر سال 1295 (ص 140 المآثر والاثار) ویاسال 1296 بسن هشتاد سالگی در طهران وفات یافت.

در لباب الالقب (ص 108) گوید: از رؤساء علماء طهران است و من او را دیدار کردم و شیخی بزرگوار بود انتهی پدرش اهل نور مازندران بود . وصاحب عنوان پس از مرگ هفت پسر همگان عالم ودانشمند بجای گذاشت که از آن جمله است حاج شیخ موسی معروف به شیخ المشایخ متوفی بسال 1354 قمری .

عبد العزیز جواهر کلام در تاریخ طهران (ص 75) بتقل از مرآت البلدان ناصری گوید : فرخ خان در آنجا مسجدی ساخت بسیار عالی دارای منصوره و شبستان و حجرات جهت سکای طلاب و ملا محمد جعفر مجتهد چالمیدانی که از از اجله علماء بود به امامت و تولیت این مسجد انتخاب نمود و اکنون (سال تألیف مرآت البلدان) آقا شیخ موسی فرزند ارشد او بامر امامت و تولیت قیام دارد .

44 - محمد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی

در تاریخ جمعه بیستم شوال 1239 کنایت نسخه ای از کتاب : ملحقات شیخ فخرالدین یحرحی را بدستور مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام بید آبادی .

ص: 295

بخط نسخ پایان رسانیده است .

کتاب بشماره (4970) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران در طهران موجود است.

ص 262 چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس مشار الیه احتمالاً از شاگردان سید حجة الإسلام می باشد .

45 - سید محمد جواد موسوی درب امامی

1)(1)

درب امام از محلات اصفهان و توابع قبرستان قدیمی چملان (سنبلان - سنبلستان) می باشد ، ساکنین این محله عموماً به درب امامی مشهورند .

سادات درب امامی سه گروهند : 1- سادات امامی عریضی حسینی 2- سادات موسوی رضا توفیقی کوه گیلویه ای . 3- سادات موسوی درب امامی .
صاحب عنوان ظاهراً از شاگردان سید حجة الاسلام بوده از آثارش :

مرقومه ای اسست در پشت نسخه ای از منتخب تحفه الابرار تألیف سید حجة الاسلام در معرفی کتاب که آنرا در هفتم شوال المکرام 1258 مرقوم داشته
است

ص: 296

1- امامزاده درب امام منسوبست به جناب ابوالحسن زین العابدین علی بن نظام الدین احمد بن شمس الدین عیسی ملقب ومشهور به رومی ابن جمال الدین محمد بن علی العریضی من الأمام جعفر الصادق علیه السلام ، اولاد و اعقاب این بزرگوار جمعی از بزرگان اصفهان بوده و می باشند و جمعی کثیر از آنان در حوالی مقبره او در محله چملان که اخیراً آنجا را سنبلستان نامیده وسادات چملان سکونت دارند و همین مناسبت به درب امامی شهرت یافته اند،
عده زیادی از علماء اصفهان و غیره از سادات عریضی درب امامی از اولاد و اعقاب او می باشند .

نسخه کتاب در کتابخانه فاضل ارجمند جناب حاج سید مرتضی شهشهانی فرزند واعظ متقی مرحوم آقا محمد صدر الذاکرین حسینی شهشهانی بیدآبادی موجود است .

46- حاج سید جواد بن علیرضا بن محمد بن کمال الدین موسوی رضوی قمی

نامش سید محمد تقی لکن به سید جواد شهرت داشته . عالم فاضل زاهد عابد صالح منفی از علماء از گیاه فقیه رجالی .

در قم متولد گردیده و پس از فراغت از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و بدرس سید حجت الاسلام و آقا شیخ محمد تقی رازی حاضر شده و سپس به اعتاب مقدسه هجرت کرده در آنجا بدرس مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام و مدتی نیز بدرس شیخ انصاری حاضر شده پس از وصول بمقامات عالیہ علم واجتهاد بقم مراجعت نموده و ریاست علمی و مذهبی قسم در عصر او بلور اختصاص یافته و عمر عزیز را بدرس و بحث واقامه جماعت و امر معروف و نهی از منکر و ترویج احکام و تألیف و تصنیف گذرانید .

در المآثر والاثار (ص 154) درباره او گوید: مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعی هیچ نکته ای فرو نمی گذشت (انتهی) صاحب عنوان در شنبه 4 صفر سال 1303 در قم وفات یافته در مقبره جناب زکریا بن آدم⁽¹⁾ در قبرستان شیخان قم⁽²⁾ در جنب

ص: 297

1- ثقہ جلیل القدر زکریا بن آدم از اصحاب حضرت رضا علیه السلام که در باره او فرمودند : المأمون علی الدین والدنیا - اللهم ارزقنی فی الدنیا زیارتہ و فی الاخرة شفاعتہ .

2- قم دومین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت فاطمه معصومه علیها سلام دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است .

جد و پدرش مدفون گردید . پدرش نیز از علماء بوده و در سال 1228 وفات یافته و اولاد و اعقابش خاندان پیشوائی در قم می باشند .

وی از شیخ محمد بن حاج محمد چکنی گزازی قمیمتوفی بسال 1278 هجری اجازه داشته و تاریخ اجازه سال 1269 می باشد . . .

(ص 245 یکم الذریعه) کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: 1- الدرّة الباهرة فی احکام العترة الطاهرة در دو مجلد 2 - مقالید الاحکام در فروع فقه در شش مجلد . یک مجلد آن بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه آیت الله مرعشی شماره (3915) موجود است (ص 294 دهم فهرست کتابخانه) 2- ینابیع الحکم در توحید ، و حدود بیست عدد کتاب و رساله دیگر .

ص 347 بکم نقباء البشر. ص 234 شخصیت شیخ انصاری - ص 98 رجال قم مقدسی زاده - ص 255 و 271 تاریخ قم ناصر الشریعه .

47 - آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی بید آبادی معروف بمقدس

مرحوم آقا سید ابراهیم از اهالی ساوه بوده و پدرانش از سادات مختاری سبزوار و به ساوه مهاجرت نموده بودند و آقا سید ابراهیم از سیاره به اصفهان آمده و سیدی جلیل زاهد و عابد و مقدس بوده و چون به اصفهان آمد مرحوم سید حجة الاسلام او را با احترام پذیرفته و در جنب منزل خود برای او خانه ای تهیه نموده مشار الیه خواهر آقا میر سید محمله شهبهانی را بزوجیت اختیار نموده و بعد از سال 1200 وفات یافته در قبرستان قبله دعا مدفون گردید و قبرش تا این تاریخ معلوم و معروفست و اهالی محل زیارت او میروند و به او اعتقاد دارند .

فرزندش آقا سید حسن از ائمه جماعت و فضلاء بوده و روزگار بزهده و عبادت

ص: 298

می گذرانیده در نزد سید حجة الاسلام و حاجی سید اسد الله و آقا میر سید محمد شهبهانی فی الجملة تلمذ نموده و زهدش بر علمش افزون بود. در حدود 1240 متولد و پس از 1295 وفات یافته در نزد پدر مدفون گردید. فرزندش آقا سید عبد الحسین از علمای بزرگوار و بزهد و قناعت معروف بود قبل از سال 1346 بسن قریب هشتاد سالگی وفات یافته در مقبره سر قبر آقا در محله خابجون هدفون و سپس به عتبات نقل گردید .

مرحوم آقا سید عبد الحسین سه فرزند پسر داشت : 1- حاج آقا محمد مقدمی عالم فاضل مجتهد صاحب کتاب الأوائل مطبوع 2- حاج آقا حبیب الله 3- آقا محمد علی رحمة الله علیهم أجمعین . .

48 - حسن بن احمد صفاری

(صفاری) در سال 1244 مجلدات شش گانه مطالع الانوار تألیف سید حجة الاسلام را کتابت نموده است نسخه مجلدات در کتابخانه مسجد جامع بزد موجود است . .

ص 143 بیست و یکم الذریعه

صاحب عنوان احتمالاً از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد .

49 - سید محمد حسن مجتهد موسوی

فرزند آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجهئی (1) عالم فاضل زاهد متقی

ص: 299

1- خواجه و خاجویکی از محلات قدیمی اصفهان است که قدیم آنجا را باغ کاران می گفته اند و در جنوب شرلی شهر در کنار زاینده رود قرار دارد . نویسنده سطور رساله مختصری در تاریخچه این محله تألیف نموده و پچاپ رسیده است در این جا دیگر نیازی بشرح و توضیح ندارد طالبین بکتاب نامبرده مراجعه نمایند .

از علماء، ابرار و فقهاء اخيار جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول، فرزند فاضل جليل آقا سيد محمد سعيد بن محمد صادق بن سيد ابوالقاسم خواجوی متوفی بسال 1191 مدفون در تخت فولاد در تکیه های مخصوص نرسیده به تکیه فاضل سراب . اجداد ایشان از یزد به اصفهان منتقل گردیده و بنی اعمامش در یزد به سادات شاهزاده فاضلی شهرت داشته و دارند .

صاحب عنوان در حدود سال 1207 در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند و ادیب خود و جمعی از بزرگان علماء همچون آخوند ملا علی نوری

میرزا ابوطالب صاحب حاشیه بر سیوطی و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تحصیل نموده و حتمالا از محضر آقای سید صدر الدین محمد عاملی نیز کامیاب شده است تا بمقامات عالیہ علم و اجتهاد رسیده و از جمعی از فحول مجتهدین به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده که از آنجمله است: 1- آقاسید رضا بن علامه بحر العلوم (متولد در 1189 متوفی 1254 مؤلف 1- اصول الفقه 2- شرح بر شرح لمعه

3- شرح بر شرایع 4- کشف القناع در اصحاب اجماع وغیره) 2- آقا محمدرضی بظن نویسنده آقا سید رضی لاریجانی مازندرانی از معروفترین شاگردان حاج ملا علی نوری متوفی بسال 1270) 4- آقا سید صدرالدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی (متولد در 1193 او متوفی در 1263 مؤلف کتب عدیده) 4- ملا مهدی بن محمد صادق قمبوائی سمیرمی اصفهانی متوفی شب جمعه سوم رجب 1255 مدفون در تخت فولاد در جنب فاضلان 5- میرزا محمد مهدی نایب الصدر بن محمد کاظم بن علی نقی بن علیرضا بن میرزا محمد باقر پیشنماز مسجد شاه ابن سید علیرضا حسینی عاملی اصفهانی متوفی بسال 1267 مدفون در بقعه تکیه آقا سید رضی الدین محمد موسوی شیرازی اصفهانی در تخت فولاد (معروف به تکیه آقا رضی و متوفی در روز جمعه 5 ربیع الثانی سال 1113).

مرحوم آقا سید محمد حسن را تألیفات زیادی است. از آنجمله : 1- رسالهای در احیای موات 2- رساله جبنیه 3- رساله در جواز تسامح در ادله سنن 4- رساله در رد مظالم 5-سؤال و جواب در ارث 6- شرح تهذیب منطق تقنازانی 7-شرح بر شرح رضی بر شافیه 4- رساله در شرط ضمن العقد 9- رساله در شیربهاء 10- یک دوره کامل فقه در شش مجلد 11- مهجة الفؤاد در شرح بر ارشاد علامه حلی در 14 مجلد و غیره .

مؤلف بزرگوار در جمادی الاولی سال 1263 در اصفهان وفات یافته در جنب پدر و اجداد خود مدفون گردید و اینک قبر او در تکیه ای بنام (تکیه مهدوی) در جنب تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد قرار دارد .

فرزندش مرحوم حاج سید مهدی نحوی و مرحوم آقا سید شهاب الدین و محمد تقی پدر نویسنده کتاب می باشد . رحمة الله علیهم أجمعین .

50- آقا میر سید حسن مدرس مهر محمد صادقی

فرزند سید علی بن محمد باقر بن مهر محمد اسماعیل واعظ بن ابوصالح بن عبد الرزاق بن محمد بن ابوالمعالی بن شمس الدین محمد بن عبدالرضا بن ابوالفتح محمد بن مهدی بن تاج الدین علی بن شمس الدین علی الاکبر بن ناصر الدین احمد بن شرف الدین محمد بن شمس الدین ابوالقاسم علی بن عمید الدین عبدالمطلب بن جلال الدین بن ابراهیم بن حمید الدین عبدالمطلب اول ابن شمس الدین علی بن تاج الدین حسن بن شمس الدین علی عمیدالدین ابی جعفر بن عزالدین ابی نزار عدنان بن عبیدالله ابن ابی علی عمر المختار بن مسلم الاحول ابن ابی علی محمد بن محمد الاشر بن عبید الله بن علی بن عبید الله الثانی بن علی الصالح بن عبید الله الأعرج بن الحسين الاصغر بن الامام علی بن الحسين

ص: 301

عالم فاضل فقیه مجتهد جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول عابد زاهد معروف به مدرس در سال 1210 در اصفهان متولد و در اصفهان و کربلا و نجف نزد عده زیادی از بزرگان مجتهدین تلمذ نموده و از چند نفر اجازه روایت داشته است.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 476 دوم) ویرا عنوان فرموده و شرح حال نسبتاً جامع و مبسوطی از وی نوشته لکن بشاگردی او نزد سید حجة الاسلام و با اجازه داشتن از ایشان کوچکترین اشارتی ننموده لکن در معارف الرجال (ص 197 دوم) ویرا در عداد شاگردان و مجازین از سید حجة الاسلام می‌شمارد و یظن نویسنده مقتضای زمان نیز چنین بوده .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص 110 یکم) ویرا دو بار عنوان نموده است شرح حال او در عموم کتب تراجم رجال مذکور همگان به عظمت و بزرگی و فقاہت و حسن سلیقه و حسن بیان او اشاره نموده اند . تألیفات عدیده دارد که از آنجمله است : 1 - الاجازات 2 - اجوبة المسائل 3 - اصالة البراءة 4 - اصالة الصفحة 5 - جوامع الأصول 6. رساله در شک در مکلف به 7- رساله در عبادات بفارسی 8- رساله در عدالت 9 - رساله عملیه 10 - رساله در فقه استدلالی 11 - رساله در قاعده لاضرر 12 - مناسک حج و غیره.

صاحب عنوان سرانجام در روز 3 جمادی الثانیه سال 1273 در اصفهان وفات یافته در مقبره مخصوصی جنب مسجدی که خود بنا نموده و بنام مسجد رحیم خان شهرت دارد مدفون گردید و جمعی از اولاد و اعقابش در همان بقعه دفن شده‌اند .

رفع اشتباه : در تکمله نجوم السماء (ص 465 یکم) ویرا بنام میرزا حسن بیدآبادی عنوان نموده و گوید جناب سید باقر رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی تزیل سامراء از شاگردان ایشانند .

اشتباه در سید باقر رشتی (مراد سید محمد باقر حجة الاسلام رشتی است) ظاهر و شاگردی میرزای شیرازی معروفست ، زیرا سید حجة الاسلام استاد اوست نه شاگرد .

51- سید حسن بن علی بن رضی ابن عبد الغنی حسینی کاشانی معروف به امامت .

دانشمند محترم آقای سید عزیز الله امامت فرزند میر سید فخرالدین امامت از علمای معاصر در رساله : « تبصرة المعاريف » در شرح حال صاحب عنوان (ص 24) می نویسد :

از مجتهدین میرز کاشان و مجاز از طرف جمعی از مراجع تقلید عصر شان و از تلامذه مرحوم سید المعروف الملقب بحجة الاسلام آقای حاج سید محمد باقر رشتی که در اصفهان بوده و مدتی نزد ایشان بفنون علوم استفاده فرموده و هم در خدمت جمعی دیگر از علمای بزرگی که ذکرش موجب تطویل (ای کاش اسامی تمام اساتید و برا می نوشتند) .

کتب زیر را از تألیفات صاحب عنوان در رساله نامبرده ذکر نموده اند : 1- احقاق الحق فی الظن المطلق 2- السمحة السهلة فی الفقه .

مؤلف رساله نامبرده فاضل گرامی سید عزیز الله بن فخر الدین بن مهدی بن سید علی بن رضی بن عبد الغنی حسینی کاشانی از احفاد برادر بزرگوار صاحب عنوانست .

52 - سید حسن بن سید هاشم موسوی اصفهانی

فرزند سید میرزا بن محمد بن حسن بن نصر الله بن حسن بن حسین بن عیسی بن خمیس بن هاشم بن احمد بن ناصر بن سلیمان بن موسی بن رضا (صالح) بن علی

ص: 303

بن محمد بن کمال الدین بن محمد بن علی بن محمد بن حسین بن طاهر بن ابراهیم بن علی بن عیسی بن حسن بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام.

عالم فاضل منفی در حدود سال 1200 متولد گردیده و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجة الاسلام شفتی و حاجی کلباسی و شاید حاج ملا علی نوری تلمذ نموده و در ضمن تحصیل به شغل زنجیره بافی نیز اشتغال داشته و از امتیازات او عمامه سبز بوده که تا این اواخر در بین احقاش متداول بود سرانجام در حدود سال 1270 بانذکی بیشتر در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید .

فرزندش آقا سید محمد و نواده اش مرحوم حاج سید علی زنجیره فروشی از اساتید فن قراءت و تجوید در اصفهان بشمار میرفت در حدود سال 1275 متولد و در سال 1351 در اصفهان وفات یافته در تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون گردیده و سپس به اعتاب مقدسه عراق منتقل گردید .

فرزند ایشان مرحوم حاج سید مرتضی ظهیرالواعظین (ظهیر الاسلام) واعظ فاضل و ادیب کامل از وعاظ و گویندگان مشهور و طراز اول اصفهان بشمار میرفت .

53- ملا حسین اردستانی

در تکمله نجوم السماء (ص 464 یکم) گوید : ساکن همدان از تلامذه سید باقر رشتی در فقه و کلام سرآمد اسلام بود صحبت منبرش بی نظیر بود در مسائل فقه استحضاری تام میداشت که حاجت بتأمل در جواب استفتاء نداشت. کتابی مبسوط در اصول دین نوشته، بغایت جری القلب و شجاع بود با آنکه خانه اش را آتش زدند لکن هیچگونه مغموم نشد و همان روز قریب همدان درد می رفته بوعظ مشغول شد.

ص: 304

54- شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی .

عالم فاضل مؤلف کتاب : نماز برهنه وان رساله‌های فارسی است در نماز مطابق فتاویٰ مرحوم سید حجة الاسلام شنتی اصفهانی که صاحب عنوان آنها را جمع آوری نموده است.

نسخه ای از این کتاب بخط: حسین بن عزیز اله اصفهانی مورخ بسال 1246 در سامراه در کتابخانه علامه محقق مرحوم آقامیرزا محمد طهرانی بنظر مؤلف الذریه رسیده است (ص 311 جلد 24 کتاب الذریعه).

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است. ممکن است که صاحب عنوان مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول باشد. باید تحقیق شود.

55- محمد حسین کاشی اصفهانی: وی ظاهراً از شاگردان سید حجة الاسلام شفتی بوده است .

در پشت نسخه ای از کتاب : « الزهرة البارقه » تألیف مرحوم حجة الاسلام شفتی نوشته است که :

صاحب عنوان مالک نسخه کتاب بوده و آنرا گم کرده است شیخ علی برغانی آنرا از زنی در بازار اصفهان خریده است مرحوم شیخ محمد حسین کاشانی توسط حجة الاسلام از موضوع آگهی یافته و کتابرا از مرحوم آقا شیخ علی بساز خریده است .

کتاب نامبرده بشماره (4719) در کتابخانه (مجلس شورای اسلامی ایران موجود است (ص 1697 مجلد چهارم از دهم فهرست کتابخانه مجلس).

ص: 305

56- میر حسین طباطبائی کچویهای اردستانی

از فضلاء و ساکن قصبه کچویه به بلوک سفلی اردستان(1) بوده در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده و معاصر باسید حجة الاسلام شفتی و احتمالاً شاگرد ایشان بوده است.

مشار الیه دارای فرزند پسری بنام سید میرزا علی اصغر بوده که وی سر سلسله سادات طباطبائی سید علی اصغری می باشد .

در کتاب : آنشکده اردستان (ص 75 یکم) نامی از صاحب عنوان برده شده کن به شاگردی او نزد حجة الاسلام اشاره ای نشده است .

57- شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی

از شیراز جهت تحصیل به اصفهان مهاجرت نموده و مدت دو سال در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام بکسب علوم پرداخته است سپس در خدمت مرحوم حاج سید اسد الله فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر به اعتاب مقدسه کربلا و نجف اشرف مشرف گردیده و مدت پنج سال در خدمت علماء بزرگوار آنجا به تکمیل علوم خود پرداخته سپس به اصفهان مراجعت نموده و در سال 1253 به اجازه اجتهادی از استاد خود سید حجة الاسلام مفتخر شده است. . . مشار الیه عالمی بزرگوار وادیب و شاعر بوده و بفارسی و عربی شعر میسروده

ص: 306

1- کچویه از قرای اردستان است و آن غیر از کچویه از بلوک دید غمش لنجان سلبا می باشد. در کتاب : آنشکده اردستان راجع به تاریخ و جغرافیای کچویه اردستان مطالبی نوشته قلم طالبین مراجعه نمایند .

در اوائل متمایل به علوم غریبه و کیمیا بوده سپس متوجه فقه و اصول شده و در آن مهارت و استادی یافت، کتب زیر از تالیفات اوست : 1 - اللؤلؤ المنشر منظومه تهیه در سال 1252 سروده است 2 - رساله در مسأله بیمه و آنرا به چهارصد و هشتاد صورت گوناگون تصور نموده است (ص 191 تراجم الرجال)

58- شیخ محمد حسین بن حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

عالم فاضل پدرش از خواص و نزدیکان سید حجة الاسلام بوده و شرح حالش مجملاً مذکور شد.

صاحب عنوان در اصفهان نزد طهای این شهر تلمذ نموده و پس از وفات پدر در مسجد آقا نور واقع در محله دردشت امامت مینموده است.

از آثارش نسخه ای از شرح حدیث غمامه تألیف قاضی سعید قمی (محمد بن محمد مفید قمی است) تعلیقات پدر خود را بر این رساله با نشانه (من الوالد سلمه الله) نقل نموده تاریخ کتابت نسخه 1263 می باشد (ص 476 - الکرام البرره) در کتاب نامبرده و کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 44) و دیگر مواضع اشاره ای بشاگردی صاحب عنوان در نزد سید حجة الاسلام نشده است لکن متون بلکه قطوع با توجه به ارتباط و خصوصیات پدر با مرحوم حجة الاسلام آنست که وی در نزد ایشان تلمذ نموده است .

مرحوم آقا محمد ابراهیم قزوینی داماد مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی ظاهراً فرزند همین آقا شیخ محمد حسین می باشد .

59- سید محمد حسین بن سید محمد نقی مستجاب الدعوه موسوی خواجهانی اصفهان عالم فاضل

در حدود سال 1210 در اصفهان

ص: 307

متولد گردیده و مقدمات علوم رانزد پدر دانشمند خود و جمعی از احوال فراگرفته سپس در محضر حاجی کلباسی رسید حجة الاسلام و آقامحمد تقی رازی حاضر گردیده و بقدر وسع و طاقت خود از خرمن فضائل آنان خوشهها چیده امید ترفات درباره او میرفته لکن در جوانی بسال 1260 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید .

فرزند مرحوم حاج سید عبدالحمید از فضلاء اصفهان در 1250 متولد و در 6 رمضان المبارک 1316 وفات یافته در جنب پدر وجد خویش مدفون گردید . ویرا حواشی مختصری است بر نسخه ای از سیوطی که آنرا بخط خود نوشته است صاحب عنوان عموی پدر نویسنده است رحمة الله علیه)

60- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم دوم

فرزند محمد رفیع بن محمد رحیم اول بن سید مرتضی بن میر محمد اشرف بن سید عبدالحسیب محمد بن میر سید احمد عاملی (بقیه نسب نامه او در میرسید احمد میردامادی نوشته شد).

عالم فاضل جلیل ورع متقی از سلسله جلیله میردامادی ساکن سده بلوک ماربین اصفهان در اصفهان خدمت حاجی کلاسی و سید حجة الاسلام شفقتی تلمذ نموده و پس از نیل بمقامات عالیه علم بموطن خویش مراجعت نموده و به نشر احکام و اقامه جماعت و رسیدگی به امور مردم و فصل خصومات پرداخته در نزد عموم طبقات مردم در اصفهان و ماربین خصوصاً نزد علماء و مجتهدین مورد احترام و وثوق بوده و در سده وفات الله هم انجامد فون گردید(ص24 مقدمه لطائف غیبیه و اطلاعات متفرقه خارجی).

61- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم میر دامادی سدهی

در مقدمه لطائف غیبیة (ص 24) در باره مشار الیه می نویسد:

از علمای بزرگ و با نفوذ و با تقوی و مقتدر و شجاع و از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام رشتی بوده است صداقت و صمیمیت بین او و مرحوم حاج سید اسدالله شفتی وجود داشته و یک عمر با تقوی اور عزندگی کرده است (انتهی)

سال وفات او بدست نیامد.

62- سید حسین بن محمد صادق حسینی امامی عریضی اصفهانی

(1):

عالم فاضل از شاگردان سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی و آقا سید محمد مجاهد در اصفهان بوده ، در اصفهان متولد و هم در این شهر به تحصیلات خود

ص: 309

1- سادات عریضی منسوبند به جناب ابو الحسن علی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام از بزرگان امام زادگان عالم فاضل محدث ثقة جلیل در موقع رحلت حضرت صادق علیه السلام کودک بود از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام روایت می کند و در عمدة الطالب است که درک محشر حضرت هادی علیه السلام دانیز نموده و در زمان آن بزرگوار رحلت کرده است و در محل قبرش اختلاف است : 1- برخی گویند در قریه عریض (بضم اول وفتح ثانی) که ملک آنجناب بوده می باشد و هنوز آثار قبر ظاهر است 2- در قم صحن و بشه و بارگاه دارد 3- در خارج شهرسمنان دارای قبر و محن و بار گاه می باشد و مرحوم ثقة الاسلام نوری در خاتمه مستدرک میفرماید قبر شریفش همانست که در قریه عریض یک فرسخی مدینه است ،

ادامه داده و سرانجام در همین شہر وفات یافته . تاریخ تولد و وفاتش بدست نیامد از آثار او نسخہای از کتاب : ذخیرۃ المعاد تألیف مولی محمد باقر سبزواری اصفہانی است کہ آنرا در سال 1230 بخط نسخ از روی نسخہ ای کہ از روی نسخہ اصل بخط مؤلف بودہ استنساخ نمودہ است ، این کتابرا برای سید حجۃ الاسلام مفتی کنایت نمودہ و در آنجا گوید :

قد نقلت هذا الكتاب من خط ناقل خط المؤلف وقد كتبت لمولانا واستادنا وسيدنا سيد محمد باقر دام ظلہ . نسخہ بشماره (92) در 408 برگي از زکوة تاحج در کتابخانہ مدرسہ فیضیہ قم موجود است (111 یکم فهرست نسخہ های خطی کتابخانہ مدرسہ فیضیہ قم تألیف علامہ محقق متشیع حاج شیخ رضا استادی تهرانی از مدرسین حوزه علمیہ قم و مؤلف کتب کثیرہ حفظہ اللہ تبارک و تعالی).

63 - حسین بن عزیز اللہ اصفہانی

در شرح حال شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی نوشتیم کہ :

حسین بن عزیز اللہ اصفہانی در سال 1246 نسخہ ای از کتاب : نماز برہنہ تألیف مشار الیہ را کتابت نمودہ است.

احتمال می‌رود کہ کاتب نسخہ همچون مؤلف از شاگردان سید حجۃ الاسلام بودہ باشد.

64 - میر محمد حسین بن میر سید علی حسینی میر محمد صادقی

برادر آقا میر سید حسن مدرس سابق الذکر . از علماء اخیار و فضلاء و ائمہ جماعت و محل وثوق و اعتماد عموم طبقات

ص: 310

بوده. در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علم و دانش همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تلمذ نموده سرانجام در روز دوشنبه 22 ذی الحجه سال 1288 وفات یافته در تخت فولاد پائین سکوی قبر فاضل هندی مدفون گردید ..

دانشمندان اصفهان ص 291 واطلاعات متفرقه

65 - حسین بن علی لنجانی اصفهانی

.. (1)

در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه رجالی مرحوم سید حجة الاسلام شفتی شامل 19 رساله در 126 برگ بخط نسخ صاحب عنوان موجود است که تاریخ آن یازدهم محرم 1252 می باشد.

ممکن است مشار الیه نیز از شاگردان و حاضرین مجلس درس مرحوم حجة الاسلام بوده باشد.

66 - مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی

عالم فاضل زاهد عابد، از اجله فضلاء و اتقیاء بوده در اصفهان خدمت پدر خود و مرحوم سید حجة الاسلام شفتی تلمذ نموده و در کربلا سالها بدرس شریف العلماء مازندرانی حاضر گردیده تا بمقامات عالیله علم و اجتهاد نائل شده و باصفهان مراجعت نموده مورد توجه مخصوص سید حجة الاسلام واقع گردیده و پس از وفات ایشان از مخصوصین سید حجة الاسلام ثانی حاج سید اسد الله بید آبادی واقع شده و مورد وثوق و اطمینان ایشان و مورد توجه عموم طبقات خواص و عوام

ص: 311

1- لنجان بروزن فنجان از بلوک غربی اصفهانست و بدوقسمت علیا و سفلی تقسیم گردیده و هر یک دارای قری و مزارع بسیار است

واقع گردیده پس از وفات پدرش در مسجد میرزا باقر در محله بیدآباد امامت مینموده سر انجام در 14 جمادی الثانیه سال 1302 در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سید مدفون گردید . مشار الیه دارای سه فرزند پسر بنامهای ا- حاج آقا جلال الدین 2 - آقا شهاب الدین 3- آقا کمال الدین بود. مرحوم حاج آقا جلال الدین پدر عالم فاضل مرحوم حاج آقا جمال الدین خونساری بود که با فوت ایشان متأسفانه علم و روحانیت از این سلسله منقضی شد کتب زیر از صاحب عنوانست : 1- حکم الغسالة بعد الانفصال فقه عربی رساله مختصری است در چهاربرگ که مؤلف آنرا بدستور پدر خود تألیف نموده است 2- دروس الاصول تاریخ فراغت از تألیف جلد یکم 16 ذی الحجه 1248 در اصفهان (ص 144 هشتم الذریعه) 3- المرشد فی شرح التبصره فقه عربی شرح استدلالی متوسطی است بر کتاب تبصره علامه حلی تاریخ طهارت و صلوة 1259 تاریخ زکوة 1260 - رساله اول و سوم ضمن مجموعه شماره 122 کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم بخط مؤلف موجود است و قبل از کتاب اجازه اجتهاد برای مؤلف از شیخ علی بتاریخ دوم ربیع الاول 1260 و اجازه اجتهاد دیگری از سید حسن بن محمد صادق موسوی جرفادقانی بتاریخ 1264 و روی برگ اول رساله حکم الغسالة اجازه اجتهادی است که سید حسن بن علی بن محمد باقر بمشار الیه داده است بتاریخ 1264 نویسنده فهرست احتمال داده اند که سید حسن نامبرده نوه حجة الاسلام شفیعی باشد (لکن یقیناً ابن سید حسن مرحوم آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی حسینی می باشد . مهدوی) در صفحه آخر مهر بیضوی { بلغ العلی بکماله } ، نیز دیده میشود.

نویسنده گوید : مهر مزبور نیز از مرحوم آقا کمال الدین خونساری فرزند ولی محمد حسین نامبرده می باشد .

ص 116 جلد اول فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی

ص: 312

معروف به ملا میرزا جان رشتی . در تاریخ شبه یک شنبه 16 جمادی الثانیه سال 1245 بر روی برگ آخر کتاب : شرح لمعه مطالبی از کتاب تحفة الابرار مرحوم سید حجة الاسلام راجع به دندانها نقل می کند .

نسخه کتاب شرح لمعه در کتابخانه رضویه قم موجود است (ص 17 فهرست کتابخانه رضویه قم).

ظاهراً مشارالیه نیز از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است .

و او غیر از ملا آقا جان شمس گیلانی واعظ ادیب شاعر (1354 - 1254) می باشد .

68- ملا حمزه بیرجندی

(1) در بهارستان آیتی (ص 277) در باره او گوید :

ص: 313

1- آیتی در بهارستان (ص 10) به خلاصه می نویسد : بیرجند از اقلیم چهارم است زمینش خشک وهوایش معتدل و هفده هزار نفوس دارد ودار الملک خله قائنات است آبش در قدیم از قنات بوده و اکنون لوله کشی شده است شیروانی در بستان السیاحه (ص 133) می نویسد : بیرجند قصبه ای است شهر ماند از توابع دهستان ... نمد بیرجندی معروفست (و آنجا را بر جند می نویسند). ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیایی: 59/15/00 عرض: 32/52/20 انحراف قبله: 61/08/11 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1480 متر. نویسنده فاضل آقای محمد علی منصف در مقدمه کتاب : امیر شوکت الملک علم امیرقائن شرح بسیار مختصری از تاریخ و جغرافیای بیرجند مرقوم داشته طالبین بدانجا مراجعه کنند.

سر آمد افاضل متبحرین و اعظام متأخرین است در علم رجال و درایت الحدیث از علمای بلند منزلت گوی سبقت ربوده و در مباحث فقه و اصول بر قهواء عالی مرتبت بلندی جسته گویا تلمذش در اصفهان بر حجة الاسلام سید محمد باقر رشتی و دیگر علماء آن شهر بوده .

از بعضی فضلاء مسموع شد که حجیت مظنه واستصحاب را پیش از آنکه شیخ انصاری علیه الرحمه بنویسند جزواتی از آخوند ملاحظه در دست بوده که حاوی اکثر مطالب شیخ بود . وبالجمله در اواخر حال خاطرش از امرای قاین رنجیده و بشهر طیس مهاجرت کرده و در آنجا متوفی شده .

69 - مولی حمزة بن اسدالله جازاری فرزند عبدالله بن علی محمد شریف علوی قاینی اصفهانی .

در بهارستان (ص 302) درباره او گوید : از اعمام کرام مؤلف است اول بعنوان تحصیل باصفهان رفته و چندی به مجلس درس حجة الاسلام رشتی و حاجی کرباسی حاضر می شده اخیراً در همانجا متوطن و متأهل گردیده ونوبتی سید مرحوم او را بواسطه طلاق لسان وفصاحت بیان انتخاب و برسالتی و اصلاح امری برشت فرستاده و باز باصفهان عودت کرده . خلاصه آنکه علاوه بر مقام علم وفضل ناطقی فصیح البیان بوده و واعظی رطب اللسان واز آقا محمد مهدی ولد حاجی کرباسی اجازه در فقه و حدیث دارد و در مراجعت از قاین باصفهان در بلده شاهرود متوفی گردیده .

نویسنده گوید: صاحب عنوان عموی پدر حاج شیخ محمد حسین آیتی مؤلف کتاب بهارستان می باشد .

صاحب عنوان رافرزندی فضل بنام اسدالله (443 بکم الکرام البرره) بوده.

در الکرام البرره در صفحات (129 و 443) نام جدش را محمد ذکر می کند اما در بهارستان حمزة بن اسدالله بن علی محمد شریف می نویسد.

ص 306 بزرگان و دانشمندان اصفهان

70- آخوند ملا رجبعلی بن محمد

آثار ملکیت او در سال 1258 در پشت نسخه ای از منتخب تحفة الابرار سید حجة الاسلام مشهود است ، سجع مهر : عبده رجبعلی بن محمد 01244

ظاهراً مشارالیه از شاگردان سید حجة الاسلام شفقی بوده است.

نسخه منتخب تحفة الابرار در کتابخانه فاضل محترم آقای حاج سید مرتضی شهشانی به شماره ترتیب 36 موجود است.

71 - سید محمد رضا موسوی شیرازی

(1) فرزند سید اسماعیل بن ابراهیم بن صالح بن ابوعلی محمد بن علی مردان

ص: 315

1- رکن زاده آدمیت در کتاب دانشمندان و سخنسرایان فارسی (ص 4 یکم) می نویسد شیراز یکی از شهرستانهای هشتگانه استان هفتم کشور است، آب و هوایش بطور کلی معتدل و درجه حرارت نسبت به پستی و بلندی زمین متغیر است، زبان مردم شهر فارسی و مذهبشان شیعه دوازده امامی ، در سال 74 هجری محمد بن یوسف ثقفی آنجا را بنا کرده است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/32/00 عرض: 29/36/00 انحراف قبله: 57/22/51 ارتفاع از سطح دریا 1540 متر. تعداد نفوس (شهر فقط) 170/000 نفر

بن ابوالقاسم محمد تقی بن مقبول الدین حسین بن ابوعلی حسن بن محمد بن فتح الله بن اسحق بن هاشم بن محمد بن ابراهیم بن ابوالفتیان بن عبدالله بن الحسن بركة بن ابوالطیب احمد بن ابوعلی الحسن بن ابوالحسن محمد الحائری بن ابراهیم المجاب بن محمد العابد بن الامام موسی الكاظم علیه السلام .

عالم فاضل محقق در 1223 در شیراز متولد گردیده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد شیخ محمد تقی رازی و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تلمذ نموده (چنانکه خود در مقدمه انوار الرضویه می نویسد).

سپس بطهران منتقل گردیده به ترویج و تبلیغ احکام شرعیه پرداخته سرانجام در سال 1308 در آنجا وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1 - الانوار الرضویه معروف به شرح رضوی در شرح کتاب مختصر نافع بچاپ رسیده و نسخه آن نزد نگارنده موجود است

2- جامع الدعوات المنجی من الهلکات 3 - درر اللالی در اصول فقه 4 - رساله ای در نماز شب ه - مدائن العلوم 6- وجیزه الرجال خلاصة علامه را مختصر نموده است (مکارم الآثار ص 772 سوم) در نقباء البشر (ص 738 دوم) کتب زیر را نیز از تألیفات او ذکر می کنند 7 - رساله در اصول فقه 8- صباح الرضوی -المقابد.

اولاد و اعقاب او و برادرانش در طهران و شیراز و دیگر شهرها ساکن وعده ای از آنها اهل علم وفضل وجمعی از آنان اهل منبر و موعظه و ارشادند . وفقهم الله تبارک وتعالی فیما یحب ویرضی .

تکمله نجوم السماء (ص 199 یکم) گوید :

ماکن طبس تحصیل علوم و فنون در اصفهان خدمت آقا سیدمحمدبار رشتی طلاب ثراه و هم از دیگران نموده در حدود ثمانین بعد المأتین والالف بعالم بقاء

ارتحال تیرد .

صاحب عنوان ظاهراً از طبس خراسان بوده است (1).

73 - حاج میرزا محمد رضا کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه فقیه زاهد حاج محمد ابراهیم علیه الرحمه از علماء متنفذ ورؤساء اصفهان بوده در این شهر خدمت پدر بزرگوار وسید حجة الاسلام و جمعی دیگر از دانشمندان تحصیل نموده در شب 14 رمضان المبارک سال 1219 متولد و شب 14 شعبان المعظم 1284 در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر بزرگوار مدفون گردید .

رجال اصفهان ص 162 - شرح حال حاجی کلباسی ص 23 واطلاعات متفرقه .

ص: 317

1- در خراسان در ناحیه بنام طبس معروفست. یکی از قرای سبزوار . شهری از شهرهای خراسان (ص 66 تاریخ علمای خراسان .) ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 60/13/40 عرض جغرافیائی: 32/48/00 انحراف قبله: 62/58/02 جنوب غربی

فائده : در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص 489) در ضمن موقوفات مدرسه کاسه گران می نویسد :

26- مزرعه تقی آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمد رضا کلباسی و میرزا محمد تقی (انتهی).

تاریخ وقفنامه شوال 1104 هجری می باشد و معلوم می شود که در این قرن - یعنی اوایل قرن دوازدهم - خاندانی در اصفهان بشهرت {کلباسی} می زیسته اند موضوع قابل دقت و بررسی است.

74 - محمد رضا بن محمد رفیع

در روز جمعه 10 رجب 1239 کنایت نسخه ای از کتاب : الحلیة اللامعه در شرح سیوطی تألیف سید حجة الاسلام را در اصفهان پایان رسانیده است.

نسخه کتاب در کتابخانه مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی موجود بود به کتابخانه حاج سید محمد علی روضاتی منتقل گردید . احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد.

ص 83 هفتم الذریعه

75 - شیخ محمد رضا لاهیجی فرزند مرتضی عالم فاضل فقیه .

مشارالیه نسخه ای از مجلد چهارم مطالع الانوار تألیف مرحوم سیدحجه الاسلام را مسالک بوده و حواشی مختصری که نمودار علم و فقاهاست اوست در کنارهای کتاب نوشته است . وی از علماء قرن سیزدهم هجری است .

می 200 تراجم الرجال

ص: 318

احتمالاً وی نیز از شاگردان و حاضرین جلسه درس مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

76 - حاج سید رضا بن نصرالله بن میر محمد رضا حسینی

عالم فاضل . در رامسر (قدیم آنجا را سخت سر می گفتند) (1) متولد گردیده و پس از آموختن مقدمات علوم از ادبیات عرب و منطق به اصفهان مهاجرت نموده و بعداً بکاشان رفته مدتی نزد علامه جلیل حاج مولی احمد کاشانی (نراقی) مشغول شده سپس مجدداً به اصفهان مهاجرت نموده و در نزد سید حجة الاسلام رشتی به ادامه تحصیل پرداخت تا بمقام اجتهاد رسید سپس بموطن خویش مراجعت نمود و بوظائف روحانیت از تدریس و اقامه جماعت و حل و فصل امور پرداخت در حدود سال 1250 بمکه معظمه مشرف گردیده در مراجعت در طهران مریض شده و همانجا وفات یافت.

ص 11 بزرگان رامسر

ص: 319

1- رامسر یا سخت سر از محال ثلثه تنکابن بشمار میرود، حدود آن از شمال دریای خزر و از سمت مشرق رودخانه نسا رود و جنوب کوههای جورویه و از طرف مغرب به رودخانه میانده محدود می شود. فائده: نسبت سادات بهشتی اصفهان که عموماً از اهل علم و فضل بوده و می باشند به میر عبدالباقی بن میر محمد رضا حسینی منتهی میشود بشرح حیکه ادیب شاعر فاضل مرحوم آقای آقاپه بهشتی واعظ (1403 - 1322) در کتاب تحفه الاحباب که در شرح احوال مشاهیر سلسله جلیله سادات بهشتی مرقوم فرموده و در سال 1385 بچاپ رسانیده ذکر می نماید. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 50/39/45 عرض: 36/54/15 ارتفاع از سطح دریا 21- (منهای بیست یک)

فرزند میر محمد حسین اول فرزند رفیع الدین محمد بن محمد مهدی بن ابوالحسن محمد بن رفیع الدین محمد معروف به میرزا رفیعا نائینی اصفهانی اردستانی .

از علماء اصفهان بوده و نزد بزرگان اهل علم تلمذ نموده مدتی بهندوستان مهاجرت نموده و در آنجا زنی از امرای سند اختیار نموده و از آن مخدره اولادی نداشته نکن از عیال دیگرش شش فرزند پسر یافته که دو نفر از آنان از اطباء زمان و بدین علم شهرت داشته اند (ص 188 یکم آتشکده اردستان).

مشار الیه مورد توجه و عنایت سید حجة الاسلام بوده و پس از معاودت از سفر هند از طرف ایشان متصدی موقوفات میر جمله اردستانی گردیده و بدین مناسبت از اصفهان به زواره مهاجرت نموده و آنجا سکونت فرموده است (ص 291 دوم آتشکده اردستان).

بظن قوی مشارالیه از شاگردان سید حجة الاسلام بوده است .

78 - مولی محمد رفیع بن علی رشتی

(1)

معروف به شریعتمدار از بزرگان علماء و مجتهدین ورؤساء مذهب و دین در

ص: 320

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 192) به خلاصه می نویسد: لفظ رشت و لفت فرس خاک روب را گویند و در غرب نام شهر است بزرگ و بندریست سترک آن شهردار الملک گیلان و سواد اعظم آن مکانست ... در میان جنگل عظیم و یک فرسخی بحیره و چهار فرسخی بحر خزر واقع است و اطرافش نیز جنگل پر درخت و تردد و آمد شد مسافران بسیار سخت است ... هوایش گرم در موسم تا بستان عفن و در زمستان از کثرت باران کوچه بازارش چرکن .. حاصلش برنج فراوان و تازو ابریشم بسیار و بامتیاز است ...

سال 1211 مطابق کلمه تاریخ یاخیرات در رشت متولد گردیده در خدمت شریف العلماء مازندرانی رسید حجة الاسلام شفتی و جمعی دیگر از بزرگان علماء تلمذ نموده تا در فقه و اصول و رجال بدرجه اعلاى اجتهاد و تحقیق رسید مدت تقریباً چهل سال در موطن خود ساکن و به نشر و ترویج دین و ریاست و تدریس و تالیف و تصنیف گذرانیده تا در سال 1292 وفات یافت . ویرا در فقه و اصول و رجال تألیفاتی بوده است.

مرحوم شریعتمدار رشتی دو اجازه از سید حجة الاسلام داشته یکی عربی و بزرگ و دیگری فارسی و مختصر بتاریخ 1258 و مرحوم آقا شیخ عبدالحسین طهرانی از وی روایت احادیث مینماید (ص 508 دوم الکرام البرره)

در المآثر والاثمار (ص 151) گوید : بثروت و مکنت وی در مملکت گیلان کمتر کسی میرسید ، بعضی از آثار بیادگار گذاشته از قبیل 1 - پل سیاه رود 2 - راه جهنم دره 3- پل منجیل .

در احسن الودیعه (ص 70 بکم) ویرا عنوان نموده و از قول نواده او آقا محمد رفیع که در سال 1347 در مسافرت عتبات جهت مؤلف احسن الودیعه فرموده: نام پدرش را حاج ملا خلیل نوشته و گوید نسب شریف او به جناب عمار یاسر می پیوندد ، واز تألیفات او شرح تبصره علامه حلی را ذکر نموده و مدفن او را در نجف اشرف می نویسد .

خاندان شریعتمدار رشتی از خاندانهای علمی و علم و ریاست تا این زمان در آن خانواده بر قرار است.

79 - میرزا زین العابدین موسوی فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی

ص: 321

در المآثر والاثار (ص 164) گوید: از علمای معتبر اصفهان بود.

در تذکرة القبور (ص 146 رجال اصفهان) محل قبر اوراجلو قبر سید در داخل بقعه مرحوم حجة الإسلام می نویسد.

در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 196) والکرام البرره (ص 589 دوم) ویرا بعنوان اهل علم وفضل و کمال و شهرت و مقبولیت عامه و اعتبار ستوده اند. راجع به فرزندانش در فصل خاندان مرحوم حجة الإسلام بحث خواهیم کرد.

مشار الیه در اصفهان نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و قبل از سال 1290 که وفات علامه مرحوم حاج سید اسدالله می باشد وفات یافته است. رحمة الله علیه.

در قضایای شورش مردم اصفهان علیه حاکم جابر و ظالم خسروخان گرجی در سال 1265 فرد مؤثر بود و از دولت ودولتین رنج بسیار کشیده شرح مختصر آن در ضمن شرح حال مرحوم حاج سید اسدالله بیان خواهد شد.

80 - حاج میرزا زین العابدین بن سید ابو القاسم جعفر ثانی موسوی خونساری اصفهانی علیه الرحمة .

عالم فاضل محقق زاهد عابد متقی پدرش (و پدراش) از علماء کاملین و فضلاء و مجتهدین بوده و در سال 1163 متولد و در 1240 وفات یافته و صاحب عنوان در 8 ذی القعدة سال 1992 در خونسار متولد گردیده و در 9 جمادی الثانیه 1275 در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید و قبر مبارک او از مزارات مشهور و مورد توجه و عنایت عموم مقدسین از خواص و عوام می باشد.

وی از جمعی از علماء احلام مجاز بوده از آنجمله: انا سید محمدقصیر

رضوی مشہدی متوفای 4 محرم 1255 دیگر مرحوم حاج سید محمدباقر حجة الاسلام می باشد به اجازه مبسوطه ای بتاريخ اواخر صفر 1222 - آغاز { الحمد لله الذی نصرنا الألسن عن بلوغ ثنائه... } (ص 157 یکم الذریعه) در عموم کتب تراجم رجال که نامی از وی برده اند او را به عظمت و زهد و تقوی ستوده اند .

مشارالیه پدر علامتین مرحومین آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی سالف الترجمه و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی آتی الترجمه می باشد. اولاد واعقاب او جملگی از علماء اخبار و فضلاء اصفهان و خونسار و زهد و تقوی و علم و فضل معروفند و مردم اصفهان عموماً و ساکنین محله چهارسوق شیراز بها ولنبان خصوصاً به آنان ارادت می ورزند و آنها را از جان و دل دوست دارند و مورد اعزاز و احترام قرار میدهند و الحق شایسته کنند.

81- سید شریف خلخالی فرزند سید عباس

(1)

(1) علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 620 دوم) می نویسد :

نسخه ای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام را در کتابخانه شیخ قاسم محی الدین در نجف اشرف دیدم که صاحب

ص: 323

1- در بستان السیاحه (ص 273) می نویسد: خلخال نام ولایتی است مسرت مآل از ولایات آذربایجان، قدیم الزمان یکی از بلول ایران شهری بر سر کوهی احداث کرده فیروز آباد نام نهادند الحال مجموع آن ولایت را خلخال گویند ... آبش از چشمه سار خوشگوار و هوایش سردی مایل و سازگار جمیع بلادش کوهسار است .. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 30/31/48 عرض: 45/36/37 ارتفاع از سطح دریا 175 متر.

عنوان حواشی از خود بر آن نوشته بود و نشانه آن (المحرره) بود و تاریخ آن سالهای 1240 و 1243 همچنین برخی از حواشی استاد را برکناب نقل نموده بودیشانی { منه مدظله } بنابراین مشارالیه تا سال 1243 در قید حیات بوده و از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد.

ظاهراً صاحب عنوان در اصفهان سکونت داشته و هم در این شهر وفات یافته اس سال وفاتش بدست نیامد.

ص 367 بزرگان و دانشمندان اصفهان

82 - حاج سید شفیع بن سید علی اکبر موسوی جاپلقی بروجردی

از احفاد میر نظام الدین احمد صاحب مزار معروف در امامزاده قاسم نزدیک بروجرد بطن ششم از اعقاب حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام . از اکابر علماء و اعظم فقهاء و مجتهدین جامع معقول و منقول و در رجال و حدیث صاحب نظر بوده ، در بروجرد و اصفهان و کاشان و نجف در نزد بسیاری از بزرگان تلمذ نموده که از آنجمله است حاج ملا احمد نراقی و حاج ملا محمد جعفر آبادهای و حاج ملا عباسعلی کزازی کرمانشاهی و آقا محمدعلی بن آقا باقرغروی مازندرانی اصفهانی و شریف العلماء مازندرانی و مولی محمد بن حسنعلی و آقا سید محمد مجاهد کربلائی اصفهانی و برادرش آقا سید مهدی فرزند صاحب ریاض المسائل و حاج ملانورعلی مازندرانی، واز مرحوم سید حجة الاسلام شفتی اصفهانی ومولی علی اکبر خونساری اصفهانی اجازه روایت و اجتهاد داشته و پس از وصول بمقامات عالیہ علم واجتهاد بروجرد منتقل گردیده و بدرس و بحث و نشر احکام و تربیت طلاب و تألیف کتب ورسائل و اقامه جماعت و رسیدگی بامور مردم پرداخته کتب زیر از تألیفات اوست 1- اصول الکربلائیة 2 - حاشیه بر تمام ریاض

ص: 324

المسائل 3- حاشیه بر مناسک حج مرحوم سید حجة الاسلام 4- روضة البهية در اجازة شفیعیه وآن کتابی است مانند لؤلؤة البحرین که در اجازة دو فرزند دانشمندش سید علی اکبر و سید علی اصغر مرقوم فرموده 5- شرح کتاب تجارت روضه 6- القواعد الشریفیه در اصول و آنرا بنام استاد بزرگوارش شریف العلماء در دو مجلد تالیف فرموده 7- مرشد العوام در نماز و آن رساله عملیه است 8- مناهج الاحکام در فقه عربی و غیره . سرانجام در سال 1280 وفات یافته ماده تاریخ فوتش را مرحوم آقا شیخ محمد تقی دزفولی چنین گفته است : چه زد سید شفیعی از این جهان سوی جنان خرگه

زفیض عام خود اکیل فضل افراشت تا بر مه همه کرو بیان از بهر او واحسرتا گویان

بنالیدند از دل در عزای او گه و بیگه برای ضبط تاریخ وفاتش از دم غیبی غیبی

بگوش من ندا آمد که {فمنهم من قضی نحبه} شرح حالش در عموم کتب تراجم رجال بطور تفصیل و اختصار نوشته شده از آنجمله : احسن الودیعه (ص 40 یکم) تکمله نجوم السماء (ص 195 یکم) ریحانة الادب (ص 240 یکم) علماء خراسان (ص 171) فوائد الرضویه (541 دوم) قصص العلماء (ص) الکرام البرره (ص 625 دوم) لباب الالقاب (ص 63) المآثر والاثار (ص 148) و غیره .

تذکر : کتابهایی که ذکر کردیم آنهاییست که در اختیار نویسنده بوده و گرنه در بسیاری از کتب دیگر از آن جمله خاتمه مستدرک الوسائل و غیره نیز نام او مذکور است.

ص: 325

(1)

فرزند ملا ابوالقاسم بن احمد بن علی بن ملا دولتهای قراچه داغی عالم فاضل و فقیه کامل در خوی و سپس در نجف اشرف نزد اساتید انجا تلمذ نموده و از اساتیدش شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید مجاهد و سید بحر العلوم را نام برده اند پس از نیل بمقامات عالیہ علمی به موطن و مولد خویش برگشته و در آنجا ریاست و مرجعیتی یافته در جنگ ایران و روس شرکت نموده و پس از جنگ مجبور به ترک خانه و دیار خود گردیده با جمعی از اقوام و ارحام به اصفهان مهاجرت نموده و این شهر را جهت سکونت اختیار نموده و مورد توجه سید حجة الاسلام قرار گرفته بود و در یک وقت در مسجد میرزا باقر در مرحله بیدآباد امامت مینموده است .

ویرا تألیفاتی است (نمونه یکی از صفحات شرح یکی از کتب فقهی یکی از اساتیدش در صفحه 1805 جلد پنجم مکارم الآثار گراور شده است). صاحب عنوان در سال 1265 در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سید مدفون

ص: 326

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 274) به خلاصه گوید: خوی ام بلاده ای است از اقلیم رابع رجوانب اربعه اش فی الجمله واسع از بلاد آذربایجان و محلی خلدشانست سمت غربی شهر تبریز اتفاق افتاده... آبش بسیار و هوایش سازگار. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 44/57/50 عرض: 38/32/00 انحراف قبله: 15/54/48

گردید . (ص 1804 پنجم مکارم الاثار - م 396 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

ظاهراً ایشان از سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی مجاز بوده اند فرزندان او عموماً اهل فضل و کمال و همگی ساکن در اصفهان بوده و در این زمان به شفیع زاده و خونی شهرت دارند و

84 - میر محمد صادق بن سید محمد بن سید محمد علی حسینی

سادات کتابی اصفهان از سلسله سادات محترم و معزز اصفهان که عموماً بفضل و دیانت و تقوی و امانت شهرت دارند و عده زیادی از علماء و فضلاء و مدرسین از این سلسله جلیله برخاسته اند و نسبت آنان به جناب حسن الافطس ابن علی الأصغر بن الامام علی بن الحسین علیه السلام منتهی میشود.

صاحب عنوان از شاگردان سید حجة الاسلام و داماد ایشان بوده است ، در حدود سال 1210 متولد و در 5 شنبه 11 شعبان 1304 وات یافته است و برا شرحی است بر کتاب شرایع که در تاریخ 1235 یعنی در حدود سن بیست و سه سالگی شروع در آن نموده است . (نسخه این کتاب یکی مسوده و دیگری مبیضه هر دو بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه فاضل ارجمند مرحوم آقا میرزا ابوالحسن

کتابی (متوفی در شعبان 1398) فرزند آقا سید محمد جواد متوفی 18 رمضان 1338) فرزند میر محمد صادق صاحب عنوان (ص 324 سیزدهم الذریعه) موجود بوده است.

مرحوم آقا میر محمد صادق از دختر سید حجة الاسلام سه فرزند پسر یافته که عبارتند از: 1- آقا سید محمد تقی 2- آقا میرزا علیرضا 3- آقا سید محمد جواد . علیهم الرحمه.

ص: 327

در فصل مربوط به خاندان مرحوم حجة الاسلام راجع به فرزندان مشارالیه بحث خواهیم کرد .

مرحوم ملا عبدالکریم جزی در تذکرة القبور (43 و ص 62 رجال اصفهان) صاحب عنوان و پدرش را نامبرده و گوید : اما سید محمد از علماء و فضلاء اصفهان و بسیار معمر شده بود و مرحوم آقا میر محمد صادق از جمله فقهاء ممتازین اصفهان بودند و نزد علماء اصفهان بفقاهت معرون بودند و مرد گوشه گیر و مشغول تحصیل و مطالعه و تدریس و اهل تهجد و عبادت بودند شاگردان ایشان در اصفهان فعلاً بسیارند حقیر نیز در زمان سطح خواندن مدتی شرح لمعه خدمت ایشان میخواندم و نوشتجات خوب متفرقه در فقه دارند .

85 - سید صادق بن هادی بن محمد رضا حسینی

در روز پنج شنبه 12 محرم سال 1218 در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در مولد خویش فرا گرفته سپس به قزوین و بعداً به اصفهان مهاجرت نموده و تحصیلات خویش را در این دو شهر ادامه داد و در اصفهان در خدمت علمای بزرگ این شهر همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی فقه و اصول را قرائت نموده و حکمت را نیز در نزد مرحوم آخوند حاج ملا-علی نوری میاموخت تا بمقامات عالیه علم رسید پس از نیل بمقامات علمی و اخذ اجازات به رامسر مولد و موطن خود مراجعت نموده و تا آخر عمر یعنی سال 1287 بترویج دین و تدریس علوم اشتغال جست فرزندانش نیز عموماً از اهل فضل و کمال و علم می باشند .

ص 74 بزرگان رامسر

ص: 328

(1)

عالم فاضل جلیل از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بوده و آن مرحوم ویرا در اجازه خود بدینگونه وصف فرموده :

آغاز : الحمد لله الذی یحول بین المرء و قلبه سپس بعد از مقدماتی می نویسد:

الصالح العالم الزکی والفاضل العامل العلی المترلی من حصیض مناقض الجمیل الی مزایا الفضائل والصاعد مجده الأنیق من مساری الرذائل الی مکارم الفواضل ولدنا العزیز الرفیع الوالی المولیمحمدصالح الاسترآبادی ...

تاریخ اجازه روز شنبه 3 ذی الحجه 1253 در الکرام البرره (ص 650 دوم) تاریخ اجازه را سال 1246 می نویسد و تاریخ اول نقل از الذریعه (ص 5707 یکم) می باشد.

ص: 329

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 73) به خلاصه می شود؛ استرآباد شهری است دلگشا ومدنه ای است بهجت افزا هوای گرم و آبش فراوان و حبوباتش ارزان بعضی اورا دار الملک جرجان (گرگان) گفته اند و آنرا یزید بن مهلب بن ابی صفره بنانهاد و او از جانب سلیمان بن عبدالملک مروان حکومت خراسان دانش، مردمش از قدیم شیعه امامیه اند و با آنکه طایفه ترکان همسایه ایشانست بی ترس و تقیه معاش نمایند بلکه در اکثر اوقات برترکان حکم گذارند. ثانیه/درجه/دقیقه/ طول جغرافیائی: 54/28/00 عرض: 36/50/30 انحراف قبله: 43/30/05 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 160 متر

فرزند آقا شیخ زین العابدین از اعقاب شیخ زاهد گیلانی و از سلسله مشایخ بیدآباد. در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و دانش تلمذ نموده و خدمت مرحوم حجة الاسلام شفتی و دیگران را درک نموده سپس بطهران رفته و آنجا در مدرسه دارالفنون تدریس علوم ادبی و غیره پرداخته و هم در مسجد دارالفنون امامت مینموده و تا سال تألیف گنج شایگان یعنی سال 1273 حیات داشته است

مشارالیه برادر بزرگتر میرزا طاهر دیباچه نگار مؤلف کتاب گنج شایگان می باشد .

پدرش نیز از فضلاء و از سلسله مشایخ بیدآباد بوده و در شوال 1224 در اصفهان وفات یافته است .

88- حاج مولی محمد صالح بن آقا محمد برغانی قزوینی

عالم عابد زاهد فقیه فاضل از معاریف قهاء و مجتهدین است در ابتدای ورود سیدحجة الاسلام باصفهان مدتی بدرس ایشان حاضر گردیده و در این شهر خدمت

جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده که از آن جمله است آقا سید محمد مجاهد . سپس به اعتاب مقدسه مهاجرت نموده و در آنجا بدرس آقا سید علی صاحب

ریاض المسائل و دیگران به تحصیلات خویش ادامه داد تا بمقامات عالیه اجتهاد نائل شده و از آنا سید محمد و آقا سید عبدالله شبر و غیر از این دو اجزاتی اخذ نموده و بموطن خود قزوین مراجعت کرده و بدرس و بحث وافاد و استفاده و نشر احکام پرداخته و در شهر قزوین مسجد و مدرسه ای بنا نهاده در امر بمعروف و نهی از منکر سعی واهتمامی تام داشته و در اقامه و نشر و ترویج مراسم تعزیه

داری حضرت خامس آل عبا علیه السلام بسیار کوشا بوده و در موضوع شهادت آن حضرت کتابها تألیف نموده در اواخر عمر به اعتاب مقدسه جهت زیارت مشرف گردید و آنجا در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام سکنه نموده وفات یافته است سال فوتش را 1294 و برخی 1270 یا 1275 یا 1283 نوشته اند و ظاهراً 1294 به حقیقت نزدیکتر است والله العالم . کتب زیر از تالیفات اوست : 1 - اعمال شش ماه 2- بحر العرفان و معدن الإیمان در تفسیر قرآن در 17 مجلد

3- تفسیر صغیر در یک مجلد 4- تفسیر وسط دو مجلد (ریحانة الادب ص 5) - غنیمة المعاد فی شرح الارشاد در 14 مجلد 6 - کنز المعاد در اعمال سال فارسی و این آخرین تالیف اوست 7- کنز المواعظ 8- کنز الواعظین در احوالات موصومین علیهم السلام 9- مجمع المصائب در مقتل 10 - مخزن البكاء در مقتل 11 - مسلک الراشدین در فقه و شرح ارشاد 12 - مسلک النجاة رساله عملیه مختصر و بفارسی 13 - مصباح الجنان الايضاح اسرار القرآن در سه جلد

علامه طهرانی در الذریعه ص 105 بیست و یکم فوت را 1273 می نویسد) 14- معدن البكاء در مقتل در 14 مجلس و خاتمه 15 - مفتاح الباه در مقتل بنارسی ملامع 16- مفتاح الجنان فی حل رموز القرآن در نه مجلد جلد پنجم آن در کتابخانه آیت الله مرعشی (ص 23 هفتم فهرست) 17 - منبع البكاء در مقتل بعربی و غیره.

وی برادر علامه فقیه زاهد حاج ولی محمد تقی قزوینی برغانی معروف به شهید ثالث است که در سال 1263 بدست فرقه ضاله ، مضله بایه لعنهم الله بمرتبه رفیده شهادت نائل گردید .

برای اطلاعات از احوالات صاحب ترجمه به کتابهای روشات الجنات (ص 414) ریحانة الادب (ص 152 یکم) فوائد الرضویه (ص 210 یکم) الکرام البرره (ص 660 دوم) قصص العلماء (ص 93) لباب الألقاب (ص

(1)

عالم فاضل رقیه کامل از شاگردان آقا سید محمد مجاهد کربلانی و حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی اصفهانی بوده و از این مرحوم اجازه داشته است. در لباب الألقاب (ص 114) مینویسد: در اوایل امر حکمت تدریس می نمود و چون خوابی هولناک دید ترک تدریس کتب ملاصدرانمود و بفقہ و اصول اشتغال جست. مؤلف قصص العلماء گوید (ص 93) مدتی در نزد او تلمذ نموده ام در احسن الودیعه (ص 29 یکم) و فوائد الرضویه (ص 216 یکم) والکرام البرره (ص 672 دوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان ویرا بعلم وزهد ستوده اند کتب زیر از تالیفات اوست: 1- کتابی در اصول 2- رساله ای در درایه 3- شرحی بر معالم الأصول 4- کتابی در فقه و غیره 5- سال تولد و وفاتش

ص: 332

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 512) به خلاصه می نویسد: لاهیجان نام در بلده است یکی از توابع شیروان و دیگر از مضافات گیلان. فاضل معاصر حاج شیخ حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعراء گیلان (ص 24) می نویسد: مناظر طبیعی آن دلرباست و مرکز عرفا و حکماست اطراف شهر راکوههای دیلمان محاصره کرده هوای آن بسیار لطیف و آب خوشگوار وارد ... محصول عمده این شهر چای ابریشم است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 50/00/00 عرض: 37/11/40 انحراف قبله: 26/59/31 ارتفاع از سطح دریا 2 متر (دو)

بدست نیامد و ظاهراً پس از سال 1299 می باشد .

نویسنده گوید : احتمالاً مشار الیه در اصفهان از شاگردان ملا علی نوری نیز

بوده است. و

..

90- شیخ محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی

فرزند ملا محسن کاظمینی . عالم فاضل در سال 1230 در شهر دزفول (1) متولد گردیده و پس از فراغت از تحصیل مقدمات لازم جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام بید آبادی و آقا محمد مهدی فرزند حاجی کلباسی و آقا میر سید محمد شهشهانی تلمذ نموده سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و آنجا در نزد آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر و آقا شیخ مرتضی انصاری مدنی تحصیل نموده و از جمعی از

ص: 333

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 282) به خلاصه می نویسد؛ دزفول بلدهای بهجت نشانت رود عظیم از کنارش می گذرد و پلی در غایت استحکام و مقاومت برای بسته اند و آن از عجایب روزگار است آن شهر زاهدان پل خوانند ... در زمین هموار واقع و اطرافش واسع و هوایش گرم و آبش خوشگوار و خاکش در موسم زمستان و بهار نایت ساز گار . در پاورقی نابغه فقه و حدیث (ص 197) به خلاصه می نویسد : دسقول و دزفول و دزفول بمعنی قلعه باقلا است با دزپیل (قلعه پل) و آنرا اندامشک هم گفته اند ولی در حال حاضر دزفول و اندیمشک در شهر جداگانه هستند. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 48/23/00 عرض: 32/22/30 انحراف قبله: 36/55/48 ارتفاع از سطح دریا: 140 متر

اساتید خود و سایر علما، همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و آقا سید صدر الدین عاملی و شهشهانی و صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری و شیخ علی بن شیخ حسن بن شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء اجازه اجتهاد و روایت داشته و پس از وصول بمقامات عالیہ علم و اجتهاد بموطن خود دزفول مراجع نموده و مورد توجه و عنایت جمیع طبقات واقع گردیده و مرجعیت تقلید در خوزستان و برخی از شهرهای دیگر بافته

ویراتالیفاتی است از آن جمله : 1- رساله عملیه 2- المشارع با مشارع الاحکام در شرح شرایع 3- مصباح الهدایه رساله عملیه فارسی در عبادات از فتاوی صاحب عنوان که مولی محمد حسن بن محمد زمان دزفولی جمع آوری نموده و در سالهای 1403 یا 1314 بیچاپ رسیده است صاحب عنوان در اوایل سال 1315 در دزفول وفات یافت . پدرش شیخ محسن برادر علامه فقیه شیخ اسدالله کاظمینی مؤلف مقابس الأنوار و متوفی بسال 1237 یا 1236 می باشد . فرزندش شیخ عبدالحسین و نواده اش عالم جلیل میرزا محمد اعلی معزی دزفولی می باشد (ص 973 سوم نقباء البشر والذریعه) . وی غیر از شیخ محمد طاهر بن حسین نجار دزفولی متوفی حدود سال 1282 در نجف می باشد (ص 304 دوم معارف الرجال) .

91 - حاج ملاعبدالباقی بن محمد حسین کاشانی

مرحوم ملا حبیب الله کاشانی (فوت 23 جمادی الثانیه 1340) در کتاب : الباب الالقباب (ص 98) می نویسد :

الحاج الملاعبدالباقی بن الحاج محمد حسین بن الحاج عبدالرزاق الکاشانی کان فقیهاً متتبعاً فی الأخبار فاضلاً جامعاً المعقول والمنقول ولاسیما الرياضیات من تلامذہ الحاج السید محمد تقی الکاشانی والحاج السید محمد باقر الرشتی .. وقد

ص: 334

لقیته فی سالف الأيام وهو شیخ کبیر جلیل القدر معروف متصد للمرافعات .

علامه طهرانی در الذریعة (ص 157 یکم) می نویسد: مرحوم سید حجة الاسلام شفتی اجازهای فارسی جهت او مرقوم فرموده ودر آنه به اجتهاد و عدالتش گرامی فرموده و مردم کاشان را بمراجعه باو سفارش نموده است تاریخ اجازة ربیع الاول 1260 سپس می نویسد: بر فرض صحت این تاریخ اجازة نامبرده در روز فوت پا روز قبل از آن نوشته شده است .

نویسنده گوید: علامه طهرانی اول کسی است که متوجه به اشتباه در ماه وقوع فوت سید حجة الاسلام شده و همانگونه که در فصل مربوط به وفات ایشان بشرح مینویسیم وفات در ماه ربیع الثانی روی داده و ربیع الاول سهوالقلم می باشد .

همچنین علامه طهرانی در الکرام البررة (ص 698 دوم) می نویسد: اجازة ضمن مجموعه اجازات مرحوم حجة الاسلام در کتابخانه مولی محمدعلی خونساری در نجف اشرف می باشد .

92 - میر عبدالباقی بن هادی بن میر محمد رضا حسینی

در شب بیستم ماه صفر سال 1231 در تنکابن و رامسر متولد گردیده و پس از فرا گرفتن مقدمات علوم باتفاق برادرش سید ابوالحسن به اصفهان مهاجرت نمود و تا سال 1252 در اصفهان مانده سپس با برادر خود بقزوین مهاجرت نموده راز قزوین به نجف و سپس مجددا به اصفهان مراجعت نمود و تاهنگام وفات مرحوم سید حجة الاسلام از محضر او استفاده علمی نموده تا درجه اجتهاد نائل آمد از آن پس بموطن خویش معاودت نمود به اقامه جماعت و نشر احکام و ترویج دین و اقامه شعائر

و تدریس پرداخته سرانجام در شب جمعه 19 شوال المکرم 1287 در آخوند محله (یکی از محلات رامسر) وفات یافته در کنار مسجد در جنب قبر پدر خود مدفون گردید .

ص 7 بزرگان رامسر

ص: 335

توضیح: مرحوم آقا سید هادی بن میر محمد رضا ظاهراً دارای چهار فرزند پسر بنامهای: 1- سید ابوالحسن 2- سید صادق 2- سید عبدالباقی 4- سید مرتضی بوده که همگان در اصفهان تحصیل نموده و سه نفر اخیر از شاگردان سید حجة الاسلام بوده اند و در این فصل بنام آنها اشاره شده است.

93 - آقا عبدالحسین امین العلماء

فرزند آخوند ملا محمد شفیع خوئی بن ملا محمد بن ملا ابوالقاسم بن ملا احمد بن ملا احمد چورسی ابن ملا در لتعلی قراچه داغی اصفهانی از اجله فضلام و محترمین اصفهان بوده و تحصیلاتش در نزد پدر و مرحوم سید حجة الاسلام شفتی و حاج محمد ابراهیم کرباسی و جمعی از علماء عراق عرب بوده و در سال 1293 وفات یافته و در جوار در خود در مقبره کوچک مقابل مقبره مرحوم حجة الاسلام شفتی در دالان مسجد سید مدفون گردید .

(ص 1806 پنجم مکارم الاثار)

94 - عبد الرحیم بن محمد کریم هرندی (قهپایه ای اصفهانی)

(1) در تاریخ 18 ربیع الثانی سال 1246 کتابت نسخه ای از مجلد اول و دوم

ص: 336

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 465) به خلاصه می نویسد: قهپایه به معنی که پایه اما مخصوص نام ناحیه ای است از نواحی اصفهان مزارع فراوان و موانع بهجت نشان دارد. نویسنده گوید: تو را به همان کوپا می باشد که سابقاً ذکرش گذشت. هرنند بروزن کمند شیروانی در بستان السیاحه گوید: هرنند گریه ای است قصبه مانند از قرای روی دست از توابع اصفهان و محلی است آبادان آبش از قنوات و ناگوار و هوایش ناساز گاروخاکش ریگزار. در زمین هموار ورائع و اطرافش واسع است... ظروف مسی مانند دیگ بزرگ و غیره در آن مکان خوب می سازند نویسنده گوید: هرنند از دهات کوهپایه (قهپایه) است

کتاب : سؤال و جواب از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام را بخط نسخ پایان رسانیده است .

کتاب بشماره (5199) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص 110 یکم فهرست کتابخانه عمومی اصفهان) خصوصیات نسخه مزبور بقرار زیر است:

قطیع کتاب 21 در 31 سانتی متر اندازه نوشته 12 در 21 سانتی متر تعداد سطلور در هر صفحه 28 سطر تعداد صفحات 1092 کاغذ فرنگی جلد مقوایی برفی ترنجی .

95 - میرزا عبدالجواد شاهرودی

(1) 11 فاضل ادیب به خراسانی معروف بوده و در نزد مرحوم سید حجة الاسلام

ص: 337

1-1) شیروانی در پستان السیاحه (صفحه 319 چاپ اصفهان) می نویسد : شاهرود قصه ای است بهجت دره ونیم فرسخی بسطام جانی خوش وهوائی دلکش دارد قریب هزار خانه در اوست ومزارع چند مضافات اوست باخانش فراوان و آمن روایت ومردمش شیعی مذهب وخالی از مردن نباشند ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 54/57/45 عرض جغرافیائی: 36/25/15 انحراف قبله: 45/42/42

دیگران تلمذ نموده و تا حدود سال 1280 حیات داشته است.

فرزندش مرحوم شیخ عبدالرزاق معروف به حکیم نیز اهل علم و فضل و کمال بوده و گاهی در اصفهان و زمانی در شاهرود و باخراسان و مشهد مقدس، سکونت داشته و تا بعد از 1310 زنده بوده است فرزندان او به کسب با تجارت اشتغال داشته اند لکن نواده او آقای دکتر عبدالجواد فلاطوری فرزند مرحوم آقا محمد حسین شاهرودی فرزند شیخ عبدالرزاق فیلا در آلمان ساکن و استاد فلسفه در یکی از دانشگاههای آنجا می باشد. کتاب جانشینان محکوم ترجمه کتاب {الاستغاثه فی بدع

الثلاثة}.

96- ملا عبدالرزاق بن محمد قاسم تنگابنی

(1)

در کتاب بزرگان رامسر (ص 80) درباره صاحب عنوان می نویسد :

ص: 338

1- در مطلع الشمس (صفحه 250 سوم) که در سال 1303 تألیف شده با اندکی تصرف و اختیار می نویسد: شهر شاهرود چندان قدمتی ندارد چنانکه در کتب جغرافیای قدیم مطلقاً اسمی از او پرده نشده است... رودخانه ای در شاهرود بوده بالنسبه با عظمت که حالا مجرای آن تغییر کرده و از آنجا که هررودبزرگی را در این نواحی شاهرود گویند. (شاه بمعنی بزرگ نیز آمدم است) نام شهر را بنز شاهرود گفتند... ظاهراً قلعه شاهرود را در اول مرتبه زمان صفویه و ساخته اند و در عهد فتح علیشاه تجدید بنا شده. اکنون شهر شاهرود یکی از شهرهای درجه دوم مملکت بشمار میرود. 1) شیروانی در بستان السیاحه (ص 192) به خلاصه می نویسد: تنکابن بضم تاء و سکون نون... قصبه ای است از گیلان و محلی است جنگل توأمان هوایش بد و آبش فراوان و خاکش ابریشم خیز و زمینش عفونت انگیز برنج بسیار دارد و چندان تعریف ندارد...، راقم (یعنی شیروانی) مشاهده نموده است. دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 66) می نویسنده از شهرهای قدیم گیلان است... توتون کاری در این شهر معمول است و مرکبات نیز در این شهر به عمل می آید مناظر طبیعی آن کمی از سایر شهرهای گیلان نمی کند

حدود سال 1215 در رامسر متولد گردید و در موطن خود و قزوین مقدمات علوم و همچنین فقه و اصول و حکمت و ریاضی و نجوم را بیاموخت سپس در سال 1242 بجهت تکمیل تحصیلات خویش رهسپار اصفهان گردید و در این شهر خدمت حاجی کلباسی و آخوند ملا علی نوری و سید حجة الاسلام ته و اصول و حکمت را تکمیل نموده در حدود سال 1250 به رامسر مولد و موطن خویش مراجعت نمود و بوظائف شرعی از اقامه جماعت و فصل خصومات و رسیدگی به دعاوی و نشر احکام و تدریس پرداخت . سرانجام در حدود سال 1275 وفات یافت فرزندان او عموماً از اهل علم و فضل و کمال می باشند.

97 - سید عبدالغنی بن میر محمد علی بن احمد حسینی

در رامسر متولد گردیده و در اصفهان در خدمت حاج ملا علی نوری رسید حجة الاسلام شفتی و دیگران تحصیلات خویش را بپایان رسانیده . وی عالمی فقیه و فقیهی متکلم و حکیمی ادیب و فاضل و زاهد و عابد و متعهد بوده و قبل از سال 1278 وفات یافته است.

(ص 85 بزرگان رامسر)

98 - عبدالکریم بن محمد اسماعیل

جلد اول کتاب مطالع الانوار را در تاریخ پنجشنبه یکم ماه صفر 1254 کتابت نموده و چلد دوم آنرا در تاریخ شنبه 16 جمادی الاولی سال 1241 کتابت نموده هر دو نسخه بخط نسخ زیبا و جدول کشی جلد اول در کتابخانه فاضل محترم آقای

ص: 339

حاج سید مرتضی شهبهانی و جلد دوم شماره (1000) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص 2048 پنجم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه) صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است .

نسخه مطبوع مطالع الانوار بخط همین نویسنده است که عین عبارات آن در فصل اول نقل شد.

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد اول پنجشنبه یکم صفر 1254 (جد التاريخ)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد دوم

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد سوم جمعه 29 جمادی الثانیه 1259 (فانظر ماذاجرى)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد چهارم چهارشنبه 16 ذی القعدة 1263 بدستور حاج سید اسدالله

این نویسنده علاوه بر آنکه از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است خطاط و نقاش و ادیب و شاعر نیز بوده و نمونه اشعارش را بعداً در فصل مربوطه نقل خواهیم نمود .

:

99 - سید عبد الله موسوی صفوی دزفولی

فرزند سید محمد باقر بن سید عبداللطیف بن صادق بن مرتضی بن علی بن شفیع بن هود بن محمد بن عباس بن صفی الدین بن عبد الله بن محمد رشید بن صالح بن شواجه علاء الدین ابوالحسن علی بن شیخ صدر الدین موسی بن شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی جد سلاطین صفویه فرزند امین الدین جبرئیل بن قطب الدین ابوباقی بن صلاح الدین رشید بن محمد الحافظ بن عوض بن فیروز شاه ملقب به زرین کلاه بن محمد بن شرفشاه بن محمد بن حسن بن محمد

ص: 340

بن ابراهیم بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن احمد بن ابو محمد قاسم الاعرابی بن ابوالقاسم حمزة بن الامام موسی الكاظم علیه السلام (ص 1527 پنجم مکارم الاثار).

عالم عارف ادیب شاعر متخلص به دامی از شاگردان آقا محمد بید آبادی و سید حجة الاسلام اصفهانی و از مریدان سید صدر الدین دزفولی بوده در 1158 متولد و در 1256 در دزفول وفات یافته است.

کتب زیر از اوست : 1- آداب حیات منظومه فارسی در اصول دین در یکصد و شانزده بیست و آن ملخص کتاب آداب حیات حاج ملا محمد جعفر استر آبادی است علامه طهرانی در الکرام البرره بنام او آب حیات (ص 771 دوم) ذکر می کند و میفرماید گمان می کنم از تالیفات او باشد 2 - تخمیس قصیده فرزددق 3 - دولت خاقانیه در تاریخ خوزستان به نظم و نثر 4- دیوان اشعاری که خود مدون ساخته و در سال 1315 عبدالله خان ساعد السلطنة سردار مکرّم از اولاد صاحب عنوان گرفته است 5 - دیوان اشعار که آنها را میرزا جعفر انصاری در دو مجلد جمیع آوری نموده است 6- مجمع الاخیار و تذکرة الابرار در تعیین اولاد ائمه علیهم السلام و یقاع خبر واقع دزفول 7- نهایة الطب در طم طب نسخه بخط مؤلف در کتابخانه میرزا جعفر انصاری موجود است (ص 401 بیست و چهارم الذریعه)

در مقدمه آب حیات (آداب حیات) گوید (ص 1 یکم الذریعه) ناظم این نظم را از حق امید رحمت است

وز مخادیم مکرّم نیز استدعا بود قاریا چون زین مراتب بهره ورگردی بگو

جای داعی در ریاض جنة الماری بود از اشعار فارسی اوست (ص 132 دوم مجمع الفصحاء) :

ص: 341

جوانی چه آورد و پیریچه برد بت خردسال و می سالخورده بت خرد سالی کز اندیشه اش شده محو اندیشه خواب و خوردن خورد آنکه مرد زیک خم دهد
ساقی روزگار بتو صاف صاف و بمن درد درد زداعی دعا دعوی از مدعی ببینیم تا گوی میدان که برد

100 - سید عبد الله نائینی

(1)

در کتاب : سؤال و جواب تألیف مرحوم سید حجة الإسلام سؤالی از ایشان شده باین مضمون :

شخصی بنام سید عبد الله نائینی در چهار محال بختیاری رفته و خود را از شاگردان سید حجة الاسلام معرفی نموده و در ضمن جواب سؤال یکی از اهالی

ص: 342

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 575) می نویسد؛ : نائین قصبه ای است دلنشین از قصباب باصفهان و محلی است مسرت توأمان در زمین هموار واقع
و جوانب آن واسع است... آبش خوب و هوایش مرغوب . و نویسنده گوید : شهر نائین در قدیم جزو استان اصفهان بوده و اکنون مربوط به شهرستان زد
و خود شهری مسود و آباد است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 53/03/40 عرض جغرافیائی: 32/51/00 انحراف قبله: 49/03/13 جنوب غربی ارتفاع از
سطح دریا 154 متر. دانشمند محترم حاج سید عبدالحجت بلاغی کتابی مفصل در تاریخ و جغرافیای نائین مرقوم داشته و بطبع رسانیده طالبین مراجعه
نمایند. همچنین مرحوم آقا میرزا حسین آقا امامی نائینی نیز کتابی در تاریخ و جغرافیای نائین تألیف نموده که تا کنون بچاپ نرسیده است.

از قول مرحوم سید حجة الاسلام گفته است که : خوردن پیه میته حیوان مأکول اللحم جائز است ، این جواب مورد گفتگوی علمای محل واقع شده و مطلب را خدمت آن مرحوم نوشته اند ایشان در جواب مرقوم فرموده اند اولاً من این شخص را نمی شناسم ثانیاً هر نوع استفاده از پیه میته حیوان مأکول اللحم جائز نیست تا چه رسد به خوردن آن که یقیناً حرام است.

نویسنده گوید : چون این شخص خود را فرستاده و نماینده مرحوم سید حجة الاسلام معرفی مینموده است ایشان فرموده اند من او را نمی شناسم اما ممکن است وی از جمله حاشیه نشینان و حاضر پسند در جلسات تدریس سید بوده و چون در محضر آن بزرگوار همیشه عده زیادی از علماء و فضلاء و مجتهدین حضور داشتند برای غیر فضلاء و علماء محلی برای اظهار وجود نبود با سید حجة الاسلام ویرا بشناسند ..

101- حاج سید عبد الله بن حجة الاسلام شفتی

در تکمله نجوم السماء (ص 128 یکم) گوید : مادرش خواهر حاج سید اسماعیل طباطبائی است.

شرح حال سید اسماعیل طباطبائی قبلانوشته شد و شرح حال صاحب عنوان در ضمن اولاد و اعقاب سید حجة الاسلام مذکور خواهد شد.

102 - ملا عبد الله زنوزی

(1) معروف به مدرسی اصفهانی فرزند مرحوم خان بابا در قریه زنوز متولد گردیده

ص: 343

1- زنوز بر وزن کتوز در ریحانة الادب (ص 133 دوم) گوید: زنوز قصبه ای است از مضافات تبریز آذربایجان . و در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص 192) گوید : زنوزدهی است نزدیک مرند در اطراف خوی .

و مقدمات ادبیات و علوم را در خوی بیابان رسانیده و در نحو بخصوص مهارت و استادی یافته تا جائیکه ویرا ملا عبد الله نحوی می گفته اند سپس رهسپار عتبات عالیات شده و نزد آقا سید محمد مجاهد کربلائی در اصفهان و حاج سید محمد باقر شفتی تلمذ نموده و مدتی در قم در مجلس درس میرزای قمی حاضر گردیده و در اصفهان خدمت حاج ملا علی نوری حکمت و فلسفه را فرا گرفته و از طرف استاد نامبرده مأمور تدریس در مدرسه مروی (مدرسه فخریه) که آنرا حاج محمد حسین خان قاجار ملقب به فخر الدوله بنا نموده بود گردیده و تقریباً مدت بیست سال در آنجا بتدریس حکمت اشتغال داشته سر انجام در سال 1257 در تهران وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست: 1- انوار جلیه در شرح حدیث کمیل تخمیناً در سه هزار بیت 2- رساله خاقانیه و رجزه سلطانیه و آنرا بخواهدش فتح علیشاه در حکمت و کلام تألیف نموده 3- سیبیل الرشاد در اثبات معاد 4- لمعات الهیه در حکمت ربوبیه در اثبات واجب الوجود بفارسی تاریخ فراغت از تألیف جمعه ششم ربیع الاول 1240 هجری 5- منتخب الخاقان در کشف حقایق الایمان والعرفان مختصر کتاب: رساله خاقانیه و بخواهدش فتح علیشاه تألیف شده است و غیره (ص 1550 پنجم مکارم الاثار - 134 دوم ریحانة الادب - ص 765 دوم الکرام البرره).

فرزندش آقا علی مدرس زنوزی حکیم فیلسوف در 1236 متولد و در 1307 وفات یافته و برادرش ملا حسین منجم نیز در علم نجوم مهارت داشته است (ص 976 سوم مکارم الاثار).

103- میر سید عبدالله بن میرزا محمد رحیم کبیر میردامادی دهی اصفهانی (نسب او در سید احمد فرزندش ذکر شد)

ص: 344

از شاگردان وحید بهبهانی و میرزای قمی و از مصاحبین و مخصوصین حاجی کلباسی و حاج سید محمد باقر شفتی بوده و در سده سکونت و امامت مینوده در ماه صفر سال 1165 متولد و در 22 محرم 1242 (روز فوت فرزندش میر سید احمد همانگونه که قبلاً گفته شد) وفات یافته در خوزان سده در مقبره‌های مخصوص که بنام او شهرت دارد مدفون گردید (ص 239 رجال اصفهان). کتب زیر از تألیفات اوست 1- انیس المحتاجین 2- ترصیع السماء 3- رجال مشیخه تهذیب (ص 23 مقدمه لطائف فیه).

104 - مولی عبدالله بن نجم الدین

معروف به فاضل قندهاری (1) مشهدی. عالم فاضل فقیه زاهد حکیم ادیب شاعر از اکابر علماء و مدرسین در سال 1227 (بنا بنقل تاریخ علماء خراسان) در قندهار متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود وعده ای از علماء سنی قندهار مقدمات علوم از ادبیات و حکمت و کلام تلمذ نموده سپس مدتی در اصفهان خدمت سید حجة الاسلام رسیده و از محضر او مستفیض گشته و در نجف بدرس شیخ انصاری حاضر گردیده پس از وصول بمقامات عالییه و کسب اجازات روایات واجتهاد بقندهار مراجعت نموده و پس از سالها مجبوراً از آنجا فرار کرده و به مشهد مقدس پناهنده گردیده و تا آخر عمر در آنجا سکونت داشته و بدرس و مباحثه اشتغال داشته و عده ای زیاد از فضلاء از محضر او استفاده علمی برده اند . گاهی شعر می گفته و در اول مهجور و بعدا وصال تخلص می نموده سرانجام در شبه جمعه اول

ص: 345

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 447) به خلاصه مینویسد: قندهار شهر پست خلد آثار آبش خوشوار هوایش سازگار اما اندک گرم

جمادی الثانیہ سال 1312 در مشهد مقدس وفات یافته در دار الضیافہ مبارکہ مدفون گردید (ص 129 علمای خراسان - علامہ طهرانی در تقیاء البشر ص 1219 سوم) درباره او می نویسد: عدہ زیادی از دانشجویان بدرس فقہ و اصول وحديث و تفسیر و کلام و عقاید و حکمت و تاریخ و ادب او حاضر می شدند و خود او می گفته است: کلید همه دانشها در جیب من است، و چهارصد مجلد از کتب سنیان در کتابخانہ من موجود است. سپس میفرماید: در ده سال آخر عمر بعلت عارضہ باقادر بحر کت نبود و در سال 1311 بسن 107 سالگی وفات یافت. کتب زیر از تالیفات اوست: 1 - البرهان فی قطع شبہ الشیطان و آنرا برهانیه نیز گویند 2- تجوید القرآن 3 - تحریر الاصول در اصول فقہ 4 - تذکرۃ العلماء و رجال 5- ترجمہ تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام 6- حل العقال فی خلق الاعمال

7- حواشی بسر شرح مطالع در حکمت منطق 8 - خوان الوان کتابی است همانند کشکول شیخ بهائی 9- الرد علی النصاری 10 - دلالة السالکین فی قواعد العارفین 11- دیوان اشعار در اوایل مهجور و بعداً وصال تخلص مینموده است 12 - شرح مشکوة الانوار 13 - الفرائد الدینیة در شرح عقاید شیخ بهائی 14- کحل الطرن در علم مصرف در الذریهه (ص 285 هفدهم) وفاتش را در 1317 می نویسد 15 - کشف الغطاء در مسئلہ بدا 16 - مصارع الملحدین در رد صوفیہ وفلاسفہ 17 - المقالات در کلام 18 - الهدایہ فی تفسیر آیه الولاية و غیره .

در اعیان الشیعة (ص 87 سی و نهم) اورا عنوان کرده است و همچنین در المآثر والاثار (ص 177) نامی از او برده شده رفهرست تالیفاتش را حواله به جلد دوم مطلع الشمس (ص) نموده است .

ص: 346

(1) رشتی

از بزرگان علماء و فقهاء ساکن رشت و بفقاهت و تقوی مشهور بوده پدرش از بحرین به رشت مهاجرت نموده و در آنجا متوطن شده است . صاحب عنوان از علماء ایران و عراق در تحصیل علوم استفاده نموده و از برخی از اساتید خود و دیگران بأخذ اجازه مفتخر گردیده است از آنجمله مدتی در اصفهان در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام تلمذ نموده است و خود داماد عالم جلیل مولی محمد رفیع شریعتمدار رشتی بوده و فرزندان عالم و پرهیزگار از آن مخدیره بافته سرانجام در سال 1284 در رشت وفات یافته جنازه اش به نجف اشرف نقل گردیده و در یکی از حجرات قبلی صحن شریف مدفون گردید (ص 790 دوم الکرام البرره)

106- شیخ عبدالوهاب ریزی

(2) لنجانی اصفهانی

عالم زاهد فقیه ، از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی بوده و در نجف اشرف بدری صاحب جواهر آقا شیخ محمد حسن اصفهانی

ص: 347

1- منسوب به بحرین را بحرینی و بحرانی گفته اند و بحرین عبارتست از مجموعه تقریباً سی جزیره کوچک و بزرگ در خلیج فارسی که از سالها قبل از اسلام تا این اواخر متعلق به ایران و جزر خاک این مملکت بوده و در سالهای اخیر بشرحی که در تواریخ مسدود است از ایران منتزع و اسماً مستقل و رسماً در استعمار خار جیان قرار گرفت. نویسنده سطودشرح مختصری از تاریخ آنجا را در کتاب : زندگانی شرح حال علامه سید هاشم بحرانی نوشته ام که اگر خداوند مقدر فرموده باشد چاپ خواهد رسید .

2- ریز بر وزن میراز بلوک لنجان علیا و امروز بنام زرین شهر معروف است ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 51/22/55 عرض: 32/23/20 ارتفاع از سطح دریا 1700 متر

حاضر شده و ظاهراً مجاز از ایشان بوده قبل از 1300 در قصبه ریز از دهات لنجان وفات یافته و در همانجا مدفون گردید رحمة الله عليه .

مشار الیه پدر دو عالم بزرگوار مرحومین آقا شیخ مرتضی ریزی و حاج شیخ ابوالفضل ریزی می باشد.

ص 85 دانشمندان و بزرگان اصفهان

107- مولی عبدالوهاب بن محمد علی شریف قزوینی

از اکابر تها و مجتهدین و اعظام علماء و مروجین از شاگردان : شیخ احمد امائی و شیخ اسدالله کاظمینی و شیخ جعفر نجفی و سید جواد عاملی و سید عبدالله شیر و شریف العلماء مازندرانی و آقا سید محمد مجاهد اصفهانی کربلائی و شیخ موسی فرزند شیخ جعفر نجفی و جمعی دیگر از فحول مجتهدین در نجف و کربلا و کاظمین بوده و از عده کثیری از علماء اجازه روایت و اجتهاد داشته و عموماً بعظمت مقام علمی او اعتراف نموده اند، تعداد اینان فریب چهل نفر میباشند که از آنجمله است : میرزا ابوالقاسم قمی و آقا باقر وحید بهبهانی و حاج سید محمد باقر حجة الاسلام اصفهانی و سید جواد عاملی (تاریخ اجازه ربیع الأول 1225) و آقا سید علی کربلائی صاحب ریاض المسائل و حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی می باشند.

آغاز اجازه سید حجة الاسلام : رب انی اعوذ بک من همزات ... الحمد لله فاطر السموات والارضین ... سپس مولی عبدالوهاب را بدینگونه معرفی می نماید:

ص: 348

العالم العامل الفاضل الكامل البارع البازل جامع فنون الفضائل حائز صنوف الفواضل عاصم عباد الله عن الخبائث والرذائل زبدة الفقهاء العظام عمدة العلماء الفخام ... تاريخ اجازة چهارم شعبان 1254 (ص 810 دوم الكرام البرره) علامه طهرانی در الذریمه (ص 157) تاریخ اجازة را دهم شعبان می نویسد.

صاحب عنوان پس از وصول بمقامات عالیہ علم واجتهاد از اعتاب مقدسه بموطن خود مراجعت نموده و بدرسی و بحث و تألیف و تصنیف پرداخته در زهد و تقوی کم نظیر و در امر بمعروف و نهی از منکر سعی و کوشا بوده در اواخر عمر به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حال احتضار دستور داد ویرا در تابوتی نهاده بحرم مطهر برده و در آن جایگاه مقدس وفات یافت روز و ماه و سال وفاتش معلوم نیست.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1- اجازات و آن مجموعه اجازات اساتید و مشایخ اوست که جهت وی نوشته اند و آنها را سید محمد جواد بن میرزا سید زین العابدین خونساری در 1248 بدستور استادش مولی عبدالوهاب صاحب عنوان جمع نموده و بنام مجموعه الاجازات نامیده است (ص 226 مقدمه مناهج المعارف) 2- خلاصة الرشاد در شرح حدیث نبوی صلی الله علیه وآله وسلم مشتمل بر چهل امر که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از آن حضرت سؤال نمود و حضرتش بدانها جواب فرمود با شرح و بیان مفصل 3- رساله در اصل برات 4- رساله در تجزی 5- دو رساله در موضوع جواز بقاء بر تقلید میت 6- رساله در حجیت مظنه در حال انسداد علم وعدم حجیت آن در حال انفتاح 7- رساله در عدالت 8- رساله در عدم اجتماع امر و نهی 9- رساله در نماز جمعه 10- شرح حدیث منزلت .

108- حاج میرزا عسکری فرزند حاج میرزا هدایت الله بن میرزا سید مهدی رضوی موسوی حسینی

ص: 349

عالم فاضل فقیه ادیب شاعر امام جمعه مشهد مقدس شرح حالش در کتابهای تاریخ علمای خراسان (ص 94) الکرام البرره (ص 817 دوم) مطلع الشمس

ص 397 دوم) و مکارم الاثار (ص 392 دوم) و منتخب التواریخ (ص) بنظر رسید و عموماً ویرا بفضائل اخلاقی و ملکات انسانی و علم و دانش وزهد و تقوی ستوده اند .

کتب زیر از تألیفات اوست : 1. رسالهای در حدود و قصاص و دیات 2- خلاصة النجاة مختصر رساله نجات المتقین بفارسی 3- دیوان اشعار با تخلص شرر 4- رساله در سکوت در بیع فضولیه 5- صراط النجاة رساله عملیه و آنرا شاگردش مولی نوروز علی بسطامی مؤلف فردوس التواریخ از رساله نجات المتقین وی استخراج نموده است، نسخه آنرا علامه طهرانی نزد مولی محمد صادق بن ملا نوروز علی بسطامی دیده است (ص 38 پانزدهم الذریعه) لکن مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 399) می نویسد مؤلف آن بر ما معلوم نیست 6- شرح تمهیداً لقواعد 7- رساله در قرائت مأموم در پشت سر امام و آنرا بامر مرحوم سید حجة الاسلام تألیف نموده است و چون علماء عراق آنرا دیدند پسندیده و مؤلفش

ص: 350

1- مشهد مقدس اولین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام است. در تاریخ این شهر مقدس کتابهای زیادی تألیف شده مطالبین بدانها مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 30/37/59 عرض: 30/17/36 انحراف قبله: 00/30/56 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 970 متر

را ستایش نموده و به اجازات روانی و اجتهاد مفتخرش ساختند 8 - مناسک حج

9- منظومه ای در ارث 10- نجات المتقین در احکام دین و آن رساله نتوانی است و بنام محمد شاه قاجار تألیف شده ، انجام تألیف شب چهارشنبه 4 محرم 1254 هجری 11 - ینابیع الشریعه در فقه امامیه از طهارت و فضاء و شهادت و غیره.

مرحوم امام جمعه در رجب 1211 متولد و در 14 شوال 1280 وفات یافته در مسجد پشت سر حرم مبارک حضرت در مشهد مقدس دفن شد. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 645 سوم) شجره نامه صاحب عنوان را نقل نموده و مطالبی در باره آن فرموده طالبین مراجعه نمایند .

در مجمع الفصحاء (ص 250 دوم) و برا بعنوان شرر خراسانی ذکر نموده و این مطلع غزل را از او می نویسد : تابکی شکوه ز بی مهری صیادکنی باشد آنروز که از کنج قفس بادکنی در المآثر والاثار (ص 156) و با عنوان کرده و از خدماتش بدین و دولت یاد نموده است.

109- علی برغانی

(1) - از شاگردان سید حجة الاسلام شفقی بید آبادی است.

در پشت نسخه ای از کتاب : الزهرة البارقه از تألیفات سید حجة الاسلام که در کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) بشماره (3719) موجود است یادداشتی بخط وامضای اوست که می نویسد کتا برادر بازار اصفهان از زنی خریده است .

ص 1697 جزء چهارم از مجلد دهم فهرست کتابخانه مجلس

ص: 351

1- برغان بر وزن جریان از قراء قزوین است

معروف به مقدس.

در شرح حال آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم بطور اجمال از پدرش مطالبی نقل کردیم .

مرحوم آقا سید علی عالم و فاضل و از شاگردان سید حجة الاسلام و حاج سید اسد الله و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید حسن مدرس و دیگران بوده و زوجه اش دختر ملا صالح جویبارهای (ملا محمد صالح بن ملا محسن بن ملا عبدالفتاح زوجه اش زهرا بیگم دختر آقا سید صدرالدین محمد عاملی بوده و در شب غره محرم 1285 در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید).

مرحوم آقا سید علی همچون برادر زهدش بر علمش افزون بوده و از درس اساتید چندان بهره ای نیافته لکن در زهد و تقوی زبانزد عام و خاص و مورد توجه عموم ملاقات از عالم و عامی بوده است .

در حدود سال 1235 متولد و در حدود سال 1300 و اندی وفات یافته در جنب پدر مدفون گردید . فرزندش مرحوم آقا سید ابراهیم و نواده اش : آقا میر سید علی و آقا سید احمد از مدرسین سطوح و ادبیات عالم فاضل ادیب و آقا نور الدین مقدس می باشند . رحمة الله علیهم أجمعین .

111- سید علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی

از شاگردان سید حجة الاسلام در اصفهان بوده و مشار الیه در شب 10 شعبان سال 1263 کتابت نسخه ای از کتاب الحلیة اللامعة للبهجة المرضیه یعنی حاشیه

ص: 352

مرحوم سید حجة الإسلام را بر سیوطی بخط نسخ پایان رسانیده است .

نسخه بشماره (746) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است. (صفحه 347 دوم فهرست کتابخانه مرعشی).

112- شیخ علی بن محمد نخجوانی

نخجوانی(1)

عالم فاضل از شاگردان و مجازین از سید حجة الاسلام شفتی می باشد به اجازه متوسطه ای، آغاز : ومنه الاعانة علی الفوزالی ... الحمد لله فاطر السماوات

صفحه 195 بکم الکرام البرره - صفحه 157 یکم الذریعه

* علی اکبر

در سال 1229 تا 1235 مجموعه ای بخط نستعلیق حاوی پنج کتاب و رساله نوشته که پنجمین آنها رساله ای است در احوالات اسحق بن عمار (از صفحه 118 تا 119) عربی و می نویسد که اسحق بن عمار در نفر می باشند . این نسخه بشماره (314) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است.

ص 272 یکم فهرست

ص: 353

1- در احسن الودیعه (صفحه 223 یکم) گوید : نخجوان یفتح اول و سکون ثانی و انرا نخجوان نیز گفته اند نقل شده است که اصل ان کلمه : نقش جهان بوده منسوب بدانجارا نخجوانی و شوی خوانده اند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 40/24/00 عرض: 39/12/30 انحراف قبله: 16/26/27 جنوب غربی

بظن بسیار قوی مشار الیه از شاگردان و حاضرین مجلس درس مرحوم سید حجة الاسلام بوده و رساله نامبرده مأخوذ از فرمایشات و افادات استاد نامبرده می باشد . العلم عند الله .

113- مولی علی اکبر بن ابراهیم خونساری اصفهانی

عالم فاضل زاهد متنی از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده و از محضر سید صدر الدین محمد عاملی و حاج سید محمد قصیر در وقتی که در اصفهان سکونت داشته بهره برده و احتمالاً در محضر مرحوم بحر العلوم را نیز نموده است . و ظاهراً از آقا شیخ محمد تقی بن ابی طالب اردکانی نیز بهره های علمی یافته و از مرحوم صدر و آقا سید محمد قصیر مجاز بوده و حاج سید شفیع جاپلقی از او اجازه داشته . مرحوم جاپلقی در روضة البهیة (ص 52) در باره او می نویسد : ومن المشایخ المعاصرین الذین استجزت منهم وأجاز فی العالم العامل الزاهد المحقق الممدن الأخ المسدد والرفیق الشفیق الممجدا لاکبر آخوند ملا علی اکبر الخونساری اصلاً الاصفهانی موطناً .

مرحوم سید حجة الاسلام در اوایل امر در مسجد میرزا باقر اقامه جماعت مینمود و چون مسجد سید را بنا کرد مرحوم مولی علی اکبر را بجای خود در آنجا بامامت نصب نمود و پس از فوتش فرزند او مرحوم آخوند ملاحسین و پس از مرگ او مرحوم آقا کمال الدین فرزندش بجای او امامت مینمود و چون مرحوم آقا کمال الدین فوت شد برادر زاده اش مرحوم حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین امامت مینمود و پس از فوت مشار الیه علم و روحانیت از خاندان مولی علی اکبر سپری گردید .

ص: 354

کتاب و رسائل زیر از تألیفات صاحب عنوانست : 1 - اداء المريض الطلاق فی حال الجمیحة و آنرا بدستور استاد مرحوم سید حجة الإسلام تالیف نموده پایان نسخه روز 24 شعبان 1247 قمری - 2 - اعطاء بدل المغصوب آن شد در 9 صفحه مسئله در محضر سید حجة الإسلام مطرح شده و تاریخ نسخه ذی القعدة 1264 می باشد - 3 - حجیت الظن در 20 صفحه از تقریرات آقا سید محمد تقی اردکانی - 4 - حجیت ظن مجتهد مطلق نه مجتهد منجزی در اصول بعربی استدلالی و مفصل در نه مقدمه و سه وجه نسخه بخط فرزند مؤلف مولی محمد حسین بن مولی علی اکبر از روی خط مؤلف نوشته شده و مهر {بلغ العلی بکماله} ، نیز در پشت آن دیده میشود. مهر مربوط به مرحوم آقا کمال الدین خونساری است 5 - الزکوة فقه استدلالی متوسطی است 6 - شرح ارشاد الازمان فقه استدلالی متوسطی است در قسمت آن در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (ص 146 یکم فهرست کتابخانه) موجود است جهاد در ده صفحه و نکاح در 128 صفحه - 7 - شرح الجعفر به شرح مزج استدلالی متوسطی است بر رساله جعفریه محقق کرکی نسخه بخط مؤلف شماره (89) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم (ص 92 یکم فهرست کتابخانه) - 8 - عدم جواز الرد فی الوقف فقه عربی استدلالی بسیار مفصل در شش صفحه - 9 - عدم جواز مصالحه حق الرجوع فی العده 10 - نکاح بنت المزنی بها من الرضاة فقه عربی 11 - الوقف علی من یصح و من لا یصح .

جمیع مؤلفات صاحب عنوان در قم در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (92-97-146-150) موجود است و شرح حال اور روضه البهه واحسن الودیعه (ص 43 یکم) تکملة نجوم السماء (ص 419) دانشمندان و بزرگان اصفهان (291) و رجال اصفهان (154) المآثر والاثار من (178) مذکور می باشد .

صاحب عنوان در سال 1271 در اصفهان وفات پانته (فهرست گلپایگانی) آنچه نویسنده در کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان در وفات صاحب عنوان نوشته ام مربوط به آن سید صدرالدین استاد ایشانست .

114- سید علی اکبر بن حاج میر محمد اسماعیل

بن محمد باقر بن امیر اسماعیل حسینی از علماء سلسله سادات معروف به میر محمد صادقی (میر محمد صادق هم اکرم صاحب عنوانست) عالم فاضل در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی تلمذ نموده است. در اخلاق وزهد و تقوی معروف بوده و رساله های چندی نالیف نموده است از آنجمله: 1- رساله ای در اخلاق 2- رساله ای در تجوید 3- رساله ای در اصول دین وغیره سر انجام در سال 1300 بسن متجاوز از نود در اصفهان وفات یافت.

(ص 440 بزرگان و دانشمندان اصفهان)

مرحوم آقاسید عبد الله ثقة الاسلام میر محمد صادقی در رساله: ارشاد المسلمین بسوی اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام (ص 35 نسخه خطی) می نویسد: مؤلف درک آن مرحوم را نمودم در حالی که سن آن مرحوم متجاوز از شصت سال بود و چشمهایشان نابینا بود و در اخلاق وزهد یگانه عصر بود.

115 - سید محمد علی ابرقوئی

(1)

مرحوم سید حجة الاسلام در تاریخ شوال 1257 هجری قمری اجازه مختصری

ص: 356

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 61) می نویسد: بیدگل قریبهای بزرگی و محلی سترک از توابع کاشانست فریب در فرسخ از کاشان دور .. در زمین هموار رائق وجوانب اربعه اش واسع آتش از کاریز و هوایش گرم و خاکش رگه ورمل آنها بسیار است بمرتبه ای که بعضی سنوات خرابی میرساند.

جهت مشارالیه مرقوم فرموده و به اجتهادش از روی امتحان و اختبار گواهی فرموده

است .

(ص 157 یکم الدرهمه)

بنابر این صاحب عنوان از علماء مجاز از مرحوم سید حجة الاسلام می باشد

116 - محمد علی بیدگلی کاشانی

(1)

در تاریخ 9 ذی القعدة سال 1243 کتاب نسخه ای از کتاب : الحلیة اللامعة

ص: 357

1- شده بدین جهت ابرو گفته اند (ابرکوه) از بلاد فارس اسوده اکنون از توابع اصفهان محسوب میشود و در زمین هموار واقع و اطراف اربعه اش واسع است و سمت مشرق آن کوه نزدیک و ساکنان آن دیار همه تاجیک قدیم الزمان مدینه بزرگ بوده و بمرور ایام روی بخرابی نهاده ... آتش از کاریز و هوایش بهجت آمیز ... میوه های سرد سیری خوب دارد ... رکن زاده آدمی در دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص 446 یکم) می نویسد : ابرقو تا زمان ناصرالدینشاه جزء استان فارس بوده و اخیراً جزء استان دهم (اصفهان) شده است و یکی از بخشهای بازده گانه شهرستان یزد است... جمعیت آن 2900 نفر می باشد (انتهی محل الحاجه). ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 53/17/00 عرض: 31/08/00 انحراف قبله: 54/18/10 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1505 متر (1) شیروانی در پستان السیاحه (ص 179) می نویسد: بیدگل قریه ای بزرگی و محلی سترک از توابع کاشانست فریب در فرسخ از کاشان دور .. در زمین هموار واقع و جوانب اربعه اش واسع آتش از کاریز و هوایش گرم و خاکش رگه ورممل آنجا بسیار است بمرتبہ ای که بعضی سنوات خرابی میرساند.

در شرح سیوطی را بپایان رسانیده است . کتاب در کتابخانه سید هادی اشکوری بنظر علامه طهرانی رسیده است.

(ص 83 هفتم الذریعه)

مشار الیه احتمالا از شاگردان مرحوم حجة الاسلام بوده است.

117 - مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی

(1) . . عالم فاضل محقق زاهد از شاگردان حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله حجة الاسلام بروجردی بوده و سید جاپلقی ویرا در روضة البهیه نامبرده و او را بسیار ستوده است. از مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفنی اجازه داشته تاریخ اجازه 1258 رسید حجة الاسلام اجازه مفصلی برای او نوشته .

و همچنین از حاج محمد جعفر آباءه ای نیز مجاز بوده است. دور المآثر والاثار (ص 165) گوید: در شیراز ریاستی عمده داشت . مرحوم فرصت شیرازی در آثار عجم (ص 441) : در ذکر مساجد شهر از می نویسد : مسجد مولی در محله درب شاهزاده مسجدی است عالی بناء خوش رفیع و زیبا سالهای دراز مرحمت مآب جناب مستطاب ملا محمد علی مجتهد که عالمی بود وحید و کاملی فرید رقیهی سدید صاحب فتاری و رساله در آن مسجد امامت میفرمود و بعد از فوت وی (در حاشیه می نویسد فوت مرحوم ملا محمد علی در سنه 1284

ص: 358

1- نویسنده گوید : بیدگل را با بیکدل نباید اشتباه نمود زیرا این یک طایفه ای است از اترک, صباحی شاعر کاشانی بیدگلی است وحاجی لطفعلی خان آذر بیدگلی . (شیروانی در بستان السیاحه (ص 533) گوید: محلات قصبه ای است جنت آیات و آن دو محله است مسافت یک میل از یکدیگر دور و آبش موفور.

می باشد) مرحوم غفران پناه جناب ملا محمد حسین که ارشد اولاد آنجناب بود (نوت 1309 در حاشیه) و خاص و عام را مرجع و مآب نیز امام و پیشوای انام گردید. پس از وفات او ولد دیگرش عالم مؤید و فقیه معتمد جناب ملا احمد در این مسجد امامت مینماید و درس میفرماید عالمی است راست گفتار و عاملی درست کردار.

صاحب عنوان دارای کتب و رسائلی بوده از آن جمله: 1- ترجمه احوال محمد بن سنان نزدیک هزاریت نسخه ای از آنرا مؤلف الذریعه (ص 164 چهارم) در مدرسه حسن خان در کربلا دیده که بخط مولی عبد الحمید بن عبد الوهاب فراهانی حائری متوفی حدود سال 1320 و اندی از شاگردان مؤلف مشاهده نموده و آن در ضمن مجموعه ای از تصانیف استادش بوده است 2- رساله در حد قصر و اینکه مسافت هشت فرسخ است با چهار فرسخ (ص 170 یازدهم الذریه) 3- سؤال و جواب بفارسی و مختصر (ص 246 دوازدهم الذریعه) و غیره.

صاحب عنوان در سال 1284 در شیراز وفات یافته است.

علامه طهرانی در شرح حال میرزای بزرگ شیرازی (هدیه الرازی) که بفارسی نیز ترجمه شده است این چند نفر را از اولاد و اعقاب صاحب عنوان نام میبرد .:

1- میرزا ابراهیم در صفحه 98 2- میرزا ابوالفضل فرزند میرزا ابراهیم صفحه 99- شیخ اسماعیل محلاتی نجفی در صفحه 114

4- شیخ جعفر بن شیخ محمد حسین در صفحه 139 5- حاج میرزا حسین مازندرانی شریعتمداری در صفحه 139

6- میرزا محسن بن مولی محمد علی صفحه 183

ص: 359

بن ملا عبد العظیم بن محمد تقی بید گلی اردستانی از علماء ساکن اصفهان و خود و پدرش امام مسجد قطبیه (1) در محله چهار سوق شیرازها را داشته اند (ص 164 یکم آتشکده اردستان).

در خدمت جمعی از علماء اصفهان تلمذ نموده و محضر سید حجة الاسلام را نیز درک نموده و عمده تحصیلاتش نزد آقا میر سید حسن مدرس و آقا سید محمد شهبهانی و حاج سید اسد الله بید آبادی بوده است (اطلاعات متفرقه از خاندان عظیمی).

119 - سید محمد علی بن سید صدرالدین محمد موسوی عاملی معروف به آقا مجتهد عالم فاضل محقق ادیب شاعر

در سال 1239 متولد گردید مادرش دختر علامه فقیه مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد . خود از بزرگان و مفاخر علماء شیعه می باشد در اصفهان نزد پدر

ص: 360

1- از مساجد قدیمی و تاریخی اصفهانست که در اواسط قرن دهم هجری (950) بوسیله امیرقطب الدین علی باب الدشتی بنا گردیده است (بنابراین تردید قطبیه و یا قدویه بيمورد خواهد بود) این مسجد در ضلع شمالی خیابان خشک که آنرا خیابان خوش می گفتند قرار گرفته و نام خیابان پس از تغییر به نام خیابان شاه و اخیراً بنام خیابان طالقانی مشهور و معروف گردیده است. در موقع تعریض خیابان خشک (ص 48 و 49 نصف جمان فی تعریف الاصفهان) قسمتی از مسجد و سردر تاریخی آن در مسیر خیابان قرار گرفت و کاشیهای آن به صارت چهلستون انتقال یافت. برای اطلاع بیشتر از چگونگی بنا و کاشیکاری و کتیبه های مسجد به کتاب: گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص 380) مراجعه شود.

بزرگوار خود رسید حجة الاسلام و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده قبل از رسیدن بسن بلوغ بمرتبۀ اجتهاد نائل گردید . عالمی است ادیب و فیه جلیل شاعری خوش ذوق.

دارای تألیفات زیر است: 1- احیاء التقوی در شرح دروس ناتمام 2 - الغیه در نحو ناتمام 3- البلاغ المبین در احکام صبیان و مجانبین (یا بالغین) این کتاب را در دوازده سالگی تألیف نموده و چون بنظر سید حجة الاسلام رسید اجتهاد او را گرامی فرموده و دختر خویش را بزوجیت بدو کابین بست 4 - دیوان اشعار و 5- العلائم در شرح مراسم ناتمام 6- فرائد الفوائد در اصول فقه 7 - منظومه در مواریث ناتمام 8- منظومه در وقف 9 - نفایس القراء و غیره .

مرحوم آقا مجتهد بزرگترین فرزند پدر دانشمند خود بوده و پس از فوت پدر در علم و ریاست و امامت جانشین پدر گردیده و پس از نماز منبر تشریف برده و با مواعظ شافیه مردم را هدایت مینموده و هموم طبقات بدو اظهار ارادت مینموده و در نمازش شرکت مینمودند در سال 1274 وفات یافته و در نجف اشرف در جنب پدر مدفون گردید ، از اشعار فارسی اوست : خرمین حسن تراروی که می کردند جمع

آفتاب از دامن بک خوشه چین افتاده بود ص 102 چهل و ششم اعیان الشیعة - ص 15 دانشمندان و بزرگان اصفهان ص 25 یکم ریحانة الادب .

شرح حال اولاد و اعقاب او در فصل مربوط به خاندان حجة الاسلام گفته خواهد شد .

ص: 361

(1)

فرزند سید محمد بن عبدالله بن اسماعیل بن حسین موسوی مازندرانی شاهانندشتی علامه فنیه زاهد متولد در حدود سال 1220 در اصفهان در این شهر در خدمت جمعی از بزرگان همچون سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی و دیگران تحصیل نموده تا بمقامات عالییه رسیده در مسجد قطیبه امامت و تدریس مینموده سرانجام در سال 1288 در این شهر وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام مدفون گردید . کتب زیر از آثار اوست : 1- ترجمه اکمال الدین تألیف شیخ صدوق علیه الرحمه 2 - ترجمه مجلد هشتم بحار الانوار علامه مجلسی 3- ترجمه مجلددهم بحار الانوار 4 - مبانی الاحکام در طهارت و صلوة و حج و غیره .

مشار الیه سه دوره کتاب بحار الانوار را و یازده مرتبه مجلد دهم آنرا بخط زیبای خود نوشته است نویسنده مجلدات ترجمه بحار الانوار مشار الیه را در نزد نواده اش مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام (1384 - 1290) فرزند آقا سید عبدالله فرزند آقا میرزا محمد علی رؤیت نمودم . رحمة الله علیهم أجمعین.

ص 449 دانشمندان و بزرگان اصفهان

121 - سید فضل الله استر آبادی

عالم فاضل متقی ، از مجازین از مرحوم حجة الاسلام به اجازه مبسوطه است .

ص: 362

1- شمس آباد از محلات اصفهانست که در ضلع شمالی خیابان شیخ بهائی قرار گرفته و نزل میرزا محمد تقی الماسی و مدرسه شمس آباد در دو طرف خیابان نامبرده واقع گردیده

آغاز اجازة: منه التوفيق للتولى من الحميم ... الحمد لله الذى لا يخفى عليه شىء 00

تاريخ اجازة: شب سوم ذى الحجة الحرام سال 1252 هجرى است.

این اجازة را علامه طهرانى در الذريعة (ص 158 يكم) ذكر نموده و در الكرام البرره (ص 195 يكم) ميفرمايد ضمن مجموعه اجازات آن مرحوم است كه در كتابخانه مولى محمد على خونسارى ديده ام •

122- سيد كاظم طباطبائى زواره اى فرزند آقا على

از فضلاء ساكن اصفهان و ظاهراً شاگرد سيد حجة الاسلام و حاجى كلباسى و جمعى ديگر از علمائى اين زمان بوده و در نزد حاجى و سيد محترم و معزز ميزيسته و گاهى آن دو بزرگوار به زواره به ميهمانى بمنزل او ميرفته اند.

مشار اليه داراى چندين فرزند پسر و دختر بوده از آن جمله دختران :

1- زوجه مرحوم حاج سيد اسد الله بيدآبادى . 2- زوجه مرحوم آقا محمد مهدى كلباسى .

3- زوجه حاج محمد على زوارهاى طباطبائى .

بنابر آنچه فاضل محترم آقاى حاج سيد حسن ديباج فرزند ميرزاسيد مصطفى ديباج بن حاج سيد يوسف بن حاج محمد على زوارهاى مرقوم اظهار مى دارند : حاجى مرقوم بانى موقوفاتى در زواره بوده است.

و بطوريكه از كتاب آتشكده اردستان بر مى آيد صاحب عنوان را دختران متعدد بوده از اينقرار :

1- زوجه حاج سيد اسد الله بيدآبادى . 2- زوجه مير محمد على زوارهاى بانى موقوفات بن سيد رضا بن مير محمد

ص: 363

زمان بن میر محمد شفیع طباطبائی

3- زوجه میرزا محمد جعفر شهشہانی . واین سه دختر و داماد را در جلد سوم (ص 647) می نویسد 4 - زوجه سید رشتی (بدون تعیین پدر یا پسر)
احتمالاً سید حجة الاسلام

5- زوجه مبر زین العابدین بن میر حسین بن میر اسماعیل بن میر محمد شفیع طباطبائی زواره ای و این دورا در جلد یکم (ص 196) نام برده است .

ظاهراً دو دختر سید کاظم نامبرده یکی عیال مرحوم سید و مادر عاج سید اسد الله و یکی عیال میرزا محمد جعفر شهشہانی و مادر آقا میرزا یحیی بوده اند و
این دو خالمزاده همدیگرند بنابراین نمیتواند دختر دیگرعیال حاج سید اسد الله باشد . باشد .

وعیال آقا سید کاظم نامبرده دختر محمد حسین خان عرب عامری بوده است (ص 201 یکم آتشکده اردستان).

در موضوع دختران صاحب عنوان احتیاج به تحقیق بیشتری می باشد .

123 - سید کریم حسینی لاهیجی

در یک مورد از احکام نماز جمعه از کتاب مطالع الانوار تألیف سید حجة الاسلام تعلیقه ای مرقوم داشته و همان مورد دلالت بر علم و فضل و مهارت او
در فقه می کند .

ص 123 تراجم الرجال مشار الیه احتمالاً از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

124 - میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای

از خواص و نزدیکان سید حجة الاسلام می باشد و بطن قوی از شاگردان ایشان

ص: 364

وحاجی کلباسی و دیگران بوده است و چون در زواره شخصی بدون وارث از دنیا رفت و از خود اموالی بجای گذاشته بود و مرحوم سید حجة الاسلام طبق موازین کرمی خویشان را وارث او میدانست مشار الیه را جهت ضبط و تصرف اموال متوفی معین فرمود .

فرزندش آقا میر سید محمد و فرزند زاده اش مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای از فضلاء معاصر بود که در نسل خاندان مرحوم سید حجة الاسلام بنام او اشاره خواهد شد.

مسئله : یکی از موجبات ارث ولاء است (موجبات ارث بانسب است یاسبب ویا ولاء) وولا، دارای سه مرحله است 1 - ولاء عتق 2- ولاء ضامن جریره 3- ولاء امام علیه السلام .

هرگاه شخصی بمیرد و در هیچ یک از طبقات (از نسب و ولاء) وارثی نداشته باشد ما ترک او به امام علیه السلام میرسد و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مجتهد جامع شرایط وارث آن شخص خواهد بود. تفصیل و بیان مسئله منوط بکتاب تهیه است.

125- آقا ملا لطفعلی زانیانی چهارمحالی

عالم فاضل مدت هیجده سال در اصفهان در مدرسه علی قلی آقا ساکن و از تلامذه مرحوم سید حجه الاسلام بوده است. در باره او در تاریخ و جغرافیای چهارمحال⁽¹⁾ (ص 438 دوم) می نویسد :

چندان در تحصیل علوم شتافته که در تمام کمالات و مجموعیت و نیکوئی حالات از سایر اکفاء و اقران بامتیاز اختصاصی بافت عالمی گردید ادریس شیم ودانائی

ص: 365

1- زانیان از قرای چهار محال و در 6 کیلومتری دهکده (شهر کرد) واقع شده است

شیرین طبع و معجز قلم بهمه باب مسلم بهمه وجه ممثل بهمه علم مقدم همه فضل معلم.

در تابستان سال هزار و دویست و شصت و دو بسن چهل سالگی در رودخانه زاینده رود که بقصد شنا رفته بود غرق شده و فوت می کند و فردای آن روز جنازه با تشریفات در جوار بقعه مرحوم سید استاد مدفون می شود . رحمة الله علیه .

126 - شیخ محسن بن اسماعیل دزفولی کاظمینی

برادر شیخ اسد الله دزفولی مؤلف مقایس متوفای سال 1234 می باشد .

صاحب عنوان از علماء کاملین و فقهاء و مجتهدین بزرگوار و نزد جمعی از علماء تلمذ نموده که از آن جمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام پس داماد علامه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهانی بوده و فرزندش شیخ محمد حسن از بطن این مخدره مکرمه مسماء به مریم بیگم بوده است.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1- حاشیه بر معالم 2- رساله در اصول دین فارسی 3- رساله در صحن عبادت نارک طریق تقلید و اجتهاد 4- رساله در جواز بقاء بر تقلید میت 5- رساله در طهارت و صلوة 6- رسائل و جزوانی در حکمت و کلام.

(ص 276 شخصیت و زندگانی شیخ انصاری چاپ دوم) مرحوم شیخ محسن دزفولی دارای چندین فرزند پسر بوده که از آنجمله است : 1- شیخ محمد طاهر سابق الترجمة 2- شیخ محمدجواد پدر شیخ محمد رضاشاگرد و داماد عموی خود آقا شیخ محمد طاهر 3- شیخ محمد حسن متوفای سال 1325 قمری .

ص: 366

فرزند شیخ محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد رفیع نولی گیلانی لاهیجی اصفهانی واعظ.

عالم فاضل محقق ادیب شاعر متخلص به عاصی و مشهور به خاکسار در سال 1224 در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و میر سید محمد شهشهانی و سید ابوتراب اصفهانی و شیخ عبدالعلی ماسولجی رشتی تلمذ نموده تا مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده و در سال 1257 به گیلان و در 1267 به قزوین مهاجرت نموده و در آنجا ساکن گردیده و تا سال 1290 زنده بوده است از طرف پدر به شیخ مفید و از طرف مادر به شیخ بهائی انتساب دارد .

مشار الیه در کلیه شعب علوم دارای تالیف می باشد که تعداد آنها متجاوز از سیصد عدد میباشد و در مقدمه مفتاح الالم گوید قبل از این کتاب 309 کتاب و رساله تألیف کرده ام (201 دوم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم تألیف دانشمند محترم جناب آقای استادی).

در تراجم الرجال (ص 129) یکصد و نه عدد از تصنیفات ویرا نام برده و در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 342) شصت و پنج کتاب از تألیفات او را ذکر نموده که برخی از آنها در چندین مجلد حتی بیست جلد می باشد که به نظم و نثر و عربی و فارسی تألیف گردیده است .

وی از آقا میر سید محمد شهشهانی و شیخ عبدالعلی رشتی اجازه داشته و در تألیفات خود از دو فرزند خود بنامهای : 1- محمد علی 2- حسینعلی که هر دو از طلاب علوم بوده اند نام میبرد .

نام تألیفات او متفرقاً در مجلدات الذریمه ذکر شده است .

در اول صفحه اول کتاب : سؤال و جواب مرحوم سید حجة الاسلام که به شماره (4924) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلس شورای ملی سابق) ایران موجود است عبارات زیر بخط مرحوم سید حجة الاسلام دیده میشود :

اعلام برادران دینی میدارد که عالیجناب مقدس القاب آخوند ملا محمد زید توفیقه امین و معتمد میباشند مسائلی که از این خادم شریعت تبلیغ شماها نمایند از ایشان قبول خواهید نمود 23 ربیع الاول 1260.

بعداً نوشته است: فوت یک شنبه 23 ربیع الثانی 01260 آنچه از عبارات فوق نتیجه گرفته میشود اینکه :

1- این نوشته تاکنون آخرین دستخطی است که از مرحوم سید حجة الاسلام در دست می باشد .

2- آخوند ملا محمد یقیناً غیر از کلیاسی و نائینی می باشد و این فرد سومین ملا محمد از شاگردان و معتمدین حجة الاسلام است.

3- اختلاف در تاریخ فوت حجة الاسلام است که آنرا در 24 می نویسد آنچه مسلم است روز فوت یک شنبه بوده و ماه آن نیز بطوریکه قبلاً گفته شد ربیع الثانی است و اول ماه ربیع الثانی روز شنبه بوده است (تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله) بنا بر این یک شنبه می تواند 23 باشدنه 24 و قبلاً روز ماه را درم ثابت کردیم بنابراین این قول خالی از اعتبار است.

129 - میرزا سید محمد رضوی مشهدی

از علماء ازکیاء و از مجازین از سید حجة الاسلام شفقتی به اجازه مبسوطه

ص: 368

کبیره است .

آغاز : ومنه التوفيق للنجاة ... الحمد لله الذي لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء ...

تاریخ 14 ربیع الاول سال 1256 هجری .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 158 یکم) نام آن را ذکر نموده ودر الکرام البرره (ص 195 یکم) میفرماید جزو مجموعه اجازات آن مرحوم است . و در الذریعه میفرماید و او غیر از سید محمد رضوی مشهور به سید محمد قصیر است زیرا فوت مشار الیه در سال 1255 بوده است.

نویسندگوید : احتمالاً صاحب عنوان میرزا محمد بن حبیب الله رضوی مشهدی مجاز از آقا سید محمد نصیر و آقا سید علی صاحب ریاض و شیخ عیسی زاهد می باشد که در مشهد مقدس ریاست عامه و مرجعیت تامه داشته و ویرا تألیفاتی بوده از آن جمله : 1- کتابی در حقیقت شرعیه 2 - شرح بر حجیت شهرت تألیف آقا سید محمد مجاهد 3 - رساله در مسئله قضا و قدر و سرانجام در رجب سال 1266 در مشهد وفات یافته و در مسجد ریاض پهلوی حرم مطهر مدفون گردید مشار الیه از مدرسین استان قدس رضوی و امام جماعت یکی از شبستانهای مسجد گوهرشاد بوده است (ص 1825 پنجم مکارم الآثار).

در مطلع الشمس (ص 419 دوم) ویرا عنوان نموده و او را باشتینی سبزواری نوشته است . در تاریخ علمای خراسان (88) می نویسد: گویند اصلشان از یکی از قرای سبزواری است مسمی باشتین (به الف ممدوده) بروزن راستین ...

130- آقا محمد مجتهد

علامه طهرانی در الذریعه (ص

) و همچنین در الکرام البرره (ص 195

ص: 369

یکم) میفرماید :

مجموعه ای از اجازات مرحوم سید حجة الاسلام را که جهت مجتهدین شاگردانش مرقوم فرموده بود و آن شامل سیزده اجازه مفصل و مختصر بود در کتابخانه مولی محمد علی خونساری دیدم یکی از این مجازین :

آقا محمد مجتهد است که در الذریعه ویرا آقا محمد نائینی دانسته و بطن نویسنده حاج آقا محمد کلباسی می باشد و محتمل است آقا محمد نام دیگری جز این دو عالم بزرگوار باشد . والعلم عند الله .

131 - ملا محمد نائینی

عالم فاضل زاهد عابد متقی شوهر خواهر حاجی کلباسی و شاگرد ایشان و مجاز از مرحوم سید حجة الاسلام شفتی به اجازه مبسوطه می باشد .

آغاز : الحمد لله العليم الحكيم الکریم ..

و در آخر آن سفارشنامه ای است جهت تشویق و ترغیب مؤمنین به اقتدا به نماز جماعت ایشان تاریخ اجازه 26 رجب سال 1256 می باشد و بطوریکه مرحوم گزی در تذکره القبور می نویسند (ص 57 رجال اصفهان) یک وقت امام مسجد حکیم را باو واگذار نموده (حاجی کلباسی) و مؤمنین و مقدسین بسیار باو اعتماد داشتند.

صاحب عنوان در روز دوم شوال سال 1263 در اصفهان وفات یافته در قبرستان تخت فولاد جلو قبر فاضل هندی مدفون گردید و این مقبره را بواسعله قبر فاضل هندی و قبر فاضل نائینی به فاضلان شهرت داشت.

ملا محمد نائینی را فرزندی است بنام آقا علیرضا که مجاور عتبات عالیات بوده و از اهل زهد و ریاضت و مواظب اعمال و عبادات در آن عتبات بوده و در

ص: 370

کربلا وفات یافته و مدفون گردیده و اغلب سند خوابهای صادقه مؤثره که مرحوم ثقة الاسلام حاجی نوری در کتاب دار السلام مرقوم فرموده واسطه نقل مشارالیه است (ص 57 رجال اصفهان).

132- حاج آقا محمد قزوینی فرزند علامه تبه حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی .

شرح حال پدرش را قبلاً نوشتیم و متذکر شدیم که مشارالیه اخص خوام سید حجة الاسلام بوده است.

فرزندش حاج آقا محمد در نزد علمای این شهر تحصیل نموده و مظنون بلکه مقطوع آنکه سالها در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام بکسب علوم و فضائل اشتغال داشته و بعد از پدر در مسجد آقا نورامامت مینمود . سال فوتش بدست نیامد ظاهراً قبل از 1300 بوده است.

133- حاج آل محمد کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه تبه زاهد حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن محمد قاسم کلباسی (کرباسی) عالم فاضل فقیه زاهد عابد، در نزد جمعی از علماء اصفهان تلمذ نموده و از پدر بزرگوار خود رسید حجة الاسلام و آقا شیخ محمد حسن نجفی و بعضی از مشایخ نجف اشرف اجازه داشته .

صورت این اجازات در مقدمه کتاب انوار النزول تألیف آن بزرگوار موجود و نسخه در کتابخانه حقیر می باشد و نسخه ای نیز از این اجازات بطوری که در اسامی تألیفات سید حجة الاسلام ذکر کرده ایم در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد نیز موجود است .

ص: 371

صاحب عنوان بملاحظه حدیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است که : کسی که ببیند اولاد مرا و نیام تام بجا نیاورد جفا کرده و یا مبتلای بیلای بی دوامیشود هر سید را که میدید تمام قد بر می خواسته اگرچه آن سبد دور بوده و یا اصلاً متوجه و ملتفت نمیشد (ص 161 رجال اصفهان).

و باز در همان کتابست که در هر مجلسی که می نشست غالباً فضیلت اعمال خیر را نقل میکرد و یک وقت امام مسجد حکیم را هم داشته . مرحوم حاج آقا محمد در روز جمعه بیست و دوم ربیع الثانی سال 1292 در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر (مقابل درب شرقی مسجد حکیم) در کنار ایران جلو گنبد بالاسر قبر آقا محمد مهدی دفن شد.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1- رساله ای در آداب و سنن 2- انوار النزول درقه 3- رساله در جنائز 4- کتابی در حدود و دیات 5- رسائلی در رجال 6- شرح تهذیب علامه 7- شرح خلاصة الحساب 8- شرح نتایج آقا سیدابراهیم 9- رساله در صوم 10- کتابی در طهارت و دوم با استدلالی 11- منبع الحیة فی عبادات الاحیاء والاموات در قواعد کلی فقه و اصول در پانزده مجلد بزرگ 12- رساله در میراث 13- نور حدیقه الناظر در آداب و اخلاق 14- هدیه الشیعه در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ کتابی بسیار بزرگی است 15- هدیه الشیعه رساله عملیه جهت مقلدین و غیره.

134 - میرزا محمد خاتون آبادی

معروف به آقا دگمه چین قبلانام مشارالیه را بعنوان (آقا دگمه چین) متذکر شدیم در این جا به دو نکته زیر اشاره می کنیم :

1- میر عماد الدین محمد مدفون در دامنه کوه قریه گورت نزدیک قریه

ص: 372

خاتون آباد میباشد و بهمین مناسبت اعقاب مشار الیه بسه خاتون آبادی شهرت یافته اند . 2- نسب علویه عالیّه مجتهده بانو نصرت امین (1404 - 1308) مؤلف کتابهای : 1- اربعین هاشمیه 2- ترجمه طهاره الاعراق تألیف ابن مسکویه بنام اخلاق با راه سعادت بشرم 3- تفسیر قرآن بنام مخزن العرفان در پانزده مجلد 4- جامع الشتات 5- روش خوشبختی 6- سیر و سلوک 7- مخزن اللئالی در فضائل حضرت مولی الموالی علیه السلام 8- معاد با آخرین سیر بشر 9- نفحات الرحمن که همگان بچاپ رسیده و برخی از آنها چندین مرتبه طبع گردیده است .

به میر عماد الدین محمد میرسد باین نحو: علویه حاجیه نصرت امین فرزند حاج سید محمد علی بن سید حسن بن سید محمد بن علامه زاهد میر معصوم متوفی بسال 1155 مدفون در جنوب بقعه آقا محمد بیدآبادی فرزند عالم محقق مورخ میر عبدالحسین خاتون آبادی مؤلف کتاب وقایع السنین والاعوام (1107- 1037) فرزند میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل معروف به شاه مراد مدفون در قریه گورت فرزند میر عمادالدین محمد حسینی افطسی .

بانوی نامبرده که در تألیفات خود خویشتن را بانوی ایرانی می نویسد یکی از مفاخر علمی و نمونه اعلاّی زن مسلمان از حیث علم وزهد و تقوی وعفاف و خلاصه آنچه انسان را بمقام انسانیت میرساند بود و الحق شایسته آن بود که رپرا حجت برزنان مسلمان در کلیه زمانها بدانیم و تا کنون در طایفه نسوان زنی باین پایه و مقام علمی نمی شناسیم (باتوجه به کتاب ریاحین الشریعه و دیگر کتب که راجع به زنان دانشمند ادیب نقبه ومحدث وشاعر وعارف نوشته شده است).

فرزند علامه فقیه زاهد حاج میرزا زین العابدین از جمله علماء و فقهاء و محدثین اصفهان می باشد در اول محرم الحرام سال 1322 در خونسار متولد گردیده و در نزد پدر بزرگوار و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و جمعی دیگر از بزرگان تلمذ نموده و از پدر دانشمند خود و حاجی کلباسی و آقا میر سید حسن مدرس اجازه داشته است .

صاحب عنوان از متبیین و مطلعین و کتاب شناسان معروف زمان خود بوده بطوری که نقل شده است که هر کتابی را که اول و آخر آن افتاده بوده چون بدستش میدادند پس از اندکی مطالعه و بررسی نام کتاب و مؤلف و مقدار اوراق افتاده را میفرموده است. کتابهای زیادی بخط خود نوشته که شاید تعداد آنها از یکصد مجلد هم متجاوز باشد (ص 228 مقدمه مناهج المعارف) در فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان (ص 23) می نویسد: در کتابشناسی هیچ یک از علمای متاخر این سامان بیا به او نرسیده اند فریب هزار نسخه خطی در چندین کتابخانه بنظر نگارنده (علامه مفضل حاج سید محمد علی روضانی) رسیده که تمام یا قسمتی از آنها بخط آن مرحوم بوده است.

مرحوم حاج میر سید محمد در تألیف کتاب شریف: روضات الجنات برادر بزرگوار خود از هر جهت کمک و مساعدت نموده است از قبیل تهیه کتاب و نقل مطالب و مراجعه به مصادر و پانویس و غیره .

مشار الیه در مسجد مستهلک و مسجد چهار سو کوچک اقامه جماعت مینموده است . سر انجام در 28 رمضان المبارک سال 1293 در اصفهان وفات یافته در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد در بیرون بقعه بالای سر پدر بزرگوار خود

134 - میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی

فرزند محمد رفیع بن عبدالمطلب بن علی عالم فاضل زاهد ادیب شاعر کثیر التألیف والتصنیف در المآثر والأثار (ص 157) در باره او می نویسد: فقیه مقدس صادق سلیم الصدر ساده نفس بود وی بطوریکه خود در فصص العلماء گوید در نزد بسیاری از علماء و دانشمندان همچون: 1- ملا آقا در بندی 2- سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط 3- حاج محمد ابراهیم کلباسی 4- حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی 5- حاج محمد جعفر استر آبادی 6- حاج محمد جعفر بن محمد صادق لنکرودی اصفهانی حکیم ایلسوف 7- شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر 8- شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء 9- حاج ملا صالح برغانی 10- مولی صفر علی لاهیجی 11- ملا عبدالکریم ایروانی 12- شیخ محسن خنفر 13- آقا شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده و در ابتدای تحصیل در تنکابن در نزد سید ابو جعفر حسین دائی خدود وملا سلیمان پدرش نیز اندکی تحصیل نموده تا مقامات عالیه علم رسیده و از سید محمد باقر قزوینی و شهید ثالث مولی محمد تقی قزوینی و جمعی دیگر اجازه داشته .

قریب دویست کتاب و رساله در علوم مختلفه از تفسیر و کلام و اصول رفته ورجال و درایه و حدیث و صرف و نحو و غیره بنظم و نثر تألیف نموده که از آنجمله است : 1- توشیح التفسیر 2- سیبل النجاة مطبوع 3- شرح تصریف زنجانی 4- شرح زیارت رضویه 5- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم 6- غسل الجنب 7- فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام 8- الفرائد در توحید و عدل منظومه و شرح آن بنام منتهی المقاصد 9- الفرائد الرضویه در نبوت خاصه 10- الفرائد

در تجوید 11 - الفراند (به نون قبل از دال) در رد یهود و نصاری 12 - قصص العلماء معروفترین کتابهای اوست در آن شرح حال 153 نفر از علماء شیعه را نقل نموده و در ضمن حالات هر یک مطالبی و حکایاتی نوشته که عموماً سند و ماخذ صحیحی نداشته و بدین جهت مورد انتقاد علماء و نویسندگان قرار گرفته و حاجی نوری در الفیض القدسی بکذابه و مؤلف المآثر والاثار بصراحت از او عیب گرفته اند و دیگران نیز کم و بیش خرده گیری نموده اند کتاب مکرر بچاپ رسیده است 13- کرامات العلماء 14 - کشکول المحمدی در چهار مجلد 15 - کنز الالغاز 16- لالی الولاية در امامت و آن منظومه والقیه است و خود بر آن دوشرح نوشته است 17 - لسان الصدق وراسول فقه 18 - لغت الاضداد 19- منظومه ای در نحو و در صرف و منطق و بدیع و معانی بیان و کلام و حساب و مفرومل و مصیبت و غیره. نیز رسائل و حواشی و شروخی دارد و خود فهرست موافتش را در فصص العلماء کر می کند .

در حدود سال 1234 یا 35 و با 36 متولد و در سه شنبه 28 جمادی الثانیة 1302 در سلیمان آباد تنکابن وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

135 - شیخ محمد بن قاسم جرقویه ای

(1)

در تاریخ 25 ذی الحجه سال 1245 کتابت نسخه ای از جلد چهارم مطالع

ص: 376

1- جرقویه از بلوک اصفهان در جنوب شرقی این شهر واقع شده و از دو ناحیه ترکیب شله : جرقویه علیا و جرقویه سفلی هوای گرم و خشک ولیکن سالم عمده محصولش گندم و جوزق (پنبه) و مردم آنجا همگی شیعه دوازده امامی و مؤدب و نیک نهادند و عده زیادی از بزرگان علماء و شعراء و ادباء منسوب بدانجا می باشند نزدیک پنجاه قریه و مزرعه دارد که مهمترین آنها : آذر خواران - پیکان و سیان و محمد آباد و نصر آباد و نیک آباد می باشد. در جرقویه علیا قله کوهی است اثر دو زانو که بسجود رفته در سنگ نمایان (است). و گویند خرابه در اسفنداران است معروف به قولنجان استخوانهای مردم بزرگ جئه در آن پدیده میشود لاتی . این دو قسمت با پله مورد توجه ادارات مربوطه قرار گرفته و در باران علی وارث بعمل آید.

الانوار تألیف مرحوم سید حجة الاسلام در قریه نصرآباد جرقویه بپایان رسانیده و در آنجا تصریح بشاگردی خود در نزد آن مرحوم نموده است و در تعظیم و تکریم استاد خود بیشتر از یک صفحه از صفحات بزرگ کتابت نموده است.

ص 517 تراجم الرجال

136- شیخ محمد مازندرانی

● فرزند مقیم بن شریف بن مقیم درزی بارفروشی مازندرانی

عالم فاضل جامع در اصفهان خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و آقا سید محمد مجاهد درس خوانده و در اصفهان به خدمت شیخ احمد احسائی رسیده و پس از مطالعه در کتب اویطریقه وی مایل گردیده به موطن خویش مراجعت نموده و کتب شیخ احسائی را تدریس مینموده و از اینرو علماء اندیاری باوی مخالفت نموده و او در اول برخی از تألیفاتش از آنان شکایت نموده است. در مازندران اسفار تدریس میکرده و جمعی در خدمتش تلمذ مینموده اند.

تألیفات زیادی دارد که از آن جمله است: 1- اسرار المکارم 2- الاصل والفصل کشکول 3- الانوار اللامعه 4- البوارق 5- تفسیر قرآن کریم 6- تقلید میت و آنرا در سال 1243 تألیف نموده است 7- الدرر الغیبیة تاریخ تألیف 1260 می باشد 8- روضات حظوظ الایام 9- شرح برشرح عرشیه 10- شرح

ص: 377

در مقدمه قوانین الاصول 11- غنائم المسترشدين 12 - اللمعان 13 - اللوامع در شرح روضة البهيه 14 - الواردات العتيقة والجديده .

صاحب عنوان در سال 1276 کتابهای خود را وقف نموده است بنابراین وفاتش پس از این تاریخ خواهد بود.

ص 164 تراجم الرجال نویسنده گوید : به احتمال قوی وی از شاگردان حاج ملا علی نوری حکیم و فیلسوف نیز بوده است.

برادرش شیخ یعقوب نیز از حکماء وفلاسفه و از شاگردان برادر خود و شیخ مرتضی انصاری بوده و بین سالهای 1264-1276 وفات یافته است ویرا تألیفاتی است : 1- حاشیه اسفار از تقریرات برادرش 2- شرح شرائع الاسلام .

ص 247 تراجم الرجال

137 - ملا میرزا محمد بن محمد هادی نائینی

اصفهانى عالم فاضل جليل محقق رجالى بصير شاعر ادیب متخلص به فائض از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام شفتی تاریخ اجازه سال 1256

که آنرا سید حجة الاسلام در پشت جلد اول رجال صاحب عنوان بخط مبارک خود مرقوم داشته است (ص 148 دهم الذریعه) ویرا کتب و رسائل زیادی است از آن جمله : 1- رساله در تحقیق حال ابان بن عثمان 2- رساله در تحقیق حال ابراهیم بن هاشم 3- رساله در تحقیق حال ابی بصیر 4 - رساله در تحقیق حال ابی سعید رازی 5 - رساله در تحقق حال احمد بن عیسی 6 - رساله در تحقیق

جال اسماعیل بن عمار 7- رساله در تحقیق حال سهل بن زیاد 8- رساله در تحقیق در عده مذکور در کافی 9- رساله در تحقیق حال عمر بن زید 10 - رساله

ص: 378

در تحقیق حال محمد بن اسماعیل 11 - رساله در تحقیق حال محمد بن خالد برقی در اعیان الشیعه (ص 8 چهل و هفتم) می نویسد در اول بسیاری از این رسائل می نویسد: از افادات سید استاد حاج سید محمد باقر حجة الاسلام است و آنها را مؤلف اعیان الشیعه در ضمن مجموعه ای که تاریخ فراغت آن 25 جمادی الأول سال 1265 در اصفهان بوده در طهران رؤیت نموده است. 12 - دیوان اشعار با تخلص فائض 13 - رجال در چندین مجلد 14 - فوآندی از کتاب: الرواشح تألیف میر داماد 15 - اللؤلؤة البهیة ارجوزه کلام در شش مقصد 1 - امور عامه 2 - جواهر 3 - الهیات 4 - نبوت 5 - امامت 6 - معاد در 924 بیت .

آغاز: حمدا علی معرفة الکلام للمنعم المیهن العلام

انجام:

وانا راجی العلم والرشاد من ربه محمد بن الهادی

ومنشأ فی البلد الامین ماوی الصفا مدینة النائن 16 - مثنوی طور سینا یا شجره طور سینا مثنوی عرفانی است در چندین جلوه در جلوه دوم اشاره بوقعه کربلا نموده و در جلوه سوم از سر اختلاف مذاهب سخن گفته و در جلوه چهارم از عقل و حرکت جوهر به بیان نموده است .

آغاز: ای نهان در ذات برای پیدا به هست جلوه گر رویت زمر بالا و پست عکسی از قدرت بدهسر انداختی کاین زمین و آسمانها ساختی

(ص 241 نوزدهم الذریعه) علامه طهرانی در الذریعه (ص 806 نهم) می نویسد: به گمان من وی پدر آقا علیرضا نائینی مذکور در دارالسلام حاجی نوری می باشد.

ص: 379

نویسنده گوید: صاحب عنوان یقیناً پدر آقا علیرضا نمی باشد زیرا تاریخ وفات ملا محمد فاضل نائینی اصفهانی 1264 و تاریخ اتمام رجال ملا محمد نامبرده صاحب عنوان 1265 می باشد .

در اعیان الشیعه و برا در دو محل ذکر نموده یکی بعنوان محمد بن محمد هادی (ص 8 چهل و هفتم) و دیگری بعنوان میرزا محمد هادی نائینی (ص 339 چهل پنجم) و یقیناً کلمه (ابن) ما بین محمد و هادی در چاپ ساقط شده است و هر دو نفر یکی می باشند.

اما آنچه از کتاب المآثر والاثار (ص 167) و تاریخ نائین (ص 127) و همچنین (ص 175) مستفاد میشود آنکه وی در حدود سال 1220 متولد شده و در 19 جمادی الاولی سال 1305 وفات یافته و در حرم امامزاده سلطان سید علی در نائین مدفون گردید.

واز آثارش ترجمه کتاب: احقاق الحق تألیف قاضی نورالله شوشتری است بنام ترجمان الحق ولسان الصدق:

علامه طهرانی در الذریعه (ص 75 چهارم) می نویسد:

ترجمه احقاق الحق بفارسی با بعضی تصرفات خوب بعبارات شیرین و ایراد اشعار لطیف از مترجم او عالم جلیل میرزا محمد نائینی متوفای بسال 1305 می باشد و آنرا حاج شیخ هادی طهرانی تقریظ نوشته است .

مشارالیه پدر میرزا علی خان منشی ملقب به صفاء السلطنه متوفی سال 1328 در کربلا و مدفون در ایران صحن مطهر حضرت اباالفضل العباس علیه السلام وی ادیب و شاعر و منشی و متخلص به مشتاقی است و دیوانش بچاپ رسیده است

فرزند دیگر حاج میرزا محمد میرزا عباس خان صفاء السلطنه است شعر نیکو میسروده و بکصد پانزده سال عمر کرده و در حدود سال 1358 در طهران وفات

ص: 380

یافته در قم مدفون گردید (ص 175 تاریخ نائین).

فائده: در همین زمان عالمی دیگر مقام ملامیرزا محمد (فرزند میرزا ابوالحسن مصاحبی) در محمدیه نائین و سپس اصفهان می زیسته و بسال 1278 در اصفهان وفات یافته در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردیده است (ص 3 مقدمه دیوان عبرت و ص 213 دوم تاریخ تذکره های فارسی بنقل از مدینه الارب تألیف عبرت نائینی).

138- شیخ مرتضی انصاری

فرزند شیخ محمد امین بن مرتضی انصاری دزفولی نجفی، از اعظام فقهاء و مجتهدین و اکابر رؤساء علماء... در روز غدیر سال 1214 متولد و در شب 18 جمادی الثانیه سال 1281 در نجف اشرف وفات یافت.

عالم جلیل معاصر حاج شیخ مرتضی سبط الشیخ انصاری در باره زندگانی آن عالم جلیل کنابی بنام: زندگانی و شخصیت شیخ انصاری تألیف فرموده و آنرا بچاپ رسانیده است بنابراین در این جا نیازی بشرح و بسط در ترجمه احوال آن بزرگوار نیست طالبین بدانجا و دیگر کتب تراجم رجال مراجعه فرمایند.

دو کتاب نامبرده (ص 67 چاپ دوم و چاپ اول) به خلاصه می نویسد:

شیخ انصاری در سال 1240 بعزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام از دزفول باتفاق برادر خود شیخ منصور حرکت نمود، در این سفر اول به شهر بروجرد و سپس به اصفهان آمده و در کاروانسرائی منزل کرد. چندین روز بدرس مرحوم سید حجة الاسلام حاضر شده از اتفاقات اینکه در آن روزها مرحوم سید

ص: 381

اشکالی را برای شاگردان القاء نموده و جواب آنرا از آنها میخواست .

شیخ جواب اشکال را به یکی از طلاب نزدیک خود فرموده از مجلس خارج گردید . طلبه مزبور جواب اشکال را نقل کرد و چون جواب بالاتر از سطح معلومات طلبه مزبور بود مرحوم سید فرمود :

این جواب از تو نیست چه کسی آنرا بتو آموخت.

مؤلف نامبرده از قول مرحوم سید حجة الاسلام نقل می کند که ایشان اظهار داشته اند که :

گوینده جواب یا حضرت حجة بن الحسن عجل الله فرجه الشریف می باشد و یا شیخ مرتضی نجفی .

نویسنده گوید : اگر این نقل قول صحت داشته باشد علاوه بر آنکه مقام علمی شیخ را میرساند کرامتی بزرگ از مرحوم سید حجة الاسلام است که از ورود شیخ مرتضی به اصفهان و همچنین از مقام و پایه علمی او قبل از آنکه از جایی اطلاع یافته باشد آگهی می دهد. حقیقت امور را خدا تبارک و تعالی میداند و بس .

در همان کتاب است که طلبه مزبور اقرار کرد که کسی باو باد داد مرحوم سید چند نفر را مأمور در تحقیق از حال شیخ و منزل او می کند و بالاخره او را می یابد. و می نویسد مرحوم سید قصد دیدن از شیخ نموده و نبلا کسی را فرستاد تا او را خبر دهد (اینگونه احترام کردن از علماء و دانشمندان سیره مرضیه عموم علماء اسلام و بالاخره مرحوم سید حجة الاسلام بوده است) شیخ اظهار می کند که بزحمت ایشان راضی نیستم و خود بیدار ایشان می آیم .

ص: 382

شیخ به منزل سید وارد می شود از او میپرسند که قصد مسافرت شما به اصفهان چیست توقف در این شهر با مسافرت ، شیخ فرمود بقصد ملاقات.

مرحوم سید اصرار کردند که شیخ در اصفهان بماند لکن او قبول ننموده و بعد از چند روز به کاشان مهاجرت نمود.

در معارف الرجال (ص 401 دوم) می نویسد :

شیخ پس از زیارت مشهد مقدس به اصفهان رفته و مدت بیست و پنج روز در ایام ریاست سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی در این شهر توقف نموده و

حاجی کلباسی بایشان اظهار و اصرار در توقف می کند ایشان در جواب میفرماید من در عراق عرب گم کرده ای دارم بعطاب او میروم اگر آنرا آنجا نیافتم بشهر شما باز می گردم و گم کرده او بدست آوردن اجتهاد در نزد علماء آنجا بود .

باز در همان کتاب از قول جماعتی از مؤمنین نقل می کند که : شیخ در ایام اقامت خود در اصفهان از مرحوم سید حجة الاسلام استجازه کرد و ایشان از اجازه دادن امتناع کردند و علت آنرا عدم احاطه ایشان بعلم رجال در آن زمان دانسته اند والعلم عند الله تبارک و تعالی .

نویسنده گوید: اگر آنچه را که مؤلف کتاب معارف الرجال در باب استجازه مرحوم شیخ از سید نوشته و جواب رد دادن مرحوم سید حجة الاسلام به ایشان صحیح باشد باید مدعیان اجتهاد در زمان ما در حال خود دقت کنند وقتی مرحوم شیخ مرتضی انصاری مجتهد نباشد دیگر چه کسی از اینان میتواند ادعای اجتهاد کند. در اوایل کتاب نیز شرحی از خطاب حجة الاسلام به شیخ انصاری و استتکاف ایشان مرقوم داشتیم که از نظر خوانندگان محترم گذشت.

ص: 383

139- سید مرتضی بن سید هادی بن سید محمد رضا حسینی

در شب شنبه دهم شوال سال 1219 در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در نزد پدر دانشمند خود فراگرفته سپس به قزوین و بعداً به اصفهان مهاجرت نموده و در آنجا خدمت حاجی کلباسی رسید حجة الاسلام شفتی و آخوند ملاعلی نوری تلمذ نموده و بعداً به نجف اشرف رفته و پس از قبل بمقام اجتهاد بموطن خود بازگشته است.

از آثار خیریه او ایجاد و بنای مدرسه دینی در رامسر میباشد که در آنجا بدرس و بحث اشتغال جسته و بنابعدت مردم لاهیجان هر سال چند ماه بدانجا رفته و مرجع مراجعات و فصل خصومات و فتاوی بوده است .

در حدود سال 1290 در جور دیه رامسر وفات یافته و در قبرستان میدان بخاک رفته است و برا تألیفاتی بوده و فرزندانش عموماً اهل علم و کمال بوده اند .

ص 203 بزرگان رامسر

140 - مولی مرتضی قلی

عالم فاضل از مجازین از سید حجة الاسلام به اجازه کبیره مبسوطه مورخه دوم ذی الحجه 1256 می باشد .

آغاز : رب انی اعوذبک .. الحمد لله المعین لمن استعان منه ...

اجازه ضمن مجموعه ای از اجازات سید حجة الاسلام در کتابخانه مولی محمد علی خونساری در نجف بنظر علامه طهرانی رسیده است.

ص 158 یکم الذریعه (ص 195 بکم الکرام البرره - ص 197 دوم معارف الرجال) .

ص: 384

عالم فاضل زاهد، بعد از مرحوم حاج سید اسدالله اعلم فرزندان سید حجة الاسلام بوده و در محله بید آباد مرجع ریاست و امام مسجد سید و پناه خلق بوده و حوزه درسی نیز داشته است، در 26 ماه مبارک رمضان سال 1294 وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار پائین پا رو بجلو مدفون گردید لکن محل سنگ قبر نداری بالاتر از خود قبر است.

مرحوم جابری در تاریخ اصفهان (ص 117) در باره او می نویسد: بزرگواری در علم و تقوی مشهور و بصلابت در دین مذکور چون مادر آن حضرت حبشیه بود رنگ بشره ایشان بسواد دیده و سویدای قاب مینمود روزی ظل السلطان (مسعود میرزا فرزند ناصرالدین شاه حاکم ظالم و جائر اصفهان) تدریضاً بحضرتش اظهار نمود چه شد که حجة الاسلام بتاریکی تیر انداختند فوراً (ایشان در جواب) فرمود تا عالمی را روشن سازد.

در المآثر والآثار (184) ویرا عنوان نموده و بطور اختصار مینویسد: از عظماء و علماء اصفهان بود و در تکمله نجوم السماء (ص 400 یکم) عبارت المآثر والآثار را عیناً نقل کرده است.

مرحوم آقا سید مؤمن پس از فوت دو فرزند عالم از خود بجای گذاشت 1- آقا سید عبدالرحیم 2- آقا سید عبدالله. برخی از اعقاب او فعلاً در مورچه خورت ساکن و امام جماعت آنجا و بوظائف شرعی از نشر احکام و تبلیغ مسائل حلال و حرام و دیگر امور اشتغال دارند.

مرحوم آقا سید مؤمن در خدمت جمعی از علماء اصفهان همچون پدر بزرگوار خود و دیگران تحصیل نموده است.

فائده: مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (161) در ضمن وقایع سال 12946 مینویسد:

بعضی استخوانهای ماموت را میرزا تقی خان حکیم باشی در اصفهان پیدا کرد و این حیوان بزرگتر از فصل است و قبل از طوفان بوده و در کتاب آگهی شهوان از کار جهان (ص 71 سوم) نیز جزء وقایع سال 1294 می نویسد:

کشف میرزا تقی خان حکیم باشی ظل السلطان استخوانهای ماموت را در اصفهان.

142- آقا محمد مهدی کلباسی

فرزند علامه فقیه حاج محمد ابراهیم کلباسی، عالم فقیه زاهد محقق متتبع اکبر واعلم فرزندان حاجی بوده و حتی در زمان خود عاجی نیز از معاریف بشمار می رفته است و امامت مسجد حکیم نیز با او بوده و هنوز هم در اولاد ایشانست وی مرجع فتوی و تقوی بوده و حوزه درسی و مباحثه نیز داشته و عده ای از بزرگان در خدمتش تلمذ نموده و یا از او اجازه دارند عالمی ساده و صادق بوده و صداقتهای غریبه ای از او نقل می شود مانند خود حاجی و برخی دیگر از اولاد حاجی و علت آنها شدت مواظبت در انجام آداب شرع و عدم توجه به مردم دنیا و تدبیرات آنها می باشد.

در خدمت پدر بزرگوار خود و سید حجة الاسلام و حاج محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی اصفهانی حکیم و فیلسوف از شاگردان حاج ملا علی نوری و متوفی در روز نهم ربیع الثانی 1260 (هفتمین روز وفات سید حجة الاسلام) و جمعی دیگر تحصیل نموده و از پدر بزرگوار و سید حجة الاسلام اجازه روایت و اجتهاد داشته و کتب زیادی تألیف نموده که از آن جمله است: 1- رساله ای

ص: 386

در استصحاب 2- رسائلی در اصول 3 - رساله در اراضی مفتوح العنوه 4- شرح تصریف 5 - شرح تهذیب 6- شرح روضة البهیة 7- شرح طهارت از کتاب لمعه 8 - شرح شری از لمعه در چهار جلد 9- شفاء الاسقام در شرح تهذیب منطوق 10 - ضیاء العوالم در اصول فقه 11- کتابی در طهارت بدون نام 12 - عیون الاصول 13 - رساله در قرعه 14 - مشارق الاصول و آنرا قبل از عیون الاصول تألیف نموده است 15- مصابیح الاصول در نه جلد 16- معراج الشریعه و آنرا مدارج الشیعه نیز گفته اند فقه استدلالی در شرح منهاج الهدایه پدرش، علامه طهرانی در الذریعة (ص 240 بیست و یکم) می نویسد جلد ششم آن که در نذر و عهد و قسم است و تاریخ فراغت آن 2 محرم 1267 می باشد را دیدم و ظاهراً شرح در حدود دوازده جلد می باشد لکن در تذکرة القبور (ص 160 رجال اصفهان گوید در هشت جلد) چهار جلد آن به شماره های 3556-3557-3558-3559 بخط مؤلف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است (ص 1560 سوم مجلد دهم فهرست مجلس) 17 - منهج السداد در شرح ارشاد 18- نور العیون در قه 19 - هدایة الطالبین بفارسی و آن رساله عملیه ایشانست تاریخ تألیف 24 شعبان 1261 هجری و غیره.

مرحوم آقا محمد مهدی در شب شنبه چهارم جمادی الاولی سال 1278 بمرض سکتة وفات یافته و در مقبره پدر پشت سر آن مرحوم دفن گردید .

مشار الیه علاوه بر شاگردی داماد مرحوم سید حجه الاسلام نیز بوده است شرح آن در فصل مربوط به اولاد و اعقاب مرحوم سید حجة الاسلام گفته خواهد شد.

(1)

عالم فاضل از شاگردان حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی در اصفهان و حاج شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام در نجف اشرف بوده در سال 1205 متولد و در 1281 بطوریکه علامه طهرانی در الذریه (ص 98 و 317 و 429 سیزدهم) میفرماید وفات یافته. ویرا تألیفاتی است: 1- حاوی مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام برخی از مجلدات آن در کتابخانه علامه مؤلف الذریعه در نجف اشرف بخط مؤلف بزرگوار آن موجود بوده است و در برخی از مجلدات کتاب تصریح می کند که از شاگردان حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی و شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام است. و یکی از مجلدات آن در باره نماز جمعه است در حدود پنجاه و چند هزار بیت و تاکنون هیچ یک از علماء بزرگوار در باره نماز جمعه بدین شرح و تفصیل کتاب ننوشته اند این دوره کتابرا مؤلف خود شخصا در ذوالقعدة سال 1280 وقت نموده و تولیت آنرا بفرزندش در زمان خویش و پس از فوت به علماء قمیسه واگذار نموده است 2- کتابی در صلوة الجمعة (نماز جمعه) مفصل غیر از آنچه در شرح شرایع است در حاشیه برخی از صفحاتش نوشته است در 20 ذی الحجه 1277 سنش 72 سال بوده است و گرفتار

ظالم و ستمگر بوده و اموالش را بتمامه غصب نموده اند 3- فقه فارسی مبسوط و استدلالی از اول طهارت تا آخر حدود و دیات کتابرا موریانه خورده و آنچه

ص: 388

1- قمیسه که در سالهای اخیر آنرا بعلت وجود امامزاده واجب التعظیم جناب شاهرضا نام شهر را تغیر داده و شاهرضا و پاشهرضا نامیدند و اکنون باین نام شهرت دارد. شهرستان قمیسه در سمت جنوب اصفهان واقع و تقریباً چهارده فرسنگه تا شهرفاصله دارد از آثار قدیمی این ناحیه سد خرابه ای بنام فتلغ شاه در اسفرجان می باشد و از فلاسفه و حکماء معرون آنجا: ابو بکر قومیسی است.

باقیمانده است، حدود شصت هزار بین می باشد علامه طهرانی نام این کتابرا بک

جا به فقه فارسی و یک جا به مجموعه الرسائل الفقهية الفارسية ذکر می کند و گوید وی امام جمعه همیشه وقائل بوجوب آن بوده و خود اقامه مینموده و در همیشه وفات یافته است 4 - کتابی در مواردی و غیره .

144- مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی

مؤلف کتاب : جواهر المسائل در فقه فارسی در طهارت و نماز و احکام تقلید با اشاره اجمالی به بعضی از اقوال وادله مطابق فتاوی سید حجة الاسلام و استخراج شده از کتاب مطالع الانوار جهت تسهیل عمل مقلدین .

در مقدمه کتاب حدود دو برگ در تمجید وستایش حجة الاسلام شفتی مطالبی به نظم و نثر نوشته است.

آغاز : حمد و ثنائیکه امتدادش جواهر مسائل علم ربانیرا منتظم سازد ... مؤلف از شاگردان سید حجة الاسلام بوده است .

نسخه ای از کتاب را علامه طهرانی در نجف جزو کتابهای سید آقا تستری دیده است (ص 280 پنجم الذریعه) همچنین نسخه ای از آن بشماره (2541) در قم در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است (ص 124 هفتم فهرست)

در کتاب : آشنائی با چند نسخه خطی (ص 63) درضمن کتاب بهائیکه قبلا در کتابخانه رضویه قم موجود بوده و در حال حاضر موجود نیست گوید :

جواهر المسائل از محمد مهدی بن محمد علی محلاتی که خلاصه کتاب صلاتیه تحفة الابرار استادش حجة الاسلام شفتی به فارسی است. در پنجم محرم 1259 در قریه زانیان از آن فراغت یافته است.

ص: 389

نویسنده گوید: چون نسخه کتابخانه رضویه موجود نیست گمان میرود نام پدر مؤلف اشتباه شده صحیح همان محمد باقر باشد. والعلم عند الله تبارک و تعالی.

نکته دیگر آنکه علامه طهرانی مطالب کتاب را مستخرج از مطالع الانوار مرقوم داشته و در فهرست رضویه از تحفة البرار.

145 - سید هاشم حسینی

شاگرد سید حجة الاسلام شفتی بید آبادی بوده است. مشار الیه مؤلف کتابی است بنام وسیلة النجاة که آنرا از کتاب استاد خود (تحفة الأبرار) استخراج نموده است.

(ص 90 بیست و پنجم الذریعه) در باب تألیفات مرحوم سید حجة الإسلام بطور اجمالی به کتابهایی که توسط شاگردان آن جناب از کتاب تحفة الأبرار استخراج و اقتباس شده است اشاره خواهیم کرد.

146 - محمد هاشم بن ابوالحسن موسوی

در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران (مجلس شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب سؤال و جواب تألیف سید حجة الإسلام بشماره (4924) موجود است که جامع آن محمد هاشم و یا محمد قاسم نام دارد و کتابرا مطابق فهرستی که خود در مقدمه نوشته مرتب نموده است (نه بر حسب ترتیب کتب فقهی معمول)

(ص 148 چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس)

ص: 390

احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد و این کتاب سؤال و جواب غیر از سؤال و جواب مطبوع می باشد .

147 - آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی

فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا زین العابدین موسوی خونساری اصفهانی .

علامه فیه زاهد عابد محقق مدق مجتهد اصولی از اکابر علماء و فقهاء و مدرسین و مجتهدین و از رؤساء دنیا و دین و مشایخ اجازات است.

در دوم ذی القعدة مدال 1235 در خونسار متولد گردیده و در اصفهان و نجف نزد اساتید بزرگوار تلمذ نموده و از جمعی از فحول به اجازه اجتهاد و روایت مفتخر گردیده و پس از مراجعت باصفهان اهمیت و شهرت و ریاستی بافته سرانجام در چهارشنبه 17 رمضان المبارک 1318 در نجف اشرف در سالیکه عازم تشریف به بیت الله الحرام بوده وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردیده و بعداً جهت او بقعه ای بنا کردند که اکنون در آن زمین مقدس معروف و مشهور است.

بزرگان ذیل اساتید و مشایخ ایشان می باشند : 1- حاج محمد ابراهیم کلباسی 2- حاج سید اسد الله بیدآبادی 3- حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی 4- آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی برادر بزرگوارش 5- آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی که مدت ده سال در خدمت ایشان تلمذ نموده 6- آقا میرزا زین العابدین موسوی در دانشمند ایشان 7- آقا سید صدر الدین محمد موسوی عاملی و ایشان اولین استادی است که در اوایل بلوغ بایشان اجازه داده و اجتهادش را گواهی نموده است ضمناً مشارالیه پیرزن صاحب عنوان نیز می باشد

8- آقا شیخ مرتضی انصاری 9- شیخ مهدی بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء

ص: 391

کتب زیر از تألیفات ایشانست : 1- اجازات 2 - احکام الایمان رساله عملیه مطبوع 3 - احوال مشایخ خود و آن اجازه کبیره ای است، مانند لؤلؤة البحرين که برای یکی از شاگردان خود مرقوم داشته 4 - احوال معمر مشرقی و معمر مغربی 5- اربعین 6- رساله در استصحاب مختصر 7 - رساله در استصحاب مفصل 8- اصول آل الرسول صلی الله علیه و آله و علیهم در استخراج ابواب اصول فقه از روایات اهل بیت علیهم السلام و در آن بیشتر از چهار هزار حدیث مربوط به اصول فقه را جمع آوری نموده است جلد اول آن بیچاپ رسیده است 9 - امامزاده های اصفهان مطبوع 10 - رساله در تجوید 11 - ترجمه حال ابی بصیر مطبوع 12 - تنبیه الحکماء الابرار حاشیه بر اسفار 13 - جواهر العلم 14 - حاشیه بر ریاض المسائل 15 - حاشیه بر شرح لمعه 16 - حاشیه بر قوانین 17 - حاشیه بر معالم 18- رساله در حج 19- حرمت ذبائح اهل کتاب و این رساله اولین تألیف فقهی ایشانست و آنرا بدستور استاد خود آقا سید صدر الدین محمد عاملی تألیف نموده 20 - حل المسیر در حکم عصیر 21 - سؤال و جواب در کلیه ابواب فقه 22 - شرح مشیخه فقیه 23 - رساله در صلاة 24- رساله در صوم 25 - صیغ العقود 26 - الغره در شرح دره بحر العلوم 27 - مبانی الاصول 28 - فوانیدی در رجال 29- مقالات اللطیفه 20- منظومه ای در اصول و غیره ، صاحب عنوان از زوجه نامبرده خود دو فرزند پسر و شش دختر داشته است.

شرح حال ایشان در عموم کتب تراجم رجال بطور مختصر و مفصل مذکور است از آنجمله : 1- زندگانی آیت الله چهارسوقی ص 112 - 2- ص 141 یکم احسن الودیعه 3 - دانشمندان اصفهان ص 535 ، 4- رجال اصفهان ص 75 - المآثر والاثار ص 145 ، 6 - مکارم الآثار ص 989 سوم و غیره .

(1)

از بزرگان علماء و دهاء و نزد جمعی از مجتهدین همچون آقا میرزا ابوالقاسم مدرس و میرزا محمد مهدی شهرستانی و آقا محمد باقر مؤسس بهبهانی درس خوانده و از ایشان و جمعی از شاگردانش اجازت یافته است. در سال 1167 متولد و در 1242 وفات یافته است کتب و رسائل چندی تألیف نموده از آن جمله : 1- رساله ای در اصول و فروع 2 - الجهادی 3 - الخراجیه 4 - زهر الحساب 5- مسود الخدود در بیان حدود 9- مصباح در اصول دین (1185 چهارم مکارم الآثار)

در آتشکده اردستان (ص 176 یکم) گوید: از حجة الاسلام رشتی و قباقر بهبهانی مجاز بوده و تاریخ اجازه سید حجة الاسلام جمعه پنجم شعبان 1172 بوده است (انتهی)

نویسنده گوید : علامه طهرانی در الذریعه (ص 148 یکم) در اجازه از آقا باقر بهبهانی جهت صاحب عنوان نقل می کند اول در پشت مدارک بتاریخ روز

ص: 393

1- تبریز بر وزن لبریز مرکز استان آذربایجان و یکی از مهمترین شهرهای ایران است در عهد سلاطین قاجار به حکومت این شهر همیشه با ولیعهد مملکت بوده است . شیروانی در بستان السیاسه (ص 186) گوید: از بلار مشهوره و از مداین معموره سه طرفش واسع و سمت جنوبش گرفته و در زمین هموار واقع است از عظمت و بزرگی این شهر در قدیم نوشته اند که در زمان سلطان اویس ایلخانی در اثر مرضهای طاعون سیصد هزار نفر در تبریز مردند و بر مردم معلوم نشد که کسی از آن دیار مرده است ... شهر تبریز طرب انگیز است آبش از کار پز و بعضی از رود و خوشگوار و هوایش پردی مایل و سازگار است .

روز جمعه پنجم شعبان 1172 دوم در پشت کتاب قواعد بتاریخ جمادی الاولى سال 1174 ه. ق و در جلد پنجم (ص 298) اجازه دیگری بسال 1180 بنقل از (تاریخ اولاد الاطهار ص 81)

علی هذا آنچه مؤلف کتاب آتشکده اردستان مرقوم فرموده مربوط به اجازه آقا باقر بهبهانی است و با توجه بسال تولد مرحوم سید حجة الاسلام (1175) خطای مؤلف نامبرده ظاهر می شود .

نویسنده گوید: باتوجه بسال تولد صاحب عنوان و تاریخ اولین اجازه مرحوم وحید بهبهانی یعنی سالهای 1167 و 1172 باید مرحوم بهبهانی اجازه را در پنج با شش سالگی برای او نوشته باشد و مؤلف الذریعه میفرماید (ص 298 پنجم الذریعه) ظاهراً یا :

1- تاریخ تولد اشتباه و غیر واقع است. 2- تاریخ اجازه غلط در نسخه می باشد .

3- مجاز باین اجازه (محمد یوسف بن میر فتاح) غیر از مؤلف کتاب الجهادیه باشد.

خاتمه :

در خاتمه این فصل لازم است توجه خوانندگان را به نکات زیر معطوف

1- همانگونه که در مقدمه فصل گفته شد در این زمان یعنی نیمه اول قرن سیزدهم اصفهان یکی از مراکز مهم علمی بوده و طلاب و دانشجویان از اطراف و اکناف بدان روی مینموده اند و بطور احتمال میتوان گفت عموم اینان که عده آنها از هزار نفر متجاوز بوده درک محضر سید حجة الاسلام را نموده اند.
لکن

ص: 394

نویسنده بعثت نداشتن وسائل تحقیق و تبیع نتوانست به نام بیشتر از 145 نفر دسترسی پیدا کند آنهم برخی از آنها بقید تردید . هر گاه اراده خداوند تعلق گرفته باشد و وسیله مطالعه بیشتری برایم فراهم شود در آتیه آنرا تکمیل خواهم کرد .

2- برای نوشتن جغرافیای شهرهای اماکن لازم بود بکتاب معتبری از نویسندگان قدیم و جدید همچون جام جم - جغرافیای کیهان حدودالعالم - فرهنگ جغرافیائی ایران - مرآت البلدان - مراصد الاطلاع - مسالک ومالک - معجم البلدان و نزهت القلوب ودهها کتاب دیگر چه مربوط به جغرافیای تمام دنیا با ایران یابکی از شهرها باشد مراجعه شود لکن بدر علت یکی تعجیل در تألیف و دیگر نبودن کتب در اختیار نویسنده فقط به کتاب بستان السیاحه و گاهی به برخی دیگر از کتابها مراجعه شده است بدینوسیله از کسانی که مایل هستند اطلاعات بیشتری در این موضوعها داشته باشند پوزش خواسته و آنانر بکتاب مفصل حواله می کنیم .

3- کلیه تاریخهاییکه نوشته شده است هجری قمری است مگر آنکه قید شده باشد شمسی .

4- کلیه طول و عرضها و انحرافات نیله مأخوذ از رساله : معرفة القبلة تألیف مرحوم سرتیب عبدالرزاق خان بغایری اصفهانی (1) می باشد .

ص: 395

1- مرحوم سرتیب عبدالرزاق شان بنا بری فرزند محمد محسن بن کر معلی بن فتحعلی بن محمد قاسم خان عالم ادیب ریاضی محقق رجالی در 1286 در اصفهان متولد گردید و در شب 25 شعبان 1372 در طهران وفات یافت و در اصفهان و طوران تحصیل نموده از مهندسین بزرگوار و دانشمندان بنام ایران بود کتابهای زیر از تألیفات اوست: 1- اصول علم جغرافیا 2 - تاریخ جلولی 3- تاریخ الولادة والوفاء لاعیان المسلمین احتمالا همان تاریخ جدولی می باشد . جغرافیای ابتدائی مطبوع 5 - فرهنگ جغرافیائی ایران در 32 جلد 6 - ما مهندسی داریم مطبوع 7 - معرفة القبلة مطبوع 8- نقشه ایران 9- نقشه تفصیلی سرحدات ایران و غیره (ص 107 تذکرة العارفين ص 1184 و 1191 دائرة المعارف دانش بشرص 304 دانشمندان اصفهان).

- 5..... پیشگفتار مؤلف
- 9..... علماء شیخه در دو سنگر مبارزه کرده اند
- 10..... آثار مؤلف کتاب
- 13..... سبب تألیف این کتاب
- فصل اول
- (نام و نسب)
- 20..... نسب شریف سید حجه الاسلام شفتی
- 24..... تولد سید بید ابادی
- 25..... محل تولد

(اقوال بزرگان و مؤلفین درباره سید حجه الاسلام)

28..... مقدمه این فصل

37..... استعمال کلمه امام در نوشته ها

47..... مخالفین سید حجه الاسلام

فصل سوم

(شهرت و لقب سید حجه الاسلام شفتی بید ابادی)

55..... اولین کسی که به لقب حجه الاسلام ملقب گشت

56..... بعضی از معروفین به حجه الاسلام

57..... القابی که با (الاسلام) رواج یافته

59..... القاب گروهی از علما شیعه بزرگ شیعه

60..... قابل توجه و دقت

دوره دوم

(مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

62..... تدریس در ضمن تحصیل

63..... فقر سید در اعتاب مقدسه

64..... سید و حاجی کلباسی در نجف

65..... سید حجه الاسلام و علامه بحر العلوم

- 65.....سید حجه الاسلام و صاحب ریاض المسائل
- 66.....استجازه از اساتید
- 66.....اساتید و مشایخ اجازه
- 66.....سید حجه الاسلام از مشایخ اجازه
- 68.....اجازه نقل حدیث

فصل چهارم

(اساتید و مشایخ حجة الاسلام در عراق و ایران)

- 71.....مقدمه این فصل
- 72.....دوره های تحصیل
- 1- حاج میرزا ابوالقاسم گیلانی ، میرزای قمی73
- 2- اقا باقر و حیدر بهبهانی.....75
- 3- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل دزفولی.....76
- 4- شیخ جعفر بن خضر جناحی نجفی.....78
- 5- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمینی.....81
- 6- اخوند ملا علی بن جمشید نوری.....82
- 7- میر سید علی بن محمد علی اصفهانی.....84
- 8- سید محسن اعرجی کاظمینی.....86
- 9- اقا سید محمد مجاهد طباطبائی حائری.....88
- 10- ملا مهدی بن ابی ذرراقی کاشانی.....92
- 11- میرزا محمد مهدی بن ابولقاسم شهرستانی.....94
- 12- حاج سید مهدی بحر العلوم طباطبائی.....96

(مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)

- 102..... سال ورود به اصفهان
- 103..... سکونت در مدرسه چهارباغ
- 103..... مدرس مدرسه چهارباغ
- 104..... علت خروج حجه الاسلام از مدرسه چهارباغ
- 105..... منزل مرحوم حجه الاسلام
- 105..... کرامتی از آقا محمد یزد آبادی
- 109..... قبله دعا و جماله
- 110..... امامت جماعت
- 110..... برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر
- 112..... پیشنهاد امام جمعگی
- 113..... اولین نهی از منکر و گرفتاری

(موجبات شهرت سید حجه الاسلام)

- 117..... علل و موجبات ترقی ظاهری حجه الاسلام
- 118..... دید و بازدید
- 119..... دیدار از فتح علی شاه قاجار
- 120..... مسافرت های فتحعلی شاه به اصفهان
- 123..... برخی از موجبات اختلاف شاه با سید

- 124.....سفر حج سید حجه الاسلام
- 126.....چند پیش آمد تاریخی
- 127.....شروع ساختمان مسجد سید
- 127.....رد تقاضای فتحعلی شاه

فصل هفتم

(ثروت و دارائی مرحوم حجة الاسلام)

- 129.....ثروتمندان از علماء شیعه
- 131.....افسانه ثروت
- 134.....داستانی شنیدنی
- 136.....منبع ثروت مرحوم سید حجه الاسلام
- 139.....یک روز عید غدیر
- 139.....سخاوت سید
- 142.....یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی به امور طلاب
- 145.....ایثار مرحوم سید
- 146.....کتابخانه مرحوم سید
- 148.....مالیات املاک سید حجه الاسلام
- 149.....مرگ فتحعلی شاه به نفرین سید

فصل هشتم

(قضاوت و اجرای حدود شرعی و فصل خصومات)

- 153.....نظریه علما شیعه درباره قضاوت

155.....اهمیت قضاوت و مقام قاضی

161.....نظریه حجه الاسلام راجع به وظایف مجتهدین

162.....تعداد محکومین به قتل

163.....قضاوت و فصل خصومات - اجرای حدود

فصل نهم

(کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام)

165.....فراست سید در قضا و حل خصومات

168.....نمونه ای از مرافعات نزد سید

فصل دهم

(مرگ فتحعلی شاه و روی کار آمدن محمد شاه)

174.....تعیین ولیعهد

176.....مخالفت شاه و وزیر او با علماء

176.....پناهندگی امین الدوله

178.....نامه قائم مقام به سید حجه الاسلام

179.....علل و موجبات مخالفت شاه با سید

181.....مسافرت حاجی کلباسی به طهران

182.....امین الدوله کیست

183.....شورش مردم اصفهان

186.....مخالفت علماء شیعه با ظالمان

187.....داستانی از امیرکبیر

ص: 401

188.....نامه وزیر مختار انگلیس به سید و جواب ان

192.....پناهندگی ملا محمد تقی اردکانی

193.....طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید

194.....آثار باقیه محمد شاه -همنشینان باوی

200.....آوردن معتمد میرزا علی محمد باب را به اصفهان

فصل یازدهم

(عبادت و بندگی و خضوع مرحوم سید)

202.....معنی خشیت و ترس از خدا

203.....نشانه های شیعه

206.....عبادت مرحوم سید حجه الاسلام و نماز وی

209.....بیماری فتق

209.....مناجات خمسة عشر

211.....تهجد - دو حالت متضاد

212.....چراغ جهت روشنائی

213.....قیافه سید و تصویر وی در تالار چالشر

فصل دوازدهم

(سید و برخی از معاصرین وی)

215.....سید ابراهیم مختاری سیزواری

215.....میرزا محمد ابراهیم قزوینی

216.....حاج محمد ابراهیم کرباسی

- 216..... حاج ملا اسدالله بروجردی
- 217..... آقا محمد اسماعیل عارف نایینی
- 219..... شیخ محمد تقی ایوان کیفی
- 219..... مولی محمد تقی نوری مازندرانی
- 221..... میرزا سید جعفر شهرستانی
- 222..... میر محمد حسین خواتون آبادی
- 222..... ملا حسین بشرویه ای
- 222..... حاج محمد حسین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی
- 223..... خسروخان گرجی حاکم اصفهان
- 224..... شیخ خلف بن حاج عسکر مازندرانی
- 224..... حاج سید رضی مازندرانی
- 225..... شیخ صادق رشتی
- 225..... سید سلیمان طباطبایی یزدی نائینی
- 227..... حاج عبدالله خان امین الدوله
- 228..... آقا محمد علی بن محمد باقر مازندرانی
- 228..... ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی
- 229..... مولی علی اکبر بن محمد باقر اژه ای
- 229..... ملا قربانعلی قزوینی ، بیدل
- 230..... شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی
- 231..... سید صدر الدین محمد عاملی
- 231..... میرزا محمد بن عبد الفتاح نیشابوری اخباری

- 233..... سید محمد مجاهد کربلایی
- 233..... منوچهر خان معتمد الدوله گرجی
- 234..... سید مهدی طباطبائی حائری
- 235..... شیخ نوح بن قاشم قرشی نجفی
- 236..... آثار وجودی مرحوم سید حجه الاسلام
- فصل سیزدهم
- (تدریس - شاگردان)
- 238..... اسیب افغانه به جامعه روحانیت
- 242..... چگونگی تدریس مرحوم حجه الاسلام
- 243..... سید اقا بزرگ حسینی قاضی عسکر
- 244..... اقا دگمه چین
- 245..... حاج محمد ابراهیم قزوینی
- 248..... سید ابراهیم موسوی کابلی
- 249..... ملا محمد ابراهیم دهکردی
- 251..... سید ابو الحسن بن محمد ابراهیم موسوی
- 251..... سید ابو طالب بن ابی تراب قائنی
- 253..... شیخ ابو القاسم اصفهانی مشهور به قاری
- 254..... شیخ ابو القاسم بن محمد صادق عاملی
- 255..... سید ابو القاسم بن محمد کاظم زنجانی
- 257..... حاج میرزا ابو القاسم کاشانی

- 258..... حاج سید احمد مرندی
- 260..... سید احمد بن عبد الله میردامادی سدهی
- 261..... ملا احمد بن علی اکبر تربتی
- 262..... مولی احمد بن علی اکبر نصرآبادی
- 263..... سید ابو القاسم احمد کوپانی
- 264..... مولی احمد علی اصفهانی
- 265..... حاج سید اسد الله بید آبادی
- 265..... ملا اسماعیل طبسی خراسانی
- 266..... محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم
- 267..... سید اسماعیل بن میر ابوطالب طباطبائی
- 267..... شیخ اسماعیل سلطانیه سردانی
- 268..... حاج سید اسماعیل طباطبائی زواره ای
- 270..... شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفادرانی
- 270..... میرزا بابا اصطهباناتی
- 271..... مولی محمد باقر ترشیزی
- 272..... شیخ محمد باقر مسجد شاهی
- 273..... میرزا محمد باقر بن زین العابدین خونساری
- 275..... سید محمد باقر قزوینی قویمیدانی
- 276..... سید محمد تقی موسوی قزوینی
- 277..... ملا محمد تقی گزی
- 277..... مولی محمد تقی بن ابی طالب اردکانی

- 279..... مولی محمد تقی بن حسنعلی هروی
- 281..... مولی محمد تقی بن محمد علی اردستانی
- 282..... محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی
- 283..... شیخ محمد جعفر جاسبی
- 284..... سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی
- 285..... اخوند ملا جعفر نظر ابادی
- 285..... شیخ محمد جعفر کلباسی
- 287..... محمد جعفر بن محمد صالح رشتی
- 288..... حاج محمد جعفر بن محمد صفی آباده ای
- 293..... میرزا محمد جعفر حسینی شهشانی
- 294..... حاج ملا محمد جعفر نوری
- 295..... محد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی
- 296..... سید محمد جواد موسوی درب امامی
- 297..... سید جواد بن علی رضا رضوی قمی
- 298..... آقا سید حسن بن ابراهیم مقدس بید ابادی
- 299..... حسن بن احمد صفاری
- 299..... سید محمد حسن مجتهد موسوی
- 301..... میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی
- 303..... سید حسن بن علی امامت کاشانی
- 303..... سید حسن بن هاشم موسوی اصفهانی
- 304..... ملا حسین اردستانی

- 305..... شیخ محمد حسین طهرانی کربلایی
- 305..... محمد حسین کاشانی اصفهانی
- 306..... میر حسین طباطبائی کچویه ای اردستانی
- 306..... شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی
- 307..... شیخ محمد حسین قزوینی
- 307..... سید محمد حسین بن محمد تقی مستجاب الدعوه
- 308..... میرزا محمد حسین بن محمد رحیم دوم
- 309..... میرزا محمد حسین بن محمد رحیم میر دامادی
- 309..... سید حسین بن محمد صادق امامی عریضی
- 310..... حسین بن عزیز الله اصفهانی
- 310..... میر محمد حسین بن علی میر محمد صادقی
- 311..... محمد حسین بن علی اکبر خونساری
- 313..... محمد حسین بن محمد علی رشتی
- 313..... ملا حمزه بیر جندی
- 314..... مولی حمزه بن اسد الله جازاری
- 315..... اخوند ملا رجبعلی بن محمد
- 315..... سید محمد رضا موسوی شیرازی
- 317..... شیخ محمد رضا طبسی
- 317..... حاج میرزا محمد رضا کلباسی
- 318..... محمد رضا بن محمد رفیع
- 318..... شیخ محمد رضا بن مرتضی لاهیجی
- 319..... سید رضا بن نصر الله حسینی

- 320..... میرزا رفیعا بن محمد طباطبائی
- 320..... مولی محمد رفیع بن علی رشتی
- 321..... میرزا زین العابدین بن محمد باقر بیدآبادی
- 322..... میرزا زین العابدین بن ابوالقاسم خونساری
- 323..... سید شریف بن عباس خلخالی
- 324..... سید شفیع بن علی اکبر جاپلقی بروجردی
- 326..... ملا محمد شفیع بن محمد خوئی اصفهانی
- 327..... میر محمد صادق بن محمد کتابفروش
- 328..... سید صادق بن هادی حسینی
- 329..... مولی محمد صالح استر آبادی
- 330..... شیخ محمد صالح بید آبادی
- 330..... ملا محمد صالح برغانی قزوینی
- 332..... ملا صفر علی لاهیجانی قزوینی
- 333..... شیخ محمد طاهر بن محسن دزفولی
- 334..... ملا عبدالباقی بن محمد حسین کاشانی
- 335..... میر عبدالباقی بن هادی حسینی
- 336..... آقا عبدالحسین امین العلماء
- 336..... عبد الرحیم بن محمد کریم هرنندی
- 337..... میرزا عبدالجواد شاهرودی
- 338..... عبد الرزاق بن محمد قاسم تنکابنی
- 339..... سید عبد الغنی بن محمد علی حسینی
- 339..... عبد الکریم بن محمد اسماعیل
- 340..... سید عبد الله صفوی دزفولی

- 342..... سید عبد الله نایینی
- 343..... سید عبد الله بن حجه الاسلام شفتی
- 343..... ملا عبد الله زنوزی
- 344..... میر سید عبد الله بن محمد رحیم میر دامادی
- 345..... مولی عبد الله بن نجم الدین فاضل قندهاری
- 347..... سید عبد الله بن هاشم بحرانی رشتی
- 347..... مولی عبد الوهاب ریزی لنجای
- 348..... مولی عبد الوهاب بن محمد علی شریف قزوینی
- 349..... حاج میرزا عسکری فرزند هدایه الله رضوی
- 351..... علی برغانی
- 352..... آقا سید علی بن ابراهیم بید آبادی
- 352..... سید علی بن حسین درب امامی
- 353..... شیخ علی بن محمد نخجوانی
- 354..... علی اکبر بن ابراهیم خونساری
- 356..... علی اکبر بن محمد اسماعیل میر محمد صادقی
- 356..... سید محمد علی ابرقوئی
- 357..... محمد علی بید گلی کاشانی
- 358..... مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی
- 360..... سید محمد علی بن صدر الدین محمد عاملی
- 362..... میرزا محمد علی موسوی شمس آبادی
- 362..... سید فضل الله استر آبادی
- 363..... سید کاظم بن علی طباطبائی زواره ای
- 364..... سید کریم حسینی لاهیجی

- 364..... میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای
- 365..... ملا لطفعلی زانیانی چهار محالی
- 366..... شیخ محسن بن اسماعیلی دزفولی
- 367..... شیخ محسن بن رفیع رشتی
- 368..... اخوند ملا محمد
- 368..... میرزا سید محمد رضوی دشتی
- 369..... آقا محمد مجتهد
- 370..... ملا محمد نائینی
- 371..... حاج اقا محمد بن محمد ابراهیم کلباسی
- 372..... میرزا محمد خاتون آبادی
- 374..... میر سید محمد بن زین العابدین خونساری
- 375..... میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی
- 376..... سید محمد بن قاسم جرقویه ای
- 377..... شیخ محمد بن مقیم بار فروشی مازندرانی
- 378..... میرزا محمد بن محمد هادی نائینی
- 381..... شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری
- 384..... سید مرتضی بن هادی حسینی
- 384..... مولی مرتضی قلی
- 385..... سید مومن بن حجه الاسلام شفتی
- 386..... آقا محمد مهدی بن محمد ابراهیم کلباسی
- 388..... مولی محمد مهدی بن ابی الفتوح قمیشه ای
- 389..... مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی

- 390..... سید ہاشم حسینی
- 390..... محمد ہاشم بن ابو الحسن موسوی
- 391..... میرزا محمد ہاشم بن زین العابدین چہار سوقی
- 393..... میرزا یوسف بن عبد الفتاح تبریزی
- 394..... خاتمہ فصل

ص: 411

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، 1374 - 1294

عنوان و نام پدیدآور : بیان المفآخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر : اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، 1368.

مشخصات ظاهری : 2 ج.عکس

فروست : (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان 9)

شابک : 4000ریال(دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

موضوع : شفتی بیدآبادی، محمدباقر بن محمدتقی، 1175؟ - 1260ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP55/455/م 9 ب 9

رده بندی دیویی : 297/998

شماره کتابشناسی ملی : م 68-1627

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، و الصلوه و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين محمد المصطفى و عترته الطاهرين

ص: 3

ثم حشرهم في يوم القيمة والحمد لله رب العالمين
 عبد الصمد بن محمد بن الحسين بن محمد بن الحسين بن
 العلم والفكر والتفكير والذم والثناء والثناء والثناء
 بالحكمة والشيخ علي بن احمد النعماني القسبي والشهيد في تاريخ
 المحقق العالم المدقق نور الدين علي بن عبد القادر امير العالم
 شيخنا محمد بن محمد بن محمد بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 خذوة الامام احمد بن محمد بن محمد بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 في سيرة الشهيد الفقيه الفاضل الامام الميرزا محمد بن
 علي الامام محمد بن علي بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 الامام محمد بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 حيا والدين محمد بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 ابا القاسم بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن

زهرة العالمين السيد محمد بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 الذي محمد بن محمد بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 والمنقول في النسخة التي في الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 الشهير بالامام العلامة في اطلاق بحال الدين السيد
 يوسف بن العابد الذي رجع اليه في احوالها من الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 في حدود الدولة وهم الامام الاعظم العالم العالم الميرزا محمد بن الحسين بن
 في الملوك في الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 في حاشية الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 المنذر بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن
 الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن

رطب عن الشيخ ابو علي الحسن بن ابي شريح الطائفي وقد ذكره في كتابه
 القافية من اسم المذنب الا نور وروى في روض الدين المازني
 روى عن الناصر بن و قدوة المتبرع الحالك الا سار عن ابي جعفر
 الكاشغري في الاشكال عن ابي جعفر محمد بن الحسن
 الطوسي عن شيخ الامام علم الاطلام قدوة اهل العلم الرباطي
 ثورا الاسلام العاطف الحسنة الملتزم بقراطع البراهين الا
 السيد ذي الراي السيد الشيخ ابو عبد الله محمد بن النيران
 الملقب بالفيض عن الامام الطاهر الجواد الرضا الجواد
 محمد بن ابي الحسين الذي لا يوصف كيت وكيت الشيخ ابو جعفر
 محمد بن علي بن ابي القاسم او الله خير اودع في اجهاد
 طرد الى الامام اجمع معادته بل ذكره في كتابها الصدوق
 ابن بابويه عن ابيه عن محمد بن ابي في الخبر كذا في اسان البونكي
 عن علي بن

عن علي بن جعفر عن اخيه محمد بن جعفر عن ابيها السلم قال سألته
 الرجل بل يصلح الا ان يجمع طرفه واداه فها يبار قال لا يصلح
 جمعها على البدار لكن اجمعها على كسك او غيرها ومنها
 الصدوق عن الامام الاقدم الرازي عن القوم القائلين
 العين الصافية القاسم من العلم بالمنطق والرافية ثقة
 الاسلام وعين الاصول الاطلام الشيخ محمد بن يعقوب
 الكليني وطرقه الى الامم معلومة من كتابه الكافي ثم
 التمس عن ابيه وسند يده المبالغة والاحتياط
 فانه سبيل النجاة والموعظة اليه من الهداية الالهية
 بعد عن حور ائمه وعبادته سيما المبالغة في حقها الموقر
 فانها اعظم شرفا للطلالين النجاريين واسأل الله ان لا
 من صالح الرعايا والندوة والاصال ويذكر في عند ربه
 في حال التمجيد والاقبال واحمدته اولاد اخراد طاهرا

٨١
 واطنا و الصلوة على محمد واله واصحابه المحبين
 وغير ذلك ليلة عيد الفطر من شهر رجب واثبت
 ونحوه في كل سنة الا على الاقوال الواردة في الدائم
 الحسن اي على البر والحقم بزل والارواح المم
 من يومنا هذا انما هم والظالم والحقم والارواح
 والارواح الطنا والصلوة على محمد
 والارواح المحبين

٨١
 واطنا و الصلوة على محمد واله واصحابه المحبين
 وغير ذلك ليلة عيد الفطر من شهر رجب واثبت
 ونحوه في كل سنة الا على الاقوال الواردة في الدائم
 الحسن اي على البر والحقم بزل والارواح المم
 من اجابته انما دام والظلم والحقم والارواح
 والارواح الطنا والصلوة على محمد
 والارواح المحبين

ادامه بخش چهارم : (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)

فصل چهاردهم: (تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام)

حدیث

عن الصادق علیه السلام :

«تکلموا فی العلم تبین اقدارکم»

اصول کافی ص 87 باب النوادر)

عن علی علیه السلام :

«اكتبوا فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا»

(اصول کافی ص 90 باب رواية الكتب)

ص: 13

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

« المؤمن اذا مات و ترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترا بينه وبين النار ، و اعطاه الله تبارك و تعالی بكل حرف مكتوب عليها مدينة اوسع من الدنيا سبع مرات»

شیخ صدوق در امالی روایت می کند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند : وقتی که مؤمنی بمیرد و از او یک برگ کاغذ باقیماند که در آن ورقه علمی و دانشی باشد این ورقه در روز رستاخیز پرده ای مابین او و آتش جهنم می شود و خداوند تبارک و تعالی در برابر هر حرفی که در این ورقه نوشته شده است شهری در بهشت بوی عطا کند که هفت برابر شهرهای دنیا باشد .

مقدمه :

طریقه مرحوم سید حجة الاسلام شفتی ، علماء بزرگوار شیعه بدو دسته تقسیم می شوند :

ص: 15

بحث در باره هر یک از این دو دسته از موضوع کتاب ما خارج است در این جا فقط مقصود ذکر طریقه مرحوم حجة الاسلام می باشد.

در مقدمه مناہج العرفان (ص 294) بنقل از علامه آقا سید محمد صادق موسوی فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا زین العابدین خونساری در رساله: ذکر مشایخ می نویسد:

سید حجة الاسلام به بسیاری از قواعد اصولیین که در بین متأخرین متداول است اعتقاد نداشت بلکه اعتماد او بیشتر به اخبار بود در صورتیکه وی از اعظم مجتهدین بود که قائل به حجیت ظن خاصه می باشند و در بسیاری از قواعد و احکام تصرفات زیادی داشت (انتهی).

توجه مرحوم سید حجة الاسلام بیشتر به مباحث رجالی و فقه بوده و در فقه نیز عمده نظر ایشان بعبادات و بالاخص نماز می باشد که پایه و اساس ورکن اسلام و ایمانست.

تالیفات :

مرحوم حاج سید محمدباقر حجة الاسلام شفتی بید آبادی از زمره دانشمندانی است که تمام عمر شریف خود را از کودکی تا هنگام وفات به تحصیل علوم و تدریس طلاب و تألیف و تصنیف و نشر احکام و امر بمعروف و نهی از منکر و اقامه حدود و رسیدگی با مور مردم و عبادت حضرت خالق متعال و خدمت مخلوق گذرانیده و دقیقه ای 3 از دقایق عمر پر برکت خود را مهمل نگذارده است .

یکی از آثار باقیه مشارالیه تالیفات کثیره و نافع او در ابواب فقه و رجال و اصول و ادبیات می باشد .

هر یک از نویسندگان کتب تراجم رجال بنام برخی از این مؤلفات اشاره نموده اند و اینک بخواست خداوند متعال نام تمام تألیفات آن مرحوم برحسب حروف تهجی با ذکر مآخذ در این مجموعه یاد آوری می شود (تا آنجا که مقدور است).

اولین تألیف مرحوم حجة الاسلام کتاب : الحلیة اللامعه است که در رجب 1204 در بغداد تألیف شده و آخرین اثر ایشان اجازه ای است که جهت آخوند ملا محمد در ربیع الاول سال 1260 (تقریباً یک ماه قبل از فوت) مرقوم فرموده : است .

1- آداب صلوة اللیل و فضائلها (رساله در نماز شب و فضیلت آن)

علامه طهرانی در الذریعه (ص 22 یکم) و مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب (ص 313 دوم) و در تاریخ زنجان (ص 275) نام این کتاب را در فهرست مؤلفات سید حجة الاسلام مستقلاً ذکر نموده اند و ظاهراً همانست که در کتاب سؤال و جواب در کتاب الصلوة یاد شده است . در جواب از کیفیت نماز شب مرحوم سید حجة الاسلام میفرماید :

جواب: صلوة لیل بانضمام دو رکعت شفع و مفرده و تریازده رکعت است.

سپس بشرح چگونگی هر یک از رکعات نمازها پرداخته و طرز خواندن آنرا بصورت‌های مختلفه بیان نموده است .

مرحوم سید حجة الاسلام برای خواندن نماز شب :

1- برای دو رکعت اول شش صورت بیان می کند که ساده تر از همه فقط خواندن سوره حمد است ،

2- چهار رکعت آنرا نماز جناب جعفر طیار رضی الله عنه را بخواند

و کیفیت آن در کتب ادعیه ذکر شده است سپس مرحوم سید حجة الاسلام میفرماید:

دعای سجده آخر مستحب است نه اینکه شرط در این نماز باشد و نخواندن آن و زیانی ندارد و خواندن آن نماز را اکمل و افضل می نماید هر که این چهار رکعت را بخواند هم ثواب نماز شب را درک نموده و هم ثواب نماز جعفر را و بهتر آنست که شبهای جمعه اینگونه عمل کند.

3- برای شش رکعت (غیر از دو رکعت اول) چندین صورت بیان

می کند .

4 - و هر گاه هر هشت رکعت را به حمد و توحید بخواند و قنوت را بذكر دعا و مناجاتها و تضرع و گریه و زاری با حضرت رب العزه طول دهد انساب خواهد بود .

و اما دو رکعت شفع را به سه نوع بیان فرموده که مختصر تر آنها حمد و توحید است.

و اما مفرده و تر (به فتح و کسر واو) پس از قرائت سوره حمد سه مرتبه سوره توحید و فلق و الناس .

تذکر: مستحب است در هر رکعت دوم از نماز شب حتی در رکعت دوم نماز شفع بعد از فراغت از تلاوت حمد و سوره قنوت بخواند و قول بسقوط قنوت در شفع ضعیف است .

تذکرات لازم: 1- بزرگان علماء و محدثین میفرمایند:

جائز است برای کسی که عجله داشته باشد (یا عذری دیگر از تنگی وقت و غیره) تسبیحات نماز جعفر را بعد از نماز بگوید و همچنین جایز است اگر

کاری ضروری داشته باشد دو رکعت آنرا بجای آورد بدنبال کار خود برود و بعدا دو رکعت دیگر آنرا بجای آورد و از نظر کثرت ثواب بعد از نوافل شبانه روزی هیچ یک از نمازها مثل نماز جناب جعفر نمی رسد (ص 500 هدیه الزائرین) .

ص: 18

تذکر 2 - نمازهای مستحبی را در حال اختیار میتوان نشسته بجای آورد و باید بجای هر رکعت نماز ایستاده دو رکعت نماز نشسته بخواند بنابر این هشت رکعت نماز شب را باید هشت نماز دو رکعتی نشسته خواند و دو رکعت نماز شفیع را نیز در نماز نشسته که جمع ده نماز (بیست رکعت نشسته) باید بجای آورد و برای مفرده وتر نیز در نماز هر یک یک رکعت (دو نماز یک رکعتی نشسته) باید بجای آورد.

اللهم وفقنا بقیام اللیل والتهججه واجعلنا من المستغفرین بالاسحار بحق محمد و آله الأطهار آمین آمین

2 - الاجازات

مجموعه سیزده اجازه است از اجازاتی که مرحوم سیدحججه الاسلام جهت شاگردان خود مرقوم فرموده برخی متوسط و عده ای از آنها مفصل می باشد و جمعاً قریب پانزده هزار بیت است و آنها را یکی از شاگردان ایشان که نامش ذکر نشده است جمع آوری نموده است نسخه آنرا علامه طهرانی در کتابخانه مولی محمد علی خونساری (ص 124 یکم الذریعه) در نجف اشرف دیده است.

(فائده): لفظ اجازات جمع مؤنث سالم اجازه است و اجازه در اصطلاح اذنی است که عالمی به دانشمندی دیگر جهت نقل و روایت احادیث و اخبار و مطالب کتابی میدهد.

معمولاً وقتی دانشجویی کتابی را نزد دانشمندی قراءت کرد و از دقایق و نکات علمی و ادبی و سایر جهات آن آگهی یافت استاد در پشت کتاب و یا در ورقه ای گواهی می کند که این شخص در نزد من کتابرا خوانده و از دقایق و مطالب آن آگهی یافته است.

. ممکن است این دانشجو نوشته استاد را نزد دیگر علماء ارائه داده و آنان

باعتماد نوشته این استاد که آنرا مجیز می گویند بوی اجازه دهند و نیز امکان دارد که عالمی از روی قرائن و موازین علمی تشخیص کند که فاضلی قدرت فهم و درک کتابی را دارد و در این حالت نیز باو اجازه می دهد .

این اجازات ممکن است برای یک کتاب معین و یا عموم کتب باشد .

اجازاتی که معمولا اساتید بشاگردان و یا معتمدین خود می دهند بر سه گونه است :

۱- اجازه نقل احادیث از کتب.

۲- اجازه تصرف در امور حسبیه که از شئون مجتهدین است .

۳- گواهی اجتهاد یعنی استاد گواهی می کند که مجاز قدرت درک و استنباط احکام شرعیه را از قرآن و حدیث دارد و دیگر باید برای خود عمل کند و تقلید بر او حرامست .))

آنچه در باره اجازه گفته میشود مربوط به نوع اول یعنی نقل احادیث است که از نظر علمی و فنی قابل توجه و اهمیت می باشد .

بحث در فوائد اجازات و آثار مترتبه آن از موضوع این کتاب خارج است .

برخی از علماء بزرگوار این اجازات را در کتابی مستقل جمع آوری نموده اند و گاهی بنامی مخصوص خوانده شده و زمانی نیز بدون نام مخصوص است . علامه طهرانی در الذریعه (ص 124 یکم) بنام عده ای از این مجموعه ها اشاره نموده اند که از آنجمله است: مجموعه اجازات مرحوم سید حجة الاسلام.

(تذکره) :

از زمانیکه عده ای از کسانی که با کتابی سر و کار داشتند اما از رجال ورزایه و علم الحدیث بی خیر بودند و از هیچ یک از علماء اسلام نیز اجازه روایت حدیث نداشتند خود را فاضل و دانشمند و آگاه بهمه علوم تصور کردند و بدون

ص: 20

آنکه کتاب حدیث را نزد عالمی محدث بخوانند و مشکلات آنرا بفهمند خود مستقیماً به آن کتاب مراجعه نموده و احادیثی مطابق افکار و اندیشه های خود و گاهی اوقات با حذف صدر و ذیل یک حدیث قسمتی از آنرا بهر نحو که خواستند تعبیر کردند و یا بنا بخورده گیری و انتقاد گذاردند و عده ای بی خبر تر از خود را تحت تأثیر قرار دادند به اینان باید گفت :

ای مگس عرصه سیمرخ نه جولانگه تست

عرض خود میبری وزحمت ما میداری

بعقیده نویسنده وظیفه علماء بزرگوار شناساندن اینگونه دغل بازان وریا کاران است که خود را بغلط در جزو محدثین و دانایان قلمداد می کنند . در زمان معاصر وقتی ما به دانشمندی بزرگوار و عالمی پرهیزکار که همچون مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوان الله علیه که علم و زهد و تقوای او در نزد موافق و مخالف مسلم است محدث می گوئیم دیگر اینان چه حقی دارند که در باره احادیث اظهار نظر کنند وقتی عالمی پرهیز کار متقی همچون علامه طباطبائی حکیم و فقیه و فیلسوف پس از شصت سال عمر و تحصیل و تدریس تفسیر می نویسد دیگر عمرو وزید چگونه بخود حق می دهند که درس نخوانده و معلم ندیده تفسیر بنویسند آیا اینان در خارج از کشور مثلاً در فرانسه و انگلستان و امریکا در نزد اساتید یهودی و مسیحی حدیث اسلامی خواندند و تفسیر قرآن آموختند . حقا باید بحال جوانان این ممکت فکری کرد و آنان را از این خطای در اندیشه نجات داد و باید بانان فهماند که علم دین را باید از روحانیون و علمای دین آموخت نه از خارج رفته های بظاهر مسلمان و در حقیقت بی دین .

ص: 21

در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (ص 478 دوم) نسخه از مجموعه اجازاتی بشماره ترتیب (1333) و شماره عمومی (20404) معرفی شده و گوید :

گویا اجازاتی باشد از حجة الاسلام حاج سید محمد باقر بن محمد تقی موسوی شفتی .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الموجودات محمد وآله الطاهرين ... و بعد فهذه صورت الاجازات التي كتبها ...

صورة الاجازة التي لم يكتب مثلها في عصره... سيف الله الشاهر سمي خامس الانمة الملقب بالباقر عليهم آلاف التحية .

این مجموعه را محمد ابراهیم بن محمد برابری آنرا با اصل گواهی نموده تاریخ این گواهی 5 جمادی الثانی 1280 سجع مهر : الواثق نفسی بالله عبده محمد ابراهیم بن محمد وهمچنین محمد محسن حسینی صحت مطابقت آنرا گواهی نموده مهر : عبده محمد محسن بن محمد هاشم الحسینی .

نویسنده سطور پس از آگاهی از وجود چنین مجموعه ای نامه ای به مدیر کتابخانه و دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد نوشته و تقاضا نمود که رو نوشت و فتوکپی آنرا جهت اطلاع و ثبت در این کتاب ارسال دارند مدیر محترم دانشکده از روی کمال محبت و انسانیت و معارفی وری تقاضای حقیر را انجام داده و فتوکپی آنرا تهیه و ارسال داشتند که اینک از ایشان تشکر و قدردانی نموده و توفیق انجام خدمات دینی و اجتماعی ایشانرا از خداوند خواهانم .

پس از وصول فتوکپی های نامبرده معلوم شد که اجازات نامبرده مربوط به مرحوم حاج آقا محمد کلباسی فرزند حاجی کلباسی میباشد و اولین آنها اجازه از سید حجة الاسلام می باشد که قبلا در ضمن شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام ذکر شده است .

اجوبة المسائل

علامه فقیه متتبع رجالی مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در کتاب روضات الجنات (ص 125) می نویسد :

این کتاب مشهور است در دو مجلد بزرگ و مشتمل است بر چندین رساله از آن جمله :

1- رساله ای در اوقاف.

2- رساله ای در حکم اقامه حدود در عصر غیبت .

3- رساله ای در باره زیارت عاشوراء

4- رساله ای درباره احکام شک و سهو ،

نویسنده گوید : این همان کتاب « سؤال و جواب » است که بعدا درباره آن شرح و توضیح خواهیم داد .

۳- احکام غسله (رساله در ...)

عالم جلیل آقا سید محمد صادق بن زین العابدین موسوی خونساری (شرح حالش در ضمن شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام ذکرشده) رساله ای در ذکر اسامی اساتید و مشایخ خودنوشته و در آنجا نامی از مرحوم حجة الاسلام شفتی بوده و چندین

ص: 23

کتاب و رساله از تألیفات ایشانرا ذکر نموده که از آنجمله است : رساله در احکام غسل

ص 294 مقدمة مناهج المعارف

الاستقبال

در شرح مبحث قبله کتاب تحفة الابرار .

این کتاب همانگونه که بعدا متذکر خواهیم شد از تألیفات مفتی میر محمد عباس شوشتری است لکن مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب (ص 313 دوم) و در تاریخ زنجان (ص 275) به پیروی از او آنرا تألیف مستقلى از خود سید حجة الاسلام نوشته اند و اشتباه است .

4- انواع اراضی (رساله در ...)

در کتابخانه دانشمند بزرگوار حجة الاسلام آقای دکتر حاج سید احمد تویسرکانی نجل جلیل علامه زاهد مرحوم حاج میرزا محمدباقر بن علامه عالیقدر مرحوم آقا میرزا عبدالغفار تویسرکانی اصفهانی مجموعه ای است شامل 7 رساله

که چهار رساله از آنها از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام شفتی می باشد یکی از این رسائل :

رساله در انواع اراضی (بقیه رسائل در جای خود ذکر می شود) .

این رساله در 70 صفحه (15 در 21 سانتی متر) تاریخ کتابت و نام کاتب ذکر نشده است.

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم تحقيق الحال في بيان هذا المرام يستدعي

نقل الكلام في مطالب :

ص: 24

الاول فى تقسيم الارض الى اقسامها المعروفة فنقول ذكروا انها اربعة اقسام: الاول الارض التى اسلم اهلها طوعا و رعية

انجام : و كلى مؤنة يلحق الغلات الى وقت اخراج الزكوة على رب المال دون المساكين وهذا القول ممكن عن الجامع واختره جماعة من متأخري متأخرين كصاحب المدارك و الكفايه وغيرهما .

5 - بطلان وقف بر نفس (رساله در ...)

يا رساله در اوقاف

علامه صاحب روضات الجنات (ص 125) مى نويسد:

از مباحث اين رساله آنكه وقف بر نفس بخصوص يا در ضمن ديگرى را باطل دانسته و مخصوصا بسيارى از اوقاف قديمى را محكوم بطلان فرمود و دستور داد موقوفات بر ارث خاص يا عام آنها باز گردد و پس از وفات واقف با آنها معامله ملكيت شود .

از اين رساله نسخه اى در كتابخانه دانشكده حقوق طهران موجود است (ص 504 فهرست كتابخانه دانشكده حقوق) و همچنين نسخه اى ضمن مجموعه جناب آقاى دكتور تويسركانى بشرح زير:

كتابت نسخه مزبور در ماه رمضان المبارک 1233 خاتمه يافته لکن نام کاتب ذکر نشده است . رساله داراى 109 صفحه و هر صفحه 21 سطر مى باشد اصل رساله عربى است لکن قسمتهاى زيادى از آن بفارسى مى باشد .

مرحوم حجة الاسلام در صفحه 24 رساله ميفرمايد :

ولذا لما استفتى منى بعض اهل الايمان افتينه بذلك بعد التأمل فى المسألة و اطرافها بعد ما اجبته فى اول الامر من غير تدقيق النظر فيها لعدم تحقق التيقض

ص: 25

والاقباض ثم تأملت المسألة و مستند القبض والاقباض تبين لى ان الحق خلاف ذلك كتبت فى مقام الجواب بالصحة و اللزوم فما انا اذكر مراد المستفتى: ثم ما كتبت فى جوابه لتبين حقيقة الحال .

پس از این عبارات عربی چنین می نویسد :

الاستفتاء : شخصی راغب در خیرات قرار داد مدرسه ای در بعضی بلاد ساخته باشد که طلبه در آنجا ساکن و تحصیل علوم دینیہ نموده باشند املاک چندی داشت در آن بلد و نواحی آن و آن املاک را به اجاره داده بود و قرار آن شخص مالک چنین بود که کل آن املاک را وقف نموده که منافع حاصله از آن صرف بناء آن مدرسه و تعمیر آن و فرش حجرات آن و روغن چراغ حجرات و سایر محتاج الیه آن شده باشد و قرار بنای مدرسه را گذاشت و آن شخص مستأجر املاک را مقرر داشت که وجه اجاره آن املاک را مصرف در اخراجات بنای مدرسه مذکور نموده باشد و آن شخص مستأجر نیز اقدام بر آن مطلب نمود بااین معنی که بنا و عمله که مشغول بنائی بودند این شخص مستأجر از وجه اجاره آن املاک نظر به قرار داد مالک اجرت بناء و عمله را میداد و همچنین مصروف سایر مایحتاج ضروریہ در بنای آن مدرسه مینمود و در آن حال صیغه وقف آن املاک را باین جهت مخصوصه جاری نمود قبل از انقضاء مدت اجاره آن شخص در ضمن عقد وقف تولیت وقف را ما دام حیاته بجهت نفس خود قرار داد و بعد از خود بدیگری و هکذا و بعد از آنکه چندی گذشت که هنوز مدرسه بنحویکه باید و شاید با تمام نرسیده بود آن شخص واقف فوت شد قبل انقضاء مدت اجاره . آیا املاک مذکوره محکوم به وقفیت است و عمل بمقتضای آن لازم است یا مال وارث است . نظر بعدم تحقیق اقباض و قبض . الجواب - الخ (نقل از خط آقای دکتر تویسرکانی).

ص: 26

نویسنده گوید: در اُلسنه وافواه بسیاری از مردم اصفهان از عوام و خواص معروفست که در اواخر زمان صفویه در اصفهان وحوالی آن و روستاها زمینی که وقف نباشد (شش دانگ آزاد و غیر وقف باشد) موجود نبوده است و بعد عده ای از مردم این موقوفات را من غیر حق تصرف نموده اند و بملکیت خویش در آورده اند. اکنون با توجه به نظریه مرحوم سید حجة الاسلام راجع به وقف بر نفس و اولاد معلوم میشود که عده ای از این موقوفات جزو این دسته از اوقاف بوده که مرحوم حجة الاسلام آنرا وقف نمیدانسته و طبق فتوی و دستور ایشان به ملکیت و ارثین برگشته است. همچنانکه علامه صاحب روضات الجنات (ص 125) نیز باین نکته اشاره میفرماید.

پرسش و پاسخ

پرسشها و پاسخهای فقهی و گاهی از اصول فقه و با اصول اعتقادات است که از مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفقی اصفهانی نموده اند و ایشان بدان سؤاها جواب داده اند. برخی از این سؤال و جوابها فارسی و بعضی عربی و عده ای استدلالی و مفصل است که یکی از شاگردان ایشان که نامش ذکر نشده است آنها را بترتیب کتب فقهی تنظیم نموده است.

نسخه این پرسشها و پاسخها به شماره (2542) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص 125 هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی).

نویسنده گوید: احتمالاً این کتاب همان سؤال و جواب مطبوع است که بعداً ذکر خواهیم نمود و ممکن است تألیف دیگری باشد باید مطابقت آنرا با یکدیگر سنجید.

6- تحفة الأبرار الملتقط (المستنبط) من آثار الأئمة الاطهار عليهم السلام

رساله فارسی مبسوطی است که گاهی به ادله حکم نیز اشاره شده و مختص به نماز است .

کتاب مرتب شده است بریک مقدمه در مسائل تقلید واجتهاد و سه باب و هر بابی مشتمل بر چندین مبحث . باب اول مقدمات نماز باب دوم افعال نماز باب سوم خلل وشکوک نماز کتاب بفارسی است لکن از مسئله موجبات سجده سهو به بعد عربی میباشد .

علامه صاحب روضات الجنات در کتاب شریف خود پس از ذکر مطالع الانوار میفرماید (ص 125): کتاب دیگری بهمین رویه (یعنی مانند مطالع الانوار) نوشته نام آن تحفة الابرار است این کتاب قریب بیست هزار بیت است و ابواب تعقیب را بانجام رسانیده و در آن فوائد مهمه و فروع نادره های متعرض گردیده و گرچه بعنوان رساله عملیه برای مقلدین تصنیف فرموده لکن باندازه ای مطالب عالیه در آن ایراد نموده که در هیچ یک از کتب و رسائل عملیه وجود ندارد (ص 292 دوم ترجمه روضات الجنات بقلم عالم بزرگوار حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی).

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم ، الحمد لله الذي توحد بالملك فلاندله في ملكوت سلطانه و تفرّد بالعز فلا ضدله في جبروت كبريائه ...

از این کتابت نسخه های فراوانی در کتابخانه های عمومی و خصوصی یافت میشود . در پشت یکی از نسخه هائی که بنظر علامه طهرانی رسیده بوده است کاتب نوشته بوده : این سی و چهارمین نسخه از این کتابت است که نوشته ام .

تحفة الأبرار جزو رساله های عملیه و مورد توجه عموم از علماء و دیگران بوده و بدین لحاظ عده ای از دانشمندان و علماء بزرگوار از شاگردان سید حجة الاسلام و دیگران آنرا مختصر نموده و منتخباتی از آن گرد آورده اند که ذیلا بنام عده ای از آنها و نام کتابشان اشاره می نمائیم :

1- الاستقبال بشرح مبحث قبله از کتاب تحفة الأبرار مرحوم سید حجة الاسلام تألیف مفتی میر محمد عباس شوشتری (1224-1306) مؤلف قریب یکصد و سی کتاب و رساله (صفحه 33 تکمله نجوم السماء) .

2- تلخیص تحفة الأبرار تألیف مولی محمد تقی هروی اصفهانی حائری شاگرد مرحوم سید حجة الاسلام شفتی .

3- تلخیص تحفة الأبرار تألیف حاج ملا محمد جعفر آباءه ای اصفهانی شاگرد مرحوم حجة الاسلام .

4- جواهر المسائل تألیف مولی محمد مهدی بن مولی محمد علی محلاتی شاگرد مرحوم حجة الإسلام .

5- خلاصه و منتخب تحفة از خود مرحوم سید حجة الاسلام :

6- سراج المتجهدين فقه فارسی طبق فتوای مرحوم سید حجة الاسلام و فرزندش مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی تألیف عالم فاضل مرحوم ملا نوروز علی بسطامی فرزند محمد باقر معروف به فاضل بسطامی مؤلف کتب عدیده که معروفترین آنها کتاب : فردوس التواریخ در تواریخ مربوط به مشهد مقدس رضوی می باشد و متوفی بسال 1309 بسن 85 سالگی ومدفون در قبرستان معروف به قتلگاه پشت سر قبر مرحوم شیخ طبرسی رضوان الله علیه می باشد .

تذکر : قبرستان قتلگاه در حال حاضر بصورت چمن در آمده و فقط سکونی که قبر مرحوم شیخ امین الدین طبرسی در روی آن قرار دارد از آن باقیمانده است و علت شهرت آن به قتلگاه جهت مدفون گردیدن کسانی است که در فتنه

از بکها و بدست آنان شهید گردیده اند می باشد .

مرحوم فاضل بسطامی در این کتاب (سراج المتجهدين) بیشتر توجه به کتاب تحفة الأبرار مرحوم سید حجة الاسلام داشته است پایان تالیف سه شنبه 11 ذی القعدة الحرام 1265 ه.ق

7- فروع فارسی ملخص از تحفة الأبرار تألیف بعضی از شاگردان آن مرحوم . علامه طهرانی در الذریعه (صفحه 184 شانزدهم) می نویسد که نسخه آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است .

8- کاشف الاستار تألیف مولی محمد تقی هروی اصفهانی سابق الذکر

9- منتخب تحفة الأبرار در طهارت و صلوة باضافه احکام شک جداگانه و آنرا دانشمندی که نام آن در کتاب ذکر نشده است و در جمعه 13 رمضان سال 1241 گردآوری و انتخاب آن پایان یافته است .

نسخه کتاب بشماره (313) در کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (صفحه 270 یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

آغاز : الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى اما بعد چون عالیجناب شامخ اللقب نتیجه الاطیاب العالم العامل .

انجام: بلکه تا حال کسی که تصریح به صحت نماز نموده باشد بر نخورده ایم.

در پایان پس از احکام شک فوائد فقهی است که بصورت پرسش و پاسخ از مرحوم شفتی یا از مؤلف .

10- منتخبی از تحفة الأبرار از دانشمندی ناشناس ضمن مجموعه شماره (1377) در کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی در قم (صفحه 250 دوم فهرست کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی) .

11 - الوجیزه تألیف مرحوم حاج محمد جعفر آباءه ای اصفهانی (غیر از

تلخیص تحفة الابرار سابق الذکر) در این کتاب مرحوم آباءه ای مسائل نماز را بطور فتوائی از تحفة الابرار استادش استخراج نموده است .

نسخه ای از آن بشماره (2597) مورخ بسال 1254 در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (صفحه 183 هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) و همچنین کتاب بدون تاریخ چاپ بخط بابا معصوم بن حاج محسن بازواری چاپ سنگی شده است (صفحه 426 دوم مؤلفین کتب چاپی تألیف مرحوم مشار).

12 - وسیلة النجاة در مسائل نماز استخراج شده از کتاب تحفه الابرار تألیف سید هاشم حسینی از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام شفتی .

7- تحفة الابرار

علامه طهرانی در الذریعه (ص 403 سوم) و الکرام البرره (ص) می نویسد :

رساله فارسی فتوائی است جهت مقلدین و این کتاب را سید حجة الاسلام شخصا از کتاب مطالع الانوار خویش استخراج نموده است .

آغاز : نحمدک اللهم

نسخه آن را علامه طهرانی در کتابخانه مولی محمد علی خونساری در نجف اشرف دیده است .

8 - ترجمه حال ابان بن عثمان (رساله در ...)

در جزو مجموعه رجالیه از صفحه یک تا صفحه 8

ص: 31

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي لو حمدته دوام خلود ربوبيته بكل شعرة في كل طرفة عين يحمد الخلاق وشكرهم اجمعين لكنت جلاله مقصرا عن بلوغ شكر اخفى نعمة من نعمه على و الصلوة والسلام على اكمل خليقته واخلص بريته وسيد رسله محمد وآله واصحابه اجمعين، وبعد يقول العبد الملتجى الى باب سيده الغافر ابن الواصل الى رحمة ربه الساتر محمد نقي الموسوي محمد باقر وقاه الله تعالى من سوء الباطن والظاهر هذه مقالة ...

نویسنده گوید: ابو عبد الله ابان بن عثمان البجلي الكوفي البصري الأحمر از حضرت صادق و حضرت كاظم عليهما السلام روایت می کند و اقوال نویسندگان كتب رجال در باره او مختلف است برخی او را از ناووسیه دانسته و در حدیثش قدح کنند و جمعی ویرا از اصحاب اجماع از طبقه دوم دانسته و توثیقش نمایند .

ویرا کتابی است در مبعث و مغازی و وفاة و سقیفه ورده و غیره (ص 10 رجال نجاشی) برای آگهی بیشتر از شرح حالش به كتب مربوط مراجعه فرمایند .

9- ترجمه حال ابراهیم بن هاشم قمی

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 9 تا صفحه 24 بچاپ رسیده است .

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم ومنه الاعانة فيما يقتفر اليه في الدنيا و الدين الحمد لله المتأبد مملكته بالخلود و الدوام و الممتع سلطنته بغير جنود ولا اعوان و على اكمل انبيائه و افضل او صيائه آلاف التحية والسلام و عترته الاطائب الاماجد العظام الفخام و بعد المسئى المتمسك باذيال رحمة ربه العالی محمد باقر بن محمد نقي الموسوي حشرهما الله تعالى مع سادات الاعالی والادانی لما كتبت في سالف الزمان رساله في تحقيق الحال في ابراهيم بن هاشم

نویسنده گوید: ابو اسحق ابراهیم بن هاشم کوفی قمی در محضر مبارک

حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام را نموده و حدیث او را علماء رجال حسن کالصحیح میدانند و از شیخ بهائی علیه الرحمه نقل شده که پدرش جناب شیخ حسین بن شیخ عبد الصمد عاملی فرموده است که من حیا می کنم حدیث ابراهیم بن هاشم را صحیح بشمرم .

وی اول کسی است که حدیث کوفیان را در قم نشر داد و از کتاب رواشح نقل شده است که این فضیلت جامعترین فضائل است برای صاحب عنوان .

محدث قمی علیه الرحمه در هدیه الزائرین (ص 222) در ضمن اعمال مسجد سهله از قول جناب علی بن ابراهیم قمی از قول پدرش ابراهیم بن هاشم می گوید: در سالی بقصد تشرف بمکه وارد کوفه شدم و جهت انجام اعمال مسجد سهله بدانجا رفتم (با جمعی از اصحاب) در آن مکان شخص بزرگواری را دیدم که مشغول نماز و دعا و مناجات بود با او مشغول شدیم تا آخر مطالب و ادعیه ای که نقل می کند سپس می گوید: احتمال می رود که آن شخص بزرگوار جلیل القدر حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است و در تحفة الاحباب (ص 9) می نویسد: ممکن هم هست که حضرت خضر علی نبینا و آله و علیه السلام بوده باشد .

محدث قمی از رجال بحر العلوم نقل می کند که وی ثقة صحیح الحدیث است .

ویرا تألیفاتی است از آنجمله : 1- کتاب قضایا امیر المؤمنین علیه السلام

2- النوادر (ص 12 رجال نجاشی ص 80 یکم مجمع الرجال) .

10- ترجمه حال ابی بصیر

« ارشاد البصیر الخبیر الی تحقیق الحال فی ابی بصیر» در ضمن رسائل رجالیه از صفحه 24 تا صفحه 39 بچاپ رسیده است .

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم بعد الحمد المنعم المفضل العلام والصلوة على مفخر الرسل اكمل الانام وآله سادات البريه فى البداية والختام يقول الملتجى الى رحمة ربه الغافر ابن محمد نقى الموسوى محمد باقر هذه رساله الارشاد البصير الخبير الى تحقيق الحال فى ابى بصير فاعلم...

انجام: وله الحمد فى كل آن وحال وصلواته على اكمل خليقته و اشرف البرية وعترته الاماجد الاطايب الاطهار ما غسق الليل و اشرق النهار ومنه استعين.

نويسنده گوید: همانگونه که سيد حجة الاسلام ميفرمايد ابا بصير مشترك است بين:

1- ابو محمد يا ابو بصير اصغر ليث بن البختری المرادى که از حضرت باقر و حضرت صادق عليهم السلام روايت مى کند و ثقہ و از اصحاب اجماع مى باشد.

علامه در خلاصه ميفرمايد: کل اوله اللام ثقہ و سليم الا ليث بن ابى سليم.

2- ابو بصير و گفته شده است ابو محمد يحيى بن قاسم (يحيى بن ابى القاسم اسحق) اسدى که او نيز مخلط و ضعيف نوشته اند لکن نجاشى (ص 308) گوید وی ثقہ و وجيه است و مرحوم سيد حجة الاسلام در اين رساله از وجيزه علامه مجلسى نقل مى کند (ص 39 رساله) که وی على الاظهر ثقہ است.

ويرا كتابى است در: عمل يوم وليله و همچنين كتابى در مناسك حج فوت ابى بصير را در سال 150 نوشته اند.

چهار نفر ديگر از اصحاب ائمه اطهار عليهم السلام كنيه هايشان ابو بصير است (ص 22 پنجم ريحانة الادب) بدین شرح:

1- حماد بن عبد الله قدرى غير مشهور

2- حماد بن عبيد الله بن اسيد هروى غير مشهور

ص: 34

11 - ترجمه حال احمد بن محمد برقي

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 39 تا 42 بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي فضل مداد العلماء على دماء الشهداء وختم النبوة باحمد المحمود في السموات العلى عليه وعلى آله اكمل التحية والصلوة والثناء بعد يقول المستولى بانواع نعم ربه العلى العالى ابن محمد نقي محمد باقر الموسوى هذه رساله فى تحقيق الحال فى احمد بن محمد بن خالد البرقى ...

نویسنده گوید : ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن على برقى كوفى

جدش محمد بن على پس از شهادت جناب زید بن على بن الحسين عليهما السلام بدست يوسف بن عمرو و ثقفى والى عراق از طرف بنى اميه گرفتار گردیده و بشهادت رسید و فرزندش عبدالرحمن و خالد از ترس گرفتاری از عراق فرار کرده در برق رود از توابع قم ساکن گردیدند و بدین جهت به برقى شهرت یافتند

وى شخصا ثقة و مورد اعتماد است لکن از ضعفاء و مراسيل روايت مى کند و بدین جهت محدثین بزرگوار و یرا مورد طعن و ایراد قرار داده اند تا جائیکه ابو جعفر احمد بن محمد بن عيسى اشعری قمى رئیس المحدثین قم و یرا بهمین علت از شهر قم اخراج مى نماید و بعدا و یرا عودت داده و از او پوزش مى طلبد فوت برقى را در سال 274 یا 280 نوشته اند و گویند که جناب احمد بن محمد بن عيسى با سر و پای برهنه در تشييع او شرکت نمود قبرش در قم بوده و فعلا آثاری از آن باقى نیست کتب زیادى قریب هشتادمجلد تألیف نموده که معروفترین

آنها : 1- کتاب خصایص 2- کتاب محاسن می باشد (ص 55 رجال نجاشی)

12 - ترجمه حال احمد بن محمد بن عیسی قمی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 43 تا 45 بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم بعد الحمد المنعم المفضل و الصلوة على سيد البرية وعترته اشرف الال يقول المفتاق الى رحمة ربه الغنى ابن محمد نقى محمد باقر الموسوى هذه مقالة فى تحقيق الحال فى احمد بن محمد بن عيسى..

نویسنده گوید : ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالک بن الاحوص بن السایب بن مالک بن عامر اشعری قمی .

خاندان اشعری قمی از خاندانهای معظم و معروف و مفاخر شیعه بوده و از روزانه اول بدوستی اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شهرت داشته اند اول کسی که از این خاندان بقم مهاجرت نمود سعد بن مالک در بین اشعریین قم دمها محدث و فقیه وجود دارد که از آنجمله است صاحب عنوان .

وی شیخ قمیها و رئیس محدثین و فقیه بوده و خدمت حضرت رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام تشرف حاصل نموده و از آنان نقل حدیث می کند

ویرا تألیفاتی است : بدین قرار : 1- الاظله 2- التوحید 3- الحج 4- فضایل العرب - فضل النبی صلی الله علیه و آله وسلم 6 المتعه 7- المسوخ 8- الناسخ و المنسوخ 9- النوادر .

13 - ترجمه حال اسحاق بن عمار ساباطی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 45 تا صفحه 80 بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله المنقذ عباده من الجهالة ووفق لاصابة

ص: 36

الحق من طلب بالجد والطاعة وصلواته على اكمل من ختمت به الرسالة و آله اصحاب العصمة و الطهارة سيما بن عمه الخلیق من طینته الملتجى لا ولیانه من الضلالة و بعد يقول المعتصم بادیاں رحمة ربه الباقي ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی حشرهما الله مع اجدادهما یوم یؤخذ بالنواصی هذه رسالة فی

انجام : و الحمد لله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه و آله الطاهرین .

نویسنده گوید : نجاشی (ص 51) می نویسد :

ابو یعقوب اسحق بن عمار بن حیان صیرفی شیخ من اصحابنا ثقة و برادرانش یونس و یوسف و قیس و اسماعیل و برادرزادگانش علی بن اسماعیل و بشیر بن اسماعیل همگان از وجوه اصحاب و ثقة و از خاندانی بزرگ از شیعه می باشند و صاحب عنوان را کتابی است بنام النوادر .

نقل شده است که هر گاه حضرت صادق علیه السلام اسحق و اسماعیل پسران عمار را می دیدند میفرمودند:

قد یجمعهما الاقوام یعنی خداوند تبارک و تعالی گاهی دنیا و آخرت را برای بعضی جمع میفرماید .

شیخ بهائی و عده ای دیگر از محدثین (ص 19 تحفة الاحباب) می گویند دو نفر اسحق بن عمار در سلسله رواة می باشند که هر دو ثقة یکی اسحق بن عمار بن حیان ساباطی امامی المذهب و

دیگری اسحق بن عمار بن موسی فطحی المذهب لکن مرحوم سید بحر العلوم میفرماید : اسحق بن عمار یک نفر بیش نیست و انهم امامی المذهب و ثقة .

مرحوم سید حجة الاسلام میفرماید: اسحق بن عمار بن موسی فطحی المذهب نامش در سند اخبار ماذکر نشده و هر چه نقل شده است از اسحق بن عمار بن حیان امامی ثقة است و اما آنچه محقق در کتاب خود نسبت داده بواقفی

بودن اسحق آنها بدون اصل است و قبل از جناب محقق کسی چنین نسبتی به اسحق بن عمار نداده است و در امامی و ثقة بودن صاحب عنوان خلافاً نیست (ص 72 رجال سید).

14 - ترجمه حال حسین بن خالد

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 80 تا 97 بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم ومنه الاعانة للفوز بجنات النعيم وبه الاستعاذة الحذر من الشيطان الرجيم واليه الالتجاء للخلاص من عذاب الحميم و بعد يقول المتغمر في بوادي الغي والضلال والمنهمك في فيافي الجهالة والوبال ابن المستغرق في بحار معرفة رب الغافر محمد نقي الموسوي محمد باقر و قاهما الله تعالى من سوء الباطن والظاهر هذه رساله في تحقيق الحال في حسين بن خالد ...

در این رساله سید حجة الاسلام بحث می کند که آیا حسین بن خالد یک نفر است یا چندین نفر و دیگر اینکه حسین بن خالد از حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام روایت می کند و اینکه حسین بن خالد صیرفی و حسین بن خالد بن طهمان همان حسین بن ابی العلاء می باشد و اینان دو نفر یا یک نفر می باشند حاصل کلام اینکه حسین بن خالد بن طهمان غیر از حسین بن ابی العلاء می باشد .

سید حجة الاسلام از اکمال الدین صدوق از حسین بن خالد صاحب عنوان روایت می کند که :

حضرت رضا علیه السلام فرمودند : لادين لمن لاورع له ولا ايمان لمن لا تقية له وان اكرمكم عند الله عزوجل اعلمكم بالتقية قيل له يابن رسول الله الى متى قال الى يوم الوقت المعلوم وهو يوم خروج قائمنا اهل البيت فمن ترك التقية قبل خروج قائمنا فليس منا ... (ص 87 رسائل رجالیه)

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 97 تا صفحه 105 بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين حمدا كثيرا فوق حمد الحامدين و الصلوة والسلام على اكمل الخلائق اجمعين و شافع العصاة يوم الدين و آله الطيبين الطاهرين و بعد يقول العبد الخاسر العاثر ابن محمد تقى الموسوى محمد باقر هذه مقالة ابر زناها فى هذه الصفحات لتحقيق الحال فى حماد بن عيسى الجهنى ..

نویسنده گوید : ابو محمد حماد بن عیسی جهنی کوفی ساکن بصره زمان چهار امام از ائمه معصومین یعنی حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام را درک نموده و در نقل حدیث بسیار محتاط بوده چنانکه گوید : هفتاد حدیث از حضرت صادق علیه السلام حفظ کردم و اکنون در بیست تایی آنها شک و تردید ندارم و آنها را نقل می کنم و از حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام حدیثی نقل نموده و در زمان آنحضرت وفات یافته و ثقه و صدوق است .

از حماد نقل شده است که خدمت حضرت کاظم علیه السلام عرض کردم دعا فرمائید که خداوند به من خانه ای و عیالی و فرزندی و خادمی و حج در تمام سالها نصیب فرماید حضرت دعا فرمودند که خداوند به او خانه ای و عیالی و فرزندی و خادمی و پنجاه حج نصیب گردان چون حضرت این دعا فرمود دانستم که عمر من بیشتر از پنجاه حج نباشد در سفر پنجاه و یکم در وادی قنات در موقع احرام حج ناگهان سیل آمد و او غرق شده وفات یافت و این در سال 208 یا 209 بود و سنش نود و چند سال بود کتابهای زیر از تألیفات اوست : 1- کتاب الزکوة 2- کتاب الصلوة 3- کتاب النوادر (ص 103 رجال نجاشی ص 230 دوم

16 - ترجمه حال سهل بن زیاد الادمی الرازی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 105 تا صفحه 111 بچاپ رسیده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله المنفرد بالقدم و الكمال المتقدس بقدس جماله عن مضاهية الاشياء والامثال المتنزه بسطوة جلاله من معاندة الاضداد والابطال و الصلوة والسلام على من اصطفاء الله تعالى نجة من الضلال و آله و عترته الهداة الماينجي من شدائد الاصفاد و الانكال سيما ابن عمه الخليق من طينته المنجي اوليائه من السلاسل والاغل و بعد يقول المنغمر في بوادي الغي و الضلال المفتقر الي رحمة ربه الغني المتعال ابن محمد نقي الموسوي محمد باقر حشرهما الله تعالى مع اجدادهما اعضاء العبيد و الاحرار هذه مقالة في تحقيق الحال في سهل بن زياد الادمي ...

نویسنده گوید: ابو علی سهل بن زیاد رازی از حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام نقل حدیث می کند برخی ویرا ثقه و عده ای او را ضعیف و غیر معتمد دانسته و نسبت غلو به او داده اند و گویند که جناب احمد بن محمد بن عیسی اشعری ویرا از قم اخراج نمود مشارالیه درری سکونت نمود و بدین جهت به رازی شهرت یافت در 15 ربیع الثانی سال 255 توسط محمد بن عبد الحمید عطار باحضرت عسکری علیه السلام مکاتبه ای نمود کتب زیر از اوست: 1- کتاب التوحید 2- کتاب النوادر (ص 132 رجال نجاشی ص 179 سوم مجمع الرجال)

محدث قمی در تحفة الاحباب (ص 141) میفرماید: مجلسی اول در شرح فقیه در باب صلوة بر میت توثیق او را فرموده و روایت را از جهت او صحیح شمرده و از اوبسی تجلیل فرموده .

17- ترجمه حال شهاب بن عبد ربه

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 8 تا 9 و صفحه 111 تا 112 (دوبار) بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم

اختلاف العلماء في شأنه فقيل ان حديثه معدود في الحسان

نویسنده گوید : شهاب بن عبد ربه بن ابی میمونۃ بن یسار اسدی صیرفی کوفی خود و سه برادرش عبد الخالق و عبد الرحمن و وهب از بزرگان محدثین وثقات رواة بوده و صاحب عنوان از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت می کند و زمان حضرت کاظم علیه السلام را نیز درک نموده لکن روایتی از آنحضرت نقل ننموده است .

داود می گوید در خدمت امام ششم علیه السلام بودم که نامی از شهاب برده شد حضرت فرمودند: والله الذي لا اله الا هو لاقتلته والله الذي لا اله الا هو لا ضربته . نقل است که محمد بن عبد الله بن حسن مثنی ویرا هفتاد تازیانه زد .

نجاشی (ص 139) و دیگران گویند ویرا کتابی است .

نجاشی (ص 20) در ضمن بیان شرح حال اسماعیل بن عبد الخالق بن عبد ربه گوید :

او از خاندان شیعه و عموهایش شهاب و عبد الرحيم و وهب و پدرش همگان ثقة می باشند .

18 - ترجمه حال عبد الحميد بن سالم العطار

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 112 تا صفحه 113 بچاپ رسیده است.

ص: 41

آغاز: فی حال عبد الحمید بن سالم العطار و حال ابنه محمد بن عبد الحمید فنقول اما عبد الحمید فالظاهر انه ثقة .

نویسنده گوید: عبد الحمید بن سالم عطار کوفی از رواة حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و ثقہ و مؤلف کتاب: النوادر است (ص 239 رجال نجاشی).

و فرزندش ابو جعفر محمد بن عبد الحمید بن سالم بن عبد الرحمن وکیل حضرت هادی علیه السلام و جلیل القدر و ثقہ می باشد و به حمیدی معروف بوده و یرا کتابی است (ص 68 چهارم) و سالم نیز از ثقة اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام است .

صفحه 251 پنجم مجمع الرجال

19 - ترجمه حال عمر بن یزید

در ضمن رسائل رجالیه از صفحه 124 تا صفحه 126 بچاپ رسیده است

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم بعد الحمد الملك الفيض العلام و الصلوة على سيد الرسل و اشرف الانام و آله الامجاد الافاخم العظام يقول العبد الظالم على نفسه المعترف بالتقصير في خدمه سيده محمد باقر بن محمد تقى الموسوى عاملهما الله بلطفه الخفى هذه كلمات وافيه وعبارات شافيه فى تحقيق حال عمر بن يزید ...

سید حجة الاسلام در این رساله میفرماید در تحت نام عمر بن یزید پنج عنوان است:

۱- عمر بن یزید بیاع سابری

۲- عمر بن محمد بن یزید

۳- عمر بن یزید ثقفی

ص: 42

و این سه عنوان از یک نفر می باشد و عمر بن محمد بن یزید همانست که امام صادق علیه السلام درباره او فرمودند : انت والله منا اهل البيت .

4- عمر بن یزید بن زبیر الصیقیل

5- عمر بن یزید الصیقیل ایندو عنوان نیز از یک نفر می باشد .

نویسنده گوید : ابو الاسود عمر بن محمد بن یزید بیاع السابری ثقه و از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام بوده و کتابی در مناسک حج و مستحبات آن دارد (ص 265 چهارم مجمع الرجال و ص 257 تحفة الاحباب)

و ابوموسی عمر بن یزید بن الصیقیل از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند و ثقه و جلیل القدر و واسطه بین مردم و امام علیه السلام بوده و یرا کتابی است (ص 204 رجال نجاشی و ص 268 چهارم مجمع الرجال) .

20- ترجمه حال محمد بن احمد

راوی از عمر کی بن علی بن محمد البوفکی در ضمن مجموعه رجالیه مرحوم سید حجة الاسلام از صفحه 131 تا 134 بچاپ رسیده است.

آغاز : بسمله يقول المفتقر الى ربه الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر عقی عن جرائمهما يوم تبلى السرائر قد تكرر و كثر فى الاسانيد رواية محمد بن احمد عن العمركى ...

مرحوم سید حجة الاسلام در این رساله میفرماید مراد محدثین از محمد بن احمد راوی از عمر کی همانا محمد بن احمد یحیی بن عمران الاشعری است .

نویسنده گوید : در رجال نجاشی (ص 245) می نویسد :

ابو جعفر محمد بن احمد بن یحیی بن عمران بن عبد الله بن سعد بن مالک

ص: 43

الاشعری القمی کان ثقة فی الحدیث جز اینکه بزرگان محدثین درباره او می گویند وی از ضعفاء نقل حدیث می کند و به احادیث مرسل اعتماد می نماید و توجه نمی کند که از چه کسی نقل روایت می نماید لکن در خود او ایرادی نیست و یرا تألیفاتی است از آنجمله : 1- کتاب الامامه 2- کتاب الانبیاء 3- کتاب الایمان 4 - کتاب الاوقات 5 - کتاب التوحید - کتاب الحج 7 - کتاب الحدود والدیات 8- کتاب الزکوة 9 - کتاب السکنی 10 - کتاب الصلاة 11- کتاب الصوم 12 - کتاب الطلاق 13 - کتاب الطب 14 - کتاب العتق 15- کتاب فضل العرب 16 - کتاب الفضل العجمیة و العربیة 17 - کتاب الفرائض 18 - کتاب القضايا والاحکام 19 - کتاب مقتل الحسین علیه السلام 20 - کتاب المزار 21 - کتاب الملاحم 22 - کتاب مناقب الرجال 23 - کتاب النحل و الهبه 24 - کتاب النذور والایمان والکفارات 25 - کتاب النکاح 26 - کتاب الوصایا و الصدقه 27 - کتاب الوضوء و مخفی نماند که مجموعه این کتابها رانوادر الحکمه نامیده است (ص 143 پنجم مجمع الرجال)

واما ابو محمد عمر کی بن علی بن محمد بوفکی نیشابوری از اصحاب حضرت عسکری علیه السلام است نجاشی درباره او گوید : شیخ من اصحابنا ثقه (ص 215 نجاشی) کتابهای : 1- ملاحم 2- نوادر از اوست. بوفک از قرای نیشابور است .

21 - ترجمه حال محمد بن اسماعیل (رساله در...)

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 133 تا 140 بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی انشأ السموات والارضین وجعلها وما فیها مسالک لاهتداء المهتدین وصلى الله على سيد الاولین والآخرین و آله و اصحابه

ص: 44

مصاییح مشکوة الدين و بعد يقول العبد الملتجى الى باب سيده الغافر ابن محمد تقى الموسوى محمد باقر وفاه الله من سوء الباطن و الظاهر ...

انجام : والحمد لله العزيز الغفار وصلواته على سيدنا محمد المختار و آله و عترته الامجاد الاطهار مرحوم سيد حجة الاسلام در حاشیه این رساله میفرماید :

به گمانم تألیف این رساله در سال 1206 بوده و در سحر شب جمعه 10 محرم 1233 بر آن حواشی مرقوم فرموده است.

سید حجة الاسلام پس از نقل اقوال مختلف درباره محمد بن اسماعیل میفرماید :

انچه محقق است و در قبول آن چاره ای نیست آنکه محمد بن اسماعیل مذکور در صدر بسیاری از روایت کافی: ابو الحسن محمد بن اسماعیل نیشابوری است نه محمد بن اسماعیل بن بزيع .

(حدیث فيه تنبيه و ارشاد): بعضی از جوانهای احساساتی زمان ما که از اخبار و احادیث و دستورات ائمه طاهرين عليهم السلام کمتر آگاهی دارند و همه چیز را از جنبه منفی آن نظر می کنند بمجرد آنکه بشنوند عالمی و یا دانشمندی در دستگاه حاکمی جبار و ستمگر خدمت میکرده او را مورد انتقاد قرار داده و هدف تیر ملامت قرار می دهند ذیلا جهت توجه اینگونه مسلمانان انقلابی ذکر این حدیث شریف را مناسب میدانیم .

در روایت از محمد بن اسماعیل بن بزيع از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند :

ان الله بابواب الظالمين من نور الله له (به) البرهان و مكن له فى البلاد ليدفع بهم عن اوليائه ويصلح الله به امور المسلمين اليهم ملجأ (يلجأ) المؤمن من الضر واليهم يفرع ذو الحاجه من شيعتنا وبهم يؤمن الله روعة المؤمن فى دار الظالمه

اولئك المؤمنون حقاً اولئك امناء الله فى ارضه اولئك نور فى رغبتهم (نور الله فى رعيتهم) يوم القيمة و يزهر نورهم لاهل السموات كما تزهر الكواكب الدرية لاهل الارض اولئك من نورهم يوم القيمة تضىء منهم القيمة خلقوا واليه للجنة و خلقت الجنة لهم فهنيئاً لهم فاعلى احدكم ان لو شاء لنال هذا كله .

قال : قلت بماذا جعلنى الله فداك ؟ قال : يكون معهم فيسرنا بادخال السرور على المؤمنين من شيعتنا فكن منهم يا محمد (الحديث)

روایت شده است که در خدمت حضرت رضا علیه السلام نام محمد بن اسماعیل بن بزیر برده شد حضرت فرمودند : دوست میدارم که در بین شما کسی مانند او باشد

(ص 233 رجال نجاشی)

واین محمد بن اسماعیل همانست که از حضرت جواد علیه السلام پیراهنی گرفت که کفن خود نماید و در فید که منزلی است در راه مکه معظمه وفات یافت رحمة الله علیه

ویرا تألیفاتی است از آنجمله 1 - کتاب ثواب الحج 2 - کتاب الحج

(ص 316 تحفة الاحباب)

22 - ترجمه حال محمد بن خالد البرقی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 140 تا صفحه 142 بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم بعد حمد الله المنعم بكل الالاء و الصلوة من التجی اليه قاطبة البریه حتى الانبياء و آله الاكرمين الاطيين الامناء عليهم آلاف التحية والشرف و السلام و الثناء يقول الخاسر العاثر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر حشر هما الله تعالى مع سادات الاوائل والاواخر هذه مقاله فى تحقيق

ص: 46

انجام : فالظاهر انه ثقة فحديثه معدود في الصحاح وهو مختار المحققين من المتأخرين ايضاً .

نویسنده گوید : ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی منسوب به بر قزوین از قرای شهر قم مردی ادیب و آگاه به اخبار و علوم عرب بوده و از حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام روایت می کند برخی از صاحبان کتب رجال ویرا ضعیف دانسته لکن مرحوم سید حجة الاسلام او را از ثقات می شمارد

کتب زیر از اوست : 1- کتاب التفسیر 2- کتاب التنزیل والتعبیر 3- کتاب الخطب 4- کتاب حروب الاوس والخزرج 5- کتاب العلل 6- کتاب فی علم الباری 7- کتاب مکه و المدینه 8- کتاب النوادر 9- کتاب یوم وليله (ص 236 رجال نجاشی و ص 205 پنجم مجمع الرجال)

برادرش ابو علی حسن بن خالد از ثقات ویرا کتابی است بنام النوادر ونواده برادرش علی بن علان بن فضل بن خالد فقیه بوده است (رجال نجاشی).

23 - ترجمه حال محمد بن سنان

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 142 تا 149 بچاپ رسیده است .

آغاز : بسملة الحمد لله الذى جعل منازل الرجال على قدر روايتهم عن النبى و آله الائمة الاطهار صلواته على اكمل الخليقة و عترته الاماجد الاطهار عليه وعلى آله آلاف التحية من الله العزيز الغفار و بعد يقول الملتجى الى باب سيده المعالى ابن محمد نقى محمد باقر الموسوى هذه رسالة فى ...

نویسنده گوید : ابو جعفر محمد بن حسن بن سنان بن عبدالله بن زاهر مولى

عمرو بن الحمق الخزاعی شهید طف و چون پدرش در کودکی او فوت شد و جدش سنان متکفل امورات وی گردید به نسبت جد خود محمد بن سنان شهرت یافت .

اقوال نویسندگان کتب رجال درباره وی مختلف است و او از اصحاب حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام بوده و یکی از معجزات حضرت جواد علیه السلام درباره او ظاهر گردید چه آنکه وی نابینا شده بود و در اثر مسح کردن حضرت جواد علیه السلام چشم او را بدست مبارک شفا یافت و این معجزه را حمیری در قرب الاسناد از حضرت رضا نقل می کند (ص 556 پیشگوئیهای پیشوایان)

درباره او از حضرت جواد علیه السلام نقل شده است که چون در سال 220 فوت شد و خبر مرگش به آنحضرت رسید فرمود رضی الله عنه برضائی عنه فما خالفنی وما خالف ابی قط .

ویرا تألیفاتی است بدین شرح : 1- الاظله 2- الحجج 3- الشراء والبیع 4- الصيد والذبائح 5- الطوائف 6- المکاسب 7- النوادر 8- الوصیه (رجال نجاشی صفحه 231)

24 - ترجمه دال محمد بن الفضیل

راوی از ابی الصباح کتابی مذکور در من لا یحضره الفقیه در ضمن مجموعه رجالیه مرحوم حجة الاسلام از صفحه 156 تا 158 بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین و الصلوة والسلام علی اشرف البریه اجمعین محمد و آله و عترته الطیبین الطاهرین و بعد یقول العبد الملتجی الی باب ربه الغفور العلی محمد باقر بن محمد نقی الموسوی لقد اکثر

مرحوم سید حجة الاسلام در این رساله میفرماید : مراد از محمد بن فضیل که شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره الفقیه از او روایت می کند همانا : محمد بن قاسم بن فضیل است که ثقه و جلیل القدر و از اصحاب حضرت رضا علیه السلام می باشد مرحوم حجة الاسلام در این رساله نقل از کتاب فقیه در باب حق المرأة علی الزوج می نویسد :

روی ابی الصباح الكنانی عن ابی عبدالله علیه السلام قال :

إذا صلت المرأة خمسها وصامت شهرها وحجت بیست ربها و اطاعت زوجها وعرفت حق علی فلندخل من الی ابواب الجنان ان شاءت .

نویسنده گوید : محمد بن الفضیل وهو محمد بن القاسم بن الفضل (الفضیل) بن یسار النهدی ثقة در رجال نجاشی (ص 256) گوید : خود و پدر و عمویش علاء وجدش فضیل همگان از ثبات بوده و محمد از اصحاب حضرت رضا علیه السلام و او را کتابی است .

و مراد از ابی الصباح ابراهیم بن نعیم العبیدی کنانی است در رجال نجاشی گوید (ص 15) حضرت صادق علیه السلام او را بخاطر وثاقتش میزان مینامید حضرت باقر علیه السلام را دیده و از حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام روایت می کند ویرا کتابی است .

25 - ترجمه حال محمد بن عیسی الیقطنی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه 149 تا صفحه 156 بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة على اشرف الاولين و الاخرين محمد خاتم النبيين وعترته الامجاد الطاهرين و بعد يقول العبد

المسئى الملتجى الى باب سيده الكريم الغنى ابن محمد نقى محمد باقر الموسوى لما اختلفت مقالة العلماء فى محمد بن عيسى اليقطينى اى محمد بن عيسى بن عبيد يقطين ...

نامه حضرت جواد عليه السلام

انجام : مرحوم سيد حجة الاسلام در آخر اين رساله نامه حضرت جواد عليه السلام را به بعضى از شيعيانش در بغداد درباره مخلوق بودن قرآن بنا بروايت محمد بن عيسى نقل مى فرمايد بدينگونه :

بسم الله الرحمن الرحيم عصمنا الله و اياك من الفتنة فان يفعل فاعظم بها نعمة وان لا يفعل فهى الهلكة نحن نرى ان الجدل فى القرآن بدعة اشترك فيها السائل والمجيب فتعاطى السائل ما ليس له وتكلف المجيب ما ليس عليه و ليس الخالق الا الله عزوجل و ماسواه مخلوق و القرآن كلام الله لا تجعل له اسماً من عندك فتكون من الضالين جعلنا الله و اياك من الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من الساعة مشفقون.

نويسنده گويد : ابو جعفر محمد بن عيسى بن عبيد بن يقطين بن موسى ينطينى يونسى بغدادى برخى از بزرگان محدثين ويرا از ضعفاء شمرد و نسبت غلو به او داده و عده اى نيز همچون نجاشى ويرا توثيق نموده اند و گويد (ص 235) جليل فى اصحابنا ثقه عين كثير الروايه حسن التأليف. از حضرت جواد عليه السلام نقل روايت مى كند مكاتبة و مشافهة (يا از حضرتش شنيده و يا با آن بزرگوار مكاتبه نموده).

كتب زير از اوست : 1 - الامامه 2 - الامل و الرجاء 3 - بعد الاسناد 4 - التجمل و المرءه 5 - التفسير 6 - التوقيعات 7 - ثواب الاعمال 8 - الرجال 9 - الزكوة 10 - الضياع 11 - الظرائف 12 - الفىء و الخمس 13 - قرب الاسناد 14 - اللؤلؤه 15 - المسائل المحرمه 16 - المعرفه 17 - النوادر 18 - الواضح المكشوف فى الرد على اهل الوقوف 19 - الوصايا و غيره (ص 235 نجاشى صفحه 17 پنجم مجمع الرجال)

ص: 50

علامه فقیه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی متعنا الله بطول بقائه الشریف در کتاب معجم رجال الحدیث (ص 127 هفدهم) ویرانفر (11513) از رجال شیعه قرار داده و درباره او بسط کلام فرموده طالبین مراجعه فرمایند

26 - ترجمه حال معروفین به ماجیلویه

در ضمن رسائل رجالیه از صفحه 127 تا صفحه 132 بچاپ رسیده است

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم المعين لمن استعانه في كل شدة وصعاب و الهادي لمن استهداه في كل ظلمة الى الصواب والصلوة والسلام على افضل السفن النجاة في كل باب و آله الهداة لإصابة الحق و الرشاد وحسن المآب و بعد يقول الملتجى بذيل رحمة به الغنى ابن محمد نقى محمد باقر الموسوى ان ماجيلويه لقب الاربعه

نویسنده گوید: سید حجة الاسلام در این رساله میفرماید:

ماجیلویه لقب چهار نفر از محدثین است بدین قرار:

1- محمد بن علی بن ابی القاسم اخباری از او نقل می کند از آنجمله به اسنادش از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند من انصف الناس من نفسه ورضی به حکماً لغيره

2- عموی نفر اول محمد بن ابو القاسم است به اسنادش از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند المرءة قلادة فانظر ما تتقلد .

3- فرزند او ابو الحسن علی بن محمد بن ابوالقاسم (عموزاده نفر اول) به اسنادش از ائمه طاهرين عليهم السلام نقل می کند که جناب جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت:

ص: 51

السلام يقرءك السلام ويقول خلقت السموات السبع وما فيهن والارضين السبع وما عليهن وما خلقت موضعاً اعظم من الركن والمقام و لو ان عبداً دعاني هناك منذ خلقت السموات والارضين ثم لقيني جاهداً لولاية علي عليه السلام لا كينه في سقر

4- فرزند او يعنى محمد بن علي بن محمد بن ابوالقاسم به اسنادش از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روايت مى كند كه فرمودند ما من مؤمن يقعد ساعة عند العالم الا ناداه ربه عزوجل جلست الى حبيبي فوعزتي وجلالي لاسكنتك الجنة معه ولا ابالي

نجاشي درباره ابو عبدالله محمد بن ابى القاسم عبيد الله ملقب به بندار بن عمران جنابى برقى (نفر دوم) مى نويسد: سيد من اصحابنا القميين ثقة عالم فقيه و گويد داماد احمد بن محمد برقى است (ص 250 نجاشي) و ابوالحسن على (نفر سوم) از اين مادر است .

نويسنده گويد : علامه طهرانى در كتاب : نوابغ الرواة فى رابعة المئات (ص 225) به خلاصه مى فرمايد :

حديث

معروفين به ماجيلويه در بين محدثين بزرگوار پنج نفر مى باشند بدین شرح:

1- ابو عبدالله محمد بن ابى القاسم عبيد الله (عبد الله) ملقب به بندار بن عمران جنابى برقى داماد ابى عبدالله احمد بن محمد بن خالد برقى و اول كسى كه به ماجيلويه ملقب گرديد .

2- ابو الحسن على بن محمد بن ابى القاسم عبيد الله (فرزند نفر اول و نواده ابى عبدالله برقى) از مشايخ كلينى

3- محمد بن على بن ابى عبدالله محمد بن ابى القاسم عبيد الله از مشايخ صدوق .

ص: 52

4 - محمد بن علی بن ابی القاسم عبیدالله بندار از مشایخ صدوق .

5 - یحیی بن محمد بن علی بن ابی القاسم عبیدالله از مشایخ صدوق .

علامه طهرانی در نوابغ الرواة (ص 333) می فرماید : یحیی بن محمد بن علی ماجیلویه از مشایخ صدوق و او از محمد بن یحیی العطار روایت می کند پدرش نیز از مشایخ صدوق بوده و از محمد بن یحیی العطار روایت می کند و روایت صدوق از صاحب عنوان در مجلس 81 کتاب امالی است .

علامه طهرانی در همان کتاب و صفحه می فرماید :

ماجیلویه لقب : محمد بن ابی القاسم است مطابق تصریح نجاشی و بعداً فرزندش علی سپس نواده اش محمد بن علی و همچنین این لقب گفته میشود بر فرزندش .

6- علی بن محمد بن علی بن ابی عبدالله محمد بن ابی القاسم عبید الله بندار و مخفی نماند که در کتب رجالیه نام علی بن ابی القاسم عبیدالله ذکر نشده است.

در معجم رجال الحدیث (ص 201 هفدهم) فرماید : محمد بن ماجیلویه از مشایخ صدوق برای آگهی بیشتر به کتب رجال مراجعه شود .

27- ترجمه حال معویة بن میسره (و اینکه او همان معویة بن شریح است)

این رساله در جزو رسائل رجالیه مرحوم حجة الاسلام از صفحه 158 تا صفحه ... بچاپ رسیده است . .

آغاز: بسملة الحمد لله الخالق الارضين والسموات و الصلوة والسلام على سيد رسله شافع العرصات وعترة التي حبههم مفتاح الخيرات و بعد يقول المعتصم بفضل ربه الباقي محمد باقر بن محمد تقی الموسوی ...

ص: 53

نویسنده گوید: ابو عبدالله معویة بن میسرة بن شریح (که گاهی او را به نسبت جد معویة بن شریح گویند) ابن الحارث الکندی القاضی الکوفی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و از آن حضرت روایت می کند ویرا کتابی است (ص 292 رجال نجاشی).

در نخبة المقال (ص 100) درباره او گوید:

سبط شریح و ابوه میسره

ممدوح القاضی وطق معتبره

* تعلیقات بر شرح سیوطی علامه فقیه صاحب روضات الجنات (ص 125) می نویسد:

سید حجة الاسلام در آغاز یکدور بلده طیبه کاظمین علیهما السلام مشرف بود تعلیقانی مدون و مرتب که خود بمنزله شرح بر کتاب سیوطی تألیف فرمود لکن آنرا با تمام نرسانید .

نویسنده گوید: این تعلیقات « الحلیة اللامعة » نام دارد که بعداً بآن اشاره میشود . . .

28 - تطهير العجين بتخيره وعدمه (رساله در ...)

علامه طهرانی در الذریعه (ص 49 یازدهم) می نویسد:

نسخه ای از این رساله در ضمن مجموعه ای در کتابخانه مدرسه بروجردی در نجف اشرف موجود است و این همان رساله: القدریه است که بعداً بدان اشاره میشود .

موضوع رساله آنکه هرگاه قطره خون در دیگ بیفتد و آن دیگ بجوشد تا خون از بین برود(از بین رفتن خون در اثر جوشش باشد نه بهم خوردن چیزهائیکه

ص: 54

در دیگ است) دیگ و آنچه در آنست به تبعیت آن پاک می شود (ص 294 مقدمه مناهج المعارف)

29- تقدیم الید علی الاستصحاب (رساله در ...)

مسئله استصحاب از مسائلی علم اصولست که علماء بزرگوار درباره آن از تعریف در تقسیمات و اعتبار و عدم اعتبار آن در کتب اصولی خود بطور اجمال و یا تفصیل بحث نموده اند از آنجمله مرحوم سید حجة الاسلام رساله ای در تقدیم الید علی الاستصحاب در حدود چهار هزار بیت تألیف نموده است .

این کتاب بطوریکه علامه سید محمد صادق موسوی خونساری برادر علامه صاحب روضات الجنات در رساله «ذکر مشایخ» مرقوم فرموده در رد میرزای قمی اعلی الله مقامه الشریف می باشد .

(ص 294 مقدمه مناهج المعارف) 30

30 - التقلید

در مسائل تقلید (الذریعه ص 389 چهارم)

علامه طهرانی در الذریعه می نویسد:

میرزا عبدالوهاب شریف فرزند میرزا محمد علی قزوینی دو رساله در مسائل تقلید یکی بعربی مفصل و دیگری بفارسی مختصر تألیف نمود و بعداً همانگونه که خود او می نویسد رساله مرحوم سید حجة الاسلام را در مسئله تقلید دید که میفرماید:

بر مکلف واجب است که بمجرد فوت مجتهد به مجتهد زنده عدول کند بنابراین کتاب: هدایة المسترشدين را در رد آن نوشت تاریخ تألیف هدایه 1242 می باشد.

ص: 55

31- تمییز مشترکات الرجال (رساله در ...)

یا رساله مشترکات الرجال علامه خونساری در روضات الجنات (ص 125) می نویسد :

بدیهی است که معظم له از همه متقدمین و متأخرین در احوال رجال دقیق تر و صاحب نظرتر و کاملاً از اشتباهات پیشینیان با خبر و آنها را با تحقیق و تتبع خاصی تصحیح میکرد (ص 293 دوم ترجمه روضات از فاضل ارجمند حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی)

نام این کتاب در تاریخ زنجان (ص 275) و ریحانة الادب (ص 313 دوم) و فوائد الرضویه (ص 427 دوم) نیز ذکر شده است .

32 - جوابات المسائل

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 195 یکم) تألیفی باین نام برای سید حجة الاسلام ذکر می کند و آنرا غیر از سؤال و جواب میداند .

ظاهراً این کتاب همان پرسش و پاسخ باشد که قبلاً به آن اشاره شد

33 - حوازه هبه ولی مدت منقطعه را (رساله در...)

در قصص العلماء (ص 22) می نویسد :

حاج ملا محمد تقی بن مولی محمد برغانی معروف به شهید ثالث قائل بعدم جواز هبه ولی صغیر مدت منقطعه بود و در این باره رساله نوشته لکن بیشتر علماء زمان از آنجمله حاج ملا عبد الوهاب قزوینی ولی سید محمد مجاهد قائل بجواز می باشند

ص: 56

سید حجة الاسلام نیز از جمله علمانی است که قائل بجواز بوده و در این باره رساله‌های مرقوم فرموده است .

علامه حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص 112 چهل و دوم) ضمن اسامی مؤلفات مرحوم حجة الاسلام می نویسد « رساله فی انه هل یجوز ان یهب المدة فی العقد المنقطع »

و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء می نویسد : رساله در ابراء ولی مدت منقطعه مولی علیه را (ص 136 قصص العلماء)

34 - الحدود

رساله در حدود - حکم اقامه حدود در عصر غیبت .

مرحوم سید حجة الاسلام شفقتی اقامه حدود را در زمان غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مجتهدین واجب میدانسته و خود نیز آنرا با بنفسمه و یا بفرمانش عمل مینموده و مشهور است که عده جانیان و سارقین و زنا دهندگان و ... که بحکم ایشان محکوم شده اند و حد شرعی از تعزیر تا قتل درباره آنان اجرا گردیده است هشتاد یا نود و حتی یکصد و بیست نفر نیز گفته اند بوده اند و اغلب مقتولین در گورستانی که نزدیک منزلش بود بنام قبله دعا مدفون شده اند معروفست که مرحوم حجة الاسلام پس از آنکه محکوم بقتل را می کشت پا می کشتند خود بر جنازه او نماز میخواند و در حال نماز با گریه و تضرع از خداوند متعال جهت او طلب مغفرت و آمرزش مینمود .

آغاز : الحمد لله المتفرد بالقدم و الکمال المتقدس بقدر جماله عن مشابهة الاشياء والامثال والصلوة والسلام علی من اصطفاه الله ...

ص: 57

انجام: فالحکم فی المسألة مما لا ینبغی التأمل فیہ فله الحمد والشکر والمنه .

از این کتاب نسخه های زیادی موجود است از آنجمله نسخه ای بشماره (3712) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم (ص 111 دهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) و نسخه ای در کتابخانه مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی در اصفهان می باشد .

35 - حرمة فی رم الموطوء علی الواطی (رساله در)

و آنها عبارتند از : مادر و خواهر و دختر .

آغاز : الحمد لمن ابدع السموات والارضین

این رساله که جزو کتاب : سؤال و جواب مرحوم سید حجة الاسلام بیچاپ رسیده است .

(ص 175 یازدهم الذریعة)

36 - حکم تزویج خواهر مطلقه (رساله در ...)

در اعیان الشیعه (ص 112 چهل و دوم) می نویسد:

رساله فی العقد علی اخت الزوجة المطلقه .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص) و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 136) از این کتاب بنام : حکم عقد براخت مطلقه نام برده اند .

37 - الحلیة اللامعة

حواشی و تعلیقات بر کتاب سیوطی .

این کتاب را مرحوم سید حجة الاسلام موقع تحصیل در نجف اشرف بر

ص: 58

حسب خواهش یکی از شاگردان تالیف فرموده و در آن از اول کتاب تا معرف به (ال) و بعداً باب استثناء تا آخر حروف جر می باشد .

حجة الاسلام می نویسد: در این موقع مبتلا بمرض حرقة البول شدم و جهت معالجه و مداوا به بغداد رفته و مدت چهار ماه در آنجا به معالجه اشتغال داشتم و در این مدت کتابرا از مسوده به مبیضه آورده و این کار در تاریخ اواسط رجب سال 1204 پایان رسید.

در قصص العلماء (ص 136) می نویسد: مسموع شد که ایام تألیف انجناب در بغداد بوده و از کتب فقط ترکیب خالد را داشته است .

از این کتاب نسخه های متعددی در ایران و عراق در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است از آنجمله است: 1 - نسخه کتابخانه مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی 2 - نسخه کتابخانه علامه مفضل آقای حاج سید محمد علی روضاتی هر دو در اصفهان 3 - نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره (4776) (صفحه 173 سیزدهم فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی) و غیره

نویسنده گوید: ظاهراً این کتاب اولین تألیف مرحوم سید حجة الاسلام شفتی می باشد .

* حواشی برنسیوطی

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 195 یکم) نامی از این تألیف برده و می نویسد در ابتدای تحصیل نوشته است .

عالم جلیل مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 136) آنرا بنام حاشیه بر سیوطی ذکر نموده است و گوید قدری از آن را دارم که بعضی از مواضع خط

ص: 59

والد ماجدم و بعضی از مواضع خط حجة الاسلام است که باهم نوشتند چون میان والد و او صداقت و محبت بسیاری بود و مسموع شد که خلف با شرفش حاجی سید اسد الله بامر او آن حاشیه را تمام نمود.

نویسنده گوید : این کتاب همان : الحلیة اللامعة سابق الذکر می باشد که بنامهای تعلیقات بر سیوطی و شرح بر سیوطی نیز نامیده شده است .

38 - حواشی بر کتاب فروع کافی

کتاب شریف کافی از سه قسمت (اصول - فروع - روضه) ترتیب یافته و از امهات کتب حدیث شیعه و یکی از کتب چهار گانه محمد بن ثلثه اوائل است.

این کتاب شریف در کلیه ادوار مورد نظر و عنایت علماء بزرگوار واقع گردیده و حواشی و شروع زیادی برای آن نوشته اند. از آنجمله :

حواشی مختصری است بر قسمت فروع آن (کتاب الطهارة تا پایان کتاب الحج)

نسخه آن بشماره (2203) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است. حواشی نامبرده با نشانی : محمد باقر الموسوی می باشد و نویسنده محترم فهرست احتمال داده اند که از مرحوم سید حجة الاسلام باشد.

روی برگ اول کتاب تملک سید حجة الاسلام شفتی و مهر بیضوی ایشان (محمد باقر بن محمد نقی الموسوی) نیز دیده میشود .

(ص 196 ششم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم)

39 - خلاصه و منتخب تحفة الابرار

نسخه ای از این کتاب در کتابخانه فاضل ارجمند جناب آقای حاج سید

ص: 60

مرتضی شهشهانی فرزند واعظ زاهد خبیر مرحوم آقا میرزا سید محمد صدر الواعظین این آقا میرزا یحیی بن آقا میرزا سید جعفر شهشهانی (شرح حالش در جمله شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام ذکر گردیده) موجود است در پشت این نسخه آقا سید محمد جواد موسوی درب امامی نوشته است که:

خلاصه و منتخب تحفة الابرار از خود سر کار شریعت مدار خلائق افتخار... صاحب المناقب والمفاخر السید حجة الاسلام والمسلمین خاتم المجتهدین... از کتاب تحفة الابرار خود مختصر فرموده اند و بقیه آنرا هم انشاء الله با تمام خواهند رسانید.

کتاب در حدود دو هزار و نهصد بیت است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم وبه تقوی. کتاب الصلوة و این مرتب است بر چند باب، باب اول در بیان مقدمات است.

انجام نسخه موجود: چنین است جامه قیطان ابریشم در آن دوخته باشند خواه در اطراف جامه دوخته باشد با عدم میل بظاهر مثل اطراف بدن عربی یا چوخی بارانی یا با میل بظاهر.

40 - رد بر مولی علی اکبر اژه ای درباره سلام نافله (رساله در ...)

در قرن 13 هجری در یکی از مسائل فرعی نماز (سلام نافله) ما بین دو نفر از علماء بزرگوار اصفهان مرحوم مولی علی اکبر اژه ای و مرحوم سید حجة الاسلام اختلاف نظر پیدا شد اولی یک سلام را کافی میدانست و مرحوم حجة الاسلام خلاف آن میفرمود و هر یک درباره این موضوع دو رساله مرقوم داشتند مرحوم مولی عبدالکریم خیری در تذکرة القبور (ص 34) پس از نقل مطالب بالا میفرماید:

ص: 61

ظاهر این است که حق با سید است و آخوند ظاهر متفرد است .

مرحوم حاج آقا منیر الدین بروجردی (1342 - 1269) در رساله : الفرق بین الفریضة و النافله در فرق 65 (ص 16) می نویسد:

قد وقع النزاع فی اوائل القرن السابق بین الفاضل المتکلم الحاج المروذشتی الاصفهانی والسید النبیه الفقیه الذی انتهت الیه ریاسة الامامیه فی زمانه السید الشفتی الجیلانی فی مسألة سلام النافله فجزم الاول بكفاية سلام واحد و کون الاكثر من التسليمه وهو قول السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته بدعة و جزم الثانی بکون القول بذلك من البدع الواقعة فی الشریعه فانجز الکلام الی كتابة رسالتین من الطرفين فنسأل الله العصمة من الخطأ فی البین . ولا يخفى ان هذا القول و ان کان ضعیفاً الا انه لیس مما لم یذهب الیه احد من الامامیه لذهاب شیخ الطائفة شیخنا المفید الی وحدة التسليم لكن المشهور علی خلافه و لهذه اشهدانی کنت مقتصراً فی النافله بتسلیمة واحدة فی اکثر من اربعین سنة فحصل الفرق بین النافله و الفریضة سواء قلنا بالوحدة و التعدد.

41 - الزهرة البارقة

در مجاز و حقیقت در اصول بعربی

علامه طهرانی در الذریعه (ص 72 دوازدهم) می نویسد :

در هشت هزار بیت مشتمل بر بسیاری از مباحث علم اصول و همو می گوید که پس از وفات مرحوم سید حجة الاسلام بامر داماد و شاگرد او آقا محمد مهدی کلباسی بچاپ رسیده است .

کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و چندین باب و خاتمه .

آغاز : الحمد لله الذی تنزهت عن مجازیة العقول القادسه ...

علامه صاحب روضات الجنات (ص 125) می نویسد : کتاب در خصوص

ص: 62

مطالب حقیقت و مجاز تألیف شده و بسیاری از مسائل اصولی و قواعد عربی و مباحث الفاظ و مبادی لغویه را در آن گنجانیده و مشتمل بر هیجده هزار بیت است .

نویسنده گوید : مرحوم خانبا با مشار در کتاب : فهرست کتب عربی چاپی نامی از این کتاب نبرده است .

نسخه ای از این کتاب ضمن مجموعه شماره (116) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص 112 یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی) تاریخ نسخه هشتم ذی الحجه سال 1226 می باشد .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 51 هفتم و 157 پانزدهم) نام این کتاب را : الطراز فی الحقیقة والمجاز می نویسد.

42 - زیارت عاشوراء (رساله در باره ...)

این رساله در جزو کتاب سؤال و جواب سید حجة الاسلام بچاپ رسیده است

مرحوم سید حجة الاسلام در این رساله ثابت نموده است که نماز این زیارت دو رکعت است و آن را باید بعد از لعن و سلام ودعاء اللهم خض انت اول ظالم ... ودعاء سجده بخوانند .

سؤال : زید زیارت عاشورا را مستمری باذن یکی از مجتهدین که حال آن متجهد دارفانیرا وداع گفته باینطریق عمل می آورد که بعد از زیارت لعن و سلام را یک دفعه میخواند و در آخر هر یک از آنها مائة مره می گوید و بعد از آن دعای سجده میخواند. آیا ملازمان اذن میفرمایند.

ص: 63

جواب : حقیر را اعتقاد اینست نظر بحدیثی که مرحوم شیخ طوسی در مصباح ذکر فرموده اتیان بزیارت عاشوراء مأثور موقوفست بر اینکه هر یک از لعن معهود و سلام محمود راصد مرتبه اتیان نماید و بعد از قرائت لعن یک مرتبه اتیان بمآته مره کفایت نمی کند و همچنین است امر سلام .

(ص 28 کتاب سؤال و جواب)

43 - سلام نماز نافله (رساله در باره ...)

قبلا- بنام : ردبر مولی علی اکبر اژه ای در باب سلام نماز نافله (رساله در ...) نوشتیم که علامه فقیه زاهد عابد نامبرده رساله ای مرقوم داشته در آن فرموده است که : سلام در نمازهای نافله یکی بیشتر نیست و آنهم السلام علیکم ورحمة الله و برکاته می باشد .

چون رساله مزبور بنظر مرحوم سید حجة الاسلام رسید رساله ای مرقوم داشتند و در آن فرمودند که:

سلام ر نماز نافله سه سلام می باشد این رساله بنظر مرحوم علامه اژه ای رسید دیگر بار در تأیید رساله اولیه خود رساله ای نوشت و نظریه مرحوم سید حجة الاسلام را رد نمود چون این رساله بنظر مرحوم سید حجة الاسلام رسید ثانیاً رساله ای در رد گفتار مرحوم اژه ای و اثبات نظریه خویش مرقوم فرمود که قبلا بدان اشاره شد .

تاریخ فراغت مرحوم سید حجة الاسلام از تألیف رساله نامبرده : شب 25 محرم الحرام سال 1225 قمری می باشد .

44 - سؤال و جواب

مجموعه سؤالاتی است که در موضوعات مختلف در طول زمان از مرحوم

ص: 64

سید حجة الاسلام پرسیده اند و ایشان بدانها جواب فرموده بعضی جوابها فارسی و برخی عربی عده ای مختصر و عده ای از آنها مفصل و استدلالی است که خود شایسته است رسانه ای مستقل باشد .

این سؤالات را یکی از شاگردان ایشان جمع آوری نموده و در دو مجلد بر حسب ترتیب کتب فقهی منظم نموده است

جلد اول آن در سال 1248 چاپ شده و تا کتاب ودیعه است لکن جلد دوم آن بچاپ نرسیده است .

مرحوم خانبابا مشار باستناد عبارت آخر جلد یکم می نویسد جلد دوم نیز بچاپ رسیده است.

از مجلد اول که چاپ شده نسخه های خطی نیز در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است .

نسخه ای از جلد دوم که مشتمل بر بیست و چند کتابست و از کتاب وصیت شروع شده و به کتاب حدود و دیات خاتمه می یابد را علامه طهرانی در نجف نزد دانشمند بزرگوار آقای حاج سید محمد جزائری (فعلا ساکن طهران می باشند) دیده اند و در پشت آن تملک حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی فرزند مرحوم حاج سید اسد الله حجة الاسلام ثانی بوده نسخه ای دیگر در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در طهران موجود است.

نسخه ای نیز از کتاب وصایا تا آخر میراث که فهرست ابواب در اول کتاب نیز نوشته شده است به شماره (2980) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص 110 فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان جلد یکم) وهمچنین جلد اول و دوم بشماره (5199) بخط نسخ عبد الرحیم بن محمد کریم هرندی در تاریخ 18 ربیع الثانی 1264 کتابت آن خاتمه یافته

ص: 65

و حاشیه هایی با امضاء دام ظلّه دارد در همان کتابخانه موجود است سومین نسخه کتابخانه عمومی اصفهان بشماره (5431) و از کتاب حج شروع شده و ابواب آن نا مرتب است .

(فائده) : در این جایی مناسب نیست که عین مطالبی را که ادوارد برون انگلیسی در کتاب : تاریخ ادبیات ایران تألیف خود راجع به این کتاب می نویسد نقل شود ، او می نویسد :

رساله سؤال و جواب بعد از سال 1236 (در این جا سال میلادی نیز نقل شده که ما از نقل آن بی نیازیم و تا کنون در هیچ یک از مؤلفات خود آنرا ذکر نکرده ایم) تحریر یافته و در (سال) 1247 بطرزی مطبوع چاپ شده است ظاهراً محل طبع آن اصفهان و مباحث چاپ میرزا زین العابدین تبریزی بوده که این صنعت را او بایران وارد نموده است .

این تألیف مشتمل بر 162 ورق بطول 6 / 29 و عرض 5 / 20 (سانتی متر) است و هر ورقی 28 سطر دارد . حروف س و ج (یعنی سؤال و جواب) در سرتاسر کتاب میان هلالین سرخ جای داده شده است (در هیچ جای کتاب علامت س و ج بین هلالین قرار نگرفته و اصل این دو حرف با جوهر قرمز بچاپ رسیده است. مهدوی).

من (یعنی ادوارد برون) فقط یک جلد از آن دارم و قاعده بایستی جلد دوم نیز داشته باشد لیکن نمیدانم تهیه شده یا خیر مباحث کتاب بترتیب عددی مرتب شده است (کتاب مطابق ترتیب کتب فقهی مرتب شده است نه عددی . مهدوی)

بدوأبشرح عبادات مثل طهارت - صلوة - صدقه - صوم - حج پرداخته و در آخر قسمتی بنام کتاب الودایع راجع به اصول در ابتدای مباحث است . و در هر بابی از ابواب بطور سؤال و جواب مسائل مختلفه راجعه بآن مبحث با عقیده

مؤلف قید گردیده است .

مثلاً در مقدمه بدون هیچ در حمد و منقبت و دعا و غیره بلافاصله شروع به مسائل ذیل می کند :

(س) هرگاه شخصی تقلید مجتهدی را از مجتهدین زاد الله امثالهم نماید در حال حیات آن مجتهد آیا بعد از ممات او جایز است از برای او تقلید او و عمل بقول او یا نه ؟

(ج) جواب این سؤال که تقریباً یک صفحه را فرا میگیرد و خلاصه اش اینکه تقلید میت جایز نیست و باید به یکی از مجتهدین زنده مراجعه کند .

ادله و شواهد کثیره در تأیید این قول ذکر نموده و از جمله اقوال محمدباقر (ظاهراً مجلسی) (نویسنده گوید بظن قریب به یقین مراد از محمد باقر مؤسس بهبهانی مرحوم آقا باقر وحید کرمانشاهی است) و سید محمد مهدی (علامه حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی. مهدوی) و شهید ثانی و محقق ثانی را نقل می کند

(ممکن است : شماره «30 - التقلید» همین سؤال و جواب باشد و العلم عند الله.

ابواب این کتاب از حیث تفصیل خیلی مختلف است. باب صلوة تقریباً هفتاد ورق را فراگرفته اما سایر ابواب با این تفصیل نمیرسند مثلاً کتاب الودایع که باب آخر است بیش از نیم صفحه نیست (تاریخ ادبیات ایران ص 268 جلد چهارم)

45 - سؤال و جواب

فارسی درباره بعضی از عقاید شیخیه که از مرحوم سید حجة الاسلام شده و ایشان بدانها جواب فرموده اند .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 243 دوازدهم) می نویسد که : کتاب

ص: 67

نامبرده در سال 1261 پس از فوت مرحوم حجة الاسلام بچاپ رسیده است .

46 - شرح بعضی از مسائل

علامه طهرانی (ص 195 یکم الکرام البرره) در باره این تألیف می نویسد :

بامر استادش میرزای قمی تألیف گردیده است لکن ذکری از این مسائل و تاریخ تألیف ننموده و نسخه ای از آن را نشان نداده اند .

47 - شرح تهذیب الاصول

کتاب « تهذیب الاصول » از تألیفات علامه حلی است

در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم است به شماره (2212) که در فهرست نامبرده بدین شرح معرفی گردیده است .

شرح تهذیب الاصول ... انطور که روی جلدش نوشته از حجة الاسلام شفقتی (اگر درست خوانده باشم)

آغاز موجود بحث مفصلی است راجع به بسم الله الرحمن الرحیم در شش مقام .

اول و آخرش ناقص است ، 82 صفحه جیبی

(ص 195 سوم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

48 - شکیات (رساله در ...)

یا رساله در احکام شک و سهو در نماز

علامه خونساری در روضات الجنات (ص 125) می نویسد :

این رساله بزرگی است با وضع و تقریر خاصی ترتیب یافته و مرحوم سید

ص: 68

حجة الاسلام آنرا متمم کتاب تحفة الابرار خود قرار داده است .

49 - صلح حق الرجوع فی الطلاق (رساله در ...)

این رساله در فقه بعربی در پاسخ سؤالی است در پیرامون اینکه : اگر کسی زن خود را طلاق داد و حق رجوع راصلح نمود آیا این زن متعلق به شوهر اول یا شوهر دوم خواهد بود.

آغاز : شخصی زوجه خود را مطلقه نمود ...

جواب : تنقیح الحال فی جواب هذا السؤال يستدعی رسم مقدمات ...

انجام : هذا ما جرى به القلم ... وعلى آله آلاف السلام و الثناء و التحية متن پرسش فارسی و جواب عربی و استدلالی است .

نسخه آن ضمن مجموعه (3393) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم از صفحه 1 تا صفحه 3 تاریخ تحریر روز دوشنبه هفتم جمادی الثانیه 1231 در مزرعه تندران از مزارع اصفهان

* الطراز فی الحقیقة و المجاز

رساله در حقیقت و مجاز (ص 51 هفتم الذریعه) نام آن « الطراز فی الحقیقة و المجاز » می باشد .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 157 پانزدهم) می فرماید : در نسخه میرزا محمد طاهر تنکابنی معاصر در طهران کتاب باین نام نوشته شده است .

نویسنده گوید : این کتاب همان « الزهرة البارقة » می باشد که قبلا در باره او بحث کردیم .

ص: 69

50 - عدم امکان تحقق عموم مطلق وعموم من وجه (رساله در بیان...)

در آخر نسخه ای از رجال مرحوم سید حجة الاسلام اصفهانی که به شماره (78) خصوصی و شماره عمومی (6698) عمومی در کتابخانه آستان قدس رضوی (ص 609 ششم فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی) موجود است رساله ای ناقص در موضوع فوق وجود دارد که نویسنده محترم فهرست احتمال داده است که از جمله (اجوبة المسائل) تألیف مرحوم سید حجة الاسلام شفتی می باشد.

آغاز: الحمد لله الذی لو حمدته دوام خلود بر بویسته ...

انجام: ومن لم يضعفه الاصحاب فیما علمته .

آخر نسخه: فهذا مما لاشک ولا ریب یعتبر به .

51 - عدم جواز بقاء بر تقلید مجتهد میت (رساله در...)

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 810 دوم) در ضمن شرح حال مولی عبدالوهاب قزوینی بخلاصه می نویسد که:

« هداية المسترشدين » نام رساله ای است که مولی عبدالوهاب در موضوع فوق در رد بر سید حجة الاسلام نوشته است و از قول مولی عبدالوهاب نامبرده نقل می نماید که:

رساله ای فارسی و رسانه ای عربی در موضوع جواز بقاء بر تقلید مجتهد فوت شده نوشته ام ولی چون رساله سید حجة الاسلام شفتی را درباره عدم جواز بر بقاء تقلید دیدم این رساله را در رد بر آن نوشتم .

بنابراین حاجی ملاعبدالوهاب قزوینی سه رساله در موضوع جواز بقاء بر

ص: 70

تقلید از مجتهد فوت شده نوشته است.

52- عدم لزوم القبض فی الوقف المختص (رساله در ...)

از مباحث فقهی و بزبان عربی تألیف گردیده است.

نسخه ای از آن در 92 صفحه ضمن مجموعه شماره (3192) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص 412 هشتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی).

نویسنده محترم فهرست در پاورقی صفحه نامبرده می نویسد: گویا این رساله در رد بر رساله ملا احمد نراقی است .

53 - عمر مبارک امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام

(رساله در باره ...)

در مجموعه ای که قبلا متذکر شدیم که در کتابخانه علامه مفضل جناب حاج سید احمد تویسرکانی موجود است و چهار رساله از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام را شامل است . یکی از این رسائل در موضوع نامبرده بالا میباشد

رساله فوق در 11 صفحه حدود سیصد بیت و بفارسی است .

آغاز : سؤال - التماس این است که بیان فرمایند عمر شریف جناب علی بن الحسین امام زین العابدین علیه السلام در واقعه کربلائی معلی بر چه حد بوده.

انجام : اما هر گاه در سال چهارم بوده باشد (یعنی تولد حضرت سید الشهداء علیه السلام) مدت عمر شریف ایشان پنجاه و شش سال و نه ماه و کسری یا پنجاه و شش سال و پنج ماه و کسری میشود . اللهم اغفر لمن استغفر لکاتبه

ص: 71

54 - قبول قول نسوان (رساله در باره ...)

در قصص العلماء (ص 139) و در اعیان الشیعه (ص 112 چهل و چهارم) والکرام البرره (ص 195 یکم) ضمن مؤلفات مرحوم سید حجة الاسلام می نویسند:

رساله فی قبول قول المرأة فی عدم المانع لها من النکاح.

* القدریه (رساله در ...)

این رساله همان رساله «تطهیر العجین بتبخیره وعدمه» مذکور گردید

مرحوم آقا سید محمد صادق بن آقا سید زین العابدین موسوی خونساری اصفهانی آنرا بدین نام متذکر شده است .

(ص 294 مقدمه مناہج المعارف)

55 - قضاء وشهادات

علامه فقیه مؤلف روضات الجنات (ص 125) میفرماید :

این کتاب استدلالی است و مرحوم سید حجة الاسلام آنرا در موقعیکه در کاظمین از محضر مرحوم آقا سید محسن کاظمینی استفاده میکرده تألیف نموده است.

علامه طهرانی در الذریعه (ص 141 هفدهم) می نویسد :

آقا سید حسن صدر کاظمینی می نویسد که این کتاب از تقریرات استادش مرحوم آقا سید محسن اعرجی است.

در هر حال کتاب در موقع تحصیل در شهر مقدس کاظمین تألیف شده است . بنابراین کتاب نامبرده پس از الحلیة اللامعة تألیف گردیده و دومین اثر علمی

مرحوم سید حجة الاسلام شفتی می باشد.

56 - قضا و شهادات و برخی از فروع آن (رساله در)

علامه طهرانی در الذریعه (ص 141 هفدهم) می نویسد :

نسخه آنرا ضمن مجموعه ای با رساله وقف مرحوم سید حجة الاسلام در کربلا در کتابخانه میرزا علی شهرستانی دیدم .

و این رساله غیر از رساله سابق الذکر در همین موضوع است (ص 427 دوم فوائد الرضویه)

بنابراین مرحوم سید حجة الاسلام در موضوع : قضاء و شهادات دو رساله مرقوم فرموده یکی از تقریرات استاد بزرگوار خود مرحوم آقا سید محسن کاظمینی و دیگری مستقلا .

* مشترکات الرجال

این همان کتاب : تمییز مشترکات الرجال است که علامه طهرانی در الکرام البرره (ص) به این نام ذکر فرموده است .

57 - مشتق (رساله ای در ...)

مشتق یکی از مباحث علم اصول است که علماء و دانشمندان در کتب اصولی خود از آن بحث کرده اند و گاهی بطور استقلال رساله و یا کتابی درباره آن تألیف نموده اند.

علامه طهرانی در الذریعه (ص 41 بیست و یکم) در موضوع مشتق و مشتقات

ص: 73

جمعا بنام سیزده کتاب اشاره نموده است که از آنجمله است کتابهای :

شیخ انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و شیخ هادی طهرانی و آخوند خراسانی 0

در کتابخانه دانشکده حقوق طهران رساله ای در موضوع مشتق از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام شفتی موجود است

ص 464 فهرست کتابخانه دانشکده حقوق)

58 - مطالع الانوار فی شرح شرایع الاسلام

در هفت مجلد فقه عربی .

علامه فقیه صاحب روضات الجنات (ص 125) در باره این کتاب میفرماید :

بیش از مقاصد کتاب صلوة تا آخر احکام اموات را ندارد در پنج مجلد و در عین حال اغلب قواعد فقه را دارا بوده و ضوابط کلیه آنها را در بر دارد و بسیاری از مسائل متفرقه طهارت تا دیات را در آن کتاب نوشته است و نهایت تحقیق و تدقیق را در مقاصد و تزییل آن رعایت نموده و به پایه ای رسیده که دست و دل هیچ یک از اکابر بدان نرسیده است (ص 292 دوم ترجمه روضات)

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 135) گوید : شرح بر کتاب صلوة شرایع است مشتمل بر هفت مجلد و صلوة را تمام نکرده و هر مجلدی تقریباً بیست هزار بیت است و در آنجا در هر علمی که بواسطه ای از وسایط مسئله اتفاق افتاده آن مسئله را باستدلال نوشته چه در اصول و چه در نحو و چه در لغت و چه در رجال .

نویسنده گوید : نسخه اصل مطالع الانوار در جزو کتب مرحوم آقای حاج میرزا محمد حسین جعفری در شش مجلد بر روی کاغذ آبی بخط شریف

ص: 74

مؤلف بود که بعداً به کتابخانه مرحوم آقا سید فرج الله و پس از فوت مشار الیه به کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی عطر الله مضجعہ الشریف منتقل گردید .

و کتاب صلوة تا احکام سجود بخط مؤلف بزرگوار و در حاشیه تصحیح شده با اضافات بشماره (2799) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص 367 هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)

یک دوره کامل هفت جلدی « مطالع الانوار » که مجلد هفتم فهرست مطالب مجلد است ششگانه می باشد در کتابخانه علامه مفضل حجة الاسلام آقای حاج میر سید احمد روضاتی در طهران موجود است .

از کتاب مطالع الانوار در برخی از کتابخانه های عمومی و خصوصی نسخه هائی موجود است و اخیراً چهار مجلد آن (تاکنون) به سعی و اهتمام نواده مؤلف فاضل محترم آقای حاج آقا مهدی شفتی نجل جلیل حجة الاسلام مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی در طهران و اصفهان بچاپ رسیده بقیه مجلدات نیز بخواست خداوند متعال قریباً چاپ خواهد شد .

این دوره مطبوعه از روی خط عبدالکریم بن محمد اسماعیل شاگرد سید حجة الاسلام و بخط نسخ زیبا و جدول کشی میباشد (خط و جدول کشی و تذهیب همه از عبدالکریم بن محمد اسماعیل است)

نسخه اصل متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی .

جلد اول و دوم بتاريخ 3 شنبه 18 ذی القعدة 1256 (ص 66 نهم فهرست کتابخانه مرعشی قم)

جلد سوم و چهارم و پنجم بتاريخ 4 شنبه 16 ذی القعدة 1263 (ص 67 نهم فهرست کتابخانه مرعشی قم)

ص: 75

از همین نویسنده جلد اول بهمین کیفیات نسخه ای در کتابخانه دانشمند محترم آقای حاج سید مرتضی شهشهانی در اصفهان موجود می باشد

نویسنده گوید : همانگونه که گفته شد تا کنون بحمدالله چهار مجلد از کتاب بچاپ رسیده است و در آخر هر یک از مجلدات چهارگانه عالم جلیل حجة الاسلام آقای آقا احمد فقیه امامی فرزند مرحوم عالم عامل حاج آقا عطاء الله امامی درب امامی فهرستی جامع ترتیب داده و بچاپ رسیده است

در اول مجلد اول حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی مقدمه مختصری مرقوم فرموده که بچاپ رسیده است

آغاز مجلد اول : بسم الله الرحمن الرحيم ومنه الاعانه فهو المعين

بعد حمدالله على آلائه و افضاله و الصلوة على مفخر فطان ارضه وسمائه محمد سيد رسله و آله واصحابه يقول المستغرق في بحار الجرائم والمناهي و المنهمك في بوادي الملاعب و الملاهي المعتصم بحبال نفضل سيده الباري المتشبه باذيال ترحم ربه الباقي محمد باقر بن محمد تقى (تا آخر نسب نامه خود تا حضرت موسى بن جعفر عليهما السلام را نقل می کند).

انجام : قال ففعلت ذلك فكانما نشطت من عقال .

آغاز مجلد دوم : بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الذى احكم شرايع الدين بمطالع الانوار و مسالك اليقين واتقنها بمدارك الاحكام و قواعد الارشاد تهذيباً للعالمين والصلوة والسلام على من هو لاستبصار الانام لمعه اللامعين وعلى ابن عمه و آله الذين هم تذكرة و ذكرى للمتقين و بعد يقول احوج العباد الى غفران ربه الغافر ابن محمد تقى الموسوى محمد باقر هذا هو المجلد الثانى من مجلدات مطالع الانوار المدون فى كتاب الصلوة

از این مجلد نسخه ای تا احکام سجود بخط مرحوم سید حجة الإسلام بشماره (2799) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است که در حاشیه تصحیح و اضافه شده است (ص 367 هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)

جلد دوم و سوم در یک مجلد چاپ شده است

آخر مجلد سوم : وستقف علی تمام الکلام فی مباحث الجماعه باعانة الله سبحانه .

آغاز مجلد چهارم : بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الذي هدانا الى تنقيح سرائر شرايع الاسلام بنبيه الذي هو منتهى فضيلة الانام و من بيان مسالك مدارك قواعد الاحكام يتذكرة الائمة الهداة الذين هم مطالع الانوار و مفاتيح معالم الحلال والحرام و نور قلوب العلماء باستبصار الدين و تهذيب الاخلاق لارشاد الانام الى دار السلام و بعد يقول المسئى الملتجى الى باب سيده الغافر ابن محمد نقى الموسوى محمد باقر حشرهما الله تعالى بفضله مع سادات الاوائل و الاواخر هذا هو المجلد الرابع ...

انجام : فرع من كتابة هذه الكلمات فى ليلة الاضجى من شهور سنة تسع و عشرين و مأتين بعد الالف من الهجرة المعلومه على هاجرها آلاف السلام و الثناء والتحيه 1229 .

تذکر : یک دوره پنج جلدی از این کتاب در دو مجلد (جلد اول و دوم در یک مجلد و سوم و چهارم و پنجم نیز در یک مجلد) بخط زیبای : عبد الکریم بن محمد اسماعیل شاگرد سید حجة الإسلام اولی بشماره (3280) و دوم بشماره (3281) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص 66 نهم فهرست).

فائده 1: در مقدمه جلد چهارم مطالع الانوار بشماره (3304) کتابخانه آیت الله مرعشی در قم سه صفحه است دارای چندین فائده از سید حجة الاسلام که کاتب آنها را بصورت مسجد و صراحی و غیره ترسیم و نقاشی نموده است. کاتب این نسخه همان عبدالکریم بن محمد اسماعیل و سال کتابت 1245 می باشد.

فائده 2: نسخه ای از مجلد پنجم مطالع الانوار بخط مرحوم آقاسید مؤمن فرزند سید حجة الاسلام در کتابخانه علامه مفضل آقای حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان موجود است.

فهرست مطالع الانوار

قبلا متذکر شدیم که نسخه ای از مطالع الانوار در هفت مجلد در کتابخانه علامه محقق حجة الاسلام آقای حاج میر سید احمد بن عالم فاضل آقا میرزا محمد باقر بن عالم جلیل آقا جلال الدین ابن علامه محقق فقیه صاحب روضات الجنات موجود است که جلد هفتم آن بشرح زیر می باشد:

1- موضوع: فهرست مجلدات شش گانه و خلاصه مطالب کتاب

2- مؤلف ناشناس از شاگردان سید حجة الاسلام مطابق تصریح خود او در اول صفحه جلد پنجم.

3- سال تألیف 1234 قمری.

4- اوراق کتاب (310) صفحه.

5- تا کنون از این فهرست نسخه دیگری سراغ نداریم و نسخه بخط مؤلف است.

6- از خصوصیات این نسخه آنکه قبلا در تملک علامه جلیل فقیه متکلم مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی اصفهانی بوده و در صفحه (1)

در حاشیه خط و امضای ایشان دیده می شود.

7- آغاز : اللهم وفقني لاتمامه بحق محمد وآله صلى الله عليه وآله

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الذي هدانا الى ما يوجب النجاة من العبادات ووقفنا لما يغفر به الزلات من الخيرات و الصلوة والسلام على اشرف البريات و اكمل اهل الارض و السموات محمد و آله الذين بموالاتهم تقبل الصلوات و ببراءة اعدائهم تستجاب الدعوات و بعد فان الله سبحانه من وفور كرمه و جزيل عطائه رزقنا صحبة العلماء و الفقهاء و رفع قدرنا بمجالسة الفضلاء و الامناء الذين بوجودهم في زمن الغيبة يسمع الدعاء و ببركاتهم يرفع البلاء (يرفع البلاء) و بتأليفاتهم يكشف الظلماء جزاهم الله تعالى عن التابعين خير الجزاء.

انجام : الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله اجمعين الطيبين الطاهرين المعصومين و استعين به على اخراج المسائل التي في المجلد الخامس من مجلداته ادام الله جل جلاله و افادته و جعل افئدة من الناس تهوى اليه و جزاه الله سبحانه افضل ما جزى مصنفاً عن تصنيفاتهم بحق محمد و آله الطاهرين و كان الفراغ في سنة 1234.

توضيح : مرحوم آيت الله حاج مير سيد علي نجف آبادي در حاشيه صفحه اول آنجائيكه مؤلف مرحوم سيد حجة الاسلام را به (ثاني آية الله في العالمين) وصف می کند مرقوم فرموده است : لو ابدله بمقدم على آية الله في العالمين في ابلاغ الشرع والدين على اهل الملة وقاطبة المسلمين لكان احق بمحرره على نجف آبادي

ص: 79

وجوب اقامه حدود بر مجتهدین و فقهاء در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

علامه طهرانی در الکرام البرره بنام : رساله فی اقامة الحدود فی عصر الغیبة ذکر می کند و این همان رساله حدود و یا الحدود است که سابقاً متذکر شدیم .

یکی از مسائلی که در بین فقهاء شیعه مورد بحث و دقت قرار گرفته است

موضوع : جواز و یا عدم جواز اقامه حدود است برای فقهاء در عصر غیبت کبری عده ای از مجتهدین آنرا جائز ندانسته و لکن اکثر قائل بجواز شده اند و عده ای نیز حکم بوجوب (با شرایط خاصی) نموده اند و می گویند :

در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مجتهدین جامع شرایط مبسوط الید واجب است که اقامه حدود شرعیه نموده و نگذارد احکام و حدود خداوند تبارک و تعالی معطل بماند .

یکی از مجتهدینی که قائل بوجوب بود و خود بدان عمل میفرمود مرحوم سید حجة الاسلام شفنی می باشد در موضوع جواز و عدم جواز اقامه حدود از طرف علماء بزرگوار در طول زمان کتابها و رسائلی تألیف گردیده که مقام گنجایش ذکر اسامی آنها را ندارد .

59 - مناسک حج (رساله در ...)

فارسی مرتب بر یک مقدمه و سه مقصد و خاتمه و در آن واجبات و مستحبات حج را بیان فرموده است .

نسخه ای از این مناسک مورخ بسال 1258 در کربلاء بنظر علامه طهرانی رسیده است (ص بیست و دوم الذریعه) و نسخه ای از آن که بخط زیبا نوشته شده و در پشت آن خط مرحوم سید حجة الاسلام بوده در کتابخانه علامه متتبع محدث قمی رضوان الله علیه بوده است (ص 427 فوائد الرضویة) علامه خونساری در روضات الجنات (ص 125) در باره این کتاب می نویسد:

از بهترین کتبی است که در این باره نوشته شده و در این روزگار بسیاری از حاجیان مطابق با آن عمل می کنند.

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقتی بر این رساله حواشی مرقوم (ص 42 یکم احسن الودیعه) نموده است و این کتاب را حاج میرزا فتح الله مرعشی معروف به کیمیائی تستری بامر و دستور حاج سید احمد تستری مختصر نموده و در روز سه شنبه 4 شوال سال 1258 هجری از آن فراغت یافته است نسخه این مختصر در کتابخانه علامه مفضل حاج سید محمد جزائری موجود است.

آغاز این مختصر: احمده علی کماله واصلی علی احمده و آله (ص 257 بیست و دوم الذریعه).

60- مناظره شاه با سید

در کتابخانه آستان قدس رضوی مجموعه ای است بنام: جنگ مفصل به شماره (4485) و آن مشتملست بر مرقعات و بعضی رسایل و تصاویر و احادیث و اخبار و نوشته های مختلف و متفرق به انواع خطوط بتازی و پارسی - خطی و چاپی که اوراقی پراکنده بوده و همه را در یک دفتر بین الدفتین فراهم آورده اند

در جنگ مفصل عنوانیست که در کتابخانه به آن داده شده است و متجاوز از یک هزار برگ است و از محتویات آن:

ص: 81

مناظره شاهنشاه اعلم با جناب مجتهد العصر والزمان حاجی سید محمد باقر گیلانی است که از صفحه 18 تا صفحه 27 مجموعه و ناقص الاخر می باشد (ص 261 یکم از مجلد هفتم فهرست کتابخانه)

نویسنده گوید : ظاهراً این مناظره عبارت از گفتگوها و سخن هائی است که ما بین مرحوم سید حجة الاسلام و محمد شاه در سفر اصفهان نامبرده انجام گردیده است .

ص: 82

اشاره

بی مناسبت نیست که قبل از شروع در این مبحث توجه خوانندگان عزیز را به چند خبر زیر معطوف دارم:

ذکر چند حدیث

۱- عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم:

« من بنى مسجداً ولو كمفحص قطاة بنى الله له بيتاً في الجنة »

2- وعنه صلوة الله عليه وآله:

« من بنى مسجداً في الدنيا اعطاه الله بكل شبر منه (او قال بكل ذراع منه) مسيرة اربعين الف عام مدينة من ذهب وفضة و در وياقوت و زمرد و زبرجد ولؤلؤ... »

3- وعنه صلوة الله عليه: قال الله تبارك و تعالی:

« ألا ان نبوتی فی الارض المساجد یضئى لاهل السماء كما یضئى النجوم لاهل الارض » (الى آخر الخبر)

4- وعنه عليه الصلوة والسلام:

« المسجد بیت کلی تقی »

5- عن الصادق عليه السلام:

« علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الأرض - الخ . »

شنیدمت که در آفاق نیستت ثانی

چو دیدمت به حقیقت هزار چندانی

وصف مسجد

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال که ذکری از مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام نموده اند در جزو آثار باقیه آن مرحوم نام مسجد سید را برده و هر یک بگونه ای از آن وصف نموده و همگان بالاتفاق درباره عظمت بناء و همت عالی بانی سخن گفته اند.

از آنجمله مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب: نصف جهان فی تعریف الاصفهان (ص 64) که در سال 1308 تألیف فرموده گوید:

صحن وسیع و مهتابیها و حوض بزرگ در آن ساخته و گنبدی بقاعده در سمت قبله و دو طرف آن چهل ستون کرده اند و در شبستان مواجه مشرق و مغرب (یکی کو چک و دیگری بزرگ) برای آن ساخته و بر بالای آنها مهتابی و حجرات برای طلبه علم مهیا داشته اند ...

بالجمله مسجد مذکور کمال تعریف را دارد و حکایت همت این سید بزرگ را مینماید و هیچ دخلی به مسجد حکیم ندارد و بدرجات از آن بهتر و خوشنما تر و جامعی نیکو است و از برکت این مسجد پیش روی دروازه های شمالی آن

ص: 84

بازاری درست شده و ببازارچه بید آباد اتصال یافته است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 96) در ضمن شرح حال مرحوم سید می نویسد :

بنای جامع بید آباد بر علوهمتش فریاد میزند زیرا مساجد بزرگی را شاهان متعدد ساخته اند و این مسجد را آن پادشاه علماء به تنهایی کفالت فرمود .

علامه صاحب روضات الجنات درباره او می نویسد:

حجة الاسلام در میان قاطبه مردم معروف و آثار خیریه او مشهور بود بلکه باید گفت :

دیوان عرف بوجود او مزین و بعنوان او مذیل بود تنها مسجد اعظم او که در اصفهان بنیان شد شاهد علو مقام و دلیل بر رفعت بنیان او ست بلکه مسجد مزبور آیتی از آیات ملک و نشانی از نشانه های سلطنت معنوی اوست . (ص 290 دوم ترجمه روضات الجنات)

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 149) می نویسد:

(مرحوم سید حجة الاسلام) در محله بید آباد مسجدی بنا کرد که گویا در عالم چنین مسجدی بنا نکردند.

نویسنده گوید: آنچه در تعریف و ستایش مسجد سید گفته اند جزئی از حقایق است که نویسندگان بمناسبت ذکر نموده اند مثلا در روضات الجنات و روضة البهية و قصص العلماء و دیگر کتب فقط ذکری از این مسجد شده و گفته اند مسجد با عظمتی است اما حقیقت آنست که :

محمد دیدن و موسی شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

این مسجد با عظمت را باید از نزدیک مشاهده کرد تا آنچه گفته اند که دلیل بر همت بلند بانی است را برأی العین مشاهده نمود

ص: 85

طول و عرض مسجد

مرحوم حاج میر سید علی جناب در کتاب الاصفهان (ص 54) طول مسجد را 95 و عرض آنرا 85 متر می نویسد ، بنابراین مساحت مسجد از قسمت جنوبی (زیر گنبد و چهلستونها) و شبستانها و صحن و ایوانهای شمالی مسجد (ایوان مقابل مقبره - ایوان زیر گلدسته - ایوان قرینه ایوان مقابل مقبره) جمعاً حدود 8075 متر می گردد .

مرحوم انصاری نیز در تاریخ اصفهان وری (ص 286) مساحت مسجد را هشت جریب و کسری می نویسد .

درهای ورودی مسجد

در ساختمان مسجد سید برای آن چهار دروازه تعیین شده که سه تای آنها اصلی و یکی فرعی می باشد بدین قرار :

1- درب سمت جنوب شرقی در جنب حمام دوقلی و تقریباً مقابل کوچه مشایخ بید آباد معروف به درب حمام دوقلی دارای کاشیکاری نفیس و تا قبل از احداث خیابان جنوبی مسجد مهمترین درهای مسجد بشمار میرفت . کاشیکاری و تزئینات از زمان مرحوم حاج سید جعفر فرزند مرحوم سید حجة الاسلام می باشد.

2- دروازه در سمت جنوب غربی که کوچکتر از درب اولی بوده و بکوچه فرعی باز میشود . این درب موسوم است به در ملاعلی میرزا (مشار الیه در زمان سید ثانی مؤذن مسجد بوده و دارای صدائی رسا و گیرنده بوده است معروفست که صدای اذان او را هنگام سحر تا مسافت زیادی می شنیدند و شاید از روی

اغراق گفته اند تا قصبه رنان (رهنان) صدای او شنیده می شده است).

این در نیز دارای کاشیکاری است.

3- دروازه شمالی مسجد معروف به (در زنجیر) که از موقعیکه خیابان جنوبی مسجد احداث گردید در اصلی مسجد و مهمترین ابواب آن بشمار میرود در جلو آن قبلا جلوخانی کوچک داشت و بعد از احداث خیابان آنرا وسعت داده و به خیابان منتهی ساختند. کاشیکاری آن مربوط به زمان معاصر و تا کنون اندکی ناقصی دارد. درب این دروازه بسیار نفیس و زیبا می باشد و اکنون پس تعمیرات لازم جلوه مخصوص دارد.

4- دروازه شمالی معروف به در مقبره که به مقبره سید حجة الاسلام منتهی می شود و بواسطه دو درب کوچک در طرفین به مسجد راه می یابد. (این درب را در فرعی نامیدیم).

زمین مسجد

در کتاب آثار ملی اصفهان. (ص 647) به نقل از تاریخ ابنیه تاریخی اصفهان (ص 177) می نویسد که:

. و معروفست که زمین مسجد را در زمان شاه سلطان حسین فتح علیخان اعتماد الدوله وزیر شاه مزبور خریده بود که در آن مسجیدی بنا کند ولی در اثر هجوم افغانها موفق نگردید تا اینکه حجة الاسلام شفتی مبادرت به این کار بزرگ کرد.

تذکر: توجه خوانندگان محترم را باین نکته معطوف میدارد که جملات نقل شده است - معروفست - می گویند - و امثال آن هیچگونه ارزش و مفهومی ندارد

معروفست: در کجا معروف است و چه کسانی میگویند

ص: 87

نقل شده است : ناقل آن کیست

همه اینها مجهول است و از مجهول نتیجه ای حاصل نمیشود آنچه مسلم است آنکه عده ای حاضر نشده اند که بگویند و یا بنویسند مجتهدی بزرگوار بنیان مسجدی بزرگ و استوار نهاده است هر کدام بنوعی نیش میزنند تا این حد که زمین آترا نیز از ملکیت مرحوم سید حجة الاسلام خارج می کنند

نویسنده گوید : قبل از احداث خیابان شرقی غربی مقابل دروازه زنجیر یعنی در اصلی مسجد سید مقابل این در کوچه ای بود بنام : اعتماد الدوله و عده ای از محترمین و بزرگان محله بید آباد در آنجا سکونت داشتند که ظاهراً از اعقاب و اخلاف اعتمادالدوله بودند و بهمین مناسبت نام خانوادگی خود را اعتمادی نیز قرار داده بودند و معروف این بود که منزل اعتمادالدوله نیز در همین کوچه بوده است .

اگر نوشته : ابنیه تاریخی اصفهان راجع به زمین مسجد هستند به مأخذی مستدل باشد و زمین مسجد را روزانه اول فتح علیخان اعتماد الدوله جهت بنای مسجد تهیه نموده باشد محقق است که آن زمین باندازه زمین مسجد کنونی نبوده بلکه بسیار کوچکتر بوده است و دلیل بر آن مطلب وجود قبر مرحوم میر محمد سعید موسوی بحرینی است در زاویه چهلستون جنوب غربی مسجد که قبر در خانه عالم مزبور بوده و ورثه آنجناب خانه را بشرط بقای قبر مرحوم سید حجة الاسلام فروخته اند .

برای آگاهی از وضع ساختمان مسجد طالبین به کتاب نفیس : گنجینه آثار تاریخی اصفهان مراجعه فرمایند

ابتدای شروع ساختن مسجد سید

علامه صاحب روضات الجنات شروع ساختمان مسجد سید را حدود دو هزار

ص: 88

و دویست و چهل و پنج می نویسد (ص 294 دوم ترجمه روضات الجنات).

مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص 288) می نویسد:

ساختمان مسجد آغازش 1240 بوده (است).

تکمیل ساختمان و تزئینات و تعمیرات :

اصل ساختمان مسجد سید در زمان حیات مرحوم حجة الاسلام تمام شده و سالها در آنجا اقامه جماعت میشده و در حجرات آن طلاب علوم ساکن بوده و خود آن مرحوم در مدرس مسجد که در روی طاق شبستان بزرگ (شرقی) قرار داشته درس می گفته و ظاهراً محل رسیدگی بامور مردم نیز همانجا بوده است.

لیکن تزئینات کاشیکاری قسمتهائی از مسجد ناتمام مانده بود که پس از وفات او بوسیله :

1- مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردید و پس از فوت ایشان بقیه تزئینات را

2- مرحوم حاج سید جعفر کوچکترین فرزند سید حجه الاسلام انجام داد پس از ایشان

3- مرحوم حاج سید محمد باقر دوم نیز در مقبره مرحوم سید کارهائی از قبیل نصب ضریح و غیره انجام داده و همچنین برای مسجد ساعت تهیه نمود که در بالای ایوان جلو گنبد نصب شد

4- در زمان مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام نیز تعمیراتی در دهلیز مقابل مقبره انجام شد

5- در زمان تولیت مرحوم حاج سید محمد رضا شفقتی سنگ فرش مسجد عوض شده - و در حوض آب وسط مسجد - خوضخانه و طهارتخانه تعمیراتی اساسی

ص: 89

انجام شد همچنین کاشیکاری سر در جنوبی (در زنجیر) شروع گردید لکن تا کنون ناتمام مانده است ، کاشیکاری داخل هشت و دالان مسجد (همین در) نیز انجام گرفت

اُمه جماعت مسجد سید :

در تفسیر ابو الفتوح (ص 470 جلد پنجم) در تفسیر آیه شریفه « انما يعمر مساجد الله ... » (سورة التوبه آیه 18) می فرماید :

و از جمله عمارت مسجد تعهد او باشد بنماز جماعت و به انبوه نماز گزاران آبادان شود.

در منهج الصادقین (ص 230 جلد چهارم) در تفسیر آیه مذکور می نویسد :

مراد آنست که عمارت مساجد در خور کساناست که جامع کمالات عملیه و علمیه باشند و از جمله عمارت آن تزئین آنست بفرش و تنویر آنست به سراج و ادامه عبادت و ذکر و درس علوم شریعت در آن وصیانت آن از آنچه بنای آن بجهت آن نباشد چون سخن دنیا نگفتن در آن و غیر از آن ، از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که : قال الله تعالى : « ان بیوتی فی الارض المساجد و ان زواری فیها عمارها فطوبی لعبد تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیته فحق علی المزور ان یکرّم زائره »

بطور قطع و یقین باید گفت یکی از معمور ترین مساجد اصفهان که از بدو ساختمان تا کنون بحمد الله همیشه آباد بوده و جمعیت نماز گزاران آن از حیث کمیت و کیفیت بر بیشتر مساجد اصفهان برتری داشته است مسجد سید حجة الاسلام می باشد .

ص: 90

از برکت وجود این مسجد و تربیت صحیح پیشوایان آن مردم این ناحیه عموماً مردمانی وقت شناس و سحر خیز بوده و نماز در اول وقت در مسجد و جماعت را حتی المقدور ترک نمی کنند

وجود مسجد سید و علمای اولاد مرحوم سید حجة الاسلام و حسن آموزش دینی آنان سبب شده است که مساجد نزدیک این مسجد (مسجد میرزا باقر - مدرسه میرزا مهدی - مسجد شیش و غیره) نیز آباد و معمور باشد اینک اسامی ائمه جماعت مسجد به ترتیب زمانی:

1- مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام عطر الله مضجعه الشریف .

2 - مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی معروف به حجة الاسلام ثانی.

3 - مرحوم حاج سید محمد علی فرزند سید حجة الاسلام نمازهای صبح را امامت مینموده است .

4 - مرحوم حاج آقا سید مؤمن فرزند سید حجة الاسلام .

5 - مرحوم حاج سید جعفر فرزند سید حجة الاسلام .

6 - مرحوم حاج سید محمد باقر دوم فرزند حاج سید اسدالله .

7 - مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام فرزند حاج سید جعفر .

8 - مرحوم آقا سید محمد جعفر معروف به علم الهدی فرزند حاج سید محمد باقر دوم .

9 - مرحوم حاج میرزا محمد حسین جعفری فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر .

10 - مرحوم آقا حسین موسوی بید آبادی فرزند سید ابو القاسم بن حاج سید محمد علی .

11 - مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام فرزند آقا میرزا هاشم .

12 - مرحوم آیت الله العظمی حاج میر سید علی بهبهانی در ایام توقفشان در اصفهان .

13 - مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی فرزند حاج سید محمد باقر دوم

14 - مرحوم حاج آقا میرزا (سید مرتضی) دهکردی

15 - مرحوم موحدی نجف آبادی به نیابت مرحوم آقای شفتی در ایام مسافرت ایشان

16 - مرحوم حاج آقا حسین خادمی مدت سه سال در ایام ماه مبارک رمضان

مراسم احیا شب 23 ماه مبارک رمضان بوسیله مرحوم آقا جمال الدین بن میرزا عبدالرحیم بن آقا سید مؤمن بر گزار می شد .

در حال حاضر ائمه جماعت مسجد عبارتند از :

1 - حاج سید محمد تقی موسوی بید آبادی نجل جلیل مرحوم آقا حسین علیه الرحمه .

2 - حاج آقا مهدی شفتی فرزند مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی رحمة الله علیه .

3 - آقای حاج آقا جواد شفتی فرزند مرحوم حاج سید محمد رضا نیز در زمان حیات پدر بزرگوار خود و قبل از انتقال و مهاجرت بطهران مدتی در مسجد امامت مینمودند .

هر موقع یکی از ائمه جماعت مسجد بمسافرت بروند کسیر از اطراف خود به نیابت معین می کنند که هیچگاه نماز جماعت در مسجد تعطیل نشود .

ذکر دو نماز جماعت

بی مناسبت نسبت که از سه نماز جماعت مسجد یادی شود :

ص: 92

1- نماز جماعت صبح در مسجد بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی در ضمن شرح حال ایشان مفصلاً نوشته میشود .

2- در سالهاییکه مرحوم آیت الله بهبهانی (حاج میر سید علی) بر حسب تجویز طبیب و خواهش حوزه علمیه و تجار و محترمین اصفهان در ایام تابستان به این شهر تشریف می آوردند. مرحوم حاج سید محمد رضا شفقی لدی الورد و ایشان در ضمن دیدار و احوالپرسی از ایشان دعوت و تقاضا میکردند که شبها جهت اقامه نماز جماعت به مسجد سید تشریف بیاورند (ظهورها در مسجد شیخ لطف الله و بعداً در مسجد شاه اقامه جماعت میفرمودند)

بطور قطع و یقین میتوان ادعا کرد که پس از اعتاب مقدسه که نمازهای جماعت آن همیشه از جمعیت زوار وساکنین زیاد بوده و هست در هیچ کجای از شهرهای اسلامی (بر حسب آنچه مطلعین و سفر کرده ها نقل نمودند) و یا لاقلاً شهرهای ایران نماز جماعتی بدین اهمیت و کیفیت و کثرت جمعیت منعقد نمی شد مؤمنین و مقدسین از گوشه کنار شهر جهت درک فیض و ثواب باین مسجد روی آورده و تمام صحن مسجد از مردم نماز گزار و مأمومین پر می شد

دانشمند بزرگوار آقای حاج شیخ علی دوانی صاحب تألیفات کثیره در کتاب «شرح حال، آثار و افکار آیت الله بهبهانی» (ص 56) در این باره می نویسد :

کثرت جمعیت برای نماز در پشت سر آیت الله بهبهانی در مسجد سید بقدری بود که واقعاً هر بیننده ای را سخت تحت تأثیر جنبه های معنوی قرار میداد ...

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 147) در ضمن بیان حالات مرحوم سید حجة الاسلام می نویسد:

در مسجد حجة الاسلام در روزی از ایام صیام نماز گزاران بشماره بیست

ص: 93

و دو هزار نفر بودند .

نویسنده گوید: با توجه به موقعیت زمان و کم بودن جمعیت اصفهان و همچنین وجود علماء بزرگوار همچون حاجی کلباسی و دیگران جمعیتی معادل بیست و دو هزار نفر عدد قابل توجهی می باشد و شاید در آن روزها نیز کم نظیر و یا بی نظیر بوده است .

مؤذن مسجد سید

یکی از مستحبات مؤکده در مقدمات نماز اذان و اقامه است که فرموده اند: گر چه مستحب است اما ترک نشود و برخی از علماء بزرگوار (ابن عقیل) آنرا در نماز مغرب و صبح واجب دانسته اند در هر صورت استحباب آن مسلم بوده و فقهاء اسلام در کتب فقهیه برای آن مسائلی بیان فرموده اند طالبین بدانها مراجعه فرمایید .

(اقسام اذان) : اذان غیر از آنچه گفته شد از واجب و مستحب (واجب بر حسب نظریه عده ای از مجتهدین) بر دو گونه است : 1- اذان اعلامی 2- اذان نماز واجب (نمازهای مستحبی اذان و اقامه ندارند)

در اذان اعلامی هیچ شرطی غیر از اول دقت بودن در آن معتبر نیست بخلاف اذان نماز که چون مقدمه نماز است قصد قربت در آن شرط است

آنکس که اذان می گوید (برای اذان گفتن معین شده) مستحب است که عادل و بصیر به اوقات اذان بوده و دارای صدائی بلند و رسا باشد و بر مناره یا گلدسته مسجد و یا جایی بلند اذان بگوید که صدایش به مردم برسد.

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند : المؤذنون اطول اعناقاً یوم القیامة (نهج الفصاحه صفحه 626 دوم)

مؤذنین مسجد سید تا آنجا که آگهی داریم بقرار زیر می باشند:

1 - سید علی نقی عرب کاظمینی در زمان مرحوم سید حجة الاسلام .

2 - ملا علی بن صادق بن ملا علی در زمان سید ثانی (ص 80 بخش اول آتشکده اردستان).

3 - ملا یوسف بن ملا علی (ص 81 بخش یکم آتشکده اردستان).

4 - ملا علی میرزا که شغل او کتابفروشی بوده و در زمان مرحوم حاج سید جعفر مؤذن مسجد بوده است .

5 - میرزا عبد الرحیم فرزند ملا علی میرزا

6 - حاج میرزا علی حریری بزاز

7 - میرزا عبدالرحیم بن ملا علی میرزا (چندین سال در خوزستان ساکن بود و در این مدت مرحوم حاج میرزا علی حریری در مسجد اذان می گفت).

8- آقا محمد حسین

مدرسین مسجد سید

بطوریکه قبلا متذکر شدیم در ساختمان مسجد سید در قسمت شرقی و غربی دو شبستان یکی بزرگ و دیگری کوچک ساخته شده و در روی آن در طبقه دوم چهار عدد مهتابی وسیع و در عقب آنها حجراتی جهت سکونت طلاب ساخته شده است که علاوه بر آنکه مدرسه علمیه سید نیز ضمیمه مسجد می شود بر زیبایی و شکوه آن نیز می افزاید.

در وسط طاق شبستان بزرگ (شبستان شرقی) مدرس یعنی محل تدریس و رسیدگی به امور طلاب بنا گردیده است که نمای داخل مسجد در زیر درب ورودی شبستان و در بالای آن ارسی است و قرینه غربی آن یعنی وسط طاق شبستان

ص: 95

کوچک (شبستان غربی در زیر درب ورودی شبستان و در بالا حجره برای سکونت طلاب بنا گردیده است .

فائده لغوی : کلمه «ارسی» از زمان قاجاریه متداول گردیده و این سنگ ساختن درب با داشتن بالارو (گاهی دو پوسته) مخصوص ممالک سردسیر بوده و از موقعیکه روسیان در امور ایران غیر مستقیم مداخله یافتند یعنی بعد از صلح ننگین ترکمنچای در این مملکت رواج یافت (در آن زمان مردم ایران مردم روسیه را ارس می گفتند و قندارسی و کفش ارسی نیز از همین دوره شهرت و عنوان یافته است)

برگشت بمطلب :

در زمان مرحوم سید حجة الاسلام احتمالا آن مرحوم در محلیکه برای تدریس بنا فرموده بود درس می گفت .

2 - پس از وفات ایشان مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی در آنجا تدریس میفرموده .

3 - مرحوم آقا سید مؤمن نجل جلیل سید حجة الاسلام نیز بر حسب آنچه روایت شده در آنجا تدریس می نموده و آقا در حجرات عده ای از فضلاء سکونت داشته اند که علاوه بر تحصیل تدریس نیز می کرده اند از آنجمله است:

1 - آخوند ملاحسین نائینی از اساتید مرحوم عالم بزرگوار حاج میرزا محمد رضا کلباسی

2 - شیخ عبدالصمد بن حسین محلاتی اصفهانی از شاگردان مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و مرحوم ملاخدا بخش (از اساتید فن قراءت و تجوید اصفهانی) از آثار او کتابت مجموعه ای است در فن تجوید و قراءت که در آخر یکی از آنها می نویسد :

ص: 96

تمام شد کتابت این کتاب در یوم دوشنبه شانزدهم شهر شوال المکرم سنه 1284 در مدرس مولائی و آقائی حاج سید اسد الله سلمه الله (نسخه در کتابخانه نویسنده موجود است)

3- مرحوم شیخ عبدالوهاب زاهدی عالم فاضل ادیب از فضلاء معاصرین سالها در دبیرستان علییه (از مدارس جدید) ادبیات فارسی و عربی و فقه تدریس مینمود و در مسجد سید نیز جمعی در خدمت او به تحصیل اشتغال داشتند و مشار الیه از فضلاء و سلسله مشایخ بید آباد می باشد .

مکاتب مسجد سید

تا قبل از تأسیس مدارس جدید در بسیاری از مساجد اصفهان از آنجمله در مسجد سید جهت تحصیل نو آموزان کلاسهائی بود که آنرا مکتب خانه می گفتند (برای دختران نیز مکتب خانه های زنانه زیر نظر بانوانی مسلمان و نسبتاً تحصیل کرده وجود داشت که آنها را: ملاباجی - خانم باجی و غیره می گفتند و در هر محله ای از محلات اصفهان چند عدد از آنها بر قرار بود و تعداد شاگردان آنجا بر حسب شخصیت بانوی مربی و مدرس فرق می کرد و گاهی به هشتاد و نود نفر نیز میرسید که خواندن و اندکی نوشتن می آموختند و عمده مقصود در این مکاتب یاد گرفتن قرآن مجید و کتب ادعیه و برخی از کتب فارسی بود)

این مکتب خانه ها زیر نظر معلمی اداره می شد که معمولاً آنرا: آخوند - میرزا - جناب میرزا،... می نامیدند . در این مکتب خانه ها توجه اسناد به خواندن و نوشتن و حفظ کردن کتب بود .

معمولاً مکتب خانه ها به چند دسته تقسیم می شد :

1 - مکتب خانه های مقدماتی که عموماً کودکان شش یا هفت ساله و بیشتر

ص: 97

در آنجا بودند و بیشتر وقت آنها صرف یاد گرفتن الف باء و نوشتن مشق خط و دیکته و اندکی حساب و سیاق و یاد گرفتن اصول و فروع دین و آموختن نماز از جنبه دانستن مسائل مقدماتی که مناسب سن و سال کودکان بود و قسمت عمده یاد گرفتن آن از جنبه عملی بود

2- مکتب خانه های درجه دوم که دانش آموزان آن عموماً فارسی را می خواندند و می نوشتند در این مکاتب وقت محصلین بدو قسمت ممتاز تقسیم میشد:

اول صبح ها که وقت درس خواندن و درس حاضر کردن بود جناب آخوند شاگردان را یک یک درس می داد و از یک یک آنها درس می پرسید (صبح اول وقت درس میداد و قبل از ظهر درس می پرسید) در فاصله این دو کار شاگردان باید درسهای خود را حاضر کنند و اگر سوالی دارند از معلم پرسند شاگردان قوی و نیزهوش به آنها ضعیف و کم حافظه اند کمک و یاری دهند. در هر حال درس هر روز را همان روز باید امتحان بدهند و به اصطلاح آن زمان: پس بدهند.

بعداز ظهرها موقع نوشتن دیکته و مشق خط و مشق سیاق بود جناب آخوند تمام دیکته ها را خود شخصاً تصحیح می کرد و مشق ها را رسیدگی می نمود و اگر شاگردی صبح درس خود را حاضر نکرده بود باید بعد از ظهر حاضر کند و تا امتحان نمیداد اجازه رفتن به خانه نداشت.

البته نماز دانش آموزان زیر نظر مستقیم جناب معلم به جماعت برگزار می گردید و شاگردان ضمن انجام این فریضه مذهبی به مسائل آن نیز آشنا میشدند..

مهمترین مکتب خانه در مسجد سید : مکتب آخوند ملا نقی دهنی بود .

مشار الیه بطوریکه مرحوم آقای معزالدین مهدوی برادر دانشمند و بزرگوارم در کتاب: «داستانهایی از پنجاه سال» (ص 12) می نویسد صاحب معلومات قدیم و خط وربطش برای تنظیم اوراق شرعی خوب بوده و خطوط را خوب

می نوشته مخصوصاً در خط نسخ استاد بوده است .

برنامه درسی در این مکتب بقرار زیر بوده : 1- قرآن همه شاگردان باید قرآن یاد بگیرند و آنرا با رعایت قواعد تجویدی بلند بخوانند . از کتابها : گلستان - بوستان - حافظ - جودی - جوهری - صدیقه الشیعة - حلیة المتقین - حق الیقین - حیات القلوب - تاریخ معجم - شاهنامه و بالاخره معراج السعاده (خواندن این کتابها برای دانش آموزان آزاد بود هر کس هر کتابی را که داشت و یا میخواست می توانست در نزد استاد بخواند) از کتابهای صرف و نحو عربی حدود جامع المقدمات تدریس می شد

اگر دانش آموزی می توانست از روی کتاب تاریخ معجم (بدون غلط) دیکته بنویسد و کتاب معراج السعاده و یا گلستان را بدون اشتباه بخواند و شرح تصریف و صمدیه را نیز بداند و از عهده امتحان جناب آخوند ملا تقی بر آید از فضلاء مکتب خانه بشمار می آمد و دیگر فارغ التحصیل بود و باید به نزد استاد دیگری جهت تکمیل برود .

استاد دیگر مرحوم آقا شیخ ابو القاسم فره ای عالم فاضل ادیب زاهد واعظ بود که در منزل خود تدریس می کرد .

یکی دیگر از مکاتب این مسجد : مکتب خانه مرحوم آقا شیخ عزیز الله بید آبادی

از اعقاب علامه فیلسوف آقا محمد بیدآبادی بود (آقا شیخ عزیز الله فرزند شیخ محمد حسین بن شیخ عزیز الله بن شیخ محمد حسن فرزند علامه حکیم عارف بیدآبادی)

دیگر از مکاتب این مسجد : مکتب خانه مرحوم حاج میرزا محمد بود

خطاطین و نویسندگان کتیبه های مسجد سید

کتیبه های مسجد بر دیوار در این نوع است:

ص: 99

۱- کتیبه هائیکه مشتمل بر آیات قرآن کریم بوده مانند :

الف : کتیبه نمای ایوان جنوبی (ده قسمت)

ب : کتیبه داخل ایوان جنوبی

ج : کتیبه داخل گنبد و اطراف هلالها و اطراف محراب و داخل محراب کوچک .

د : کتیبه داخل ایوان جنوبی (زیر گلدسته) و غیرها

2 - کتیبه های مشتمل بر اسامی خداوند تبارک و تعالی مانند :

یا سامع المناجات . یا مجیب الدعوات . یا من هو خالق لكل شیء . یا قاضی الحاجات و یا کافی المهمات

۳ - حدیث معروف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم : و برخی از اذکار

« انا مدینة العلم وعلی بابها » سبحان ربی الاعلی و بحمده - سبحان ربی العظیم و بحمده

4 - اشعار فارسی و عربی در مدح و ستایش مسجد و باقی ساختمان مرحوم سید حجة الاسلام و فرزند ایشان مرحوم حاج سید جعفر که تزئینات و کاشیکاری در زمان ایشان و بامر وی انجام گردیده است

اینک اسامی خطاطین : 1- اسدالله رجالی در سالهای 1308 و 1311 و 1313 و 1318 و

2 - محمد باقر شریف آتشی شیرازی از سال 1255 تا 1298 .

3 - حبیب الله بن محمد ابراهیم فضائلی استاد خط از معاصرین .

4 - عبد الجواد بن عبد الحمید در سال 1297 . (پدر اسدالله رجائی خطاط معروف)

5 - کهرنگی و جواد علی کربلانی دو خطاط معاصر دیگر می باشند که

ص: 100

نامشان با نام آقای فضائلی در کتیبه سردر شمالی مسجد سید (در زنجیر) ذکر شده و تاریخ آن 1377 می باشد .

توضیح: محمدباقر شریف آثسی شیرازی خطاط معروف قرن سیزدهم هجری ساکن اصفهان از آثار او در مساجد اصفهان (مسجد سید - مسجد حکیم - مسجد آقا نور و غیره) از سال 1254 تا سال 1308 دیده میشود .

ظاهراً وی غیر از خطاط معروف دیگری بهمین نام : محمد باقر است که او نیز در اصفهان بوده و مرحوم استاد جلال همائی در مقدمه دیوان طرب (ص 88) ذکری از او نموده است و گوید : (با اندکی تصرف)

مرحوم طرب در خط شاگرد میرزای افسر بود ... ومدتها از روی خطوط میر عماد - محمد صالح - آقا محمد باقر سموری ورضاعلی ادیب شیرازی مشق کرد

در پاورقی گوید : آقا محمد باقر سموری منسوب به قریه : سمور با تلفظ کسر سین اول از قرای معروف بلوک جی اصفهانست ... از اعظام نستعلیق نویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری زمان فتح علیشاه و محمد شاه بوده و ناصر الدینشاه را نیز درک نموده .

نمونه خطش سنگ نبشته قبر مادر شاهزاده در تخت فولاد است تاریخ آن 1246 یعنی سال فوت دایه سیف الدوله محمد میرزا می باشد.

این دو خطاط هم نام و معروف همچنان در بین نویسندگان تذکره خطاطین مجهول مانده اند

نویسنده محقق آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی در کتاب «خط و خطاطان» نام چهار نفر خطاط که موسوم به محمدباقر و اصفهانی و یا ساکن اصفهان بوده اند را در قرن سیزدهم ذکر نموده لکن از این دو نویسنده و خطاط با همه اهمیتشان

ذکری نقرموده است آن چهار نفر عبارتند از :

1 - محمد باقر اصفهانی نویسنده خط نستعلیق 1223

2 - محمد باقر سپاهانی نویسنده خط نسخ 1259

3- محمد باقر بن ارنیه جرفادقانی مقیم اصفهان نویسنده خط نسخ 1245

4 - محمد باقر بن ملا احمد گیلانی مقیم اصفهان نویسنده خط نسخ 1215

اسامی شعرائیکه اثری از آنها در مسجد سید حجة الاسلام باقی است

بطوریکه بعداً در فصل مداحین مرحوم سید حجة الاسلام ذکر خواهیم نمود عده زیادی از شعرای زمان مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی در مدح ایشان و بنای مسجد سید اشعاری و ماده تاریخ هائی سروده اند که برخی از آنها در کاشیکاریها نوشته شده و بر دیواره های مسجد نصب گردیده است از آنجمله است :

۱ - بانی شاعری بدین تخلص در قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم در اصفهان میزیسته و او قطعه ای در ستایش حاج سید جعفر بید آبادی و تاریخ کاشی کاری سال 1305 می باشد

مطلع قطعه نامبرده بقرار زیر است :

ایوان این گلدسته را پرداخت از حسن عمل

سید محمد جعفر آن بدر امم صدر ملل

مقطع (پس از چهار سطر یعنی قطعه جمعاً شش بیت می باشد)

تاریخ اتمامش یکی میخواست بانی گفتمش

«گاه نماز آمد بگو: حی علی خیر العمل»

تاریخ 1305 می شود و باید همزه آمد را یک حساب نمود و یاء مشدد (حی)

ص: 102

را نیز ده بحساب آورد.

(درباره این تخلص وشاعر باید تحقیق بیشتری شود)

2- طغرل: میرزا علی محمد فرزند میرزا محمود چهار محالی متولد در 1274 و متوفی در 13 رجب سال 1332 شاعر ادیب

از این شاعر در مسجد سید فقط یک ماده تاریخ نقل گردیده است که ظاهراً در مقطع قطعه ای بوده که نقل شده است:

رواج مذهب جعفر چو شد پیدا از این مسجد

بگو تاریخ او طغرل « رواج مذهب جعفر »

(سال 1310) این کتیبه در دو لوحه بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ در زیر گلدان اسپر بالای کتیبه سر درب جنوب شرقی مسجد قرار دارد. (درب حمام دوقلو)

۳- حاج میرزا فتح الله سراینده اشعار عربی در ستایش مرحوم سید حجة الاسلام و مقبره و تاریخ کاشیکاری ایوان مقابل آن (ایوان شمال شرقی مقابل مقبره) مشتمل بر هشت بیت:

مطلع آن: هنا مصرع العلم والقدس والتقی

هنا مطلع الانوار من جهة العلی

مقطع: سنلت عن التاريخ قال كما بدا

« هنا مصرع العلم والقدس والتقی »

(1313)

4- گویندگانی ناشناس که نویسنده نام و نشان و تخلص آنان را نمیدانند. این اشعار که بحر بی و فارسی سروده شده عموماً در مدح بنا و بانی تعمیرات می باشد بدین شرح:

ص: 103

الف - چهار سطر شعر در داخل ایوان شمالی مسجد کاشیکاری در زمان مرحوم حاج سید جعفر

ماده تاریخ این است :

پا بنه اندر مقامان بهر تاریخش بگو

«صفه مسجد میامد قبله گاه خاص و عام»

(1307 مساوی 3 - 1310)

ب - نه سطر شعر کتیبه سر در جنوب شرقی (درب حمام دو قلو) از تزئینات زمان حاج سید محمد جعفر

ماده تاریخ این است :

در آن محفل یکی از اهل دل داخل شد و گفتا

بسوی ما گشود ابواب رحمت لطف یزدانی

(1311)

ج - شش سطر شعر کتیبه در اطراف حاشیه های اسپرهای طرفین همین سردر از آثار دوره تولیت مرحوم حاج سید محمد جعفر رحمة الله علیه

ماده تاریخ این است : هاتقی از پی تاریخ ندا داد زغیب

فتح الباب الی الجنة امناً للناس

(1311)

د - سه سطر شعر کتیبه در دو اسپر طرفین سر در جنوب غربی (درب ملا علی میرزا)

از آثار دوره تولیت مرحوم حاج سید محمد جعفر علیه الرحمه .

ماده تاریخ آن چنین است:

ص: 104

یکی ز غیب بتاریخ آن در آمد و گفت

گشود باز خدا باب کعبه اجلال

(1311)

ه - هلال: آقا محمد حسین فرزند آقا محمد علی مذهب (صاحب تذکره یخچالیه و غیره) تخلص او هلال و همت بوده و ظاهراً اوایل قرن چهاردهم هجری را نیز درک نموده است

از آثار او در مسجد سید حجة الاسلام پنج بیت شعر است که در بالای اسپرهای در طرف ایوان جنوبی (ایوان مقصوره - ایوان زیر ساعت) بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوری نوشته شده است .

ماده تاریخ آن چنین است :

چو شد معمور این معبد هلال از بهر تاریخش

بگفتا: « شد بنای کعبه ثانی باصفاهان »

(1255)

اسامی کارگران و هنرمندانی که نامشان در کتیبه های مسجد سید حجة الاسلام ذکر شده است

اسامی این دسته افراد را پاسبان خدمت آنان به مسجد یعنی پایگاه توحید و همچنین بخاطر هنرمندی آنان ذکر می کنیم

1- آقا جان کاشی پز سال 1299 .

2- محمد اسماعیل (ظاهرا حجار).

3- حاجی اسماعیل حجار سال 1309.

ص: 105

- 4 - حسن بن حسینعلی حجار سال 1309 .
- 5 - حسن بن استاد علی کاشیکار .
- 6 - حاجی سید حسین موسوی زاده کاشی ساز .
- 7 - مشهدی حسینعلی خادم سال 1308 .
- 8 - استاد محمود نجار .
- 9 - معصوم کاشی پز سال 1255 .
- 10 - میرزا هاشم نقاش بر حسب نقل نبیره ایشان کلیه نقاشیهای روی کاشی مسجد از مشار الیه می باشد .

ص: 106

(اعتکاف)

(تعریف) : اعتکاف عبارتست از توقف کردن و ساکن بودن بمدت سه روز یا بیشتر با شرایط خاص آن در مسجد جامع بقصد قربت و عبادت .

اعتکاف یکی از عبادات مستحبه و مؤکده است و برای آن از طرف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرين عليهم السلام اجر و پاداش زیادی نقل گردیده است . از آنجمله :

عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم : اعتکاف العشر الاواخر من شهر رمضان يعدل حجتين و عمرتين . یعنی (ثواب) اعتکاف ده روز آخر ماه رمضان برابر است با (ثواب) دو حج و دو عمره (ص 217 جلد دوم سفينة البحار)

اعتکاف را در هر وقتی میتوان انجام داد و بهترین اوقات آن ده روز آخر ماه مبارک رمضان است .

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند : رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یک سال ده روز اول ماه رمضان

ص: 107

را اعتکاف میفرمود و در سال بعد ده روز وسط را در سال سوم جنگ بدر واقع شد و بمناسبتی سالهای بعد همیشه ده روز آخر ماه را معتکف بود (در سال بعد از جنگ بدر بیست روز اعتکاف نمود ده روز قضای سال قبل و ده روز برای همانسال)

اعتکاف از اعمال مستحبه است و ممکن است به نذر و عهد و قسم و علل دیگر واجب گردد و روزه از شرایط آنست و روزه روز سوم آن واجب است ، جهت آگهی از مسائل اعتکاف طالبین به کتب فقهیه مراجعه فرمایند .

(علت تعطیل موضوع اعتکاف) :

برای این موضوع میتوان علل زیادی نام برد لکن مهمتر از تمام آنها بسته شدن درهای مساجد بزرگ (و حتی مساجد کوچک) است در زمان حکومت سابق.

درب بسیاری از مساجد بزرگ را بعنوان : آثار ملی و باستانی بستند و حتی از نماز جماعت در آن جلوگیری نمودند و خویشان را مشمول آیه شریفه « ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ » نمودند.

تا قبل از آن تاریخ رفت و آمد در مساجد آزاد بود و مؤمنین و مقدسین بدون هیچگونه مانع میتوانستند گاه و بیگاه به مسجد رفته و عبادت مشغول شوند و وجود اطافها در مسجد شاه و مسجد حکیم و مسجد سید علاوه بر آنکه محل سکونت طلاب و دانشجویان علوم دینی بود برای شب زنده داران و معتکفین نیز جایگاه مناسبی بود که در زمستان از سرما و در تابستان از گرما و در تمام دوره سال از دید بینندگان آنان را نگاه می داشت . خداوند متعال میفرماید :

فادعوا ربکم تضرعاً و خفیه

(مساجد جامع اصفهان) : علامه مجلسی رضوان الله علیه در زاد المعاد در بیان مکان اعتکاف پس از نقل اقوال مختلف می فرماید و ظاهراً در هر مسجد جامعی

اعتکاف توان کرد و مراد مسجد جامع مسجد بزرگی است در بلادی که در آنجا نماز جماعت می کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر به آنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند مگر متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان و سایر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد محل تأمل است .

نویسنده گوید : مسجد عباس آبادی که علامه مجلسی علیه الرحمه ذکر میفرماید اکنون خراب شده و امروز اثری از آن باقی نیست .

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان فی تعریف الاصفهان (ص 60) بخلاصه می نویسد :

در اصفهان چهار صد مسجد جامع بزرگ و یک مسجد قابل ذکر هست .

- 1 - مسجد جامع عتیق که مخصوصاً به مسجد جامع (جمعه) موسوم است
- 2 - مسجد جامع عباسی که به مسجد شاه معروفست (ص 62)
- 3 - مسجد جامع سیم مسجد موسوم و مشهور به مسجد حکیم است (ص 64)
- 4 - مسجد جامع چهارم مسجدی است که مرحوم حاجی سید محمد باقر مجتهد رشتی رحمه الله در محله بید آباد ساخته است.

ص: 109

اشاره

(از مرحوم سید حجة الاسلام بیدآبادی)

مدیحه سرانی و ستایش از پادشاهان و وزراء و بزرگان بمناسبت شخصیت اجتماعی آنان یکی از روش های معمول شعرای زمان بوده و نام بسیاری از افرادی که بنحوی در اجتماع مؤثر بوده اند باقی مانده است.

اشعار مدیحه روزانه اول مربوط به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان عصمت و طهارت و اهل بیت بود - پادشاهان و وزراء صاحبان قدرت را نیز می ستودند حکام و فرمانروایان را مدح می گفتند و در این دو مورد اخیر (مدح سلاطین و وزراء و حکام و فرمانروایان) راه مبالغه و گزاف می پیمودند و اغلب آنان را بصفات بر خلاف صفات ذاتی آنان مدح میکردند .

از این مراحل گذشته علماء و دانشمندان را نیز بخاطر مقام علمی و خدمات دینی و فریاد رسی از مظلومین در برابر ستمگران وجود و بخشش و دیگر صفات

ممتازة مدح می گفتند شرح این موضوع خود کتابی مفصل است طالبین به مآخذ و مصادر لازم مراجعه فرمایند .

برخی از تذکره نویسان مجموعه ای از این مدایح و ستایش ها که جهت فردی گفته شده است را در کتابی گرد آورده اند از آنجمله در قرن سیزدهم یعنی در دوران زندگانی مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی و بعد از آن چندین تذکره در همین موضوع گرد آمده که اینک بنام برخی از آنها اشاره می شود :

1 - تذکره ثمر تألیف سید حسن ثمر نائینی متوفی بسال 1282 و آن شرح حال چهل نفر از مداحین حاج محمد حسین خان صدر اعم اصفهانی است . نسخه خطی آن بشماره (898) در کتابخانه مجلس شورای ملی در طهران موجود است (ص 47 تذکره الاطیاب)

2 - تذکره لطایف المدایح و ظرائف المناقب تألیف میرزا محمد اشراق بروجردی در سال 1238 تألیف شده و حاوی احوالات و شرح حال 44 نفر شعرائی است که محمد تقی میرزا حسام السلطنه متخلص به شرکت فرزند فتح علیشاه و حاکم بروجرد را ستایش کرده اند (ص 59 تذکره الاطیاب تألیف فاضل محترم آقای محمد حسن رجائی زفره ای)

3- گنج شایگان تألیف میرزا طاهر شعری بید آبادی بچاپ رسیده است

4 - مآثر الباقریة تألیف میرزا محمد علی وفا زواره ای اصفهانی و در آن شرح حال و نمونه اشعار عده زیادی از شعراء و گویندگانست که بعربی و فارسی در مدح مرحوم حجة الاسلام شعر گفته اند .

5 - مدایح احتشامیه تألیف میرزا نصر الله شهاب لادی اصفهانی .

6 - مدایح امینیة تألیف سید عبد الباقی اصفهانی و در آن شرح حال بیشتر

از هفتاد نفر شاعر و نمونه اشعار آنها می باشد که حاج محمد حسین خان امین الدوله اصفهانی را مدح گفته اند تاریخ تألیف 1222 نسخه بخط مؤلف بشماره (2969) در کتابخانه دانشگاه و نسخه دیگری بشماره (5564) در کتابخانه مجلس شورای ملی در طهران موجود است. (ص 242 بیستم الذریعه) این کتاب بنام مدایح حسینییه و تذکره باقی نیز نامیده شده است.

7- مدایح حسامیه مجموعه قصائد شعرائی است که حسام السلطنه و الی فارس را مدح گفته اند نسخه آن بشماره (5387) در کتابخانه ملک در طهران موجود است (ص 243 بیستم الذریعه)

8- مدایح الخاقان تألیف محمد صادق همای مروزی و در آن اشعاری که در مدح فتح علیشاه قاجار گفته شده است را جمع آوری نموده کتاب بنام زینة المدایح نیز خوانده می شود (ص 95 دوازدهم و صفحه 243 بیستم الذریعه)

9- مدایح سعیدیه مجموعه سی و دو قصیده است که شعراء فارس و غیره در مدح سعید السلطنه امیر تومان و سردار کل عساکر سروده اند. نسخه بشماره (5103) در کتابخانه ملک در طهران موجود است (ص 243 بیستم الذریعه).

نویسنده گوید: فتح الله خان سعید السلطنه فرزند میرزا رفیع نظام العلماء تبریزی است در 1288 متولد و در 1345 در طهران وفات یافته در دز آشوب مدفون گردیده شرح حالش بطور اجمال در کتاب شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر مذکور است (ص 174 پنجم).

* مدایح السلطان (مثنوی مدایح السلطان از عوفی شاعر معروف (ص 290 نوزدهم و صفحه 243 بیستم الذریعه) از موضوع بحث ما خارج است.

10- مدایح معتمدیه از میرزا محمد علی بن ابیطالب مذهب اصفهانی متخلص به بهار و در آن شرح حال و نمونه اشعار هشتاد و هفت نفر شاعر که معتمد الدوله

منوچهر خان گرجی راستایش نموده اند جمع آوری کرده است و یرا کتاب دیگری است بنام: تذکره یخچالیه که بچاپ رسیده است. در نسخه دانشکده ادبیات تهران تعداد شعراء 99 نفر می باشد.

11 - مدایح المؤیدبه (تذکره) و آن اسامی شعراء و نمونه اشعار کسانی است که طهماست میرزا مؤید الدوله قاجار متخلص به سرور فرزند محمد علی میرزا دولتشاه را مدح گفته اند (ص 61 تذکره الاطیاب) فوت مؤید الدوله در سال 1297 بوده و او را « فقیه القاجار » لقب داده اند و کتاب فقه مؤیدی از تألیفات اوست برای شرح حالش به کتاب: شرح حال رجال ایران (ص 195 دوم) مراجعه شود.

بیان مؤلف قصص العلماء :

مرحوم تنکابنی علیه الرحمه در قصص العلماء (ص 145) می نویسد :

در مدایح او آنقدر از قصاید از عرب و عجم گفته اند که جمع کردند و آن دیوان بزرگی شد که یک مصرع از اشعار عربی که در مدح او ساخته اند :

أنا الذی احتاج ما یحتاجه (می باشد)

یعنی من به لفظ (الذی) می مانم چنانکه او احتیاج به صله دارد. من هم احتیاج بصله و انعام دارم .

اینک اسامی برخی از شعراء که آن مرحوم را مدح گفته اند :

1- سید محمد ابراهیم موسوی

سراینده بازده بیت در تقریظ کتاب: مطالع الانوار و آنها را روی برگ اول جلد دوم مطالع الانوار نسخه شماره (1913) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نوشته است. (ص 285 پنجم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم).

2 - اختر

قصیده ای در مدح آن مرحوم سروده و آنرا در پشت کتاب: عدم

ص: 113

جواز شرب قلیان در ماه رمضان تألیف محمد صادق بن محمد حسن طهرانی از علماء قرن سیزدهم هجری نوشته است . نسخه به شماره (164) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص 153 یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

نویسنده گوید : احتمالاً شاعر مذکور : احمد بیک (احمد) فرزند فر امرز بیک گرجی متخلص به اختر و مؤلف کتاب : تذکره اختر می باشد وی در سال 1232 قبل از آنکه تذکره خود را پایان رساند وفات یافته است کتاب تذکره اختر بچاپ رسیده است .

3- علامه فقیه زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی

مؤلف روضات الجنات شاگرد و مجاز از مرحوم سید حجة الاسلام دو قصیده عربی در مدح سید حجة الاسلام و مرثیه او و تاریخ وفات سروده که یکی از آنها را خود در روضات الجنات نقل فرموده و دیگری را دانشمند بزرگوار نویسنده محقق آقای حاج سید احمد روضاتی در مقدمه رساله النهریه و رساله میزان الانساب از بیاض آن مرحوم نقل نموده اند که بعداً در فصل مربوط به وفات مرحوم سید حجة الاسلام قسمتی از آنرا نقل خواهیم کرد .

4- بیدل :

ملا قربانعلی قزوینی شاعر ادیب .

5 - جوهری :

محمد ابراهیم بن محمد باقر قزوینی مؤلف کتاب معروف طوفان البكاء در مصیبت و مقتل بفارسی و متوفای سال 1253 هجری قمری در موقع تسطیح قبرستان خوشبختانه قبر وی در گوشه زمینی قرار گرفت که جهت ساختن مدرسه در اختیار تاجر دیندار مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی واگذار شده بود تاجر نامبرده قبر را همچنان محفوظ نگاهداشته و جهت او اطاقی ساخت که به کوچه مجاور راه دارد و این از اثر خلوص نیت مرحوم جوهری و دیانت

ص: 114

حاجی نامبرده است .

وفات مرحوم جوهری در سال 1253 رویداده و اعتقاد واحفادش تا کنون بهمین شهرت (جوهری) در اصفهان معروفند . ماده تاریخ وفات او را میرزا محمد باقر بهار گوید :

کلک سحر انگیز او بنوشت این مصرع تمام

« همره سلطان دین آید بمحشر جوهری »

6 - خلف :

مرحوم میرزا سلیمان خان فرزند محمد کاظم در سال 1254 در شیراز متولد گردیده و از سال 1281 تا آخر عمر در اصفهان ساکن و نایب الحکومه و پیشکار ظل السلطان حاکم اصفهان بوده خدماتی از قبیل ساختمان مسجد و تکیه و تعمیرات در مساجد و مدارس و چاپ قرآن و زاد المعاد و جامع عباسی و صحیفه مبارکه سجادیه و غیره نموده سرانجام در سه شنبه 7 جمادی الاولی سال 1331 وفات یافته در اطافی مخصوص در طرف چپ وارد شونده به مسجد او در اول تخت فولاد مدفون گردید .

اشعار مرثیه و ماده تاریخ وفات مرحوم سید حجة الاسلام که بر لنگه چپ درب ضریح آن مرحوم بخط نستعلیق طلائی نوشته شده است از وی می باشد (اشعار در فصل مربوط به بقعه مرحوم سید حجة الاسلام نقل می شود) .

7 - سروش : محمد علی فرزند قنبر علی سدهی اصفهانی ملقب به شمس الشعراء از نسل میر یار احمد نجم ثانی خوزانی در سال 1228 متولد شده و در 1285 وفات یافته است . دیوانش بچاپ رسیده است .

سروش مرحوم سید حجة الاسلام را در چندین قصیده مدح گفته است از آنجمله :

قصیده اول در هیجده بیت مطلع آن :

ص: 115

بر سپهر قدر دیدم گشته برج دین عیان
و اندر آن دیدم فروزان اختری خورشید سان
قصیده دوم سیزده بیت مطلع آن این است:
تا شکر آن شیرین سخن زان لعل گویا ریخته
دلها بدورش چون مگس بر گرد حلوا ریخته
قصیده سوم 26 بیت و قصیده چهارم سی بیت طالبین بدیوان مطبوع او مراجعه کنند .

**8- عبد الکریم بن محمد اسماعیل (اصفهانی) شاعر - ادیب - خطاط نقاش از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام از آثارش ده بیت شعر در پشت
جلد اول مطالع الانوار در تقریظ کتاب ومدح مؤلف نوشته شده است . در پشت جلد در اول کتاب نوشته است:**

هست این کتاب مخزن اسرار کردگار)

انوار حق زمطلع انوارش آشکار

از خازن ریاض هدی آسمان فیض

گلزار دین و روحیه اسلام را بهار

قطب سماء ملت و دین باقر العلوم

سالار موسوی نسب و سید کبار

فخر انام و قدوه ناس و پناه خلق

مهر سپهر شرع مبین عالم وقار

فرموده زان مطالع الانوار نام آن

کش شرق تا بغرب سپهریست نوربار

و در قسمت داخلی پشت جلد در آخر کتاب نوشته است :

رمزی نهاده و عدم آورده در وجود

نقشی کشیده و قلم صنع را نگار

عبد الکریم کاتب آن مخزن علوم

بر پای این خزانه اسرار جان نثار

خطی در آن نوشته که یا قوت از آن خجمل

برده هم از طلای تجلی در آن بکار

ص: 116

جلدی بر آن صحیفه زده چون در بهشت

نقشی بر آن کشیده که مانی از آن فکار

رنجی کشیده زین همه صنعت بدست خویش

گنجی ربوده زین همه همت پرورگار

9- عشرت فسائی

در فصل مربوط به وفات حجة الاسلام ذکر می شود .

10 - حاج میرزا فتح الله بن میرزا کوچک میر محمد صادقی حسینی

ادیب شاعرو گوینده ماهر بفارسی و عربی شعر می گفته و اشعار ماده تاریخ وفات مرحوم علامه فقیه آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی (1313) از مشار الیه می باشد .

از آثارش هشت بیت عربی است که در ایوان جلو بقعه مرحوم سید حجة الاسلام در شمال مسجد سید بخت نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بخت مرحوم میرزا اسد الله رجالی خطاط معروف مورخ بسال 1318 کتیبه شده است . بدین شرح :

هنا مصرع الحلم والقدس والتقى

هنا مطلع الانوار من جهة العلى هنا بيت معمور وواد مقدس

وجنت عدن انزلت جانب الثرى

هنا معدن التقوى وكنز فتوة

هنا مخزن التوفيق والرشد والهدى

ايا قبة النور من فيك ضاجع

أباقر علم الله أم اية النهى

ايا قبره ان الذى قد صمته

لحجة الاسلام ومنتخب الورى

نضمنت بحر الجود والعلم والكرم

وواريت نور الله فى اظلم الدجى

وزينها بالنقش سيد ولده

ابو جعفر السامى مقتدى الورى

سئلت عن التاريخ قال كما بدا

هنا مصرع الحلم والقدس والتقى

(1313)

11- كفاش شاعر اصفهاني

ص: 117

از آثار او سه ماده تاریخ در اصفهان موجود است .

1- دو ماده تاریخ درباره بنای بقعه مرحوم سید حجة الاسلام و تاریخ وفات آن بزرگوار که در دو ضلع شمال و جنوب گوشواره غربی داخل بقعه مرحوم سید حجة الاسلام بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید گچبری شده است (اشعار در فصل مربوط به بقعه مرحوم سید حجة الاسلام نوشته می شود) تاریخ آن 1260 ه.ق

2- تاریخ تعمیرات عمارت عالی قاپو مورخ بسال 1274 ه.ق

3- ماده تاریخ وفات ملا اسماعیل ثانی خواجهی مورخ بسال 1282 ه.ق در تخت فولاد اصفهان .

نام و نشان مرحوم کفاش در تذکره های شعراء قرن سیزدهم دیده نمی شود لکن نسخه ای از دیوان اشعارش بشماره (85) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص 89 یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی) این دیوان حاوی هفت هزار بیت شامل: مثنوی و ترجیع بند ، ترکیب بند ، مراثی، تضمین اشعار سعدی و حافظ و یغما و دیگران و قصاید در تاریخ می باشد در 256 برگ و هر برگ 14 سطر .

آغاز دیوان :

نخستین بنام خداوند پاک

که ما را بر انگیخت از آب و خاک

علیم و عظیم و قدیم وودود

نگارنده آسمان کبود

12- گوینده ای ناشناس

قصیده ای بحر بی در مدح سید حجة الاسلام شفتی سروده و خود نیز آنرا بفارسی شرح نموده است . نسخه بشماره (4860) در کتابخانه آستان رضوی موجود است .

آغاز : الحمد لله الباری الرزاق والصلوة والسلام علی محمد وآله ذوی الارتقاء والاستباق .

ص: 118

انجام: الذینهم آل طه و یس آمین یا رب العالمین .

نسخه بخط نسخ و نستعلیق تحریری: علی اکبر بن محمد کریم سالیانی گیلانی مورخ 17 ربیع الثانی 1262 . نسخه در 19 برگ (ص 620 قسمت دوم مجلد هفتم فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی).

13 - گوینده ای ناشناس

سراینده اشعاری بحر بی در جزو کتیبه های مسجد ذکری از او شد.

14 - گوینده ای ناشناس

سراینده اشعاری بفارسی در جزو کتیبه های مسجد مذکور گردید .

15- حاج ملا علی نوری حکیم معروف.

در قصص العلماء (ص 150) می نویسد: در وصف مسجد سید اشعاری گفت و برای سید حجة الاسلام فرستاد. مرحوم سید فرمود: من چیزی قابل برای جایزه این اشعار ندارم و اگر ما یملک خود را نثار این اشعار نمایم کم است .

16 - وفا زواره ای:

مرحوم میرزا محمد علی بن سید محمد بن میرزا احمد بزرگ بن میرزا رفیعا بن زین الدین (ضیاء الدین) ابن علی بن محمد بن کمال الدین حسین طباطبائی زواره ای در 29 صفر سال 1195 در اصفهان متولد گردیده و در این شهر تحصیلات خویش را بپایان رسانیده و بسرودن اشعار پرداخته و به ستایش شاه و صدر اعظم و دیگران اشتغال جسته و از اینرو مورد عنایت و توجه همگان قرار گرفته از آثار او غیر از دیوان اشعار کتاب: مآثر الباقریه که در آن مدایحی را که شعراء درباره مرحوم سید حجة الاسلام سروده اند را جمع آوری نموده است و آن خود تذکره ای از شعرای معاصر او یعنی شعرای قرن سیزدهم می باشد نسخه این تذکره در کتابخانه علامه مفضل و محقق ارجمند جناب آقا سید محمد محیط طباطبائی در طهران موجود است .

ص: 119

مرحوم وفای زواره ای در ماه صفر سال 1248 در اصفهان در مدرسه کاسه گران وفات یافته و در تخت فولاد در داخل بقعه میرزا رفیعیان نائینی مدفون گردید (ص 491 سوم آتشکده اردستان).

در آتشکده اردستان (ص 496 سوم) قصیده مشتمل بر 19 بیت در مدح مرحوم سید حجة الاسلام از او نقل می کند بدین مطلع :

این سال پنجه است که شد در جهان پیر

جان فکار زار به زندان تن اسیر

تا آنجا که گوید :

نه یک تن از ثواب دهر است پایمرد

نه یک کس از شداید چرخ است دستگیر

جز سروری که منکر و معروف دهر را

قهرش بود نذیر و بود لطف او بشیر

یعنی سمی قبله پنجم که از ازل

آمد معین ملت و اسلام را ظهیر

گیتی ز ملک عزت او کلبه ای حقیر

گردون ز کاخ رفعت او یله ای قصیر

در عرصه خیال نگنجد مدیح او

دریا چگونگی جای توان داد در غدیر

17 - هلال :

آقا محمد حسین در فصل مربوط به مسجد سید نام او منکور گردید .

18 - هما شیرازی اصفهانی

مرحوم رضا قلی خان هما شاعر عارف معروف در مدح و مرثیه مرحوم سید حجة الاسلام قضایدی سروده که در دیوان او بچاپ رسیده و از آنجمله قصیده ای از آن در بقعه مرحوم حجة الاسلام کتیبه شده است.

قصیده مرقوم شامل 74 بیت و قصیده دیگر در 55 بیت - قصیده دیگر شامل 53 بیت قصیده چهارم شامل 42 بیت پنجمین قصیده شامل 27 بیت.

مطلع قصیده کتیبه شده در داخل بقعه :

قدم زروری ادب نه در این خجسته مقام

که جایگاه کرام است و قبله گاه انام

19 - میرزا مهدی یموت زواره ای

برادر مرحوم وفا زواره ای سابق الذکر از معاصرین سید حجة الاسلام بوده و در این شهر میزیسته و هم در اصفهان وفات

ص: 120

یافته در قبرستان آب بخشان که در دوره حکومت قبل تسطیح گردیده و اکنون به نام میدان شهداء معروفست مدفون گردید (ص 233 رجال اصفهان) در آتشکده اردستان (ص 515 سوم) ویرا عنوان نموده و نمونه ای از اشعارش در آنجا ذکر نمی کند.

واما از شعرای معاصر :

1 - صغیر اصفهانی

مرحوم آقا محمد حسین شاعر معروف دیوان اشعار و کتاب مرثی او بارها در اصفهان و تهران بچاپ رسیده است .

مرحوم صغیر در موقع تعمیرات داخل رواق بقعه مرحوم سید حجة الاسلام اشعاری سروده که بر دیواره درب ورودی بقعه کتیبه شده است بدین شرح : آنکه این مسجد زمین همتش بر پا بود

تا قیامت آستانش قبله دلها بود

زین بنا باشد صفای باطن بانی پدید

باطن جنت بلی از ظاهرش پیدا بود

کرد آباد این جهان و آن جهان را زین بنا

مسجد اینجا و بهشت جاودان آنجا بود

حوض آبش میدهد گوئی خبر از سلسبیل

صحن آن چون ساحت فردوس روح افزا بود

گنبد پر نقش و ایوان رفیعش بین چسان

از بلندی طعنه زن بر گنبد خضرا بود

گر گشائی گوش جان گلدسته اش روز و شبان

خلق را داعی بسوی خالق یکتا بود

همچو طرف گلشن از هر صفه اش نقشی بدیع

می کند جلب نظر بس دلکش وزیبا بود

ص: 121

هر بنا باشد برای حق گر از حق نگذری

بهر بانی بهتر از دنیا وما فیها بود

جنه ابر همت این سید عالی نسب

کز شرافت افتخار دوده طاهها بود

نام نیکش باقر و کنز علوم دین و شرع

شرح احوالش رقم بر صفحه دنیا بود

تا قیامت گشت اندر مسجد خود معتکف

بندگی را باید اینسان بنده ها بر جا بود

جلوه حق کرده مدهوشش تو گوئی تا ابد

او بود موسی و این بیت الشرف سینا بود

مجری احکام جدش مصطفی بی خوف و بیم

پور موسی شبل حیدر زاده زهرا بود

گفت این تاریخ در تعمیر در گاهش صغیر

حکم سید نشر شرع سید بطحا بود

(1368)

2 - مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر

فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر واثق فرماید :

لهفی لفقدان مولی اعطی النعما

العلم والمال والترویج والکرما

السید الحجة الاسلام فی الزمن

و باقر منه کان الشرع منتظما

یدعوا لاله ویبکی وتهجده

یجرى الحدود من الخوان منتقما

و مسجداً جامعاً في اصفهان بنى

يعد تالله في الغبراء منعدما

ميراث اولاد زهراء استرد لهم

من غاصبي فدك في طوفه الحرما

ص: 122

الموسوی الذی قد عاش حضرته
فی مذهب الجعفری شاخصاً علماً
راحت الی الروح روح منه ثاویة
و استوطن الخلد بالاجداد معتصماً
بدر المضىء مضى شمس العلما افلت
من موته صار جبل الدین منقصماً
بحر السخاجف عین الدهر باکیة
فقال بالفضل عند الله مستسماً
نجم الهدی غاب کنز المجد یستتر
و یعجز المدح عنه اللوح والقلم
و کوکب القدس والتوحید منتشر
فی فوته فتری الاسلام ملتطماً
یا نیر اکتبه للتاریخ من سنته
« من فقد سیدنا رکن التقی هداً ما »

(1260)

یا ایها الزائر انظر ذی البناء تجد
لدى التشرف فیها جنة ارما
لما انقضت مائة من عام رحلته
بالامر من سبطه تغییر ختما

اشعار فوق بر جبهه فوقانی سر در مقبره و دیوار جنوبی بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشتی لاجوردی بخط مرحوم نیر سراینده اشعار کتبییه شده است و مراد از سبط مرحوم سید که در شعر آخر بآن اشاره شده است مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام جعفری متولی مسجد می باشد که شرح حالش در اولاد و اعقاب مرحوم حجة الاسلام مذکور خواهد شد.

مطلع اشعار که در کتاب معادن (ص 23 جلد یکم) ذکر نشده از اینقرار است :

روض قدسی ام هنا جنات عدن سرنا

قف لك البشرى وزر من فيه تلت المنى

ص: 123

اشاره

(ماده تاريخها ومرثيه ها)

سئل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

كيف يتوفى ملك الموت المؤمن ؟ فقال :

ان ملك الموت ليقف من المؤمن عند موته موقف العبد الدليل من المولى فيقوم هو واصحابه لا يدنوا منه حتى يبداء بالتسليم ويبشره بالجنة .

(ص 218 مجموعه تاج نقل از بحار الانوار)

ص: 125

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

« اذا مات المؤمن الفقيه ثلمة لا يسدها شيء » .

چون مؤمن دانشمند و فقیهی بمیرد در اسلام سوراخ و شکستی پدید آید که هیچ چیز آنرا اصلاح و ترمیم نمی کند (اصول کافی - باب فقد العلماء حدیث 2)

و هم از آنحضرت روایت شده است که فرمودند :

« ما من أحد يموت من المؤمنين أحب إلى ابليس من موت فقيه » .

مرگ هیچ مؤمنی نزد ابلیس خوشایندتر از مرگ دانشمند فقیه نمی باشد . (اصول کافی - باب فقد العلماء حدیث 1 و 4)

آری چرا چنین نباشد این علماء و دانشمندان دینی و روحانیون حقیقی و واقعی هستند که از اسلام حمایت نموده و با ادله علمی شبهات مخالفین و معاندین را جواب می گویند و چون بمیرند یکی از سنگرداران اسلام از دست رفته و در دیوار محکم اسلام سوراخی پدید آمده و از اینرو همه دشمنان اسلام برهبری شیطان و شیطان صفتان خوشنود می شوند. غافل از وعده حضرت حق جل و علا که میفرماید : ما نسخ من آية أو نساها نأت بخير منها أو مثلها (سورة بقره آیه 106) .

مرحوم سید حجة الاسلام اعلى الله مقامه الشريف در سه ساعت بغروب مانده روز يك شنبه سوم ماه ربيع الثانى سال 1260 در اصفهان به بيمارى استسقاء وفات يافت و شب 4 شنبه ششم در مقبره مخصوص كه خود قبلا جهت دفن مهيا ساخته بود مدفون گرديد .

در روز وفات و ماه آن همچنين سال فوت اختلاف است كه برخى از آنها سهو القلم و عده اى غلط و اشتباه مى باشد اينك

نقل اقوال :

1 - علامه صاحب روضات مى نويسد :

حجة الاسلام به بيمارى استسقاء مبتلا بود و عصر روز يك شنبه دوم ربيع الاول سال 1260 (غرس) رحلت كرد . در چاپ دوم روضات الجنات شرحى از علت اشتباه و تحقيق درباره وفات نوشته و آنرا به ربيع الثانى اصلاح نموده است تمام كتابهاى كه بعد از روضات الجنات بچاپ رسیده (يا تأليف شده) ماه وفات مأخوذ از همين مأخذ مى باشد و احتياج به ذكر اسامى آنها نيست .

در سال فوت هيچگونه شك و ترديدى نيست كه فوت در سال 1260 رويداده و آنچه در منتظم ناصرى وفات را بسال 1258 مى نويسد يقيناً اشتباه بوده و هيچ

ص: 127

راهی جهت توجیه آن تا کنون نیافته ایم و کلیه کتابهاییکه فوت را در 1258 نوشته اند مأخوذ از همین کتاب می باشد .

رفع اشتباه :

در تعمیرات سالهای اخیر و کاشیکاری داخل مقصوره مقابل مقبره مرحوم سید حجة الاسلام در بالای سر در ورودی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشتی لاجوردی رنگ تاریخ وفات مرحوم سید حجة الاسلام باین گونه نوشته شده است :

تاریخ وفات آیت الله العظمی فقیه اهل بیت طه ویس و ملاذ الشیعه و حامی الشریعة الحاج سید محمد باقر الموسوی الرشتی حجة الاسلام اعلى الله له المقام دوم ربیع المولود سنه 1260.

اختلاف در روز و ماه :

بطوریکه قبلاً- گفته شد علامه صاحب روضات الجنات روز وفات را دوم ربیع الاول (و پس از اصلاح در چاپ دوم ربیع الثانی) می نویسد و در کشف الحجب روز سوم ماه ربیع الثانی میداند .

در کتابخانه مجلس شورای ملی (مجلس شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید حجة الاسلام می باشد بشماره (4924) در صفحه اول کتاب نامبرده این عبارات بخط سید دیده میشود .

اعلام برادران دینی میدارد که عالیجناب مقدس القاب آخوند ملا محمد زید توفیقه امین و معتمد میباشند . مسائلیکه از این خادم شریعت تبلیغ شماها نمایند از ایشان قبول خواهید نمود 23 ربیع الاول 1260- بعداً نوشته است.

فوت یک شنبه 24 ربیع الثانی 1260.

همچنین در پشت نسخه ای از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید حجة الاسلام

متعلق به کتابخانه علامه مفضل جناب حاج سید محمد علی روضاتی عبارات زیر نوشته شده است :

وفات مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه فخر المجتهدین و قدوة العارفين وزین المحققین و بدر السماء العلم والفضيلة و الفقاہة فخر دودمان شریعت سالک راه طریقت حجة الاسلام و نایب الامام مرحوم مغفور حاجی سید محمد باقر نور الله مرقدہ و مزجعه (کذا) بتاریخ یک شنبه سیم ربیع الثاني سنه 1260.

مراجعه به تقویم

در تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله در سال 1260 می نویسد :

غره ربیع الاول 5 شنبه بوده است .

بنابراین یک شنبه چهارم می شود و دوم نمی باشد .

و غره ربیع الثاني را روز شنبه می نویسد .

بنابر این یک شنبه دوم خواهد بود نه سوم مگر آنکه گفته شود عصر روز یک شنبه سوم ماه ربیع الثاني و همچنین یک شنبه 23 خواهد بود نه 24 .

علیهذا تاریخ صحیح فوت مرحوم سید حجة الاسلام عصر روز یک شنبه دوم ربیع الثاني 1260 بوده است و مؤید این قول ماده تاریخی است که مرحوم هما شیرازی اصفهانی در این باره گفته که بعداً نقل خواهد شد.

اشتباه بزرگ :

در کتاب معارف الرجال (ص 52 یکم) در ضمن بیان شرح حال میرزای قمی و ذکر اسامی شاگردان ایشان می نویسد :

و سید محمد باقر معروف به حجة الاسلام رشتی متوفی حدود سال 1202 در قم به محضر او وارد گردید . در غلطنامه نیز ذکری از این اشتباه نشده است.

(به حافظه نباید مطمئن شد) :

ص: 129

یکی از دوستان نقل کرده که :

کتابی تألیف کرده بودم و مطالبی از گوشه و کنار از کتابهای مختلف و نویسندگان متعدد و همچنین مسموعات و مشهودات خود در آن گرد آورده بودم.

کتابرا جهت مطالعه و اظهار نظر نزد مرحوم میرزا محمد خان قزوینی بردم و نظر ایشان را درباره آن جويا شدم .

مرحوم علامه قزوینی با لطف مخصوص که از سجایای اخلاقی ایشان بود از من و نوشته ام تعریف کرد و ضمناً مطالبی و انتقاداتی که بنظرش رسیده بودند تذکر داد . در بین سخن پرسید آنچه از کتابها نقل کرده اید خود دیده و نوشته اید و یا از جانی رو نویس کرده و یا قبلاً مطالعه نموده و در موقع تألیف از خاطر خود استفاده کرده اید . جواب ایشان را دادم . ایشان ضمن بند و اندرز فرمودند:

اکنون شما جوان هستید و حافظه شما قوی است ممکن است مطالبی را از چندین کتاب بخاطر بسپارید و پس از گذشت ماهها بلکه سالها آنها را بدون کم و کاست نقل کنید اما اگر خواستید همان مطالب را در جانی بنویسید حافظه خود را متهم کنید و بگوئید ممکن است فراموش کرده باشم و اکنون به طور دیگری بنظم آمده باشد و با آنکه مطلب بطور کلی اشتباه باشد و من آنرا صحیح بدانم سپس از باب تأکید گفتند :

فی المثل اگر خواستید سوره قل هو الله احد را که هر روز چندین بار در نماز میخوانید در جانی بنویسید قرآن را باز کرده و از روی آن بنویسید تا هرگز اشتباه نشود.

این یک نکته بسیار دقیق و صحیح است و باید سر مشق کلیه نویسندگان بوه باشد بسیار اتفاق افتاده است که انسان کتابی را از نویسنده ای دانشمند میخواند در ضمن قرائت متوجه میشود که مثلاً آیه ای از آیات قرآن مجید یا حدیثی از

ص: 130

بزرگان دین اشتباه نقل شده است و یا عبارات کم و زیاد و پیش و پس نقل گردیده فوراً متوجه میشود که نویسنده بحافظه خود قناعت نموده و حافظه او خطا کرده است

یکی از این موارد تاریخ فوت مرحوم سید حجة الاسلام می باشد .

علامه محقق متتبع صاحب روضات الجنات با آنهمه احاطه و تتبع و با وجودی که خود از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام می باشد و مورد توجه و عنایت آن استاد بزرگوار بوده و بقیناً در مراسم تشییع و دفن استاد شرکت داشته و در بیاض خود دقیقاً وقت و ساعت و روز آنرا تعیین نموده در موقع نوشتن کتاب روضات الجنات بعلت تراکم کار و اطمینان بحافظه ماه وفات را ربیع الاول (بجای ربیع الثانی) مرقوم فرموده است ، همچنین ممکن است این لغزش را سهو القلم بدانیم .

تذکر :

اول کسی که متوجه اشتباه وفات در ماه ربیع الاول گردیده است علامه طهرانی در الذریعة (جلد یکم) می باشد .

آخرین ملاقات :

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 168) می نویسد:

مرحوم سید حجة الاسلام در آخر عمر او را از ارسوء القنیه عارض گردید اطباء به معالجه آن پرداختند مفید نیفتاد پس در روز پنج شنبه بمرض حبس البول گرفتار شد در نزدیک زوال حاجی کلباسی به عیادت آنجناب آمد زمانی نشست و در اول زوال آن جناب را وداع کرده مراجعت نمود. سید وضو ساخته نوافل ظهر و نماز ظهر را ایستاده بجای آورده پس بی طاقت شد در بالای جای نماز یک حب از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام تناول نمود و فی الفور طایر روحش بأشیان قدس پرواز نمود. حاجی کلباسی هنوز بخانه نرسیده (در مسجد حکیم نماز ظهر و عصر را به جماعت خوانده بود و قصد رفتن بمنزل داشت) در اثناء

ص: 131

راه به او خبر دادند که سید به نزد اشراف اجداد اطهار شتافت .

حاجی از این خبر وحشت اثر بیهوش گردید پس از آنکه بهوش آمد بخانه سید آمد و بر او گریه وزاری نمود .

تذکر : مرحوم تنکابنی به روز فوت و ماه و سال آن اشاره ای ننموده است.

مراسم تغسیل و تکفین و نماز

بنا بنوشته مرحوم تنکابنی مرحوم آخوند ملا علی اکبر خونساری مرحوم سید حجة الاسلام را غسل داده و از آن پس دستهای مبارک آنجناب را بوسیده و کفن نمود .

علامه صاحب روضات الجنات می نویسد :

حجة الاسلام را در منزلش غسل دادند سپس او را به مسجد آوردند و فرزند افضلش سید اسد الله بر او نماز کرد.

روز وفات :

در روضات الجنات می نویسد :

روز رحلت حجة الاسلام روز عظیمی بود به مجردیکه مردم از رحلت او باخبر شدند تعطیل عمومی اعلام شد تمام کوچه ها مملو از زن و مرد و چنان در مصیبت مرگ او می گریستند که گوئیا پدر مهربانی فرزند جوانش را که بی اندازه مورد علاقه اش بوده از دست داد.

همهمه مردم که بگریه و ناله بلند بود از پشت دیوارهای شهر بگوش میرسید

پس از شرحی که درباره مرحوم حاج سیداسدالله می نویسد مطلب بدینگونه ادامه می دهد روز وفاتش تعطیل عمومی بود و دکانها تا چند روز متوالی بسته بودند بعد از آن خبر رحلتش بسایر شهرها رسید و در همه جا مخصوصاً مشاهد مشرفه بمنظور تجلیل از مقام محترم او مجالس ترحیم برپا کردند حتی در

سرزمین

ص: 132

هند و شهرهای ترکستان و ما وراء النهر مراتب عزاداری و سوگواری او را رعایت نموده و مجالس شکوهمندی از جهت ترویج روح او بر پا داشتند و تا یک سال مجالس عزاداری بنام او منعقد بود .

استجاب دعا و طلب مرگ نمودن مرحوم سید :

تنکابنی در قصص العلماء (ص 167) در ضمن شرح حال آن مرحوم و مخالفت‌های محمد شاه و حاج میرزا آقاسی با آن بزرگوار می نویسد :

وقتی سلطان (یعنی محمد شاه) بدیدن آن زبدهٔ علماء عیان با نقاره تا بدر سرای آن جناب آمد. سید برای استقبال سلطان خواست تا بدر سرای آید در میان (راه) صدای نقاره بگوشش رسید . دستها را باسماں برداشت و عرض کرد :

خداوندا ذلت اولاد زهرا علیها سلام را بیش از این مخواه پس بخانه بازگشت از کرامت آن جناب در همان چند روز دار دنیا را بدرود و بمحاسبه با حضرت معبود نشست .

(نکته تاریخی) :

مسافرت محمد شاه باصفهان در ذی حجه سال 1255 و مراجعت او در 1256 بوده است بنابراین فوت مرحوم سید حجة الاسلام در حدود چهار سال و نیم پس از مسافرت شاه بوده است نه در همان چند روز .

تاریخ دفن :

علامه صاحب روضات الجنات (ص 295 دوم ترجمه روضات) می نویسد:

پس از سه روز که از رحلت او گذشته (بود) او را در آن بقعه منور (که خود در جنب مسجد جهت مدفن خود ساخته بود) مدفون ساختند و آن بقعه

ص: 133

اکنون بمنزله مشهدی و زیارتگاهی از زیارتگاههای انبیاء و ائمه طاهرين عليهم السلام بشمار می آید و مردم در پنج وقت از نماز زیارت او میروند و مرقد او را مطاف دل‌های خود میدانند بلکه مردم از راههای دور بعزم زیارت او بار سفر می بندند .

(نکته ای مجهول) :

خوانندگان محترم توجه دارند که نوشتیم مرحوم سید حجة الاسلام در عصر روز یکشنبه وفات یافته و جسد مبارکش را در روز چهارشنبه دفن نموده اند . لکن علامه صاحب روضات علت تأخیر در دفن را ذکر نمی کند فرض کنیم که روز دوشنبه مراسم تشییع و عزاداری انجام یافته باشد چرا در همان روز دفن نکردند و این تأخیر سه روزه به چه علت و دلیل بوده است . این نکته مجهول است که تا کنون جواب آنرا نمیدانیم .

در مقدمه منهاج المعارف (ص 225) می نویسد :

جسد آقا میرزا زین العابدین خونساری سه روز روی زمین ماند . باز هم در این جا عالم بزرگوار آقای حاج میر سید احمد روضاتی نویسنده مقدمه علت تأخیر را ذکر نمی نماید .

فائده :

در پاورقی صفحه 53 یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی می نویسد:

روی برگ 136 مجموعه شماره (42) کتابخانه بخط حسین بن محمد ابراهیم قزوینی مؤلف رساله « بطلان القول بتأثیر الكواكب » مؤلف از دوست دانشمندش ملا علی میرزا زنجانی یاد می کند و می گوید :

در زنجان در فتنه اکراد یزیدیه بتاريخ اواخر شعبان 1136 شهید شد و جنازه اش سه روز بروی زمین بود تا در قریه قیچقی دفن شد.

مرحوم علامه امینی رحمة الله علیه ویرا در کتاب: شهداء الفضیله پانزدهمین

نفر از شهداء قرن دوازدهم ذکر نموده و عده ای از علماء بزرگوار از اولاد و اعقاب او را نام برده است طالبین مراجعه نمایند .

همچنین مرحوم حاج ملا علی کنی در 27 ذی حجه وفات یافت و در غره محرم بخاک رفت علت تأخیر سه روزه چه بوده نمیدانیم . اینها مطالبی است که باید تحقیق و بررسی شود.

مدفن مرحوم سید حجة الاسلام

مرحوم حجة الاسلام در موقع ساختن مسجد در گوشه شمال شرقی محلی را برای دفن خود ساخته بود که پس از فوت در همانجا بخاک رفت .

این مقبره عبارتست از :

۱- بقعه 2 - رواق مقابل آن

یکی از درهای چهارگانه مسجد سید که در ضلع شمالی قرار دارد به در مقبره شهرت دارد . از این در که وارد شوند اول رواق مسقف است که در ضلع جنوبی آن بقعه مرحوم سید حجة الاسلام قرار دارد از دو طرف بقعه دو در به مسجد باز می شود .

داخل بقعه در وسط ضریح فولادی روی قبر قرار گرفته و خود بقعه با تزئینات کاشیکاری و گچ بری و نقاشی آراسته گردیده است .

اصل بقعه و رواق از آثار مرحوم سید حجة الاسلام بوده و پس از فوت ایشان بوسیله اولاد و اخلافش تعمیرات اساسی در آن انجام یافته است .

تزئینات اطراف بقعه و کتیبه ها از آثار مرحوم حاج سید اسد الله و نصب ضریح فولادین از آثار مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی و کاشیکاری رواق مربوط به مرحوم

ص: 135

حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام و کاشیکاری سردرب بقعه بوسیله مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی انجام یافته است . در زمان مرحوم حاج سید جعفر و مرحوم حاج میرزا محمد حسین جعفری نیز تعمیراتی در این قسمت مسجد انجام یافته است .

دانشمند محترم جناب آقای دکتر لطف الله هنر فر در کتاب بسیار نفیس و ارزشمند : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (از صفحه 764 تا صفحه 788) شرح آثار مسجد سید و آنچه از نظر علمی و فنی و دینی قابل ذکر بوده بیان نموده اند طالبین مراجعه کنند. همچنین دانشمند بزرگوار آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی از نویسندگان محقق و متتبع در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص 728) شرح مبسوطی راجع به مسجد سید و آثار تاریخی آن مأخوذ از کتاب آقای دکتر هنر فر مرقوم داشته اند . کتاب بوسیله انجمن آثار ملی ایران بچاپ رسیده است طالبین مراجعه نمایند .

مرثیه ها و ماده تاریخی :

در فوت مرحوم سید حجة الاسلام عده زیادی از شعراء بزبان فارسی و عربی مرثیه و ماده تاریخ گفته اند از آنجمله :

الف : مرثیه های فارسی

۱- مرحوم عشرت فسائی

(حاج میرزا عبد الرحیم بن میرزا مهدی متولد در 1210 و متوفی بسال 1263) در مرثیه و تاریخ وفات مرحوم سید حجة الاسلام می گوید:

کھف عالم جحة الاسلام عهد

باقر علم واهم خاص و عام

هم افاضت را مفیضی در حدیث

هم افادت را مفیدی در کلام

شخص دانش معنی خلق کریم

کف جودش معنی کأس کرم

گر نه ممکن تحت واجب آمدی

در تمامی گفتمش فوق التمام

ص: 136

قاب قوسین وجودش کرد جمع

هم سعادت هم سیادت والسلام

طاقدیس عالم تقدیس بود

از علایق خواستی تجرید تام

بود : من خاف مقام ربه

جنت المأوی از آتش شد مقام

سال تاریخ وفاتش خواستم

گفت عشرت «حجت دین شد تمام»

(نقل از دانشمندان و سخن سرایان فارس صفحه 641 جلد سوم)

2- کفاش (شاعر گمنام اصفهانی)

که خوشبختانه دیوان اشعارش نسخه ای در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی در مشهد بشماره (152) که تاریخ تحریر آن 3 شنبه ششم ربیع الاول 1293 قمری می باشد و نسخه بشماره (85) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است ظاهراً نام دیوان : «زینة الانجمن» باشد (ص 89) جلد یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی و نسخه ای در کتابخانه حجة الاسلام اقا سید محمد جزائری (ص 912 نهم الذریعه) موجود است. در کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص 784) می نویسد :

بر دو ضلع شمال و جنوب گوشواره غربی داخل بقعه بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید اشعار ذیل از اثر طبع شاعر اصفهانی (کفاش) گچ بری شده است :

دلانجله برین خواهی ار گذاری کام

قدم گذار بدرگاه حجة الاسلام

کجا بلند تراز بارگاه رفعت اوست

ز بعد قبه شاهنشهان عرش مقام

هزار قرن کند مرغ دهم اگر پرواز

بشرط آنکه نگیرد به یک نفس آرام

هنوز مانده باول مقام رفعت او

دو صد هزار حجاب و دو صد هزار مقام

بظل پرچم امرش قلمرو خورشید

که از سفیده صبح است یا بظلمت شام

برای مژده شهان تخت و تاج میدادند

که آورند ز خدام در گهش پیغام

ص: 137

چو آن همای بلند آشیان پاک سرشت

بعزم سیر بهشت برین پرید از لام

نوشت از پی تاریخ رحلتش کفاش

که درج در کرم « جنان نمود مقام »

۳- ماده تاریخ و مرثیه دیگری از کفاش از دیوار بقعه

ولا قدم چو گذاری در این بلند مقام

بکن سلام نخستین به حجة الاسلام

سمی قبله پنجم محیط علم و عمل

طراز مسند اکرام حجة الاسلام

کجاست چشم حقیقت که بیندش در خلد

بصدر بزم تقرب نشسته با اکرام

چشیده از لب یاقوت نام حورا قوت

کشیده از کف گوهر فشان حیدر جام

کسیکه جد کبارش حبیب حضرت حق

کسیکه جده او دختر رسول انام

روا بود که برو بند حوریان بهشت

غبار بارگهش را ز زلف عنبر فام

غرض رسید چو آن گلین ریاض رسول

خزان بگلشن عمرش ز گردش ایام

خرد سرود بتاریخ او کدای کفاش

« مقام را بجنان کرده حجت اسلام »

4 - ماده تاریخی از گوینده ای نامعلوم که برلنگه راست در ضریح مرحوم سید حجة الاسلام نوشته شده است :

مر برج ایمان که در گاه اوست

سپهر برین از هجوم نجوم

زیعدش برفت از حقیقت نشان

زفقدش نماند از شریعت رسوم

فلک تیره گردیده و تاریخ گشت

«شد اندر سحاب افتاب علوم»

5- مرحوم رضا قلیخان هما قصیده ای در 74 بیت در توصیف بقعه متبرکه مرحوم سید حجة الاسلام و تاریخ وفات ایشان سروده که در دیوانش بطبع رسیده است در آنجا گوید:

قدم زروری ادب نه در این خجسته مقام

که جایگاه کرام است و قبله گاه انام

صفای کعبه و پاکی زمزم ار خواهی

مقیم باش دلا اندر این خجسته مقام

ص: 138

حریم کیست که آمدی زیارت او
ز چرخ روح قدس با فرشتگان عظام
مکان کیست کزو لامکان گرفت شرف
مقام کیست که از وی فزود کعبه مقام
حریم حجة الاسلام باقر ثانی
که هست حرمت او همچو کعبه اسلام

ز مدحت علماء چشم میشود روشن
ز صحبت فضلا قلب میشود آرام
مدادشان چو بود افضل از دم شهداء
مدیحشان نبود در خور ذوی الافهام

از آن خجسته شد این بقعه شریف که هست
خجسته مدفن نوباوه رسول انام
ابو الفضایل والمجد باقر ثانی
که همچو عقل نخستین ستوده بود تمام

برفت آنکه از او تازه بود شاخ کرم
بمرد آنکه از او زبده بود نام کرام
ز گلستان نبی نوگلی فتاد بخاک
که همچو لاله بود داغدار او ایام
بداغ آن خلف نامور عجب نبود
که خون بگرید آبی سبعه تا بقیام

چنان فسرده بلاغش جهان که پنداری
گسسته رشته پیوند روح از اجسام
برفت شوکت اسلام و رونق علماء
که رونق علماء بود و شوکت اسلام
دریغ و درد که بنهفت رخ بخاک سیاه
مهی که بود چو خورشید فیض بخش انام
بخاک تیره نهان گشت همچو گنج گهر
شهی که گنج گهر بود در کنش چور خام
نگشت تیره چرا آفتاب و چهره ماه
که آفتاب شریعت نهفت رخ بغمام
کسی نکرد در ایام او ز معن حدیث
کسی نبرد بدوران او ز حاتم نام

در این سرای پستی نیست دل آری
کجا به جیفه کند میل مرغ عرش مقام
پیام ارجعی آمد بگوش او چوز دوست
پرید طایر روحش ز شوق آن پیغام

چو بود تشنه تسئیم و قرب کوثر وصل

گرفت از کف ساقی باغ رضوان جام

چو بود روضه فردوس منزلش ز آغاز

بسوی اصل خود آهنگ کرد در انجام

کجاشد آنکه از او کاخ شرک شد ویران

کجا شد آنکه از او دین حق گرفت قوام

سمی قبله پنجم ز نسل هفتم ماه

که هفته ای جهان بود و حجت الاسلام

زدامگاه جهان شد چو در ریاض جنان

ز سر گرفت جهان ماتم رسول انام

ز شهر نبد فنا شد بدار ملک بقاء

ندیم بزم خواص و قرین کأس کرام

در اول حمل و دوم ربیع دوم

زدامگاه جهان شد بسوی دار سلام

بلفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم

چو بشمیری مأتین است و الف وستین عام

خجسته مرقد او باد مطلع انوار

چنانکه پاک دلش بود مهبط الهام

(قابل توجه) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 1614 پنجم) می نویسد :

روز اول برج حمل در سال 1223 شمسی مطابق با پنج شنبه غره ربیع المولود سال 1260 بوده بنابراین دوم ربیع الثانی مصادف با روز اول حمل که در اشعار هما به آن تصریح شده نبوده است و ممکن است شعر مرحوم همارا بدینگونه اصلاح نمود (در آخر حمل) اگر چه آنهم یک روز اختلاف دارد. و یا بگوئیم (اواخر حمل).

نکته دیگر اینکه مقداری از اشعار این قصیده در اطراف بقعه مرحوم سید حجة الاسلام کتیبه شده است و نویسندگان کتابهای : آثار ملی اصفهان و گنجینه

آثار تاریخی اصفهان به آن اشاره نموده اند .

ب: مرثیه های عربی .

عده ای از بزرگان علماء و ادبا و شعراء در مرثیه و ماده تاریخ فوت مرحوم سید حجة الاسلام اشعاری

سروده اند از آن جمله :

ص: 140

1 - علامه فقیه محقق صاحب روضات الجنات در مدیحه و مرثیه استاد بزرگوار خود دو قصیده بعربی سروده اولی در حدود 80 بیت و چند بیت آنرا در روضات الجنات (ص 126) نقل نموده و دومی شامل 49 بیت و آنرا حفید جلیل او حجة الاسلام حاج میر سید احمد روضاتی در مقدمه کتاب میزان الانساب (ص 6) و هم در مقدمه رساله النهریه (ص 19) از تألیفات علامه صاحب روضات که بسعی و اهتمام ایشان در سال 1377 در اصفهان بچاپ رسیده است .

قصیده اول قصیده رائیه با این مطلع :

لمن الغراء وهذه الزفرات ماهی فی الزمر

تبکی السماء له وفي الارض الفساد به ظهر

وجرت عیون الدمع من صم الجبال و حاولت

لتزول و انشقت حبیب الصبر و اشتمل الضرر

و اغبرت الافاق و اختل السیاق باسره

و تغیرت شمس المشارق منه و انخسف القمر

ما اکثر الحزن الجدید و اکبر الهول الشدید

و اعظم الرزء المفخم فی الخلائق للبشر

من فقد سیدنا الامام الباقر العلم الذی

جلت عن المعد المحامد منه و الكرامات الکبر

بکاء جوف اللیل من خوف الاله و مقتدی

طول النهار علی مانیابنه الامام المنتظر

تا آخر قصیده که اشاره به تاریخ می کند و میفرماید :

وسألت طبع القرم عن تاریخ رحلته فجر

ذیلا وقال الله « انزله کریم المستقر »

دوم قصیده عینیه که در بیاض خود مرقوم نموده است با این مطلع :

عظم البلاء بلا رجاء المدفع
وبدت کریهة ماله من مطلع
وبدت بلاد المسلمین بصر صر
عصفت بهن من الجهات الاربع
فرمت بمکرمة الخلاق جانباً
وبمجدهم و بهائهم فی موضع

و كان من افق الخلائق ناعياً
ینعاهم بأشد ما اذن تعی
ینعاهم بفجیع رزء سانح
ینعاهم ببذیع امر مفعج
تخریب دین الله والدنیا معاً
وتباب مامع ذی قرار او معی
ینعاهم بوفاه مولی کامل
بر جواد واسع متوسع
جرئیل جامع متبحر
ندس خبیر بارع متورع
یدل جلیل صالح متعبد
عدل حمید خاضع متخشع
العالم العلم الامام الاقدم
العالی المقامة بعد عشر واربع
وخليفة الرحمن طول حیاته

عن ذى الزمان الغائب المتبرقع

ختم الافاضل باقر العلم الذى

اسرى بخاتم ما على فى اصبع

الهاشمى الفاطمى الموسوى

اللوذعى الاحوزى الالمهمى

تا آخر قصيده و در اين قصيده تاريخ فوت ذكر نشده است .

2- در كتاب گنجينه آثار تاريخى اصفهان (ص 787) مى نويسد :

بر لنگه راست در نفيس ضريح بخط نستعليق طلائى بر زمينه مشكى اشعار ذيل نوشته شده است :

بحر الندى باب الهدى شرعته

ما وافق السنة والكتابا

لما دعاه ربه مبادراً

الى جنان خلداه اجابا

فعطلت كل الورى لفقده المسجد والمنبر و الحرايا

ص: 142

وقد توارى نوره مستتراً

عن الوری ارخت « نور غابا »

و باقر العلم الذی علومه

قد فتحت الی الهدی ابوابا

و نوره ان اشکلت عویضه

یرفع عنه الستر والحجابا

لو شجر البر غدت رافمة

والانس والجن معاً کتابا

یدها البحر لحصر فضله

لما رأو لفضله حسایا

گوینده اشعار نامی از خود نبرده و در جانی نیز ذکری از او نشده است .

3- در نخبه المقال می نویسد :

سیدنا السید محمد باقر

کهف الانام وله مفاخر

مفخر الناس بلا التباس

مقبضه یا غیاب کهف الناس

در حاشیه نخبه المقال نوشته است توطن در اصفهان حدود 1217.

4 - مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر

از دانشمندان و فضلاء و ادباء معاصر اصفهان در سال 1360 که تعمیراتی در رواق بقعه مرحوم سیدحجة الاسلام انجام یافته اشعاری در مدح و مرثیه آن مرحوم بدین شرح سروده که بر جبهه فوقانی سر در مقبره و دیوار جنوبی رواق بقعه به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بخط خود مرحوم نیز نوشته و نصب گردیده است . اشعار ذکر شده بدین گونه است (ص 780 گنجینه آثار تاریخی اصفهان) :

روض قدس ام هنا جنات عدن سرنا

قف لک البشری وزرمن فیه قد نلت المنی

لهفی لفقدان مولی اعطی النعما

السيد الحجة الاسلام في الزمن من (1)

و باقر منه كان الشرع منتظما

يدعو الاله ويبكى في تهجده

يجرى الحدود من الخوان منتقما

و مسجداً جامعاً في اصفهان بنى

يعد تاليه في الغبراء منعدما

ميراث اولاد الزاء استرد لهم

من غاصبي فدك في طوفه الحرماً

الموسوى الذى قد عاش حضرته

في مذهب الجعفرى شاخصاً علماً

راحت الى الروح روح مند ثاوية

واستوطن الخلد بالاجداد معتصماً

بدر المصنئى مضى شمس العلى افلت

من موته صار جبل الدين منفصماً

بحر السخاجف عين الدهر باكية

فنال بالفضل عند الله مبتسماً

نجم الهدى غاب كنز المجد يستتر

و يعجز المدح منه اللوح والقلماً

ص: 144

1- (صفحة 23 جلد يكم معادن الجواهر تأليف مرحوم نير) خود مرحوم نير در صفحه 14 جلد سوم كتاب معادن اين مصرع را بدينگونه اصلاح نموده

است: من سيد حجة الاسلام في الزمن .

و کو کب القدس والتوحید منتشر

فی قوته فتری الاسلام ملئطما

یا نیر اکتب للتاریخ من سنته

« من فقد سیدنا رکن التقی هدمما »

یا ایها الزائر انظر ذی البناء تجد

لدى التشرف فیها جنة ارما

لما انقضت مائة من عام رحلته

بالامر من سبطه تمیرها ختما

تذکر :

اصل بنای بقعه و رواق از خود مرحوم سید حجة الاسلام می باشد و تزئینات داخلی و کتیبه های آن مربوط به زمان مرحوم حاج سید اسدالله می باشد.

در سال 1322 مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی نجل جلیل مرحوم حاج سید اسد الله برای مرقد جد خود

ضریحی فولادی

ساخته و بر روی قبر نصب نموده است و این ضریح خود یکی از آثار هنری و نفیس می باشد و بر آن چندین کتیبه نوشته شده است . اکنون شرح آن کتیبه ها نقل از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص 785):

در اطراف ضریح فولادی نفیس آرامگاه بخط ثلث طلائی بر زمینه مشکی (آية الكرسي) و سوره اخلاص نوشته شده در آخر آن نام کاتب (کاظم شریف) و سال ساختن (1322) را بدین گونه نوشته است: من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب . کتبه سلطان الکتاب کاظم شریف (1322) .

کتیبه دیگر ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی شجره نامه سید حجة الاسلام می باشد در آخر آن : 1322 کتبه الاثم فتح الله .

بر اضلاع عمودی ضریح بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه مشکی اشعار

ص: 145

زیر نوشته شده بدین شرح ؛

هذا ضريح الثريا سما

وشأنه فاق ضراح السما

الحجة الاسلام اعنى به

العالم العلامة العيلما

باقر علم الله مستودع

امين سر الغيب حامى الحمى

ناب عن الحجة فى عصره

فكان عنه النائب الاعظما

عمل كمترين حاجى اسد الله

سپس هفت سطر دیگر و در آخر تاریخ آن بدین شرح

وقد تعالى شأنه رفعة

ارخه « فاق ضراح السما»

(1322)

این ضریح دارای دری بسیار نفیس می باشد :

عمل استاد رمضان طلاکوب بر لنگه راست آن هشت سطر شعر عربی و سه سطر شعر فارسی نوشته شده (اشعار قبلا نوشته شده است) و بر لنگه چپ در ضریح بخط نستعلیق طلائی اشعار زیر از مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی نایب الحکومه اصفهان متخلص به خلف بشرح زیر نوشته شده است :

این بقعه که خلق را شب و روز

از بهر زیارتش هجوم است

محشر ز توجه نفوس است

غوغا ز تراکم نجوم است

هر کس که دعا کند باخلاص

این جا به اجابتش لزوم است

از باقر علم مصطفی آنک

معروف جهان بروس وروم است

مشکوة هدی نبیره او

باقر که امام بر عموم است

آراست ضریح او ز پولاد

کش علم بکف بسان مومست

پرسید خلف که این کرامات

ظاهر ز کدام مرز و بومست

ص: 146

دانائی گفت بهر تاریخ

زاین مرقد باقر علوم است

(1322)

باقر علم آسمان حلم که خورشید

پرتورایش بود بچرخ مقونس

ساخت ضریحی ز بهر مرقد جدش

کامده محمود نه رواق مسدس

فرد وجود است و عقل گفت بتاریخ

کلما ابجدی ای ضریح مقدس

(1322)

بر دماغه در ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی اسامی هنرمندانی که در ساختن ضریح شرکت داشته اند بشرح زیر نوشته شده است :

عمل استاد رمضان طلاکوب اصفهانی - مباشر عبد الباقی - عمل حاج غلامعلی کارخانه اعلا - عمل استاد ید الله .

آخرین کتیبه : بر یک لوح کوچک کاشیکاری بخط خوش نسخ که در قسمت فوقانی سر در ورودی رواق شرقی مشرف به صحن نصب شده دو سطر شعر بشرح زیر نوشته شده است

بنده اهل حقیقت خادم اهل یقین

صانع نقش علما نام اقل المؤمنین

هفت بر اعداد تا در ریخس بیفزود و بگفت

دار امن فادخلوها بسلام آمین

(1322 مساوی 7 باضافه 1315)

مدفونین در بقعه

پس از وفات مرحوم سید حجة الاسلام و دفن در این بقعه عده ای از اولاد

ص: 147

و اعقاب آن مرحوم که وفات یافتند در آنجا بخاک سپرده شدند در صحن رواق و راهروها و دو مقبره دیگر یکی در شمال و دیگری در مشرق راهرو شرقی نیز عده ای از علماء و بزرگان و بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام دفن شده اند . اینک اسامی مدفونین در بقعه .

۱- میرزا ابو الفضل فرزند میرزا زین العابدین .

۲- سید ابو القاسم بن حاج سید محمد علی

۳- حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی .

۴- حاج میرزا محمد حسین جعفری .

۵- حاج سید محمد رضا شفتی .

۶- آقا میرزا زین العابدین .

۷- حاج سید محمد علی فرزند سید حجة الاسلام .

۸- حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام جعفری .

۹- آقا سید مؤمن .

۱۰- میر محمد مهدی.

و احتمالاً جمعی دیگر که اسامی آنان فعلاً بر نویسنده مجهول است . تعداد قبور قریب ۲۵ قبر می باشد که ظاهراً همه پسران مرحوم سید (غیر از حاج سید

اسد الله و حاج سید جعفر) در بقعه می باشند

سؤالی از مرحوم حاجی کلباسی و جواب ایشان

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۸) می نویسد :

از حاجی کلباسی که احتیاط و زهد و علمش بیان سخنوران جهان را عاجز مینمود پرسیدند : در اصفهان کدام یک از امامزاده ها بالاتر است ؟ در جواب

فرمودند :

من خود دیدم سید را بخاک سپردند .

نویسنده گوید من خود از یکی از علمای اصفهان که عالمی بزرگوار و محقق و از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود و کمتر به این گونه مطالب معتقد بود (زیارت امامزاده هائیکه نسبشان مجهول است) پرسیدم :

بنظر شما در اصفهان کدامیک از امامزادهها من جمیع الجهات از دیگران برتر است و خود شما زیارت کدامیک از امامزاده های مدفون در اصفهان میروید در جواب سه مرتبه گفت : مرحوم حاج سید محمد باقر بید آبادی - حاج سید محمد باقر شفتی - سید حجة الاسلام .

(ذکر حدیثی در باره زیارت قبور مؤمنین) : محدث جلیل شیخ ابن قولویه (ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی متوفی بسال 367 مدفون در قم) در کتاب کامل الزیارات (ص 319) از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که :

« من لم یقدره ان یزورنا فلیر صالحی موالینا یکتب له ثواب زیارتنا و من لم یقدر علی صلتنا فلیصل علی صالحی موالینا یکتب له ثواب صلتنا »

ذکر یک حدیث:

و در حدیث دیگر از همین راوی (عمرو بن عثمان رازی) با تقدم صله بر زیارت : حضرت رضا علیه السلام در این حدیث ثواب زیارت قبر صلحای مؤمنین و شیعیان را برابر با ثواب زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام دانسته است بنابراین مؤمنین نباید از این فیض عظمی غفلت نمایند و زیارت قبور علماء بزرگوار که فرد اکمل و اتم صلحای مؤمنین و شیعیان بشمار میروند را ترک نمایند .

مدفونین در بقعه کوچک و حوالی مقبره مرحوم سید حجة الاسلام

پس از وفات مرحوم سید حجة الاسلام و اولاد و اعقاب ایشان و مدفون گردیدن

ص: 149

آنها در این بقعه این محل یکی از مزارات مورد توجه مؤمنین و مقدسین قرار گرفت و عده زیادی از علماء و طلاب و تجار و بستگان و متعلقان این سلسله در حوالی آن مدفون گردیدند اینک بذکر اسامی چند نفر اشاره می شود :

- 1- آقا سید ابراهیم موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام
- 2- حاج میرزا بهاء الدین فرزند آقا سید محمد علی صدر معروف به آقا مجتهد
- 3- میرزا محمد تقی موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام مدفون در رواق مسقف جلو بقعه
- 4- ملا محمد تقی بن ملا محمد شفیع خوئی مدفون در مقبره کوچک در دالان بیسجل
- 5- شیخ محمد حسن بن شیخ عباس بن شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی متوفی بسال 1323 مدفون در مقبره کوچک .
- 6- آخوند ملا محمد حسین بن مولی علی اکبر خونساری مدفون در مقبره کوچک .
- 7- حاج میرزا محمد حسین زواره ای فرزند میر سید محمد طباطبائی
- 8- ملا محمد شفیع خوئی فوت 1265 مدفون در مقبره کوچک .
- 9- آقا عبد الحسین امین العلماء فرزند ملا محمد شفیع متوفی بسال 1293 مدفون در جنب پدر
- 10 - ملا علی محمد گلپایگانی
- 11- آقا لطفعلی زاینانی از شاگردان سید حجة الاسلام متوفی بسال 1262
- 12- آقا وجه الله فرزند حاج میرزا بهاء صدر .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 10) بخلاصه می نویسد :

پس از مرحوم حجة الاسلام رساله مرحوم استاد (آقا سید ابراهیم قزوینی فرزند آقا سید محمد باقر موسوی) را در قزوین چاپ کردند کفایت همان شهر نکرد دوباره همان رساله را بیچاپ رساندند در میان چاپ آن جناب وفات یافت (فوت 1262) پس از وفات آن بزرگوار مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجفی اعلی الله مقامه علم اشتهار بر افراخت (و از آن پس نوبت به مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری رسید).

مرحوم آقا سید ابراهیم قبل از فوت مرحوم حجة الاسلام در نجف مرجعیت علمی و تدریسی داشت و قریب هزار نفر از بزرگان علماء و مجتهدین بدرس ایشان حاضر می شدند و در مجلس درس شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام شصت یا هفتاد نفر می نشستند و در مجلس درس شیخ مرتضی اعلی الله مقامه تا بیست نفر تقریباً جمع می شدند .

ص: 151

مقدمه :

ذکر یک حدیث:

در عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند :

« النظر الى ذریتنا عباده » نگاه کردن به اولاد و ذریه ما عبادت است

راوی گفت : النظر الى الائمة منكم أو النظر الى ذرية النبی صلی الله علیه و آله و سلم ؟ فقال علیه السلام : بل النظر الى جميع ذرية النبی صلی الله علیه و آله و سلم عبادة مالم يفارقوا منهاجه ولم يتلوثوا بالمعاصی .

حسین بن خالد (راوی حدیث) پرسید که آیا دیدار امامان عبادت است یا دیدار همه اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ؟ حضرت در جواب فرمودند : بلکه نگرستن به تمام اولاد رسول خدا علیه السلام عبادت است تا زمانی که از راه

ص: 152

خارج نشده باشد (از راه امامت یعنی شیعه باشد) و خود را الوده به گناه ننموده باشد.

در این فصل نام اولاد پسر و دختر مرحوم سید حجة الاسلام و اجمالی از شرح حال هر یک از آنان و برخی از اعقاب و اخلافشان ذکر می شود .

از اعقاب مرحوم سید بنام کسانی اشاره می شود که اهل علم و دانش بوده و حتی المقدور از زنده ها بمناسباتی که ذکر آن لزومی ندارد نام برده نمیشود .

شاید عده ای این فصل را زائد بدانند و ممکن است بعضی از فضلاء نیز همین عقیده را داشته باشند و آنرا غیر ضروری قلمداد کنند اما بنظر نویسنده و همچنین بسیاری از صاحبان کتب تراجم بیان این فصل و شرح و توضیح هر چه بیشتر درباره آن نه تنها لازم است بلکه شرط کمال زندگینامه و ضروری است .

تعداد اولاد مرحوم سید حجة الاسلامی

آنچه از کتابها و مطلعین از خاندان مرحوم سید حجة الاسلام بدست می آید مرحوم سید حجة الاسلام جمعاً سیزده نفر اولاد از پسر و دختر بدین شرح داشته است

1- آقا سید ابوالقاسم

2- حاج سید اسد الله

3- حاج سید جعفر

4- آقا سید زین العابدین

5- آقا سید عبد الله

6- حاج سید محمد علی

7- آقا سید مؤمن

ص: 153

8- آقا میر محمد مهدی

9 - آقا سید هاشم

10- آقا سید هاشم

و اما دختران مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام

1- زوجه آقا سید محمد صادق کتابفروش حسینی . بنام گوهر سلطان . 2- زوجه آقا سید محمد علی عاملی معروف به آقا مجتهد . بنام زینب بیگم .

3- زوجه آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی)

اینک شرح حال هر یک از آنان

1- سید ابو القاسم

علامه طهرانی در الکرام البرره (صفحه 51) می نویسد :

از علماء بارع و پس از وفات پدر مرجع امور در اصفهان بوده و سالها قبل از فوت برادرش مرحوم حاج سید اسد الله (سال 1290) وفات یافته است .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 1619 پنجم) می نویسد : در حاشیه « هدایة الانام : 44 » وفاتش را در 28 صفر سنه 1262 نوشته

حجة الاسلام حاج شیخ علی نمازی شاهرودی در کتاب : مستدرک سفینة البحار (ص 205 پنجم) در ضمن وقایع سال 1262 وفات مشار الیه را نوشته است و گوید : وفیه فی 28 صفر توفی السید الجلیل ابو القاسم بن حجة الاسلام الرشتی . انتهى

حجة الاسلام نمازی در روز 2 ذی حجه سال 1405 در مشهد مقدس بمرض سرطان وفات یافته در یکی از اطاقهای صحن نو مدفون گردید رحمة الله علیه

ص: 154

شرح حال آن مرحوم در خاتمه این کتاب مفصلاً بیان خواهد شد .

مرحوم حاج سید اسد الله از دختر علامه فقیه حاج ملا علی بن حاج میرزا خلیل طهرانی و زوجه ای دیگر پنج فرزند (یک پسر و چهار دختر) یافت بدین شرح

1- حاج سید محمد باقر دوم معروف به حاج آقا

2- زوجه آقا محمد ابراهیم قزوینی .

3- زوجه آقا سید محمد باقر معروف به آقا محمد عماد الاسلام فرزند حاج سید جعفر

4- زوجه آقا شیخ عبد الجواد فرزند آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی)

5- زوجه مرحوم آقا سید ابو جعفر صدر بطوریکه علامه طهرانی در الکرام البرره می نویسد و ظاهراً اشتباه باشد بطوریکه فرزندان مرحوم آقا سید ابو جعفر اظهار بی اطلاعی می کنند .

شرح حال آنان بعداً نوشته میشود .

3- حاج سید جعفر

از رؤساء علماء اصفهان در محله بید آباد پس از فوت آقا سید مؤمن ریاست و عنوان کلی یافته و در مسجد سید تعمیراتی اساسی و قسمت عمده کاشیکاری در زمان تولیت ایشان بوده است

در عاشوراء سال 1320 در مسافرت عتبات در کربلا وفات یافته در نجف اشرف در جنب برادر مدفون گردید.



مرحوم حاج سید محمد جعفر فرزند مرحوم سید بزرگ
مرحوم حاج سید جعفر دارای ۳ فرزند پسر و ۹ دختر از زنهای متعدد بوده
بدین شرح :

۱ - آقا میرزا هاشم که در زمان حیات پدر وفات یافته و در نجف در جنب
حاج سید اسدالله مدفون گردید .

۲ - حاج آقا حسن ملاذالاسلام .

- ۱۵۶ -

مرحوم حاج سیاد محمد جعفر فرزند مرحوم سید بزرگ

مرحوم حاج سید جعفر دارای ۳ فرزند پسر و ۹ دختر از زنهای متعدد بوده بدین شرح:

۱- آقا میرزا هاشم که در زمان حیات پدر وفات یافته و در نجف در جنب حاج سید اسدالله مدفون گردید .

۲- حاج آقا حسن ملاذالاسلام.

3- سید محمد باقر معروف به آقا محمد عماد الاسلام.

و اما دختران :

1- زوجه آقا میر سید محمد طباطبائی زواره ای مادر مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای .

2- زوجه مرحوم حاج میرزا عبدالرزاق رشتی .

3- زوجه مرحوم آقا شیخ محمد حسین جویباره ای .

4- زوجه مرحوم آقا سید محمد تقی کتایی .

5- زوجه مرحوم آقا میرزا علیرضا کتایی .

6- زوجه مرحوم () مادر آقای حاج میرزا علی آقا جعفری .

7- زوجه مرحوم () مادر مرحوم آقا میرزا محمد تقی کابلی از عموزادگان مرحوم حجة الاسلام .

8 و 9- دو دختر که شوهر انتخاب نکردند.

4- آقا سید زین العابدین

عالم و فاضل بوده و در شورش مردم اصفهان در سال 1265 هجری که مردم بی پناه بدو پناه بردند از دستگاه حکومت ظلم ها کشیده و ستمها دیده است .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 589 دوم) در باره او می نویسد :

از اهل فضل و براعت و علم و کمال و شهرت و وجاهت و اعتبار بوده و قبل از برادرش حاج سید اسدالله (1290) وفات یافته است .

در تذکرة القبور (ص 146 رجال اصفهان) می گوید : قبر میرزا زین العابدین جلوقبر سید حجة الاسلام رو به دم ارسی قرار دارد . در المآثر والاثار (ص) می گوید از علماء معتبر اصفهان بود و این

ص: 157

مطلب را صاحب تکمله نجوم السماء (ص 368 یکم) عیناً نقل نموده است .

مرحوم آقا سید زین العابدین صاحب سه فرزند بوده بدین شرح :

1- میرزا ابوالفضل معروف به آقا جان .

2- زوجه آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی (کرباسی).

۳- زوجه آقا سید ابو جعفر بن سید صدرالدین عاملی . مادر آقا میر سید علی خادم الشریعه .

مرحوم آقا میرزا ابو الفضل در موقع شورش مردم اصفهان علیه حاکم ستمگر و پناه آنان به اولاد مرحوم سید حجة الاسلام به احتمال دینداری شاه و وزیر (محمد شاه - حاج میرزا آقاسی) و بست نشستن آنها در مسجد سید که شرح آن اجمالاً در فصل مربوطه نوشته شد از مأمورین دولت اهانت دید و اذیتها کشید که بیان آن موجب ملالت خاطر خوانندگان دیندار خواهد شد.

وی پس از وفات در بقعه مرحوم سید حجة الاسلام پشت سر پدر مدفون گردید.

5- آقا حاج سید عبدالله

مؤلف تکمله نجوم السماء (ص 128 یکم) در ضمن شرح حال سید اسماعیل طباطبائی اصفهانی می نویسد:

خواهرش در حباله عقد حجة الاسلام آقا سید محمد باقر رشتی بوده و حاج سید عبدالله فرزند آقا سید محمد باقر خواهر زاده آنجناب بوده

مرحوم حاج سید اسد الله دستور چاپ کتاب حقایق الاصول تألیف حاج ملا عبدالرحیم نجف آبادی را داده و پس از طبع مرحوم آقا سید عبدالله طبق وصیت مرحوم نجف آبادی مؤلف سیصد مجلد آنرا وقف بر طلبه علوم نموده تاریخ

ص: 158

بنا بر این مؤلف کتاب بین سالهای 1286 و 1289 وفات یافته و مرحوم حاج سید عبدالله تا این تاریخ در قید حیات بوده و ظاهراً بدستور مرحوم حاج سید اسد الله کتابها را وقف نموده است .

مرحوم حاج ملا عبدالرحیم بن علی نجف آبادی از رؤساء علماء و فقهاء و از شاگردان شریف العلماء بوده در سال 1279 جهت مرحوم حاج شیخ عبد النبی تویسرکانی مؤلف لثالی الاخبار اجازه مرقوم داشته که در آخر آن کتاب با اجازه حاج محمد جعفر آبادهای جهت همو بیچاپ رسیده است .

6- حاج سید محمد علی

در تذکره القبور (ص 148 رجال اصفهان) می نویسد :

از اهل علم و فضل بوده و صبح مسجدسید را امامت داشته نقل عبادت و تقوی از او می شود . قبرش در جنب قبر آقا میر محمد مهدی است .

مرحوم حاج سید محمد علی دارای پنج فرزند پسر بشرح زیر بوده است .

1- آقا سید ابو الحسن پدر آقا سید حسین شفتی ساکن طهران و آقا سید فرج الله ساکن قم و مدفون در آنجا .

2- آقا سید ابو القاسم پدر آقا حسین موسوی بید آبادی معروف به پدرجان

3- آقا سید علی

4- آقا سید مهدی مؤلف کتاب غرقاب

5- آقا سید محمد

در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه ای بشماره (1995) می باشد شامل چهار رساله از تألیفات مرحوم حاج سید محمد علی صاحب عنوان بدین شرح:

ص: 159

1- اتلاف العبد مال المولى و جنایته علیه

2- الصلاة فى مكان المغصوب

3- شرح شرایع الاسلام محقق اول

4- شرح لمعه دمشقیه

در ضمن این مجموعه صورت اجازه مرحوم آقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام جهت مرحوم حاج سید محمد علی نقل گردیده و از رساله شرح لمعه مستفاد میشود که آنها تقریرات استادش مرحوم صاحب جواهر می باشد و دو رساله دوم و سوم در سال 1263 در نجف اشرف نوشته شده است . (ص 366 پنجم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم)

7- آقا سید مؤمن

در تذکرة القبور (ص 148 رجال اصفهان) گوید :

از اهل علم و فضل بوده است و بعد از مرحوم حاج سید اسد الله مرجع ریاست بید آباد و امام مسجد و پناه خلق و با علم و فضل بوده و تدریس هم داشت بعد از مرحوم حاج سید اسد الله او اعلم از سایر اولاد سید بوده است.

قبرش طرف پائین پای سید است قدری رو بجلو و سنگ و نشانی کمی بالاتر قرار گرفته است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 117) درباره او می نویسد :

بزرگواری در علم و تقوی مشهور و بصلابت در دین مذکور چون مادر آن حضرت حبشیه بوده رنگ بشره ایشان بسواد دیده و سوبدای قلب مینمود .

روزی ظل السلطان تعریضاً بحضرتش اظهار نمود که : چه شد که حجة الاسلام بتاریکی تیر انداختند فوراً (در جواب) فرمود تا عالمی را روشن سازد

ص: 160

در المآثر والاثار (ص 184) گوید: از عظماء علماء اصفهان بود و مؤلف تکمله نجوم السماء (ص 400 یکم) نیز عین عبارت المآثر والاثار را نقل نموده است.

مرحوم آقا سید مؤمن دو فرزند پسر داشته است:

1- آقا سید عبد الرحیم دارای 3 فرزند پسر اول مرحوم آقا جمال الدین داماد مرحوم حاج آقا مجلسی فرزند سید ابو جعفر صدر دوم - آقا سید حسن از علماء ساکن مورچه خورت سوم - آقا محمد پدر آقا سید محمد باقر موسوی

2- آقا سید عبد الله پدر مرحوم آقا سید عبد الحسین و دختری که زوجه مرحوم آقا کمال الدین خونساری فرزند ملا حسین بن ملا علی اکبر بن ملا ابراهیم خونساری بود.

8- میر محمد مهدی

در تذکرة القبور (ص 146 رجال اصفهان) می نویسد:

پسر بزرگ مرحوم سید حجة الاسلام و از اهل علم و فضل بوده.

قبرش دم ارسی رو بمسجد که قدری بلند بسته است واقع شده است.

وی دارای یک فرزند پسر بنام: سید عبدالوهاب

و یک دختر بوده که زوجه مرحوم آقا سید ابو جعفر صدر دومین فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین محمد عاملی بوده است (ص 1619 پنجم مکارم الاثار)

9- آقا سید هاشم

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 138) می نویسد:

سید حجة الاسلام هیچگاه در نماز دچار شک و سهو نشد مگر در روز وفات

ص: 161

فرزندش سید هاشم عین عبارت او چنین است :

گویند که حجة الاسلام در این مدت که بمسجد نماز جماعت میگذارد هرگز در نماز سهو نکرد مگر یک روز که فرزندش سید هاشم وفات کرده بود در آن روز در وقت ظهر در نماز سهو کرد (انتهی)

بیشتر از این از حالات این فرزند آگهی نداریم و بطور احتمال مشار الیه در سنین کودکی یا جوانی وفات یافته و در اصفهان مدفون گردیده است .

فوت او قبل از سالهائی است که مرحوم تنکابنی در اصفهان تحصیل مینموده است و آن سالهای آخر عمر مرحوم سید حجة الاسلام بوده است (مرحوم تنکابنی در سال 1260 یعنی سال وفات مرحوم سید حجة الاسلام در اصفهان بوده است)

10- آقا سید هاشم

مؤلف دانشمند و بزرگوار کتاب نفیس و ارزشمند : آثار ملی اصفهان آقای ابو القاسم رفیعی مهر آبادی در کتاب نامبرده (ص 193) بنقل از کتاب : جغرافیای اصفهان (ص 96) می نویسد :

آقا سید هاشم بن حجة الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی بید آبادی متوفی پیش از (1293 ه. ق) از مجتهدان عصر خود بوده است .

تا کنون بیشتر از این از حالات مشار الیه آگهی نداریم و به احتمال قوی او نیز یکی از مدفونین در بقعه مرحوم سید حجة الاسلام می باشد و بطن قوی مرحوم حاج سید جعفر برای احیاء نام این برادر دانشمند خود نام اولین فرزند خود را « هاشم » قرار داد و العلم عند الله تبارک و تعالی

و باز میتوان از روی قرائن حدس زد که تولد او پس از وفات فرزند دیگر

ص: 162

مرحوم سید حجة الاسلام « سید هاشم » بوده است و اینها احتمالات است و تا دلیلی قاطع بر صحت آن بدست نیاید نمیتوان درباره درستی و نادرستی آن قضاوت نمود .

و اما دختران مرحوم سید حجة الاسلام علیه الرحمة والرضوان :

11- گوهر بیگم (سلطان)

زوجه مرحوم آقا سید محمد صادق حسینی معروف به کتابفروشی زنی فاضله و عابده بوده و فی الجملة تحصیلاتی نموده شرح حال شوهرش در ضمن اسامی شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام ذکر گردید .

مرحومه گوهر سلطان از این شوهر سه فرزند برومند بهم رسانید :

1- میرزا علیرضا

عالم فاضل داماد مرحوم حاج سید جعفر شفتی پدر مرحوم حاج آقا هلال الدین کتابی پدر دانشمند بزرگوار آقای حاج آقا

بدر الدین

کتابی از فضلاء معروف اصفهان متولد در 1330 قمری و مؤلف کتب عدیده از آنجمله 1- ترجمه آداب المتعلمین منسوب به خواجه طوسی

2- ترجمه اخلاق تألیف پیرزانه 3- ترجمه بسوی اصفهان نوشته پیرلوتی 4- ترجمه پیرامون سیره نبوی نوشته دکتر طه حسین سه مجلد 5- ترجمه فروغ خاور در زندگانی و آئین بودا نوشته هرمان الدنبرک 3 مجلد 6- مقالات زیادی در مجلات اصفهان و غیره

2- حاج سید محمد تقی

عالم فاضل داماد مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی (دائی خود) سه فرزند پسر از این مخدره یافته : 1- حاج میرزا ابوالفضل کتابی داماد مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام 2- حاج میرزا محمد صادق کتابی داماد مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام مسجد شاهی

مرحوم حاج میرزا ابوالفضل دارای دو فرزند پسر بنامهای : مهندس علیرضا

ص: 163

کتابی و دکتر محمد کتابی می باشد و اما مرحوم حاج میرزا محمد صادق دارای چهار فرزند پسر بنامهای: مرحوم آقا میرزا محمد علی - دکتر محمد باقر محمد تقی - محمد حسین می باشد

3- آقا علاء الدین که فرزند پسر نداشته و فقط یک دختر از او مانده است .

۳- حاج سید محمد جواد

کتابی متوفی بسال 1338 دارای سه فرزند پسر بنامهای: آقا میرزا ابو الحسن کتابی 2- آقا میرزا محمد حسین 3- آقا میرزا محمود رحمة الله عليهم اجمعين

خاندان کتابی از قدیم الایام تاکنون بفضل و دانش و زهد و تقوی شهرت داشته و دارند .

12- زینب بیگم

زوجه آقا سید محمد علی اقامجتهد فرزند آقا سید صدر الدین محمد موسوی عاملی

مادر مرحوم آقا مجتهد دختر شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء نجفی و موسوم به جان جان خاتون بوده است

شرح حال آقا مجتهد در ضمن شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام ذکر گردید.

مرحومه زینب بیگم زنی عاقله و عالمه و فاضله بوده و از مرحوم آقا مجتهد به فرزند بنامهای :

1- آقا میرزا بهاء الدین 2- رباب سلطان بیگم 3- فاطمه سلطان بیگم آورد

و اما مرحوم آقا میرزا بهاء الدین سید جلیل و فاضلی کامل و شاعر و ادیب

ص: 164

بوده و در شعبان سال 1321 بمرض سکه وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون گردید فرزند او مرحوم آقا وجه الله نیز سیدی ساده لوح وفاضل بود و بعد از سال 1345 بلا عقب وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون شد رحمة الله علیهما .

دختر مرحوم آقا میرزا بهاء الدین عیال آقا میرزا سید حسن مدرس فرزند آقا میر محمد تقی مدرس میر محمد صادقی بود،

واما رباب سلطان مشار الیها زوجه مرحوم حاج شیخ محمد حسین فرزند حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی بوده و مرحوم علامه فقیه آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی از او متولد گردیده است . (و دو دختر)

و دومین دختر مرحوم آقا مجتهد فاطمه سلطان (جان) بیگم زوجه مرحوم شیخ محمد حسین طریحی حلی بوده است و فرزندش مرحوم آقا نجم الدین طریحی که فاضلی ادیب بود و در مدرسه میرزا مهدی حجره داشت و درس نیز می گفت عالمی ساده لوح وصادق (ساده) بود و بعد از سال 1350 وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید . فرزندانش در اصفهان ساکن و به مشاغل گوناگون گرفتارند.

13-مرحوم کلباسی

زوجه مرحوم آقا محمد مهدی

کلباسی (کرباسی) فرزند حاجی کلباسی اعلی الله مقامهما

مشار الیها نیز چون دو خواهر خود زنی عالمه وفاضله و عابده بوده و از مرحوم کلباسی چهار پسر و دختر یافت بشرح زیر : (ص 77 یکم نقباء البشر)

1- مرحوم آقا شیخ ابو القاسم شیخ العراقین کلباسی نجفی

2- مرحوم میرزا محمد حسین .

ص: 165

3- مرحوم آقا میرزا عبد الجواد .

4 - مرحوم آقا میرزا محمود .

شرح حال هر یک از آنان بعداً نوشته خواهد شد .

زوجات مرحوم سید حجة الاسلام

بطور یقین از تعداد زوجات مرحوم سید حجة الاسلام و تعداد و اسامی اولادان هر یک از آنها آگاهی نداریم اما آنچه از روی قرآن و شواهد و اطلاعات متفرقه بدست می آید آنست که :

مرحوم سید حجة الاسلام از سه عیال دارای فرزند بوده است بدین شرح :

۱- خواهر آقا سید اسماعیل زواره ای مادر آقا سید عبدالله که مؤلف تکمله نجوم السماء در کتاب نامبرده (ص 128 یکم) در ضمن شرح حال آقا سید اسماعیل اشاره بآن می کند.

2- دختر میرزا کاظم بن سید رضا طباطبائی زواره ای اصفهانی مدفون در مقبره آب بخشان در جنب قبر مرحوم سید زاهد آقا سید ابراهیم حسینی ساوجی اصفهانی معروف به مقدس .

۳- عیالی حبشیه ای مادر مرحوم آقا سید مؤمن علیه الرحمة ،

مرحوم سید حجة الاسلام جمعاً از این سه عیال (و شاید عیالاتی دیگر) سیزده فرزند یافته ده نفر پسر و سه دختر اسامی آنان بشرحی است که قبلاً نقل گردید و غیره از آقا سید عبد الله و آقا سید مؤمن مادر هیچ یک را نمی شناسیم .

ص: 166

(در متسبین به مرحوم سید حجة الاسلام)

(نوادگان - دامادها - بنی اعمام)

آقا محمد ابراهیم قزوینی

از علماء و فضلاء ساکن اصفهان و داماد مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی بوده و بعد از سال 1290 یعنی سال وفات مرحوم سید ثانی بلا عقب وفات یافته احتمالاً در قبرستان آب بخشان مدفون گردید از شرح حال و نسب او فعلاً هیچگونه اطلاعی نداریم جز آنکه :

مرحوم معلم حبیب آبادی در ضمن شرح حال مرحوم حاج محمد ابراهیم قزوینی عالم معروف در مکارم الاثار (ص 1640 پنجم) بنقل از مرحوم حجة الاسلام حاج آقا کمال الدین قزوینی می نویسد :

مرحوم قزوینی دارای یک فرزند پسر بنام حاج آقا محمد و یک دختر بوده . مرحوم حاج آقا محمد دارای سه فرزند پسر بنامهای : 1- آقا محمد ابراهیم

2- آقا محمد جواد 3- آقا محمد خلیل بوده که آقا محمد جواد دارای دو فرزند پسر بنامهای: 1- حاج آقا باقر 2- حاج آقا کمال الدین بوده است.

نویسنده گوید: محتمل است که آقا محمد ابراهیم قزوینی صاحب عنوان فرزند حاج آقا محمد بوده باشد

موضوع قابل تحقیق و بررسی است که باید مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.

آقا محمد ابراهیم و آقا محمد خلیل هر دو بدون اولاد بوده اند.

سید ابراهیم کابلی

فرزند سید ابوالحسن موسوی عالم فاضل از بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام و مورد توجه و عنایت مخصوص آن مرحوم و از طرف ایشان سرپرست و ناظر قسمتی از بنائی مسجد سید بوده است.

در اشعاریکه میرزا محمد حسین هلال شاعر در ماده تاریخ اتمام بنای ساختمان مسجد سید گفته و در بالای اسپرهای طرفین ایوان جنوبی مسجد کتیبه شده در شعر چهارم که گوید:

سزد گر کعبه اش خوانی که شد سر کار اتمامش

سمی زاده آزر سلیل خواجه کیهان

مراد از «سمی زاده آزر» همین آقا سید ابراهیم می باشد.

مشار الیه تا سالهای پس از وفات مرحوم حجة الاسلام حیات داشته و پس از فوت در مقبره کوچک در انتهای دالان شمال شرقی مدفون گردید. ظاهراً وفات او در سال 1274 می باشد.

مرحوم آقا محمد (سید محمد باقر معروف به آقا محمد) عماد الاسلام فرزند مرحوم حاج سید جعفر در آخر نسخه ای از کتاب: هدایة السالکین فی

احادیث الائمة الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین (ص 198 نسخه خطی کتابخانه نویسنده سطور) که بخط مرحوم آقا میرزا محمد علی کابلی است و در سال 1316 تألیف و کتابت آن بپایان رسیده شرحی در علت شهرت او به کابلی مرقوم داشته است .

شرح آن در ضمن بیان حالات مرحوم آقا میرزا محمد علی موسوی کابلی نوشته میشود .

مرحوم آقا سید ابراهیم دارای دو فرزند پسر بنامهای : 1- سید ابو الحسن مدفون در قریه هاردنگ از بلوک لنجان در دامنه کوه جنب امامزاده هادی 2 - سید عبدالرحیم بوده است.

شیخ محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

فرزند شیخ علی بن میرزا محمد حسین بن آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (از اسباط سید حجة الاسلام)

علامه طهرانی در تقباء البشر (ص 18 یکم) می فرماید :

در سال 1322 در نجف متولد گردیده و از محضر درس میرزای نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی بهره مند شده و تقریرات اصولی مرحوم نائینی و تقریرات ققهی مرحوم عراقی رانوشته و آنرا هدایة المسترشدين نام نهاده و همچنین ویرا کتابی است بنام : درر المقال در شرح درایه ورجال .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 135 هشتم) می نویسد :

درر المقال فی علمی الدراية و الرجال تألیف شیخ محمد ابراهیم کلباسی نجفی و آن تقریرات درس استادش سید ابی تراب خونساری متوفی در 9 جمادی الاولی 1346 می باشد

ص: 169

فرزند علامه فقیه رجالی مرحوم آقا سید صدر الدین محمد عاملی .

مادرش جان جان خاتون دختر شیخ کاشف الغطاء بوده و خود در حدود سال 1245 در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمندی خود و مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و جمعی دیگر از بزرگان تلمذ نموده و بطوریکه علامه طهرانی در نقباء البشر (ص 31 یکم) می نویسد بعضی از تألیفات خود را بنظر سید استاد رسانیده و آن مرحوم تقریظی بر آن نوشته و از صاحب عنوان مدح و ثنای زیادی نموده است .

مرحوم آقا سید ابو جعفر از علماء محترم اصفهان بوده و در محله چهارسوق درب شیخ از متفرعات محله بیدآباد سکونت داشته و در 14 صفر سال 1324 در این شهر وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید و بعداً فرزندش مرحوم حاج آقا مجلسی برای او تکیه و بقعه بنا نهاد و جمعی از فرزندان و اعقابش در بقعه و خارج آن مدفون می باشند .

وی دو دختر از اعقاب سید حجة الاسلام را (یکی پس از وفات دیگری) در حباله نکاح در آورده :

1- دختر مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی بنابر آنچه علامه طهرانی در نقباء البشر (ص 31 یکم) می نویسد :

2- دختر مرحوم آقا سید زین العابدین بید آبادی

و از ایندو وزنانی دیگر جمعاً هشت فرزند پسر و چندین دختر یافته

1

1- آقا نور الدین داماد حاج شیخ محمد حسین نجفی شوهر رباب بیگم دختر آقا مجتهد موسوم به خانم آقا

ص: 170

2- آقا صدر الدین داماد حاج شیخ محمد حسین نجفی شوهر رباب بیگم دختر آقا مجتهد موسوم به آغا بی بی

3- آقا سید علی از دختر مرحوم آقا سید زین العابدین بید آبادی

4 - حاج آقا حسن

5 - حاج آقا شمس الدین

6- حاج آقا حسین

مادر ایندو (حاج اقا شمس الدین و حاج اقا حسین) دختر مرحوم صدر الاسلام نصیری بوده است .

7- (@@)

8- (@@)

سید ابو الحسن موسوی

فرزند حاج سید محمد علی فرزند سید حجة الاسلام شفتی

از علماء و فضلاء بوده و در اصفهان خدمت جمعی از دانشمندان این شهر تلمذ نموده سر انجام در سال 1320 وفات یافته است

فرزند آقا سید محمد حسین از علمای ساکن طهران و به شفتی معروفست اولادش در طهران ساکن می باشند

فرزند دیگرش آقا فرج الله در اواخر عمر در قم ساکن بوده و هم در آنجا بدون اولاد وفات یافت .

میرزا ابو الفضل بید آبادی

فرزند حاج میرزا زین العابدین فرزند مرحوم سید حجة الاسلام شفتی معروف

ص: 171

به آقا جان بوده و در قضایای شورش مردم اصفهان در سال 1265 گرفتار مصائب زیادی شده ورنجها کشیده و شرح اجمالی آن را در خاتمه کتاب در ضمن شرح حال مرحوم سید حجة الاسلام ثانی حاج سید اسد الله بیان خواهیم نمود.

در این جا بطور اجمال گوئیم آنچه بنی امیه لعنهم الله اجمعین نسبت به اسراء اهل بیت علیهم السلام پس از وقعه کربلا انجام دادند مأمورین حکومت محمد شاه و حاج میرزا آقاسی نسبت به حاج سید اسدالله و آقاسید زین العابدین و میرزا ابوالفضل و دیگران از اصحاب و یاران حاج سید اسدالله انجام دادند.

در تذکرة القبور (ص 146 رجال اصفهان) گوید: قبرش دم در ارسی رو بمسجد جنب قبر عمومی خود آقا میر محمد مهدی است.

حاج میرزا ابوالقاسم کلباسی

معروف به: شیخ العراقین فرزند آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) در اصفهان از دختر سید حجة الاسلام بدنیا آمده و مقدمات علوم را در این شهر نزد علماء و فضلاء فرا گرفته سپس جهت تکمیل مراتب علمی به اعتاب مقدسه رهسپار شده و در آنجا خدمت علامه انصاری حاج شیخ مرتضی و پس از وفات او خدمت علامه شیخ محمد حسن کاظمینی تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم و فقاهاست رسید.

مرحوم شیخ العراقین عالمی بزرگوار و صاحب اخلاق حسنه و مورد قبول و توجه علماء نجف اشرف بوده و در آن ارض مقدس در سال 1308 یعنی سال وفات استادش مرحوم کاظمینی وفات یافته و مدفون گردید فرزندش مرحوم میرزا اسماعیل نیز از فضلاء بوده است.

ویرا آثار علمیه ای است از آنجمله: 1- شرح بر اصول پدرش در چندین

مجلد 2 - کتاب الصلوة و آن کتابی بزرگ است و در آن از استاد خود مرحوم شیخ انصاری زیاد نقل می کند . (نقباء البشر ص 76 یکم و صفحه 182 شخصیت و زندگانی شیخ انصاری)

حاج میرزا ابوالمعالی کلباسی (محمد)

کوچکترین اولادان مرحوم حاجی کلباسی (کرباسی) اعلی الله مقامهما . عالم عامل و فقیه کامل عابد زاهد متقی در شب چهارشنبه 7 شعبان سال 1247 متولد و در چهارشنبه 27 ماه صفر سال 1315 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون گردید که بنام خود انجناب شهرت دارد .

شرح حال آن بزرگوار در بسیاری از کتب تراجم رجال بطور تفصیل و یا اجمال نوشته شده و عموماً مراتب علم و فضل و تقوای او را ستوده اند . مرحوم مولی عبد الکریم جزئی در تذکرة القبور (ص @@) می نویسد :

مراتب زهد و تقوی و اخلاق کامله و گوشه نشینی و کثرت اشتغال بفکر در علوم و نوشتن کتب علمیه از وی بیش از آنست که در این مختصر گنجد . مجلس آن مرحوم مصداق حدیث حواریین و حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام بود که عرض کردند: من نجالس ؟

حضرت عیسی علیه السلام در جواب فرمود: من یذکر کم الله رؤیته و یزیدکم فی العلم منطقه و یرغبکم فی الآخرة عمله .

مرحوم کلباسی تألیفات زیادی (متجاوز از پنجاه کتاب و رساله) در موضوعهای مختلف دارد که از آنجمله است : 1- رساله ای در استخراج 2- شرح زیارت عاشوراء 3- رساله در شرح احوال شیخ بهائی 4- رساله در شرح حال آقا حسین خونساری و غیره .

اساتید عمده او عبارتند از: آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی 2- آقا میر سید محمد شهشهانی .

وی دختر مرحوم آقا میرزایین العابدین فرزند سید حجة الاسلام را بزوجیت داشته و از آن سه فرزند بشرح زیر یافته است :

1 - حاج میرزا جمال الدین .

2- حاج میرزا کمال الدین معروف به ابوالهدی داماد آقا میر سید علی بن سید ابوجعفر .

3- دختری که زوجه مرحوم حاج میرزا احمد ملباشی فرزند میرزا سید محمد حسن بن محمد علی بن عبد الله حسینی تفرشی شیرازی اصفهانی متوفی در روز پنج شنبه 11 ربیع الثانی سال 1331 بوده .

(تذکره القبور - رجال اصفهان - مکارم الاثار - المآثر والاثار - نقباء البشر دانشمندان و بزرگان اصفهان - البدر التمام و برخی کتب دیگر).

حاج میرزا احمد ملا باشی (منجم باشی اصفهانی)

فرزند مرحوم میرزا محمد حسن (فوت 1298) فرزند میرزا محمد علی (فوت 1282) فرزند حاج میرزا عبد الله حسینی تفرشی اصفهانی .

در کتاب المآثر والاثار (ص 211) شرحی راجع به پدران او و مهارت و استادی آنان در نجوم و انتسابشان بخاندان خاتون آبادی نوشته و درباره صاحب عنوان گوید : پس از وفات پدر منصب و لقب منجم باشیگری یافته است (انتهی)

مرحوم حاج میرزا احمد عالم و فاضل ادیب و فقیه و منجم و در اصفهان مصدر امور شرعیه و عرفیه بوده و در نزد جمعی از بزرگان از فحول علماء همچون پدر خود و دیگران تلمذ نموده و بمصاهرت مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی مفتخر

ص: 174

گردیده و سرانجام در روز 5 شنبه 11 ربیع الثانی سال 1331 در اصفهان وفات یافته در داخل بقعه مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون گردیده سپس به اعتاب مقدسه حمل گردید .

از آثار مرحوم حاج میرزا احمد ساختمان بقعه تکیه مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی (کرباسی) در تخت فولاد اصفهانست

میرزا اسماعیل موسوی

از بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام و ساکن در اصفهان بوده است

نسخه ای از کتاب : تحریر اقلیدس از کتابهای مرحوم سید حجة الاسلام در نزد او امانت بوده و مشار الیه در پشت صفحه اول کتاب یادداشت نموده که :

امانت از عموزاده سید محمد باقر رشتی .

بنابر این مرحوم آقا سید اسماعیل از علماء ریاضی بوده است . نسخه تحریر اقلیدس در کتابخانه نویسنده سطور می باشد .

آگهی بیشتری از صاحب عنوان تاکنون نداریم .

حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی

فرزند مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و معروف به « حاج آقا » .

عالم فاضل از جمله ادباء و شعراء و فضلاء بوده پس از وفات پدر (سال 1290) باتفاق مادرش که دختر علامه فقیه زاهد حاج ملا علی بن حاج میرزا خلیل طهرانی بود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در حدیث جمعی از بزرگان اهل علم به تکمیل فضائل و معلومات خود پرداخته که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین (1273 - 1365) مؤلف کتاب : معارف الرجال (ص

ص: 175



آیت الله حاج سید محمد باقر شفتی

98 یکم معارف الرجال) و در فقه و اصول و کلام صاحب نظر گردیده و از علماء مورد توجه گردیده خانه او مجمع علماء و ادباء و شعراء گردیده و خود بفارسی و عربی در نهایت خوبی و روانی شعر میسروده و با جمعی از ادباء زمان همچون سید جعفر حلی و دیگران در مجلس انس خود مقطعاتی میسروده اند.

مرحوم حاج سید محمد باقر پس از فوت عموی خود مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی (1320) در اوایل مشروطیت به ایران مهاجرت نموده و مورد توجه و عنایت عموم طبقات بالاخص علماء و بزرگان واقع شده و در محله بیدآباد مرجعیت کلی یافته و منشأ خدماتی در مسجد سید از قبیل تعمیرات و تزئینات در داخل مسجد - نصب ضریح جهت قبر مرحوم سید حجة الاسلام و نصب ساعت برای مسجد و غیره گردیده در موقع استبداد صغیر و انقلاب ایران و اختلاف مستبدین و مشروطه خواهان مجدداً به نجف مهاجرت فرموده در سال 1333 بر حسب خواهش و اصرار مردم به ایران و اصفهان معاودت فرموده لکن پس از شش ماه (روز) که از ورود او گذشته در روز سوم ماه مبارک رمضان بمرض سکنه وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون گردید . رحمة الله علیه .

مرحوم حاج سید محمد باقر دوم دارای چهار فرزند پسر از زنهاى متعدد و یک دختر داشته باینقرار :

۱- مرحوم آقا سید محمد جعفر علم الهدی شفتی که پس از پدر مدتی در مسجد امامت نموده و بعداً ترک آن گفته در سال 1404 در طهران وفات یافت .

۲- حاج سید محمدرضا شفتی عالم فاضل متولی موقوفات مسجد سید و امام جماعت (شرح حالش بعداً نوشته میشود).

۳- سید محمد علی فرزندانش در مشاغل حساس دولتی انجام وظیفه می کنند وفقهم الله تبارک و تعالی .

۴- سید کریم .

۵- دختری که زوجه مرحوم حاج آقا جلال الدین حسینی کلشادی گردید.

(کتابخانه حاج سید محمد باقر)

(ثانی بیدآبادی در نجف اشرف) : دانشمند محترم آقای جعفر خلیلی در کتاب موسوعة العتبات المقدسه : قسم النجف (ج

ص: 177

2 ص (292) در ضمن بیان کتابخانه های خصوصی در شهر نجف به خلاصه می نویسد :

کتابخانه سید محمد باقر اصفهانی رشتی فرزند زعیب روحانی مرحوم حاج سید اسد الله ... پدرش ویرا جهت تحصیل به نجف فرستاد و او از علماء آن شهر گردید و بجمع کتاب میل و رغبت زیاد داشت و همه نوع وسائل نیز برای او فراهم بود بخصوص پس از فوت پدرش که کلیه عواید املاک موروثی او را جهت وی میفرستادند و او کتابهای نفیس و نادر الوجود زیادی فراهم آورد.

خانه او در جنب خانه شیخ جواهری کبیر (حاج شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام) و در پشت خانه آل زینی قرار داشت و خانه ای وسیع و بزرگ بود. روزها در آنجا مجمعی علمی و ادبی از علماء و شعراء زیر و جمعی دیگر تشکیل میشد :

سید جعفر حلی - شیخ جواد شیبی . شیخ عبد الکریم جزائری - شیخ هادی (بن) شیخ عباس وقتی که مرحوم حاج سید محمد باقر عازم معاودت بایران گردید باندازه بار چند قاطر از آنها را همراه خود به اصفهان آورده و بقیه را در سردابی در منزل قرار داد و برای آن پنجره ها درست کرده و جهت حفظ از آسیب موریانه آنها را با ماده ای بیالود .

پس از فوت مرحوم حاج سید محمد باقر کتابها را از سرداب خارج نموده و فروختند و در خانه فضلاء نجف متفرق گردید. تعداد کتابها را چندین هزار مجلد گفتند که بیشتر آنها از کتب خطی و نفیس و کمیاب میبود .

نمونه اشعار

نمونه ای از اشعار مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی :

در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گوید :

ص: 178

یا ابن عم النبی ای معال
لک فی أرفع المدائح تذکر
بعد ما أنزل الاله کتاباً
فیک لا یستطاع للقوم تنکر
و ثناء النبی فیک فابدی
یوم خم ثنی اناب و بکر
هو فی مطعم المعادین صاب
وهو فی مطعم الموالین سکر
أی فضل یزویه عنک معاد
أو تزوی شمس الضحی لوتفکر
کذب العاذلون فیک وقالوا
قول زور بهم یحاط ویمکر
قد اتوا منکراً فحسبهم الله
تعالی یوم المعاد و منکر
(ص 138 اول معارف الرجال)

سید محمد باقر عماد الاسلام

معروف به آقا محمد فرزند مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی عالم فاضل ادیب شاعر .

در حدود سال 1295 در اصفهان متولد گردیده و در نزد فضلالی این شهر تلمذ نموده و از ابتدای جوانی به تألیف کتب پرداخته از آنجمله : 1- فصول العلیه در آداب نماز شب در سال 1323 قمری بچاپ رسیده است 2- هدایة السالکین در اخبار ائمه طاهرین و آن شرح چهل حدیث است که صاحب عنوان آنها را ترجمه و شرح نموده و تألیف آن در جمعه 13 شهر محرم الحرام سال 1316 بی پایان رسیده است نسخه ای از آن بخط مرحوم آقا میرزا محمد علی کابلی در نزد نویسنده موجود است .

مرحوم عماد الاسلام گاهی شعری گفته و فخر تخلص مینموده و خویشتن را بفخر الشعراء وصف و ملقب نموده است .

مرحوم عماد الاسلام در سال 1340 قمری در شیراز وفات یافته و در شاه

چراغ حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه السلام مدفون گردید .

از آن مرحوم یک فرزند پسر بنام : آقا سید جعفر عمادی و سه دختر بجای ماند.

1- مرحوم آقا سید جعفر در سال 13@@ در قم وفات یافت .

2- زوجه مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی فرزند مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق .

3- زوجه مرحوم آقا مهدی طباطبائی در میانی .

4- زوجه مرحوم آقا میرزا علی محمد بن میرزا عبد الجواد کلباسی .

(نکته) :

مرحوم عماد الاسلام در آخر هدایة السالکین درباره وجه شهرت آقا سید ابراهیم کابلی به (کابلی) مطالبی مرقوم فرموده و در آنجا خویشتن بدینگونه نام برده است :

وانا العبد الذلیل الفاجر ابن محمد جعفر محمد باقر الموسوی الشفقی الرشتی المحلاتی الاصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه 1316 .

وجه انتساب به محلات را تاکنون ندانسته ایم .

سید محمد باقر موسوی

فرزند آقا سید محمد بن سید عبد الرحیم بن سید مؤمن بن سید محمد باقر حجة الاسلام

مرحوم صدر هاشمی در تاریخ جرائد و مجلات (ص 10 چهارم) می نویسد: (با اندکی تصرف)

روزنامه عراق در شهر اراک بمدیری و مؤسسی آقای باقر موسوی تأسیس شده و شماره اول آن در اول اسفند سال 1312 شمسی منتشر شده است . روزنامه در

ص: 180

چاپخانه ای که خود ایشان تهیه و تأسیس نموده و بنام (چاپخانه موسوی) دایر نموده بود چاپ میشده است .

مشار الیه پس از وقایع شهریور 1320 خورشیدی چاپخانه را بطهران منتقل نموده و روزنامه را در آن شهر منتشر میساخت

مرحوم صدر هاشمی درباره آقای سید محمد باقر موسوی می نویسد :

آقای موسوی جوانی است فعال و در امور چاپ و مطبعه کمال بصیرت را دار است .

حاج آقا حسن ملاذ الاسلام

فرزند مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی عالم فاضل . مشار الیه از علماء صاحب نفوذ و معتبر اصفهان و در محله بید آباد مرجعیت و ریاست کلی داشته و داماد مرحوم حاج شیخ محمد تقی مسجد شاهی معروف به ؛ آقا نجفی بوده و قبل از 1290 متولد گردیده و در 17 شعبان سال 1336 در سفر زیارت در مشهد مقدس وفات یافته در دارالحفاظ مدفون گردید (ص 183 دانشمندان و بزرگان اصفهان - تاریخ علمای خراسان صفحه 254)

مرحوم ملاذ الاسلام از دو دختر مرحوم آقا نجفی (پس از فوت زوجه @@ خود دختر دیگری از مرحوم آقا نجفی اختیار نمود) دو پسر و دو دختر پیدا کرد .

1- حاج میرزا محمد مهدی جعفری .

2- حاج میرزا محمد جعفری متوفای سال 1404 .

3- زوجه مرحوم حاج میرزا ابو الفضل بن میر محمد تقی کتابفروش (کتابی)

ص: 181

(تذکر):

دانشمند محترم حجة الاسلام حاج سید محمد باقر ساعدی خراسانی در ضمیمه تاریخ خراسان (254) ویرا تحت عنوان: اصفهان ملاذالانام ذکر نموده که صحیح آن ملاذ الاسلام می باشد.

فایده 1 و 2

(فائده 1): در جمادی الاولی سال 1324 جمعی از علماء اصفهان قراردادی بین خود منعقد ساختند و در آن استعمال امتعه خارجی و منسوجات آنان را منع کردند یکی از این علماء مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام بیدآبادی می باشد

(فائده 2): مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک (1254-1331) نایب الحکومه اصفهان که مردی ادیب و شاعر و مسلمان ووطن خواه و روشنفکر و ترقیخواه بود بیشتر از دیگران متوجه نقشه شوم استعمارگران در زیر پوشش تجارت و اقتصاد و زیانهای ناشی از این راه به مردم و مملکت و اسلام گردید او تاریخ هندوستان و دیگر مستعمرات ممالک خارجی و استعمارگر را خوانده و شنیده بود که راه نفوذ بیگانگان در داخله ممالک تجارت است و بعداً اسارت ب فکر چاره افتاد و برای بریدن یکی از دستاویزهای آنان به ایجاد و تأسیس شرکت اسلامییه همت گماشت (شرح این شرکت ووظائف آن و کارهای انجام شده بوسیله آن خارج از حوصله کتاب و بحث ما می باشد) تاریخ افتتاح شرکت روز ششم شوال 1316 بوده در این روز عده ای از علماء و تجار و محترمین شهر در منزل رکن الملک حضور یافته و پس از مطالبی که آن مرحوم درباره اوضاع دنیا و تجارت خارجیها و آثار مترتبه آن بیاد داشت اعلام داشت که شرکتی بنام شرکت اسلامییه جهت تهیه پارچه های داخلی در شرف تأسیس است و از حاضرین استمداد کرد مرحوم ثقة الاسلام حاج اقا نور الله مسجد شاهی با بیانات خود و سپس با خریدن تعداد زیادی از سهام

شرکت در این امر پیشقدم گردید سپس علماء و تجار و محترمین علی قدر مراتبهم از سهام شرکت خریدند .

از کارهای مرحوم رکن الملک یکی آن بود که درباره استعمال پارچه های وطنی در برابر پارچه های خارجی از علماء و مراجع تقلید نجف و کربلا و سایر اماکن و بلاد سؤالاتی نمود که عموماً جواب مساعد داده و فرمودند که با بودن هر چه مشابه داخلی استعمال منسوجات خارجی ممنوع بلکه حرام است برخی از این علماء عبارتند از : 1- آخوند خراسانی 2- شیخ الشریعه اصفهانی 3- حاج میرزا حسین نوری 4- حاج شیخ عبد الله مازندرانی 5- ملا محمد علی خونساری 6- ملا علی نهانندی 7- حاج سید عبدالحسین لاری و غیره .

دنباله اقدامات فوق در سال 1324 عده ای از علماء اصفهان انجمنی تشکیل داده و قراردادی در چندین ماده امضاء کردند که یکی از مواد آن مربوط به استعمال پارچه های بافت داخلی در برابر منسوجات خارجی و ترغیب و تحریص مردم در استعمال آن و منع استعمال امتعه خارجی بود اسامی این علماء برحسب حروف تهجی عبارت است از :

1- سید ابوالقاسم دهکردی 2- حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی 3- میرزا محمد باقر بروجردی 4- شیخ محمد تقی اقا نجفی 5- میرزا محمد تقی مدرس میر محمد صادقی 6- اقا محمد جواد قزوینی 7- حاج اقا حسن بید آبادی (ملاذ الاسلام) 8- آخوند ملا حسین (ابن جعفر فشارکی) 9- سید محمد رضا مسجد شاهی معروف به اقا میرزا 10- میرزا سلیمان خان رکن الملک 11- میرزا علی محمد (اژه ای) 12- شیخ مرتضی 13- حاج میرزا مهدی جویباره ای 14- حاج اقا نورالله (ثقة الاسلام) تاریخ ورقه 17 جمادی الاولی 1324 هجری قمری .

فرزند مرحوم آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

علامه طهرانی در نقباء البشر ص 662 (دوم) می نویسد: عالم جلیل و ورع صالح در مشهد حضرت رضا علیه السلام بوده و در سال 1285 به نجف مهاجرت فرموده و در آنجا دختر علامه فقیه آقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام را بزوجیت اختیار نموده و نزد جمعی از بزرگان علماء زمان همچون مرحوم شیخ محمد حسین کاظمینی تلمذ نموده در سال 1336 به مشهد مقدس مراجعت نموده و ریاستی و مرجعیتی کامل یافته در سال 1340 وفات یافته و در دار السیاده مبارکه مدفون گردید.

فرزندش مرحوم آقا شیخ علی نیز از علماء بود و در سال 1354 وفات یافته است.

آقا سید حسین موسوی بیدآبادی

فرزند مرحوم آقا سید ابوالقاسم بن حاج سید محمد علی بن حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بید آبادی علیهم الرحمة.

مرحوم آقا سید ابوالقاسم از فضلاء و علماء اصفهان بوده و ظاهراً در خدمت پدر بزرگوار و عم عالمقدار خود مرحوم حاج سید اسدالله و دیگر بزرگان اصفهان تلمذ نموده و احتمالاً پس از وفات در بقعه مرحوم سید حجة الاسلام مدفون گردیده است. مشارالیه داماد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل فرزند حاج میرزا زین العابدین فرزند مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

مرحوم آقا حسین در قبل از 1300 در اصفهان متولد گردیده و در نزد علماء اصفهان تحصیل نموده و اساتید ایشان مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی و آقا سید محمد باقر درچه ای و آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی و جمعی دیگر از بزرگان می باشند .

مرحوم آقا حسین عالم فاضل ظهرها در مسجد سید امامت میفرموده و در صبح و مغرب در مساجد محله لرها (مسجد حاج جمال) اقامه جماعت مینموده و مورد احترام و وثوق عموم اهل محل بود. و با همه سختیها که در دوره رضا خانی به اهل علم و روحانیون وارد میشد تحمل نموده و ترک مسجد و محراب نرمود و در شبهای 19 ماه مبارک رمضان در مسجد سید مراسم احیا پیا میداشت .

سرانجام در سال 1356 بسن قریب به هفتاد وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مرحوم بروجردی در خارج بقعه سمت جنوب مدفون گردید .

فرزند ایشان و وارث بالاستحقاق انجناب آقای حاج سید محمد تقی موسوی یکی از ائمه جماعت فعلی مسجد سید میباشند ایده الله تبارک و تعالی .

زوجه ایشان (مرحوم آقا حسین) دختر مرحوم آقا سید مهدی بن حاج سید محمد علی بن سید حجة الاسلام شفقتی بوده است.

شیخ محمد حسین جویباره ای

فرزند مولی محمد صالح بن مولی محسن بن مولی عبد الفتاح مازندرانی اصفهانی .

پدرش مولی محمد صالح از علماء و بزرگان اصفهان بوده و کتابهای : 1- اصول الفقه 2 - کواشف الحجب در اصول فقه در چندین مجلد از تألیفات اوست و در غره محرم 1285 بسن متجاوز از هشتاد سال در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه

ص: 185

مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون گردید . مشار الیه داماد علامه فقیه رجالی اقا سید صدر الدین محمد عاملی بوده و از عیال خود (زینب بیگم) دو فرزند پسر یافته که او این صاحب عنوان یعنی اقا شیخ محمد حسین می باشد که بمناسبت سکونت در محله جویباره به جویباره ای معروف شد.

مرحوم اقا شیخ محمد حسین عالم فاضل زاهد محقق در اصفهان و نجف تحصیل نموده پس از مراجعت به اصفهان در مسجد معروف به شیره پزها و مسجد شیشه گری امامت میفرموده و مورد وثوق مؤمنین و مقدسین بوده است و دختر مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی را بزوجیت اختیار نموده است .

فرزندش مرحوم عالم فاضل زاهد

حاج شیخ محمد رضا صالحی

جویباره ای از علماء اخیر و در استخاره و تقادل از قرآن شهرت کامل داشت و الحق استخارات او عموماً قرین صواب و مطابق واقع بود در شب غره ماه رجب سال 1386 بسن متجاوز از نود و پنج سالگی در اصفهان وفات یافته جنازه با تشییع عظیم و حضور هزاران نفر از مؤمنین و مقدسین و علماء و طلاب به تخت فولاد نقل شده در مقبره خانوادگی در جنب اباء و اجداد مدفون گردید . رحمة الله علیه .

(تذکره) :

آنچه معروفست و در کتب اهل فن مضبوط خاندان معروف به جویباره ای (صالحی جویباره ای) از اعقاب علامه فقیه مولی محمد بن عبدالفتاح تنکابنی معروف بفاضل سراب می باشند لکن در جائی اتصال نسب آنان به فاضل سراب دیده نشده است بظن نویسنده (فقط احتمالی بیش نیست و باید درباره آن تحقیق شود) مولی عبدالفتاح جداین سلسله مذکور در نسب نامه فوق فرزند مرحوم فاضل سراب می باشد بنابراین نسب مرحوم اقا شیخ محمد رضاجویباره ای چنین است:

حاج شیخ محمد رضا بن شیخ محمد حسین بن مولی محمد صالح بن مولی

ص: 186

محسن بن مولى عبدالفتاح بن مولى محمد معروف به فاضل سراب فرزند عبدالفتاح تنكابنى اصفهانى رحمة الله عليهم اجمعين .



تصوير

حاج ميرزا محمد حسين جعفرى

فرزند آقا ميرزا هاشم فرزند حاج سيد جعفر رحمة الله عليهم اجمعين .

عالم فاضل از انمه جماعت مسجد سید و مسجد علی قلی آقا در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون اقا سید ابوالقاسم دهکردی و اقا سید محمد باقر در چه ای و اقا میر محمد تقی مدرس و آخوند ملا محمد کاشانی درس خوانده و در مدرسه میرزا حسین با جمعی از افاضل حوزه مباحثه داشت .

در حدود سال 1303 متولد و در 10 ربیع الثانی سال 1369 در اصفهان وفات یافته در بقعه سید حجة الاسلام مدفون گردید .

مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در تاریخ وفات او گوید :

انما الدهر سراب و غدور فان

فاحذروا الفتنة والغفلة يا اخواني

انظروا كيف مضى اول عشر السبعين

من هو الطائف للبيت عظيم الشأن

سید ناصر شرع و ملاذ الاسلام

يحفظ الدين ويستأنس بالرحمن

وهو للباقر سبط وحسين في الاسم

جعفری النسب الكامل في الايمان

ارخ النیر للعام وشهر والیوم

تنقص العشرة من «شهر ربیع الثانی»

(ص 21 جلد سوم معادن العلوم تألیف مرحوم نیر)

مرحوم حاج میرزا محمد حسین دو فرزند پسر بنامهای: 1- علیرضا 2- محمد باقر داشت که هر دو بلاعقب در اوایل جوانی وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شدند و دو دختر 1- زوجه فاضل محترم مرحوم حاج اقا میرزا منیر صادقی متوفی در شعبان 1404 فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی احمد آبادی 2- زوجه آقای حاج میرزا علی اکبر زواره ای فرزند مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای طباطبائی .

حاج سید محمد رضا شفتی

فرزند عالم فاضل ادیب شاعر حاج سید محمد باقر دوم شفتی بید آبادی رحمة الله علیهما .



مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی

از فضلاء خاندان شفتی در حدود سال 1320 در اصفهان متولد گردیده و در این شهر در نزد عده ای از فضلاء همچون آخوند ملا تقی دهقی و حاج آخوند زفره ای و اقا شیخ علی مدرس یزدی و اقا سید میرزا اردستانی مقدمات و سطوح را فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات به نجف اشرف مهاجرت نموده و پس از آنکه برادر بزرگ ایشان مرحوم علم الهدی بعللی ترک جماعت در مسجد سید نموده ایشان را از نجف دعوت باصفهان کرده قبل از سال 1346 مراجعت نموده و تا هنگام وفات در مسجد سید به اقامه جماعت پرداخته و پس از فوت مرحوم ملاذ الاسلام امر تولیت موقوفات مسجد معوض بایشان گردیده و به بهترین صورت بوظیفه شرعی خود با وجود تمام مشکلات و موانعیکه اداره اوقاف زمان برای ایشان ایجاد میکرد انجام وظیفه نمود.

اساتید ایشان پس از مراجعت از اعتبار مقدسه در اصفهان عبارتند از: اقا میرزا احمد مدرس - آقاشیخ محمد رضا مسجد شاهی - مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی و با لخصوص مرحوم اقا سید مهدی در چه ای و غیره

مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی عالمی جلیل و فاضلی خلیق بود در سالهاییکه مرحوم آیت الله حاج سید علی بهبهانی اعلی الله مقامه الشریف مدت شش ماه باصفهان تشریف میآوردند مشار الیه در همان ساعات اول ورود خدمت ایشان شرفیاب شده و ضمن عرض تبریک ورود از ایشان دعوت مینمود که شبها جهت اقامه جماعت به مسجد سید تشریف فرما شوند. این ایثار و گذشت سبب محبوبیت بیشتر ایشان شده و اهمیت و اعتبار ویرا نزد عموم طبقات بالاخص مقدسین و متدینین بدرجات زیاد بالا برد .

مرحوم شفتی در نیمه شب 5 شنبه 3 ذی الحجه 1396 پس از یک عمل جراحی در بیمارستان وفات یافته جنازه با کمال احترام و تشییع شایسته به مسجد سید منتقل و در بقعه مرحوم سید حجة الاسلام مدفون گردید. رحمة الله علیه .

از مرحوم شفتی از دو نفر عیال سه فرزند پسر بنامهای : حاج سید محمد جواد - حاج آقا مهدی - احمد اقا و چندین دختر باقیمانده است .

فاضل محترم آقای

حاج آقا مهدی شفتی

جوان مؤدب و آراسته و از مشتغلین و طلاب علوم دینی اصفهان است که پس از فوت پدر بزرگوار به افتخار تلبس به لباس روحانیت نائل گردیده و تحصیلات علوم قدیم راضیمه علوم جدید نموده و در ظهر و عصر و مغرب و عشاء در مسجد سید بجای پدر اقامه جماعت می نماید و مورد توجه و عنایت مردم بید آباد می باشد و تاکنون موفق بطبع چهار مجلد از مجلدات شش گانه مطالع الانوار گردیده و کتاب حاضر نیز بر حسب خواهش ایشان تألیف شده است .

ص: 190



حاج آقا مهدی شفتی

اقای شفتی نامبرده داماد حجة الاسلام آقای حاج سید حسن فقیه امامی می باشند و ایشان داماد ثقة الاسلام واعظ محترم و شفیق مکرم جناب آقای حاج آقا رضا مظاہری و آقای منہاہری صہر جلیل عالم فاضل مرحوم آقا شیخ اسماعیل بن حاج آقا منیر الدین بروجردی و مرحوم آقا شیخ اسماعیل نیز داماد عالم فاضل

- ۱۹۱ -

حاج آقا مهدی شفتی

اقای شفتی نامبرده داماد حجة الاسلام آقای حاج سید حسن فقیه امامی می باشند و ایشان داماد ثقة الاسلام واعظ محترم و شفیق مکرم جناب آقای حاج آقا رضا مظاہری و آقای مظاہری صہر جلیل عالم فاضل مرحوم آقا شیخ اسماعیل بن حاج آقا منیر الدین بروجردی و مرحوم آقا شیخ اسماعیل نیز داماد عالم فاضل

زاهد حجة الاسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی فرزند علامه جلیل اقا میرزا هدایة الله ابن علامه فقیه زاهد اقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب کتاب روضات الجنات می باشند .

زاهد حجة الاسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی فرزند
علامه جلیل اقا میرزا هدایة الله ابن علامه فقیه زاهد اقا میرزا محمد باقر چهارسوقی
صاحب کتاب روضات الجنات می باشند .



حاج سید محمد منجم باشی

- ۱۹۲ -

حاج سید محمد منجم باشی

ص: 192

و اما آقای حاج سید محمد جواد شفتی عالم فاضل از فضلاء اصفهان بشمار میرفت و اکنون سالهاست که در طهران ساکن و بوظائف دینی و اجتماعی اشتغال دارند . مشار الیه داماد عالم فاضل مرحوم حاج اقا محمد آل رسول فرزند عالم فاضل کامل اقا میرزا ابراهیم شمس آبادی می باشند و مرحوم آل رسول نیز خود داماد علامه جلیل عالم فاضل محقق مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی اصفهانی بودند رحمة الله علیهم اجمعین .

مادر مرحوم شفتی صاحب عنوان دختر فاضل محترم مرحوم حاج سید محمد منجم باشی (فرزند میرزا سید محمد حسن بن سید محمد علی بن سید عبد الله حسینی تفرشی شیرازی اصفهانی) بوده و زوجه اول ایشان دختر مرحوم حاج اقا فضل الله نجومی فرزند حاج سید محمد منجم می باشد .

حاج میرزا عبد الجواد کلباسی

فرزند مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی) از دختر مرحوم سید حجة الاسلام شفتی

عالم فاضل جلیل در اصفهان متولد گردیده و در این شهر در نزد پدر و جمعی دیگر از فحول علماء تلمذ نموده و پس از وفات پدر در مسجد حکیم امامت مینموده و در ایام تحصیل نزد پدر کتاب : تذهیب الاصول در شرح تهذیب الاصول علامه حلی تألیف نموده تاریخ فراغت از تألیف 19 شعبان 1278 می باشد

مرحوم

آقا میرزا عبد الجواد شفتی

در سال 1314 در اصفهان وفات یافته و در مقبره جد بزرگوار خود مرحوم حاجی کلباسی اعلی الله مقامه مدفون گردید .

وی دارای چندین فرزند بوده بدین شرح :

1- مرحوم آقا میرزا علی محمد امام مسجد حکیم مدفون در بقعه تکیه اقا

ص: 193

2- مرحوم آقا میرزا محمد علی از علماء صاحب نفوذ اصفهان متوفی در شب 2 شنبه 12 صفر المظفر سال 1342 مدفون در مقبره حاجی کلباسی

3- مرحوم آقای حاج میرزا هاشم عالم فاضل زاهد امام مسجد حکیم متوفی بسال 1358 مدفون در بقعه تکیه کازرونی در تخت فولاد .

فرزندش مرحوم حاج میرزا عبد الجواد از علماء اصفهان و امام مسجد حکیم عالمی خلیق و مهربان و خدمتگزار مردم بود در روز شنبه 19 جمادی الاولی سال 1387 در جاده تهران بقم در اثر تصادف وفات یافته و در روز 2 شنبه 21 جمادی الاولی در قم مدفون گردید .

مرحوم کلباسی (حاج میرزا عبد الجواد بن حاج میرزا هاشم) مؤلف کتابی است بنام : منهاج السالکین در آداب حج و زیارات مدینه منوره که بچاپ رسیده است .

حاج میرزا عبدالرزاق رشتی

فرزند حاج میرزا محمد کاظم .

از علماء و فضلاء و اجلاء بوده در خدمت جمعی از فضلاء و علماء اصفهان همچون مرحوم حاج سید اسد الله و آقا شیخ محمد باقر نجفی تلمذ نموده و بشرف مصاهرت مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی مفتخر گردیده است .

مرحوم رشتی از علماء صاحب مکنت و ثروت بوده و ظاهراً تولیت مدرسه در کوشک (مدرسه باقریه) از طرف مرحوم سید ثانی بایشان محول گردیده است .

مرحوم رشتی دارای دو فرزند فاضل و متقی بنامهای 1 - حاج اقا مرتضی 2 - حاج میرزا قوام الدین از خود بجای گذاشت .

مرحوم حاج آقا مرتضی رشتی

داماد عالم جلیل و رئیس مطاع مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی مسجد شاهی بود و مرحوم حاج میرزا قوام الدین متوفی در ماه صفر 1365 در طهران و مدفون در قم داماد مرحوم آقا محمد عماد الاسلام دانی خود گردید و مرحوم

آقا میرزا محمد مهدی

ادیب و فاضل متوفی در 4 شنبه 29 ربیع الثانی سال 1377 مدفون در تکیه گلزار داماد علامه فقیه مرحوم آقا میرزا احمد مدرس 2- دانشمند محترم آقای حاج میرزا محمد حسین رشتی از فضلاء معاصر اصفهان .

مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق صاحب عنوان در سال 1319 در مسافرت عتبات مقدسه در نجف اشرف وفات یافته در وادی السلام مدفون گردید .

حاج ملا علی خلیلی طهرانی

فرزند حاج میرزا خلیل طبیب طهرانی نجفی فرزند علی بن ابراهیم بن علی رازی

مرحوم حاج میرزا خلیل (1280 - 1180) طبیب زاهد شرح حالش در کتاب ادباء الاطباء (ص 144 یکم)

مرحوم حاج ملا علی خلیلی

عالم فاضل فقیه مجتهد محدث رجالی زاهد در 28 جمادی الاولى سال 1226 متولد و در 25 ماه صفر سال 1297 وفات یافته در وادی السلام مدفون گردید .

مرحوم خلیلی در نزد عده کثیری از فحول علماء تلمذ نموده و برخی از بزرگان از علماء نیز در خدمت او درس خوانده اند تألیفات او عبارتست از :

1- تعلیقاتی بر بسیاری از کتب

2 - خزائن الاحکام در شرح کتاب : تلخیص المرام در معرفت احکام تألیف

ص: 195

۳- کتابی در رجال

4 - سبیل الهدایه در علم درایه

5 - غصون الاریکه الغریه در اصول فقه

ویرا فرزندان چندی از پسر و دختر بوده از آنجمله :

۱- دختری که زوجه مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و مادر حاج سید محمد باقر ثانی بیدآبادی بوده است .

2- دختری که زوجه مرحوم آقا شیخ محمد علی شاه عبد العظیمی (1258 - 1334) بوده است

(ادباء الاطباء - معارف الرجال - الذریعه - مکارم الاثار - معجم رجال الفكر و الادب - ماضی النجف و حاضرها - اعیان الشیعه - الکرام البرره)

میرزا محمد علی موسوی کابلی

فرزند سید عبدالحفیظ موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام .

ادیب و فاضل و خطاط از شاگردان مرحوم حاج سید اسد الله و از مخصوصین مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی بوده و بامر او چندین کتاب و رساله کتابت نموده است که ذیلا بنام دو کتاب اشاره می شود :

1- جلد دهم بحار الانوار است که بدستود مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی بخط نسخ و شکسته از روی نسخه ای که در سال 1132 نوشته بوده استتساخ کرده است. کتاب به شماره (5265) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص 189 یکم فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان).

ص: 196

فائده: در کتابخانه عمومی اصفهان چندین مجلد از کتاب بحار الانوار بخط نسخ محمد تقی بن محمد حسن خونساری موجود است که در یکی از آنها تصریح شده است که بر حسب دستور مرحوم حاج سید محمد جعفر مجتهد نوشته شده و احتمالاً بقیه مجلدات نیز بدستور ایشانست و آنها عبارتست از:

- 1- جزء اول (کتاب العقل و العلم) و جزء دوم (کتاب التوحید) بشماره (5187) تاریخ 1301 و 1302 .
 - 2- مجلد سوم (عدل و معاد) بشماره (5175) بدون تاریخ .
 - 3- مجلد پنجم (قصص انبیاء) بشماره (5230) بسال 1308 بدستور حاج سید محمد جعفر .
 - 4- مجلد ششم جزء سوم (حالات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از غزوه بدر کبری تا آخر) بشماره (5185) تاریخ 1300 .
 - 5- مجلد نهم حالات امیر المؤمنین علیه السلام بشماره (5270) تاریخ 1303 .
 - 6- مجلد هفدهم: کتاب الروضة بشماره (5188) تاریخ 1297 .
 - 7- مجلد نوزدهم جزء ثانی بشماره (5132) تاریخ غره جمادی الاولی 1298
 - 8- مجلد بیستم اعمال سنین و شهور و ایام بشماره (5266) تاریخ صفر 1292
 - 9- مجلد بیست و دوم کتاب المزار بشماره (5268) تاریخ 01300
- 2- کتاب: هداية السالکین فی احادیث الائمة الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین از تألیفات مرحوم آقا محمد (سید محمد باقر) عماد الاسلام .
- آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین الطاهرین المعصومین و بعد چنین گوید محمد باقر بن محمد جعفر بن محمد باقر... (سپس نسب نامه خود را تا حضرت آدم علیه السلام نقل نموده است) که چون روایت شده است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرموده است: من حفظ اربعین حدیثاً و جبت له الجنة ..

انجام: تمت الرسالة فی 21 شهر محرم الحرام 1316.

بسم الله الرحمن الرحيم برادران خود را زحمت افزا میشود که این نسخه بسیار مختلف بود با نسخه اصل و با زحمات چندی خود این داعی مقابله کردم انرا با نسخه اصل و نویسنده این نسخه عالیجناب سلاله السادات العظام اقا میرزا محمد علی زید مجده میباشد ولد ارجمند مرحوم مغفور جنت مکان اقا سید عبد الحفیظ رحمة الله علیه خلف مرحوم جنت مکان اقا سید ابراهیم اصفهانی المعروف بکابلی غفر له است و جهت منسوب بکابلی شدن آن مرحوم بجهت این میباشد که مرحوم آیت الله فی الارضین حجة الاسلام و المسلمین جدایی این داعی المسمى بالحاج السيد محمد باقر اعلى الله مقامه در صدد این بودند که کتاب مدینه العلم مرحوم صدوق رحمة الله علیه را بدست آورده و گویا مفقود بود در این ولایات خدمت آن بزرگوار عرض شد که کتاب مزبور در کابل قندهار در خزانه سلاطین آنجاها یافت میشود و آن بزرگوار اقا سید ابراهیم مرحوم را بکابل روانه فرمودند و زمانی هم در صدد بود آن سید مرحوم و سفر آن مرحوم هم بطول انجامید و عاقبت پیدا نشده بود و خیال بر قرار گرفت که حرکت باصفهان نماید و محض آنکه هر گاه مشرف خدمت سید حجة الاسلام اعلى الله مقامه شود دست خالی نباشد تفسیر امام فخر رازی را از کابل در همراهی خود آورد و در وقت ورود او را بر تخت گذارد و سید حجة الاسلام اعلى الله مقامه بسیار خرج فرمود

ص: 198

بجهت یافت شدن کتاب مذکور و بسیار بسیار در صدد بود عاقبت امر آن کتاب مستطاب یافت نگردید و علی الاتصال آن بزرگوار در خیال وجدان آن کتاب مستطاب والامقام بود اخر الامر مایوس از وجود آن شد. اللهم اغفر له اللهم لاتویسنا من کل امر بمحمد وعترته الطیبین الطاهرین المعصومین و انا العبد الذلیل الفاجر ابن محمد جعفر ابن محمد باقر الموسوی الشفتی الرشتی المحلاتی الاصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه 1316 .

توضیحاً: عین عبارات مرحوم عماد الاسلام نقل گردید .

حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام

فرزند اقا میرزا هاشم فرزند حاج سید جعفر بید آبادی داماد عموی خود مرحوم حاج اقا حسن ملاذ الاسلام بوده و پس از فوت مشار الیه به لقب او ملاذ الاسلام شهرت یافت

قبل از سال 1305 در اصفهان متولد گردیده و در این شهر نزد فضلاء و علماء فی الجملة تحصیلاتی نموده از علماء مورد توجه مردم و خدمتگزاران به دین و اجتماع بشمار میرفت. طبع شعری داشت و در اشعار عاصی تخلص مینمود. دیوان مختصری قریب یکهزار و سیصد بیت دارد در 21 ربیع الاول سال 1372 در اصفهان وفات یافته در بقعه مرحوم سید حجة الاسلام مدفون گردید .

مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در ماده تاریخ وفات او گوید :

غدر الدهر بنا صب علینا الالام

و ابتلانا بشجی سود منا الایام

حیث قد اخرتنا الایام بفقد العالم

ناصر المذهب و الشیعه فی کل مقام

سید کان علیا هو للباقر سبط

جعفری نسباً مشتهر فی الاعلام

طائف الکعبة و المشهدون الضعفا

وملاذ لهم استقبالهم بالاکرام

ص: 199

حائز الفضل بمجد و علو و شرف
قلما يتفق المثل له فى الاعوام
فائم الليل يناجى بخضوع و خشوع
ويكأء و ركوع و سجود و قيام
يذكر الله ويستغفره بالاسحار
فى صلوة و دعاء و اذان بدوام
نير نقص الاثنين فصار التاريخ
«جعل القدس مكاناً لملاذ الاسلام»



(ص 22 سوم معادن العلوم) صاحب عنوان پس از فوت برادرش مرحوم آقا حاج میرزا محمد حسین جعفری صبح ها در مسجد سید امامت مینمود . وی دارای دو فرزند پسر و دو دختر بود بدین شرح

1 - میرزا محمد حسن که در اوائل جوانی وفات یافت

۲ - میرزا محمد هاشم

۳- زوجه عالم جلیل مرحوم حاج آقا حسین خادمی فرزند آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه

4 - زوجه مرحوم آقا سید ریحان الدین مهدوی (139 - 1313)

دکتر عیسی صدیق

ملقب به صدیق اعظم فرزند (@@) صدیق التجار اصفهانی .

در سال 1273 خورشیدی متولد گردیده در ایران و فرانسه تحصیلات خود را بپایان رسانیده و پس از مراجعت به ایران مشاغل مختلفی را دارا بوده که مهمترین آنها ریاست دانشسرای عالی بوده است . مشار الیه در سال 1398 قمری وفات یافت . مادر دکتر صدیق دختر آقا سید ابراهیم کابلی بوده است .

دکتر عیسی صدیق دارای تألیفات عدیده است : 1 - تاریخ فرهنگ ایران 2 - تاریخ مختصر آموزش و پرورش 3- حقوق بین الملل 4 - روش نوین در تعلیم و تربیت 5 - سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین 6 - یادگار عمر یا خاطراتی از گذشته 7 - یکسال در آمریکا و متجاوز از ده کتاب دیگر (ص 650 چهارم مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی تألیف مرحوم خانبابا مشار با اندکی تصرف و اضافه).

ص: 201

فرزند سید عبدالکریم ، فاضل و دانشمند بوده و در خدمت جمعی از علماء و فضلاء اصفهان از آنجمله مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی تحصیل نموده و مورد وثوق و اطمینان مرحوم سید بوده بالاخره بدامادی مرحوم حاج سید جعفر مفتخر گردیده است. پس از فوت در بقعه آقا محمد بید آبادی در تخت فولاد مدفون گردید .

فرزندش فاضل محترم مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای از مخصوصین خاندان سید حجة الاسلام بوده و سالها در کمال عزت و احترام نزد عموم طبقات بالاخص علماء و بزرگان زندگانی نموده و سرانجام در (شبه 23 صفر 1378) وفات یافته در تخت فولاد نزدیک بقعه آقا محمد بید آبادی مدفون شده و پس از تعریض خیابان و احداث فرودگاه و متفرعات آن استخوانها به مسجد سید منتقل و جنب مقبره کوچک مدفون گردید . رحمة الله علیه .

مرحوم زواره ای سیدی بزرگوار دارای ملکات نفسانی از حسن معاشرت و صدق بهجت و زهد و عبادت بود .

آقا سید محمد

فرزند مرحوم حاج سید محمد علی فرزند سید حجة الاسلام . از فضلی سلسله اعقاب مرحوم سید شفتی بوده و دارای چهار فرزند بشرح زیر می باشد :

1 - آقا منیرالدین

2 - آقا صدر الدین

ص: 202

هر یک از این دو برادر دارای اولاد و اعقابی هستند که همگان به موسوی شهرت داشته و در اصفهان و طهران به کارهای دولتی و مشاغل آزاد روزگار می گذرانند و عموماً مردمانی نیک بیئت و سلیم و متواضع و دوستدار اهل فضل و تقوی و خود نیز متدین و متعهد می باشند .

۳- جهان اقا زوجه مرحوم اقا نصیر الدین موسوی

4- زهرا بیگم

حاج میرزا محمود کلباسی

فرزند علامه مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی) از دختر مرحوم سید حجة الاسلام شفتی .

مرحوم مولی عبدالکریم جزی در تذکرة القبور (ص 102) در باره او می نویسد:

چندی در نجف درس خوانده و به اصفهان معاودت نموده مورد توجه و عنایت خاص عموم طبقات قرار گرفته و مردم اخلاص تامی به او داشته و در نماز جماعت او در مسجد حکیم عده زیادی به او اقتداء مینموده اند .

در جوانی وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار خود در جلوروی قبر حاجی طرف بالا سر متصل بدیوار دفن شده قبر او بلند بسته است .

سید محمد مهدی موسوی

فرزند حاج سید محمد علی فرزند حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی عالم فاضل محقق . در سال 1278 متولد گردیده و در 12 شوال سال 1326

ص: 203

وفات یافته در بقعه تکیه آقا سید ابو جعفر در تخت فولاد مدفون گردید.

صاحب عنوان در مسجد سید امامت داشته و مورد توجه مقدسین و مؤمنین بوده و مؤلف کتابی است به نام غرقاب در رجال که در سال 1303 شروع به تألیف آن نموده و تا سال 1309 تألیف آن بطول انجامیده است و آنرا در سن 25 سالگی تألیف نموده است .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 44 شانزدهم) می نویسد :

کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو مرحله و یک خاتمه .

مرحله اول در ذکر علماء قرن یازدهم و مرحله دوم در ذکر علماء متأخر از آنان

آغاز : الحمد لله واجب الوجود المتفرد بالازلیة و الابد ...

نسخه آنرا علامه طهرانی نزد عباس اقبال آشتیانی دیده و نسخه آن در کتابخانه دانشگاه حقوق است که احتمالاً همان نسخه مرحوم اقبال آشتیانی می باشد.

(ص 69 و 197 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

حجة الاسلام حاج سید محمد تقی موسوی نواده برادر صاحب عنوان فرمودند عمده تحصیلات مرحوم آقا سید محمد مهدی نزد مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی بوده است .

آقا نصیر الدین موسوی

مرحوم حاج سید نصیر الدین فرزند اقا میرزا محمد علی بن سید عبد الحفیظ موسوی کابلی عالم فاضل ادیب از شاگردان مرحوم آقا نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی و جمعی دیگر از بزرگان بوده .

مردی فصیح البیان و شیرین زبان و خوش محاوره و نیکو کلام بود معاشرین او هیچگاه از مؤانست با او خسته نمی شدند وی آنان را با مواعظ و حکایات

ص: 204

و داستانهای عبرت انگیز سرگرم مینمودگاهی منبر رفته و موعظه میفرمود در اواخر عمر در مدارس جدید بکار تدریس مشغول بوده و در سال 1360 و اندی در سفر مکه معظمه وفات یافت .

مشار الیه داماد مرحوم آقا سید محمد فرزند حاج سید محمد علی فرزند سید حجة الاسلام بوده و از این مخدیره (دختر اقا جهان اقا) چندین پسر و دختر یافت که از آنجمله است فاضل محترم آقای حاج میرزا محمد علی موسوی رئیس اسبق دانشسرای مقدماتی اصفهان و مرحوم هدایت الله موسوی مدیر کل اسبق آموزش و پرورش استان اصفهان . علیه الرحمة و الرضوان که هر دو برادر از خدمتگزاران صدیق فرهنگ و مورد احترام عموم طبقات مردم اصفهان از علماء و تجار و غیره می باشند .

مرحوم اقا نصیر الدین خاطرات روزانه و پیش آمدها و وقایع را هر روز مرتباً در دفتر می نوشت و این کار شاید متجاوز از چهل سال ادامه داشت که وقایع و خاطرات را یاد داشت مینمود و خود چندین دفتر و کتاب شده بود و دارای فوائد و اطلاعات ذی قیمتی است اکنون نزد ورثه مرحوم آقا سید هدایت الله فرزند ایشان می باشد رحمة الله علیهما .

میرزا یحیی مدرس بید آبادی

فرزند مرحوم میرزا اسماعیل (محمد اسماعیل) ارفعقاب علامه مولی محمد باقر سبزواری

عالم فاضل ادیب بارع شاعر فصیح از معاریف علماء و فضلاء و ادباء اصفهان در حدود سال 1254 در اصفهان متولد گردیده و در اصفهان و نجف از محضر عده زیادی از بزرگان و فحول مجتهدین همچون شیخ انصاری و حاج سید اسدالله بید آبادی و حاج

شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا شیخ محمد باقر واثق همدانی اصفهانی و آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و برادر ایشان آقا میرزا محمد هاشم و آخوند ملا محمد کاشانی و علوم غربیه را از ملا هادی سدهی فروشانی فرا گرفته سالهای زیادی در مدرسه میرزا حسین و در اواخر عمر که بواسطه ی ضعف پیری و کسالت از منزل خارج نمیشد عده زیادی در خدمتش ادبیات و مقدمات علوم از صرف و نحو و فقه و اصول فرا می گرفتند که از آن جمله است مرحوم وحید دستگردی (حسن بن قاسم) مدیر مجله ادبی ارمغان .

از آثار مرحوم مدرس 1 - دیوان اشعار 2- مرآت المصنف در شرح حال مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی بچاپ رسیده است وی در شب 4 شنبه 15 ذی القعدة الحرام 1349 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعا مدفون گردید بعداً که تکیه را بغیر از گنبد آن خراب کرده و قبور آنجا را از بین برده و جزو اراضی فرودگاه شد قبر از بین رفت

مرحوم مدرس داماد مرحوم آقا سید ابو الحسن بن آقا سید محمد علی بن سید حجة الاسلام بوده و پنج فرزند بدین شرح از او یافت

1- مرحوم آقا حسین مدرس زاده فاضل محترم از وکلای دادگستری مدفون در تکیه میرزا رفیعا

2- (@@)

3- زوجه مرحوم آقا سید ابراهیم موسوی بوده این شاعر متخلص به سری (1311 - 1369)

4- زوجه کازرونی

5 - دختری دیگر که شوهر اختیار ننمود .

ص: 206

(بید آباد)

یکی از محلات قدیمی اصفهان که در طول تاریخ همچون دیگر محلات این شهر تاریخچه ای مجهول و تاریک دارد محله بید آباد است. این محله در شمال غربی اصفهان واقع و در حال فعلی از محلات پر جمعیت و آباد اصفهان محسوب می گردد.

مسجد سید حجة الاسلام و بقعه آن مرحوم در این محله قرار گرفته و در حقیقت تجدید این محله را باید از مرحوم سید حجة الاسلام دانست.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 285) ضمن بنای مسجد سید میفرماید:

قسمت بید آباد و شهیش را که جزو مار بین و باغات حومه شهر می‌شمرند جزو شهر آورده و محله بزرگی را تشکیل کرد و بر دایره شهر افزود چو مغرب شهر پس از جلوس شاه عباس از طرف در دشت و چمیان وسعت یافته دروازه نو و پشت بارو و محله جدید و بیاب جدید عباسی شهیر شده و بنهر بابا حسن منتهی

ص: 207

گشته اوج آفتاب سید و ساختن آن مسجد بید آباد را بر حد شهر افزود .

بید آباد در قرن پنجم

از تاریخ این محله (یا دهکده) در قبل از اسلام اطلاع صحیحی نداریم همینقدر میدانیم که در قرن دوم و سوم هجری دهکده ای بنام (وید آباد) در مجاورت اصفهان قرار داشته و اهمیت و عظمت زیاد داشته و در قرن چهارم عده ای از بزرگان محدثین در آنجا می زیسته اند.

در موقعیکه علاء الدوله دیلمی باروئی گرد شهر اصفهان کشید قسمتی از آن را داخل بارو و نیمی از آن را در خارج بارو قرارداد که با روی او تقریباً در وسط این ناحیه قرار گرفت

از آثار باروی علاء الدوله تا این اواخر قسمتی باقی بود و کوچه پشت بارو در محله بید آباد که تا کنون معروفست ظاهراً مربوط بهمین باروی علاء الدوله می باشد .

کوچه پشت بارو

این کوچه از لب جوی بابا حسن شروع شده و به بازارچه دروازه نو ختم می شود و در سال 1314 شمسی که خیابان چهار باغ پائین احداث گردید آنرا بدو قسمت نمود اکنون نیمه اول آن که کوچه ای است شرقی غربی تقریباً بمحاذات خیابان مسجد سید بهمین نام شهرت دارد (اگر نام آنرا همچون بسیاری از نامهای قدیمی که بدون دلیل و از روی عدم اطلاع عوض نمودند و تاریخچه گویای شهر را از بین بردند تا کنون عوض نکرده باشند).

ص: 208

ظاهراً نام دروازه تو نیز مربوط بهمین زمان است و کوچه تل عاشقان که همان تل اشکهان است و بمرور زمان تصحیف شده و بدین صورت در آمده است و باب همایون که بعدها بصورت باغ همایون و باغ حاجی (حاج آقا محمد رنانی حاکم اصفهان در زمان زندیه) و اخیراً باغ تختی نیز مربوط بهمین زمان و باروی علاء الدوله می باشد .

نام بید آباد در کتاب محاسن اصفهان

مافروخی (مفضل بن ابو الفضل سعد بن حسین مافروخی اصفهانی از شعراء و ادباء و نویسندگان قرن پنجم) در کتاب محاسن اصفهان (ص 81) در ضمن بیان بارو نیکه علاء الدوله در اطراف اصفهان کشیده نامی از ویذ آباد میبرد و گوید از محلات خارج از بارو می باشد و این محلات عبارتند از : کما ان - بر ان - سنبلان - خرجان - فرسان - باغ عبدالعزیز - جروآن اشکهان - لنبان - ویذ آباد.

باروی علاء الدوله

امیر علاء الدین (حسام الدین - عضد الدین) علاء الدوله ابو جعفر محمد بن دشمن زیار دیلمی معروف به کاکویه و یا ابن کاکویه از سال 398 تا سال 433 یعنی تقریباً مدت سی و شش سال حکومت اصفهان را داشته و با کمال قدرت در آنجا حکمرانی مینموده است در سال 429 بر گرد شهر جهت محافظت آن از حمله دشمنان باروئی کشید و قسمتی از اصفهان را داخل بارو و قسمتی از آن را خارج بارو قرار داد محیط این بارو را پانزده هزار گام نوشته اند .

(رفع اشتباه) : در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص 183) در ضمن بیان نام محلات اصفهان می نویسد :

ص: 209

محلّه اشکهان همان محلّه شئیش است که در ابتداء ماه برو اسفیش واسفیس و شئیش و شهیش گفته شده و محل آن در بید آباد کنونی بوده است.

نویسنده گوید: همانگونه که تذکر دادیم محلّه اشکهان همان تل عاشقان فعلی است که از دروازه نو شروع و به خیابان جمال الدین عبد الرزاق منتهی میشود و از کوچه های شمالی جنوبی می باشد .

جمعیت و ثروت مردم بید آباد

در کتاب محاسن اصفهان (ص 89) و در ترجمه کتاب محاسن اصفهان (ص 75) بخلاصه می نویسد :

خبر داد مرا مردی ثقه و مورد اطمینان و همچنین روایات دیگری مؤید آن است که :

روز عیدی در منظر گاهی نشسته بودم از محلّه بید آباد شمردم فریب دو هزار نفر مرد با لباسهای فاخر و عمامه های قصب و ... به نماز گاه میرفتند .

در باره محلّه بید اباد (وید آباد) می نویسد: اکنون بعضی از آن خارج حصار و برخی دیگر قبرستان شده و باقی همچون دیگر شهر خراب و ویران .

قبرستان بید آباد

بطوریکه معروف و آثار آن تا این اواخر مشهود بود ، باغ مقابل مسجد ذکر الله که اکنون بصورت خانه در آمده و همچنین قسمت غربی جوی بابا حسن و قسمتی از کوچه لژیها منشعب از کوچه علی قلی آقا و کوچه میرزا آقای چهارسو (کوچه تابش) و... قبرستان بوده و آثار قبرها تا زمان حاضر در برخی از خانه ها ظاهر است همچنین قبرستان در کوشک که در همین اواخر آنرا از

ص: 210

بین بردند و آثار قبرستان تا حدود مدرسه ترکها در این محله در لوله کشی آب مشاهده گردید.

موقعیت جغرافیائی محله بید آباد

آنچه از کتاب : ذکر اخبار اصفهان و دیگر مآخذ و همچنین آثار موجود در این ناحیه استفاده میشود آنست که محله بید آباد از چهار طرف تقریباً باین مجلات رنری محدود بوده است :

مشرق : سنبلان - اشکهان - جور جیر

جنوب : جور جیر - باب کوشک .

مغرب : جوزدان - رباط - طهران

شمال : طهران - مردبان (مورنان فعلی)

توضیح : سنبلان همین سنبلستان فعلی و اشکهان عبارت از تل عاشقان و جور جیر محله حکیم می باشد.

باب کوشک را در قرون بعد باب القصر و در زمان فعلی در کوشک می نامند .

جوزدان و رباط بهمین نام شهرت دارند و طهران همان تیران است (تیران و آهنگران در قسمت شمال غربی خیابان فروغی و میدان جمهوری اسلامی (دروازه طهران)

و مردبان همان مورنان است که در شمال غربی میدان شهداء یعنی آب بخشان قرار دارد و مقبره مردبان همان قبرستان آب بخشان است که در زمان ما از بین رفت .

این حدودی که جهت بید آباد (ویذ آباد) گفته شد تقریبی است و باید درباره آن تحقیق بیشتری بشود.

معلوم نیست که این محلات و قرانی که نام بردیم بهمدیگر پیوسته بوده و یا از یکدیگر مجزا بوده است و فاصله بین آنها مزارع و باغات بوده و یا قبرستان.

آثار علاء الدوله کاکویه

در زبان دیلمی دانی یعنی خالو را کاکو یا کاکویه می گویند و محتمل است که لفظ «کاکو» تصحیف خالو باشد و چون پدر علاء الدوله یعنی دشمن زیار دانی سیده مادر مجدالدوله دیلمی بوده و بدین سبب اوراکاکویه و ابن کاکویه می گفتند . و برخی می نویسند علاء الدوله رانی مجد الدوله و یا پسر خاله مجد الدوله بوده است .

ابن سینا حکیم و فیلسوف وطیب معروف (373 - 427) متوفی در اصفهان (تاریخ این اثر) دو کتاب 1 1 - رسالة النبض 2 - دانشنامه علانی را بنام او تألیف نموده و همچنین ابن مسکویه حکیم و فیلسوف و معلم اخلاق (فوت 421) قبرش در نزدیکی امامزاده باقر در محله خواجه قرار داشته است کتاب نزهت نامه علانی را بنام او نوشت .

در زمان او عده زیادی از بزرگان محدثین و علماء و شعراء و ادباء در اصفهان میزیستند که نام آنها در کتب مربوطه ثبت و ضبط گردیده از آنجمله در کتاب ذکر اخبار اصفهان تألیف حافظ ابو نعیم (بضم نون) متوفی بسال 430مدفون در قبرستان آب بخشان که در زمان صفویه میر لوحی سبزواری از روی دشمنی که با علامه مجلسی علیه الرحمه داشت آنرا خراب کرد و ظاهراً در نزدیکی مسجد آب بخشان قرار داشته و فعلا اثری از آن موجود نیست .

این قبرستان در اثر احداث خیابان چهارباغ پائین از بین رفت و بقیه آنرا

نیز شهرداری تصرف نموده و به اشخاص متفرقه فروخت و اکنون تمام آن بصورت خانه و مغازه و مدرسه در آمده است .

بید آباد در زمان صفویه

از قرن پنجم تا قرن یازدهم اطلاع زیادی از این محله نداریم بطول اجمال و حدس می دانیم که این قسمت از شهر اصفهان چون دیگر قسمت ها دچار سختیها در اثر بروز امراض گوناگون و همچنین قحط سالیها و از همه بدتر کشت و کشتارهای سلاطین واقع شده است لکن در عهد سلاطین صفویه به خصوص در عهد شاه عباس کبیر و بعد از آن رو به آبادی نهاده است بطوریکه شاردن فرانسوی در سفرنامه خود (ص 118 جلد هشتم ترجمه آقای محمد عباسی) می نویسد :

این محله دارای 822 باب خانه

8 باب مسجد

11 باب کاروانسرا

5 بازار

4 باب حمام می باشد

بید آباد در زمان قاجاریه

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان در تاریخ اصفهان (ص 25) می نویسد :

آنچه در کتب قدیمه دیده شد و معلوم گشته در زمان سلف تمام این شهر مشتمل و منقسم برشش محله بزرگ بوده : 1- لبنان 2- باغ کاران اکنون آنرا خاجو

ص: 213

(خواجه) می نامند 3- کران 4- جنبلان 5- جویباره 6- در دشت @@

در زمانهای بعد شانزده محله گردیده از آنجمله : 1- محله گلبار (گلپهار) 2- محله قلعه طبرک 3- محله در کوشک (باب القصر) 4- محله بید آباد (وید آباد)

در زمان مؤلف کتاب نصف جهان یعنی اواخر قرن 13 چهل محله بزرگ و یا زیاده بوده است .

در طول چهارده قرن تاریخ اسلامی شهر اصفهان بمناسبت بروز حوادث از فتنه ها و آشوب ها و جنگهای دیالمه و قریویان جانشینان ملک شاه سلجوقی و سپس اختلاف شافعیان و خجندیان و بعداً قتل و غارت های دوران مغول هلاکو و تیمور و سپس فتنه افغان و بعداً جنگ های زندیه و جانشینان کریم خان و ... و در تمام این دوره ها قحط و غلاها و بروز بیماریها بالاخص وبا (برای مثال می نویسند در وبای سال 423 در شهر اصفهان چهل هزار نفر مردند و در قتل عام سال 789 به امر تیمور تعداد هفتاد هزار نفر را کشتند) سبب میشده که عده زیادی از مردم این شهر تلف گردیده و در نتیجه محلات خالی و بدون سکنه و در اثر آن خراب میشده است .

دروازه بید آباد :

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان در ضمن بیان دروازه های شهر اصفهان (ص 23) می نویسد :

اصفهان دارای چهارده دروازه است (سپس یک یک آنها را ذکر نموده و گوید)

پنجم : دروازه بید آباد با چهار دروازه دیگر در سمت مغرب قرار داشته اند.

انتهی

نویسنده گوید: در زمانهای قدیم که شهرها دارای بارو و حصار بود دروازه ها و محل و کیفیت ساختمان آن جهت دفاع شهر در مقابل تهاجم دشمنان قابل اهمیت

ص: 214

بوده است لکن در زمان حاضر موضوع دروازه برای شهرها از بین رفته است .

محلّه بیدآباد در قبل از قاجاریه

بطوریکه بیان شد این محلّه جزو محلات خارج شهر بوده و چندان توجهی بآن نشده است و از آثار قبل از صفویه فقط مسجد در کوشک و مدرسه ترکها و از دوران صفویه مسجد جنب باغ حاجی و مسجد میرزا باقر و مسجد علی قلی آقا و مدرسه میرزا حسین را می شناسیم .

بید آباد در پنجاه سال قبل

مرحوم جناب در کتاب الاصفهان (ص 176) می نویسد :

بید آباد در سال تألیف کتاب دارای 1055 باب خانه بوده و جمعیت آن 8185 نفر می باشد (البته این مطلب مربوط بزمانی است که محلّه بید آباد خود به چندین محلّه کوچک تقسیم شده است)

بید آباد در عهد قاجاریه

از آثاری که میتوان در این محلّه در دوران سلطنت قاجاریه نام برد مدرسه میرزا مهدی در کنار جوی بابا حسن و مسجد سید حجة الاسلام می باشد .

خیابان مسجد سید

در سالهای اخیر در محلّه بید آباد و شیش خیابانی شرقی غربی احداث گردید که از جنوب مسجد سید می گذرد و بزرگترین درب مسجد که به درب زنجیر معروفست در آن باز می شود.

ص: 215

این خیابان از نظر موقعیت اجتماعی و محلی یکی از مهمترین خیابانهای اصفهان می باشد و از چهار راه @@ محرم (چهار راه وفائی) شروع و به چهار راه تختی (چهار راه باب همایون یا باغ همایون) محل تقاطع این خیابان و خیابان چهار باغ پائین منتهی می گردد .

مسجد حاج عباسعلی و مسجد محمدی و مسجد سید و مدرسه میرزا مهدی در کنار این خیابان قرار داشته و مسجد میرزا باقر و حمام آن نیز تقریباً در جنب آن قرار دارد .

مدارس دینی محله بید آباد

سابقاً از قول شاردن فرانسوی تعداد مساجد و حمامها و بازارها و کاروانسراهای محله بید آباد را نقل نمودیم وی برای این محل مدرسه ای ذکر نمی کند

در اواخر عهد صفوی دو مدرسه دینی در این محله ایجاد گردید :

1 - مدرسه میرزا حسین در بازار بید آباد از آثار باستانی اصفهان

2- مدرسه میرزا مهدی در کنار جوی باباحسن در بازار چه بید آباد

3- مرحوم علی قلی آقا در ساختمان مسجد علی قلی آقا جهت سکونت طلاب اطاقهایی ساخته و همچنین جهت آنها در وقفنامه حقوقی معین نموده است .

4 - مرحوم سید حجة الاسلام نیز در ساختمان مسجد سید جهت سکونت طلاب حجراتی در طاق شبستانها بنا فرموده است

5 - مدرسه باقریه یا مدرسه در کوشک

6 - مدرسه ترکها در محله در کوشک هردو از آثار قبل از عهد صفوی را نیز میتوان از مدارس محله بید آباد محسوب داشت

شاردن مساجد محله بید آباد را 8 عدد می نویسد . فعلا مساجد این ناحیه عبارتست از :

- 1 - مسجد باروت کوبها واقع در کوچه باروت کوبها .
 - 2- مسجد پشت بارو که در سالهای اخیر آنجا را تغییر ساختمان دادند
 - 3- مسجد پشت باغ حاجی (خواجه روح الله) سال بنا 1023 .
 - 4 - مسجد حاج عباسعلی از مساجد جدید البناء .
 - 5 - مسجد سید حجة الاسلام .
 - 6 - مسجد شیش . واقع در اول محله شیش
 - 7 - مسجد طیب از مساجد جدید که در مسیر خیابان مسجد سید بکلی خراب شد .
 - 8 - مسجد علی قلی آقا از آثار باستانی و از مساجد عهد صفوی
 - 9 - مسجد کوچک بازار چه علی قلی آقا مقابل تیمچه عبافی .
 - 10 - مسجد کوچک اقا محمد ربیع جواهری در کوچه علی قلی آقا اخیراً بصورت کتابخانه در آمد.
 - 11 - مسجد محمدی از مساجد جدید البناء
 - 12 - مسجد ملا کاظم واقع در سر جوی بابا حسن .
 - 13 - مسجد میرزا باقر از مساجد عهد صفوی .
- مساجد زیر را نیز میتوان جزو مساجد این محله محسوب داشت (بطوریکه شاردن نیز جزو مساجد بید آباد بحساب آورده است)
- 14 - مسجد در کوشک (پاشیر کوشک - مسجد حاج میرزا ابو الحسن

16 - مسجد کوچک بازارچه در کوچک که در سالهای اخیر در آن تعمیرات اساسی و کلی انجام گرفته است .

غیر از مساجد نامبرده در خود محله بید آباد و محلات منشعب از این محله متجاوز از بیست مسجد بزرگ و کوچک دیگر نیز وجود دارد که عموماً در دو وقت ظهر و شب اقامه جماعت در آنها میشود.

قدمگاه :

در بازارچه میرزا باقر به ستون یکی از دکالین سنگی نصب شده است و بر روی آن جای پائی است و معروفست که جای قدم یکی از بزرگان دین می باشد در صحت و سقم آن در انتساب هیچگونه اظهار نظری نمیتوانم نمود توضیحاً آنکه در مسجد آقا نور در محله دردشت در زیر گنبد نیز سنگی بدیوار نصب است و آنهم اثر پائی دارد و به قدمگاه شهرت دارد و حال او همچون دیگر قدم گاه ها می باشد (غیر از قدمگاهیکه در راه مشهد حضرت رضا علیه السلام است که بطوریکه در مطلع الشمس (ص 30 ج 1) نوشته است انتساب و صحت آن بدون تردید می باشد) و الله العالم

اسامی کوچه های محله بید آباد

محله بید آباد از نظر تقسیمات شهری جزو ناحیه 2 شهربانی (کلانتری 2) و ناحیه 2 شهرداری و ناحیه پنج آموزش و پرورش محسوب میشود و به محلات و کوچه های کوچکی تقسیم میشود لکن به مجموعه آن بید آباد گفته میشود و ذیلاً بجهت اطلاع خوانندگان محترم و همچنین ثبت در تاریخ اسامی کوچه های آن که هر آن ممکن است گرفتاری بیماری تغییر نام گردد اقدام می شود 1- کوچه آهنی

2- کوچه آسیاب اشتها ردیها 3 - کوچه اره کشها 4 - باروت کوبها 5 - باغ حاجی یا باب همایون یا اخیراً باغ تختی 6 - باغ کوره 7 - پشت بارو 8 - پشت مسجد سید 9 - تاریکی در مسیر خیابان مسجد سید قرار گرفته و از بین رفت 10 - ترکها 11 - حبیبیان یا اعتماد الدوله مقابل در بزرگ مسجد سید قرار داشت و در مسیر خیابان قرار گرفت 12 - ساغری چیهها 13 - سنگ بست 14 - سوزنگرها 15 - شش انگشتی ها در مسیر خیابان چهارباغ پائین قرار گرفته و از بین رفت 16 - شیش (به کسر شین و سکون یاء و نون) 17 - علی قلی آقا از کوچه های اصلی این محله 18 - قاضی عسکریها 19 - قبله دعا 20 - قمیها 21 - کله پزها 22 - لرها 23 - لکزیها 24 - مشایخ بید آباد (شیخ ها) 20 - مقدس ها 26 - منبر گلی 27 - میرزا باقر 28 - میرزاها (تابش ها - کوچه ملاذ الاسلام نیز گفته میشود) 29 - حاج میرزا یحیی مستوفی (کوچه سرجوی نیز گفته میشود) و غیره

برخی از بازارچه های محله بید آباد

در این محله دو بازار بزرگ و چندین بازار چه قرار دارد از اینقرار :

1- بازار بید آباد 2 - بازار علی قلی آقا 3 - بازار چه باغ حاجی در مسیر خیابان چهارباغ قرار گرفت و خراب

شد و کوچه پشت باغ حاجی و کوچه شش انگشتی ها در جنوب شمال آن قرار داشت و کوچه باغ حاجی و کوچه سینی پائینی یا کوچه شیخ الاسلام در مغرب و مشرق آن بود 4 - بازار چه چوب بست شیس 5 - بازار چه حبیب الله خان - بازار ریسمان 7 - بازار چه میرزا باقر 8 - بازار چه شاطر باشی و غیره خیابان مسجد سید قسمتی از بازار بید آباد و چهار سوی آنرا خراب کرد لکن هنوز بازار بید آباد از اهمیت شایسته ای برخوردار است .

ص: 219

کاروانسراها و تیمچه های بید آباد

در زمانهای قدیم که گاراژ و مسافربریها و همچنین مسافرخانه و مهمانسراها وجود نداشت مسافرین اینگونه نیازهای خود را بوسیله کاروانسراها و تیمچه ها بر آورده می نمودند .

کاروانسراها و تیمچه ها بر دو گونه بود:

1- کاروانسراها و تیمچه های تجارتي که محل کسب و تجارت و مال التجاره و داد و ستد امتعه بود

۲- کاروانسراها و تیمچه ها مسافرتي که قوافل در آن وارد می شدند و مسافرین در آنجاها منزل می نمودند .

در محله بید آباد و اطراف آن چندین کاروانسرا وجود داشت که عموماً در سالهای اخیر یا بطور کلی از بین رفته و یا تغییر صورت یافته است و آنها بقرار زیر می باشد :

۱- کاروانسرای آفتابگاه (کاروانسرای محمد یوشنی) قسمت عمدۀ آن در مسیر خیابان مسجد قرار گرفت و قسمتی از آن بصورت مغازه و گاراژ در آمد

۲- کاروانسرای کوچک آفتابگاه که در این اواخر بصورت کالسکه خانه در آمده بود و در مسیر خیابان قرار گرفت

3- کاروانسرای مقابل مدرسه میرزا حسین از موقوفات مدرسه نامبرده

4- کاروانسرای ماست بندی

5- کاروانسرای اول چهار سوق علی قلی آقا

6- تیمچه عبا بافی و احرامی بافی در بازارچه علی قلی آقا

مرحوم حاج میر سید علی جناب در کتاب الاصفهان (ص 58) طول و عرض

ص: 220

هر یک از این کاروانسراها را معین نموده طالبین مراجعه نمایند

حمامهای محله بید آباد

در محله بید آباد چندین حمام وجود دارد که اسامی آنها بدینترتیب است

1- حمام چوبی

2- حمام حاج کاظم

3- حمام دوقلی زنانه و مردانه

4- حمام علی قلی آقا زنانه و مردانه از آثار باستانی مربوط به اواخر عهد صفوی

5- حمام قاسم خان واقع در کوچه سادات قاضی عسکر در سالهای اخیر آنرا خراب کردند

6- حمام محمد رضا خان زنانه و مردانه

7- حمام میرزا باقر جنب مسجد و بازار چه میرزا باقر این حمام در سالهای اخیر گرفتار بیماری تغییر نام گرد

ید و اخیراً بنام حمام گلستان خوانده میشود .

چهار راه هفتم محرم

در روز هفتم محرم سال 1397 در این محل مأمورین حکومت سابق جلو تظاهرات مردم حق جو و مسلمان این شهر که قصد راه پیمائی و عزاداری ایام محرم را داشته را گرفته و با کشتن و مجروح کردن عده ای از مردم بی پناه جمعیت را متفرق کردند . بهمین جهت نام این چهار راه را چهار راه هفتم محرم گذاردند که این خاطره فراموش نشود .

ص: 221

از نظر روانشناسی دانشمندان و روان شناسان می گویند :

طرز گفتار و طریقه رفتار و روش راه رفتن و نشستن و خلاصه کلیه اعمال و اطوار اشخاص معرف روحیه آنها می باشد بخیل و سخاوتمند - متکبر و متواضع و... را میتوان در اولین برخورد با آنها شناخت آنها که به چیزهای کوچک نامهای بزرگ می گذارند یعنی بزرگ را کوچک می بینند نشانه روحیه خودنگری و کوچک بینی آنهاست بطور مثال وقتی به یک کوچه تنگ و تاریک و یا خیابان پیچ در پیچ نام ملا صدرا می گذارند و یا صاحب دکان جگرک فروشی نام مغازه خود را ابن سینا می گذارد معرف جهل و نادانی نام گذاران و کوچک بینی بزرگان است این طرز تسمیه از مقام والای آن بزرگان چیزی نمی کاهد لکن کوتاه فکری و عدم آشنایی بمقام شامخ و شخصیت علمی و اجتماعی اینان را میرساند .

از این طرز نام گذاری بدتر و رسواتر تغییر نام و عوض کردن اسامی است.

مسلم است که باید نام مردم نیکو کار و علماء و دانشمندان زنده بماند و یکی از راههای زنده نگاه داشتن همین نام گذاریها می باشد اما اگر قرار باشد نام کوچه یا خیابانی را که بمناسبتی شهرت یافته برداریم و نام دیگری بگذاریم چند صباحی بیش طول نمی کشد که مجدداً این نام به نام دیگری تغییر می یابد و این عمل بطور مداوم تکرار می شود .

(داستانی شنیدنی) :

نقل است که بعد از آنکه شاه عباس کبیر صفوی مسجد شاه اصفهان را ساخت جهت @ @ آن نیاز به سنگ مرمر داشت بعضی از اطرافیان کوتاه نظر پیشنهاد کردند که سنگهای مسجد جامع را کنده و در این مسجد بکار برده شود. مرحوم شیخ بهائی رحمة الله علیه با این پیشنهاد مخالفت

نموده و گفت: اگر چنین کاری انجام دادید این طرز عمل سنتی می شود و بعد از این دیگران نیز سنگهای مسجدی را که شما بنا کرده اید را از محل خودکنده جای دیگر بکار میبرند .

بنابراین مقتضی است اگر قرار شود نام بزرگی و خدمتگذاری و یا عالم و دانشمندی باقی بماند این نام را روی خیابانها و کوچه های جدید و بی نام بگذارند و اسامی را مرتب تغییر ندهند .

در هر حال نام این خیابان که از جلو مسجد سید عبور میکرد بنام طاغوت زمان بود آنرا بنام خیابان مسجد سید تغییر دادند.

بزرگان محله بیدآباد در دوره اول

ذیلا جهت مزید فایده به ذکر اسامی چندین نفر از بزرگان علماء و محدثین که در این محله سکونت داشته اند اشاره می شود:

- 1- حافظ ابو نعیم احمد بن عبد الله مدفون در آب بخشان (مقبره مردبان).
- 2- ابو مسعود احمد بن فرات رازی اقا شیخ ابو مسعود رازی (مقبره او هنوز باقیست).
- 3- ابو عبد الله احمد بن محمد ویز آبادی . متوفی بسال 422 هـ . ق (ص 192- آثار ملی اصفهان)
- 4- ابو محمد جابر بن منصور ویز آبادی . (آثار ملی اصفهان ص 192)
- 5- عبد الله بن احمد بن اسحق پدر حافظ ابو نعیم (365 - 231) .
- 6- ابو محمد عبد الله بن اسحق خیاط ویز آبادی (ص 192 آثار ملی اصفهان) .
- 7- ابو عبد الله محمد بن حسن متوفی بعد از سال 350 هـ . ق (ذکر اخبار اصفهان صفحه 293 دوم) .

بزرگان محله بید آباد از قرن پنجم تا قرن دوازدهم

در این هفت قرن محله بید آباد بعلت خارج بودن از شهر از اهمیت و موقعیت اولیه خود افتاده بود و مردم بخصوص بزرگان بیشتر در داخل شهر سکونت داشتند در عهد ترکمانان آق قویونلو و سپس در عهد صفویه که جمعیت شهر رویتزاید گذاشته بود و در اثر کفایت و لیاقت و حسن تدبیر و سیاست پادشاهان صفوی امنیتی برای مردم فراهم شده بود این ناحیه و محله نیز همچون دیگر محلات رو به آبادانی نهاد از آثار قبل از صفویه باید سر درب در کوشک و مدرسه ترکها و احتمالاً مدرسه در کوشک را نام برده ضمناً چون محله بید آباد ابتدای ماریین و جانی خوش آب و هوا بود عده ای از بزرگان در آنجا باغ و خانه تهیه نموده و اینک بنام عده ای از علماء و بزرگان این ناحیه اشاره می کنیم :

1- شیخ ابوطالب زاهدی فرزند ملاعبدالله بن علی بن عطاء الله لاهیجانی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی عارف معروف و مراد و مربی شیخ صفی الدین اردبیلی جد سلاطین صفویه . از علماء معروف و صاحب تألیفات متوفی بسالی 1127 (ص 79 بزرگان و دانشمندان اصفهان) کوچه شیخ ها یا مشایخ مقابل حمام دوقلی جنب مسجد سید منسوب به خاندان شیخ زاهد گیلانی می باشد .

2- اعتماد الدوله فتح علیخان لکزی (فرزند الخاص میرزا از نسل بنی عباس) وزیر با کفایت شاه سلطان حسین که در اثر سعایت مخالفین او را کور کردند . منزل اعتماد الدوله مقابل مسجد سید (در بزرگ مسجد) قرار داشت و در مسیر خیابان مسجد سید قرار گرفت . ظاهراً کوچه باغ که از کوچه های مجاور این

قسمت قرار دارد نیز مربوط به باغ اعتماد الدوله بوده است . وی غیر از فتح علی خان قبه است که او نیز از حکام عهد شاه سلطان حسین صفوی بوده و ظاهراً خانه او در محله قبله دعا نزدیک باغچه چی بوده است .

3- میرزا محمد باقر : بازارچه و حمام و مسجد او هنوز باقی و بنامش معروفست.

4- حبیب الله خان : بازارچه ای جنب بازارچه میرزا باقر بنام او مشهور و معروفست.

5- محمد رضا خان از بزرگان عهد صفوی حمام او جنب بازارچه شاطر باشی که احتمالاً او نیز مربوط بعهد صفوی است باقی و دایر است .

6- چهار سلسله از سادات بزرگوار و صحیح النسب حسینی و در این محله سکونت داشته اند که تاکنون اولاد و اعقابشان ساکن می باشند، سادات خاتون آبادی اولاد آقای تکمه حسین- سادات خلیفه سلطانی - قاضی عسکر - سادات میر محمد صادقی .

7- سید محمد سعید موسوی بحرینی عالم فاضل متقی در فتنه افغان وفات یافته و در منزل خود مدفون سپس قبر در داخل چهلستون مسجد سید قرار گرفت که تا کنون معروف و معین است .

8- شیخ محمد علی حزین فرزند شیخ ابوطالب زاهدی سابق الذکر صاحب تألیفات کثیر . (1103-1181).

9- قاسم خان از معاریف عهد صفویه و از آثارش حمام قاسم خان در کوچه سادات قاضی عسکر در جنب باغ همایون (باب همایون) تا این اواخر موجود بود در سالهای اخیر آنرا خراب کردند.

10- لطفعلی خان لکزی سردار معروف زمان شاه سلطان حسین صفوی شوهر

خواهر اعتماد الدوله فتح علیخان لکزی .

یکی از علل ظاهری شکست ایران در برابر افغانه و انقراض سلسله صفوی برکنار نمودن این سردار دلیر و شجاع و کار آمد از فرماندهی قشون ایران وزندانی ساختن او بود . شرح آنرا باید در کتابهای تاریخ مربوط به آن زمان مطالعه کرد .

ظاهراً خانه لطفعلی خان لکزی در محله قبله دعا در نزدیکی های حمام چوبی و باغچه چی بوده است.

بزرگان و معارف محله بیدآباد در عهد قاجاریه و بعد از آن

در این زمان بمناسبت وجود مرحوم سید حجة الاسلام این محله آباد و هر روز بر آبادیش افزوده شده و علماء و بزرگان گرد وجود پر خیر و برکت او جمع شدند و تا کنون هر چه هست از آثار وجود ایشانست .

در این قسمت در صدد آن نیستیم که کلیه علماء و بزرگان و شعراء و نویسندگان این محله را نام ببریم فقط بعنوان تیمن و تبرک بذکر اسامی چند نفر اشاره می کنیم .

1- سید ابو الحسن طیب حسینی از پزشکان معروف فرزندانش بنام بصیر در طهران و خارج ایران مشهورند.

2- حاج میرزا ابوالقاسم بن علی اکبر بید آبادی شاعر - ادیب، متوفی بسال 1301 هجری مؤلف : 1- حقایق ناضری منظوم و مطبوع 2- حقایق النبویه والعلوم منظوم 3 - دیوان اشعار 4 - علاج الامراض 5 - همیان مثنوی موش گربه در نقد اجتماعی بصورت فکاهی و غیره (الذریعه ص 102 دانشمندان اصفهان).

ص: 226

3- آقا احمد مازندرانی بید آبادی استاد اقا جعفر لاهیجانی گیلانی (ص 515 سوم فهرست کتابخانه دانشگاه).

4- آقا شیخ احمد بن علامه مولی محمد جواد بن محمد حسن حسین آبادی سرجوئی (سرجوی بید آباد) اصفهانی عالم عامل فقیه محقق زاهد عابد متولد در حدود سال 1279 و متوفی در روز چهارشنبه 21 جمادی الاولی 1357 مدفون در بقعه تکیه مرحوم بروجردی (مرحوم در کوشکی در تخت فولاد) مجاز از پدر دانشمند خود و مرحوم اقا میرزا محمد باقر میرزا محمد هاشم چهارسوقی (ص 116 دانشمندان و بزرگان اصفهان - ص 92 یکم نقباء البشر - ص @@ یکم خلد برین)

5- مرحوم آقا شیخ احمد بن اقا شیخ محمد حسین واعظ خونساری اصفهانی از وعاظ معروف متوفی در روز 19 جمادی الاولی 1345 درخونسار داماد فاضل مقدس زاهد اقا شیخ ابو تراب زاهدی از سلسله مشایخ بید آباد (فوت 1363).

6- امام جمعه بید آباد: مرحوم میرزا حیدر علی مجلسی در رساله تذکره الانساب (ص 101) بخلاصه گوید:

علامه مجلسی از عتیقه معقوده دو پسر و دو دختر داشته بدین شرح:

1- میرزا عبدالله

2- میرزا محمد جعفر

3- زوجه میر زین العابدین بن میر محمد صالح.

4- زوجه * دارای شش دختر (نام شوهرش مذکور نیست)

دو دختر از میرزا عبدالله در بیدآباد بشوهر رفته بودند:

1- زوجه میرزا عبدالله بن میر سید محمد ملا باشی بن میر محمد صالح.

2- زوجه میرزا محسن بن میر زین العابدین بن میر محمد صالح.

واما امام جمعه بید آباد و او میرزا محمد علی بن میر سید رضا بن میر زین

ص: 227

العابدین بن میر محمد صالح می باشد .

(معنی امام جمعه بید آباد بر نویسنده روشن نیست شاید امام جماعت بوده است).

7- آقا سید محمد باقر طبیب (ص 465 تاریخ و جغرافیای چهار محال جلد اول) از اطباء معروف ساکن محله بید آباد :

8- حاج میرزا محمد باقر حکیمباشی فرزند آخوند ملا عبدالجواد حکیم (فوت شب غره صفر 1281) فرزند ملا محمد علی بن ملا احمد توتی خراسانی طبیب فقیه ادیب در زمان او تدریس طب قدیم باو اختصاص داشته و خود در آن مهارتی داشته است در 6 جمادی الاولی سال 1327 وفات یافته در یکی از اطاقهای جنوبی تکیه مرحوم آقا سید ابوجعفر صدر مدفون گردید و بعداً اولاد و اعقاب و نزدیکانش در آنجا بخاک رفتند.

از آثارش رساله در وبا و طرز معالجه آن بچاپ رسیده و نسخه ای از چهل حدیث از فرمایشات بزرگان دین مورخ به غروب 5 شنبه 7 جمادی الثانیه 1285 بخط و امضاء محمد باقر بن عبد الجواد در نزد نویسنده موجود است که احتمالاً از صاحب ترجمه می باشد.

در محله بید آباد و متفرعات آن چندتن از اطباء قدیم سکونت داشتند که عموماً بخلافت و مهارت در فن طب شهرت و عنوانی داشتند .

9 - میرزا جعفر بید آبادی . مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 360) در ذکر اسامی باغهای اصفهان می نویسد :

باغ قورچی باشی علیا که در خیابان چهار باغ بالا قرار داشت و از آثار قورچی باشی شاه عباس دوم بود و مساحت آن حدود بیست و شش هزار ذرع میشد را میرزا جعفر بید آبادی زمان صادر کرد و خراب نمود و این باغ غیر از باغ

ص: 228

قورچی باشی سفلی است که میرزا تقی اشراقی با سه باغ دیگر (1- با ایشیک آقاسی 2- باغ قورچقای خان 3- باغ توشمال باشی) فرمال گرفته و همه را خراب نمود .

(فائده) : قورچی باشی رئیس مسئول سلاح داران و داروغه اسلحه خانه را گویند. را گویند .

نام قورچی باشی ظاهراً میرزا تقی است . نصرآبادی در تذکره (ص 83) گوید : وزارت لاهیجان یافته و معزول گشته سپس استیفاء قورچیان باو محول گردیده و در آن منصب فوت شده از اشعار اوست :

حق را زدل خالی از اندیشه طلب کن

زین شیشه بی @ بی شیشه طلب کن

10 - شیخ محمد جعفر بن مولی محمد رفیع بن محمد رفیع گیلانی رشتی اصفهانی بیدابادی عالم فاضل برادر عالم فاضل واعظ جلیل آقا شیخ محسن رشتی از شاگردان سید حجة الاسلام . صاحب عنوان نیز احتمالاً از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام و خود از فضلاء و علماء اصفهان می باشد .

11 - حاج محمد جواد عارف سرجوئی (بمناسبت سکونت او در سرجوی بابا حسن در محله بید آباد) فرزند حاج محمد حسین بن شیخ زین الدین از سلسله مشایخ ذهبیه در اصفهان . پدرش نیز از عرفاء و سالکین بوده و در ذی القعدة سال 1293 وفات یافته در ضمن مقبره سر قبر آقا در محله خوابجون (در جنوب شرقی صحن نامبرده) مدفون گردید . صاحب عنوان در دهم ماه صفر سال 1345 بسن قریب به نود سالگی در کربلا وفات یافته در همان ارض مقدس مدفون گردید.

12- خاندانهای : امامی از سلسله سادات حسینی از اعقاب امامزاده و اجب التعظیم والتکریم جناب ابو الحسن زین العابدین علی معروف به درب امام فرزند

جناب نظام الدین احمد بن شمس الدین عیسیٰ ملقب به رومی فرزند جمال الدین محمد بن جناب علی العریضی فرزند حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام از معروفترین امامزادگان اصفهان می باشد وی در محله چملان (چنبلان - جمبلان @ @ سنبلان سنبلستان) ساکن بوده است و پس از فوت در جنب مسجد سعید بن جبیر مدفون گردیده مقبره او از آثار باستانی اصفهان و قبر او از مزارات متبرکه این شهر می باشد .

اعقاب او جمعی در همین محله سکونت دارند و به سادات امامی درب امامی شهرت دارند و عده ای در محله بیدآباد سکونت دارند که معروفترین آنها در این اواخر

عالم فاضل فقیه حکیم حاج میرزا محمد باقر بن اقا سید احمد متوفی در قبل از ظهر چهارشنبه صفر 1364 و مرحوم حاج میرزا آقا فرزند سید محمد حسین بن میرزا جان نقاش از اساتید فن مینیاتور می باشد .

13 - خاندان مرحوم سید حجة الاسلام رشتی .

14- خاندان مرحوم خونساری اولاد و اعقاب مرحوم مولی علی اکبر خونساری علیه الرحمه .

15- خاندان در میانی از اعقاب علامه فقیه حکیم فیلسوف میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی نائینی معروف به میرزا رفیعا و از معارف این سلسله در این اواخر مرحومین حاج سید محمد باقر و حاج میرزا حسن در میانی می باشند که از فضلاء اصفهان و در جنب مسجد سید سکونت داشته اند .

16- خاندان سادات شهشهرانی حسینی از اعقاب مرحوم میرزا جعفر شهشهرانی

17 - سادات مقدس از اعقاب مرحوم سید ابراهیم حسینی ساوجی سبزواری مختاری .

18- سادات نحوی از اولاد و اعقاب مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی : مرحوم حاج سید مهدی فرزند ارشد و اعلم آن مرحوم از علماء اخیار و فضلاء ابرار و مدرسین سطوح فقه و ادبیات در اصفهان بوده و بعلت تخصص در تدریس کتب نحو به نحوی شهرت یافته است و او غیر از نحویهای مرندی است که در حدود مسجد جامع سکونت داشته اند مرحوم حاج سید مهدی در حدود سال 1240 و کمی قبل از آن متولد و در 1307 در اصفهان وفات یافته در جنب پدر و آباء کرام خویش در تخت فولاد مدفون گردید رحمة الله علیهم اجمعین .

19- سید رحیم بن محمد شفیع حسینی تنکابنی اصفهانی بیدآبادی از شاگردان مرحوم حاج سید یوسف بن محمد حسینی قاینی اصفهانی (متوفی در 1424 سال 1246) (ص 539 دوم الکرام البرره) .

20- شیخ عزیز الله بیدآبادی از سلسله مشایخ بید آباد . در علم رمل و جفر و اعداد استاد بوده و علاوه بر آنها فقیهی عالیقدر بشمار میرفته در اواخر قرن سیزدهم وفات یافته است (ص 193 - آثار ملی اصفهان نقل از جغرافیای اصفهان)

21 - شیخ علی شیشی یزدی عالم فاضل رساله در احکام : رشد و سفاقت تاریخ فراغت از تألیف 1270 - علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 829 دوم) می نویسد : رساله مزبور را دیدم که دلالت بر تبجر او در فقه مینمود و هم در آن رساله گفته بود که وطنم شیشه و مسکنم یزد است .

بظن نویسنده شیشه و شیش همان محله شیش (بکسر اول و سکون دوم و سوم) از محلات فرعی بید آباد است اگر این احتمال درست باشد مشار الیه نیز بید آبادی خواهد بود .

22- سید علی نقی بن اسماعیل موسوی اصفهانی بیدآبادی در سال 1231 مجموعه ای از چهار کتاب بشرح زیر :

ص: 231

1 - معارج تألیف علامه حلی 2- مبادی تألیف علامه حلی 3 - تهذیب تألیف علامه حلی 4 - شرح بدایه شهید دوم ترتیب داد - و آنرا بخط نسخ کتابت نموده نسخه بشماره (119) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص 133 یکم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی).

23 - حاج فاضل بید آبادی مرحوم حاج ملا اسد الله بن حاج ملامحمد باقر بن ملا محمد رضا عالم فاضل زاهد از شاگردان مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی و اقا سید محمد باقر در چه ای و اقا نجفی و دیگران بوده و در خدمت آقایان مسجد شاه به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم میپرداخته در 4 شنبه 21 ذی القعدة سال 1363 وفات یافته در خارج بقعه مرحوم بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید .

24 - قاضیها - خاندان قاضی . دو خانواده در این محله سکونت داشته و دارند که منصب قضاوت اصفهان از بعد از سلاطین صفویه تا قبل از دوران مشروطه و ایجاد عدلیه (دادگستری) در بین آنان بورااث و لیاقت برقرار بوده است .

1- اعقاب شیخ زاهد ثانی گیلانی یعنی سلسله مشایخ بید آباد .

2 - اعقاب محقق سبزواری علامه مولی محمد باقر که عموماً در محله چهار سوی درب شیخ (شیخ ابو مسعود رازی) سکونت داشته و ظاهراً اعقاب دختری قاضی محمد ابراهیم بن غیاث الدین محمد خورانی متوفی بسال 1160 می باشند

25 - میرزا قیصر بید آبادی شاعر لطیفه گوی و ادیب نکته سنج در قرن سیزدهم میزیسته است

این دو سطر شعر از اوست . (ص 464 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

هنگام صبح چائی و شیر خوش است

در وقت نهار قند و سرشیر خوش است

چون عصر شود دوباره چائی نیکوست

در آخر شب صدای کفگیر خوش است

ص: 232

ملاصداق ذاکری سدهی در جواب او گوید :

اندر دل شب ناله شبگیر خوش است

در وقت سحر توبه زتقصیر خوش است

مطلوب سحرگهان بود استغفار

چون فجر دهد صدای تکبیر خوش است

26 - آخوند ملا کاظم بن مشهدی نصر الله مروج بید آبادی عالم فاضل مقدس ادیب شاعر مؤلف متوفی در سال 1363

27 - حکیم فقیه عابد زاهد فیلسوف مرحوم آقا محمد بن محمد رفیع گیلانی معروف به آقا محمد بید آبادی از سلسله مشایخ بید آباد .

مشایخ بیدآباد

سلسله مشایخ بید آباد که بنام عده ای از آنها اشاره شد و میشود عموماً از اعقاب عارف مشهور شیخ زاهد گیلانی اول (شیخ ابراهیم بن روشن امیر) و شیخ زاهد گیلانی دوم که هر دو از بزرگان مشایخ واقطاب عرفاء و صوفیه بوده اند می باشند

اعقاب این دو که در اصفهان و گیلان ساکن بوده و می باشند عموماً از اهل فضل و ادب و شعر و از فقهاء و حکماء محسوب می شوند و جمعی از آنان در علم و زهد و تقوی بمقامات عالییه رسیده اند و نامشان در کتب شرح حال رجال علمی مذکور است.

ذیلا بنام عده ای از آنان اشاره می شود (از اصفهانیهها):

۱ - مرحوم آقا شیخ ابو تراب بن محمد علی زاهدی از معاصرین .

2- مرحوم آقا شیخ ابو جعفر مازندرانی قاضی اصفهان از علماء قرن دوازدهم

ص: 233

3- مرحوم آقا شیخ احمد به ایی تراب بن محمد حسن مدفون در قبرستان آب بخشان (ص 54 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

4 - مرحوم آقا میرزا اسد الله طبیب از اطباء قدیمی از معاصرین .

5 - مرحوم آقا شیخ محمد حسن بن ملا عبد الله قاضی اصفهان مدفون در قبرستان آب بخشان ص 53 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

اولین فرد این خاندان است که بمنصب قضاوت این شهر نائل گردیده است (ص 566 گنج شایگان)

6 - شیخ زاهد ثانی گیلانی متوفی بسال 1222 عالم فاضل عارف کامل (ص 750 سوم مکارم الاثار)

مرحوم معلم حبیب آبادی در ذیل ترجمه شیخ زاهد می نویسد :

۱- ابوالفتح خان بختیاری فرزند قاسم خان حاکم اصفهان در عهد رضاقلی میرزا فرزند نادر شاه و

۲- میرزا حسین تحویل دار از اولاد شیخ زاهد گیلانی می باشند (غیر از میرزا حسین خان سر رشته دار فرزند میرزا مرتضی و متوفی در غره شب سال 1320 می باشد)

7 - شیخ محمد صالح بن شیخ زین العابدین عالم فاضل ادیب شاعر معلم و امام جماعت مدرسه دارالفنون و مختصر کننده تذکرة الخطاطین تألیف میرزا سنگلاخ خراسانی (ص 486 گنج شایگان)

8- شیخ محمد طاهر (میرزا محمد طاهر) معروف به دیباچه نگار فرزند شیخ زین العابدین مؤلف کتاب: تذکره گنج شایگان متولد در 10 ذی الحجه سال 1224 در اصفهان (ص 566 گنج شایگان) و متوفی بسال 1275 در تهران (ص 780 سوم مکارم الاثار) شاعر متخلص به شعری

9 - شیخ عبد الله قاضی متوفی در محرم سال 1291 مدفون در رواق حرم کربلا-جنب ضریح حبیب بن مظاهر اسدی (ص 54 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

10 - مرحوم آقا شیخ عبد الوهاب زاهدی عالم فاضل ادیب از معلمین مدرسه علمیه و مدرس سطوح ادبیات از معاصرین

11- شیخ عبدالوهاب بن محمد قاضی متوفی بسال 1206 مدفون در پشت بقعه آقا محمد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان (ص 54 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

12- شیخ عبد الهادی قاضی داماد علامه فقیه اقا سید صدر الدین محمد عاملی . در گنج شایگان (ص 567) گوید : وی پنجمین نبیره شیخ محمد حسن قاضی است و تا سال 1273 حیات داشته است (ص 54 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

13 - مرحوم آقا شیخ علی بن شیخ مفید عالم فاضل جلیل از مدرسین مدرسه صدر اصفهان متوفی بسال 1345 مدفون در تخت فولاد نزدیک مقبره آقا محمد بید آبادی (ص 496 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

28 - مرحوم ملا علی بن محمد حسین محله نوی بید آبادی عالم فاضل از علماء ریاضی و از مفاخر علمی معروف به جمشید ثانی متولد در 1215 در 3 شنبه 17 صفر سال 1293 در طهران وفات یافت دو فرزند دانشمند و منجم و ریاضی دان:

1 - میرزا عبد الوهاب منجم باشی (1289 - 1350) 2 - حاج نجم الدوله میرزا عبد الغفار (1326 - 1259) و یک دختر که عیال شیخ عبدالجلیل اصفهانی و مادر دکتر میرزا علی خان ناصر الحکماء و اعلم الممالک (تولد 1284) می باشد مرحوم ملا علی محمد مؤلف کتابی است بنام تکمله العیون و او ظاهراً اولین فردی است که موفق به کشف لگارتیم شده است لکن عنوان و شهرت آنرا اروپائیان بردند .

ص: 235

29- مرحوم شیخ محمد قاضی متوفی در جمادی الثانیه 1227 مدفون در ایوان علماء در صحن مقدس نجف اشرف (ص 54 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

30- مرحوم آقا میرزا محمد طبیب محله نوی از اطباء و پزشکان معروف معاصر

فائده: اصفهان در حال حاضر دارای سه ناحیه بنام محله نو می باشد:

1- محله نو بید آباد 2- محله نو چهار سو شیرازیها 3- محله نو خواجو.

31- مرحوم حاج شیخ محمود بن شیخ مفید حکیم فقیه زاهد از مدرسین حکمت و فلسفه در مدرسه صدر بازار و مدرسه چهار باغ و از مفاخر علمی اصفهان در اصفهان و طهران و مشهد تحصیل نموده و در حدود سال 1297 متولد و در بعد از ظهر روز جمعه 11 شوال المکرم 1382 وفات یافته جنازه در روز شنبه با تشییع عظیم و حضور عموم علماء و روحانیون و مدرسین و طلاب علوم دینی و مؤمنین و مقدسین در داخل بقعه آقا محمد بید آبادی بخاک سپرده شد رحمة الله علیه عالمی بزرگوار و حکیمی خلیق و مهربان و عابد و زاهد بود

32- مظاهری کرونی - در قریه تهران مرکز بلوک کرون عده کثیری خویشتن را از اعقاب جناب حبیب بن مظاهر اسدی شهید کربلا میدانند و عده زیادی عالم و فاضل و ادیب در بین آنها بوده و می باشد که از آنجمله است:

مرحوم آخوند ملا حسین کرونی فرزند محمد فرزند ملا میرزا عالم فاضل زاهد از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی و جمعی دیگر از بزرگان فقهاء و مدرسین اصفهان بوده قبل از 1295 متولد و در شب 12 ربیع الثانی سال 1375 در اصفهان وفات یافته در خارج بقعه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی (در کوشک) در تخت فولاد مدفون گردید دو نفر از فرزندانش بحمد الله از وعاظ

ص: 236

وخطباء و محدثین معاصر اصفهان می باشند . سلمهما الله و ابقاهما .

33 - مرحوم آقا میرزا مهدی فرزند شیخ اسماعیل بن شیخ علی محمد اصفهانی مشهدی عالم فاضل محقق مدقق حکیم عارف فیلسوف مجتهد از مدرسین آستان قدس رضوی متوفی در روز 5 شنبه 19 ذی الحجه الحرام سال 1365 مدفون در زیر گنبد اللهوردینخان در آستانه مقدسه رضویه مؤلف کتب عدیده

34 - حاج میرزا نصر الله بن محسن ملک المتکلمین بهشتی از خطباء و گویندگان و از بنیانگزاران مشروطه ایران و از ادیخواهان صدر اول مقتول در سال 1326 در زندان باغشاه طهران .

35 - میرزا یحیی (کاشی پز) مدرس بید آبادی فرزند شیخ اسماعیل عالم فاضل ادیب شاعر صاحب دیوان اشعار مطبوع از اعقاب محقق سبزواری در حدود 1254 متولد و در شب 4 شنبه 5 ذی القعدة الحرام سال 1349 وفات یافته در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعا مدفون گردید بعداً جزو فرودگاه قرار گرفته و کلیه قبور آن از بین رفت.

36 - حاج میرزا یحیی فرزند حاج میرزا شفیع مستوفی بید آبادی از سلسله میرزاهای بید آباد که نسب آنان به میرزا مهدی اشتهاردی میرسد عالم فاضل ادیب محقق مدقق صاحب تألیفات نافعه از چهره های ناشناخته علمی اصفهان چه در زمان حیاتش و چه پس از وفات مقامات علمی و تحقیقات او همچنان مجهول مانده و حتی اهل فضل و دانش نیز از آن کمتر آگهی دارند کتابها و تألیفاتش از تصرف وارثین خارج شده و در گوشه های کتابخانه ها گرد غربت بر آنها نشست تا چه وقت خداوند قادر متعال اراده فرماید که آنها بچاپ برسد و اهل فضل و دانش از آن بهره مند شوند . در سال 1250 متولد و در روز جمعه دوم جمادی الاولی سال 1325 وفات یافته در یکی از اطاقهای شمالی تکیه مرحوم آقا سید ابو جعفر

ص: 237

37 - میرزاهای چهارسوق علی قلی آقا معروف به تابش از اعقاب میرزامهدی اشتیاردی باقی مدرسه میرزا مهدی واقع در سر جوی بابا حسن عموماً اهل فضل و ادب بوده و در عهد قاجاریه و بعد در دستگاه حکومتی و ادارات دولتی مشغول خدمت بوده اند .

بید آباد اصفهان - بید آباد شاهرود

علاوه بر محله بید آباد اصفهان در شهرستان شاهرود نیز محله ای بنام بید آباد میباشد .

فائده لغوی) : کلمه شاه در زبان فارسی در معانی : دانا - اصل - خداوند - رئیس و بزرگ و داماد و چندین معنی دیگر استعمال گردیده است و کلمات شاهراه - شاهرگ - شاهکار و غیره همه در معنی بزرگ استعمال گردیده است و از همین قبیل است کلمه شاهرود.

کلمه شاهرود صفت مرکب است که بجای موصوف استعمال گردیده و اسم خاص و علم شده است و آن نام رودخانه بزرگی بوده که از طالقان سرچشمه میگرفته و شهری که در کنار آن قرار داشته است را نیز بهمین نام « شاهرود » نامیده اند .

در مطلع الشمس که بسال 1303 قمری تألیف گردیده گوید :

شهر شاهرود دارای :

1 - کاروانسرا 3 عدد

2 - حمام 6 عدد

3 - مسجد 5 عدد

ص: 238

4- مدرسه 3 عدد

5- محله 4 عدد

- دروازه 5 عدد می باشد

اسامی مدارس آنجا عبارت است از :

1- مدرسه محمد زمان خان قاجار

2- مدرسه حاجی اسماعیل

3- مدرسه حاجی ابراهیم یا مدرسه بید آباد

اسامی محلات شهر شاهرود عبارت بوده است از :

۱- محله قلعه ولوا

2- محله بید آباد

۳- محله دو

4- محله عمارت (صفحه 252 سوم مطلع الشمس)

برای اطلاع از وضع فعلی شهر شاهرود و تاریخ علماء آنجا بکتاب مربوطه باید مراجعه شود .

ص: 239

(تاریخچه مختصری از شفت)

شفت بروزن نفت از قصبات رشت است .

در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 27) در باره شفت می نویسد :

قصبه کوچک و بد آب وهوا مناظر طبیعی آن بسیار است و مولد اکثر بزرگان اهل علم در آنجاست

در گنجینه دانشمندان (ص 380 پنجم) در باره شفت می نویسد :

شفت جزو استان گیلان و از مصافات و حومه رشت محسوب میشود . گرچه خودش جای کوچکی میباشد دانشمندان بزرگی بانجا منسوب هستند .

مولد مرحوم سید حجة الاسلام همانگونه که قبلا متذکر شدیم در قریه (چرزه) در ده فرسنگی شفت واقع گردیده است .

شفت در قرن دهم

بطوریکه از فرمان شاه طهماست صفوی که بر سنگ منقور و بر دیوار

ص: 240

دالان مسجد جامع اصفهان منصوبست مستفاد میشود .

عموم نواحی گیلان بالاخص شفت از مراکز تربیت کرم ابریشم و تهیه ابریشم بوده و محصول آنها به اصفهان و دیگر شهرهای ایران حمل می شده است .

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص 145) و بنقل از آنجا در کتاب آثار ملی اصفهان (ص 585) کتیبه مزبور نقل شده و مفاد آن چنین است که :

شاه طهماسب دستور داده است کلیه وجوه راهداری از خوراکیها اعم از غله و برنج و میوه و روغن و امثال آنراکه جهت فروش به اصفهان وارد می کنند و یا به محال دیگر میبرند از پرداخت راه داری معاف باشد ولی شکر و اجناس ابریشمی و ریسمانی و ابریشم که از گیلان و شفت می آورند از این معافیت مستثنی باشد (از آنها مالیات و ورودیه گرفته شود)

وضعیت کنونی شفت

شفت دارای چهل و شش قریه که دوازده تای آنها در کوهستان و بقیه در جلگه واقع شده می باشد و از آثار قدیمه آن :

1- بقعه امام زاده ابراهیم که درب های آن منبت کاری است در قریه طالقان

2- بقعه امامزاده اسحق در قریه سالک معلم

در کتاب شرح حال شیخ زاهد گیلانی بقلم آقای محمد علی گیلک (ص 113) پس از شرح فوق اسامی قراء شفت را بر حسب حروف تهجی بنقل از کتاب اسامی دهات کشور نشریه فروردین 1329 - اداره آمار و سرشماری نام برده است .

اکنون بذکر اسامی چندتن از بزرگان منسوب به شفت میپردازیم .

ص: 241

1- شیخ ابو طالب شفتی از مدرسین ساکن رشت و استاد حاج شیخ محمد لاکانی عالم معاصر (ص 189 پنجم گنجینه دانشمندان)

2- علامه فقیه میرزا ابوالقاسم بن ملامحمد حسن شفتی معروف به میرزای قمی

3- حاج میرزا محمد باقر شفتی . در ذیل تاریخ علمای خراسان (ص 242) دانشمند محترم آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در ضمن اساتید مرحوم حکیم بزرگوار آقا بزرگ حکیم و فیلسوف مشهدی متوفی در 29 جمادی الثانیه سال 1315 ویرا نام برده است .

4- حاج ملا محمد تقی شفتی جیلانی . در کتاب تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 131) در باره مشار الیه می نویسد :

از علماء متبحر در کلام و تفسیر و حدیث بود و سالها در کاظمین در صحن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مجاور و ساکن بوده و شرحی بر خطبه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در مسجد نوشته و حواشی بر تفسیر صافی و حاشیه بر شرح تجرید علامه دارد در سال 1300 وفات یافته است . (نمونه مختصر المکارم) .

5- حاجی حافظ بن یوسف الدین اسحق شفتی گیلانی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم هجری و مؤلف رساله ای در تجوید بنام : « دستور تجوید » بزبان فارسی نسخه ای از آن مورخ بسال 1118 بشماره (5249/5) در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران (ص 72 یکم فهرست کتب خطی منزوی) و نسخه ای مورخ به ربیع الاول سال 1090 در الذریعه (ص 152 هشتم) معرفی شده است .

6- ملا حسن شفتی پدر علامه فقیه میرزای قمی (ص 47 تاریخ علماء

7- سید حسن بن نور الدین حسینی شفتی شیخ روایت سید حسین بن روح الله طبسی مشهور به صدرجهان . مرحوم آقا سید حسن در این اجازه می گوید که از شیخ حسین بن عبد الصمد روایت می کند .

8- رجبعلی بن اقا محمد شفتی ساکن اصفهان در سال 1238 در محله در کوشک (از توابع محله بید آباد) از کتابت نسخه ای از کتاب : ترجمة الصلوة تألیف مولی محسن فیض کاشانی فراغت حاصل نموده است . نسخه کتاب بشماره (1276) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص 32 دوم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

9- شیخ محمد شفتی در تاریخ علماء و شعراء گیلان (ص 117) درباره او می نویسد :

انجناب مردی فقیه و زاهد و عابد و فاضل و مورد توجه گیلانیان و محل وثوق خواص و عوام شهر رشت است از زمانیکه از نجف اشرف عودت نموده مشغول بترویج احکام الهی ... و مدرس سطوح در گیلان است .

معروفترین فرد منسوب به شفت علامه فقیه نایب الامام حجة الاسلام علی الاطلاق مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی رشتی می باشد که این کتاب بنام نامی انجناب تألیف یافته است.

در بیان شرح حال و گزارش

زندگانی

مرحوم حاج سید اسد الله حجة الاسلام

ثانی بید آبادی

و اسد الله ابن باقر اجل

سیدنا ذورع و مبتجل

(نخبة المقال)

ص: 244

بخش پنجم : (شرح حال)

فصل اول : (مصادر شرح حال و گفته ها)

(مصادر شرح حال و گفته ها)

شرح حال این عالم جلیل و فقیه زاهد بی بدیل در عموم کتب تراجم رجال و تواریخ بطور خلاصه و یا تفصیل مستقلا و یا در ضمن احوالات پدر بزرگوارش نقل گردیده است از آنجمله در کتابهای :

1- آگهی شهان از کار جهان - مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری (صفحه 42 سوم)

2- آثار ملی اصفهان - آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی (ص 192)

3- احسن الودیعہ - مرحوم آقا سید محمد مهدی اصفهانی کاظمینی (می 78 یکم)

4 - اعیان الشیعہ - علامه آقا سید محسن امین عاملی (ص 109 یازدهم)

5 - تاریخ اصفهان - مرحوم جابری انصاری

6 - تاریخ اصفهان وری - مرحوم جابری انصاری (ص 262 - 279)

7- تاریخ زنجان - آقا سید ابراهیم موسوی زنجانلی (ص 277)

ص: 245

- 8- تاریخ علماء و شعراء گیلان - فاضل محترم آقا شیخ حسن شمس گیلانی (ص 74)
- 9- تذکره القبور - علامه ملا عبد الکریم گزی
- 10- تکمله امل الامل - مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی
- 11 - تکمله نجوم السماء - میرزا محمد مهدی لکهنوی (ص 332 یکم)
- 12 - دانشمندان و بزرگان اصفهان - سید مصلح الدین مهدوی (ص @@)
- 13 - الذریعه - علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مجلدات مختلف)
- 14 - رجال اصفهان - سید مصلح الدین مهدوی (صفحه 148)
- 15 - روضات الجنات - علامه آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (ص 126)
- 16 روضه البهیه - مرحوم حاج سید شفیع چاپلقی (ص 22)
- 17- روضه الصفا - رضاقلی خان هدایت (ص 458 دهم)
- 18- ریحانة الادب - مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی
- 19 - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص 190)
- 20- شرح حال رجال ایران - مهدی با مداد (ص 115 یکم)
- 21- علمای معاصرین - مرحوم ملا علی خیابانی تبریزی (ص 331)
- 22 - فوائد الرضویه - مرحوم محدث قمی (ص 2 یکم)
- 23 - قصص العلماء - مرحوم میرزا محمد تنکابنی (ص 122)
- 24 - الکرام البرره - علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (ص 124 - یکم)
- 25 - لباب الالقباب - مرحوم ملا حبیب الله کاشانی (ص 71)
- 26 - المآثر والاثار - محمد حسن خان اعتماد السلطنه (ص 139)
- 27 - ماضی النجف وحاضرها - مرحوم شیخ جعفر آل محبوبه (ص 133 یکم)

28 - معارف الرجال - شیخ محمد حرز الدین (ص 94 یکم)

29 - مکارم الاثار - مرحوم معلم حبیب آبادی (صفحه 836 سوم)

30 - منتخب التواریخ - مرحوم حاج ملاهاشم خراسانی (ص 718 چاپ اصفهان)

31 - منتهی الامال - محدث قمی (ص 159 دوم چاپ گراوری اسلامی)

32 - موسوعة عتبات عالیات

33 - ناسخ التواریخ - محمد تقی سپهر کاشانی (صفحه 103 سوم قاجاریه)

34 - نخبة المقال - سید حسین بن سید رضا بروجردی (صفحه 17)

35 - هدیه الاحباب - محدث قمی (صفحه 123)

36 - الیتیمه - سید محمد علی صدر عاملی (بنقل مکارم الاثار)

وعموم فهرستهای کتابخانه ها و فهرست مؤلفین مرحوم خانابا مشار و شاید ده ها کتاب و رساله دیگر .

آنچه از مجموع این کتابها و هم از مسموعات از بزرگان و اهل مطالعه و تحقیق بدست می آید آنکه وی :

عالمی جلیل و فقیهی بی بدیل عابد و زاهد و متقی و صاحب نفس قدسی و دارای صفات ملکی فرشته خوی و آدمی صورت اهل ذکر و فکر و عبادت بوده و در اصفهان بلکه در ایران و عراق مقبولیت عامه و مرجعیت تامه داشته و عموم طبقات بالاخص علماء و اشراف و اهل فضل و مقدسین باو ارادت میورزیده اند .

تولد:

در عموم کتابها تولد آنجناب را بدون ذکر روز هفته و ماه در سال 1227 قمری نوشته اند .

ص: 247

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار در ضمن شرح حال حاج ملاعلی خلیلی و همچنین در حواشی کتاب المآثر والاثار تولد ویرا در سال 1228 می نویسد لکن در مکارم الاثار در ضمن شرح حال آن بزرگوار به استناد نوشته علامه طهرانی در الکرام البرره سال 1227 را ترجیح میدهد

پدر و مادر - پدر مرحوم سید ثانی مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی است اما مادر آنجناب ظاهراً از سادات محترم زواره و طباطبائی میباشد و به احتمال قوی مشار الیه میرزا محمد کاظم طباطبائی زواره ای مدفون در قبرستان قبله دعا جنب خانه های سید حجة الاسلام میباشد

اقوال بزرگان درباره او

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال ویرا بعظمت و بزرگی یاد نموده : و مقامات علمی و ملکات نفسانی و زهد و تقوای او را ستوده اند اینکه بعنوان نمونه بذکر چند جمله از آن کتابها میپردازیم .

۱- مرحوم علامه فقیه زاهد اقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در روضات الجنات در ضمن شرح حال پدر بزرگوارش (صفحه 126) می نویسد :

جنازه مرحوم سید حجة الاسلام را پس از تغسیل بمسجد آوردند و : فصلی علیه ولده الافضل وخلفه الاسعد الارشد و الفقیه الاوحد والحبر المؤید و البذر المجرد و العمامه الاعمد النفس القدسی والملک الانسی الجلیل الاواه ومحبوب الافئدة و ممدوح الافواه مولینا وسیدنا السید اسد الله ...

در دنباله سخن پس از ذکر استادش اقا شیخ محمد حسن و تصریح استاد

ص: 248

بفقاہت و اجتهاد او و امر بمردم در مراجعه باو میفرماید:

حجة الاسلام این بزرگوار را بسیار دوست میداشت و مردم را بمتابعت و تجلیل او امر میفرمود و او را از جهت فوة نظر و قدرت استنباط بر فخر المحققین فرزند علامه حلی ترجیح میداد و این مطلب را در جواب کسیکه از احوال او از ایشان میپرسید میفرمود .

مردم اصفهان همگان او را بجدالت می ستودند و برای درک نماز جماعتش ازدحام میکردند و ارادتمند او بوده و ویرا ستایش مینمودند و در بسیاری از مکارم اخلاق و صفات حسنه بر پدر بزرگوارش برتر میشمردند ...

2- مرحوم حاج سید شفیع چابلقی در روضة البهية (ص 22) می نویسد :

الامام الاعظم و الولی المکرم الفاضل العالم العامل الزاهد الورع التقی المجتهد البصیر و العام الخبیر الحاج میرزا اسد الله دام عمره الشریف و اطال الله بقائه لم یرمثله فی الزهد والورع والتقوی . بلغ مبلغ والده فی الزهد والمقبولية عند العامة .

3- مرحوم ملا حبیب الله شریف کاشانی در لباب الالقب (ص 71) در باره او می نویسد :

كان بالفقه و الزهد موصوفاً و بجلالة الشأن معروفاً وهو مع كونه فاضلاً متبحراً لم يكن يدرس الاصول والمعاملات من الفقه بل كان در سه منحصرأ فی العبادات و كان يقول : ان والدي اوصاني بذلك ومع كون اسباب الرياسة مجتمعة له كان منقطعاً عن الرياسة و تحمل المرافعات و تكلف التجملات .

4 - مرحوم علامه شیخ محمد حزر الدین در کتاب : معارف الرجال (ص 94 یکم) می نویسد :

هو سید معظم وعالم جلیل مقدم صاحب مناقب و مآثر و مکارمه لا تحصی و آثاره

ص: 249

التاریخیه لاتنحصر عالی الهمة مروج بین طبقات الناس . از نشانه های علوهمت او آنکه :

وی از قول یکی از خاندان علامه میرزا خلیل طهرانی (دختر مرحوم حاج ملا علی بن میرزا خلیل طهرانی زوجه مرحوم حاج سید اسد الله بوده است) نقل می کند که :

پس از وفات پدر بزرگوارش مرحوم سید حجة الاسلام بید آبادی و تقسیم میراث آن مرحوم در بین ورثه ، آن جناب بابت سهم الارث خود پرداخت دیون پدر را که مبلغ گزافی میشد بعهده گرفت (و چیزی از میراث پدر بر نگرفت)

5 - مهدی بامداد در کتاب : شرح حال بزرگان ایران (ص 115 یکم) بخلاصه می نویسد :

مرحوم حاج سید اسد الله از ارثیه پدر که بحساب در نمی آمد فقط بتملك کتابخانه او که در آن عصر پنجاه هزار تومان (3500000 تومان پول حالیه بنا به قول مهدی بامداد) ارزش داشت قناعت ورزید .

هم او می نویسد : حاج سید اسدالله فرزند ارشد - اتقی - اعلم - اکمل حاج سید محمد باقر بوده و او را در بعضی جهات حتی بر پدرش ترجیح میداده اند و هنگام مرگ پدر در عتبات بود بعداً به ایران و اصفهان آمده مقام پدر را اشغال کرد و بر مسند پیشوائی نشست .

نویسنده گوید : مرحوم حاج سید اسدالله در موقع وفات مرحوم سید حجة الاسلام در اصفهان بوده یعنی قبلاً از نجف مراجعت نموده است و بنا بگفته علامه صاحب روضات الجنات و دیگران بر جنازه پدر نماز خوانده و ثانیاً همانگونه که قبلاً گفته شد کتابخانه بین تمام اولاد مرحوم سید حجة الاسلام کما فرض الله تبارک و تعالی تقسیم گردیده است و اما قیمت آن را مرحوم تنکابنی در قصص

ص: 250

العلماء هنگام تشرف مرحوم حجة الاسلام به مکه معظمه یعنی حدود سال 1331 مبلغ پنجاه هزار تومان می نویسد و آنهم گزاره ای بیش نیست.

6 - محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الآثار (ص 139 ستون اول) می نویسد:

حاج سید اسد الله حجة الاسلام بن الحاج سید محمد باقر مجتهد شفتی رشتی حجة الاسلام در فقاہت و اجتهاد و ورع و زهد و تقوی مسلم مسلمین بود بنظم شعر نیز قدرتی داشت آب فرات را این بزرگوار در نجف اشرف جاری ساخت .

(تذکر و توضیح): همانگونه که قبلاً از کتاب روضات الجنات (و به پیروی از ایشان در بسیاری از کتب دیگر) نقل گردید.

مرحوم حاج سید اسدالله را در بسیاری از مکارم اخلاق و صفات حسنه بر پدر بزرگوارش ترجیح میدادند . انتهى . لکن در هیچ یک از این کتابها گفته نشده است که موجبات ترجیح و وجوه ارجحیت او بر پدرش چه چیزها بوده است .

نویسنده گوید : آنچه بنظر میرسد توجه علامه صاحب روضات الجنات و دیگران به ریاضات و مجاهدات نفسانی و زهد و تقوای سید ثانی بوده که در این قسمت بر پدر بزرگوار خود مقدم بوده و ازهد و اتقای از ایشان بوده است و همچنین نقل کرامات و مکاشفات و حتی تشرف به محضر مبارک حضرت بقیة الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء بوده است . شرح خرید باغ حاج ملا باقر دهدشتی و برخی از کرامات آن بزرگوار بعداً نقل خواهد شد.

2 - مرحوم معلم حبیب آبادی در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاج سید اسدالله گوید :

« وی گرد ریاستهای باطله نگردید » (ص @@)

ای کاش آن مرحوم توضیح میداد که مقصود از ریاست باطله چیست . آیا

ص: 251

اجرای حدود الهی مقصود است که نعوذاً بالله چگونه ممکن است مسلمانی راست عالمی را که مجری احکام خداوند تبارک و تعالی باشد و قاتل و دزد و زنا کار را طبق موازین شرعی حد الهی را درباره آنان جاری سازد ریاست باطله بداند .

یا آنکه مرحوم معلم معتقد بوده است که این اعمال جزو وظائف مجتهدین نبوده و مجتهد و عالم فقط باید در گوشه ای بنشیند و مشغول عبادت باشد و یا حداکثر کتاب بنویسد و شاگرد تربیت کند و این حکام جوړو سلاطین هستند که باید بر جان و مال و اعراض و نفوس مردم مسلط بوده هر چند خواستند انجام دهند و هیچ کس در برابر آنها از لا و نعم دم نزند.

و یا آنکه مانند بسیاری دیگر از علماء بزرگوار فقط به دعاوی مردم رسیدگی کنند و حکم صادر کنند و اجرای آنرا به حکام و سلاطین واگذارند که آنان طبق مصالح خود آنرا اجرا بکنند یا نکنند . در هر حال مقصود آن مرحوم بر ما مجهول است هر چه هست خداوند او را غریق رحمت بی منتهای خود سازد که حقوق بسیاری بر نویسنده دارد که از عهده شکر آن بر نمی آیم .

عده زیادی از نویسندگان و غیر آنها از مسلمانان و غیر مسلمان صریحاً و کنایه به اجرای حدود از طرف مرحوم سید حجة الاسلام ایراد گرفته اند لکن وقتی عالمی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار و مجتهدی عادل و زاهد و متقی همچون حاجی کلباسی معاصر و معاشر با مرحوم سید اعمال او را می بیند و اعتراض نمی کند بلکه تأیید نیز می کند دیگران را حق هیچگونه سخن و ایرادی نیست .

(اساتید و مشایخ اجازات)

مرحوم حاج سید اسدالله همانگونه که ذکر شد در سال 1227 (1228) در اصفهان متولد گردید و پس از رسیدن بسن تمیز و تربیت در دامان پدر بزرگواری همچون سید حجة الاسلام و آموختن مقدمات علوم در نزد علماء این شهر پدرش برای وی مدرسینی معین فرموده که اسامی آنها تا کنون بنظر نرسیده لکن به احتمال قوی یکی از آنان مرحوم ملا علی اکبر خونساری بوده است .

وی پس از آنکه از تحصیل علوم مقدماتی از صرف و نحو و منطق و غیره به مجلس درس پدر دانشمند خود و جمعی دیگر از فحول علماء که اسامی آنان نیز مجهول است و احتمالاً حاجی کلباسی در عداد آنانست درس خواند .

سپس جهت ادامه و تکمیل علوم خویش به نجف اشرف مهاجرت فرمود و در آنجا خدمت جمعی از اساتید بزرگ تحصیل نموده تا بمقامات عالیہ علم و اجتهاد نائل شده و مقامات علمی وزهد و تقوای او مورد گواهی و تصدیق علماء و اساتید خود واقع گردید .

در سال 1260 با پدر به اصفهان مراجعت نموده و هم در این سال پدرش وفات یافته خود مرجع امور شرعی و مورد وثوق و قبول قاطبه اهالی اصفهان بالاخص علماء و بزرگان واقع گردید و بدرس و بحث و اقامه جماعت و رسیدگی بامور و حوائج مردم و نشر احکام و خدمت به مسلمین مشغول گردید . جمعی از بزرگان این شهر در خدمتش تلمذ نموده و از او کسب اجازه نمودند .

اینک اسامی برخی از اساتید و مشایخ روایت او بترتیب حروف تهجی :

1 - عالم فاضل جلیل محقق مدقق مرحوم آقا سیدابراهیم بن سید محمد باقر موسوی قزوینی حائری مؤلف :

1 - رساله در حجیت ظن 2 - دلائل الاحکام در شرح شرایع الاسلام 3 - ضوابط الاصول معروفترین تألیفات صاحب عنوان 4 - رساله در غیبت 5 - کتابی در قضا 6 - نتایج الافکار در اصول 7 - رساله در نماز جمعه و غیره .

در ذی الحجه سال 1214 متولد و در اول و بای عام سال 1264 در کربلا وفات یافته (ص 17 قصص العلماء) در جنب در صحن مقدس حسینی مدفون گردید (ص 18 یکم معارف الرجال) در تکمله نجوم السماء (ص 85 یکم) وفات ویرا در صبح پنج شنبه 17 شوال سال 1262 و ماده تاریخ وفات را « اعد لابراهیم فی الخلد منزل » می نویسد که مطابق سال مزبور نمی باشد .

2- مولی احمد بن علی اکبر تربتی (اصفهانی)

از شاگردان سید حجة الاسلام از مشایخ اجازه مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی تاریخ اجازه بیست و سوم شوال 1273 .

نسخه آن بشماره (83) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است . در فهرست نامبرده درباره آن می نویسد :

اجازه مفصلی است (در پانزده برگ) دارای فوائد تاریخی بسیار و نقل

ص: 254

پاره ای از احادیث و مقداری از حالات و بیوگرافی حجة الاسلام شفتی و اجازه وی به مجیز (تربتی) ...

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم يا رحمن يا رحيم اعذنا من شر الشيطان الرجيم الحمد لله على كل نعمة من نعمائه حمداً دائماً بدوام كبريائه ..

انجام : ختم الله لنا بالخير والعافية وحشرنا مع خاتم النبيين وعترته الطاهرين صلى الله عليهم صلاة كثيرة دائمة .

(ص 88 يكم فهرست كتابخانه آيت الله گلپایگانی)

۳ - حاج سيد محمد باقر حجة الاسلام شفتی .

استاد و شيخ روايت (ص 838 سوم مكارم الاثار) .

4 - علامه فقيه اقا شيخ محمد حسن اصفهانی .

شرح حال آن بزرگوار در عموم كتب تراجم رجال مذکور است و كتاب جواهر الكلام در شرح شرايع الاسلام تأليف او مشهور است و باين مناسبت ويرا به صاحب جواهر الكلام تعريف و توصيف می کنند و اولاد و اعقابش را آل صاحب جواهری و جواهر الكلام می نامند .

در حدود سال 1200 متولد و در ظهر روز چهارشنبه غره شعبان سال 1266 در نجف وفات یافته مرقد مبارکش معروف است در تکمله نجوم السماء (ص 74 يكم) ماده تاريخ وفاتش را از قول مفتی مير محمد عباس شوشتری «بانث جواهر علمه اتياما » می نويسد و آنچه در مآثر والاثر (ص 135) می نويسد در 1268 وفات یافته اشتباه است .

كتب زير از تأليفات اوست : 1- احكام اموات 2- جواهر الكلام مشهورترين تأليفات آنجناب 3- رساله در خمس 4- رساله در دماء ثلثه 5 - رساله در زكوة 6 - شرح لمعه 7 - رساله در صلوة 8- رساله در صوم 9- رساله در عدالت 10 -

ص: 255

فرخ الجواهر و آن رساله عملیه ایشانست در مسائل عبادت بطوریکه در تکمله نجوم السماء (ص 74 یکم) می نویسد 11 - رساله در فرائض 12 - رساله در مباحث اصول 13 - رساله در مواریث و این آخرین تألیف ایشانست تاریخ فراغت 1264 سال طاعون 14 - رساله میزانیه (ص 74 دوم تکمله نجوم السماء) 15 - رساله نجات العباد و آن رساله عملیه ایشانست 16 - هداية الناسکین در مناسک حج و غیره .

در تکمله نجوم السماء (ص 74 دوم) می نویسد : سن شریفش بغایت پیری رسیده و با توجه بسال تولد و وفات سن شریف ایشان قریب شصت و پنج سال میشود.

درباره عظمت و شخصیت علمی و همچنین ارزش کتاب جواهر الکلام و اهمیت او بکتابهای رجال از آنجمله : روضات الجنات (ص 181) روضة البهیة (ص @@) ریحانة الادب (ص 419 دوم) فوائد الرضویه (ص 452 دوم) قصص العلماء والکرام البرره (ص 310 یکم) ماضی النجف وحاضرها (دوم) معارف الرجال (ص 225 دوم) و غیره باید مراجعه نمود.

از آثار او غیر از کتب مؤلفه و اولاد امجاد که عموماً اهل علم و فضل وسوادند (کری شیخ) است و دیگر سنت شب چهارشنبه در مسجد سهله بیتوته نمودن بقصد تشرف به محضر مقدس حضرت بقية الله الاعظم صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (ص 228 دوم معارف الرجال) می باشد .

5 - شیخ مرتضی انصاری فرزند شیخ محمد امین دزفولی نجفی .

علامه رجالی آقای حاج شیخ مرتضی انصاری از علماء معاصر کتابی جامع در موضوع زندگانی شخصیت مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری مرقوم فرموده و تاکنون دو بار بچاپ رسانیده و ما را از شرح و بسط درباره زندگانی این فقیه

ص: 256

عالمقدر بی نیاز ساخته اند جزاه الله عنا خیر الجزاء .

اجمالاً این علامه جلیل زاهد عابد در سال 1214 در دزفول متولد و در نیمه شب شنبه 18 جمادی الثانیه سال 1281 در نجف در منزل خود واقع در محله حویش وفات یافته و در حجره واقعه در دالان در قبلی صحن مطهر نجف اشرف طرف راست خارج شونده مدفون گردید و در این حجره است قبر شیخ حسین نجف (1159 - 1251) و شیخ محسن خنفر (حدود 1176 فوت 29 ج 2/1271) شب شنبه آخر ربیع الاول 1270 (ص 178 دوم معارف الرجال) .

6 - شیخ نوح بن قاسم بن محمد بن مسعود قرشی جعفری نجفی .

عالم فاضل محقق ادیب از شاگردان محضر شیخ علی و شیخ حسن اولاد شیخ جعفر کاشف الغطاء و همچنین شیخ محمد حسن اصفهانی بوده و استاد ویرا اجازه داده و تصریح به اجتهادش فرموده و مردم را به رجوع بوی در مسائل و تقلید امر فرموده است .

ویرا تألیفاتی است از آنجمله : 1- کتابی در امامت تاریخ تألیف 1293 ه. ق 2 - شرح شرایع در فقه در چندین مجلد ناتمام و غیره .

در حدود سال 1213 متولد گردیده در سال 1260 جهت زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران مهاجرت فرموده و در اصفهان به منزل سید حجة الاسلام شفتی وارد گردیده و از طرف مرحوم حاج سید اسد الله نهایت احترام و تجلیل نسبت به ایشان رعایت شده است . مشار الیه از ائمه جماعت در رواق قبلی روضه مطهره حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علیه السلام بوده و جماعت زیادی از مقدسین و متدینین نجف باو اقتداء مینموده اند . سرانجام در سال 1300 پس از انجام مراسم حج خانه خدا در برگشتن در بین راه وفات یافته جنازه به نجف حمل و در خانه خود مدفون گردید (ص 210 سوم معارف الرجال) .

ص: 257

از سال 1260 که مرحوم سید حجة الاسلام ثانی یعنی حاج سید اسدالله پس از نیل بمقام اجتهاد و دریافت اجازات از اساتید خود و جمعی دیگر از فحول علمای اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام بامر پدر بزرگوارش به ایران معاودت فرمود و هم در این سال مرحوم حجة الاسلام رحلت فرمود تا سال 1290 یعنی قریب مدت سی سال ریاست علمی و دینی اصفهان بالارث والاستحقاق بایشان رسید و این علامه جلیل به تدریس و مباحثه علوم و تربیت شاگردان همچنین اقامه جماعت و رسیدگی بامور اجتماعی و دینی مردم و قضای حوائج مسلمین پرداخت و تا آخر عمر از رسیدگی بامور طلاب و سرپرستی فقراء و ایتام و درماندگان غفلت فرمود و منزل او مضاف علماء و اردین باصفهان و خود ملجاء و ملاذ مردم این شهر بود.

در این مدت جمعی کثیر از علماء و فضلاء اصفهان و دیگر شهرهای ایران جهت استفاده علمی از محضر ایشان و کسب اجازه روایتی و اجتهاد و درک فیوضات

معنوی خدمتش مشرف می شدند .

در این زمان اصفهان یکی از مراکز عمده تحصیل علوم دینی بود مدرسینی بزرگ همچون مرحوم آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی و آقا میر سید محمد شهبهانی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا محمد مهدی کلباسی و حاج محمد جعفر آباچه ای و جمعی دیگر از بزرگان هر کدام حوزه درس و مباحثه در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و علوم ادبی و غیره داشتند لکن حوزه مرحوم حاج سید اسدالله از جهاتی از دیگر حوزه ها ممتاز بود زیرا مشار الیه علاوه بر مقام علمی در زهد و تقوی و اعراض از ریاستهای دنیائی و فضائل و ملکات انسانی بر عموم علماء تفوق و برتری داشت بدین مناسبت حوزه درس ایشان علاوه از جنبه علمی از ویژگیهای اخلاقی و عملی نیز برخوردار بود .

کیفیت تدریس :

مرحوم ملا حبیب الله کاشانی در لباب الالقب (ص 71) می نویسد :

باوجودیکه فاضل و متبحر بود درس اصول نمی گفت و از کتب فقه معاملات را تدریس نمیفرمود بلکه درس او منحصر در عبادات بود و میفرمود که پدرم مرا اینگونه وصیت فرموده است .

اینک

اسامی عده ای از شاگردان

و مجازین از ایشان بر حسب آنچه تا کنون از نام آنان آگاهی یافته ایم بر حسب حروف تهجی :

1- مرحوم سید آقا بزرگ حسینی قاضی عسکری از شاگردان مرحوم حجة الاسلام شفقی .

2- علامه فقیه زاهد آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی مجاز از ایشان (ص 240 مقدمه مناهج المعارف).

3- حاج سید محمد جعفر بیدآبادی فرزند مرحوم سید حجة الاسلام برادر مرحوم

ص: 259

مشار الیه در هنگام وفات پدر در اوائل جوانی بود . پس از فراغت از تحصیل مقدمات علوم در نزد برادر و جمعی دیگر از علماء این شهر و همچنین علمای نجف اشرف تلمذ نمود . وی از رؤسای علماء اصفهان بشمار میرفته شرح حالش در فصل مربوط به اولاد و اعقاب مرحوم سید حجة الاسلام ذکر گردید .

4 - مرحوم آقا سید محمد جواد فرزند آقا سید محمد صادق حسینی معروف به کتابفروش خواهر زاده مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی متوفی بسال 01338

مشار الیه دو برادر خود مرحومین آقا سید محمد تقی و آقا میرزا علیرضا در نزد مرحوم سید ثانی تلمذ نموده اند .

5 - آقا میرزا حسن سادات فرزند آقا میرزا محمد حسینی خاتون آبادی معروف به آقای تکمه دوز و سادات تکمه چین عالم فاضل زاهد از علماء معروف اصفهان و ناظر بر موقوفات علی قلی آقا و امام مسجد علی قلی آقا بوده در اواخر جمادی الثانیه سال 1340 در اصفهان وفات یافت .

6 - علامه فقیه مرحوم حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی فرزند علی بن ابراهیم بن محمد علی .

از مراجع بزرگ پدرش (1180 - 1280) از اطباء معروف و پزشکان مشهور بوده و خود از عوامل مهم مشروطیت ایران است (1230 - 1326) مشار الیه از مجازین از مرحوم حاج سید اسدالله می باشد (ص 183 یکم الذریعه)

7 - مرحوم آقا سید محمد رضا قوچانی .

عالم فاضل مجاز از مرحوم حاج سید اسدالله تاریخ اجازه بیستم ذی القعدة سال 1272 مرحوم سید در این اجازه که پشت یکی از کتب فقهی از تألیفات صاحب عنوان مرقوم فرموده گواهی به اجتهاد او نموده است (ص 544 دوم

8 - حاج سید محمد رضا نائینی از خواص و ندیمان مرحوم سید ثانی (ص 189 یکم تاریخ نائین).

9 - مرحوم سید محمد رضا بن سید محمد علی حسینی کاشانی معروف به : گلهری (گلهر از محال کاشانست).

عالم فاضل تاریخ اجازه سال 1272 در پشت کتاب : مصباح الاصول در شرح معراج الشریعه و آن شرح کتاب منهاج الهدایه تألیف حاجی کلباسی (کرباسی) می باشد و کتاب مصباح از تألیفات صاحب عنوانست (ص 562 دوم الکرام البرره)

10 - مرحوم حاج میرزا زین العابدین بن محمد علی بن ابراهیم بن مرتضی بن عبدالمطلب بن میرزا رحیم اول فرزند میرزا محمد جعفر بن علامه مولی محمد باقر سبزواری اصفهانی .

عالم فاضل ادیب از دانایان علوم قرآنی و تجوید .

میرزا مرتضی شیخ الاسلام اصفهانی متوفی بسال 1226 فرزند شیخ عبدالمطلب فوت 1160 فرزند حاج میرزا عبدالرحیم (محمد رحیم شیخ الاسلام) فوت 1181 فرزند میرزا محمد جعفر عالم فاضل زاهد متقی .

ویرا تألیفاتی است از انجمله: 1 - التکبیرات السبع 2- رویة الهلال قبل الزوال 3 - الوتیره این سه رساله ضمن مجموعه شماره (478) کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص 82 دوم فهرست کتابخانه ایت الله مرعشی) قبر مرحوم میرزا جعفر در برف انداز جنوبی مسجد حکیم اصفهان هنوز باقی و برقرار است .

واقا صاحب عنوان یعنی : اقا میرزا زین العابدین عالم فاضل ادیب مفسر از علماء فن قرائت و تجوید در اصفهان بوده و نزد جمعی کثیر از فحول دانشمندان

همچون میرزا عبدالعلی هرنندی و میرزا محمد مهدی نایب الصدر و میرزا محمد علی حسینی و میرزا محمد اسماعیل طباطبائی زواره ای در علوم تجوید و علامه حاج سید اسدالله و دیگران تحصیل نموده و در نزد مرحوم سید حسینی معزز و محترم و مقبول القول بوده کتب زیر از تألیفات اوست : 1- اعراب شش سوره از سوره های قرآن 2- تذکرة القراء تاریخ فراغت از تألیف 1422 سال 1267 ه. ق 3- الشجیرات 4 و 5- شجره طیبه دو کتاب یکی بعربی و دیگری ترجمه آن بفارسی که بامر مرحوم حاج سید اسد الله ترجمه شده 6- قواعد در طرز ادای آیات قرآن (ص 140 یکم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) 7- لحمۃ الالبان فی رضاع الصبیان فقه فارسی نسخه آن بشماره (1627) در کتابخانه ایت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص 155 دوم فهرست کتابخانه مزبور) تولد او در حدود 1250 فوت 1318 مدفون در امامزاده سه تن .

11- مرحوم آقا سید شهاب الدین نحوی فرزند علامه فقیه اقا سید محمد حسن موسوی معروف به مجتهد رحمة الله علیه .

مرحوم آقا سید محمد حسن از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده و هنگام وفات مرحوم حاج سید اسد الله بیدابادی را وصی و قیم فرزندان صغیر خود مرحومین آقا سید محمد و حاج سید مهدی نحوی معین نموده و تقریباً دو ماه بعد از فوتش سومین فرزند ذکور او یعنی مرحوم آقا سید شهاب الدین در شب غره رجب سال 1263 در اصفهان در محله خواجه متولد گردید.

نام این مولود را محمد تقی (همنام جدش سید محمد تقی مستجاب الدعوه پدر آقا سید محمد حسن) و لقب او را شهاب الدین قرار دادند و بعدها به لقب مشهور گردیده و نامش تقریباً مهجور ماند وی پس از رسیدن بسن تمیز در خدمت معلمین بکسب مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره پرداخت و پس از فراغت از تحصیل

ص: 262

مقدمات در خدمت علماء بزرگوار اصفهان زیر نظر مستقیم مرحوم سید ثانی به تحصیل پرداخت تا خودعالمی عامل و دانشمندی کامل و ادیبی جامع گردید سر انجام در نیمه شب چهارشنبه غره رجب المرجب سال 1340 در اصفهان وفات یافته در قبرستان تخت فولاد در جنب پدر و جد خود مدفون گردید (مشار الیه پدر نویسنده این رساله است).

12- حاج سید عبدالحمید بن اقا سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجویی .

فاضل کامل . در اصفهان متولد و خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم حاج سید اسدالله تلمذ نموده در سال 1316 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد مقابل تکیه اقا میرزا ابوالمعالی کلباسی (کرباسی) مدفون گردید . مشار الیه عموزاده پدر نویسنده سطور است .

13- سید عبد الرحیم حسینی قاضی عسکری اصفهانی .

فاضل کامل از شاگردان محضر مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی بوده است مشار الیه شوهر عمه نویسنده می باشد.

14 - حاج میرزا عبدالرزاق بن حاج میرزا کاظم بن علامه فیلسوف حکیم حاج محمد جعفر بن حاج محمد صادق لنگرودی رشتی اصفهانی .

عالم فاضل، از شاگردان اقا امیر سید محمدشهبهانی و حاج سید اسد الله بیدآبادی بوده و داماد مرحوم حاج سید جعفر فرزند مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بوده و فرزندانش مرحومین حاج آقا مرتضی و حاج میرزا قوام الدین رشتی که هر دو از فضلاء و اخیار اصفهان بودند از این مخدره می باشند صاحب عنوان در سال 1319 در سفر عتبات عالیات در نجف اشرف وفات یافته و در آن ارض مقدس مدفون گردید .

دی غیر از میرزا عبدالرزاق بن ملا علی محمد لنگرودی رشتی اصفهانی امام جماعت مسجد پای گلدسته در محله در دشت می باشد که در سال 1320 وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقا مدفون گردید و پس از خرابی قبرستان مزبور بوسیله شهرداری استخوانها به تخت فولاد منتقل گردیده و نرسیده به تکیه ملک در جنب آب انباری که مرحوم حاج ملا حسین سمائیان از تجار محترم و متدین اصفهان بنا نمود مدفون گردید .

15- سید علی در زمان حیات استاد رساله عملیه او را خلاصه نموده و در الذریعه به نام: منتخب رساله عملیه ذکر شده است (ص 407 بیست و دوم) الذریعه .

16- مرحوم حاج میر سید علی بن عبدالکریم بن علی بن میر سید محمد بن عبدالکریم بن سید مراد طباطبائی اصفهانی سید مراد جد سادات طباطبائی اصفهان و بروجرد و نجف می باشد .

مرحوم حاج میر سید علی صاحب عنوان از علماء اخبار و فضلاء ابرار امام جماعت مسجد در کوشک بوده و در خدمت حاجی آباده ای و اقا محمد مهدی کلباسی و حاج سید اسدالله بیدآبادی و جمعی دیگر تلمذ نموده کتابی در اصول فقه 2- و شرح هدایة نسخ حر عاملی از تألیفات اوست در شب 5 شنبه 10 ربیع الاول 1306 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در بقعه اقا حسین خونساری مدفون گردید وی پدر محرومین حاج میرزا ابوالحسن بروجردی معروف به در کوشکی و حاج میرزا محمد باقر بروجردی می باشد .

17- علامه فقیه رجالی حاج ملا علی کنی فرزند قربانعلی بن قاسم بن محمد علی آملی طهرانی از رؤساء علماء طهران .

عالم فاضل محقق مدقق در سال 1220 در قریه کن از قرای تهران متولد گردیده و در بامداد روز پنج شنبه 27 محرم الحرام سال 1306 در طهران وفات

یافته در حضرت عبدالعظیم در مسجد عتیق بین الحرمین (حرم حضرت عبدالعظیم و حرم جناب حمزة بن الامام موسی الكاظم علیه السلام) مدفون گردید و بعداً جمعی از علماء و همچنین پس از کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار را در آنجا بخاک سپردند و در تعمیرات اخیر قبر ناصر الدینشاه را از بین بردند و آثار آنرا محو نمودند .

کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: 1- رساله در استصحاب 2- رساله در اصول 3- الاوامر والنواهی 4- ایضاح المشتبهات 5 - البیع 6- تحقیق الدلائل در سال 1259 تألیف فرموده 7- تلخیص المسائل بنام کتات قضاء وشهادات بچاپ رسیده است 8- توضیح المقال در علم رجال معروفترین تألیفات ایشانست دو بار بچاپ رسیده است 9 - اجزائی در رجال 10- الصلوة 11- اجزائی در فقه 12 - قضا وشهادات وغیره.

اساتید و مشایخ اجازه او را : 1- آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط 2- حاج سید اسدالله بید آبادی 3- آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام 4 - شیخ حسن فرزند کاشف الغطاء 5 - شیخ مشکور حولادی نجفی متوفی بسال 1272 می نویسند . برای اطلاع از حالات او به کتابهای : 1 - احسن الودیعه ص 101 یکم 2- اعیان الشیعه ص 14 چهل و دوم 3- الذریعه مواضع مختلفه 4 - ریحانة الادب ص 392 سوم 5- مآثر والاثار (ص 138) 6 - مصفی المقال ص 332 7 - معارف الرجال ص 111 دوم 8- مکارم الاثار ص 696 سوم وغیره .

نکته :

در المآثر والاثار می نویسد در 27 محرم در طهران فوت شده و جنازه درغره ماه صفر سال مذکور حمل و در آنجا مدفون گردید معلوم نیست که در فاصله این چند روز چرا جنازه را دفن نکرده اند . ماده تاریخ وفاتش اینست :

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد نجله کرد مقام

18 - علامه فقیه مجاهد حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی شیرازی

ص: 265

اصفهانى معروف به شيخ الشريعة و اقاى شريعت اصفهانى .

عالم محقق جليل از مراجع بزرگ تقليد و از فائدين ثوره عراقيه در 12 ربيع الثانى 1266 متولد و در شب يك شنبه 8 ربيع الثانى 1339 در نجف وفات يافت اساتيد و مشايخ اجازه او عبارتند از : 1- حاج سيد اسدالله بيدآبادى 2- اقا ميرزا محمد باقر چهار سوقى 3- حاج ميرزا حبيب الله رشتى 4- شيخ محمد حسين كاظمينى 5- شيخ محمد طه نجف 6- اقا سيد مهدى قزوينى 7- اقا ميرزا محمد هاشم چهار سوقى و غيره .

كتب زير از تأليفات اوست : 1- ابانة المختار در ارث زوجه از ثمن عقار 2- ابرام القضاء فى وسع القضاء 3 رساله در اصالة الصحة 4 - افاضة القدير فى حل العصير 5 - انارة الحالک در قرائت ملک و مالک 6 - تفصيل در پوستهاى درندگان و غيره 7 - حاشيه بر فصول 8 - زاد المتقين 9 - صيانة الابانه 10- رساله در قاعده : الواحد البسيط لا يصدر عنه الا الواحد 11- رساله در غسله 12- رساله در قاعده لاضرر 13 - رساله در قاعده طهارت 14 - القول الصراح در احوال صحاح سته اهل سنت يا القول الصحيح فى... درباره صحاح علامه طهرانى ميفرمايد اين کتاب حدود سه هزار بيت مى باشد و مؤلف براى آن نامى ننهاد و من آنرا بدین اسم ناميدم 15- رساله در کعب 16 - رساله در لباس مشکوک 17 - رساله در لفظ جلاله که آيا آن اسم علم است يا صفت و غيره ، علامه طهرانى در الذريعه (ص 261 يکم) ميفرمايد که مرحوم شيخ الشريعة اصفهانى از حاج سيد اسدالله بيد آبادى اجازه داشته است .

19- مرحوم آقا سيد محمد فرزند سيد محمد حسن مجتهد موسوى .

پدرش از شاگردان مرحوم حجة الاسلام شفتى و خود از تربيت يافتگان محضر حاج سيد اسدالله بيد آبادى و ديگران بوده است فاضل و اديب و زاهد بوده است.

مشار اليه در جوانى بسال 1289 در اصفهان بدون اولار وفات يافته در جنب

ص: 266

پدر و جد خود در تخت فولاد مدفون گردید .

20- شیخ محمد بن طعمه زریجاوی نجفی (زریجاوی وزریجی منسوب به یکی از قبائل کنار فرات است).

عالم فاضل مجتهد در معارف الرجال (ص 346 دوم) بنا بنقل از سید محمد شرموطی موسوی (1252-1308) می نویسد که شیخ محمد بن عبد الله حرز الدین و حاج سید اسد الله بفضل و اجتهاد شیخ محمد و قوه نظر و عمق فقاہت او گواهی میدادند و باین جهت وی در نجف عنوان و شهرتی یافت.

صاحب عنوان راتالیفاتی در فقه و اصول بوده و در حدود سال 1283 در نجف وفات یافته است .

21- میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود همدانی کاظمینی .

عالم فاضل ادیب شاعر معروف به امام الحرمین از عده زیادی از علماء بزرگوار اجازه روایت داشته که از آنجمله است مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی .

وی در سال 1303 وفات یافته کتابهای زیر از تألیفات اوست : 1-الاجازات و آن مجموعه اجازاتی است که علماء برای او نوشته اند و بیشتر آنها از علماء اصفهان و در تاریخ 1282 می باشد 2- البشری 3- درة لارسلاک 4- الشجرة المورقة 5- شرح قصیده ازریه 6- عجائب الاسرار 7- عصمة الاذهان منظومه در منطق 8- عطر العروس 9- فصوص الیواقیت معروف ترین تألیفات مشارالیه 10- المشکوة در مسائل خمس و زکوة 11- ملوک الکلام 12- المواظظ البالغه در فقه و تفسیر 13- الموجز در شرح لغزشیخ بهائی 14- نزهة القلوب وغیره (ص 103 یکم ریحانة الادب صفحه 354 دوم معارف الرجال مواضع مختلفه الذریعه).

ص: 267

22- حاج سید مهدی نحوی موسوی فرزند علامه فقیه آقا سید محمد حسن مجتهد .

عالم فاضل ادیب ، در شوال سال 1248 در اصفهان متولد گردیده و در خدمت عده ای از بزرگان اهل علم همچون اقا میر سیدحسن مدرس میر محمد صادقی و حاج سید اسدالله بیدآبادی تلمذ نموده و در مدرسه شاهزاده ها در نزدیکی مسجد حکیم که در زمان حکومت سابق آنجا را خراب کرده و مدرسه جدید بنا کردند سطوح فقه و ادبیات عرب تدریس مینموده و بعلمت مهارت و استادی در علوم ادب به نحوی شهرت یافته سرانجام در روز 2 شنبه 15 ذی الحجه سال 1307 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در مجاورت پدر و جد مدفون گردید رحمة الله علیه .

(توضیح): در این زمان یعنی اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم عده ای از فضلاء اصفهان از اهالی هرنند نیز به نحوی شهرت داشته اند و به نحویهای هرنندی معروفند . به کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 232 مراجعه شود) .

23 - میرزا آقا نهانندی عالم فاضل در اصفهان خدمت حاج سید اسدالله بید آبادی و در بروجرد نزد حاج سید شفیع چاپلاقی تلمذ نموده است در المآثر والاثار (ص 175) در باره او می نویسد:

فقیهی نبیه و مجتهدی محقق بود و در بروجرد می نشست و تکمیل اصول را نزد حاج سید شفیع اسناد اصول کربلائیة کرده بود و از اقبال دنیوی هیچ بهره نبرده در نقباء البشر (ص 173 یکم) می نویسد: که از دنیا و مردم آن اعراض داشت و دوستدار عزلت و انزوا بود در حدود سال 1325 وفات یافت .

(تذکر):

مرحوم سید عبدالعظیم (احتمالاً کابلی) و ملا علی میرزا که نسخه ای از شرح شرایع مرحوم حاج سید اسدالله را مقابله و تصحیح نموده اند نیز از شاگردان ایشان می باشند .

ص: 268

(تألیفات مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

مرحوم حجة الاسلام ثانی را تألیفات و تصنیفاتی چند در فقه و ادب و اصول عقاید می باشد که ذیلا به نام آنها اشاره می شود .

1 - اجازه الامامه لصلاة الجمعة (الجماعة)

و آن اجازه ای است که مرحوم حاج سید اسدالله جهت سید ضمیر عباس بن سید عابد حسین نوشته است.

نسخه ای از این اجازه که بخط سید محمد حسن موسوی اصفهانی و مورخ بسال 1335 و در حیدرآباد نوشته شده است در کتابخانه جامع گهرشاد در مشهد مقدس موجود است (ص 205 فهرست کتابخانه گهرشاد).

* اجازات :

هرگاه اجازه هائی که مرحوم حاج سید اسدالله جهت برخی از شاگردان خود و همچنین برای عده ای از علماء بزرگوار زمان خویش مرقوم فرموده است

ص: 269

مجمع آوری گردد خود کتابی بزرگ خواهد شد .

2- کتابی در امامت :

ظاهراً در دو مجلد نسخه آن در نزد حجة الاسلام زاده شفتی موجود است .

آغاز جلد یکم : بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين . کتاب فی الامامه وفيه مقدمة و ابواب و خاتمه .

المقدمة فی بیان امور فی ضمن فصول .

انفصل الاول فی معنى الامامه هی مصدر بالتاء كالعادلة و الكتابة وقد يطلق اسماً للوصف و الام كما فی الكشف ...

انجام : هذا الكلام بتمامه ساقط عن هذا المقام ينبغي اسقاط ادليس الكلام فی افضلتيه و الخبردال على توليته كما بنى الكلام على التسليم لذلك و اما مايرد على هذه الكلمات بتفصيلها له مقام آخر وقال صاحب المغنى ..

کاتب نسخه محمداسماعيل بن احمد الخونساری در سال 1293 مقابله و تصحيح عبد العظيم اصفهانی فی شهر رجب 1293 .

آغاز جلد دوم : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين ، کتاب فی الامامه .

الثاني عشر : القائم المهدي عليه الصلوة والسلام وفيه ابواب .

الباب الاول فی اثبات امامته وفيه فصول ...

انجام : اقول كذا وجدت في النسخه من البحار التي لا تأمن من الغلط و لعل الصحيح الحسن مكان الحسين عليه السلام في جميع ما تقدم .

مقابله و تصحيح نسخه در سال 1294 بوده است.

3- رساله در احكام وضعيه .

بخط مؤلف در نزد حجة الاسلام زاده شفتی موجود است .

ص: 270

4 - رساله در ارث زوجه بخط مؤلف .

5 - رساله در تجويد (ص 125 يكم الكرام البرره) .

6 - رساله در تقدير .

بخط مؤلف در نزد حجة الاسلام زاده شفتی موجود است .

7 - رساله در تقليد .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والشكر له صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين رب يسر ولا تعسر علينا ووفقنا للاثمام و استفادتنا فيه . اعلم ان مسائل التقليد كثيرة و المقصود في المقام عديدة منه و الاولى ان تقدم مقدمة في بيان معناه ..

انجام : وايضاً المجتهد بالموت يخرج عن قابلية التكليف و المجتهد الخارج عنها ليس قوله حجة اصلاً فلا يمكن القياس من هذه الجهة .

8 - حاشيه بر سيوطي .

مرحوم تنكابني در قصص العلماء (ص 136) در ضمن شرح حال مرحوم سيد حجة الاسلام می نويسد:

مسموع شد که مرحوم حاج سيد اسد الله حاشيه سيوطی که پدر بزرگوارش تأليف فرموده بود و ناقص بوده به امر آنجناب تکميل فرموده است .

9 - رساله در حيوه .

بخط مؤلف در نزد حجة الاسلام زاده شفتی در اصفهان موجود است .

10 - حواشی بر تحفة الابرار تأليف پدر بزرگوارش .

نسخه ای از آن در نزد اقا ميرزا محمد علی اصفهانی بارمز (ا.س.د) موجود بوده است (ص 407 بيست و دوم الذريعه) .

11 - حواشی بر نخبه .

ص: 271

رساله عملیه تألیف حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

12 - کتابی در رجال (ص 125 یکم الکرام البرره) .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 95 دهم) از قول فرزندش حاج سید محمد باقر گوید : بخط مؤلف در کتابخانه ام در اصفهان موجود است .

13 - رساله ای در رخصت و عزیمت .

نسخه بخط مؤلف بزرگوار نزد حجة الاسلام زاده شفتی در اصفهان موجود است .

14 - رساله ای در سبب و مانع .

نسخه بخط مؤلف در نزد حجة الاسلام زاده شفتی .

15 - رساله ای در شبهة محصوره و غیر محصوره .

نسخه بخط مؤلف در نزد حجة الاسلام زاده شفتی .

16 - شرح زیارت عاشوراء .

مرحوم علامه طهرانی در الذریعه (ص 307 سیزدهم) می نویسد :

مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی فرمود که نسخه در اصفهان در کتابخانه من موجود است . نویسنده گوید ظاهراً پس از وفات مشار الیه و تقسیم و فروش کتابها و کتابخانه این کتاب و صدها کتاب نفیس دیگر که در آن کتابخانه بوده از تصرف آنان خارج گردیده و اکنون سرنوشت آن معلوم نیست .

17 - شرح شرایع الاسلام .

کتاب «شرایع الاسلام» از کتب بسیار معتبر فقهی شیعه و از تألیفات مرحوم شیخ ابو القاسم نجم الدین جعفر بن الحسن معروف به محقق حلی و محقق اول متوفی بسال 676 هجری می باشد و از هنگام تألیف تاکنون مورد نظر و توجه علماء و مجتهدین بزرگوار بوده و بر آن حواشی و شروح بسیاری نوشته اند که از آنجمله

ص: 272

است شرح مرحوم حاج سيد اسد الله در چندین مجلد بشرح زیر می باشد :

۱- کتاب الطهارة

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والسلام على سيد الاولين والآخرين محمد وآله الطاهرين وعلى الله التوكل وبه الاعتصام . قوله : كتاب الطهارة . الكتاب اما مصدر او اسم مصدر

انجام : و الحمد لله على ما وفقني بكرمه و احسانه با تمام هذا المجلد الحقيق من العبد الذليل فى يوم الخميس الثالث والعشرين من شهر ربيع الاول سنة 1258 فله الحمد اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد و آله اجمعين .

2- در احكام نجاسات .

آغاز: قال (ره) الركن الرابع فى النجاسات واحكامها. القول فى النجاسات وهى عشرة انواع الاول و الثانى: البول والغائط مما لا يؤكل لحمه اذا كان ذانفس سائله مما لا خلاف فيه بل عليه الاجماع محققه و محكيه ...

انجام : قال (ره) ويكره بول البغال و الحمير والدواب قد تقدم الكلام فيه فلا حاجة الى الاعادة اليه وقد وقع الفراغ منه فى الساعة الرابعة من ليلة الثالث والعشرين من شهر جمادى الثانية سنة 1287 حامداً مصلياً على محمد و آله الطاهرين .

3- در احكام وضو .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله سادات الخلق اجمعين . قوله (ره) الثالث فى كيفية الوضوء وفروضة خمسه . الفرض فى اللغه بمعنى التقدير قال الله تعالى : « فنصف ما فرضتم » اى قدرتم وفى الاصطلاح بمعنى الواجب والمحتوم كما صرح به فى المدارك ...

انجام: ونأتى بغير ذلك مما يتعلق بالمقام فان خاطر حشوش و القلب ملول حتى ان من العجب اشتغالى بالفقہ او الاصول والحمد لله على ما وفقني بكرمه

و احسانه با تمام هذا المجلد الحقيق من العبد الدليل الفقير فى يوم الخميس الثالث والعشرين من شهر ربيع الاول سنته 1258 فله الحمد اولاً و آخرأ و
ظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد و آله اجمعين .

نسخه بخط محمد حسن بن محمد تقى خونسارى مى باشد .

4 - در احكام شك و سهو .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم و به تقيتى و رجائى الحمد لله رب العالمين و الصلوة على محمد و آله اجمعين قوله (ره) الركن الرابع فى التوابع وفيه فصول
الفصل الاول فى الخلل الواقع فى الصلوة وهو اما من عمد او سهو او شك . اعلم ان العمدا تيان الشبىء او تركه مع القصد و التذکر و الالفتات ...

انجام : و الظاهر انه عين القول باعتبار سهوه و الصلوة على محمد و آله و الحمد لله على مننه و افضاله و قد وقع الفراغ منه عند يوم السبت الخامس او السادس
من شهر رجب الاصح سنة 1256 .

5 - در احكام جماعت .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين قال رحمه الله الفصل الثالث فى الجماعة و النظر فى اطراف . الاول الجماعة
مستحبة فى الفرائض كلها و تتأكد فى الصلوة المرتبه و لا يجب الا فى الجمعة و العيدين و لا يجوز فى شىء من النوافل عدا الاستسقاء و العيدين مع اختلاف
شرايط الوجوب اعلم انه تنقسم الجماعة باختلاف مواردھا الى الاقسام الاربعه او الخمسه من حيث الحكم الشرعى فقد تكون واجبة و قد تكون محرمة و قد
تكون مستحبة و قد تكون مكروهة و مباحه ...

انجام : و لنقطع الكلام من هذا المقام حامداً مصلياً مسلماً فى ليلة الثلاثاء و قد تعدى منها خمس ساعات الرابع من شهر رجب المرجب سنة اثنين و سبعين
بعد

ص: 274

در آخر نسخه نوشته شده است كه : لقد حصل الفراغ من مقابلته مع نسخة الاصل التي كانت بخط المصنف اعلى الله مقامه وانا الراجى الى عفوره به اقل الطلبة عباس بن احمد الخونسارى فى شهر ذى الحجة الحرام 1292 سجع مهر: الراجى عباس بن احمد

كاتب نسخه : محمد حسن بن محمد تقى الخونسارى فى يوم السبت التاسع من شهر رجب المرجب فى سنة 1292

6- در احكام حج

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم قال رحمه الله كتاب الحج وهو يعتمد على ثلاثة اركان : الاول فى المقدمات وى اربعة المقدمة الاولى و ان كان فى اللغة كل القصد فقد صار فى الشرع اسماً لمجموع...

انجام: ولتقطع الكلام فى المقام و الحمد لله على فضله و احسانه و الصلوة على محمد خير خلقه و آله فى خامس شهر شوال المكرم من سنة تسع وستين و مأتين بعد الالف فى جوار امير المؤمنين عليه السلام 1269 .

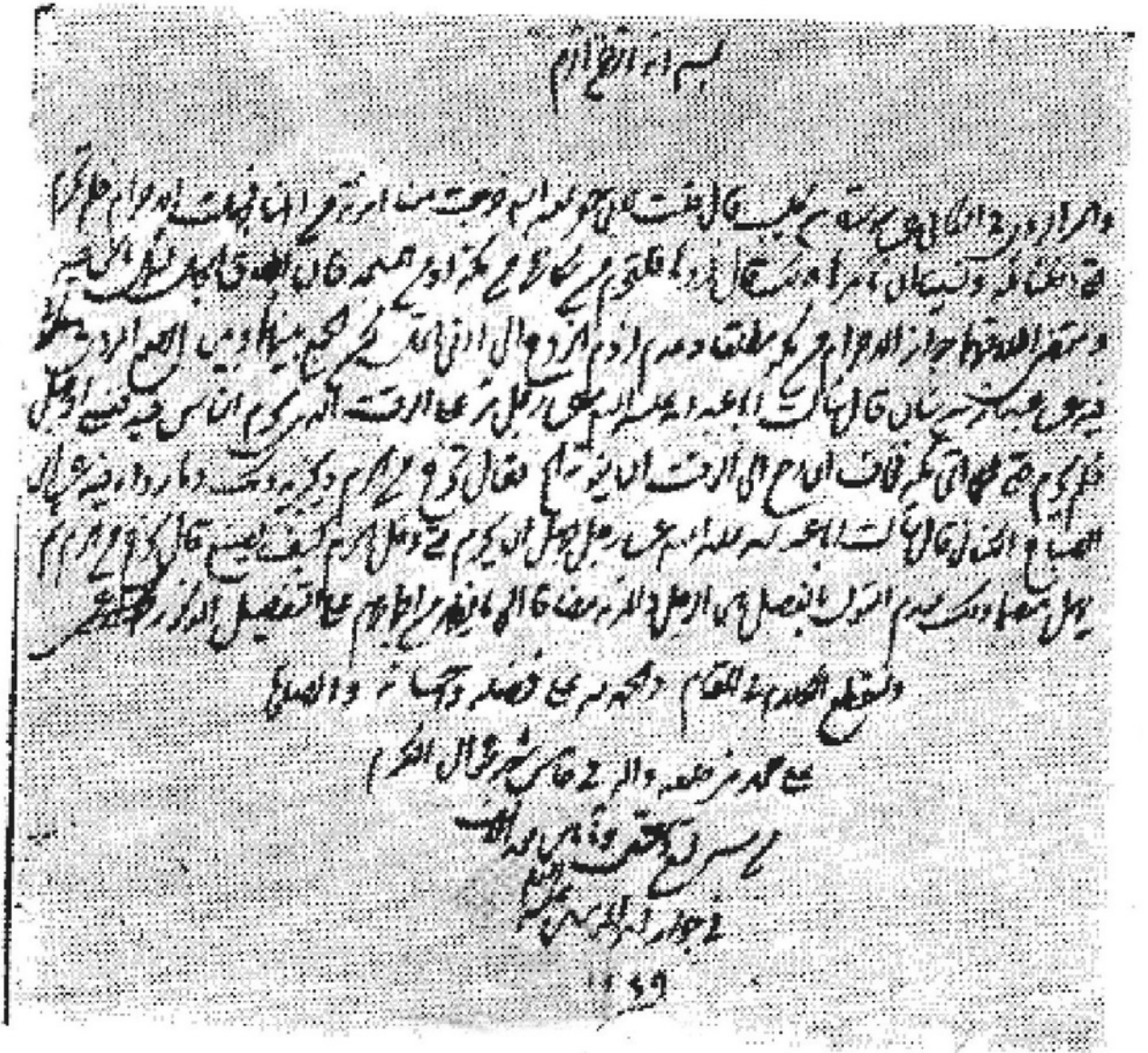
رساله فوق بخط مصنف مرحوم حاج سيد اسد الله مى باشد

7- كتاب الميراث .

نسخه در كتابخانه آيت الله گلپايگانى در قم بشماره (126)

نويسنده فهرست دانشمند بزرگوار محقق متتبع اقاى حاج سيد احمد حسيني اشكورى درباره اين كتاب مى نويسد : (فقه - عربى)

شرح استدلالى مفصلى است بعنوان «قال - قال» و نام مؤلف از يادداشتى است كه روى برگ اول آمده است . اين نسخه داراى كتاب الفرائض (ارث) مى باشد در پاورقى مى نويسد شايد مؤلف فرزند سيد محمد باقر حجة الاسلام شفتى باشد.



آغاز : الحمد لله رب العالمين قال (ره) كتاب الفرائض . الفرائض في الاصل جمع الفرض بمعنى التقدير ...

در معرفی نسخه می نویسد : بخط نسخ زیبا متن باشنگرف نشانی دارد . عناوین در حاشیه مشکی در حاشیه تصحیح شده است . علی میرزا آصفهانی در صفحه آخر می نویسد که کتاب را با سید عبد العظیم با نسخه مؤلف مقابله کرده و این کار بسال 1294 پایان یافته است . مهر بیضوی این دو نفر : عبده الراجی « علی میرزا » و عبده « عبد العظیم بن حسن الموسوی » نیز دیده میشود (ص 120 یکم فهرست کتابخانه)

فانده : علامه طهرانی در الذریعه (ص 209 ششم) در ضمن بیان حواشی که بر کتاب معالم الاصول نوشته شده است می نویسد : حاشیه مولی علی میرزا

بر آن بطوریکه سید محمد باقر معروف به حاج آقا سبط سید حجة الاسلام اصفهانی ذکر نمود و میفرمود که در کتابخانه ما در اصفهان موجود است .

از حالات این ملاعلی میرزا تاکنون بیشتر از این اطلاع نداریم و احتمال اینکه وی مرحوم ملاعلی میرزا کتابفروش و مؤذن مسجد سید باشد و تا بعد از سال 1327 زنده بوده بعید بنظر میرسد و الله اعلم بحقایق الامور .

8- در امر بمعروف و نهی از منکر .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين . كتاب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر قال (ره) المعروف هو كل فعل حسن اختص بوصف زايد على حسنه اذا عرف فاعله ذلك اودل عليه والمنكر كل فعل قبيح عرف فاعله قبحه او دل عليه المراد بالفعل الحسن في تعريف المعروف كما صرح في المسالك الجائز بالمعنى الاعم

انجام : و لكن الكلام هنا في امور محلوا كتاب المكاسب وقد تعرضوا لها هناك .

از این هشت کتاب بغیر از کتاب هفتم (کتاب المیراث) بقیه در سه مجلد بزرگ و در کتابخانه حجة الاسلام زاده محترم آقای حاج آقا مهدی شفتی موجود است .

تا این جا راجع به شرح کتاب شرایع بود 18

18 - رساله عصیریه

رساله در حرمت عصیر زیبایی پس از جوشیدن (زیبی یعنی مویز و انجیر)

نسخه اصلی این رساله بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه علامه مفضل آقای حاج سید محمدعلی روضاتی در اصفهان موجود است

ص: 278

در این رساله مؤلف از وظایف قلبی و اعتقادی یاد کرده است تاریخ تألیف 1273: نسخه ای از آن با حواشی منه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس موجود است (ص 303 فهرست کتابخانه مسجد گوهر شاد).

20- کتاب الغیبه فی حکم الاغتیاب

ص 70 شانزدهم الذریعه) علامه طهرانی میفرماید که نسخه ای در کتابخانه فرزندش حاج سید محمد باقر دوم موجود بوده است

21- کتاب الفقه الاستدلالی

در چندین مجلد (ص 283 شانزدهم الذریعه) علامه طهرانی می نویسد نسخه ای از آن بشماره (3603) در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (ص 2910 دوازدهم) مرحوم حاج سید اسد الله کتاب را در شب 28 ذی الحجه سال 1297 تألیف فرموده و تاریخ نسخه موجود 3 شنبه 10 رمضان المبار 1273 در روستای

امریکا در سال اهر می باشد

22- مستخرجات الطرائف .

آغاز: الباب الأول فی المستخرجات من الطرائف وفيه ثمانية وعشرين عنوانا

بسم الله الرحمن الرحيم فی الأخبار الداله علی أن الائمة اثني عشر باسمائهم فی الطرائف فمن ذلك روى البخارى فی صحيحه فی الجزء الثالث من اجزاء ثمانية ...

انجام: قال عثمان فی المسجد بعد الفراغ من صلوته الجماعة مقبلا علی الناس أن هاتين مشيراً بها الى عايشه و حفصه لفتانتان يحل فی سبهما وانا باصلهما عالم

ص: 279

نویسنده گوید این کتاب جزئی است از کتاب مناقب الائمه که بعداً بآن اشاره خواهیم کرد.

23 - رساله فی معرفة التكاليف

از کتب فقهی شامل مباحث طهارت - قبله صلوة بر راحله صلوة در سفینه - لباس نماز گزار - زکوة - صوم

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين والصلوة والسلام على اشرف خلقه وآله الطاهرين تفكر ايها العبد المخلوق في خلقك ...

انجام: و منها انه لا يجوز لمن عليه قضاء شهر رمضان أن يتطوع بالصوم حتى يقضى شهر رمضان تاريخ كتابت (يا تأليف) سنة 1273 .

26 - مناسک حج

رساله مختصری است در اعمال حج بفارسی (ص 200 بیست و دوم الذریعه) I

نسخه ای از این رساله در نزد نویسنده موجود است که در بالای صفحه اول قبل از شروع کتاب در لوحه ای نوشته شده است:

هو العلی الأكبر. مناسک حج من تألیفات مولانا وسیدنا الأعظم الاکرم الافنخ العالم العامل الفاضل الکامل وحید عصره وفرید دهره حجة الاسلام الحاج سید اسد الله الموسوی دام ظله العالی

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطاهرين وبعد چنین گوید بنده خاطی راجی اسد الله الموسوی که این مختصریست در واجبات حج تمتع ...

انجام: و چون از اعمال حج فارغ شد عمره مفرده بعمل آورد. در زیر این قسمت مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی فرزند مرحوم سید

ص: 280

حجة الاسلام (برادر کوچک مؤلف) نوشته اند انشاء الله صحيح خواهد بود والتماس چنین است این مقصر درگاه خداوند را از دعا فراموش نکرده باشد .
صاحب این کتاب مستطاب فی 13 شهر جمادی الأولى سنه 1286

0 مهر : عبده محمد جعفر بن محمد باقر الموسوی

20 - مناقب الائمه عليهم السلام

و آنرا کتاب « امامت » و « منتخب المناقب » نیز گفته اند (ص 649 بیست و دوم الذریعه) . علامه طهرانی میفرماید : کتاب بزرگی است در حدود دوازده هزار بیت و آنرا مؤلف بزرگوار از کتب چندی انتخاب فرموده است مانند :

کتاب طرائف تألیف ابن طاووس و شرح نهج البلاغه تألیف ابن ابی الحدید و صواعق تألیف ابن حجر عسقلانی و صحیحین یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری و غیرها

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي خلق الافلاك والأبراج وقدر فيها الشمس والقمر كالسراج در میان کار پ ر

ستاری نسخه ای از این کتاب که در سال 1290 یعنی سال وفات مؤلف از روی نسخه خط مصنف نوشته شده است در قم در کتابخانه شیخ رجبعلی نیشابوری بوده است (ص 321 بیست و دوم الذریعه)

(تذکر) : علامه طهرانی نوشته اند که مناقب الائمه نام دیگر کتاب امامت است باید تذکر داده شود که کتاب امامت که قبلاً نام بردیم غیر از کتاب مناقب الائمه یا منتخب المناقب می باشد .

26 - منتخب رساله عملیه

از طهارت تا صوم بطور اختصار و آنرا یکی از شاگردانش بنام سید علی در زمان حیات آن مرحوم انتخاب نموده و نوشته است و از مرحوم حاج سید اسدالله

ص: 281

به شیخنا وسیدنا ومولانا دام ظلّه تعبیر می کند. نسخه آن در نزد اقا میرزا محمد علی اصفهانی در نجف موجود بوده است (ص 07 بیست و دوم الذریعه)
27 - رساله در میراث .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين كتاب الميراث وهو لغة اسم بمعنى الارث كما يتصرح من الصحاح والقاموس والمجمع فسر منها الأثر بالميراث ومقتضاه ذلك ...

انجام : والصور الاثنى عشرى تى تمامها فى هذا القلم وامثلتها سهلة بعد مراجعة ما ذكرناه من القواعد والأمثلة و كذلك لو كانت الأعداد بعد مراعاة النسبة مختلفة

(تذكرو) :

آقای حاج اقا مهدی شفتی حجة الاسلام زاده محترم در پایان فهرست تألیفات مرحوم حاج سید اسد الله می نویسند :

رساله های مخالفی در موضوعات زیر بخط مؤلف میباشد (غیر از آنچه سابقا ذکر نمودیم) رات اور میرا این

رساله در احکام تکلیفیه - صحت و بطلان - لودعت المرأة على الزوج النفقة وادعى هو عليها النشوز - فى المحرمات و اسبابها النسب والرضاع و فى بعض مسائل الوكاله - ملاقى متنجس نجاست ميتة ذى النفس - الواجبات المالىة تؤخذ من أصل المال بخلاف ... ولایت پدر و جد در بخشیدن مدت عقد منقطع رساله فى الهبة و چندین رساله دیگر در موضوعات مختلف که ممکن است همه آنها جزو کتاب : الفقه الاستدلالی باشند . والله تعالى اعلم

دو نظریه مختلف در باره دو کتاب

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 129 بکم) در ضمن شرح حال مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی می نویسد :

محدث نوری مرحوم حاج میرزا حسین نوری (1320 - 1256) نورالله

ص: 282

مرقدہ میفرمود کہ :

سید حجۃ الاسلام بہ رجال ابو علی وحدائق شیخ یوسف بحرانی اعتنائی نداشته است اما فرزند ارجمندش مرحوم حاج سید اسد اللہ در تصانیف فقہیہ خود از حدائق گاہی بقدر نصف صفحہ و گاہی کمتر و یا بیشتر از این مقدار نقل می کند . می کند .

از این بیان بنظر میرسد کہ حاجی نوری تألیفات سید ثانی را دیدہ است (انتہی) وهمچنین معلوم میشود کہ کتب فقہی مرحوم سید حجۃ الاسلام را نیز دیدہ و یا مطلب فوق یعنی عدم توجہ و عنایت آن مرحوم را نسبت بہ آندو کتاب از شاگردان آن بزرگوار شنیدہ است و اللہ اعلم .

قبلا نیز در ضمن بیان شرح حال مرحوم حجۃ الاسلام گفتیم کہ :

مرحوم حجۃ الاسلام مناجات خمسہ عشر را در حفظ داشت و بقراءت او مداومت میفرمود لکن فرزند ارجمندش بدلیل کافی نبودن سند این مناجات بأن عنایتی نداشت.

ص: 283

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 المتفق الحكم والعقود وبسبب طاعة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الكرام الأئمة
 خذوا من ذمهم من مطلقاتهم على الرجال والامانة ويحتمل ذكرها في هذه الصفحة
 ليكون تذكيرا لمن كان متديبا أو من المطلقات فهو العلم شيخ
 الاجازة والمراد من الرواية التي تروي الحديث بعضهم من بعض مما طعن الاجازة
 فيكون الرواية عنه اجازة الراوي بقوله اختلف ما تروي عن رسول الله
 فيكون في ذلك من التديب او من قولهم سمعت من كذا وكذا كذا تروي اجازة
 الراوي في هذا الطريق فكذلك الراوي الاخر وقد علم من ان قوة الراوي
 الكفاية المذكورة في الرواية وهو يصح في ذلك قوة الراوي في نفسه عليه
 وهو يصح في جميع من رواه عنه وهو في الاجازة والقوة كونه
 لا يكون كونه اذا كان الكتاب وتصنيف الاصل اخذ من قوله ان لم يكن
 له كتاب وتصنيف وكان له في نفسه لم يكن له وكان الصحاح في الحديث للقوة
 قد لا يكون في هذا المراد من الاجازة الرواية التي كانت في سطر نسا
 ودين الحديث في التسمية كانت لكل واحد منها كتاب ام لا ولكن كانت لكل واحد
 من القوة اجازة باسمه من كونه قطعاً وان كانت في كونه في غيره
 من اجازة اختلف في اباؤنا من كونه في الاجازة في الحديث من باب الترتيب
 اذ من باب الاجازة على ما بين في الحديث في الاجازة في الحديث من باب الترتيب
 غيرهم فيقولون في الاصل الذي الترتيب في الاصل في الاصل في الاصل في الاصل
 ولا قيل فلا يكون ذلك في الحديث في الحديث في الحديث في الحديث في الحديث
 في الترتيب والقوة في الحديث في الحديث في الحديث في الحديث في الحديث
 حصوله في حديثه في الحديث في الحديث في الحديث في الحديث في الحديث

تصوير خط مرحوم حاج سيد اسد الله

(آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

از مرحوم حاج سید اسدالله معروف به حجة الاسلام ثانی آثار و باقیات الصالحات چندی بجای مانده است که از آن جمله است:

- اجرای آب فرات در نجف اشرف ساری

2- بنای غسلخانه در شهر نجف (ص 136 ماضی النجف وحاضرها جلد یکم)

3- تألیف کتب علمی که شرح آن قبلاً گفته شد . 4- تعمیر مسجد سهله (ص 43 یکم فوائد الرضویة) - تعمیرات مدرسه باقریه اصفهان معروف به مدرسه در کوشک .

- تعلیم شاگردان که قبلاً به نام عده ای از آنها اشاره گردید . 7- وقف نمودن مسجد سید 8 - تکمیل بنا و ساختمان مسجد سید و غیره الف :

آب نجف

ص: 285

یکی از عواملی که در تمام ادوار موجب ناراحتی ساکنین شهر مقدس نجف اشرف بوده است موضوع نبودن و کم بودن آب شیرین و قابل شرب در این شهر بوده که همیشه مردم آنجا از این بابت رنج میبردهاند

در طول تاریخ چندین مرتبه از طرف بزرگان و سلاطین و علماء و تجار شیعه و اعیان از طرف حکام عراق اقدام به حفر قنات و نهر جهت آوردن آب از شط فرات بداخل نجف گردیده و موفقیت هائی نیز نصیب آنان شده است لکن این اقدامات بععلل چندی که از آن جمله است :

۱- مجاری تهیه شده عموماً بر اساس اصول علمی و قواعد ریاضی مهندسی نقشه کشی نشده است .

۲- بلند بودن شهر نجف از کوفه و بالاخره از نهر فرات (شهر نجف تقریباً 35 متر از کوفه مرتفعتر است . در بسیاری

۳- مراقبت و مواظبت نمودن از مجاری و انهار تهیه شده که گاهی عمد یا بوسیله دشمنان و یا افراد بی اطلاع عمداً آنها را خراب و پر کرده اند . .

۴- بارندگی ها و جریان سیل ها و همچنین وزش بادهای شدید نیز موجب شده که مجاری از شن و گل و لای پر شود و چون دیگران خود را موظف در ترمیم خرابیها و تنقیه قنات ولای رویی انهار نمیدانسته اند خواه و ناخواه پس از مدت زمانی که گاهی اند یعنی در فاصله چند سال از حفر قنات و نهر گذشته مجری پر شده و آب قطع میشده است .

اینک جهت آگهی خوانندگان فهرست اجمالی از تاریخ مجاری آب و بانیان آن در طول تاریخ را بنا بنقل : اعیان الشیعه (ص 113 یازدهم) تاریخ الکوفه

(ص 171) عنوان الشرف (ص 14) ماضی النجف وحاضرها (ص 123 یکم) میپردازیم . .

1 - نهر حیره - نهر خورنق بوسیله حارث بن عمرو در قبل از اسلام . 2 - سلیمان بن اعین برادر جناب زرارة بن اعین متوفی بسال 250 هجری .

3- عضد الدوله دیلمی در سال 399 (به قنات آل بویه و یا نهر عضدالدوله شهرت یافته) ،

4 - سلطان سنجر فرزند ملکشاه سلجوقی (501 - 479) لکن توفیق اتمام آنرا نیافت .

* در تاریخ بیهق ص 58 گوید : اول کسیکه نهری از فرات جهت شهر کوفه (نجف اشرف) حفر نمود جناب ابو القاسم علی بن زید حسینی از آل زبارة (بقاء موحده) متوفی بسال 23 ه میباشد .

پدرش ابو یعلی زید بن علی از سادات بنی الأخطس و از آل زبارة در ساله 447 در اصفهان وفات یافته و احتمالا مقبره معروف به شاه زید در مشرق خیابان بزرگمهر منسوب بدانجناب است و العلم عند الله تبارک و تعالی .

و - خواجه علاء الدین عطا ملک صاحب دیوان جوینی (183 - 123) تاریخ اتمام آن رجب 979 مشهورترین قناتهای نجف و در این راه صد هزار دینار طلا خرج نمود . چون متصدی امور حفر نهر مزبور خواجه تاج الدین علی بن امین الدین معروف به « دلقندی » از سادات بزرگوار و اعتبار حضرت سجاد علیه السلام بوده بنهر تاجیه شهرت یافته و نهر تا مسجد کوفه میرسید . دیگر از آثار او برادرش خواجه شمس الدین ساختن ضریح جهت مرقد حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در سال 981 می باشد (ص 177 تاریخ الکوفه).

- شاه اسماعیل صفوی (930 - 892) در سال 996 دستور حفر آنرا داد

ص: 287

(نهر شاه) در زمان محاصره نجف بوسیله عثمانیها این شهر پر شد با پر کردند

در زمان شاه سلطان سلیم عثمانی . . 7- شاه طهماسب صفوی (فوت 984) در زمان وی حفر نهر با تمام نرسید این نهر به طهماسبیه و یا طهمازیه معروف است. تاریخ حفر نهر 980 هجری .

8- شاه عباس کبیر صفوی (1027 - 979) در سال 1032 حفر نهر با تمام رسید و آب به قسمت شرقی نجف رسید این نهر به « نهر المکره » شهرت دارد و آنرا نهر شاه گفته اند .

9- شاه صفی صفوی (فوت 1052) در سال 1062 موفق به زیارت مراقد مقدسه ائمه عراق علیهم السلام گردیده و دستود به تجدید قبه منوره و توسیع حرم مطهر و همچنین امر به احداث نهر عمیقی از حوالی حله تا مسجد کوفه و از آنجا به خورنق نمود و آنرا به بحر نجف بوسیله قنات متصل گردانیدند .

10- یحیی خان آصف الدوله نیشابوری لکهنوی هندی متوفی بسال 1220 وزیر محمد شاه هندی در سال 1208 با مخارج زیاد نهری از مسیب از شط فرات منشعب نموده و تا نجف آنرا امتداد دارد و هر کجا به نقطه مرتفعی میرسد از وسط آن نهر را میگذرانید تا آنکه آب به نهر رسید . این نهر زیر نظر علامه مرحوم آقا سید علی طباطبائی مؤلف ریاض المسائل حفر گردید و به نهر هندیه شهرت دارد . ماده تاریخ آن : صدقه جاریه 1208 می باشد .

11- امین الدوله مرحوم عبدالله خان فرزند حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی خرج کردن معادل پنجاه هزار تومان قنات نجف را (شاید قنات آصف الدوله باشد) اصلاح و لایروبی کرد لکن بعلت باران و سیل مجرای آن مجددا خواب گردید .

12- علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهان مؤلف جواهر الکلام (متوفی

در غره شعبان 1266) اقدام به تعمیر و اصلاح قنات آصف الدوله نموده و معادل هشتاد هزار تومان در آن صرف نمود که بوسیله محمد امجد علیشاه هندی (فوت 1293) بوسیله علامه سید حسین بن سید دلدار علی نقوی لکهنوی هندوی معروف به سید العلماء (1273 - 1211) پرداخت گردید و قبل از اتمام عمل علامه مرقوم وفات یافت این نهر انشعابی به : کری (چری) الشیخ معروف گردید .

13 - مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی (شرح آن بعدا نوشته میشود).

14 - نهر عبد الغنی در سال 1305 در زمان حکومت علیرضا پاشا و دستور مشار الیه و نظارت عبدالغنی افندی حاکم شهر و سعی و کوشش سید جلیل سید هادی بن سید محمد آل زوین در مدت چهل و شش روز احداث گردید ماده تاریخ آن را شیخ عباس اعسم ضمن قطعه ای (شرب العذب 1305) گفته است . این نهر به نهر عبدالغنی شهرت داشته است و تا سال 1308 باقی بوده است.

10 - نهر حمیدیه در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید نیز بحکم او نهری احداث گردید و تاریخ وصول آب به نجف دهه اول شعبان سال 1310 بوده و به نهر حیدریه نیز معروف و مشهور می باشد .

16 - در عنوان الشرف (ص 67) پس از ذکر نهر عبد الغنی می گوید :

وشق اخرأ علی بن الحسن بجنبه فجاء یجری فی سنن فاستعذبوا السقیبا به واشتر با وار خوا (جاء الفرات عذبة)

(1312)

17 - در سال 1319 علامه مرحوم حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی اقدام به اصلاح ولای رویی قنات نجف نموده و در سال 1327 فراغت حاصل نموده لکن آبهای این مجری بعللی قابل شرب نبود (ص 115 یازدهم اعیان الشیعه) .

ص: 289

18- در سال 1362 حاج محمد علی شوشتری معروف به رئیس التجار جهت آب آشامیدنی شهر نجف اقداماتی نمود (در زمان ملک فیصل پادشاه عراق)

19- در سال 1369 حاج اقا محمد بوشهری معروف به معین التجار جهت آب و روشنائی شهر مقدس نجف اقدامات اساسی انجام داد . ماده تاریخ آنرا مرحوم سید مهدی اعرجی نجفی چنین گوید :

ارخ « فیا بشری لك اليوم قد جاءك بالماء المعين المعين »

(1981)

و در عنوان الشرف (ص 98) تاریخ آنرا : « بالماء ساغری » می نویسد:

20 - در زمان ولایت عهدی ملک غازی پادشاه عراق در سال 1350 نیز جهت آب شهر نجف اقداماتی انجام گردیده است ماده تاریخ آنرا در عنوان الشرف حی الامیر غار با» می نویسد. وسید مهدی اعرجی شاعر و ادیب معروف نجفی گوید: لئن طغت میاهه فبالندی ا

رخست « مدها الأمیر غازی » 21 - از سال 1357 شهرداری نجف در امر آب این شهر مستقیماً دخالت نموده و اقداماتی انجام داده است .

نهر احدائی حاج سید اسدالله بید آبادی :

اکنون که بطور اجمال از تاریخچه آب در نهر نجف آگهی یافتیم بذكر اقدامات حاج سید اسدالله شفتی میپردازیم.

در سالیکه مرحوم حاج سید اسدالله پس از وفات استاد بزرگوارش مرحوم اقا شیخ محمد حسن اصفهانی به نجف اشرف مشرف گردیده و عده ای از علماء و ساکنین آن شهر مقدس از کمبود آب و ناراحتی مردم از این بابت به ایشان شکایت نمودند مرحوم حاج سید اسدالله تصمیم به اقدام اساسی در این کار گرفتند و پس از برگشت به اصفهان عده ای مهندس و کارگرفنی به نجف گسیل فرمودند.

ص: 290

در مرحله اول تصمیم گرفتند دنباله دار مرحوم اقا شیخ محمد حسن را بگیرند بعد از این اندیشه منصرف گردیده و بر آن شدند که از وسط نهری که مرحوم شیخ احداث نمود هاند مجرای زیرزمینی (قناتی مستقیم تا شهر نجف تهیه کنند و در سال 1282 شروع به این عمل فرموده و تا سال 1288 مشغول بودند و در این سال آب به نجف رسید و مردم شهر بدین جهت خوشحال و مسرور شدند .

مخارج احداث این قنات و رسانیدن آب به شهر نجف را معادل سی هزار تومان و از ثلث تر که مرحوم سردار محمد اسماعیل خان نوری وکیل الملک نوشته اند (شرح حال سردار محمد اسماعیل خان وکیل الملک نوری حکمران کرمان در کتاب : شرح حال رجال ایران صفحه 297 سوم بطور اجمال مذکور است مشار الیه در 19 جمادی الثانیه سال 1286 در کرمان وفات یافته است).

علامه ادیب شاعر شیخ محمد بن شیخ کاظم جزائری نجفی متوفی بسال 1302 قصیده ای در

ماده تاریخ

احداث این نهر سروده است مطلع آن : الوکیل الملک اید طوقتنا بالهبات رسان

وقد سرت فی الناس أمثال النجوم السائرات و جرت كالبحر الا انها عذب فرات

فهو بالشکر حقیق فی الملا و الخلوات تا آنجا که می گوید : شربوا الماء زلالا بعد شرب الاجنات

فاشرب الماء و اریخ : لا اشرب الماء الفرات» و میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود همدانی معروف به امام الحرمین مؤلف نصوص البیواقیت متوفی بسال 1304 در تاریخ احداث این نهر گوید :

مد اسد الله الهمام السری سلیل ساقی الناس من کوثر

ص: 291

اجری الی الغری ماء مری قد اخوه « جاء ماء الغری » 1288 ب :

غسالخانه در نجف اشرف :

یکی دیگر از آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی ساختمان غسالخانه موجود در شهر مقدس نجف اشرف می باشد .

مرحوم آقا شیخ جعفر آل محبوبه نجفی در ماضی النجف وحاضرها (ص 136) در ضمن بیان شرح قنات آب احدائی بوسیله مرحوم سیدحجة الاسلام ثانی می نویسد :

در سال 1307 تگرگ شدیدی بارید که در اثر آن زراعتها از بین رفت و در اثر این بارندگی مجرای قنات خراب گردید و متصدیان امر در اصلاح آن اقدام نکردند و شهر مقدس نجف دیگر باره گرفتار کم آبی گردید.

این قنات تاکنون موجود است و آب شور در آن جریان دارد که بمصرف آبیاری در برخی از باغات نزدیک میرسد .

و بر روی این قنات غسالخانه موجود ساخته شده که آنهم از آثار مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی میباشد .

ج : تعمیرات مسجد سهله :

محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص 43 بکم) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی به تعمیرات در مسجد سهله بوسیله ایشان اشاره میفرماید .

بی مناسبت نیست برای آگاهی خوانندگان محترم و اطلاع از عظمت و اهمیت مسجد سهله چند جمله بطور اختصار از مآخذ معتبره نقل کنیم .

(اهمیت مسجد سهله) :

یکی از مساجد متبرکه و شریفه کوفه مسجد سهله است بزرگان محدثین در کتب خود در فضیلت این مسجد و نماز و دعای در آن

ص: 292

و اینکه بعد از مسجد بزرگ کوفه در این شهر هیچ مسجدی شریفتر از آن نیست روایات و احادیث زیادی نقل فرموده اند و مورخ محقق جلیل مرحوم سید حسین بن سید احمد حسنی براقی نجفی (1322 - 1391) در کتاب تاریخ الکوفه بسیاری از آنها را (ص) نقل نموده است همچنین محدث قمی در مفاتیح الجنان و علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگران در کتابهای خود بآن اشاره نموده اند.

سید حسون براقی) در تاریخ الکوفه بحذف اسناد می نویسد :

خصوصیات مسجد سهله:

1- مسجد سهله و در آن است خانه حضرت ادریس علیه السلام که خیاطی

مینموده است

2- در مسجد سهله خانه حضرت ابراهیم علیه السلام است که از آنجا به جنگ عمالقه رفت.

3- مسجد سهله جایگاه حضرت خضر علیه السلام است در احادیث انحضرت را (راکب) خوانده اند . اس دوران بارداری ساری 4 - از مسجد سهله حضرت داود به جنگ طالوت رفت .

و خداوند متعال هیچ پیغمبری را برسالت نفرستاده است مگر آنکه آن پیغمبر در این مسجد نماز خوانده .

- حضرت صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند : اگر عمویم زید در موقع خروج به این مسجد آمده بود و در آن نماز خوانده بود و از خداوند امان خواسته بود خداوند تبارک و تعالی و پرا بیست سال امان میداد .

- حضرت صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمودند : اگر من نزدیک شما بودم (یعنی در کوفه ساکن بودم) تمام نمازهایم را در این مسجد میخواندم .

(برای شرح حال سید حسون براقی به نقباء البشر صفحه 23ه دوم مراجعه شود .

ص: 293

- امام ششم علیه السلام فرمودند: ما این مسجد را: « مسجد البری »

می نامیم.

- در این مسجد سنگ سبزی است که بر آن صورت تمام انبیاء و اوصیاء علیهم السلام نقش بسته است . 10 - از زیر این سنگ گل و طینت همه پیغمبران گرفته شده است .

11 - حضرت صادق علیه السلام فرمودند: می بینم که قائم ما (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با عیال و فرزندان در این مسجد فرود آمدند . راوی پرسید که منزل حضرت مهدی علیه السلام در این مسجد است فرمودند: آری.

12- کسیکه در این مسجد ساکن باشد همچون کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ساکن باشد .

13- هیچ مؤمن و مؤمنه ای نیست مگر آنکه قلبش متوجه این مسجد است.

14- چون حضرت مهدی علیه السلام قیام کند بخاطر رضای خدا و پیغمبر و ما (از دشمنان ما) انتقام خواهد کشید . بازی

10- در هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه فرشتگان رحمت در این مسجد نزول کنند و به نماز و عبادت مشغول شوند.

19- کسی که در بین نماز مغرب و عشاء در این مسجد نماز بخواند و دعا کند خداوند متعال باو گشایش عنایت فرماید .

17- کسیکه در این مسجد (از روی حقیقت و اخلاص) نماز بخواند و بهر چه دلخواه اوست دعا کند خداوند تبارک و تعالی دعایش را مستجاب گرداند و در روز رستاخیز مقام او را بلند گرداند و بدرجه حضرت ادريس علیه السلام رساند و او را از ناراحتیهای دنیا و کید و مکر دشمنان در امان دارد.

18 جناب سید بن طاووس علیه الرحمه در مصباح الزائر فرموده که بهترین

وقت برای نماز و دعا در مسجد سهله فاصله بین مغرب و عشاء شب چهارشنبه است

19- در بین علماء و مقدسین نجف اشرف بتواتر رسیده و به تجربه رسیده است که :

هر کس چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله به نماز و عبادت پیتوته کند بزرگترین توفیقات حضرت حق جل وعلایعنی شرفیابی به محضر مقدس حضرت ولی الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نصیب وی گردد .

به کتاب نجم الثاقب تألیف محدث نوری و دار السلام تألیف آقاشیخ محمود میثمی عراقی و کتابهای دیگر در این موضوع مراجعه شود. اللهم أرنا الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة وعجل فی فرجه و ظهوره بحقه و بحق آبائه علیهم الصلوة والسلام.

د:

تعمیرات مدرسه با قره

یکی از مدارس دینی اصفهان که اساسی برای آن ظاهره مربوط به قبل از دوران صفویه بوده و احتمالاً- در انوقت تکیه و مقبره بوده است و در قرن دهم بصورت مدرسه در آمده است مدرسه باقریه یا مدرسه در کوشک (بمناسبت وقوع آن در محله در کوشک) می باشد این مدرسه گاهی مدرسه باب القصر وزمانی مدرسه پای شیر در کوشک نیز خوانده اند . بانی و مؤسس این مدرسه و شاید یکی از مدرسین بنام آنجا میرزا باقر نام داشته و بهمین مناسبت مدرسه بنام باقریه شهرت یافته است و احتمال اینکه میرزا باقر نامبرده همان بانی مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر معروف واقع در محله بیدآباد باشد بعلمی بعید بنظر میرسد .

این مدرسه دارای تزئیناتی از نوع کاشی معرق بوده(ص 308 گنجینه آثار تاریخی اصفهان) لکن در طول زمان از بین رفته است و در حال حاضر هیچگونه تزئیناتی و کاشیکاری ندارد تنها نشانه قدمت آن بقعه ای است در قسمت شمال غربی مدرسه در دالان سر چاه آب که ظاهراً قبر یکی از بزرگان قرن هشتم یا نهم بوده و فعلاً

ص: 295

قبر از بین رفته لکن داخل بقعه قسمتهائی از کاشیکاری هنوز موجود و نام صاحب قبر غیر معلوم است و در موقعیکه مقبره بصورت مدرسه در آمده است برای سر در آن کتیبه‌های تهیه کرده اند که متأسفانه از بین رفته و احتمالاً آنها را جهت تعمیرات برچیده اند و بعداً بجای خود گذاشته نشده است .

قدیمی ترین تاریخی که فعلاً از این مدرسه در دست می باشد مربوط به قرن یازدهم هجری و بشرح زیر می باشد :

۱- در کتابخانه فرهنگ اصفهان نسخه ای از کتاب کافی است بشماره () که آنرا علی مازندرانی در سال 1018 وقف بر کتابخانه مدرسه باقریه نموده و تولیت آنرا به آقا سید کاظم بن سید سلطان حسین حسینی واگذار نموده است . این موضوع میرساند که در قرن یازدهم مدرسه باقریه معمور و دارای کتابخانه بوده و احتمالاً مرحوم آقا سید کاظم حسینی متولی و یا مدرس مدرسه نامبرده بوده است کار در ساری

2- در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه ای از کتاب : اتولوجیا بشماره (1921) می باشد که کتابت آنرا محمد جعفر بن مختار مازندرانی در روز شنبه صفر 1088 در این مدرسه بپایان رسانیده است (ص 33 ه نهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) .

۳- همچنین در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه ای از کتاب : سفینه النجاة تألیف فاضل سراب موجود است که کتابت آنرا أبو الحسن بن میر یحیی سکری در روز چهارشنبه 29 ربیع الثانی سال 1103 در این مدرسه بپایان رسانیده است (ص 1091 ههم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه) ... 4- در کتابخانه مدرسه فیضیه قم مجموعه ای است بشماره (1107) که

عماد بن میر حیدر حسینی در شوال سال 1911 و یک شنبه 4 ذی حجه 1911 بخط نستعلیق دو مدرسه باب القصر نوشته است

این مجموعه شامل کتاب: 1- رساله در جفر 2- حاشیه بیرجندی بر شرح الملخص قاضی زاده رومی 3- تشریح الأفلاک تألیف شیخ بهائی 4- شرح بر شرح چغمینی می باشد (ص 61 بخش سوم جلد دوم).

- علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 130 دوم) و در شرح حال شیخ محمد صادق بن ابی الفتح اصفهانی می نویسد که وی کتاب مغنی اللیب را در سال 1309 در مدرسه باقریه نوشته است.

- علامه طهرانی در نقباء البشر (ص 379) در ضمن شرح حال مولی محمد حسین بن اسماعیل بسطامی گوید: مشار الیه در سال 1217 کتاب مبدأ و معاد تألیف آخوند ملا صدرا را در مدرسه باب القصر کتابت نموده است.

مدرسه در کوشک (باقریه) در زمان مرحوم حاج سید اسد الله احتیاج به تعمیراتی داشته که بوسیله ایشان کلیه تعمیرات لازمه به بهترین صورت انجام می شود و چون متولی منصوب (ظاهرة) نداشته بر حسب نظریه ایشان امور مربوط به مدرسه و نظارت در موقوفات و غیره به مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق رشتی واگذار میشود که تاکنون امور تولیت و نظارت در اعقاب آن مرحوم است.

در سالهاییکه از طرف حکومت بعنوان قانون اتحاد شکل لباس برای علماء و طلاب مشکلاتی ایجاد کرده بودند و از هر جهت مزاحم آنان بودند مدرسه از طلبه خالی شد و مدت چندین سال عده ای افغانی را که ظاهراً تبعیدی بودند در آنجا منزل داده بودند بعد از قضایای شهریور 1320 مدرسه مجدداً بتصرف وقف در آمده و اکنون بحمد الله طلبه نشین و جزو مدارس معمول می باشد.

در سالهای اخیر مدرسه احتیاج به تعمیرات اساسی و کلی داشت که بوسیله

دانشمند محترم حجة الاسلام آقای حاج میرزا محمد حسین رشتی نجل جلیل مرحوم حاج میرزا قوام الدین بن حاج میرزا عبد الرزاق رشتی متولی مدرسه به بهترین صورت انجام گردید

مرحوم حاج میر سید علی جناب در کتاب : الأصفهان می نویسد طول مدرسه دو متر و عرض آن 20 متر و دارای 18 حجره و تعداد طلبه آن در زمان تألیف کتاب 20 نفر بوده است .

(وقف کردن مسجد سید):

یکی از کارهای اساسی که بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردیده است وقف کردن مسجد سید می باشد .

چون ساختمان مسجد سید در زمان مرحوم حجة الاسلام به اتمام نرسیده بود (البته آنچه از ساختمان باقیمانده بود تزئینات و کاشیکاری بود و الاصول ساختمان تمام بوده است) آن مرحوم شخصا اقدام به وقف نمودن و اجرای صیغه وقف نگردید . پس از وفات ایشان و ریاست مرحوم حاج سید اسد الله این کار بوسیله ایشان انجام گرفت بدین کیفیت :

1- قسمت جنوبی مسجد (چهلستون وزیر گنبد) و شبستانها و مهتابیها و قسمت زیر گلدسته و ایران مقابل بقعه را بعنوان مسجد بودن وقف نمود .

(حسن سلیقه):

2- چون مسجد دارای درهای متعدد بود و مردم از آنها عبور و مرور مینمودند و ممکن بود بعضی از آنها دارای عذر شرعی باشند که عبور و یا توقف آنها در مسجد کراهت داشته و یا حرام باشد علیهذا راهروهای مسجد و صحن مسجد

غیر از مهتابیها) را وقف بر مسجد نمودند نه بعنوان مسجد بودن که احکام مسجد از جنبه طهارت و غیره در آن جاری باشد .

ص: 298

۳- از زمان مرحوم سید حجة الاسلام تا این اواخر در دالان مسجد (درب زنجیر) و فضای مقابل مقبره عده ای از بزازها دکان داشتند و روزها بکار و کسب مشغول بودند و هنگام شب اجناس خود را در قسمتی از آخر شبستان کوچک مسجد (بنام شله) می گذاردند این قسمت را نیز وقفه بر مسجد کردند و جزو مسجد نبود که احکام مسجد در آن جاری باشد .

{ . قسمتی از برف انداز جنوب شرقی مسجد جنب دالان دری که بسمت کوچه حمام دوقلی و کوچه مشایخ بید آباد باز میشود (دومین در مسجد) و قسمتی از داخل مسجد واقع در زاویه شمال غربی نیز جزو مسجد نبوده و وقف بر مسجد بود و در آنجاها قهوه خانه دار بود که تا سالهای اخیر این دو قهوه خانه با یک قهوه خانه دیگر واقع در زاویه شمال شرقی جنب در مقبره برقرار بود که از نار شرعی چون از زمان واقف اولیه دایر بوده هیچگونه اشکال شرعی نداشت لکن از نظر عرفی در این اواخر آنها را تعطیل کردند همچنانکه روزها در قبل ظهر در مسجد را بستند و حال آنکه در خانه خدا در تمام مواقع باید بروی بندگان خدا باز باشد

و در روی طاق شبستانها اطاقهایی جهت سکونت طلاب و دانشجویان ساختند که در این اواخر در برخی از آنها مکتب خانه دار بود و عده زیادی اطفال و جوانهای کم سن جهت تحصیل در نزد اساتید مجرب و آزموده مشغول تحصیل بودند .

در زمان حکومت سابق به عناوین مختلف طلبه ها را از حجرات اخراج نموده و مکتب خانه ها را تعطیل کرده و قهوه خانه ها را بستند و کسبه داخل مسجد و رواق مقابل مقبره را بیرون نمودند این عمل گر چه از نظر ظاهر کاری عوام پسند بود و عده ای از مردم نا آگاه آنرا کاری شایسته و حتی خدا پسند تعریف نمودند. منطق ابنان آن بود که بک عده بیکار در قهوه خانه جمع میشوند و حرف

دنیا میزنند اما اینها کسانی را که در گوشه و کنار مسجد و در چهلستون به نماز و دعا و زیارت و قراءت قرآن اشتغال داشتند را نمی دیدند . در مکتب خانه ها که قران و دعا و خواندن و نوشتن می آموختند را ملاحظه نمی کردند. درست است که در مسجد نباید حرف دنیا زد اما مثلی است معروف که : بخاطر یک بی نماز که در مسجد را نمی بندند . بهتر آنست که دنباله این سخن را رها کنیم و گرنه گفتنی بسیار است.

(فائده)

: موقوفه زینبیه اصفهان) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 329) در ضمن بیان امامزاده زینبیه منسوب به علیاجناب زینب دختر حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام واقع در ارزنان یک فرسنگی اصفهان از بلوک جی می نویسد :

این ایام سواد مرقومه ای از مرحوم آقای حاج میرزا حسن امام جمعه اصفهان مدفون در مقبره سر قبر آقا (متوفی در دوم محرم سال 1268) با امضای مرحوم آقای حاج سید اسد الله به بنده نمایانند که دو محل قلعه زینبی کر ارج و سوراچی را وقف بر بقعه بی بی زینب دانسته اند از اوایل عهد صفویه و بعد ..

نویسنده گوید : متأسفانه مرحوم انصاری در کتاب خود نوشته اند که این سواد مرقومه در نزد چه کسی بوده که بتوان به آن مراجعه نموده شاید اطلاعات ذی قیمتی از آن بدست آید. و آنچه از این مرقومه مستفاد میشود آنکه این مقبره در اوایل عهد صفویه بهمین نام و شهرت موجود بوده است و قدمت آن مسلم می شود.

ص: 300

(شورش مردم اصفهان)

۱ (و قیام آنان علیه دستگاه حکومت در سالهای 1265 - 1266)

یکی از پیش آمدهای مهم تاریخی در ابتدای سلطنت ناصر الدین شاه قاجار و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر موضوع شورش و قیام مردم غیور اصفهانست علیه دستگاه حکومت جبار و ستمگر قاجار

مؤلفین کتب تاریخ هر کدام آن را بگونه ای شرح کرده اند. لکن هیچکدام نخواستند و یا نتوانسته اند علت واقعی آنرا بیان کنند بدین جهت اصل موضوع با همه اهمیت آن تا کنون مجهول و تاریک مانده است. نویسندگان تاریخ در همه زمانها اگر مردمانی متملق و چاپلوس نبودند لاقلاً افرادی ترسو و محتاط و با

ظاهر بین بودند و آنان که در زمانهای بعد میخواستند در موضوعی بررسی کنند مأخذی جز همین نوشته های چاپلوسانه و یا محتاطانه نداشتند. یکی از آن موارد همین شورش اصفهانیانست که در تواریخ عهد قاجار به بخلایه می نویسنده :

مابین دو نفر از کارگردانان دستگاه حکومت بر سر مقام وزارت اصفهان

اختلاف شد این اختلاف موجب گردید که تقریباً مدت دو سال شهری به آتش و خون کشیده شد و جمعی کثیر از مردم بی گناه کشته و خانه ها خراب گردید سرانجام دو لتیان بر آنها غلبه کرده و آنان را از بین بردند .

آیا حقیقت قضایا همین بوده و بس یا در پس این پرده غم انگیز و محنتزا مطالب دیگری نیز بوده است که بر ما مجهول است خداوند تبارک و تعالی دانای بهمه امور است.

اینک با مراجعه به روضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ و تواریخ سه گانه مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری (1- اگهی شهان از کار جهان 2- تاریخ اصفهان 3- تاریخ اصفهان وری وهمه جهان) بشرح قضایا بطور اجمال میپردازیم .

مقدمه :

ما

با

محمد شاه در شب 3 شنبه ششم شوال المکرام سال 1266 مرد و سلطنت ایران به ناصر الدینشاه رسید در دو سه سال اول سلطنت او در بیشتر از شهرهای ایران اختلافات و شورشهایی بوقوع پیوست که موجب خونریزیها و کشت و کشتارها و غارتها و خرابیهای زیاد گردید . علت اصلی این جنگ و جدالها چند امر بود :

1- صدارت و وزارت چندین ساله حاج میرزا آقاسی و نارضایتی عموم طبقات مردم از شخص صدر اعظم و از تمام حکام دست نشانده او

2- ارادت و ایمان زائد از حد شخص محمد شاه به صدر اعظم و واگذار کردن کلیه امور مملکت بنظر به او .

3- استبداد رأی و عدم توجه صدر اعظم به شکایات مردم و رسیدگی نکردن به ظلم و بیداد حکام .

ص: 302

سے آشنا نبودن صدر اعلم برموز مملکت داری و خود خواهی و خود پسندی او .

و - داعیہ های برخی از شاهزادگان و رؤسای قبائل کہ بخیال واهی اندیشہ سلطنت در مغز خود میپروانیدند .

این فہرست برخی از این سوانح بدون رعایت ترتیب وقوع آنها :

- اختلاف درباریان در طهران و مخالفت با حاج میرزا آقاسی .

2- مخالفت سیف الملوک میرزا پسر ظل السلطان (علیشاہ بن فتح علیشاہ) در قزوین .

۳- شورش مردم بروجرد • 4 - شورش مردم کرمانشاہ . و اختلاف داخلی کردستان .

- شورش مردم شیراز و

کار ایران سانگ

7- جنگ و نزاع در کرمان . 8- آشفستگی شہر یزد و طغیان مردم آنجا 9- جنگ و خونریزیهای خراسان کہ تقریباً بمدت دو سال بطول انجامید . 10 -

ابتدای قضایای اصفہان در سال 1296 . را بہ فتنہ قرۃ العین . 12 - قضایای بروجرد و الوار ، 13 - شورش افواج دولتی علیہ میرزا تقی خان امیر کبیر . 14 -

قضایای مازندران و قلعه شیخ طبرسی در سال 19 01290 - قضایای زنجان در سال 1290 .

ص: 303

19 - قضایای تبریز و اختلاف بر سر موضوع تکفیر شیخ احمد احسانی در سال 1290.

17 - منتهای شورش و انقلاب مردم اصفهان در سال 1290 18 - یاغیگری خوانین بختیاری در سال 1290. 191 - فتنه و آشوب در بندر بوشهر در سالهای 1290 و 1291 - 20 - قضایای تبریز و سید یحیی دارابی در سال 1299

شرح این فتنه و آشوبها و جنگ و خونریزیها را سپهر در ناسخ التواریخ و هدایت در روضة الصفای ناصری و دیگران بطور تفصیل و اجمال در کتابهای خود نوشته اند طالبین بدان کتابها مراجعه نمایند .

واما

قضایای اصفهان

دو نفر از کارگردانان دستگاه حکومتی اصفهان در زمان حکومت محمدنبی خان بنامهای : سید عبدالوهاب گلستانه شهشهرانی پیشکار و میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمد علی شمس آبادی وزیر اصفهان هر کدام بر سر وزارت اصفهان با یکدیگر رقابت داشتند. سرانجام این رقابت به عداوت و دشمنی کشیده شد و هر یک از اندو در محلات خود به سنگر بندی و جمع آوری قشون و طرفدار پرداختند .

سید عبد الوهاب مسجد جامع را مرکز خود قرار داده و میرزا عبد الحسین محله شمس آباد را سنگر بندی نموده مردم شهر نیز از کلیه طبقات از عوام و خواص سه تاجر و کاسب - کشاورز و کارگر و حتی علماء و اعیان شهر بدو دسته تقسیم شدند نیمی بطرفداری گلستانه و نیم دیگر بهواخواهی شمس آبادی برخاستند اقا میر سید محمد امام جمعه از طرفداران سید عبد الوهاب و نوابان صفوی از اعیان و متنفذین اصفهان جزو باران میرزا عبدالحسین بودند . جنگ و جدال در شهر

ص: 304

شروع گردید مردم دهات نیز بطرفداری اندو بشهر آمدند. بازارها بسته شد و کارها تعطیل گشت و مقدمات فتنه و آشوب کلی از هر جهت مهیا گردید .

در سال 1290 حکومت اصفهان را به سلیمان خان معروف به خان خانان دانی ناصر الدینشاه واگذار کردند در زمان حکومت او کار اختلاف اندو نفر شدت یافت.

اولین اشتباه و توضیح:

اولین اشتباه :

خان خانان حاکم اصفهان جزو طرفداران میرزا عبد الحسین شمس آبادی بود و از او جانب داری میکرد و در مقابل آقا میر سید محمد امام جمعه مقتدر و متنفذ اصفهان نیز از سید عبد الوهاب طرفداری میکرد شاید علت موافقت حاکم با میرزا عبد الحسین علاوه بر کاردانی و کفایت شخص اور مخالفت با امام جمعه و شکستن قدرت او بوده است. این اولین اشتباه دستگاه حاکمه بود که نمی بایست خود موجب تشدید اختلاف و زیادتی ماده عناد و دشمنی گردد . با این کیفیت اختلاف نیشکار وزارت و وزیر به اختلاف ما بین حکمران اصفهان و امام جمعه تبدیل گردید . سلیمان خان در کلیه امور با میرزا عبد الحسین مشورت میکرد و او گرچه حکم وزارت نداشت لکن در تمام کارها دخالت مینمود .

(توضیح) : بعد از جنگ ایران و روس و فتوای تاریخی مرحوم آقا سید محمد مجاهد جهت جهاد با روسیه گرچه ظاهراً جنگ بضرر ایران تمام شد اما یک نکته بر دستگاه حکومت و خارجیان مسلم گردید و آن قدرت معنوی روحانیون و نفوذ آنان در بین مردم شیعه میباشد از این رو سیاست کلی آنان مبارزه با این قدرت و از بین بردن آن بود بهر صورت که ممکن شود . در زمان سلطنت فتح علیشاه این سیاست خیلی با احتیاط وزیر کی انجام میشد ولی پس از مرگ او

ص: 305

و روی کار آمدن محمد شاه و وزیر صوفی او این سیاست بشدت اجرا میشد . در عهد ناصر الدینشاه و وزیر تازه کار او میرزا تقی خان امیر همین روش به سخت ترین کیفیت مورد عمل قرار میگرفت و برای آن نمونه های زیادی در تاریخ سراغ داریم .

(خطای دیگر) :

وقتی خبر مخالفت دو نویسنده و دبیر دستگاه حکومتی اصفهان و دسته بندی کردن آنها بطهران رسید جهت رسیدگی باین کار چراغعلی

خان کرمانشاهی مأمور رسیدگی و رفع اختلاف میشود بدینگونه که : سید عبد الوهاب را در مقام وزارت ثابت نموده و میرزا عبد الحسین را بطهران ببرد لکن چون وی باصفهان می آید روی مصالحی بر عکس عمل نموده و می گوید که :

مأمورم سید عبدالوهاب را بطهران برده و میرزا عبد الحسین را در مقام خود مستقل گردانم و بدین ترتیب ظاهراً فتنه آرام میشود و بازارهای بسته باز میگردد و بقول هدایت در روضة الصفا (ص 490 دهم) اجماع عام بتفرقه تبدیل می یابد و اهالی بلوکات بمواطن خود باز می گردند و میرزا عبد الوهاب با چراغعلی خان بطهران روانه شده در آنجا ساکن می شود . د

نتیجه این تدبیر مخالفت با امام جمعه طرفدار گلستانه و تقویت سلیمان خان حاکم مخالف امام جمعه بود .

حکومت یافتن سپهدار

بعد از این جریان خان خانان بطهران احضار شده و بجای او غلامحسین خان فرزند یوسف خان سپهدار مأمور حکمرانی اصفهان می شود . وی در غره ماه رمضان المبارک سال 1396 وار اصفهان گردید، مردم اصفهان عموماً و کارمندان دستگاه حکومتی بخصوص با سپهدار مخالف بودند امام جمعه نیز طرفدار مردم و مخالف

ص: 306

حاکم بود میرزا عبدالحسین همچنان در مقام وزارت باقی بود و در کارها دخالت میکرد . میکرد.

اختلاف ما بین گلستانه و شمس آبادی ظاهراً خاتمه یافته بود و طرفدارانشان پراکنده شده بودند لکن ماده و اساسی اختلاف همچنان برقرار بود و شهر اصفهان همچون مخزن باروتی بود که احتیاج به کوچکترین جرقه ای داشت تا یک پارچه محترف شده و آتش گرفته و خشک و تر را یکجا بسوزاند .

اولین جرقه

در یکی از روزهای جمعه از ماه شوال سال 1299 که مرحوم آقا میر سید محمد ابراهیم امام جمعه مانند همیشه برای ادای نماز بسمت مسجد شاه میرفت نوکرهای ایشان در وسط میدان مشاهده می کنند که سربازی خلع بزنی آویخته و تصدیر بودن او نموده که او را بداخل اطاق خود بکشاند (در آن ایام سربازان در اطراف میدان نقش جهان با میدان شاه منزل داشتند) در روضه الصفاى ناصری (ص 490 جلد دهم) می نویسد

یکی از سربازان با زنی ملاعبه و مطایبه بی سابقه و لاحقہ خواسته ووی فحاشی کرد . نوکران آقای امام جمعه که وضع را اینگونه مشاهده می کنند سرباز را مانع گردیده و دفع شر او می کنند و زن را از دست وی نجات میدهند . گفتگو و کشمکش مابین نوکران آقای امام و سربازان شروع میشود مردم بکمک نوکران آقای امام جمعه و سربازان دیگر بیاری سرباز متجاوز می شتابند و زد و خورد شروع میشود .

پس از آنکه آقای امام جمعه نماز جمعه و عصر الداء می کنند و قصد مراجعت داشتند در موقع عبور از میدان شاه سربازان نسبت به ایشان اهانت و توهین نموده

ص: 307

و حتی بسوی وی سنگ می اندازد آقای امام جمعه مستقیماً به مسجد جمعه رفته و در اطاق روی حوض (کلاه فرنگی) می نشینند و مردم شهر از جریان آگهی یافته در مسجد و اطراف اجتماع می کنند و تقاضای مجازات سریع سر باز متجاوز و سربازان توهین کننده را از حاکم شهر یعنی سپهدار می کنند .

غلامحسین خان سپهدار (که همه جا در روضه الصفا ویرا به کثیر الاقتدار یا با اقتدار می ستایند) محمد حسین خان خلیج نایب الحکومه اصفهان را جهت عذر خواهی به مسجد جمعه نزد آقای امام جمعه میفرستد .

سه تن از توابعان صفوی آقایان احمد میرزا و حیدر میرزا و میرزا محمد علی پسران اسحق میرزا خلیفه سلطانی که هر یک صاحب داعیه ای بودند و ظاهر آخیالاتی در سر می پروراندند و با حکومت اختلاف نظر داشتند و اینک جزو مردم در اطراف امام جمعه حاضر بودند وقت را مغتتم شمرده نایب الحکومه را از اطاق مزبور گرفته در حوض آب انداخته و یکی از طرفدارانشان با قمه ویرا چندین زخم زده که در اثر آن همان روز یا فردای آن روز وی میمیرد .

سپهدار با میرزا عبدالحسین وزیر خود برای غائله مشورت می کند و چون خاطر او را متوجه شورشیان و اعیان شهر درک می کند قصد گرفتن و زندانی کردنش را می نماید ولی بلطائف الحیل خود را نجات داده و از جان خود میترسید و به مسجد سید پناه میبرد و در آنجا در ظل حمایت مرحوم آقا میرزا زین العابدین فرزند ارشد مرحوم سید حجة الاسلام در خانه خدا بست می نشیند . باران و اطرافیانش نیز جمعی متفرق گشته و عده ای باو پیوسته و هر روز جمعیت بسیار در اثر ظلم و تعدی بمال و جان و ناموس مردم از طرف حکومت سپهدار زیاد می شود که در بین آنها عده ای از علما و بزرگان و اعیان و تجار و محترمین شهر (و بقول دو لیبان اشرار) و همچنین نوابعان صفوی نیز بوده اند .

طرز برخورد امام جمعه با شورشیان

مرحوم آقا میر سید محمد امام جمعه که اصل قضیه و ابتدای کار ظاهرا بنخاطر اهانتی بود که بمقام ایشان شده بود و همچنین کشته شدن محمد حسین خان خلیج نایب الحکومه اصفهان در حضور ایشان انجام یافته بود به عاقبت کارها اندیشید و صلاح کار خود را در کنار بودن از معرکه دانست از اینرو شورشیان را به مسجد سید هدایت مینود (و آنها را از شورش و پلوامنع نمیکرد) و بدین کیفیت خود را از غوغا دور گردانید بنابراین قسمت عمده بست نشستن میرزا عبدالحسین شمس آبادی و نوابان احمد آبادی و دیگران به اشاره و راهنمایی امام جمعه انجام گردیده است .

اولین خطای سپهدار

غلامحسین خان سپهدار چون از بست نشینی میرزا عبدالحسین و نوابان واعیان و بزرگان شهر در مسجد سید آگهی یافت از روی غرور ریاست و کم تجربگی بفکر شکستن بست مسجد سید و گرفتن بستیان بوسیله قوه قهریه می افتد و شروع به اقداماتی در این زمینه می کند از آنطرف نیز حامیان و وابستگان آنها نیز از اهل شهر و دهات مجاور با وسائل دفاعی در گرداگرد مسجد سید اجتماع نموده و بحفظ و حراست اینان میپردازند و بدینوسیله سپهدار نه تنها کاری نمیتواند انجام دهد بلکه ماده فتنه و آشوب را غلیظ تر کرده و بلوای عام برپا میشود .

مسافرت مرحوم حاج سید اسدالله به عتبات

مرحوم حاج سید اسدالله که در زهد و تقوی و اعراض از دنیا و مردم آن ریاضتها

کشیده بودیمقاماتی معنوی و روحانی نائل گردیده بودنمیخواست در این جریانات یعنی اختلاف دسته ای از مردم با دو لیتیان شرکت داشته باشد و خود را آلوده اینگونه کارها نماید علیهذا بقصد زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام از اصفهان خارج گردید تا از این جریانات برکنار بماند . .

برگشت دادن مرحوم حاج سید اسدالله

چون مرحوم حاج سید اسدالله به گلپایگان رسید مأمورین دولتی که از اصفهان و طهران آمده بودند ایشان را ملاقات نموده و با اصرار تمام از ایشان خواهش کردند که برای رفع غائله و برای جلوگیری از بزرگتر شدن فتنه و آشوب و حفظ جان و مال مسلمین باصفهان مراجعت نمایند و از قدرت و نفوذ خود در بین مردم استفاده کرده فتنه بیدار گشته را بخوابانند و هر چه در باره اصفهان و اصفهانیان و شورشیان نظر بدهند دولت بدون چون و چرا بپذیرد و اجراء نماید . مرحوم سید بزرگوار نیز بامید اصلاح کار مسلمانها و جلوگیری از قتل نفوس و غارت اموال و حفظ نوامیس مردم به اصفهان مراجعت فرمودند .

بی سیاستی سپهدار

غلامحسین خان سپهدار حاکم نالایق اصفهان پس از این ماجرا بخیال خام خود خواست قدرت نمائی کرده و ضرب شستی به شورشیان نشان دهد برخلاف عهده و میثاقیکه با مرحوم حاج سید اسد الله در گلپایگان دولتیان بستند عده ای از سربازان را مأمور کرد که به محله احمد آباد محله سکونت آقایان نواب صفوی رفته و پس از غارت کردن خانه های نوابان انجا را خراب کنند و آنان نیز چنین

کردند .

ص: 310

. این عمل ناشیانه و خارج از عقل و تدبیر سپهدار موجب گردید که همه اصفهانیان تعصب کنند و به حمایت از نوابان برخیزند .

عکس العمل و خطای سپهدار:

عکس العمل مردم

روضه الصفای ناصری (ص 411 دهم) پس از شرح خراب کردن و غارت خانه ی مردم احمد آبادونو ابان بوسیله سربازان مأمور از طرف سپهدار می نویسد:

و زرد: دوله بیدآباد با تفنگچی و استعداد تمام حرکت کردند و به اطراف میدان شاه امن دین - الاماره سپهدار را محاصره کردند و با سر بازر تفنگچی دولتی چندین روز جنگ می نمودند و عده زیادی از طرفین کشته شدند.

خطای دیگر در پی دارد

غلامحسین سپهدار حاکم محور اصفهان برای نجات خود از این مهلکه عده ای را مأمور کرد که به محله شمس آباد رفته و خانه میرزا عبدالحسین را غارت نموده و بعد خراب کرده و آتش بزنند .

مأمورین سپهدار مطابق دستور او به محله شمس آباد هجوم آورده و خانه های میرزا عبدالحسین و همسایگانش را غارت نموده و بعداً خراب کرده و سوختند و باین کیفیت در محله از محلات شهر بامر سپهدار حاکم اصفهان خراب و غارت گردید و سرمایه مادی و خانه و کاشانه عده زیادی از بین رفته بی خانمان شدند و این هم در اثر بی سیاسی شخص حاکم و اطرافیان غیر صالح او بود .

عکس العمل میرزا عبدالحسین:

چون خبر این تجاوز در مسجد سید به میرزا عبدالحسین رسید عده اید ا مأمور

ص: 311

کرد که از راهی دیگر و از کوچه ها از پشت سر به مامورین دولتی حمله کردند و عده زیادی از سربازان و فرماندهانشان را بدترین وضع کشتند عده مقتولین در این حمله را از سر باز و غیره حدود یکهزار نفر می نویسند و خدا داناست که از مردم شهر و اطراف و حامیان میرزا عبدالحسین و نوایان چقدر کشته شده اند و معلوم نیست که از اموال مردم بیچاره و غیره چقدر بغارت رفته و یا سوخته شده است همانگونه که بارها گفته شد همه این خسارات جانی و مالی که مردم این شهر و دولتیان وارد شده است در اثر سوء تدبیر حکومت خود سرو مستبد سپهدار بوده است تا آقای مهدی بامداد چگونه قضاوت کند.

رسید کمک به قوای دولتی

نمیدانم سپهدار حکمران اصفهان اوضاع این شهر و علل شورش مردم را چگونه گزارش کرده است در هر صورت از طهران به حکام ولایات اطراف اصفهان که هر گونه که ممکن باشد به حاکم اصفهان کمک کنند و شورش را بهر نحو و کیفیت که ممکن شود بخوابانند .

سیل سر باز و کمک از طرف ولایات بسوی اصفهان روان میشود و با این وضع دولتیان پیروز میشوند وزعمای شورش و انقلاب هر یک بگوشه ای فرار می کنند و مردم دیگر در شهر باقی می مانند نوایان بقم رفتند و میرزا عبدالحسین بسوی نطنز و قمصر گریخته در منزل یکی از آشنایان خود مخفی میشود .

نظر خواهی از علماء اصفهان

سپهر در ناسخ التواریخ (ص 104 سوم قاجاریه) می نویسد: در اول انقلاب اصفهان سپهدار جمعی از علمای اصفهان از آنجمله آقایان

ص: 312

حاج سید اسد الله وانا میر سید محمد امام جمعه و اقا محمد مهدی کلباسی را در منزل خود دعوت کرده و از ایشان خواست که در باره اعمال مردم اظهار نظر کنند آنان نیز طبق دلخواه او حکم کرده و امضاء کردند .

نویسنده گوید : در این جملات ابهامات چندی وجود دارد که مهمتر از همه دلخواه حاکم است که چه بوده ؟ اگر نظم شهر و آرامش آن منظور بوده است که مسلماً مورد تأیید همگان از علماء و غیر بوده و اگر قصاص قاتلین نایب الحکومه است که آنهم مطابق حکم شرع مطهر خواسته ای مشروع است و اگر تقاضای دیگری بوده است آن دلخواه و خواسته چه بوده است . علماء اسلام در تمام ادوار نظرشان قرآن کریم و اجرای احکام آن بوده و میباشد و آیه کریمه در الفتنة اشد من القتل « را نصب العین خود قرار داده اطفاء نائره نفاق که بین دو نفر کارگزار دولت بالنتیجه به مردم یک شهر سرایت کرده را مورد توجه و عنایت قرار داده اند و نمیخواستند برای خاطر دو نفر عده زیادی کشته و خاندانهائی بر باد رود

کار را برای ارسباران

بیانات امام جمعه

در روز اربعین که ظاهراً مصادف با جمعه و مراسم نماز جمعه در مسجد شاه بود و چندین روز از جنگ و کشتار بین مردم و قوای دولتی که نویسندگان در باری قاجار به مردم شهر و علماء و تجار و کسبه و محترمین را اشرار می نویسند و این خود یکی از قوانین کلی است که همیشه دولتها مخالفین خود را هر کس و از هر طبقه و دسته و در هر مقام باشد و مخالفت آنان به عنوان و دلیل باشد را اشرار می خوانند و در کتابهای روضة الصفای ناصری و ناسخ التواریخ مکرر نوشته است (اعیان اصفهان و اشرار در روز اربعین آقای امام جمعه منبر رفته و در ضمن سخنان خود که

ص: 313

مردم را به آرامش دعوت و از مخالفت با دولت بر حذر داشت گفت :

هر کس پیرو این اشرار باشد در دنیا عرصه شمشیر آبدار و در عنبی ساکن درار البوار نخواهد

اما آیا آقای امام جمعه به سپهدار هم راجع به مدارا کردن با مردم و کمتر مزاحمت نمودن و فرمان کشت و کشتار و غارت نمودن و آتش زدن خانه های مردم ستمدیده موعظتی فرموده اند یا خیر چیزی ننوشته اند .

شفاعت کردن آقا محمد مهدی کلباسی

سپهر در ناسخ التواریخ (ص 106 سوم قاجاریه) دنباله مطالب فوق می نویسد : پس از چندین ماه جنگ و جدال و کشته شدن عده زیادی از طرفین سرکردگان شورش بنزد آقا محمد مهدی کلباسی رفته و از او خواستند که در این کار میانجیگری نموده کار را خاتمه دهد. ایشان در ابتدا فرمودند :

این نیز از خدعه های شماسست که مرا نیز در این کار وارد کرده و آلوده سازید سرانجام در اثر اصرار آنان حاضر شدند که نزد سپهدار رفته و بهرگونه

که شده کار را تمام کنند . احمد میرزا نواب و میرزا عبدالحسین نزد مرحوم حاج سید اسد الله رفته و ایشان را نیز در جلسه حاضر کردند .

تقاضای وساطت

پس از آنکه قوای دولتی بر شورشیان غالب شدند و رؤسای شورش هر یک بگوشه ای فرار کرده و مخفی گشتند سپهدار و مأمورین دولتی در صدد اذیت و آزار مردم که هر یک بنوعی در این جریان شرکت داشتند و با منهم بشرکت داشتن بودند بر آمدند (یعنی بازار را بسته بودند و به بست نشینان کمک نموده

ص: 314

بودند و آنها را گرفته و با حبس و زجر و مصادره اموال و حتی تجاوز به أعراض و نوامیس آنان تشفی خاطر می جستند مردم بجان آمدند و بمرگ راضی بودند.

بزرگان شهر و اعیان و محترمین وعده ای از علماء و رهبران شورش بنزد مرحوم حاج سید اسد الله رفته و با اصرار و الجاج از ایشان تقاضا کردند که واسطه بین مردم و دستگاه و دولت شده عرایض اصفهانیان را بگوش اولیاء دولت در طهران برسانند و از مقصرین حتی المقدور شفاعت کنند. شاید دو لثیان بیاس مقام والای ایشان توجهی کرده غائله بطور آبرومندانه فیصله یابد .

قرار داد متارکه

پس از چندین جلسه که بین علماء اعلام و سپهدار و مأمورین دولتی منعقد گردید و بالاخره قرار بر این شد که :

سران مخالفین سپهدار باتفاق مرحوم حاج سید اسد الله در مدت پنج روز از تاریخ امضاء قرار داد بطهران رفته و در آنجا مطالب خود را با اولیاء دولت حضوراً مطرح نمایند و هر چه را که اولیای امور در پای تخت در این مورد نظر دهند مورد قبول طرفین بوده و اجرا کنند .

نفاق کردن سپهدار

سپهدار حاکم منافق و دوروی اصفهان که باطن در صدد گرفتار کردن مخالفین خود و کشتن آنان بود و در شهر قدرت بر گرفتن آنان نداشت ظاهراً از روی تفاق با این قرار داد موافقت کرد و باطنه قصد او آن بود که آنها را از طرفداران و یارانشان جدا ساخته سپس یکایک آنها را به چنگ آورده و بکشد و اموالشان آنچه باقی مانده است را ضبط کند.

پیام سپهدار به شورشیان و مردم اصفهان

پس از این قرار داد سپهدار بوسیله آقا محمد مهدی و حاج کیکاووس میرزا به میرزا عبد الحسین و یارانش پیغام فرستاد که اگر راست می گوئید و بر سر عهد و پیمان خود هستید ، مردم اطراف خودرا پراکنده کرده و در مدت پنج روز مهلت مقرر با تفاق آقا سید اسد الله رهسپار طهران شوید.

اینان به عهد و پیمان خود عمل کردند و در خدمت مرحوم حاج سید اسد الله با جمعی از علماء و سادات و طلاب و عده ای از محترمین شهر و تجار بسمت طهران حرکت نمودند.

از شورشیان میرزا محمد علی خان به منزل مرحوم امام جمعه پناهنده شد و میرزا مرتضی شخصاً نزد سپهدار رفته و طلب عفو و پوزش کرد .

نام برخی از علماء مهاجر

را در ساری

مرحوم حاج سید اسد الله که از ابتدای کار مخالف بود و در تمام موارد از روی اکراه و اضطراب و اجبار برای حفظ جان و مال و ناموس مسلمین که خون آنان هدر نرود با شورشیان همراهی میکرد این دفعه نیز با عده ای از علماء این شهر مانند :

آقا میرزا زین العابدین برادر خود .

آقا میرزا ابوالفضل معروف به آقا جان فرزند آقا میرزا زین العابدین برادر زاده خود .

حکیم و فیلسوف میرزا حسن نوری فرزند حکیم بزرگوار آخوند ملا علی

ص: 316

عالم فاضل آقا میرزا محمد نواب لاهیجی اصفهانی (با تفاق فرزندش آقا میرزا محمد باقر که او نیز از علماء محسوب بوده است)

میرزا امین و سی نفر از علماء و فضلاء و طلبه و سادات جهت شفاعت و بیان تقاضای مردم اصفهان به‌مراه جمعیت رهسپار طهران شدند.

حاجی میرزا محمد نواب لاهیجی

یکی از علماء بزرگوار اصفهان که چنانکه مقام والای اوست تا کنون شناخته نشده است مرحوم حاج میرزا محمد نواب لاهیجی فرزند حکیم و فقیه و مفسر بزرگوار مرحوم آقا میرزا محمد باقر نواب لاهیجی اصفهانی طهرانی است مرحوم نواب لاهیجی مؤلف تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه در 3 شعبان 1298 وفات یافته است (ص 97 سیزدهم فهرست کتابخانه مجلسی) و فرزند پسر منحصر او مرحوم حاج میرزا محمد بوده است (ص 1223 چهارم مکارم

(الاثار)

مرحوم حاج میرزا محمد در نزد پدر و علماء اصفهان تلمذ نموده و احتمالاً پدرم مرحوم سید حجة الاسلام حاضر میشده و در مسجد ذوالفقار امامت مینوده و مورد احترام و وثوق عموم طبقات بالاخص مقدسین و علماء بوده و در سفر طهران با مرحوم حاج سید اسد الله همفسر و همراه بوده است و ظاهراً پس از این سفر در اثر رنج و زحمتهائیکه از مأمورین دولت دیده بیمار و رنجور گشته و در همان سالها یعنی حدود سال 1299 وفات یافته در لسان الارض در جنب اطایکه قبر جناب یوشع از پیغمبران بنی اسرائیل در آنست در اطایه مدفون گردید و بر قبر او سنگ مرمری نصب کرده بودند. که چهار سطر شعر بر آن منقور بود (متأسفانه اخیراً کلیه این آثار و حتی قبر جناب یوشع نبی را خراب کردند و فعلاً مانند قبور قبرستان بقیع فقط چند قطعه سنگ و کلوخ بجای آنها مییاشد « فاعتبروا یا

ص: 317

کتاب زیر از آثار مرحوم حاج میرزا محمد نوای لاهیجی اصفهانی است که در مجموعه ای به شماره (182) در کتابخانه ملی طهران موجود است .

- المغازلات 2- لغز 3- الحکمة الیمانی فی شرح الفصل الثانی در کلام و تصوف 4- اسرار القلوب فی اوصاف المحبوب در تفسیر 5- شرح الفصل فی

حقیقة عالم الوصل در عرفان 1- تفسیر آیه : و بشر الذین آمنوا و عملوا الصالحات سه کتاب اخیر را بنام حاج میرزا آقاسی در سالهای 1209 و 1293 تألیف نموده است (ص 202 بیست و دوم الذریعه)

(فائده) لسان الأرض : حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (ص 40) در وجه تسمیه لسان الأرض پس از ذکر سند روایت گوید :
حماد بن سلمه در تفسیر قول خداوند عزوجل که به آسمانها و زمین خطاب فرمود:

« اتتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعين » گوید زمین اصفهان این جواب را داد و اصفهان دهان و زبان دنیا می باشد (وزمین لسان الارض موفق بعرض جواب گردید و این افتخار برای همیشه نصیبه شهر اصفهان و در نتیجه مردم این سامان گردید).

حضرت یوشع

- وهم در آن کتاست که (ص 39) مار بین را یوشع بن نون بنا کرده است و این بدان جهت است که وی در گرد شهرها می گشت به اصفهان وارد شده و به موضوع مار بین در آمد و آنجا را بدان علت مار بین گویند که همچون مار دیده میشود از زمین اطراف بلندتر است به یوشع گفته شد که مار بین یعنی به زمین های اطراف نگاه کن بدین جهت آنجا را ماربین خواندند. (در کتب قدما از اینگونه وجه تسمیه های افسانه مانند و خرافی زیاد دیده میشود)

جلوگیری کردن سپهدار از مرحوم حاج سید اسد الله و همراهان

موقعیکه سپهدار یقین حاصل کرد که رؤساء نهضت از شهر خارج شده اند و حامیان آنها نیز متفرق گشته اند عده ای از اراذل و اوباش دولتی و جمعی از لشکریان ترک ولر و فارس را بسر کردگی کیکاووس میرزا جهت جلوگیری از مسافرت بزرگان و علماء و سادات اصفهان بالاخص مرحوم حاج سید اسد الله و گرفتار کردن عده ای از سرکردگان انقلاب به دنبال آنها میفرستد .

مقصود اصلی از این عمل سپهدار علاوه بر گرفتار ساختن مخالفین خود و کشتن آنان ظاهر آن بود که آقایان علماء بطهران تروند و حقایق امور را بمتصدیان و کارگردانان دولت و شخص شاه جوان کم تجربه و وزیر نگویند و او همچنان بر سر کار خود بود به ظلم و ستم و تعدی و اجحاف و دیگر مظالم خود ادامه دهد و کسیرا قدرت بر مخالفت با او نباشد.

برخورد دولتیان با مهاجرین

قشون دولتی و اشرار بر یاست کیکاووس میرزا به تعجیل از اصفهان با وسائل و تجهیزات کاملی حرکت نموده در منزل مورچه خورت به مهاجرین که آسوده و مطمئن خوابیده بودند میرسند و آنان را محاصره کرده و بدانها با توپ و تفنگ حمله می کنند .

رؤساء شورش و آنها که قدرت بر فرار داشتند بهر کیفیت بود خود را از مهلکه بدر برده و فرار می کنند و آقایان علماء و اعزه و سادات و محترمین و تجار که از یک طرف قدرت و وسیله فرار نداشتند و از سوی دیگر خویشان را مقصر نمیدانستند که موجبی و سبی برای فرار آنها باشد باقی ماندند و گرفتار آن قوم

از خدا بی خبر شدند .

بیان مؤلف روضة الصفا

رضاقلی خان هدایت در کتاب روضة الصفاى ناصرى (ص 492 دهم) پس از شرحی که راجع به قسرار مسافرت مخالفین سپهدار بطهران و همراهی جناب حاج سید اسد الله بملاحظه صلاح مسلمین و رفع غائله می نویسد گوید :

مهاجرین به مورچه خورت رسیدند و بیار میدند علی الصباح به اشارت سپهدار جماعتی از افواج خلیج و سدر بندی و پانصد سوار مشکین و خلخالی و عراده چند توپ در خدمت نواب شاهزاده حاج کیکاوم میرزا که در آن ایام در اصفهان بودند بر سر مهاجرین رسیدند بعضی فرار اختیار کردند جماعتی که مصلح خیر اندیش و اهل دستار و طیلسان بودند تسلیم شدند ایشان را بر داشته به اصفهان آوردند .

بیان سپهر در ناسخ التواریخ

ارسال

مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ (ص 103 تا 100 سوم قاجاریه) شرح قضایای شورش مردم اصفهان را مفصلتر بیان کرده و جریان کشت و کشتار و جنگ و نزاع مردم شهر و قوای دولتی را در ماههای محرم و صفر سال 1299 می نویسد.

در باره مسافرت مرحوم حاج سید اسد الله و جلوگیری کردن مأمورین سپهدار بطور خلاصه می نویسد :

الشکریان به اسر و تهب مشغول شدند و بسیار کس از اشرار (قبلا گفتیم که مخالف سپهدار هر که بوده از عالم و تاجر و کاسب و زارع و غیره بزعم دولتیان جزو اشرار است) را دستگیر ساخته در بند ورنجیر کشیدند .

ص: 320

کیکاوس میرزا در میانه از غایت غضب (بلکه از نهایت خبث باطن و بی دیانتی و رذالت ذاتی بعقیده نویسنده سطور) رعایت ادب نکرده و از اقا سید اسد الله اسب و سلب خاص را بگرفت و او را رنجیده خاطر ساخت (این نویسنده و مورخ متملق در باری دیگر ننوشته است چه اذیت و آزاری بدان سید بزرگوار و ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد آورده است. ای کاش این شاهزاده رعایت مقام شخصی مرحوم حاج سید اسد الله را نمیکرد اقلاً رعایت سیادت ایشانرا مینمود) و پسر برادرش را زحمت فراوان کرد و دست بگردن بر بست و سر و روی میرزا محمد حسن را با چوب و سیلی در هم شکست و استر سواری و بند و آغروی او را مضبوط ساخت بر جمله برعارف و عامی رحم نیاورد (مگر قشون عبید الله بن زیاد در کربلا با خاندان و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جز این رفتار کردند - نویسنده) و استرحام و استغانت هیچ کس را نشنود پس اموال منهوبه و غارت شده و احمل داده و بستگان را با کند و زنجیر بشهر در آوردند (ناسخ التواریخ ص 108 سوم قاجاریه). در این بار در ساری

بیان مرحوم انصاری

مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 293) و دیگر تألیفاتش (آگهی شهبان از کار جهان) داستان شورش مردم اصفهان و جریانات آنرا آگاهی نقل نموده سپس از قول مرحوم حاج سید اسد الله می نویسد که ایشان فرموده بودند؛

آنجا (یعنی مورچه خورت) کربلای من بود .

ص: 321

پس از آنکه قوای دولتی علماء و تجار و بزرگان و بقول نویسندگان درباری آن زمان اشرار را اسیر کرده و اموالشان را غارت کردند و آنان را با کند و زنجیر بسته گونیا به جنگ کفار رفته و عده ای از متجاوزین به سرحدات مملکت اسلامی را اسیر گرفته اند با کمال خفت و ذلت و خواری بشهر وارد کرده و بنزد حاکم بردند.

سپهدار عده زیادی از این مردم در بندکشیده را حکم به حبس و زندان نمود و جمعی را فرمان قتل داد اما از ترس آنکه مبادا خبر بی احترامی شاهزاده بیدین نسبت بعموم علماء بالاخص مرحوم حاج سید اسد الله گوشزد مردم اصفهان و بویژه ساکنین بید آباد و محلات مجاور که از جان و دل دوستدار و هوا خواه آن مرحوم بودند برسد و باین مناسبت شورشى از نو ایجاد گردد بر حسب ظاهر به فرمانده اشرار دولتی یعنی کیکاوس میرزا خطاب کرده و گفت :

کارداران دولت در کسر حشمت علماء خاصه اقا سید اسد الله هرگز فرمان نکنند و این جسارت که از شما رفته است نیکو نیفتاده و حکم داد که بندو آغروک علماء را که غارت کرده بودند بحضرت ایشان مسترد سازند و عذر این جسارت و جنایت بازجویند .

رفتار اولیای دولت با کیکاوس میرزا مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 293) پس از شرح این قضایا

می نویسد :

پس از این واقعه کیکاوس میرزا را در طهران چوب زیاد زدند و حقوقش را قطع کردند و مقام مرحوم سید نزد شاه بسیار بلند شد. اما مرحوم انصاری

ص: 322

نمی نویسد که چوب خوردن شاهزاده بدستور چه کسی بوده است آیا بدستور شخص شاه بوده یا به امر امیر کبیر در هر حال :

نظر نویسنده سطور در این مورد آنست که : با توجه به موقعیت زمان و شخصیت کیکاوس میرزا بسیار بعید بلکه ظاهراً محال بنظر میرسد که او را چوب زده باشند لکن قطع حقوق او موقتا ممکن است واقع شده باشد زیرا ناصر الدینشاه پادشاه جوان و کم تجربه و مقهور دست امیر کبیر و مهد علیا با داشتن مخالفین از خاندان خود راضی نمی شد که عموی او که مخالفت با او نمی کند باین مناسبت موردشکنجه و آزار قرار گیرد و شخص امیر کبیر نیز ذاتا مخالف قدرت هر صاحب قدرتی در مملکت بود بخصوص قدرت علماء که میخواست بهر گونه ممکن باشد از نفوذ و قدرت آن بکاهد و از دخالتشان در امور اجتماعی سخت ممانعت میکرد و او می گفت آنها منحصرأ به کار روحانیت خود پردازند و کارهای سیاسی و اجتماعی را به دولتیان واگذارند . (این همان دسته بیگانگان بود که بوسیله او در شرف انجام بود.

عاقبت کار شورشیان

پس از این جریان و فرار رؤسای نهضت و شورش هر یک بگوشه و کناری:

پسر حسین خان خلیج نایب الحکومه مقتول اصفهان در صحن مقدس قم نواب احمد میرزا را بضررب گلوله کشت

میرزا عبد الحسین پس از دو ماه در بدری بالاخره گرفتار شده و در اصفهان

کشته شد.

دیگران نیز هر کدام بنوعی گرفتار شدند مطالبین به ناسخ التواریخ و دیگر کتب مراجعه نمایند .

ص: 323

کیکاوس میرزا بیست و هشتمین پسر فتح علیشاه از شاه پسند خانم است (ص 321 و 333 یکم ناسخ التواریخ قاجاریه) وی برادر کیقبا و میرزا و کیخسرو میرزا می باشد و در روز جمعه هیجدهم شوال سال 1222 متولد شده و در موسیقی هنری بسزا داشته است . . . در تاریخ عضدی (ص ۰) می نویسد : آغا باخی دختر ابراهیم خان شیشه ای یکی از قرفان محترم فتح علیشاه اولاد نداشت و در اواخر عمر ساکن قم گردید . کیکاوس میرزا مرضع خانم را برسم پسری و دختری باو دادند و دختر فرخی بیک شاهسون ساریخان بیکلو خواهر زاده آغا باخی را نیز برسم زنی به او دادند (ص 27 تاریخ عضدی)

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص جلد) شرح حال او را بطور اختصار نوشته و گوید سالها حکومت قم با او بود.

مهاجرت حاج سید اسد الله به عتبات

پس از این قضایا مرحوم حاج سید اسد الله به اعتاب مقدسه مهاجرت فرموده و ظاهراً مدت دو یا سه سال در نجف اشرف مجاورت اختیار نموده و بعدا باصرار مردم اصفهان بخصوص علماء این سامان به اصفهان مراجعت کرده است .

تألیف برخی از مجلدات شرح شرایع در سال 1297 در شهر نجف اشرف در جوار مرقد منور مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده است .

مهاجرت آقا میرزا محمد حسن نوری

مرحوم آقا میرزا حسن نوری پس از این جریان دیگر در اصفهان باقی نمانده

و به طهران مهاجرت کرده و در آنجا در مدرسه خان مری تدریس میکرده است

در المآثر والاثار (ص 200 ستون اول) می نویسد :

میرزا حسن اصفهانی خلف وافر الشرف ملا علی نوری طیب الله تعالی تربته از فحول جامعین بین المنقول والمعقول بود در صدارت عظمی میرزا آقا خان از اصفهان بطهران آمد و تشریفات فوق الوصف بدید

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 362) می فرماید :!

از شاگردان پدر خود و ظاهرا در کربلا از شاگردان آقا سید ابراهیم قزوینی بوده و به امر این استاد نام فرزند خود رابعبدالحسین نهاده و بر برخی از کتب حکمت و معقول حواشی دارد .

بان نویسنده با ارتباطی که بین پدر آنجناب و مرحومین حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی بوده احتمال شاگردی مشار الیه نزد آندو بسیار است موضوع قابل تحقیق و بررسی است و این موضوع احتمالی بیش نمیباشد .

حواشی او بر شرح : الهدایة الأثیر به از آخوند ملا صدرا بچاب رسیده است (ص 138 ششم الذریعة) در سال تألیف المآثر والاثار (1309) وفات یافته بوده است .

مسافرت ناصر الدین شاه به اصفهان

پس از آنکه شورش اصفهان پایان رسید و سرکردگان هر یک بنوعی گرفتار شده و کشته شدند بطوریکه در المآثر والاثار (ص 133) می نویسد :

ناصرالدین شاه در غره رجب سال 1297 به سمت اصفهان حرکت نموده و تا ذی الحجه همین سال در اصفهان میبود

(فائده) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 101 پاورقی) در ضمن

ص: 325

در عراق صفحه از آهن ساختند که گلوله بدان اثر نمیکرد (ضد گلوله) مطلع قصیده: قدم زروی ادب نه در این خجسته مقام

که جایگاه کرم است و قبله گاه انسام جمعة نوزده بیت . 4 - دو ماده تاریخ از کفاش شاعر اصفهانی مطلع اول (هشت سطر) دلا بخلد برین خواهی ار گذاری گام

قدم گذار بدرگاه حجة الاسلام مطلع دوم (هشت سطر): ولا قدم چو گذاری در بن بلند مقام

بکن سلام نخستین به حجة الاسلام اشعار فوق در طرف شمال و جنوب گوشواره غربی بخط نستعلیق طلانی رنگ بر زمینه سفید گچ بری شده است .

علی المشهور کتیبه ها بخط مرحوم حاج سید اسد الله میباشد .

و - در بالای در ورودی مقبره (در داخل مقبره) پنجره زیبایی نصب گردیده است و در بالای آن بخط نستعلیق جمله: أنا مدینة العلم وعلی بابها 1272 هجری قمری گچبری شده و در زیر آن جمله :

با امام حسین ادراکنی درگاه تو قبله گاه جان است محراب زمین و آسمانست نوشته شده است . توضیح: از دو تاریخی که در مقبره دیده میشود معلوم می گردد که گچ

بری و تزئینات داخلی بقعه مرحوم حجة الاسلام در سال 1272 هجری قمری در زمان تولیت و ریاست مرحوم سید اسد الله انجام گردیده است .

۵ . تکمیل بنای مسجد سید

یکی از کارهای اساسی که بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله در مسجد سید انجام گردید تکمیل ساختمان و تزئینات مسجد می باشد و آنها عبارتست از :

الف - تزئینات داخلی مقبره مرحوم سید حجة الاسلام علیه الرحمة والرضوان . ب - کاشیکاری داخل گنبد جنوبی

الف : این شرح اجمالی بقعه مرحوم سید حجة الاسلام

1- کتیبه داخل بقعه بخط ثلث بر جسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی آیاتی از قرآن مجید است : بعد از قال الله تعالی آیات 29 تا 49 سوره ص گچ بری شده و در آخر آن سال 1272 هجری نوشته شده است .

2- کتیبه قسمت فوقانی سه گوشواره (سه غرفه) شرقی و غربی و جنوبی بخط ثلث بر جسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی عبارات زیر گچ بری شده

بنی عربی ورسول مدنی و اخیه اسد الله مسمی بعلی و بزهرآء بتول و بأم ولدتها و بسبطیه و شبیلههما نجل زکی و بسجاد و بالباقر و الصادق حقاً و بموسی و علی و تقی و بنی العسکر و الحجة القائم بالحق الذی بضرب بالسيف بحکم ازلی و علیهم صلواتی و سلامی مائة ألفا بلیال و نهار و غدو و عشی

۳- اشعار فارسی (قصیده هما شیرازی به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی

ب: کتیبه‌های داخلی گنبد جنوبی:

چون اساسی و شالوده مسجد سید بدست توانای مرحوم سید حجة الاسلام بنا نهاده شد و پس از گذشت تقریباً پانزده سال ساختمان آن به اتمام رسید اقدام به کاشیکاری و تزیینات آن فرمود.

در این زمان خطاط معروف اصفهال مرحوم آقا محمد باقر شریف شیرازی که او را گاهی اقا محمد باقر سموری نیز گفته‌اند (احتمال تعدد نیز می‌رود و نیاز به تحقیق بیشتری دارد) شهرت و عنوان داشت. مرحوم سید حجة الاسلام نوشتن کتیبه‌ها را باور جوع فرمودند.

تاریخ کتیبه‌ها و نوشته‌های موجود در مسجد سید از سال 1269 (کتیبه سنگاب واقع در رواق بقعه سید حجة الاسلام) شروع گردیده و تا سال 1377 (کتیبه سردرب زنجیر در اصلی مسجد سید) ادامه می‌یابد و ظاهراً کتیبه‌هایی که بخط محمد باقر شیرازی (یا شریف شیرازی) است گرچه عموماً تاریخ آن مربوط به زمان حیات مرحوم سید حجة الاسلام می‌باشد (1200 و 1209) لکن نصبه آن مربوط به زمان مرحوم حاج سید اسدالله می‌باشد.

لکن کتیبه داخل گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره (الجمعه) و به جمله: کنبه محمد باقر الشیرازی 1288 ختم میشود در زمان مرحوم سید ثانی تهیه و نصب گردیده است. (ص 799 گنجینه آثار تاریخی اصفهان).

برای آگاهی بیشتر از وضع بنا و تاریخ کتیبه‌ها و همچنین خطاطین و نویسندگان آن طالبین به کتاب نفیس: گنجینه آثار تاریخی اصفهان مراجعه فرمایند.

عبادت و زهد مرحوم حاج سید اسدالله

هر کجا نامی از مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی برده شده است و یسرا بعابد زاهد ستوده اند بلکه او را اعبد و ازهد و اتقی خوانده اند .

در فصوص العلماء (ص 122) می نویسد :

در اخلاق و تقاوت و فقاہت و زہادت و عبادت اوحد اہل عصر ... و عادت موروثہ از اسلاف و اشراف و اباء و اجدادش اینکہ ہر شب از نصف شب تا صبح در امکانہ خالیہ فارغہ بدعاء و مناجات و گریہ و عبادت اشتغال دارد و در ابکاہ از خوف حضرت قہار ما نندی برای او نیست .

کرامتی از حجة الاسلام ثانی

در کتاب گنجینہ دانشمندان (ص

172 پنجم) می نویسد :

ص: 329

از بعضی از دانشمندان موثق شنیدم در هنگامیکه مرحوم حاج سید اسدالله نجف مشرف بودند شب چهارشنبه (یا شب جمعه) مردم جهت دعا و عبادت در مسجد سهله بودند در این موقع شبها از ترس سارقین و اشرار و حیوانات درب مسجد را می بستند وقت صبح که خادم جهت باز کردن در مسجد می رود مشاهده می کند که شیر نر گرسنه ای پشت در خوابیده است جرأت باز کردن در را نمی کند با مردم روی بام مسجد رفته فریاد و غوغا برمی آورند که شیر تحت تاثیر صداها واقع شده و برود لکن او همچنان خوابیده بود در این هنگام متوجه میشوند که شخصی عبار کشیده از جانب مسجد کوفه بسمت مسجد سهله می آید مردم فریاد می کنند: الحذر الحذر سبع سبع، نیا نیا حیوان درنده این جاست او همچنان بی اعتنا بسمت مسجد سهله می آمده و هرچه فریاد اینان بیشتر می شود او ابدأ اعتناء نمی کند.

شخص عبا بر سر کشیده به درب مسجد میرسد و گوشهای شیر را گرفته و می گوید (تلح) ای شیر دور شو مردم مشاهده می کنند که آن حیوان برخاسته و با کمال ادب و سرعت از مسجد دور میشود. مردم تعجب می کنند که آیا این آقای محترم کیست آیا حضرت بقية الله الاعظم امام زمان علیه السلام می باشند یا... در مسجد را باز می کنند و مشاهده می کنند که او مرحوم حاج سید اسد الله می باشد اعتقاد آنان نسبت به ایشان زیادتر میشود. (نقل از گنجینه دانشمندان با اندکی تغییر).

دانشمند فرزانه حجة الاسلام حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی مؤلف کتاب: مهدی منتظر را بشناسید و غیره از قول پدر بزرگوار خود مرحوم عالم جلیل زاهد اقا شیخ محمد باقر بن حسینعلی طهرانی اصفهانی مؤلف: فوز الاکبر مطبوع متوفای شب جمعه 20 ذی القعدة سال 1371 مدفون در اطاق تکیه کازرونی

در تخت فولاد این کرامت را از قول مرحوم آقا نجفی (حاج شیخ محمد تقی) نقل نمودند که ظاهراً مرحوم آقا نجفی جزو حاضرین در مسجد بوده

کرامتی دیگر از حاج سید اسدالله : مرحوم آقا شیخ محمود عراقی مؤلف کتاب دار السلام (1308

1260) در کتاب نامبرده در فصل سوم در ذکر کسانیکه در بیداری موفق زیارت حضرت بقیة الله الاعظم امام العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده اند (ص 313 چاپ کتابفروشی اسلامیة) حکایت دهم شخص فلاح یزدی رانوشته در آنجا بخلاصه گوید :

حاج ملا-باقر بهبهانی مؤلف کتاب : الدمعة الساکبه در کنار نهر هندیه باغی احداث نموده بود و آنرا صاحبیه (منتسب به حضرت صاحب الزمان علیه السلام) نامیده بود . در اواخر کار بعلت مخارج زیاد و عیالمندی و ضعف کسبه (شغل او کتابفروشی و محل آن در زاویه صحن مطهر علوی بوده) مدیون و پریشان حال شده بود تا وقتی در نجف اشرف مشهور شد که حضرت امام زمان علیه السلام خریدار باغ صاحبیه ملکی و احدائی حاج ملا باقر شده است و پس از مدتی شهرت یافت که آنحضرت بوسیله حاج سید اسدالله رشتی اصفهانی قرضهای حاج ملا باقر را اداء فرموده است.

مرحوم عراقی سپس شرح جریان را از قول خود حاج ملا باقر مفصلاً بیان فرموده به خلاصه اینکه :

جهت رفع گرفتاری و قرض و پریشانی به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متوسل شدم و راه نجات را از ایشان خواستم . در یکی از روزها هنگام صبح پیر مرد باغیان یزدی که مردی صالح بوده و در باغ صاحبیه کار میکرد

ص: 331

در مسجد سهله در صف وسط مسجد نشسته و مشغول ترتیب ودعا خواندن بوده که شخص محترم و بزرگواری را می بیند که به او میفرماید :

حاج ملا باقر این باغ را نمیفروشد ؟ گفتم تمام باغ رانه ولی چون مقروض است بعضی از آنرا شاید بفروشد .

فرمود : تو نصف این باغ را از طرف او بمن به مبلغ یکصد تومان بفروش و پول آنرا بگیرد و به او برسان .

گفتم : من در این مورد از او اجازه ور کالت ندارم.

فرمود : بفروش و پولش را بگیر اگر قبول نکرد و اجازه نداد پولش را پس بیاور .

گفتم : در این باب احتیاج به سند و شاهد دارد و تا آنکه خود او نباشد ممکن نیست .

فرمود: میان من و او سند و شاهد لازم نیست . هر قدر که آن شخص اصرار فرمود من قبول نکردم .

فرمود : من پول را بتو میدهم ببر و تورادر معامله وکیل خود می کنم اگر فروخت از برای من خریداری کن و پولش را بده و اگر قبول نکرد پول را

L

بیاور .

پیر مرد یزدی باغبان می گوید : با خود اندیشیدم پول مردم را گرفتن و بردن هزار نوع زحمت و درد سر دارد قبول نکردم و به او گفتم که :

من تمام روزها صبح برای نماز این محل هستم از او میپرسم و جواب آنرا بتو میرسانم چون این بشنید بر خاسته و از مسجد بیرون رفت .

حاج ملا باقر می گوید چون پیر مرد باغبان این جریان را گفت باو گفتم چرا نفروختی و تو که خود میدانی من به تنهایی از عهده مخارج این باغ بر نمی آیم و علاوه بر آن مقروض نیز هستم از این گذشته امروز تمام این باغ را کسی باین

ص: 332

باغبان گفت که من اذن نداشتم و نمی توانستم بدون اجازه مالک باغ آنرا معامله کنم ، اکنون که به این معامله راضی هستی چون وعده کرده ام که فردا جواب باو بدهم شاید فردا بیاید حاجی ملا باقر باو می گوید بهر طور شده است معامله را انجام بده .

فردا صبح از آن شخص بزرگوار خبری نشد حاجی بهبهانی به باغبان می گوید هر طور شده است او را در نجف و یا کوفه و باغات اطراف پیدا کرده و معامله را انجام میدهد. هر چه میپرسد و از هر کس سؤال می کند آن شخص را با آن نشانها ندیده و نمی شناختند . حاجی مایوس و متحیر می شود .

پس از مدتی در یکی از شبها که حاجی بابت قروض خود و پریشانی حال و گرفتاری و عیالمندی و ترس از رسوائی می اندیشیده بخواب میرود در عالم رؤیا شرفیاب محضر مقدس منور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف گردیده انحضرت میفرماید : در ایران در ساری

حاج ملا باقر پول باغ در نزد حاج سید اسدالله میباشد برو از او بگیر این بفرمود من از خواب بیدار شدم و بسیار خوشحال و مسرور بودم لکن پس از اندکی تأمل با خود اندیشیدم که : شاید این خواب بقیه خیال اول شب بوده است که « النوم بقیة الخیال » و شاید اظهار آن به سید موجب بدخیالی او در باره من شود و تصور کنند که من بدروغ می گوید و میخواهم بدین وسیله چیزی از او بگیرم.

در هر حال با خود گفتم که : سید مرد بزرگی است و مرا هم می شناسد و میداند که اهل اینگونه حرفها نیستم و بیان خواب نیز اگر نفع نداشته باشد ضرر هم نخواهد داشت ضمن دروغ هم نگفته ام که عند الله مؤاخذ باشم .

مسیح بعد از اداء نماز صبح که عازم رفتن بصحن مطهر و حجره کتابفروشی

بودم چون بدرخانه سید که در مسیر من بود رسیدم توقف کرده و اهسته حلقه در را حرکت دادم بلافاصله صدای سید از بالاخانه بلند شد که : حاج ملا باقر هستی توقف کن که آمدم . چون مرا با اسم صدا زد با خود گفتم شاید مرا از دور که می آمده ام دیده است . سید فوراً از پله ها پائین آمد با شب کلاه و لباس خلوت در را گشوده و کیسه پولی بدست من نهاد و گفت کسی نداند و در را بست و رفت بدون آنکه دیگر سخنی بگوید چون بیاوردم و شماره کردم یکصد تومان بود و تا زمانیکه سید حیات داشت من این واقعه را بکسی نگفتم . لکن مردم از تقسیم آن پول در بین المباران و بعضی قرائن دیگر از آن قضیه فی الجمله آگاه شدند و مختلف برای هم نقل میکردند .

کرامتی دیگر از مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی :

مرحوم آقا شیخ محمود عراقی در دار السلام (ص 319) پس از نقل قضیه ملا محمد باقر دهدشتی می نویسد :

مؤلف گوید : در زمان حیات حاج سید اسد الله با او معاشرت و امیزش نداشتم تا آنکه آب فرات را به نجف آورد ... در مسافرت به عتبات در بین راه وفات یافته در باب قبله صحن مطهر مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری دفن نمودند . حقیر در موقع تشرف جهت شیخ که استادم بود و در وقت برگشتن جهت ایشان بخاطر حق تشریب فاتحه می خواندم وقتی چنین اتفاق افتاد که در امر معاش شدتی عارض شد و کلیه راههای تدبیر مسدود. شبی در وقت خروج از صحن مطهر که نوبت فاتحه برای سید بودم متذکر شدم که کفایت این امر را از سید بخواهم و با خود گفتم اگر کفایت ننمود دیگر فاتحه نباید خواند .

اول شب بود که این فکر را نمودم در همان شب در عالم رویا چنین بنظم رسید که شخصی آمد و پولی بمن داد و گفت این را سید جهت شما فرستاده

است، پس از بیداری شخصی آمد و مبلغی پول بقدر حاجت بمن داد و دانسته شد از خواب خودم و سؤال از او که این پول را آن بزرگوار حواله فرموده است. پس حسن ظن من نسبت با بشان زیاد شد و تا در نجف اشرف بودم قرائت فاتحه را ترک نمودم

کرامت دیگری را نقل نمود واعظ خبیر بصیر آقای حاج اقا رضا مظاهری فرزند عالم جلیل زاهد متقی مرحوم آخوند ملا محمد حسین مظاهری کرونی که سفری به عتبات مشرف شدم و بهمراه من یکی از آشنایان بود که بدون تذکره و از راه قاچاق می آمد و آنکس که مأمور آوردن او بود دیر کرده بود و از این حیث بسیار نگران بودم. در حین تشریف به محض ورود به صحن مطهر مقابل قبرسید ثانی ایستاده فاتحه خواندم و عرض حاجت کرده و او را وسیله استجابت دعای خود قرار دادم و ضمن گفتم: اگر این شخص بهمین زودی نباید دیگر برای شما فاتحه نخواهم خواند.

در موقع خروج از حرم مطهر به یکی از آشنایان برخورد کرده و اظهار نگرانی نمودم او گفت همین جا در جنب صحن مطهر خانه ای است که زوار قاچاق را به آنجا وارد می کنند بیا برویم آنجا سراغ بگیریم. با همدیگر به آنان خانه رفته اتفاقاً رفیق اصفهانی خود را که چندین روز بود منتظر او بودیم مشاهده نمودیم که تازه وارد شده بوده بسیار خوشحال شده با تفاق او بیرون آمده و اعتقاد نسبت به مرحوم حاج سید اسدالله خیلی زیادتر از آنچه بود گردید رحمة الله علیه وعلی جمیع علمائنا العاملین.

اشعار در مدح و ستایش

مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی

عده ای از شعراء و گویندگان اصفهان و عراق بعربی و فارسی قصایدی در ستایش

ص: 335

انجناب سروده اند که از آنجمله است :

مرحوم هما شیرازی اصفهانی. در نعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مدیحه حاج سید اسدالله بیدآبادی (نقل از دیوان اشعار هما) :

پرده بر افتد گر از جمال محمد ص خیره شود عقل در جلال محمد ص ما از خورشید نورگیر دو خورشید ، کسب کند نور از جمال محمد ص مقصد واجب زافرینش امکان غیر محمد نبود و آل محمد ص

پس از ده سطر : کی بود آنجا که ذو الجلال ثنا گفت مدح هما در خور جلال محمد ص عقل فروغیست از جمال محمد ص عرش مثالست از جلال محمد ص نورمه از مه طلب نسیم گل از گل زال محمد بجو خصال محمد ص اول عنوان قلم که لسوح بیاد است نام محمد نوشت و آل محمد ص جز ببدن نیست اتصال روان راب جز بعلی نیست اتصال محمد ص گرچه بصورت دو اند لیک بمعنی هست جمال علی جمال محمد ص بود بهر وقت دهر مقام و بهر جا وصف علی بهترین مقال محمد ص در کف حیدر سپرد خاتم دولت چون زجهان آمد انتقال محمد ص همچو هما خواهی ار مراد دو عالم مدح محمد بگوی و آل محمد ص می نشود گلشن وجود تو خرم تا نکنی مدح نو نهال محمد ص حجة الاسلام و شمع دین اسد الله آنکه از او تازه شد خصال محمد ص

این قصیده جمعة 24 بیت است . باز در قصیده دیگری دنباله مدح و مرثیه مرحوم سید حجة الاسلام گوید : هما بیار بشکرانه مطلع دیگر

که یافت بار دگر زیب و خرمی ایام

ص: 336

ژ بعد حجة الاسلام باره اسلام :ا

گرفت از اسد الله ثانی استحکام بلی زماه منور جهان شود روشن

چو افتاب کند رخ نهران پبرده شام پناه دین اسدالله ثانی آنکه دهد

ز بعد عقل نخستین به نه سپهر نظام فرید در کم و کیف و نجوم و حکمت و نحو .

: و حید در همه فن اصول و فقه و کلام بگرد خرمن فضلش کز و ست حاصل دهر

در خوشه چین شب و روزند جاحظ و نظام به حکم و همت و تقوی و مردمی و هنر . .

. جز او قرین پدر کس نشد ز نسل کرام اگر فرین پدر شد بهر صفت نه عجب ساری

فان شبل الأسد کالاسد بای مقام عجب مدار که دلهای مرده زنده شود

که زنده شد بجهان باز حجة اگر بخواهی سلمان بینی و بوذر

بعلم و تقوی او را ببین در این ایام اگر بصورت و معنی پسر بود چو پدر

هم او بود که بمعنی و صور تست زدل زدايدانده بتن فزاید جان

کفش بگاه عطا و لبش بوقت کلام

ص: 337

زبازوی کرم او گرفت نام سخا

از نیروی قلم او افزود شرع نظام بقوت اسد اللهی و عنایت حق

شکست چون اسد الله شوکت اصنام بخلق و خلق جز او کس نشد ترین پدر

تبارک الله از این خلق و خلق وعز و مقام زمام بخت چو یزدان نهاد در کف او

نهاد در کف او بختی سپهر زمام سزد که دمر ببالد از این خجسته پسر

که نام نیک پدر زنده کرد در ایام زبهد صادر اول که بود عقل نخست

چو مصدر آمده اصل کلام تم کلام چو نظم بافت زاحکام او شریعت و دین

ولا یزال علی الدهر نافذ الأحکام (تذکر) : در کتاب : آتشکده اردستان (ص) اشعاری از گفته های یموت شاعر زواره ای در باره مرحوم سید ثانی نقل می

کند که قابل نوشتن و یاد آوری نمی باشد و این تذکر بخاطر آنست که بدانیم : لکل موسی فرعون .

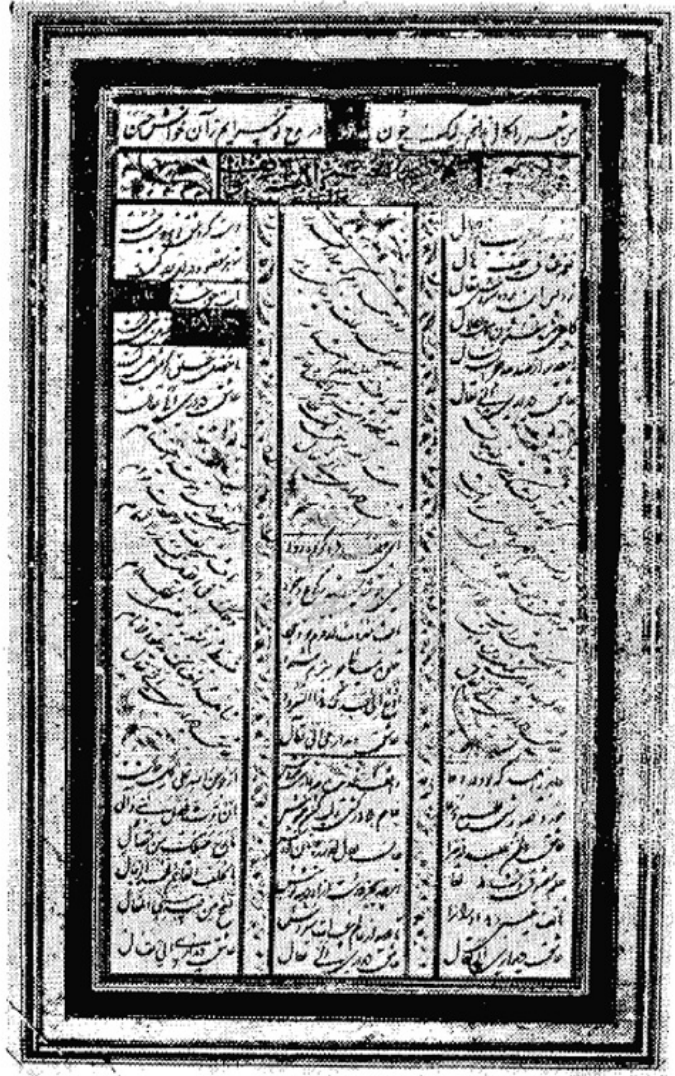
۱

مرحوم حاج سید اسد الله و شعر

بطوریکه در برخی از کتب در ضمن بیان شرح حال مرحوم سید ثانی نوشته اند وی شعر میگفته و در سرودن آن قدرتی داشته است (ص 139 المآثر

والاثر) لکن تاکنون نمونه ای از اشعار انجناب بنظر نویسنده به طور نرسیده است .

ص: 338



مرحوم حاج سید اسدالله جامع فضائل صوری و معنوی بوده و از جمله مزایای او حسن خط است که حقا باید و در یکی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری در اصفهان دانست. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 839 سوم) در باره او می نویسد:

در علم و عمل وزهد و تقوی و فطانت و کیاست و شهرت و ریاست بدرجه اعلی رسیده چندانکه در بعضی مراتب و مقامات از پدر بزرگوار در گذشته و نظم شعر و حسن خط مزید بر مزایا و معالی او گشته ...

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 280 پاورقی) می نویسد: مرحوم سید در حسن خط هم مرتبه اعلی را دارا بود.

بطوریکه معروفست کتیبه داخلی در بقعه مرحوم سید حجة الاسلام بخط ثلث برجسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی نوشته شده و بعد از جمله قال الله تعالی آیه 29 تا 46 سوره مبارکه (ص) گچ بری گردیده و تاریخ آن 1272 می باشد خط مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی می باشد.

همچنین دوازده امام منظوم (بنی عربی و رسول مدنی ..) که آنهم بخط ثلث برجسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی و در قسمت فوقانی سه گوشوار، شرقی و غربی و جنوبی بقعه می باشد بخط مبارک مرحوم حاج سید اسدالله میباشد.

برخی اشعار قصیده هما را که بخط نستعلیق در اطراف بقعه کتیبه شده است را نیز از آثار آن مرحوم می دانند

مقبولیت عامه

أَنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (قران مجید

ص: 340

سوره مریم آیه (99) .

عن النبی صلی الله علیه واله وسلم : ما اقبل عبد بقلبه الی الله الا اقبل الله بقلوب المؤمنین الیه حتی یرزقه مودتهم ورحمتهم ومحبتهم .

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند : هیچ بندهای بالب خود متوجه خدای تبارک و تعالی نشد جز آنکه خداوند عزوجل قلوب مؤمنین را متوجه او گردانید تا دوستی و رحمت و عطف آنان را روزی وی گرداند .

مفسرین بزرگراز در تفسیر آیه فوق از قول بزرگان دین چندین قول نقل نموده اند از آنجمله :

1- ایه در شأن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است (بروایت شیعه و سنی) .

2- آیه درباره حضرت امیر المؤمنین و استجاب دعاى انحضرت است که پیغمبر اکرم به او دستور فرموده بودند (بروایت شیعه و سنی) . 3- خداوند هر کس که مؤمن و نیکو کار باشد را دوست دارد .

4- تمام مردم مؤمنین و نیکوکاران را دوست دارند حتی مردم کافر و فاسق نیز نیکوکاران را دوست دارند .

د خداوند مؤمنین را دوست یکدیگر قرار دارد تا بتوانند به کمک و معاونت و معاضدت یکدیگر بر مشکلات فائق شوند .

- ایه مربوط به روز رستاخیز است که در آن روز همه مؤمنین و اهل ایمان با یکدیگر دوست و یکدل باشند و تفسیرهای دیگری (علی بن ابراهیم ابو الفتوح - مجمع البیان - مخزن العرفان - منهج الصادقین - المیزان) .

اما معنی ظاهری آیه شریفه :

کسانی که ایمان آوردند و کار نیک انجام دادند زود باشند که خداوند رحمن برای آنان دوستانی قرار دهد بنابر این هر کس مؤمن بود و کار نیک انجام داد خداوند محبت او را در قلوب مؤمنین قرار می‌دهد که همه او را دوست دارند.

علامه طباطبائی در المیزان (ص 173 بیست و هفتم ترجمه) در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید :

در این آیه شریفه وعده جمیلی از ناحیه خدایتعالی آمده که بزودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند مودتی در دلها قرار می‌دهد .

دیگر مقید نکرده بکدام دلها ، آیا دلهای خودشان یا دلهای دیگران ؟ آیا در دنیا و یا در آخرت و بهشت؟

یکی از مصادیق این آیه شریفه مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی می‌باشد.

وی چون حقاً عابد و زاهد و متقی و خداجوی و نیکوکار بود مردم نیز او را از جان و دل دوست میداشتند و بخصوص پس از فضا‌های مورچه خورت و اعمال غیر انسانی و خلاف شرع و قانون عرف کیکاوس میرزا عزت و احترام آن مرحوم در نزد عموم طبقات بیشتر شده و حتی دولتیان و شاه نیز از ارادتمندان او شدند و کلیه مسبین آن واقعه هریک به بلیهای گرفتار و مایه عبرت مردم روزگار کشتند فاعتبروا با اولی الابصار .

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص 33 جلد سوم) در ضمن بیان شرح حال آن بزرگوار می‌نویسد :

احترامش راهمه کس ملحوظ داشتند جز کیکاوس میرزا قاجار که در مورچه خورت اندکی بی ادبی کرده و بزودی قهر الهی بچوب شاهنشاهی ادب شده (انتهی)

عموم طبق اب مردم اصفهان بخصوص علماء و بزرگان اولاً بخاطر شخصیت علمی و زهد و تقوی او و ثانیاً بعلت حقوقیکه از مرحوم سید حجة الاسلام بر ذمه

آنان بود و پرا بیش از حد احترام میکردند . همه برادران و برادر زادگان و بنی اعمام ایشان ویرا بعنوان بزرگ خاندان انتخاب نموده و بطوریکه شهرت دارد حتی اقا میرزا زین العابدین و اقا میرزا ابوالقاسم که هر دو از نظر سن از ایشان بزرگتر بودند در برابر ایشان می ایستادند و تا اجازه نمیفرمود نمی نشستند .

امامت جماعت

مرحوم حاج سید اسد الله صبح ها در مسجد سیدامامت میفرمود و ظاهر نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را برادران دیگر ایشان اقامه مینمودند.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 33 سوم) در ضمن شرح حال ایشان می نویسد :

در نماز صبحش در اول فجر (اقامه) میشد از محلات دور و دهات نزدیک شهر اجتماع مأمومین فضای مسجد سید را فرا گرفته .

(شرح یک نماز جماعت) :

نقل نمود واعظ بصیر و محادث خبیر مرحوم آقا شیخ محمد رضا حسام الواعظین (1389 - 1301) فرزند مرحوم واعظ معروف حاج میرزا محمد علی بن ملا اسماعیل بن جعفر بن حسن اصفهانی در بالای منبر در مسجد سید از قول پدرش که ایشان گفته بود؛

در یکی از شبهای زمستان که چندین شب متوالی برف باریده بود و هوا بشدت سرد بود بقصد شرکت در نماز جماعت مرحوم حاج سید اسد الله که در اول طلوع فجر اقامه میفرمود از محله پاقلعه حرکت کردم (باید توجه داشت که در آن سالها وضع کوچه ها از نظر گل و لای و یخبندان و برف چه حالتی داشته و مسلمانهای آن زمان برای درک فیض نماز جماعت چه همتی داشته اند که یک ساعت قبل از طلوع فجر از محله پاقلعه حرکت کنند تا بتوانند در اول وقت در مسجد سید

ص: 343

حاضر باشند فطوبی لهم ثم طوبی لهم وحسن مأب) و با خود می اندیشیدم که امشب با این سردی هو او برف و یخبندان مسجد سید خلوت است و من میتوانم جای مناسبی برای اقتداء پیدا کنم . حدود یک ساعت به اذان حرکت کردم نزدیک به اذن به مسجد رسیدم وقتی وارد شبستان بزرگ مسجد سید شدم مشاهده نمودم که جمعیت نماز گزاران تمام شبستان را پر کرده و جای خالی وجود ندارد بالاخره نزدیک درب آخر شبستان جایی پیدا کرده و بقیض نماز جماعت رسیدم.

این موضوع را چندین نفر دیگر نیز از پیر مردان که با خود در اوائل جوانی با پدرانشان به مسجد رفته بودند و یا از آنان شنیده بودند نقل کردند و بحد توأتر رسیده و از موضوعهای قطعی و یقینی است و در صحت آن شکی نیست .

مقایسه دو عان مقایسه دو زمان

از زمان فوت مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی تا هنگام نوشتن و پاکتویس این سطور یکصد و چهارده سال می گذرد. در آن موقع وضع مردم و مساجد چنین بود که شرح آن داده شد لکن در زمان حاضر در موقع صبح در بیشتر مساجد اقامه نماز جماعت نمیشود و در مساجدی که نماز جماعت منعقد میگردد عموماً تعداد مأمومین انگشت شمار است مگر تعداد بسیار کمی از مساجد .

(تذکر) :

تا زمان حیات مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی نواده مرحوم حاج سید اسدالله این سنت سنیه یعنی اقامه نماز جماعت در اول اذان صبح در مسجد ادامه داشت لکن پس از فوت آن مرحوم نماز جماعت صبح مسجد نیز تعطیل گردید. امید است که حجة الاسلام زاده عزیز ما یا خودش خصماً صبح به مسجد تشریف ببرند و یا آنکه دیگری را به نیابت خود در مسجد قرار دهند انشاء الله مأجور خواهند بود .

(خانواده و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله)

در فصلی که مربوط به اولاد مرحوم سید حجة الاسلام بود بطوریکه تفصیل و اجمالی اسامی و شرح حال اولاد و اعقاب مرحوم حاج سید اسدالله را ذکر نمودیم در این جا نیازی به تکرار نیست . در این جا فقط گوئیم :

مرحوم حاج ملاعلی خلیلی پدرزن مرحوم سید ثانی داماد عالم و فقیه دیگری نیز بنام سید محمد علی شاه عبدالعظیمی داشته است.

مرحوم حاج سید محمد علی بن محمد بن هدایة الله مشهور به میرزا جان حسینی عالم فاضلی فقیه زاهد مؤلف کتب عدیده از آنجمله : 1- الایقاظ 2- حلایة الزائر

- مسلک الذهاب - منتخب التفاسیر - وسیلة الرضوان 6- وفاة الزهراء علیها سلام الله و غیره در 1208 متولد و در 1336 وفات یافته است .

اعقاب و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله منحصر از یگانه فرزند پسر ایشان مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی معروف به حاج آقا با سید حاج اقا می باشند

که در زمان حاضر برخی از آنان متصدی مشاغل عالیه در دستگاه حکومت می باشند و فقهم الله بصلاح الأعمال و یکی دو نفر نیز در لباس روحانیت و از فضلاء محسوبند.

وامانواده دختری آن مرحوم بشرحی که قبلا نوشته شده عده آنها بسیار و جمعی از آنان از اهل علم و فضل و روحانیت و عده ای نیز در مشاغل دولتی و ملی بخدمتگزاری اشتغال دارند و عموما مردانی صالح و دیندار می باشند .

مسافرت به عتبات و وفات در بین راه

مرحوم حاج سید اسدالله در سال 1290 بقصد زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام از اصفهان حرکت نموده و در بین راه بیمار گشته و سرانجام در شب یک شنبه سلخ جمادی الثانیه سال مرقوم (1390) در منزل گرند از توابع کردستان وفات یافته نعش او را از آنجا تا نجف اشرف با احترام شایسته از طرف دولت و ملت بر سر دست و دوش مردم حرکت داده و در آن ارض مقدس بخاک سپردند .

(رفع اشتباه) : علامه طهرانی در الذریعه (ص 206 بیست و دوم) در ضمن بیان مناسک حج وفات مرحوم سید ثانی را در ماه صفر می نویسد که اشتباه می باشد.

در کتاب : ماضی النجف وحاضرها (ص 132 یکم) وفات مرحوم حاج سید اسدالله را در سال 1292 می نویسد که یقینا اشتباه و سهوالقلم از طرف مؤلف مرحوم آن کتاب می باشد .

ص: 346

مرحوم حاج سید اسدالله را در اطاق سمت راست وارد شونده بصحن مطهر از درب قبله مقابل قبر علامه فقیه زاهد مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری (اطاق سمت چپ وارد شونده) دفن نمودند و اندو بزرگوار همچنانکه در زمان حیات حامل علوم و احادیث اهل بیت و حضرت باب الاثمه علیهم السلام بودند. پس از وفات نیز دربان روضه مقدسه و صحن هنور گردیدند رحمة الله علیهما وعلی جمیع علمائنا .

ماده تاریخ وفات

پس از وفات مرحوم حاج سید اسد الله عده ای از شعراء و گویندگان عربی و فارسی مرثیه و ماده تاریخی در آن مورد سروده اند که از آن جمله است :
1- مرحوم سید جعفر حلی (1310-1277) مؤلف سحر بابل و سجع البلابل در ضمن قصیده ای گوید :

اسدالله بمثنوی اسدالله توسد (1290)

2- میرزا محمد همدانی معروف به ام الحرمین متوفی بسال 1302 مؤلف فصوص الیواقیت در ضمن قصیده ای گوید :

ویوم جاؤوا بنعشه امم ضجت فاضحی تاریخه : صرخت

یکی دیگر از مرثیه ها و ماده تاریخی که در وفات آن مرحوم گفته شده است قصیده ای است که ادیب شاعر مرحوم آقا شیخ مهدی بن شیخ صالح بن قاسم مشهور به حجی نجفی صاحب دیوان اشعار مخطوط متوفی در طاعون سال 1298

ص: 347

در نجف اشرف گفته است (پدرش نیز ادیب و شاعر و فقیه بوده و در سال 1370 وفات یافته است).

خطب الم بر کن الدین فانهما لوقعة بکت السبع الشداد وما رمی الرشاد یعین الرشاد فادحة فاستشعرت عنده عین الرشاد عمی امی یمین فریش الفضل حلفتها من کان بینهم دون الوری قسما رمی الیمین فیا مثلت انامله فی الدهر شل یمین الدین حین رمی فیا اماما شأی وادی الحمی فکبا به القضا فالحمی اضحی بغير حمی مذ قام فیک مهنی الذین قام له ناعیک یعنی فاشحی العرب والعجما وحين اصبح فیک المجد مبهجة امسى له الوجد یرری جنبه ضرما یا صفقة الدین لما خاب من امل لم یحس فیک به حتی عذا ألما فان بکی قد بکاء الدین مکتبنا فطالما کان فیک الدین مبتسما الله یومک ولا یام معولة ووالدی ذا ویا کافلی رحما وللا رامل من حول السریر بکا بمدمع مزجت منه الفرات دما فجرت من کبدالصم الفرات لهم والیوم فجر ست دمعا فی الخدود هما فیا فقیدا بکت عین العلوم له وکابدت کمدأ اخوانه العلمما تدعوک یا اسدالله الذی نشرت للدین کفاه بعد المرتضى علما إلى آخر القصیده (ص 107 سوم معارف الرجال) .

بعضی از مدفونین در حجره

: در حجره ای که قبر مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی واقع شده است چند نفر دیگر نیز مدفون می باشند از آنجمله : -- ا- حاج سید علی شوشتری (ص 63 یکم فوائد الرضویة) فوت 1283ه. ق.

ص: 348

2- حاج آقا کمال الدین شریعتمدار فرزند آقا شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی (1352 - 1383). اواز اولاد و اعقاب مرحوم سید حجة الاسلام :

- حاج سید محمد جعفر فرزند سید حجة الاسلام. 2- آقا سید هاشم فرزند حاج سید جعفر فرزند سید حجة الاسلام . واما مدفونین در حجره مقابل یعنی طرف چپ وارد شونده :

- سید آقا یزدی (ص 72ه دوم الکرام البرره) . 2- شیخ محسن خنفر (ص 98 یکم معارف الرجال) . 3- شیخ اجل افقه مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری علیه الرحمة والرضوان.

ابواب صحن مطهر علوی

(فائده) : درب قبلی صحن مطهر نجف اشرف : صحن مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دارای پنج درب می باشد بدین شرح :

1- درب شرفی - درب بزرگ صحن - در ساعت مقابل ایوان طلا و اول بازار بزرگ نجف. برای ایشان را بازسازی

2- درب شمالی - باب طوسی که به مسجد و قبر شیخ الطائفه شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی منتهی میگردد .

3- درب غربی - باب سلطانی و پسه باب الفرج نیز معروف میباشد .

4- در سمت مشرق به سمت محل خیاطها (از درهای عمومی صحن شریف نمی باشد) در سمت راست درب ساعت .

ه - درب جنوبی - درب قبله از قدیمی ترین درهای صحن مطهر می باشد.

در کتاب ماضی النجف وحاضرها (ص 63 یکم) در ضمن بیان ابواب صحن شریف می نویسد:

سوم (بنا بر تقسیم و ترتیب کتاب نامبرده) در قبلی است و در قدیم کوچک

ص: 349

و کوتاه و از چوب خرما ساخته شده بود در اواخر قرن سیزدهم در زمان شبلی پاشا (یکی از حکام بغداد) بدستور دخترش بنام فاطمه این درب تجدید گردید.

دیگر از آثار این بانوی نیکوکار ساختمان حوض آبی در صحن شریف مقابل ایوان بزرگی که در آن قبر علامه ادیب شاعر سید محمد سعید حبوبی فقیه مجاهد (1333 - 1299) قرار دارد می باشد این حوض آب را در سالهای اخیر خراب کردند.

عده ای از شعراء معروف نجف جهت تجدید این درب صحن اشعار و ماده تاریخهای گفته اند که از آنجمله است :

۱- سید ابراهیم آل بحر العلوم (فرزند اقا سید حسین بن علامه اقا سید رضا بن بحر العلوم طباطبائی) متولد در سال 1268 متوفی بسال 1319 قصیده ای سروده که مطلع آن چنین است

لقد فتح الشبلی للمرتضی بابا علا بعلی ذروة العرش اعتبارا تا آنجا که گوید : در این کار در اداران بسیاری اوقد وقع الشبلی فی باب حیدر ، وجیز خطاب قد تضمن اطنا با ترصع بالسبع السواری فارخوا « نعم فتح الشبلی لحیدرة بابا » نعم فتح لحیدرة

(1289 مساوی 7 بعلاوه 1282) 2 مرحوم شیخ احمد قفطان (1293 - 1217) شاعر ادیب مؤلف القوافی الشبلیه در مدایح شبلی پاشا .

ماده تاریخی که مرحوم شیخ احمد قفطان گفته است بر سر درب قسمت خارج صحن بر کاشی نوشته شده است :

ان هذا الباب قد جدده ملک الدهر السری ابن السری تا آنجا که می گوید : .

انت یا شبلی ارخه « وقال

باب شبلی لمثوی حیدر »

(1289)

(تذکر) :

هر دو ماده تاریخ 1291 میشود لکن در ماضی النجف وحاضرها سال 1389 نوشته است و ما نیز بمتابعت آنجا در زیر اشعار همان سال را

نوشتیم .

ص: 351

در خاتمه کتاب لازم است به چند نکته زیر با کمال دقت توجه شود :

1- در کتاب حاضر بنام صدها نفر از مشهورترین علماء و دانشمندان ناگمنام ترین دانشجویان و طالبان علم اشاره شده است ممکن است پس از انتشار و مطالعه اهل تحقیق درباره آنها با نظرات متفاوت قضاوت و داوری گردد .

برخی از خوانندگان بقول یکی از بزرگان و دانشمندان که پس از تألیف و چاپ کتاب : « شعرای معاصر اصفهان » تألیف نویسنده این اثر فرموده بود: غت و سمین شده است

و یا بقول یکی دیگر از ادباء و نویسندگان معروف که در یکی از آثار خود در باره این تذکره نوشته بود به کمیت بیشتر از کیفیت توجه شده است .

اکنون نیز گفته شود : همه را با هم ذکر کرده اند . اینان معتقدند که فقط مشاهیر علماء و ادباء و حکماء قابل ذکر می باشند و دیگران چنین قابلیتی و شایستگی ندارند بدان دلیل که احتمال دارد که پس از گذشت سالها نویسنده ای و مؤلفی فرد گمنامی که فقط چند صباحی در محضر مجتهدی بزرگوار و یا حکیمی عالیمقدار

حضور یافته و از خدمت او استفاده علمی برده (یا نبرده) باشد را و یا کاتب و نویسنده ای مجهول را که فقط فن او کتابت بوده و از علم و دانش بهره چندانی نداشته است را در ردیف علماء و بزرگان ذکر کند و به او عالم جلیل و فقیه کامل و اینگونه القاب علمی بدهد (همانگونه که در برخی از کتب معاصرین مشاهده شده است) بنا بر این نباید از افراد گمنام و غیر مشهور نامی برد و آنها را باید برای همیشه فراموش کرد..

برحسب نظر به اینان باید پس از سعدی و نظامی و فردوسی و چند شاعرانگشت شمار دیگر همه را فراموش کنیم و آنان نیز خود از شعر گفتن دم فرو بندند و گرد آن نگردند و یا از شیخ طوسی و شیخ مفید و خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلی و شهیدین و شیخ بهائی و علامه مجلسی و عده ای دیگر از مجتهدین بزرگوار و حکماء و فلاسفه و مفسرین که بگذریم بدور دیگران خط بطلان کشیده و فراموششان کنیم. آیا این منطق صحیح است و این گفته درست، آیا آنان در بازار ادب متاعی قابل عرضه ندارند و اینان عمر گرانبهای خود را در راه اعلای کلمه حق و ترویج شریعت و علم صرف ننموده اند؟

نوشتن کتاب در شرح حال مشاهیر علماء و دانشمندان بدون توجه بدیگران . کار آسانی است. اما باید متوجه بود که ممکن است در بین همین افراد عامل الذکر و گمنام مؤلفینی با مؤلفاتی گرانمایه باشند که دنیای علم و معرفت نیازمند به تحقیقات علمی آنان باشد .

با مراجعه به کتابخانه های معروف داخلی و خارجی و فهرست کتابهای آنها بنام بسیاری از دانشمندان بر خورد می کنیم که هیچگونه آگهی از دوران زندگانی آنها نداریم . نه از اساتیدشان خبر داریم و نه از میلاد و وفات آنها و علت این مجهولات عدم توجه نویسندگان کتب تراجم رجال از معاصرینشان

و کسانی است که بعداً کتاب نوشته اند که نخواستند غیر از مشاهیر علماء از دیگران نامی ببرند .

نمونه

بطور نمونه : مینویسند قریب هزار نفر یا بیشتر از محضر پر برکت علامه مجلسی رضوان الله علیه بهره علمی یافته اند اما اسامی اینها چه بوده و اهل کجا و در چه زمان و چه محلی بدنیا آمده و یا مردهاند - مؤلفاتی داشته اند یا نه - از علامه مجلسی و دیگران اجازه داشته اند با خبر این سؤالات و دهها سؤال دیگر همه مجهول است که باید جواب آنها را پیدا کرد .

همین حالت را دارد شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام و مجازین از ایشان وهمچنین شاگردان فرزند بزرگوارش مرحوم حاج سید اسد الله که یقیناً عده آنها زیاد بوده است اما متأسفانه اسامی عموم آنها غیر معلوم است. "

عدم ذکر نام عده ای از علماء درجه دوم و سوم و حتی مقامات نازلتر باین دلیل که : تألیف و تصنیفی از آنها مشهور نیست و یا تاریخ تولد و وفاتشان ثبت نشده است و یا ما نمیدانیم منطقی بنظر نمیرسد باید از کلیه کسانی که در راه تحصیل علم و دانش رنج برده اند و در ترویج دین و شریعت متحمل زحمت شده و بوظائف دینی خود از امر بمعروف و نهی از منکر و رفع ظلم ستمگران و قطع ابادی بیدادگران و دیگر شئون روحانیت اقدام نموده اند علی قدر مراتبهم تجلیل و تقدردانی نمود و نامشان را بخوبی یاد کرد و ذکر خیرشان را برای ابد محفوظ و مضبوط نگه داشت .

نویسنده کتاب با عدم بضاعت علمی و با نبودن وسائل و کتب لازم برای تحقیق تا آنجا که مقدور بوده است کوشش خود را بکار برده و اسامی اینگونه دانشمندان را از لابلائی کتابها و نوشته ها بدست آورده و خوانندگان عزیز و اهل تحقیق و تمیز خود بهتر میدانند که اینان همگان در یک پایه و مقام علمی نبوده اند همچنانکه

ص: 354

در حوزه های درس امروز نیز از مجتهد و متجزی و قریب الاجتهاد شرکت می کنند تا مبتدیان و سطح خوانان و کسانیکه تازه به حوزه های درس خارج میروند . برخی صاحب نظر و مؤلفند و مصنفند و جمعی سیاهی لشکر .

کاتبین نسخهها که از آنان نیز نام برده شده است جمعی خود از علماء بزرگوار و صاحب نظر و مجتهد صاحب فتوی و عده ای نیز صرفاً نویسنده و کاتب و جز آن هنری ندارند و اکثر طبقه ما بین این دو دسته اما در هر حال همگی خدمتگزار علم و دانش بوده و باید در حد خدمتی که انجام داده اند از آنها سپاسگزاری نمود .

من در این کتابد و دیگر کتابهایم کوشیده ام که :

مجتهد و عالم و صاحب تألیف و ادیب و حکیم و واعظ و شاعر و دیگران را آنچنانکه شایسته مقام علمی و اجتماعی آنها بوده معرفی کنم (تا چقدر موفق شده باشم؟) کاتبین نسخه ها را با قید کلمه (کاتب) معرفی کرده ام تا بین عالم فقیه و کاتب فرقی نهاده باشم . تحقیق بیشتر در احوال این بزرگان و وظیفه خوانندگان و محققین و طالبین اینگونه مطالب است .

2- در ضمن مطالب کتاب به موضوع هائی اشاره شده است که در وهله اول ممکن است بنظر برخی از خوانندگان زائد و یا خارج از موضوع باشد . مانند : شورشهای اصفهان در سالهای 1209 و 1299 و تاریخچه محله بید آباد - تاریخچه شفت - تاریخچه آب شهر نجف و دمها مطالب دیگر

اما خوانندگان و مطالعه کنندگان کتاب با اندکی تأمل و دقت متوجه میشوند که نقل این گونه مطالب جهت تنوع موضوع و عدم یک نواخت بودن کتاب و رفع خستگی خوانندگان عزیز است .

ثانیا هر یک از این مطالب از جهتی با کتاب ارتباط داشته و توضیحی بر

مطالب آن می افزاید که مورد استفاده اهل تحقیق و نویسندگان کتب رجال و تاریخ در زمانهای بعد خواهد بود .

۳. بطوریکه قبلاً نیز تذکر داده ایم کلیه تاریخهای این کتاب هجری قمری است مگر آنکه قید شده باشد هجری شمسی .

4- کلیه مطالبی که از کتب مختلفه نقل گردیده در همان محل به کتاب منقول عنه و صفحه آن اشاره شده و دیگر مجدد نیازی به ذکر مآخذ و مصادر ندارد.

ه - بدینوسیله از کلیه کسانی که به نحوی از انحاء در تألیف این کتاب مرا یار و مدد کار بوده اند تشکر نموده و اجر و پاداش همگان از خداوند قادر متعال خواهانم که « ان الله لا یضیع أجر المحسنین » .

دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

رات

کو میرا

وصلی الله علی محمد وآله اجمعین سید مصلح الدین مهدوی شعبان المعظم 1405

ص: 356

در کتابهای مختلف و متعدد مطالبی نقل شده که عموماً از قصص العلماء نقلی گردیده، و هر نویسنده و مؤلفی مطالب منقوله را بطوری که نظر خاص او بوده تجزیه و تحلیل نموده است از آنجمله: - قرر کیا اور زرداری س اری -

حامد الگار در کتاب: «نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت» درباره قدرت مرحوم حجة الاسلام شفتی و مرگ فتح علیشاه بنفرین انجناب و علل و موجبات اختلاف محمد شاه با آن مرحوم و مسافرت فتح علیشاه و محمد شاه با صفهان و حکومت خسرو گرجی و معتمد الدوله گرجی باصفهان بطور پراکنده و ناقص مطالبی می نویسد که در آنها مطلب و موضوع تازه ای جز آنچه ما نیز آنها را نوشته ایم ندارد.

می نویسد: در شورش مردم تبریز بعلت کمبود نان و گرانی شاه دستورداد یکی از علماء آنجا را گرفته و در حضور مردم و ایرا بدار آویختند (ص 109 نقش روحانیت) لکن نام این عالم را ذکر نمی کنند.

علت مخالفت شاه با سید حجة الاسلام را حمایت ایشان از عبدالله خان امین الدوله که مخالف سلطنت محمد شاه و طرفدار حسینعلی میرزا فرمانفرما حکمران فارس که ادعای سلطنت کرده بود می نویسد (ص 109 بعد).

مرحوم سید حجة الاسلام راجاه طلب و مایل بقدرت شخصی می نویسد و گوید که با لوطیها ارتباط داشته است (ص 108) و می نویسد که لوطیها در موقع مرگ فتح علیشاه اصفهان را غارت کردند و غنائم خود را در مسجد جمعه انبار کردند.

نویسنده گوید: اگر چنین باشد بنابراین باید لوطیان وابسته به دستگاه امام جمعه باشند که قدرتی در برابر قدرت مرحوم سید حجة الاسلام بوده و دولت آنرا تقویت مینموده است می نویسد که بدستور شاه نیمی از اصفهان تا حدود نیم آورد را جزو بست مرحوم امام جمعه قرار داده بودند.

پس از نقل غارت اصفهان بوسیله لوطیان می نویسد:

سند دخالت حاج سید محمد باقر در این فعالیتها متناقض است بدین معنی که: فریزر مدعی است او لوطیها را تشویق میکرده در حالیکه در آن تاریخ «می نویسد به عکس سید کوشید تا از لوطیها جلوگیری کند بنا بنوشته ناسخ التواریخ امین الدوله به علماء پیامی فرستاد و ضمن یادآوری حرمتی که علماء در زمان فتحعلیشاه داشتند از آن خواست که بنشانه حق شناسی از غارت بی حساب لوطیان جلوگیری کنند حاج سید محمد باقر و میر محمد مهدی امام جمعه دستور دادند تا جماعتی از لوطیان به سلطان محمد میرزا (سیف الدوله حاکم اصفهان) تحویل شوند و دست و پایشان قطع شود (ص 108).

بعد از نقل مطالب بالا بتوجیه مطلب پرداخته و می نویسد: مرحوم سید حجة الاسلام و امین الدوله قدرت و قوای لوطیان را منحصرآ تا آنجا که با مقاصد آنان مطابقت داشت میخواستند و به غارت اموال مردم و دزدی و دیگر اعمالیکه به آنها

نسبت می دهند راضی نبودند).

حکومت و قدرت یافتن منوچهر خان معتمدالدوله گرجیر ابر اصفهان پیامردی افسران انگلیسی می نویسد (ص 109) و می نویسد: مقاومت حاج سید محمد باقر در برابر دستورهای قدرت دنیوی بقرار سابق ادامه یافت و از قدرت و نفوذ آن مرحوم کاسته نشد).

شرحی از پناهندگی و بست نشینی امین الدوله در منزل سید حجة الاسلام نوشته و مسافرت و پرا به اعتاب مقدسه نفل نموده و گوید که در شوال 1201 محمد شاه یکی از پیش خدمتهای مخصوص خود را جهت دستگیری لوطیان باصفهان فرستاد و او جمعی را گرفته عده ای را تبعید و یا زندانی کنند.

شورش مردم اصفهان در سال 1203 را مربوط به مرحوم سید حجة الاسلام و امام جمعه می نویسد و علت آنرا جلوگیری از مداخله علماء در امور شهر می نویسد (از عدم کفایت و ظلم و بیداد حاکم ذکری نمی کند)...

علت نا امنی شهر را نفوذ علماء بخصوص مرحوم سید حجة الاسلام می دانند و می گوید: لوطیان شبها از بست خارج شده و به دزدی و کشتار و هتک ناموس میپرداختند و هنگام صبح شمشیرهایشان را در حوض مساجد میشتند.

این نویسنده که مطالب خود را از تواریخ دو لتیان وقت گرفته نمی خواهد اقرار کند که: حاکم ظالم و ستمگر شاه غافل و نالایق وزیر مستبد و صوفی ودست بهم داده و مردم را تحت فشار قرار داده اند و فقط علمانه که ریاست آنها را مرحوم سید حجة الاسلام دارد در مقابل مظالم آنان ایستاده اند. هرچه و هر کس مخالف حکومت باشد: لوطی و شورش طلب ورجاله می نویسنده این خویشان نگری و کوچک شمردن ملت و مردم بود که موجب این پیش آمدها میشد. علماء بزرگوار بمردم تکیه داشتند و برای آنان ارزش قائل بودند و بخاطر آنان سعی و کوشش

ص: 359

میکردند اما دولتیان فقط خود را می دیدند و به شخص شاه توجه داشتند و آنچه نزد آنها ارزش و مقام نداشت مردم بود .

مسافرت محمدشاه به اصفهان را نوشته و گوید : شاه بالشکری کامل باصفهان آمد تا قدرت سید را در هم شکند و مجموعه اتباع و انصار او بزور متفرق شده بودند لکن او همچنان می توانست با نخوت و تحقیری شرعی بمحمد شاه بنگرد

معنی نخوت و تحقیر شرعی را نمیدانیم و مقصود نویسنده را از این جمله نمیدانیم اگر کوچک شمردن شاه و دولتیان جنبه شرعی و دینی دارد دیگر نخوت و تکبر مفهومی ندارد) ..

دیدار مرحوم سید حجة الاسلام از محمد شاه را همانگونه که ما نیز از قصص العلماء نقل کردیم بیان می کند. (ص 192) بعد از قول یک نفر سیاح که در سال 1860 میلادی (1209 قمری) باصفهان آمده می نویسد که : قدرت لوطبان درهم شکسته شده و محله بید آباد دیگر از خاصیت بسته بودن بر خوردار نیست . . . برای این کار در ساری

مسافرت محمد شاه را باصفهان در سال 1298 شرح داده که قبلا از قصص العلماء و دیگر مآخذ شرح آنرا نوشته ایم

توضیح و تذکر :

در پاورقی کتاب نامبرده (ص 192) ضمن شرح مسافرت محمد شاه باصفهان در سال 1258 می نویسد. بنا بر روایت گوینو در این هنگام محمد شاه مجتهدی را از اصفهان تبعید کرد. از قرار معلوم منظور گوینو حاجی سید محمد باقر است . سپس شرحی در مستبعد. بودن این قول وعدم ذکر آن در مآخذ ایرانی بیان داشته است

نویسنده گوید همچنان که قبلا گفتیم (ص 277 جلد اول) این مجتهد بزرگوار عالم جلیل ملا محمد تقی اردکانی است .

ص: 360

در دنباله مطالب یاد شده نویسنده کتاب : نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت (ص 193) می نویسد :

بدین سان روزگار حاج سید محمد باقر بسر رسید . روزگاری که آشکارا نمایشگر قدرتی بی قید و شرط در وجود یک مجتهد است . اگر در حقیقت همچنان که در پیش اشارت رفت ، در اغراض او تغییر یا گسترشی پدید آمد و دل بستگی او بقدرت شخصی برای نفس قدرت بیشتر از دل بستگی او بانجام وظیفه مذهبی شد با وجود این بدیهی است که از این جهت بهیچ وجه به آوازه نیکنمایی او نقصانی راه نیافت ، حتی هنگامی که خونریزی و غارت را نادیده می انگاشت همچنان مورد احترام بود .

نویسنده گوید : اگر رفتار علماء اسلام و شیعه و مرحوم سید حجة الاسلام و دیگر مجتهدینی که همچون او رفتار می کردند ر ادلبستگی بقدرت بخوانیم باید گفت این قدرت جهت اجرای احکام اسلام و مقررات شریعت بوده و آنان هیچگاه قدرت را بخاطر نفس قدرت نمی خواستند این حکام و سلاطین بودند که قدرت را بخاطر قدرت میخواستند و منظور آنان از قدرت یافتن تسلط بر جان و مال واعراض مردم بوده است .

اگر مرحوم سید حجة الاسلام از قدرت و نفوذ خود در مسیری غیر از اسلام و مذهب استفاده میکرد مردم آن زمان در برابر او ساکت و آرام نمی نشستند و بمخالفت او بر می خاستند . او اگر مخالف و دشمنی داشدشاه و اطرافیان او می باشند نه اجتماع مسلمین .

آقا محمد بید آبادی :

در (صفحه 107 جلد یکم) اسامی برخی از رسائل و مؤلفات مرحوم آقا محمد بیدآبادی را ذکر نمودیم اکنون گوئیم :

ص: 361

12 - حواشی بر کتاب قره العیون در تعریف ماهیت و وجود از مؤلفات مولی مهدی نراقی شاگرد مرحوم بید آبادی مختصر و در حواشی رساله (ص 70 هفدهم الذریعه)

از آثار مرحوم آقا محمد بیدآبادی بک رساله و دو نامه بطبع رسیده و نزد نویسنده موجود است

- رساله در سیر و سلوک 2 - رساله در آداب سلوک و اوراد و اذکار

این دو رساله بخط شکسته نستعلیق مرحوم حاج میرزا هاشم فرزند علامه جلیل حاج میرزا یحیی بن حاج میرزا شفیع مستوفی در یک مجلد دره 1 صفحه رقیعی بچاپ رسیده است متصدیان چاپ برادر زادگان مرحوم حاج میرزا هاشم آقایان: حاج میرزا ابوالقاسم و حاج میرزا محمود شفیعی می باشند تاریخ کتابت نسخه دو شنبه 3 جمادی الثانی سال 1391 می باشد

3- پیام آقا محمد بید آبادی از صفحه 200 تا صفحه 210 کتاب تذکرة المتقین چاپ نور فاطمه

آغاز: بسمله: یا اخی وحبیبی ان كنت عبد الله فارفع همتك ...

انجام: و از فساد آن بقا به بقای قیوم کل و تحقق به انیت او کرامت گردد وذلک هو الفوز الأكبر

سفر حج مرحوم سید حجة الاسلام ص 120 یکم:

میرزا حسین فراهانی در سفرنامه خود که در سال 1302 و 1303 به مکه معظمه مشرف گردیده می نویسد:

از منی تا عرفات با شتر و شفاف چهار ساعت راه است . و بجهت حد عرفات این طرف و آن طرف راه دو میل سه ذرعی از گچ و آجر

ص: 362

عجمها گفتند مرحوم حاجی سید محمد باقر اصفهانی در سفری که به بیت الله آمده عرفات را تحدید نموده و بجهت علامت حدود آن این دو میل را ساخته است. انتهی

ثروتمند (صفحه 129 بکم):

یکی از معروفترین ثروتمندان در اسلام خلیفه سوم یعنی عثمان بن عفان است .

وقتی که او کشته شد سه زن و بروایتی چهار زن در خانه داشت. میراث هر کدام از آنان از یک هشتم دارای او معادل 83 هزار دینار گردید یعنی جمعة 83 ضر بدر 4 می شود 332 هزار که سهمیه زنان او شد و با توجه به اینکه آنان جمع ثمن (یکهشتم) از تمام ثروت او ارث برده اند (مطابق عقیده شیعه یک هشتم از شوهر ارث میبرند) بنابر این جمع مبلغ ارثیه او 332 ضر بدر 8 میشود 2952 هزار دینار یعنی دو ملیون و ششصد و پنجاه و شش هزار دینار (این بوده است وضع خلیفه مسلمین علت نارضایتی عموم مسلمانها را از او و عمالش در اینگونه موارد باید تحقیق نمود) ص ه تتمة المنتهی به حاج شیخ عباس محدث قمی)

امین الدوله ص 227 بکم :

از کتاب قصص العلماء نقل کردیم که در سالی که مرحوم سید حجة الاسلام در آن وفات یافت عبدالله خان امین الدوله مطالبه مبلغ هشت هزار تومان از مرحوم سید نمود آن مرحوم فرمودند تو این پول را جهت امور خیریه دادی و من نیز در همان راه مصرف کردم و او می گفت بعنوان امانت داده بودم سید فرمودند مانعی ندارم آنچه پرداخته ام بحساب خودم باشد و معادل بیست هزار تومان وصیت کردند که و ارث به امین الدوله پردازند .

ص: 363

این پول در زمان حیات امین الدوله پرداخت نشده بود .

در فوائد البهائیه (ص 38) در باره امین الدوله می نویسد : روش امین الدوله آن بود که ذمه خود را اصلاً مشغول نمی گذاشتند و اول اشتغال و تکلیف کار سازی میداشتند. بلکه قبل از تکلیف بسادات و مستحقین بر حسب اجازات و فرمایش علماء و مجتهدین مبلغی خطیر قرض داده بودند که بعد از اشتغال ذمه خود بحقوق مرقومه احتساب فرمایند ولی وفات آنجناب رضوان مآب بحقوق مرصوه اشتغال ذمه بهم نرسانید که از آن وجوه محسوب گردیده شود چنانچه در وصیت نامه موجود باین معنی خود تصریح فرموده (انتهی)

احتمالاً مبلغ بیست هزار تومان ادعائی امین الدوله از همین قبیل وجوه بوده است .

پس از فوت امین الدوله ورثه او مبلغ نامبرده را از مرحوم حاج سید اسد الله مطالبه میکردند .

در فوائد البهائیه (ص 14) نامه ای را که میرزا علی محمد خان نظام الدوله () فرزند امین الدوله به آنجناب مرقوم داشته است را نقل نموده طالبین مراجعه کنند.

چهارسو (چهارسوق) ص 273 یکم :

محل تقاطع در کوچه و با دو شارع را که از چهار طرف راد گذر دارد را چهار سو گویند و محل تقاطع در بازار یا در بازار چه را که راه گذر از چهار طرف داشته باشد را چهارسوق (چهار بازار) گویند و گاهی سه راه در بازار و بازارچه را نیز تسامحا چهار سوق گفته اند .

چهارسو شیرازیها یا چهار سوق شیرازیها باین تعبیرات که ذکر شد هر دو صحیح است و از دو قسمت تشکیل یافته : چهارسو شیر از بها و چهارسو کوچک

ص: 364

نسبت بچهارسوی اولی معمولاً چهارسوقها دارای گنبدی آجری یا خشتی بود است مانند چهارسوق علی قلی آقا که آجری است . گنبد چهارسوق شیراز از بها در تعریض خیابان خشک (خیابان خوش - خیابان شاه - خیابان طالقانی) خراب شد .

در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص 603) می نویسد :

گنبد چهارسوق شیرازها از آثار قطب الدین علی باب الدشتی و مورخ بسال 950 می باشد . در کتاب نامبرده اسامی 31 چهارسوق و یا چهارسوق را ذکر نموده طالبین مراجعه کنند .

این امر قطب الدین علی باب الدشتی بانی ساختمان مسجد قطبیه واقع در ضلع شمالی همین خیابان می باشد سال بنای مسجد 900 هجری می باشد .

مسجد مصلی (مصلی) صفحه 276 یکم سطر 22:

صحیح آنست که گفته و نوشته شود: «مصلی» و کلمه مسجد در مسجد مصلی اضافه وزائد است اما چونکه همیشه و همه جا در بین اجتماع از فضلاء و جز آنان این چنین تلفظ شده و می نویسند ما نیز بمتابعت آنان : مسجد مصلی نوشتیم و ضمناً کلمه مسجد در این مورد : حشو ملیح است کما لا یخفی .

تألیفات مرحوم حاج محمد جعفر آبادهای ص 292 یکم :

در کتاب حاضر اسامی 10 کتاب و رساله از تألیفات مرحوم آباده ای را با ذکر مأخذ بیان داشتیم اکنون گوئیم : 19- تحفة المیتین در احکام مردگان فارسی نسخه ای از آن بشماره (1299) در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی در قم موجود

آغاز : بعد حمد مخرج الحی من المیت ومخرج المیت من الحی ... این کلمات متعلقه به بعضی احکام میت را بعد از التماس بعضی از مومنین ... نسخه ناقص : انجام : در افضلیت ترک رفع یدین در غیر تکبیرة اولی اجماعی

ص: 365

بیدگل

ص 299 شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی بیدگل و بیگدل ص 307 یکم :

در تعلیقات کتاب تاریخ کاشان تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی نقل از کتاب چراغان تألیف محمد رضا و صاف بیدگلی می نویسد :

بیدگل قره ایست از قراء قشلاقیه بلده کاشان و واقع در یک فرسخی آن...

بنیاد آبادانی او را بی بی گل نامی از دختران او کتافا آن بسن چنگیز خان نهاده ...

مقبره حاج سلیمان (صباحی) بیدگلی در محله درب ریگ از محلات دوازده گانه واقع گردیده است (ص 494 تاریخ کاشان)

واما بیگدل که مرحوم حاج اطفعلی خان (1136 - 1190) مؤلف تذکره آتشکده منسوب بدانست د

اران بارداری ساری مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 40 یکم) می نویسد :

بیگدل نام طایفه ای است از اترا از نژاد بیگدل خان بسن ایلد گزها فی آغور خان که در زمان هلاکو با مروی از ترکستان بشام آمده و بعد از آن در زمان امیر تیمور هم بفرمان وی از آنجا به ایران آمده اند باید توجه داشت که این دو کلمه که اولی نام قریه و دومین نام قبیله ای است اشتباه نشود.

شاگردان سید

شاگردان و مجازین از سید حجة الاسلام صفحه 390 یکم :

در کتاب اسامی 168 نفر از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام را با ذکر مأخذ بترتیب حروف ذکر کردیم این گوئیم :

149 - محمد کاظم بن آقا احمد در تاریخ پنج شنبه سلخ رجب سال 1261

ص: 366

در اصفهان از کتابت نسخه ای از کتاب تحفة الأبرار بخط نستعلیق فراغت یافته

نسخه بشماره (9238) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

ص 229 شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی ان قوی وی نیز از محضر مرحوم سید حجة الاسلام بهره علمی یافته است العلم عند الله تبارک و تعالی .

تین نکاتی برای بازسازی

ص: 367

کتاب تحفة الأبرار اخیراً بهمت حجة الاسلام زاده محترم و فاضل گرامی آقای حاج آقا مهدی شفتی در دو جلد بچاپ رسیده است

کتاب نامبرده با تحقیقات و اشاره به مأخذ و مصادر احادیث منقولہ در کتاب زیر نظر دانشمند بزرگوار حجة الاسلام آقای آقا سید مهدی رجائی نجلی جلیل عالم جلیل حجة الاسلام آقای حاج آقا محمد رجائی فرزند گرامی حضرت آیت الله آقای حاج آقا باقر رجائی موسوی اصفهانی ایدهم الله تبارک و تعالی در قم بچاپ رسیده است .

در مقدمه جلد دوم رساله مختصری در شرح حال خاندان جلیل آل رسول اصفهانی (شهید اصفهانی) بقلم نویسنده اضافه شده است که اداءحقی از مرحوم حجة الاسلام آقای حاج آقا رضا آل رسول شمس آبادی بانی طبع کتاب شده باشد.

رجال سید حجة الاسلام (صفحه 73 - دوم):

علم رجال یعنی علم شناسائی احوال رواة احادیث . این علم یکی از امهات

علوم و از پایه های اساسی اجتهاد است که بدون دارا بودن این علم مجتهد نمیتواند درباره مسائل فقهی و عقیدتی اظهار نظر نموده و فتوی دهد .

در موضوع علم رجال و اهمیت آن و همچنین در ایه الحدیث از طرف علماء بزرگوار از قداماء و متأخرین و علماء عصر حاضر کتابهای زیادی تألیف شده و همچنین درباره شرح حال علماء و حکماء و ادباء و فلاسفه و شعراء و مؤلفین و مصنفین و ذکر تألیفات و آثار آنان نیز کتابهای زیادی تألیف شده است. در بسیاری از این کتابها رجال بمعنی الأخص (یعنی رواق شیعیه - علماء شیعیه) مورد نظر بوده و نامی از سنیان برده نشده و اگر ذکری از مخالفین شده بطور ندرت می باشد مانند : رجال طوسی - رجال کشی - رجال نجاشی - فهرست طوسی - معالم العلماء و بالاخره مجمع الرجال فهیائی و دهها کتاب دیگر .

در قرن 11 هجری عالم محقق جلیل مرحوم میرزا عبد الله افندی اصفهانی کتاب: ریاض العلماء رادرده مجلد تألیف نمود در دو قسمت مجزا از یکدیگر پنج جلد مربوط بعلمای بزرگوار شیعیه و پنج جلد دیگر راجع به دانشمندان سنی و ظاهر آ این اولین کتابی است از شیعیان که نام صدها نفر عالم سنی را ذکر نموده است در قرن 13 مرحوم سید حجة الاسلام شرح حال عده ای از رواة احادیث را جدا از هم بطور تفصیل مرقوم فرمود که ذکرش در کتاب حاضر شده است (قبلا نیز عدهای از علماء در این باره کتابها نوشته بودند) در اواخر همین قرن علامه جلیل عالم عامل زاهد متقی محقق متبوع مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی کتاب روضات الجنات برادره مجلد در شرح حال صدها نفر شیعیه و سنی جدا از هم مرقوم فرموده کتاب روضات الجنات از اصول کتب رجالیه بوده و از زمان تألیف تاکنون یکی از مراجع معتبر در شرح حال علماء شیعیه و سنی میباشد و تا کنون چندین بار بچاپ رسیده است، در باره شرح حال علماء بزرگوار در قرن 13 و 16 کتابهای زیادی تألیف شده

هر یک بگونه ای مورد نظر قرار گرفته است .

کتابهای: رجال ممقانی - قاموس الرجال - معجم رجال الحديث - اعیان الشیعه - طبقات اعلام الشیعه - الذریعه الی تصانیف الشیعه - فوائد الرضویه و دهها کتاب دیگر همگان در شرح حال علمای بزرگوار شیعه

کتاب: الکنی والألقاب - ریحانة الادب - مکارم الاثار و چندین کتاب دیگر در شرح حال علمای شیعه و سنی و غیره

و اما کتاب روضات الجنات را گفتیم که چاپهای متعددی از آن شده چاپ دوم زیر نظر علامه محقق متبوع جناب حاج سید محمدعلی روضاتی انجام گرفته و از هر جهت بر چاپ اول امتیاز دارد .

حضرت آقای روضاتی یعنی حجة الاسلام و المسلمین عالم جلیل دانشمند بزرگوار محقق متبوع صدیقنا المعظم جناب آقای حاج سید محمد علی سلمه الله تعالی اقدام بطبع روضات با تحقیقات و تبعات و حواشی بسیار سودمند فرمودند و جلد اول نیز بطبع رسید لکن متأسفانه بقیه مجلدات آن بچاپ نرسید امید از لطف حضرت حق جل و علا آنکه وسائل چاپ و انتشار بقیه مجلدات این اثر نفیس را فراهم فرموده و چشم عموم دوستداران کتاب و تحقیق علمی را بیدار آن روشن فرماید بمنه و کرمه .

مطالع الأنوار - مجلد دوم (ص 79 جلد دوم):

مرحوم سید حجة الاسلام در مقدمه جلد دوم بعنوان براءت و استهلال نام 11 کتب از کتب فقهی مشهور را باین شرح ذکر نموده است: استبصار - ارشاد - تذکره - تهذیب س ذکری - شرایع - قواعد - لمعه - مدارک - مسالک مطالع الأنوار .

و در مقدمه مجلد چهارم نیز بهمین مناسبت نام سیزده کتاب باین شرح را ذکر فرموده است :

ص: 370

ارشاد - استبصار تذکره - تهذیب - سرائر شرایع - قواعد - مدارک - مسالک - مطالع الانوار - معالم - مفاتیح - منتهی .

بقیه تألیفات : ص 82 دوم:

در کتاب اسامی 20 عدد کتاب و رساله از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام را نام بردیم و شرح لازم درباره هر کدام داده شد اینک گوئیم :

91 - حواشی بر کتاب : الفهرست تألیف شیخ طوسی غیر مدون و مختصر در حاشیه نسخه ای از کتاب الفهرست ضمن مجموعه شماره (2008) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم (ص 90 شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) .

نقل داستانی از قول سید حجة الاسلام شفتی :

دنباله صفحه 82 دوم : 1- در کتاب: علمای بزرگ شیعه (ص 106 کتاب بنام از کلینی تا خمینی نوشته شده است) می نویسد :

حجة الاسلام شفتی اصفهانی گوید : مرحوم ملا خلیل استعمال دخانیات را حرام میدانست و رسانه ای در این خصوص تصنیف نمود و نسخه ای از آنرا حضور علامه مجلسی (علیه الرحمة) فرستاد . علامه پس از مطالعه دلائل او را کافی ندانست آنرا (دستمالی را که مرحوم ملا خلیل قزوینی کتابرا در آن قرار داده بود) پر از تنباکو کرد بحضور ملا (خلیل) عودت داد . (انتهی)

بقیه تألیفات

مؤلف کتاب نمی نویسد که مرحوم حجة الاسلام این داستان را در کدام یک از مؤلفانش ذکر فرموده است .

نقل داستان

2 - شرفیابی خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف :

مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب: المسک الأذفر (عقبی الحسان) داستانی از شرفیابی مرحوم سید حجة الاسلام نقل می کند که چون در موقع پاکتویس کتاب حاضر دسترسی به کتاب : المسک الأذفر نداشتیم به همین اشاره

ص: 371

محمد باقر شیرازی خطاط ص 102 دوم :

اسامی چهار نفر خطاط بنام محمد باقر که آثار آنها از سال 1310 تا 1209 بخط نسخ و نستعلیق آثاری دارند را از کتاب : خط و خطان مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی نقالی کردیم و گفتیم هیچکدام اینان شیرازی نیستند اینک جهت تکمیل مطلب گوئیم :

مرحوم رفیعی مهر آبادی علیه الرحمه در پاورقی کتاب : آثار ملی اصفهان (ص 131) ذکری از محمد باقر شریف شیرازی نموده و آثار او را از سال 1201 تا سال 1312 ذکر می کند (که یقیناً سالهای آخر از روی کتیبه های قبل گرده برداری شده و او تا این تاریخ زنده نبوده است)

مرحوم دکتر بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص 1901) از خطاطی بنام: محمد باقر شیرازی نام میبرد و قرآنی بخط نسخ و آخر آن رقع مورخ سال 1268 یاد می کند که احتمالاً همین محمد باقر شیرازی صاحب عنوان است .

آن مرحوم در کتاب خود جمعه از 30 نفر بنام محمد باقر یاد می کند و هیچکدام را بعنوان شریف آتشی شیرازی ذکر نمی کند . و آقا محمد باقر سموری مرحوم دکتر بیانی در کتاب خود در دو جا نام او را ذکر نموده است :

۱- محمد باقر سموری (ص 950) 2 - محمد نور اسکانی (ص 1101)

تاریخ وفاتش را از قول سپهر در سال 1233 می نویسد و خود گوید که یقیناً اشتباه است زیرا یک نسخه از: کتاب کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بخط او در کتابخانه سلطنتی طهران مورخ به ربیع الاول سال 1297

فرزندان مرحوم حاج محمد باقر ثانی بیدآبادی

صفحه 177 دوم؛ نوشتیم که آن مرحوم دارای چهار فرزند پسر و یک دختر داشته اینک توضیحاً گوئیم :

مرحوم حاج سید محمد باقر دارای هفت فرزند پسر و دو دختر از زندهای خود داشته است باین شرح داشته است

1- مرحوم حاج سید محمد جعفر علم الهدی فاضل بزرگوار 2- مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد رضا شفقی علیه الرحمة

3- مرحوم آقا سید عبدالکریم ساکن تهران و مدفون در گورستان بهشت زهراء

4- مرحوم آقا سید محمد علی ساکن اصفهان مدفون در تکیه مرحوم بروجردی (در بکوشکی)

- مرحوم سید احمد ایت کاری برای سری : مرحوم سید عبدالرضا 7- مرحوم سید هادی

سه نفر اخیر بدون اولاد وفات یافته اند و فرزندان سه پسر دیگر در طهران ساکن وبخدمات دولتی اشتغال دارند و برخی از آنان از مصادر امور و در مقامات

حساس کشور قرار دارند و فرزندان مرحوم حاج سید محمد رضا شفقی را نیز بیان داشته ایم

و اما دختران : 1 دختری که شوهر نکرده و وفات یافته است .

2- علویه حاجیه زهرا خانم زوجه مرحوم حاج آقا جلال الدین کلیشادی فرزند آقای سید محمد رضا حسینی رحمة الله علیهما .

گفتم که مرحوم شفتی از سه زوجه خود سه فرزند پسر و چندین دختر یافت و اسامی پسران را نوشتیم اکنون گوئیم که :

یکی از دامادهای آن مرحوم حاج سید آقا رضا ابو البرکات دیباجی سدهی فرزند حجة الاسلام آقا سید محمد علیه الرحمه بود که تحصیلات علوم جدید و قدیم را هر دو آموخته و علاوه بر مسجد و محراب و منبر در دبیرستانها بشغل دبیری و بعنوان استاد دانشگاه در اهواز و اصفهان انجام وظیفه مینمود . عالمی خلیق و فاضلی مهربان و در مسجد و دبیرستان و دانشگاه متعهد و معتقد به شغل خود و کوشا در انجام وظائف دینی و اجتماعی بودخدایش رحمت کند (رجب 1300/1401 ذی الحجة الحرام) پس از فوت در سده (خمینی شهر) مدفون گردید. ویرا تألیفاتی است که هیچکدام بچاپ نرسیده است .

داماد دیگر ایشان فاضل مکرم و واعظ محترم جناب آقای حاج سید محسن افضل نژاد هرندی فرزند مرحوم حجة الاسلام آقای حاج سید محمد جواد افضل نژاد هرندی رحمة الله علیه میباشند، عکس ص 192 دوم متعلق است به مرحوم حاج سید محمد منجم باشی پدر یکی از ازواج مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی مادر مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی رحمة الله علیه .

سید محمد جواد شفتی

حجة الاسلام سید محمد جواد شفتی فرزند ارشد و اکبر مرحوم حجة الاسلام سید محمد رضا شفتی در سال 1308/9/11 متولد و در ضمن تحصیلات جدید تا دانشگاه به حوزه وارد و بعد از فراغت از سطوح در اصفهان به نجف اشرف مشرف و حدود یازده سال اشتغال بتحصیل داشتند .



حجة الاسلام سيد محمد جواد شفتی

باب كوشك صفحه ۲۱۱ دوم سطر ۱۳ :

در آنجا نوشتیم که باب كوشك را باب القصر گویند و سپس اظهار داشتیم
که محله دربكوشك از محلات تابع بيدآباد همان باب كوشك است اینك جهت
توضیح و رفع اشتباه و اصلاح مطلب گوئیم :

- ۳۷۵ -

شماره 1

حجة الاسلام سيد محمد جواد شفتی باب كوشك

صفحه 211 دوم سطر 13:

در آنجا نوشتیم که باب كوشك را باب القصر گویند و سپس اظهار داشتیم که محله در بكوشك از محلات تابع بيد آباد همان باب كوشك است اینك جهت
توضیح و رفع اشتباه و اصلاح مطلب گوئیم :

ص: 375

محلله در بکوشک و محلله باب کوشک دو محلله می باشد اولی از توابع محلله بید آباد و دومی جزو بیهودیه بوده است .

حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (صفحه 212 دوم) در ضمن شرح حال محمد بن حسن بن سعید اصفهانی گوید :

در بیهودیه در محلله با بکوشک حدیث می گفته .

واز معروفین این محلله است : أحمد بن ابراهیم با بکوشکی متوفی بسال 278 هـ. ق (صفحه 98 یکم ذکر اخبار اصفهان).

مدارس دینی در محله بید آباد

ص 219 دوم :

گفتیم که در این محلله چندین مدرسه جهت تحصیل علوم دینی از طرف بزرگان بنا گردیده است از آنجمله است :

2- مدرسه میرزا مهدی ...

مرحوم میرزا مهدی اشتهاوردی از منشیان او اخر صفویه ودوره نادر شاه در محلله بید آباد ساکن بوده و از آثار او: 1- آسیای اشتهاوردیها 2- کوچه میرزاها و خاندان معروف میرزاهاى چهارسوق على قلى آقا که نام خانوادگی آنان: تابش می باشد و عموم آنان افرادی تحصیل کرده و متدین و خدمتگزار بدین جامعه می باشند .

مدرسه میرزا مهدی در سال 1908 بوسیله شهرداری بعنوان ساختن پارکینگ و پناهگاه و تعریض خیابان خراب شد و اکنون نام او و اثر او از بین رفته و فقط اطاقهای شرقی آن باقیست .

این مدرسه علاوه بر حجرات و سکونت طلاب در آن جنبه مسجدی نیز داشت و در این اواخر جنبه مسجد بودن آن بر مدرسه بودن غلبه داشت.

تولیت مدرسه از طرف واقف مربوط به آقایان میر محمد صادقی اعقاب

ص: 376

مرحوم میر محمد اسماعیل مدرس میر محمد صادقی بوده و ائمه جماعت آنجا در زمان نویسنده عبارت بودند از :

1 - عالم جلیل فقیه کامل عابد زاهد مرحوم آقا شیخ احمد بید آبادی معروف به حسین آبادی

2- عالم جلیل مرحوم حاج ملا اسد الله فاضل بید آبادی ۳- عالم جلیل مرحوم حاج آقا محمد مقدم بید آبادی 4 - عالم جلیل مرحوم آقا حبیب مقدس بید آبادی ه - حجة الاسلام آقای حاج سید عباس فقیه احمد آبادی سلمه الله . . قدمگاه ص 218 دوم:ا

از این نوع قدمگاهها که برخی آنرا جای پای بزرگان و ائمه دین علیهم السلام میدانند و عده ای معتقدند که کسی یکی از آنان در این جایگاه بخواب دیده و بعدا این جا را برای تذکار خواب خود ساخته و پرداخته در بعضی دیگر از شهرهای ایران نیز آثاری نمودار است از آنجمله در شهر کاشان :

- قدمگاه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در شهر کاشان نزدیک

دروازه عطا

2- قدمگاه صالح آباد خارج از دروازه حاجی جمال معروف به قدمگاه

2 - قدمگاه علی در قریه کله ، جای پنجه های حضرت

- قدمگاه در کوه قریه کله

در هر چهار موضع قدمگاهها دارای صحن و بقعه بوده و مردم زیارت آنجا میرفته اند

ص 442 تاریخ کاشان تألیف سهیل کاشانی

ص: 377

آنچه مسلم است اینکه عموم این قدمگاهها برای توجه مردم مسلمان و شیعه به موالیان عظام و ائمه طاهرین بوده و انتساب آنها بحضرات معصومین بدون دلیل و خالی از اعتبار است و ممکن است که جهت یاد آوری رؤیای مؤمنی از یکی از بزرگان دین باشد.

خراب کردن افغانه محله بیدآباد

را (ص 228 دوم): آنچه معروفست و در افواه مردم مذکور آنکه :

مردم اصفهان در برابر حمله و هجوم وحشیانه عده از افغانه بریاست محمود از خود حرکتی نشان ندادند و همگان چشم بسته تسلیم حوادث گردیدند اما با مراجعه به تواریخ و نوشته های مورخین و مطلعین از ایرانیان و غربیان که در آن دوره بحرانی و یا پس از آن رویداد تاریخی که حق آنرا باید : فاجعه تاریخی نامید نوشته اند معلوم میشود که مردم این شهر محله به محله و مردم دهات و روستاها قریه بقریه مقاومت نموده اند و در حد توان خود مقاومت نموده اند و جهت حفظ شهر و دیار خود جان و مال و ناموس و شرافت خود کوششها نموده اند لکن بععل و موجباتی که مهمتر از همه آنها نداشتن فرماندهان کاردان و دلسوز و شاید خیانت برخی دیگر از سران مملکت نتوانسته اند کاری از پیش ببرند .

ذیلا توجه خوانندگان را بمطلب زیر معطوف میدارد :

دکتر و پلم فلور در کتاب : بر افتادن صفویان و بر آمدن محمود افغان که بوسیله دوست دانشمند و مترجم بزرگوار فاضل ادیب شاعر جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم سری فرزند برومند شاعر فرزانه و ادیب گرانمایه مرحوم آقا سید ابراهیم بن ابوالقاسم موسوی پودهای متخلص به : سری که خود از طرف مادر بخاندان جلیل سید حجة الاسلام نسب میرساند ترجمه گردیده است بخلاصه می نویسد :

چهارم آوریل 1721 - بامداد پگاه در دمیدن آفتاب آگاه شدیم که افغانان

ص: 378

با سیصد مرد به محله بیدآباد در شمال شهر تاخته بیشتر خانهها را ویران ساخته اند و از آنجا کوشیده اند به عباس آباد که در باختر آنست بتازند اما بیاری خدا و مردانگی خواجه احمد آغا که به شتاب جلو آنها را گرفته پس رانده شده و دو از ده کشته داده اند و از ایرانیان 26 تن کشته شده است (ص 139 بر افتادن صفویان بر آمدن محمود افغان)

چهارم اوت 1721 - افغانان سخت به محله بیدآباد تاختند اما به علت وجود توپخانه هیچ نتیجه ای نتوانستند بگیرند (ص 199 بر افتادن صفویان، ...)

سید حسن شفتی

(صفحه 23 دوم):

علامه طهرانی رحمه الله علیه ویرا در کتاب : طبقات اعلام الشيعة : أحياء الدائر في القرن العاشر (ص 54) عنوان نموده و گوید :

از شاگردان شهید ثانی و از علماء قرن دهم هجری است . ساختمان روی حوض مسجد جامع -

کلاه فرنگی

صفحه 308 دوم :

گفتیم که در روی حوض مسجد جامع که در وسط صحن قرار دارد (مسجد جامع یک حوض آب دیگر نیز جلوی ایوان شمالی دارد) بر دو جرز آجری آن دو لوحه سنگی از سنگ مرمر هر یک بطول 57 و عرض 50 سانتیمتر نصب گردیده و مضمون یکی از آنکه در زمان سلطان محمد خدابنده در سال 980 ساخته شده و بر دیگری چهار سطر شعر است شعر بر این اینکه یوسف آقا در زمان غیاث الدین میر میران تالار روی حوض را در سال 980 هجری بنا کرده است. نویسنده کتیبهها صحیفی خطاط است .

مرحوم دکتر مهدی بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص 327 یکم) نام او را ذکر کرده و ماده تاریخ وفاتش را از حکیم شفائی نقل نموده که سال 1022 میشود (رفت ملا صحیفی از دنیا) و از قول تذکره میخانه گوید که

ص: 379

وی اصلا شیرازی است .

در کتاب رجال اصفهان (ص) قبر او را در جنب قبر امامزاده سه تن مجاور مسجد آقانور در محله در دشت می نویسد .

ظاهراً علت بنای آن جهت اعیاد فطر و اضحی و روزهای جمعه در نماز جمعه بوده که مؤذن در آنجا تکبیرات نماز را بصدای بلند می گفته که تمام جمعیت حاضر در مسجد بشنوند (مؤذن اولی در زیر گنبد محل اقامه جماعت و محراب امام جماعت بوده و در اینجا تکبیرات را تکرار میکرده اند . این نظریه ای است که فعلاً میتوان جهت ساختمان آن بیان کرد تا بعداً تحقیق بیشتری بشود.

اصلاح صفحه بندی

صفحات 329 و 327 و 328 دوم :

متأسفانه در صفحه بندی صفحات یاد شده از طرف ... اشتباهی شده که اینک اصلاح می شود : I

صفحه 327 سطر سوم : هی : تکمیل بنای مسجد سید

صفحه 328 سطر دوم : مطلع قصیده از صفحه 321 تا دو سطر از صفحه

بنابراین ترتیب مطالب صفحات نام برده باین طریق است : تکمیل بنای مسجد سید صفحه 327 و سطر اول صفحه 328 مطلع قصیده صفحه 329 تا دو سطر از صفحه 327 کتیبه های داخلی صفحه 328 سطر دوم تا آخر صفحه علیهذا مطالب دو صفحه اول (329 و 327) باید جابجا شود .

حاج سید اسد الله بید آبادی و خط

صفحه 360 دوم :

مرحوم دکتر مهدی بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص 99 یکم) می نویسد :

ص: 380

قطعه ای بخط نستعلیق چهار دانگ خوش دارم که سید علی اکبر گلستانه در پشت آن نوشته است :

خط مرحوم خلد آشتیان حجة الاسلام سید اسدالله خلف مرحوم حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی که در اصفهان ساکن بوده و مرحوم شده و کتیبه دور مقبره مرحوم حجة الاسلام هم تماما خط آن مرحوم است که در محله بید آباد اصفهان است (انتهی)

سید علی اکبر گلستانه فرزند حاج میرزا محمدابراهیم گلستانه ملقب به احتشام السادات (1276 - 1319) از خطاطان معروف و در نستعلیق و شکسته استاد مسلم زمان بوده است. وی در اصفهان متولد و پس از تکمیل مراتب علمی و خط مسافرتی به شهرهای مختلف نموده و سپس در تهران ساکن شده و پس از وفات که در جوانی رویداد جنازه او بقم منتقل و در آن ارض مقدس مدفون گردید (ص 637 - احوال و آثار خوشنویسان). ل

انتقاد صحیح

غیر از عیب جوئی است : رسانی | از امثال سائره است که : من صنف قد استهدف و گفته اند که :

وما احد یكون له مقال فیسلم من ملام او ملوم آنچه مسلم است آنکه یکی از راههای اصلاح فرد و جامعه انتقاد است بشرط آنکه آلوده به اغراض و نظرات شخصی نباشد.

پس از چاپ و انتشار بعضی از آثار نویسنده یکی از آشنایان کتاب را ورق زده و بدون آنکه حتی یک سطر آنرا بخواند یکی از عکسهای کتاب را دیده و تبسمی زهر آگین بر لبهایش ظاهر شد و شروع به عیبجوئی از آن شخص در کتاب نموده و گفت : موضوع کتاب روشن شد . ظاهرا او مایل بود که از کسانی که وی با آنها نظر خصوصی دارد نامی برده نشود .

ص: 381

در چند سال قبل دیگری کتاب: گنجینه دانشمندان را ورق میزد و نمیخواند بنام یکی از اهل منبر طهران بر خورد کرد و فوراً کتاب را بر زمین نهاده و گفت اینهم که شرح حال روضه خوانهاست. او ظاهراً اهل منبر را قابل ذکر نمیدانست غافل از آنکه خدمتی که این طبقه از روحانیون به اسلام و شیعه نموده اند و مینمایند از حد وصف افزون است و شاید او خیال میکرد که منبریان عموماً فضل و دانشی ندارند و نمیدانست که در بین سلسله اهل منبر کسانی همچون شیخ جعفر شوشتری - آیت الله حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی - حاج میرزا علی هسته ای - مرحوم حاج شیخ مرتضی مطهری و مرحوم حاج شیخ حسینعلی راشد و دهها بلکه صدها دانشمند و فقیه و حکیم دیگر بوده و میباشند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شارع و واضع احکام حلال و حرام و ائمه طاهرین علیهم السلام مبین آنها و در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مجتهدین بزرگوار و وظیفه حفظ و نگاهدای و بیان احکام و استنباط آن از مصادر بوده و همین اهل منبر بودند و میباشند که وسیله ابلاغ احکام خداوند تبارک و تعالی به مردم را داشته و دارند و الحق و الانصاف بوظیفه خود بهترین وجه عمل نموده اند و باید گفت وجود مذهب شیعه و رواج آن فقط و فقط بوسیله همین افراد یعنی بقول آن گوینده بی اطلاع روضه خوانها میباشند. اگر اینان نبودند نام شیعه و نام مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام و داستان جانسوز کربلا فراموش میشد. این روضه خوانها بودند که در طول تاریخ این مشعل فروزان هدایت را روشن نگاه داشتند.

و در اینجا متذکر میشوم که هیچ نویسنده ای تا کنون مدعی نشده است که آنچه را که نوشته ام خالی از عیب و نقص می باشد البته اهل مطالعه و تحقیق وظیفه دارند که اشتباهات و نقایص را تذکر دهند تا مؤلفین کتب در اصلاح آن بکوشند

اما نباید که این تذکرات جنبه شخصی و فردی داشته و بعنوان عیب یاد آوری شود

در هر حال نویسنده در کلیه موارد آماده شنیدن نواقص و اشتباهات مؤلفات خود بوده و در صدد اصلاح آنها در موقع مقتضی با تذکر به نام بزرگانیکه مرا به اشتباهم واقف فرموده اند بر خواهد آمد و در اینجا از لطف آنان نسبت بخود تشکر و سپاسگزاری می کنم .

ص: 383

در کتاب حاضر علاوه بر اطلاعات شخصی و آنچه از افراد مورد اعتماد و وثوق شنیده ام و نقل شده از کتابها - مجله ها - رسائل زیر نیز استفاده شده است:

* قرآن مجید : کلام الله المجید 1، آتشکده اردستان : ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی 2. آثار عجم : فرصت الدوله شیرازی 3. آثار ملی اصفهان : ابوالقاسم رفیعی

4، آداب الجمععات : سید محمد تقی فقیه احمد آبادی 5، آشنائی با چند نسخه خطی 6، آگهی شهن از کار جهان : حاج میرزا حسن خان انصاری

7، احسن الودیعه : سید محمد مهدی موسوی 8، احوال و آثار خوشنویسان ، دکتر مهدی بیانی 9، احیاء الدائر فی القرن العاشر : شیخ آغا بزرگ طهرانی

10. از کلینی تا خمینی : سید محمد گلپایگانی 11. اسلام در 14 قرن : سید محمود خیری 12. اسناد المصنفی : حاج شیخ آغا بزرگ 13. الأصفهان : حاج میر سید علی جناب 14. اصلاح الوجوه والنظائر : دامغانی 15. اصول کافی : محمد بن یعقوب کلینی 16، اعلاط در انساب : سید عبد الحجت بلاغی 17، اعیان الشیعه : سید محسن امین عاملی 18. امالی : شیخ صدوق 19 - امیر شوکت الملک علم : محمد علی منصف 20. انجم فروزان : حاج میرزا عباس فیض 21. ایران و مسئله ایران : لرد گرژنا 22. بحار الانوار : علامه مجلسی سادگی 23. بدایع الانساب : میرزا مهدیخان بدایع نگار 24، البدر التمام : حاج میرزا ابو الهدی کلباسی 25، بزرگان رامسر : شیخ محمد سماوی 26. بستان السیاحه : حاج میرزا زین العابدین شیروانی 27. بلوای اصفهان : حاج شیخ محمد باقر الفت (نسخه خطی) 28. بهارستان : حاج شیخ محمد حسین آینی 29. پیشگوئی پیشریان : بحاج احمد آقا سیاح 30. تاریخ ابنیه تاریخی اصفهان 31. تاریخ ادبیات ایران : ادوارد برون

32. تاریخ اصفهان : جابری انصاری 33. تاریخ اصفهان وری : جابری انصاری 34 به تاریخ بیهق 35. تاریخ تذکره های فارسی 36. تاریخ جراند
ومجلات : سید محمد صدر هاشمی 37. تاریخ زنجان : حاج سید محمد ابراهیم زنجانی 38. تاریخ شعراء و علماء گیلان : شیخ حسن شمس گیلانی
39. تاریخ عضدی . 4. تاریخ علمای خراسانی: میرزا عبدالرحمن مدرس (تعلیقات و حواشی حاج شیخ محمد باقر ساعدی) 41. تاریخ قم : ناصر
الشریعة 42. تاریخ الکوفه ؛ سید حسون براقی 43. تاریخ نائین : سید عبد الحجت بلاغی 44، تاریخ و جغرافیای چهار محال : سید کریم نیک زاد حسینی
45. تبصرة المعاریف : سید عزیز الله امامت 46. تحفة الأحاب : آقا طه بهشتی 47. تذکره اختر 48. تذکره الأطباب : محمد حسن رجائی زفره ای 49،
تذکره الانساب : میرزا حیدر علی مجلسی 50. تذکره خوشنویسان معاصر ؛ علی راه جیری .. 51. تذکره العارفين 52. تذکره القبور : ملا عبدالکریم گزی

53. تذكرة الملوك 54. تذكرة نصر آبادی : میرزا طاهر نصر آبادی 55، تراجم الرجال : سید احمد حسینی 56. ترجمه روضات الجنات : شیخ محمد باقر ساعدی

57، ترجمه بها سن اصفهان 58. تفسیر ابوالفتح : ابوالفتح رازی 59، تفسیر جامع : حاج سید ابراهیم بروجردی 60، تفسیر شریف : محمد بن شیخ علی لاهیجی 61. تفسیر قمی : علی بن ابراهیم 62. تفسیر منهج الصادقین : ملافتح الله کاشانی 63، تفسیر المیزان : علامه طباطبائی 64. تقویم تطبیقی 1500 سالها 65، تکمله امل الأمل : سید حسن صدر کاظمینی 66. تکمله نجوم السماء : میرزا محمد مهدی لکهنوی 67. الثقات العیون : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی 68. جغرافیای اصفهان : دکتر سیروس شفقی 69، جغرافیا و تاریخ چهار محال : کریم نیک زاد حسینی 70 حقایق اسرار ناصری 71. خط و خطاطان : ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی 72. خلد برین : حاج شیخ احمد بیان 73. دار السلام : شیخ محمود عراقی 74. داستانهائی از 50 سال : سید معز الدین مهدوی .

ص: 405

75. دانشمندان و بزرگان اصفهان : سید مصلح الدین مهدوی 76. دائرة المعارف دانش بشر 76. الدر المثلث : شیخ علی سبط شهید 77. دیوان هما : رضا قلیخان همای شیرزای 78. الذریعة : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی 79. ذکر اخبار اصفهان : حافظ ابو نعیم اصفهانی 80. رجال اصفهان : سید مصلح الدین مهدوی 81. رجال سید : سید محمد باقر حجة الاسلام 82. رجال نجاشی ، ابو العباس احمد بن علی 83. رستم التواریخ : محمد هاشم رستم الحکماء 84. روضات الجنات : میرزا محمد باقر چهارسوقی 85. روضة البهیه : حاج سید شفیع جابلقی 86. روضة الصفا : رضا قلی خان هدایت اله 87. ریحانة الادب : میرزا محمد علی مدرس تبریزی 88. زاد المعاد : علامه مجلسی . 89. زندگینامه آیت الله بهبهانی : حاج شیخ علی دوانی 90. زندگینامه آیت الله چهارسوقی : حاج سید محمد علی روضانی 91. زندگینامه علامه مجلسی : سید مصلح الدین مهدوی 92، سرچشمه تصوف : سعید نفیسی . . 93 - سفرنامه : رضا قلی میرزا 94 - سفرنامه حج : میرزا حسین خان فراهانی 95 سفر نامه شاردن : ترجمه حسین عریضی و ترجمه محمد عباسی

96، سفينة البحار : حاج شيخ عباس قمى 97 . سؤال وجواب : سيد حجة الاسلام 98. شخصيت و زندگانی شيخ انصاری : حاج شيخ مرتضى انصاری
99، شرح حال حاجی کلباسی : محمد علی معلم حبیب آبادی (نسخه خطی) 100. شرح حال رجال ایران : مهدی بامداد 101 شرح حال شيخ زاهد
گیلانی : محمد علی گیلک 102. شناسنامه جغرافیائی ایران 103. شيخ آقا بزرگ طهرانی : محمد رضا حکیمی 104، صحیفه سجادیه : حضرت سجاد
علیه السلام 105 .. صدر التواریخ 106 صفات الشیعه : شيخ صدوق 107. ضیاء الدرایه : حاج سيد ضیاء الدین علامه 108. طرائق الحقایق :
معصومعلیشاه ساری 109. عالم آراء عباسی ، اسکندر بیك منشی 110. علماء معاصرین : حاج ملا علی خیابانی 111. عمدة الطالب 112. عنوان
الشرف : شيخ محمد سماوی 113 . عیون اخبار الرضا علیه السلام : شيخ صدوق 114. الفخری : عز الدین ابی طالب ازورقانی 115 - الفرق بین الفریضه
و النافله : حاج آقا منیر الدین بروجردی 116. فوائد البهائیه : بهاء الدین محمد صدری 117 ، فوائد الرضویه : محدث قمی

118 . فهرست کتابخانه الهیات مشهد 119 . فهرست کتابخانه جامع یزد 120 . فهرست کتابخانه دانشکده حقوق 121 . فهرست کتابخانه دانشگاه . 122 .
فهرست کتابخانه رضویه آستان قدس 123 ، فهرست کتابخانه عمومی اصفهان : محمد جواد مقصود 124 . فهرست کتابخانه فیضیه قم : حاج شیخ رضا
استادی 125 . فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی 126 0 فهرست کتابخانه جامع گوهر شاد 127 . فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی 128 .
فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی : سید احمد حسینی 129 . فهرست کتابخانه ملی طهران 130 . فهرست کتب خطی : احمد منزوی سواری
131 . فهرست مشاهیر علمای زنجان : شیخ موسی زنجانی 132 ، فهرست مؤلفین کتب چاپی : خانبا با مشار 133 . قصص العلماء : میرزا محمد تنکابنی
134 . قصه قصه ها : محمد علی جمال زاده

، کافی با اصول کافی : محمد بن یعقوب کلینی 135 • کامل الزیارات : محمد بن قولویه قمی 136 - الکرام البرره : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی 137 .
الکنی والألقاب : حاج شیخ عباس قمی 138 . گنج شایگان : میرزا طاهر شعری

- 139، گنجینه آثار تاریخی اصفهان : دکتر لطف الله هنرفر 140. گنجینه دانشمندان : حاج شیخ محمد شریف رازی 141. لباب الالقاب : ملا حبیب الله کاشانی 142. اللوامع المحمدیه : سید مصطفی موسوی 143. لؤلؤة البحرين : حاج شیخ یوسف بحرینی 144. الثانی الأخبار : شیخ عبد النبی تویسرکانی 145. المآثر والاثار : محمد حسن خان اعتماد السلطنه 146. ماضی النجف وحاضرها : شیخ جعفر آل محبوبه نجفی 147، مجالس المؤمنین : قاضی نورالله شوشتری 148، المجدی : ابوالحسن علی بن محمد عمری 149. مجله یادگار : عباس اقبال آشتیانی 150. مجمع الرجال : مولی عنایت الله قهپایی 151. مجمع العضاء : رضا قلیخان هدایت 152، مجموعه تاج : شیخ مهدی تاج لنگرودی 153. محاسن اصفهان : مفضل بن سعد ما فروخی 154. مرآت القاسان : عبدالرحیم کلانتر ضرابی بنام : تاریخ کاشان بچاپ رسیده است)
155. مستدرک سفینه البحار : حاج شیخ علی نمازی 156. مستدرک الوسائل : حاج میرزا حسین نوری 157. مصباح الزائر : حاج شیخ عباس قمی 158. مطالع الأنوار : سید حجة الاسلام شفتی 109. مطالع الشمس : محمد حسن خان صنیع الدوله

160 . معادن الافادات : حاج ميرزا حبيب الله نير 161 . معارف الرجال : شيخ محمد حرز الدين نجفى 162 . معانى الاخبار : شيخ صدوق 163 .
معجم رجال الحديث : آيت الله خوئى 164 . معجم رجال الفكر والأدب : شيخ محمد هادى امينى 165 . معرفة القبلة : ميرزا عبد الرزاق خان بغايرى
166 . مفاتيح الجنان : محدث قمى 167 . مفردات : راغب اصفهانى 168 . مقدمه ترجمة رساله قشيريه : بديع الزمان فروزانفر 169 ، مقدمه ترجمه قرآن :
زين العابدين رهنما 170 . مقدمه ديوان طرب : استاد جلال الدين همائى 171 . مقدمه ديوان عبرت 172 . مقدمه لطائف غيبية : حاج سيد جمال الدين مير
دامادى 173 . مقدمه مقتضب الأثر 174 . مقدمة مناهج المعارف : حاج مير سيد احمد روضاتى 175 . مكارم الاثار : محمد على معلم حبيب آبادى
176 . منتخب التواريخ : حاج ملا هاشم خراسانى 177 . منتخب الدعاء : شيخ محمد باقر شريعتى دهاقانى 178 . منتظم ناصرى : محمد حسن خان
اعتماد السلطنه 179 . منتقلة الطالبية : ابراهيم بن ناصر طباطبائى 180 . منتهى الامال : حاج شيخ عباس قمى (وتتممة المنتهى) * . منهج الصادقين : ملا
فتح الله كاشانى

181 ، موسوعة العتبات : جعفر خلیلی 182 . میرزای شیرزای : ترجمه هدیه الرازی تألیف حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی 183 . نابغه فقه و حدیث : حاج سید محمد شیرازی 184 ، نسخ التواریخ : سپهر 185 . نامه سخنوران سپاهان : نشریه اداره فرهنگ و هنر 186 . نجم الثاقب : حاج میرزا حسین نوری 187 . نخبة المقال : سید حسین بروجردی 188 . نصف جهان فی تعریف اصفهان : آقا محمد مهدی ارباب 189 . نقباء البشر : حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی 190 : نقش روحانیت پیشرو : حامد آگاز 191 ، نمونه مختصر المکارم : معلم حبیب آباد (نسخه خطی) 192 ، نمونه معارف اسلام : علی فصیحی ساری 193 . نهج البلاغه : گردآوری : سید رضی 194 . نهج الفصاحه : گردآوری : ابوالقاسم پاینده 195 . نوابغ الرواة : حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی 196 ، وجوه قرآن 197 ، وحید بهبهانی ، شیخ علی دوانی 198 ، وسائل الشیعه : شیخ حر عاملی 199 . وفيات العلماء : شیخ حسین جلالی شاهرودی 200 . وقایع السنین والاعوام : سید عبدالحسین خاتون آبادی 201 . هدایة الأنام : حاج شیخ عباس قمی

202 . هداية السالكين : آفا محمد عماد الإسلام 203 . هدية الأحاب : حاج شيخ عباس قمى 204 . هدية الزائرين : حاج شيخ عباس قمى 205 . هدية
العارفين : اسماعيل پاشا بغدادى

ص: 412

اسامی بعضی از آثار چاپ شده نویسنده:

- 1- ارمغان اصفهان : شرح حال آیت الله حاج سید علی بهبهانی
- 2- بیان المفاخر : کتاب حاضر (2 جلد)
- 3- تاریخ مختصر سامراء
- 4- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان : شرح حال خاندانهای علمی وابسته مسجد شاه (3 جلد)
- 5- تاریخچه محله خواجه
- 6- تاریخچه مدارس دینی اصفهان : ضمیمه : محیط ادب
- 7- دانشمندان و بزرگان اصفهان
- 8- رجال اصفهان: حواشی و تعلیقات بر : تذکرة القبور
- 9- زندگانی حضرت عسکری علیه السلام : ضمیمه تاریخچه سامراء
- 10- زندگانی حضرت هادی علیه السلام: ضمیمه تاریخچه سامراء
- 11- زندگینامه علامه مجلسی (2 جلد)
- 12- شرح حال آیت الله بروجردی
- 13- شرح حال آیت الله آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی: مطبوع در مجله نور علم - قم
- 14- شرح حال سه نفر از خاندان کلباسی : مطبوع در مقدمه : حقوق زن
- 15- شرح حال شهید اصفهانی (آل رسول): مطبوع در مقدمه: تحفة الأبرار
- 16- شعرای معاصر اصفهان : از 1350 قمری به بعد تا موقع چاپ
- 17- عطیة الجواد علیه السلام: زندگانی و سخنان آنحضرت
- 18- غایة الأمال و الأمانی: شرح حال سید هاشم بحرانی (مطبوع در مقدمه : اللوامع النورانیة).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادیه ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

